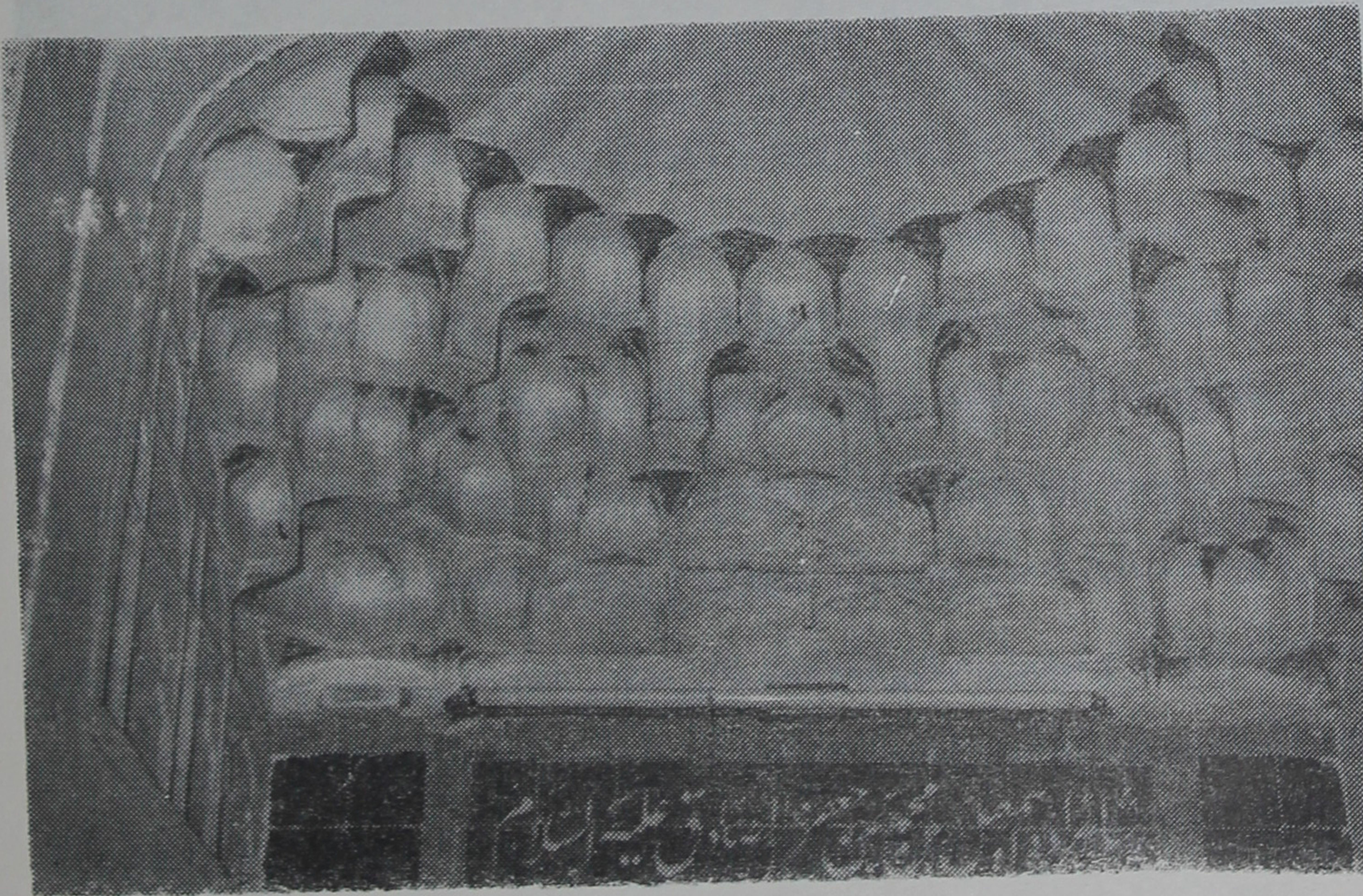
وبرفراز بقعه گنبدی است هرمی شکل وهشت ترکی به ارتفاع ۹ متر آراسته به کاشیهای دوالی فیروزه فام تعمیری با نقوشی از کاشیهای الوان که زیباتر از گنبدهای هرمی سایر مشاهد متبرکه است با عنقی مضلع ومزین به کاشیکاری معقلی.

ایوانچه

ودر مدخل بقعه ازجانب شمالی ایوانچه ایست که بسبك عصر ازقطر پایه گرفته اند به دهانه دو و عرض یك وارتفاع ۵ متر با ازاره ای متنوع ازسیمانی و کاشی تعمیری وجدار ساده سفید کاری وپوشش مقرنس گچی باستانی که حوضچه های آنها در هرردیف آراسته به کنده کاری گل و بوته ودروسط آنها اسامی جلاله ونامهای معصومین بخط ثلث برجسته گچبری شده اند که روی آنرا هنگام تعمیر تخریب کرده گچ کاری ساخته اند وازخلال سفید کاری کتبه های آنها بچشم میخورد.

ودرگاه بقعه کوتاه وتنگ ودرجبهه آن کتیبه ایست ازکاشی خشتی وروی آن به خط نستعلیق مشکی چنین نوشته شده است:



تصویری از ایوانچه وکتیبه وپوشش ومقرنس آن

(شاهزاده اسمعیل بن محمدبن جعفرالصادق علیه‌السلام)

که دراین کتیبه‌هم نام متوفی وجداعلایش محمد دیباج ابن امام صادق‌قید ووسائط‌اسقاط‌شده است.

ودرجهت شرقی بقعه مسجدی است نوبنیان که‌بداخل بقعه هم راه دارد ودر جانب شمالی بقعه ومسجد مزبور صحنی‌است به وسعت ۲۰ در ۳۰ متر که جدار شرقی آن‌نمابندی ساده ودر ضلع‌شمالی آن حجره‌ای‌جهت‌سکونت خادم کشیك‌چی جنب‌درب ورودی‌است ودرجلو مدخل‌صحن‌ازخارج میدان کوچکی ودرشمالی آن مسجدی نوساز دیده‌می‌شوند.

ودر جانب غربی صحن وبقعه باغچه مشجری است که جانب جنوبی بقعه‌و مسجدرا هم فراگرفته است وچنین میرساند که‌سابقاًدر چهارجهت گنبدگورستانی که بقعه را درمیان‌گرفته‌بوده‌است‌وجودداشته و در قسمتی‌از آن‌عمارتی‌بنام‌مسجد بنا کرده‌اند وقسمت شمالی راهم بصورت صحن درآورده‌قسمتهای غربی وجنوبی‌رابا غرس‌اشجاری پوشانده‌اند ولی چون زمین‌این‌باغچه‌بواسطه آنکه قرنها قبرستان‌بوده زمینش سست وآبکش‌است رطوبت آن به اعماق این بنای تاریخی نفوذ کرده موجب شکست جدار شاه‌نشین‌جنوبی گردیده است‌که حفاظت ومرمت آن‌ضروری واز طریق افزایش کمربندی فلزی واحداث خرك در باغچه جنوبی از خرابی‌آن باید جلوگیری بعمل آید.

در پایان چنانکه وعده داده شد پیرامون دقایقی که از بعضی کلمات کتیبه کمربندی می‌توان استنباط کرد به بحث میپردازد تادرمسئله‌ایکه تا حال نزد ارباب تألیف وتصنیف مکتوم بوده‌است (تاجائیکه بکلی منکر وجود سید سربخشی بنام اسمعیل گردیده مدفن ویراهم از محمد عزیزی پنداشته حتی‌نام اسماعیل‌راهم‌اشتباه دانسته‌اند) شاید درپیشگاه محققین‌روزنه‌ای بگشاید.

وآنچه که‌پیرامون هویت اسمعیل مدفون دراین بقعه درگذشته نگاشته است

با آنچه که بعداً مینگارد مسئله‌ایست ابتکاری که درنتیجه تتبعات و بررسی های تاریخی توأم بااستنباطات شخصی ازمجموعه شواهد ومدارك . قرائن و امارات به دست‌آورده برای نخستین بار در سینه این صحایف میسپارد تادر معرض بحث و انتقاد قرارگرفته شاید این‌راه‌بسته باز ودر این زمینه حقائقی کشف شود وبنابراین مینگارد که :

اولا از کلمه معصوم که جلو نام وی افزوده‌اند چنین استفاده می‌شود که ابوالمعالی اسمعیل چون از آغازورود بقم دورازهیاهوی زندگی درمحیط خارجی درگوشه عزلت وانزوا سرگرم عبادت وبندگی بسر می‌برده است از دیدگاه مردم قم سیدی معصوم بوده است که این وصف درباره کمترامامزاده‌ای قیدگردیده‌است وبرمدارج طهارت‌وعصمت‌وفضلیت وی گواه است .

وثانیاً از کلمه مظلوم که نیز جلونام وی خوانده می‌شود مجهول‌دیگری‌یعنی قتل وی، تاحدی معلوم می گردد چه که معمولا وصف مزبور درمواردی قیدمی‌شود که موصوفش مقتول باشدچنانکه‌سیدالشهداء حسین‌بن‌علی(ع)رامظلوم می‌خوانندو نمیتوان گفت که قید این کلمه تقلیدی و بدون شعور باشد زیرا بانی بقعه در شمار ملوك و یالااقل حاکم ووزیری دانشمند وواقف بر اسرار بوده ونیز نویسنده وگچبر آنهم درعین هنر مندی از این دقایق بی بهره نبوده‌است .

مضافاً بر اینکه نام‌گزاری بقعه به اسم سید سربخش توأم با احداث دومرقد درداخل گنبد یکی ویژه‌تن ودیگری‌مخصوص‌سروی جدای از یکدیگر برای‌آنکه خاطره‌غم انگیز قتل وی فراموش نگردد از شواهد غیر قابل تشکیکی است که از ازمنه باستانی بیادگار باقی مانده امر تازه‌ای‌نیست که قابل تردید باشد .

وبا این کیفیت برای شخصیت محتاط ومحافظه کاری‌چون امیر غیاث الدین محمد وزیر آنهم در بحبوحه نفوذ وقدرت سلاطین مغولی باوجودامرای متعصب‌و طرفدارانشان که درتمام شهرها بیش وکم وجودداشته‌اندتجدید خاطرات جنایات

چنگیز وفرزندانش بطور صریح بویژه در این شهر که بکلی نسیاً منسیاً گردیده بود خلاف مصلحت بود بنابر این بطور کنایه که ابلغ از تصریح شمرده می شود قتل او را رسانده است بدون آنکه بصورت نمایانی از روی این جنایت پرده برداری کرده باشد .

واما سکوت مؤلف تاریخ قم از هجرت اسمعیل وقتل وی در قم بدانجهت است که این حادثه در اوائل قرن هفتم رخ داده است ونامبرده تا اواخر قرن چهارم از اینگونه حوادث اتفاقیه خبر داده است .

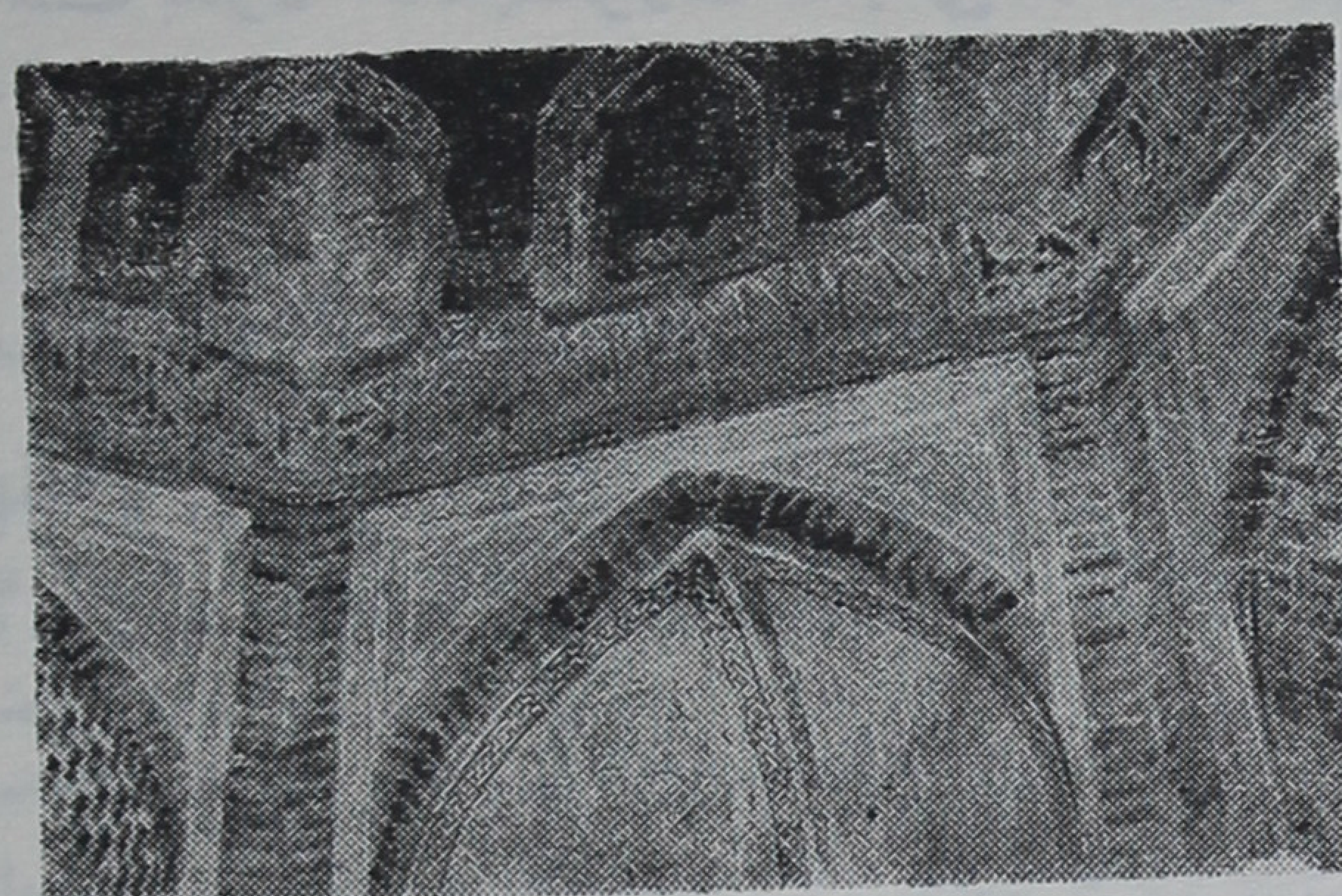
و چون اسمعیلی که سر بخشیده باشد در آن زمان به حکم تتبع بجز همین ابوالمعالی اسمعیل مهاجر از نیشابور وجود خارجی ندارد ایجاب می کند که مدفون در این گنبد را همان اسمعیل بدانیم و علت قتل ویرا هم همان توصیه وی مبنی بر پایداری مردم نیشابور در برابر سپاه یورش مغول بخوانیم .

وثالثاً از عبارت (اعلی الله شأنهما ورفع فوق الفرقدین مکانتهما) که در عقب نام این پدر و پسر قید شده است بدست می آید که علی الصفی هم در سال ۷۷۴ هنوز در قید حیات بوده است ولی در سال ۷۸۰ در کتیبه بقعه شاهزاده احمد بن قاسم او را (علی الماضی) که مشعر بر مرگ او میباشد خوانده است .

ورابعاً از عناوینی که برای غیاث الدین قائل شده اند باتوجه باینکه در آنعصر در کتیبه های مشاهد راه اغراق نمی پیمودند رفعت منزلت وی بخوبی آشکار ونیز وزارت وریاست وی بر امور کشوری ولشگری نمودار میگردد .

چه که همین محمد بن علی الصفی بود که در دوره حکومت خویش در اصفهان پادشاه پرقدرت و کشورگشائی چون امیر مبارزالدین را پس از تسخیر آذربایجان نه تنها به شهر اصفهان راه نداد بلکه او را هم دستگیر و زندانی و از سلطنت خلع گردانید

وکشور اورا میانهٔ فرزندانش تقسیم نمود چنانکه خطه کرمان به سلطان احمد و اصفهان بهشاه محمود ویزد بهشاه یحیی وفارس بهشاه‌شجاع رسید .



تصویری ازقسمت هشت ترکی وکتیبه بقعه سیدسربخش

فصل پنجم

درتوصیف از گنبدهای تاریخی باغ گنبد سبز قم

درسه مقصد ویك پیش گفتار

پیش گفتار

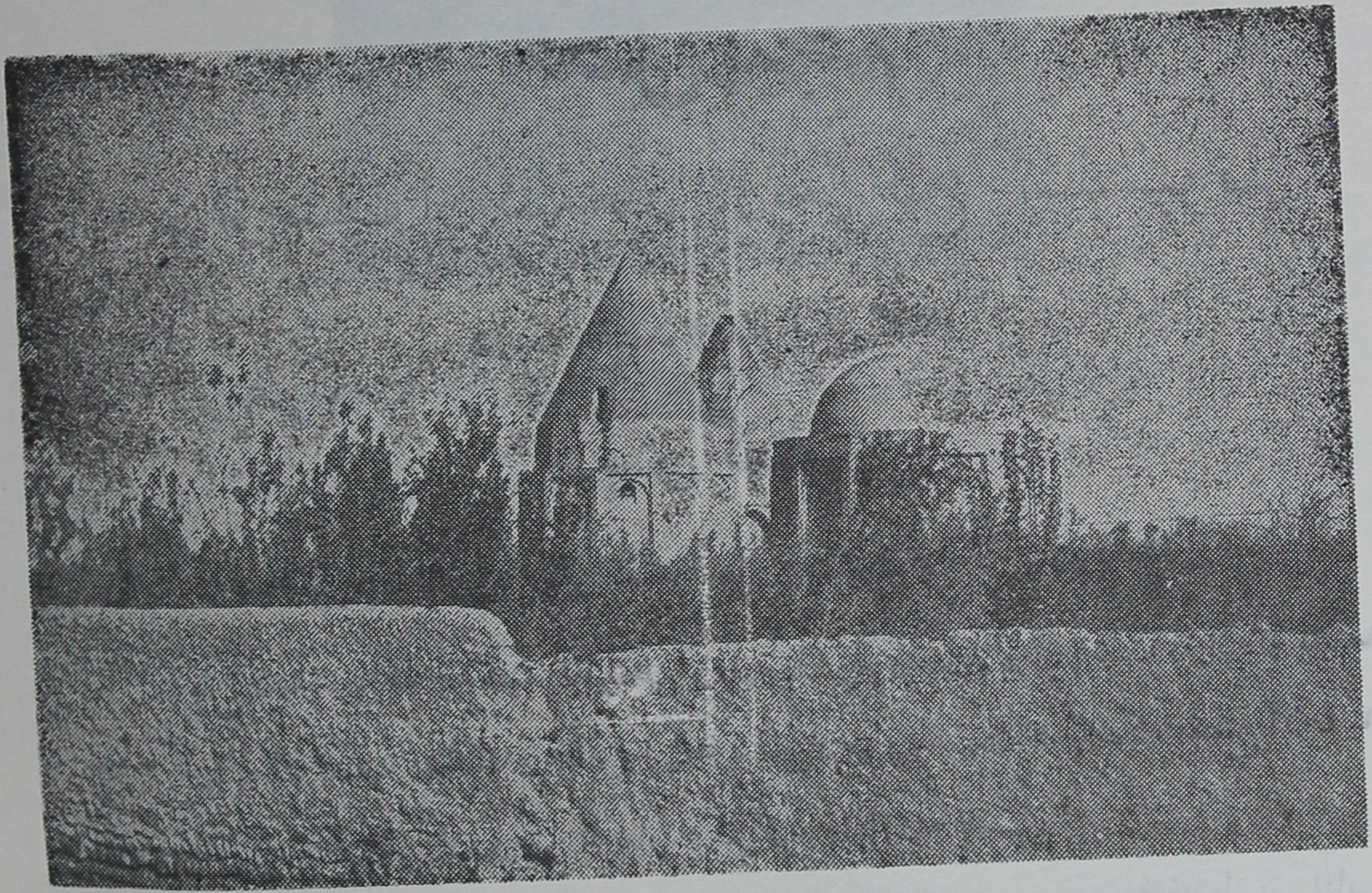
سخنی پیرامون باغ گنبد سبز وچگونگی آن درباستان

باغ گنبدسبز که سه‌گنبد تاریخی را دردل خود جای داده است درازمنه قدیمه جزء گورستان درب بهشت ومقابروزراء وملوك بوده است تاجائیکه سطح آن‌مانند گورستان آستانه بیش ازدومتر ازشارع طرفین بالارفته است .

این سه‌گنبد مثلثی راتشکیل داده‌اند ودرمیانه باغی دربسته وفاقد طریق ایاب وذهاب قرار دارند درنتیجه مخصوصاً برای مشاهده گنبد سعد وسعید که دروسط باغ است بواسطه نبودن خیابان و راه ناچار باید خمیده از لابلای اشجار و میانه کردوهای پرگل‌ولای باتحمل زحمت‌ومشقت عبور کردوبا این کیفیت قهری است که سیاحان خارجی‌چون نمیتوانندیانمیخواهنداز‌چینه های‌باغ‌بالابروند واین‌مشقات را تحمل کننداز‌مشاهده آنها چشم میپوشندبنابراین‌احداث خیابانی‌درداخل باغ‌بطوریکه هرسه‌گنبد را بایکدیگر مرتبط‌سازد واتصال‌آن شارع‌به خیابان محمدرضاشاه برای تسهیل امر بازدید ضروری بنظر میرسد چنانکه گماردن مراقب هم برای جلوگیری

ازریختن سرشاخه وهیزم درداخل آنها لازم است .

واز وضع داخلی بقعه چنین بنظر میرسد که قبه مشهوره به سعد وسعید در رأس شمالی مثلث از دوقبه دیگر اقدم باشد در صورتیکه سبك ساختمان بنای آنرا مؤخر ازدو گنبد دیگر نشان میدهد وبعقیده نگارنده این گنبد از آثار قرن نهم هجری است که پس ازدفن خواجه برهان‌الدین ساخته شده است .



تصویری ازسه گنبد پس ازتعمیر گنبد خواجه‌عمادالدین

ودر کتاب راهنمای قم صفحه ۱۳۲ فقط دوسطردرباره این گنبد نگاشته‌است بدین عبارات (آنچه بنظر میرسد گنبدی که درقسمت شمالی واقع است قدیمترین بناهامیباشدو پیش ازقرن هشتم ساختمان‌شده‌باشدلکن تاریخ آن‌دردست‌نیست) پایان .

ودراینجابه‌مطلب خاتمه داده‌است که ضمن توصیف آن‌حقایق روشن‌میگردد .

مقصد نخست

در توصیف گنبد سعدوسعید (سعدسعید)

یاخواجه‌برهان‌الدین وزیر

گنبد مورد نظر در جانب شمالی و وسط باغ واقع است وتسمیه آن بنام سعدوسعید یاسعدسعید یک حادثه تاریخی رابیاد می‌آورد.

چه که صحیح آن سعدسعید است نه سعدوسعید که به‌سعدوسعید پسران عبدالله ابن سعداشعری نسبت داده‌شود هرچندسعدبن عبدالله نهر تاریخی خود را ازجانب شرقی همین محوطه عبور داده‌است.

که‌درتاریخ قم‌جریان احداث نهرمزبور وسرایت آب آن به خانه‌های مجاور که‌در گودی افتاده بودند نقل نموده ازدفن علی‌بن حسن‌علوی درنزدیکی آن ونیز ازدفن ابوالعباس احمد درمجاورت آن‌خبرداده‌است. وممکن‌است گفته‌شود که‌مدفن خودسعدهم‌درمجاورت‌نهر درهمین‌نقطه‌بوده است‌ولی‌در آنعصر یعنی قرن دوم بنای گنبد برفراز قبور معمول نبوده است.

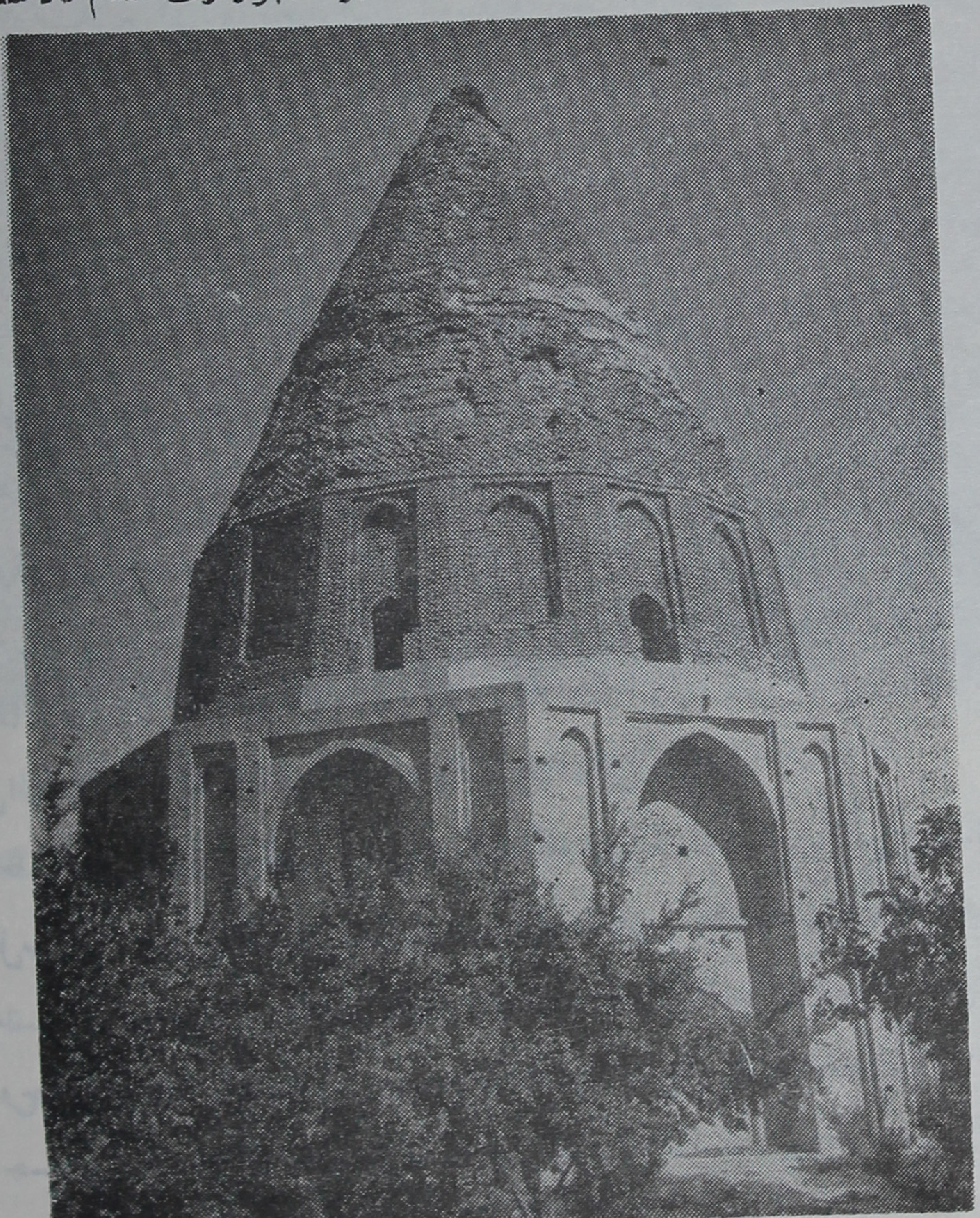
ونیز ممکن است که‌بگویند سعد مولای‌ابودلف عجلی فرمانروای بلادجبل درعصر مأمون عباسی دراین‌گورستان دفن شده است زیرا نامبرده ازصحابه خاص امام علی‌الرضا وازرجال باتقوی وموردا‌حترام اهالی قم‌بود.

اما آنچه که بنظر نگارنده میرسد آنستکه این گنبد مدفن یاأمن مجدالملک ابوالفضل‌سعدبن‌موسی براوستانی‌قمی‌وزیر مقتول‌سلطان‌بر کیارق‌است که‌آثارخیریه‌اش درمشاهد متبرکه بسیارو درسال ۵۹۲ درقهستان از ناحیه امرای لشگرحنجر آگین گردید وچون وصیت کرده‌بود که جسد ویرا به کربلای‌معلی‌نقل‌دهنده درنتیجه‌بفرمان سلطان جسدویرابقم انتقال داده موقتاً دراین نقطه به امانت سپردند و بر فراز آن قبه‌ای بنانهادند تابعدآلدی الفرصه برای‌نقل آن به‌عتبات اقدام‌گردد.

بنابراین گنبد مزبور از سعد سعید است که معلوم نیست بعداً هم جسد وی را بکربلا منتقل ساخته باشند .

امـا بعداً به سال ۸۷۳ خواجه برهان الدین وزیر مقدم سلطان حسن بیك آق قوینلو را که بضرب کارد خواجه ابراهیم بدلیسی (بتلیسی) بقتل رسید باجسد قاتل که بدست فراشان از پای در آمده بوددر همین گنبد دفن کردند و از گنبد مزبور هم تجدید بنا کردند .

وقبلا در مقدمه فصل نهم انتخاب خواجه برهان بوزارت مقدم نگاشته شد اما



تصویری از گنبد سعد سعید قبل از تعمیر اخیر

اما داستان قتل وی چنین است که چون سلطان حسن آن وزیر را برای رسیدگی به امور عراق باقی گذاشت وخود بجانب آذربایجان و سپس بسوی ارمنستان متوجه گردید چون بشهر بدلیس رسید خاطره مقاومت خواجه ابراهیم بدلیسی والی آنخطه را به‌خاطر آورده ازمقام وی مستفسر گردیدوچون دانست که در شهرقم سکونت گزیده است نامه‌ای برای خواجه برهـان الدین نگاشت که خاطر مرا از جانب ابراهیم تبلیسی که‌درقم مجاور شده‌است فارغ گردان .

پس خواجه ازساوه بقم آمده درمدرسه شرفیه نزول کرد وشخصی را برای احضار خواجه ابراهیم فرستاد ونامبرده خطر را احساس کرده خنجری در آستین مخفی ساخت وبنزد وی بشتافت ودر اثنای گفت‌وشنود خواجه برهان اورابه‌خشونت و زشتی یادکرد وفراشان برحسب تبانی‌قبلی‌بروی بتاختند ولی‌ابراهیم پیش از آنکه مضروب شود ضربه‌ای بر تهی گاه خواجه فرو برده‌اورا نقش‌زمین ساخت.

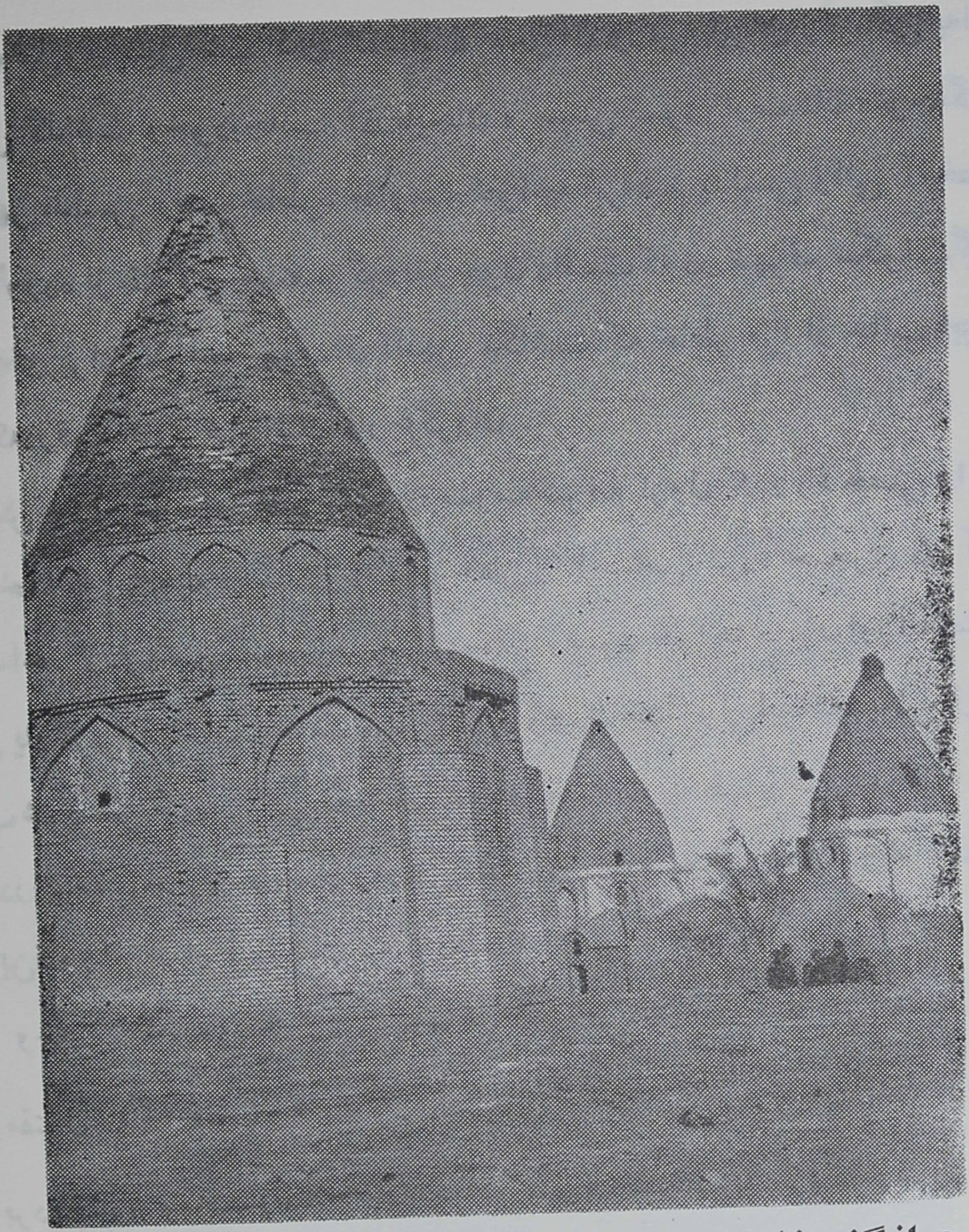
درنتیجه بامدادان‌دوجسد رابدین مکان‌نقل داده بخاك سپردند و بفرمان‌سلطان حسن این‌قبه رابر فراز قبورشان بنا کردند .

وچه بساکه رمزسکوت کتیبه‌ها از نام‌مدفونان تعدد مدفونین مضافاً بر دفن قاتل ومقتول معاً بوده‌باشد که‌یابایستی‌ازسایرمدفونین‌هم‌نامی‌به میان آیدویاازهیچیك اسمی برده نشود ومخصوصاً که‌خواجه‌ابراهیم هم شخصیتی بزرگ ومورد احترام مردم قم‌بوده است .

وازتصادفات آنکه‌جمله(خواجه‌برهان) بااحتساب‌حرف (واو) برابر۸۷۳ ماده تاریخ آن شده‌است .

مضافاًبراینکه‌مقبره مجدالملك مورد تعظیم‌وتجلیل مردم‌قم‌بود که‌قیدنام برهان وحذف نام‌وی بهیچوجه مصلحت نبود .

بقعه و تزیینات بهر صورت بقعه مورد نظر از ابنیه تاریخی اصیل ودارای گچبریهای بدیع و مقرنسهای شکیل توأم با نقوش رنگ



تصویری از گنبد شاهزاده ابراهیم سابق الذکر و دو گنبد از سه گنبد مزبور

آمیزی شده است منتها اکثر گچبریهای آن محکوك وسائیده ونیازمند تعمیر فوری است واین ریخته گی در دو صف متمایز از یکدیگرند بدین توجیه که هرگاه قسمت محکوك از آیات قرآنی باشند میتوان مفردات ریخته را ازمفردات حروف و کلمات مشابه آنها که باقیست گرده برداری کنند ودر جای ریخته قالب ریزی نموده ازمفردات مزبور مرکباتی تلفیق کنند وبا همان خط به نوسازی آنها بپردازند اما اگر کلمات مخدوشه جزء عناوین والقاب بانی باشند راهی نیست جز آنکه از کتیبه‌های مشابه

عناوینی بدست آورندو کرده برداری وقالب ریزی نمایندو بدین کیفیت خلئهای موجوده را با القاب مأنوس دیگری پر کنند .

وهرچند درسنوات ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ ازاین گنبدها تعمیری اساسی بعمل آمده است امااین تعمیرات در استخوان بندی، پایه وجرز و پوشش بوده‌است که باقسمتهای هنری داخلی آنهاارتباطی ندارندامیداست که سازمان ملی حفاظت آثار باستانی از کتیبه‌های آنها زیر نظر متخصصین فنی نیز تعمیراتی بعمل آید .

باری قاعده گنبد از خارج هشت ضلعی متساوی است که در هرضلعی نمائی بزرگ دروسط بدهانه ۲/۵۰متر وعرض یکمتر بضمیمه دونمای کوچك تحتانی وفوقانی درطرفین آن نمودار است بدین کیفیت که درهرضلعی یك نما یا ایوان باچهار نمای دو طبقه طرفین بنیان گردیده‌است یعنی روی جرزهای منحنی و مهدب میانه نما ها چهار نماچه ساخته شده است .

وهیئت ساختمان از داخل نیز هشت ضلعی متساوی به دهانه ۸ وارتفاع ۱۴ متر است که در هرضلعی صفه‌ای بدهانه ۲/۴۰ وعرض ۱/۴۰ وارتفاع ۷ متر آراسته به گچبریهای متنوع ساخته‌شده‌است وازهرصفه‌ایهم دری بخارج گشوده میشده‌است که به‌جز یکدرب جلو بقیه راآجرچین کرده وبسته‌اند .

قطر جرزها قرب سه مترونیم و قطر اسپرها بیش از یکمتر که از لحاظ نقشه ساختمانی بردوگنبد دیگر امتیاز دارد .

و آثارهنری گچبری وکتیبه های آن درچند فراز ذیل بطورخلاصه توصیف می گردند .

۱ـ جرزهای میانه صفه‌ها ازجلو به‌عرض یك متر وبشکل میان منحنی ومعقر است که هر نیمی ازآن همباد با یك ضلع است که متن آن ساده و ملات سازی ودرحاشیه هریك به عرض ۲۵٪ سانتیمتر کتیبه‌ایست به خط ثلثی برجسته که‌قسمت پائین آن‌به‌اندازه ۹۰٪ افقی‌است وبعدأ بشکل عمودی ازدوجانب بالارفته پشت بغل

قوسهای پوشش هر صفه را زینت بخشیده است و مجموعاً از ۱۳۰ متر متجاوز می‌شود.
روی این کتیبه درزمینه مزین به گل و بوته های برجسته باخوشه های انگور وگلهای نرگس سوره های مبارکه تبارك والرحمن ودرپایان آنهم جمله (صدق‌الله» گچ بری شده است .

۲-داخل هر صفه بالای ازاره آجری یکمتری که تعمیری است تمام جدار از بغله ها و اسپر آراسته به گچبری های متنوع بانقشه های مختلف ازقبیل کلوك سازی بدیعی است بدین کیفیت که متصل به یکدیگر مربعی پنج سانتی کنده کاری شده است ودرون هر یك نام محمدیاعلی گچبری گردیده است واین مربعات طوری درپهلو و زیر و بالای یکدیگر تعبیه شده اند که از هفده مربع آنها به خط درشتی نام علی تجلی دارد که ازاین ترکیبات هفده دانه دریك صفه جدای از یکدیگر نمودار و تابلوی بنام علی ترسیم شده است که باید دقت کرد تا ادراك شود .

ودرابتدای پاطاق هر صفه گلوبندی بطور برجسته وزنجیری بانقشه های مختلف گچبری شده است که دهانه پوشش صفه هارا ازدوجانب تنگ کرده است وروی آنها بطور مکرر به خط بنائی ثلثی یاکوفی اسامی محمد یاعلی خوانده میشود که تادقت نشود تشخیص نمیگردد .

وپوشش هرصفه آراسته به بهترین مقرنس های گچی خوش قطار وزیاده زیباست که اکثر آنها فرو ریخته و برای نمونه چند مقرنس باقیمانده است، که تا باقیست قسمتهای ریخته را باید از نوبنانهادوداخل حوضچه های آنها وروی جدار فاصل نبز باکنده کاری ورنگ آمیزی جالبی تزیین یافته است .

ولچکیهای شانزده گانه پشت بغل هشت صفه نیز آراسته به گل و بو ته زیبائیست که دوطرف هرصفه مشابه و باصفه های دیگر متفاوت ویك صفه آنهاساده ودیگری متضمن ترنجی فلکه ایست که چون سبدی پر ازگل تجلی دارند .

۴ـ وبر فراز صفه ها کتیبه ایست در ارتفاع هشت متری ومنتها الیه قسمت

هشت ضلعی بطور کمر بندی بعرض ۰/۰۶۰ به خط ثلثی برجسته که روی آن سوره مبارکه حشر (سبح لله) وقسمتی از سوره مبارکه فتح تا آیه (کان الله علیماً حکیماً) گچبری شده اند.

۵-بالای کتیبه هیئت ساختمان ازهشت ضلعی به شانزده ضلعی مبدل وشانزده طاقچه محرابی باتور گیر ساخته شده است که تمام جدار آنها باجرزهای فاصل آراسته بگچ بری توأم بارنگ آمیزی است.

۶-برزبر طاقچه ها کتیبه ایست گلوبندی به خط برجسته کوفی در زمینه آراسته به گل وبوته و خوشه های انگوری که روی آن چند سوره کوچك قرآن چون سوره قدر وتوحید وعبارات لااله الاالله الملك الحق المبین محمدرسول الله صادق الوعد الامین علی ولی الله امیرالمؤمنین گچبری شده اند.

که این کتیبه چهار قسمت است ومیانه هردو قسمتی تابلو مربعی محتوی کنده-کاری جالبی ازگل و بوته وخوشه گچبری گردیده است ودر میانه گلهای آن اسامی محمد وعلی کنده کاری شده است.

۷ و بالای کتیبه صورت ساختمان ازمضلع به مدور مبدل و پاطاق پوشش عرقچینی بالاآمده است وسطح پوشش درزمینه ملات سازی خطوطی بانقشه بنداسلیمی گچبری ورنگ آمیزی گشته و درفواصل خطوط دو ردیف ترنجهائی چونسبد هائی پرازگل دیده میشود که ردیف پائین بیست وچهار دانه وردیف بالادوازده عددمیباشند ودر نقطه مرکزی پوشش فلکه ای بزرگ گرفته شده که نقوش آن ریخته و قابل تشخیص نیست.

واستاد هنر مند در گچبری این گنبد رفیع محمد است که نامش در کتیبه داخلی روی تیزه درگاه ورودی مقبره از صفه جنوبی گچبری شده است.

این کتیبه بطول ۱/۲۰ متراست که متأسفانه ابتداء وانتهای آن دراثر اصطکاك با چوب وسر شاخه باغ فرو ریخته جای آنرا گچ اندود ساخته‌اند وآنچه که ازاین

کتیبه قابل خواندن است جمله (عمل محمد) در نیمه نخست آن میباشد وتاریخ آنهم در پایان همین کتیبه بوده‌است که بکلی از بین رفته‌است واین عبارت هم برای کمتر بیننده ای قابل تشخیص میباشد .

گنبد

وبر فراز آن گنبدی هرمی‌شکل به ارتفاع ۱۲ و قطر ۱۲ متر دارای عنقی مضلع دارای‌شانزده نمای‌آجری است که یکی در میان از قسمت پائین‌هرنما نور گیری باز گذاشته‌اند ولی در تعمیرات اخیره درون نماهاپرشده است .

وقسمت هرمی آن نیز شانزده‌ترکی و مزین به کاشیهای فیروزه فام دوالی است که‌اخیر أمورد تعمیر قرار گرفته‌است.



تصویری‌دیگر از نمای‌خارجی گنبدمورد نظر

ودر اطراف گنبد سکوئی بالا آورده اندتا ازجریان آب بمحوطه ونفوذ رطوبت به پایه هاجلو گیری گرددد ر نتیجه سطح بقعه‌در گودی افتاده دارای چندپله شده است .

وراه پله بام از داخل جدار بطور پیچ ساخته شده است و درگاه آن بر فراز درب ورودی شمالی در ارتفاع پنج متری نمودار است که باید بوسیله نردبان خود را به درگاه مزبور برسانند واز آنجاببام بالابروند .

مقصد دوم

در توصیف گنبد خواجه عمادالدین محمود وزیر

و گنبد وسطی درباغ گنبد سبزاز خواجه عمادالدین محمود وزیر معروف شیخ ابواسحق اینجواست که‌مؤلفین درعین نقل کتیبه مشتمل برنام‌وی بـرهویت اوپی‌نبرده ازمقام رفیع علمی وسیاسی واجتماعی‌وی آگه نبوده‌اندولی‌اینك‌نگارنده معرفی‌میکندکه همان‌عمادالدین ممدوح خواجه حافظ شیرازی درغزل‌ذیل‌میباشد :

کنونکه درچمن آمد گل ازعدم‌بوجود بنفشه در قـدم اونهاد سر بسجود
بخواه جام صبوحی بیاد آصف عـهد وزیر ملك سلیمان عماد دین محمود

ونامبرده ازوزرای دانشمندی است که‌در علوم طب‌وتشریح وخواص‌افـیون رسالاتی تدوین کرده است .

وپایداری خواجه عماد دردوران حکومتش دراصفهان دربرابر حمله ملـك اشرف چوپانی تاجائیکه اشرف ناچار به‌سازش تن درداده ازاطراف اصفهان کوچ داددرتواریخ مبسوطه‌مسطور است وآثار خیریه‌اش‌بسیارکه ازجمله مسجدعمادی درکاشان‌است .

وخواجه ابراهیم فرزند وی که نیزاز وزراء وحکام بود موجب‌ترجمه کتاب تاریخ‌قم‌ازعربی‌بفارسی‌شده‌است‌بهرصورت‌رحلت‌خواجه‌عمادالدین‌بسال ۷۹۱روی داد ودرمقبره مورد نظرمدفون گردید وچه‌بسا که‌در اواخر عمرشخصاً بقم منتقـل گردیده دراین شهروفات‌یافته باشد .

قاعده گنبد وقاعده گنبد ازخارج مضلع دوازه ترکی‌بانما سازی‌ساده به‌دهانه ۲/۴۰ وارتفاع ۷ مترپاجرزهای منحنی مهدب‌بقطر یك‌متر باجدار آجری که‌از ناحیه‌سازمان ملی حفاظت آثارباستانی تعمیرشده‌است

ولی از داخل مضلع هشت ترکی متساوی الاضلاع به دهانه ۸ و ارتفاع بیش از ۱۴ متر است و در هر ضلعی صفه‌ای به دهانه ۲/۵۰ متر و عرض ۸۰ سانتیمتر ساخته شده است و دارای چهار درب ورودی از جهات اصلی بوده است که جلو سه درب آن آجر چین شده است.

و جرزهای بین صفه‌ها منحنی مقعر بقطر یك متر است که هر نیمی از آنها همباد با یك ضلع میباشند.



نمای خارجی گنبد خواجه عمادالدین وزیر

تاریخ بنای آن در سال ۷۹۲ و از بناهای تاریخی ابن شهرستان و گنجینهٔ آثار اصیل هنری و گچبری است که نسبتاً سالم مانده است و هرچند کتیبه‌ایکه حاکی از نام استاد هنرمند آن باشد در این گنبد به چشم نمیخورد بقرینه تشابه با گنبد آینده میتوان گفت که از آثار ابوشجاع باشد که در چند فراز ذیل به توصیف آن می‌پردازد.

اما صفه‌های هشتگانه آن از بغله و اسپر و پوشش آراسته به گچبریهای بدیع

توأم بانازك کاریهای فنی وریزه کاریهای هنری است که باکمال زیبائی روی آنهارا رنگ آمیزی کرده‌اند و جلو طاقبند پوشش قوسی آنها حاشیه ایست طره‌ای و پیچی وددرابتدای پاطاق کمربندی است برجسته مزین به کنده کاریهای جالب متفاوت هریك به‌نقشه‌ای خاص که میانه جرز باپاطاق است ودهانه صفه‌را قدری جمع کرده‌است .

وروی قوسی‌های پوشش صفه‌ها باترسیم نقشه‌بند کلوکی منظم ده‌ها مربع ۵در۵ سانتیمتری گچبری شده‌است که‌در میانه‌هرمربعی نام‌جلاله یااسامی محمدو علی کنده‌کاری گردیده‌است .

ودر سینه اسپر ازچندین صفه آنهانیز بانقشه کلوك‌بندی پنج سانتیمتری توأم بارنگ آمیزی ده‌تابلو گچبری شده‌است که‌روی هر کلوکی نام(علی) کنده کاری گردیده است ومانند بقعه نخستین‌ازتنظیم هفده کلوك‌وترتیب آنها بایکدیگر بشکل خاص ووضع مخصوصی نام علی بخط بنائی ده بار تجلی یافته‌است یعنی دریك اسپر جمعاً ده‌تابلو نام‌علی بدین کیفیت دیده‌میشود .

ودر بعضی‌ازاسپرهااین کلوك بندی‌بانقشه بعلاوه یعنی بعلامت جمع‌طراحی شده است که‌هر ضلعی مشتمل برپنج کلوك متضمن نام‌پنج تن میباشد و این‌کلوك‌-بندی‌های رنگین‌پس‌ازشش‌قرن‌همچنان سلامت مانده‌اندوچنان بنظرمیرسد که‌جدیداً طراحی ورنك‌آمیزی شده‌اند .

۲ ــ اما جرزهای میانه صفه‌ها بعرض یکمتر بشکل منحنی است که هرنیمی تابع یك‌صفه وهمباد باآن ساخته شده است در نتیجه طول هرضلعی رابه‌سه مترو نیم بالا می‌برد .

این جرزها دارای متنی بعرض سی سانتیمتر مزین‌به کنده‌کاری بانقشه‌ملات سازی ودوحاشیه سی‌وپنج‌سانتیمتری آراسته به‌کتیبه عمودی است که ازارتفاع‌یك متری سطح‌زمین‌آغازمی‌شود وازدوجانب‌بنحو عمودی‌بالارفته‌بطورقوسی پشت‌بغل

پوشش‌ها را زینت بخشیده‌است و بخط برجسته ثلثی روی آنها سوره‌های مبارکه یس و فتح گچبری شده‌اند .

ودر دوجانب پوشش صفه‌ها و پشت بغل طاقبند آنها یك لچکی گچبری شده است که جمعاً شانزده لچکی یا تابلو می شوند که لچکی های هر صفه مشابه و با لچکیهای بقیه متفاوتند .

۳ - ودر منتها الیه قسمت هشت ضلعی کتیبه‌ایست بخط برجسته ثلثی ممتاز توأم با رنگ آمیزی ماهرانه که روی آن آیات وعبارات تاریخی ذیل گچبری شده است که مفاد آیات آن هم در شان مدفونین است وقبلا خوانندگان را به دقت در عبارات آن در دنباله آیات که جای لغزش اقدام انام شده‌است توصیه می کنند .

« بسم الله الرحمن الرحیم قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلوتهم خاشعون والذین هم عن اللغو معرضون والذین هم للزکوة فاعلون والذین هم لفروجهم حافظون الاعلی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلك فاولئك هم العادون والذین هم لا ماناتهم و عهدهم راعون .

رب اغفر لساکنی هذا المرقد اللطیف الصاحب الاعظم الدستور الاعلم المعروف بقاطبة الالقاب فی الامم خواجه جمال الحق والدین علی و ابنه الامیر جلال الدین واخاه خواجه عماد الدین محمود واخاه خواجه صفی - الدین ادخلهم الله فی رحمته اجمعین فی سنة ۹۷۲ »

واز مفاد کتیبه مزبور چنین استفاده می گردد که دراین گنبد چهار تن از خاندان جلیل ملوك عراق به اسامی ذیل مدفونند .

۱- خواجه جمال الدین علی ۲- فرزندش امیر جلال الدین ۳ برادرش خواجه عماد الدین محمود ۴ برادر دیگرش خواجه صفی الدین که جمعاً سه برادرو یك پسر می شوند .

و در بعضی از مقالات منتشره در جرائد جمله (ابنه) را بعنوان (ابیه) ضبط کرده‌اند در حالیکه اولاً تقدم نام فرزند بر پدر هر چند که پدر از نظر مقامات دنیوی پائین باشد از جنبه اخلاقی خانوادگی ناروا میباشد در ثانی جمله (ابیه) که در حال جری است اقتضاء میدارد که دو جمله (اخاه) که بعداً قید شده است نیز به تبعیت از آن در حال جری (اخیه) ذکر شده باشد و چون سیاق عبارات ایجاب میدارد که این سه جمله در یك حال اعم از جری یا نصبی باشند ناچار باید جمله (ابیه) را به جمله (ابنه) بفتح نون تصحیح نمود تا هر سه در حال نصبی بوده باشند.

و اما از نظر ادبی علت نصب آنها در حال عطف بر ماسبق که جمله (الصاحب) است با تقدیر فعلی مانند (اعنی) خواهد بود زیرا این چهار جمله همگی در مقام بیان جمله (لساکنی المرقد) میباشند و مراد آنستکه ساکنین این مرقد عبارتند از این چهار نفر که بیان میشوند و بنابراین نصب (الصاحب) بدانجهت است که مفعول یك فعل مقدری مانند (اعنی) یا (ابین) میباشد که جمله‌های (ابنه) بفتح نون و (اخاه) در دنبال آن بعنوان عطف بیان آمده‌اند تا ساکنین این مرقد را بیان کنند این بود نظریه نگارنده برای اولین بار در این باره نگاشته شد تا اهل تحقیق چگونه نظر دهند.

و موضوعی که شایان توجه است و مایه تعجب نگارنده شده است نظریه مؤلفین کتاب راهنمای قم نشریه آستانه مقدس در سال ۱۳۱۷ شمسی است که در اثر اشتباهی در خواندن کتیبه به لغزشی هم دوچار گشته‌اند.

یعنی علاوه بر کلمه (رب) که از ابتدای عبارات و از جمله (رب اغفر) انداخته‌اند جمله (ابنه) را هم از جلو (الامیر جلال الدین) اسقاط کرده‌اند و در نتیجه همین اسقاط نامبرده را با عمادالدین یکنفر پنداشته برادر را با پسر یکی خوانده‌اند و چهار تن مدفونین در این گنبد را به سه تن تقلیل داده‌اند و پس از درج عبارات کتیبه در صفحه ۱۳۲ آن کتاب بشرح آینده نظر داده‌اند که عین عبارات کتاب مزبور و نظریه آنان چنین است:

«از این کتیبه معلوم میشود که در این مکان سه برادر مدفونند اول خواجه جمال

الدین علی دوم خواجه عمادالدین محمود سیم خواجه صفی‌الدین وجمله والامیر جلال‌الدین واخاه‌خواجه عمادالدین نام‌دو کس نیست‌بلکه جمله‌واخاه درهردو مورد عطف است برماسبق چنانکه برادیب و آگاه ازمبانی عربیت مخفی نیست» پایان

که‌نگارنده برمراد آنان‌پی‌نمی بردو از ایشان‌باید پرسید که عطف‌دراین‌عبارات مسلم‌است‌اماعلت‌تغییر حالت جری معطوف‌علیه‌درمعطوف، بحال‌نصبی‌چیست‌زیرا این چند جمله درمقام بیان‌از کلی (لساکنی‌المرقد) قیدشده‌اند وچون‌این جمع‌مجرور به لام‌حرف جرمیباشد بایستی بالتبع همگی مجرور باشند واخیه ضبط‌گردد نه‌اخاه که درحال‌نصبی‌است. به‌اضافه‌چگونه‌تصورمیرود که‌یکفرد دولقب‌یعنی‌جلال‌الدین‌وعماد الدین داشته باشدتا فرزندی برادر بشود.

وخوب‌بود که‌مؤلفین مزبورچنین توضیح‌میدادند که کلمه‌الصاحب‌مفعول‌فعل مقدری‌چون(اعنی)است‌وابنه‌بفتح‌نون چون‌اخاه عطف برآن‌میشوند تامحققین‌وادبا دراین باره چگونه نظربدهند واین مشکل راچسان‌حل کنند.

۴- وبرفراز کتیبه یادشده‌هیئت‌ساختمان ازهشت ضلعی به‌شانزده‌ترکی‌مبدل گردیده دراین‌قسمت شانزده طاقچه محرابی وزیباساخته شده و چهارتای آنها میان تهی ونورگیرند که‌جلو هریك شبکه‌ای‌گچبری بوده است‌وقسمتی ازمشبك بـرای نمونه هنوزهم باقیست‌ودوازده‌طاقچه‌بقیه ازبغله واسپروپوشش آراسته‌به‌گچبری‌های زیبا توأم بارنك آمیزیهای جالب‌میباشد که‌نقشه هرکدام بادیگری متفاوت است.

وروی جرزهای فاصل میانه طاقچه‌هانیزمزین‌به‌گچبریهای بدیع متضمن‌ریزه کاریهای فنی‌توأم بارنك‌آمیزی است‌ودرحاشیه هریك‌زنجیره‌ایست که‌با اعمال‌نازك کاری گچبری شده‌اند.

ودر طرفین قوسی‌های پوشش هرطاقچه یك لچگـی است که بمثابه تابلـوی زیبا یاسبدی پر از گل‌های رنگارنك‌تجلی دارندو نقشه هر زوجی‌مشابه‌و با دیگران مختلف میباشد.

ودر میانه هر لچگی ترنجی مدور وفلکه ایست که درون آنها کتیبه‌ای وروی دو ترنج نخست نام جلاله ومیانه بقیه اسامی معصومین گچبری شده‌اند بدینسان (الله) (الصمد) (محمد) (علی) (فاطمه) (حسن وحسین) (زین العابدین) (محمد الباقر) (جعفر الصادق) (موسی الکاظم) (علی الرضا) (محمد التقی) علی النقی (الحسن العسکری) (الحجة القائم) (عجل الله تعالی فرجه)

۵- وبرفراز این طاقچه ها صورت ساختمان از مضلع به فلکه‌ای تبدیل وپاطاق گنبد عرقچینی بالا آمده است .

ودر ابتدای این قسمت کتیبه ایست بخط برجسته کوفی که روی آن سوره مبارکه دهر در زمینه آراسته به گل و بوته‌های برجسته وبدیع گچبری شده است ودر بالاو پائین کتیبه حاشیه ایست زنجیری مشتمل برنازك کاریهای فنی که متضمن اسامی محمد وعلی بخط بنائی است .

وتمام بدنه قوسی این پوشش مزین به نقوش گره کشی رنك آمیزی بااشکال هندسی ازمثلث و لوزی ودرون آنها یارؤس مثلث ها بطور منظم در سه طبقه جمعاً چهل وچهار ترنج متنوع درسه ردیف گچ بری شده است که در ردیف اول ازپائین شانزده ترنج قلبی شکل ودرردیف دوم دروسط نیز شانزده ترنج ولی بشکل فلکه‌ای هردو ردیف مزین به گل وبوته‌های برجسته ورنگین چون سبدی پراز گل های رنگین و در ردیف سوم وبالا دوازده ترنج متضمن کتیبه هائی بخط برجسته ثلثی است که روی آنها بطور تفکیکی عبارات ذیل گچ بری شده است.

(لااله الاالله) (الحق المبین) (محمدرسول الله) (الصادق الوعد الامین) (علی ولی الله) (امیرالمؤمنین) (وصی رسول) (رب العالمین) (صلوات الله علیهم) (و سلام رب العالمین) (ونحن علی ذلك) (من الشاهدین) .

ودر نقطه مرکزی پوشش فلکه ایست به قطر بیش از دومتر آراسته به گل و بوته‌های رنگ برنگ ودر حاشیه آن کتیبه ایست بعرض ۰.۳۰/. بخط ثلث برجسته

که اکثر کلماتش محکوک بعلاوه دور از چشم و غیر قابل تشخیص است .

گنبد

و بر فراز بقعه گنبدی است مضلع و هرمی دوازه ترکی بارتفاع نه متر سرا پا آراسته بکاشیهای دوالی فیروزه فام با عنقی مضلع و هرمی شکل از آجر که جدیداً تعمیر شده است .

و این گنبد در دوران پیر محمد ساوجی که از سال/ ۷۹۰ در قم و کاشان حکومت داشته است بنیان گردیده است .

مقصد سوم

در توصیف گنبد خواجه اصیل الدین

واما گنبد جنوبی مدفن خواجه اصیل الدین شیخ الاسلام و قاضی القضات مدت چهل ساله عراق است که بواسطه مزایای بسیاری که داشت بارها حکومت اصفهان دست بدست گردید ولی در هر دولتی نامبرده متصدی مسند قضا بود و بیت العدلش محل تحصن مغضوبین بود چنانکه سلطان شیخ ابو اسحق پس از شکست در جنگ باشاه سلطان حسین فرمانده لشگر امیر مبارز مدت پانزده روز در سرای وی مختفی بود تا جاسوسان بر محل اختفای وی پی برده اورا دستگیر کردند و بشیراز اعزام داشتندو در آنجا ویرا بورثه حاجی ضراب سپردند تا بقصاص خون پدرش که بفرمان وی بقتل رسیده بود بهلاکت رسانیدند (۷۵۴) و طولی نکشید که خواجه هم از شدت غصه در گذشت و جسد ویرا بقم نقل داده در این مکان در جوار فرزند مقتولش امیر جمال الدین بخاك سپردند و پس از چند سال این قبه بر فراز قبورشان از ناحیه امیر غیاث الدین که شاعری توانا و صاحب دیوان بود بنیان گردید .

و نویسنده خطوط بقعه سید حسن علوی و استاد گچبر آن ابو شجاع بود که مهارت فنی خود را در این گنبد بکار برده است .

و تعجب در آنستکه تا حال هیچیك از مؤلفین نام مدفون در این بقعه را افشاء نکرده‌اند و همچنان مجهول مانده بود زیرا تصور نمیکردند که اصیل الدین نام مدفون در این گنبد باشد بلکه آنرا جزء عناوین میگرفتند.

و نامبرده عم علی الصفی شهریار عراق بود که این گنبد هم از ناحیه آن شهریار درسال ۷۶۱ برفراز قبر عمویش بنیان گردیده وشاید نخستین گنبدی باشد که بدست استاد ابوشجاع گچبری شده است ودرعین حال از جنبه هنری برسایر آثار وی مزیت دارد ومعلوم نیست گچ آنرا باچه ماده‌ای عجین ساخته است که در برابر باد و باران پس از یکقرن که بدون پوشش افتاده بود کلمات آن مقاوم از کار در آمده است اما دراثر نفوذ باران چند قسمت آن از آجر کاریها جدا گشته فروریخته‌اند درصورتیکه حروف و کلمات باقیمانده کتیبه در برابر تابش و وزش و ریزش مانند پولاد مقاومت کرده‌اند.

که پس از تأسیس سازمان ملی حفاظت آثار باستانی گنبدی بر فراز آن بنیان گردید وسکوئی در اطراف گنبد بالا آوردند تا رطوبت از آن دور باشد وتعمیر از قسمتهای فرو ریخته کتیبه آنهم تحت نظر مهندسین فنی با گرده برداری از روی حروف و کلمات موجوده وقالب ریزی واستفاده ازعناوین مشابه در گنبدهای دیگر ضرورت خواهد داشت.

زیرا گچبری و نقشه داخلی آن زیاده زیبا و بر دو گنبد دیگر برتری دارد.

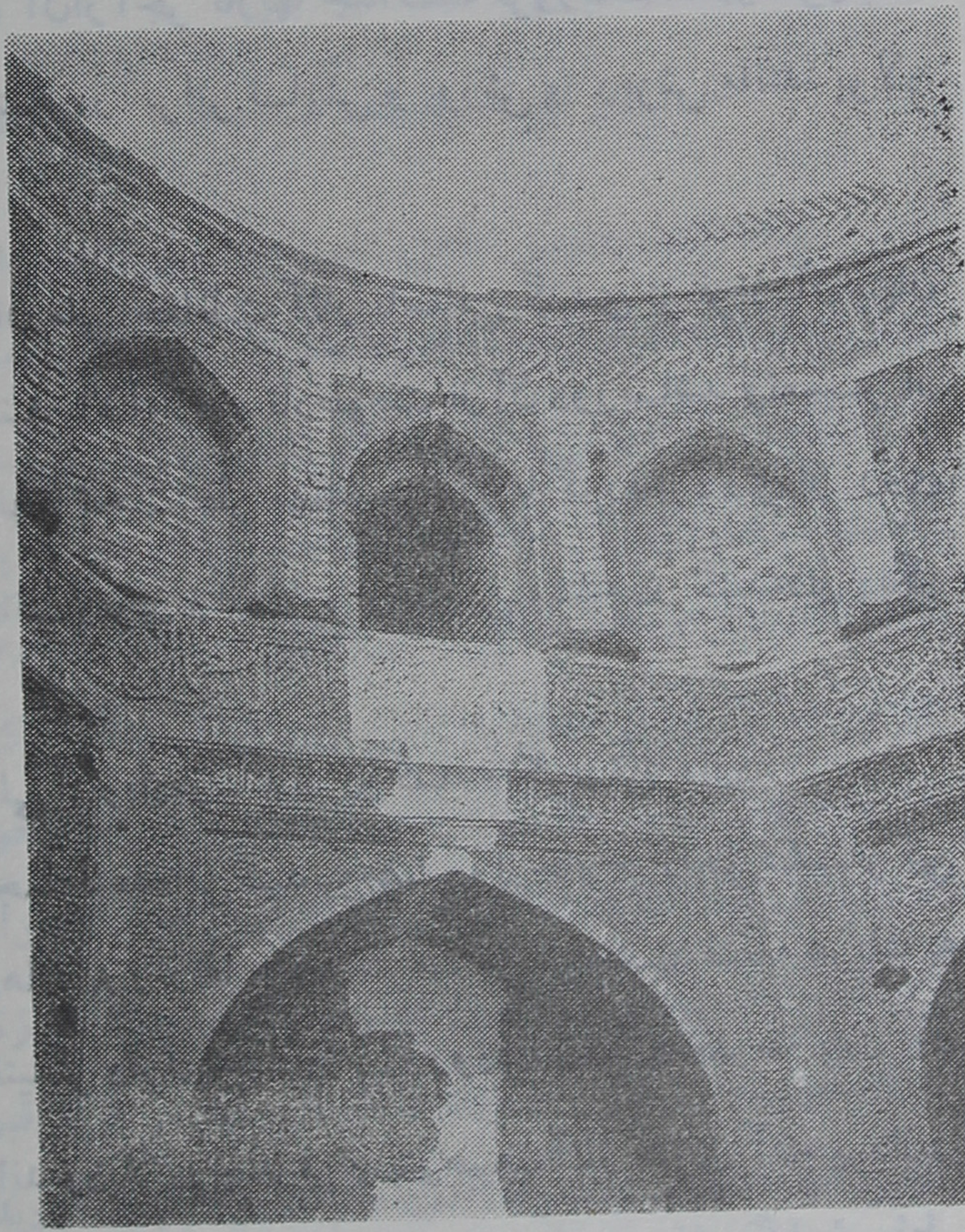
بالجمله قاعده این گنبد نیز مضلع و ازخارج وداخل هشت ترکی بقعه به دهانه ۸ و ارتفاع ۱۲ متر مشتمل برهشت صفعه هریك به دهانه ۲/۳۰ وعرض ۸۰٪ سانتیمتر دارای چهاردرب ورودی است که جلوسه باب آن درتعمیر اخیر آجر پوش شده‌اند وذیلا درچند فراز بتوصیف آثار هنری آن میپردازد.

۱- جرزهای هشتگانه فاصل میانه صفعه‌ها بامتن برجسته ودوحاشیه گیلوئی بقطر یك متر است وقسمت وسط ومتن آنها بعرض ۳۵ سانتیمتر بانقشه‌های متنوع گچبری

شده است ودرطرفین آن حاشیه ایست بعرض ۳۵% سانتیمتر آراسته به کتیبه‌ای بخط برجسته سیدحسن علوی که‌از ارتفاع یك‌متری کف بقعه آغاز وبصورت عمودی‌از دوسوی بالا رفته‌است وبشکل افقی بخط مستقیم ازفراز پوشش ولچکیهای آن میگذرد دوسه جانب کلیه صفه‌ها را زینت می بخشد که‌قسمت پائین آنها در اثر اصطکاك باسرو شاخه‌های بریده باغ فروریخته‌است وبایستی ازریختن فضولات باغ درداخل این مخازن‌هنری جلوگیری بعمل آید .

ودرحاشیه کلیه صفه‌ها که‌بصورت گیلوئی ساخته‌شده‌نیز گچبریهای ممتازی‌بعمل آمده است چندانکه هریك جداگانه بصورت تابلوی برجسته تجلی دارند .

۲- هرصفه‌ای سراپا ازاسپر وبغله‌وپوشش آنها آراسته‌به نقوش ممتاز گچبری‌های متنوع‌ودرسینه‌اسپرهی صفه‌ای ترنجی فلکه‌ای طراحی شده است که درون آنها گل وبوته‌های جالبی چون سبدی پر ازگل تعبیه‌ورنگ آمیزی گردیده است و حاشیه هر یك زنجیره‌ای بدیع گچبری‌شده است که روی آن بطور مکرر بخط بنائی وبرجسته‌نام جلاله‌واسامی محمد و علی کنده کاری



تصویری ازصفه‌هاونقوش وکتیبه‌های داخلی بقعه اصیل الدین وقسمت ریخته آن

شده است.

ودرحاشیه ترنج صفه جنوبی اسامی پنج تن گچبری است وروی دوقوسی طاقبند هرصفه که بانقشه ملات سازی کنده کاری گردیده است اسامی محمد وعلی نیز خوانده میشود .

وروی لچکیهای شانزده گانه طرفین پوشش هرصفه نیز بطرز بدیعی گل وبوته های برجسته چون تابلوی ممتاز گچبری ورنگ آمیزی شده است .

وبالای درب ورودی صفه غربی درسینه اسپر ترنجی فلکه ایست که درمتن آن شش گل برجسته متضمن نام الله میباشد و درحاشیه آن کتیبه ایست دوری بخط ثلثی برجسته که روی آن عبارات ذیل گچبری شده است .

« هذه العمارة بعمل حسن بن علی علوی و کتب الکتاب فی رجب ۷۶۱ »

ودربالای لچکیهای پشت بغل طاقبند درهمین صفه بالای درب ورودی دومربع مستطیلی دیده میشود که روی یکی عبارت (عمل علی بن) وروی دیگری (محمدبن ابی شجاع) خوانده میشوند .

ودر قسمت بالای هرلچکی ترنجی است بشکل مثلث که درون آنها به خط برجسته ثلثی صلوات برمعصومین گچبری شده است بدینگونه .

(اللهم صل) (علی المصطفی محمد) (والمرتضی علی) تا (والحجة القائم مهدی) (صلوات الله) (علیهم اجمعین) .

۳-ودرانتهای قسمت هشت ضلعی کتیبه ایست کمر بندی بخط ثلثی ممتاز و برجسته که متأسفانه حدود یکمتر از آغاز وحدود دو متر ازاوائل وحدود نیم متر از وسط آن ریخته است وبقرینه سایر آثار گچبری ابوشجاع علی درگنبد های دیگر قاعدتاً قسمت اول آن عبارات (من الله الاعانة والاغاثة) بوده است بدین عبارات .

«من الله الاعانة والاغاثة امر باساس هذه البقعة الرفیعه والسدة المنیعة المولی الصاحب الاعظم اعدل العرب والعجم (بازدو متر ریخته است که بقرینه القاب وعناوینی

که برای همین علی صفی در بقعه خدیجه خاتون قائل شده اند قاعدتاً دنباله عبارات چنین بوده است (صاحب السیف والقلم حافظ البلاد ناصر العباد مدبر امور المملکة وخلاصة ترکیب الماء والطین جمال الحق والدولة والدیناو) و سپس چنین است (الدین صفی الاسلام والمسلمین علی اعزالله انصاره وضاعف اقتداره رسم مرقد عمه الصاحب (از اینجا نیز مقدار نیم متر ریخته است و سپس چنین است): اصیل الدولة والدین جلال الاسلام والمسلمین وولده وفلذة کبده الصاحب الشهید المغفور جمال الدولة والدین اصیل الاسلام والمسلمین علی بن ابی المعالی بن علی صفی برد الله مضجعهما وجعل الجنة مرجعهما فی شهور سنة احدی وستین وسبعمائة ارقم علی بن محمد بن ابی شجاع).

واز این کتیبه چنین مستفاد میگردد که در این بقعه دو تن مدفونند یکی خواجه اصیل الدین عم علی صفی بانی بقعه ودیگری فرزند اصیل الدین بنام جمال الدین علی که شهیدش خوانده است وجمله ابو المعالی بجای کلمهٔ مذکور یعنی همان اصیل الدوله میباشد.

و کسانیکه مرجع ضمیر (ولده) راما نند (عمه) بانی بقعه پنداشته اند راهی را به اشتباه پیموده اند زیرا نمیتوان ادعا کرد که پدر و پسری معاً بنام علی موسوم باشند.

ودر کتاب راهنمای قم صفحه ۱۳۳ چنین آورده است که (در این آرامگاه دو تن مدفونند یکی عم صفی علی که بانی این بناست و به ابو المعالی مکنی است و نامش در کتیبه ریخته ومعلوم نیست ودیگر فرزندش علی).

در صورتیکه در جای ذکر نام وی بهیچوجه ریختگی دیده نمی شود و نامش همان اصیل الدین است وآنچه که ریخته است مربوط به عناوین اوست.

به اضافه در کتاب مزبور جمله آخر کتیبه را که حاکی از نام استاد هنرمند آن علی بن محمد بن ابی شجاع است نقل نکرده است.

۴- وبالای کتیبه مزبور صورت ساختمان بشکل شانزده ضلعی تبدیل گردیده

است ودراین قسمت شانزده طاقچه زیبا ساخته شده که چهارتای آنها نورگیرند وجدار بقیه آراسته به گچ بریهای متنوع است وجرزهای فاصل میانه طاقچه‌ها که مزین به کنده کاریهای جالب است متن برجسته ودو حاشیه آنها گیلوئی ومزین به نقوش بدیعه ایست که چهار جانب طاقچه‌ها رازینت بخشیده اند .

وروی طاقچه‌ها درمنتها الیه شانزده ضلعی کتیبه ایست بخط ثلثی درشت تری که روی آن سوره مبارکه فتح گچبری شده است .

وقسمت بالای آن پوششی است ساده وفاقد نقوش بشکل عرقچینی که اخیراً ازناحیه باستانشناسی ساخته شده است .

فصل ششم

در توصیف از مشاهد قریه خدیجه خاتون

در سه مقصد با مقدمه‌ای در امور مربوطه به این قریه

مقدمه

سخنانی درباره قریه خدیجه خاتون و تاریخ بنیان آن

قریه خدیجه خاتون در چند کیلومتری راه‌شوسه قم به اصفهان و پنج فرسنگی این شهر و در بستر جنوبی رودانار واقع است.

و در محاذات آن در بستر شمالی رودخانه قریه دیگری است که بنام خلج آباد نامیده میشود و بقرینه اینکه این دو قریه مقابل یکدیگرند و معاً از یك سد به وسیله دو نهر مشروب گشته کشت و زرع میکنند هر دو قریه همزمان بنیان گردیده‌اند در حالیکه بقیه روستاهائی که از آب رود بهره‌مند می‌شوند هریك برای خود سدی جداگانه درمیانه رودخانه می بندند.

نام خلج آباد در قرن پنجم یافت شده است و قبل از آن خلجی نبوده است تا معموره‌ای ایجاد کند و بنام خود بنامد.

در سال ۴۲۰ سلطان محمود سبکتکین این ایل که جوانانش رشید و سلحشور بودند از هندوستان بایران کوچانید و درحومه بلاد مرکزی عراق متمرکز گردانید.

وگروهی ازایشان که صاحب احشام بودند دراین منطقه که معموره‌ای نداشت دردوبستر رودخانه چادرهائی برافراشتند وسکونت گزیدند وچون سران آنان مردمی فعال بودند درمنطقه وسیعی ازطسوج اناروغیره به احداث قنوات جدید وعمران آبادیهای مخروبه بپرداختند ودهکده‌های بزرگی ایجادکردند درنتیجه بخش مستقلی بنام خلجستان بربخشهای تابعه این شهرستان افزوده گشت .

ابتداء دهکده خدیجه خاتون هم بنام خلج آباد منتها باقید جنوبی خوانده میشد اماپس از آنکه این سیده جلیله بهرجهت در کنار این معموره به خاك سپرده شد قریه را هم بنام وی نام گزاری کردند وچون نهر دهکده خدیجه خاتون اهمیت بیشتری دارد اکثر اوقات برای تقسیم آب بین الطرفین تشاجری برقرار است .

و با توجه به تاریخ هجرت ایل خلج از هندوستان و تمرکز شان در این شهرستان توأم بااینکه کلمه خاتون از واژه‌های مغولی است که پس ازسلطه چنگیزیان برایران بمرور در این کشور رایج گردیده است وعنایت براینکه تابسال ۳۷۸ این سیده دیده بجهان نگشوده بوده است و گرنه در تاریخ قدیم قم که فصل مستقلی برای سادات مهاجر تخصیص داده واز مردان و زنان آنان که بقم آمده یا در این شهر بدنیا آمده‌اند خبرداده است بایستی نامبردار شده باشد .

بنابراین راهی جز این نیست که تاریخ زندگی سیده خدیجه‌را در قرن ششم بلکه هفتم بدانیم وبعقیده نگارنده نامبرده از احفاد علی بن حسن العلوی العریضی واز دودمان علی بن جعفر است .

واما آنچه که اهل محل در باره وی معتقدند که نامبرده فرزند بلا فصل امام صادق وعمه‌ستی فاطمه معصومه است با هیچ مستند ومنطقی وفق نمیدهد چه علاوه بر اینکه در عصر آن امام شهرستانی بنام قم وجود نداشته و هنوز موقع متناسبی برای هجرت سادات وسکونتشان در روستاها کسب نکرده بوده‌است درمیانه دختران امام صادق هم که باختلاف سه یاشش تن نامبردار شده اند اصولا خدیجه نامی

وجود ندارد .

بهرصورت در یك کیلومتری این دهکده گورستانی است و در محوطه آن بفاصله ۷۵ متر با یکدیگر سه قبه و بقعه بشکل مثلث ساخته شده است که یکی از خدیجه خاتون و دیگری از شاهزاده زکریا و سومی از امامزادگان ابراهیم و اسمعیل میباشند که هیچیك از آنان هم در تاریخ قدیم قم نامبردار نشده‌اند .

ولی علو منزلت سیده خدیجه خاتون و مراتب فضیلت و معنویتش نسبت به دیگران از همان قبه و بارگاهش کشف میگردد .

مقصد نخست

در توصیف گنبد سیده خدیجه خاتون

گنبد مورد توصیف در جهت غربی دو بقعه دیگر و از ابنیه تاریخی اصیل این شهرستان می باشد .

قاعده گنبد بنای این گنبد از میرغیاث الدین محمد بن صفی و سال بنای آن ۷۷۰/ و در این بنا شکستی راه یافته است که باافزودن کمربند فلزی باید از خرابی آن در آینده جلوگیری بعمل آید مخصوصاً که آثار هنری آن از استاد هنرمند علی بن محمد بن ابی شجاع و تزیینات آن هم اصیل و دست نخورده و مستند است .

وقاعده گنبد از خارج شش ضلعی مشابه برجی است که بارتفاع قرب شش متر باسنگ های تخته وقلوه‌ای توأم باگچ بالا رفته است ولی بالای آن قسمتی به ارتفاع قرب دو متر فلکه‌ای از آجر تراش است و بالاتر از آن که بصورت عنق گنبد تجلی دارد بصورت مضلع شانزده ترکی و نمابندی بارتفاغ قرب ۲/۵۰ متر است و هیئت ساختمانی اصل گنبد نیز مضلع شانزده ترکی به ارتفاع نه متر و بصورت هرمی سراپا

آراسته با آجر تراش وزیاده زیبا ونمونه بهترین گنبد هرمی است .

واما قاعده گنبد از داخل مربع به متساوی الاضلاع بدهانه ۵/۵۰ وارتفاع قرب ۱۲ متر است که درهریك ازاضلاع آن شاه نشینی بدهانه ۳ و عرض ۱/۲۵ متر دیده میشود که از هر شاه نشینی هم دری بخارج گشوده میشده است و اینك بواسطه بالا آمدن سطح زمین گورستان شرقی و جنوبی درمجاورت گنبد ودرب آنها بکلی مسدود و آجرچین شده‌اند .

واما تزیینات داخلی بدان جهت که مطالب کتیبه‌های بالا و پائین بهم مرتبط و دردنباله یکدیگرند برای آنکه مستفاداز کتیبه‌رساتر باشد انسب آن دید که‌از بالا بپائین توصیف شود .

پس پوشش بقعه عرقچینی و آراسته به‌نقوش بنداسلیمی رنگ آمیزی شده است.

• واین نقشه متضمن هشت لوزی است که درنقطه مرکزی آن فلکه ای آراسته بگل وبوته گچبری ودر حاشیه آن کتیبه ایست مخدوش که‌باچشم طبیعی وغیرمجهز دیده نمی‌شود بخصوص که تاریك است وقویاً می‌توان ادعا کرد که‌روی آن‌عبارات ذیل خوانده شود.

لااله الاالله الملك الحق المبین محمـد رسول‌الله صادق الـوعد الامین علی ولی الله امیرالمؤمنین و زیر قسمت فلکه‌ای و در ابتدای قسمت شانزده ضلعی آن کتیبه‌ایست بخط برجسته کوفی که‌متضمن آیات قرآنی وصلوات کبیره درزمینه‌منقش به گل‌وبوته های برجسته‌است.

و زیر کتیبه مزبور شانزده طاقچه ساخته شده است که چهار تای آنها میان تهی وهواکشندوبقیه‌توپر و آراسته به‌نقوش‌مختلفه‌گچبری‌است وجرزهای‌فاصل‌میانه آنها نیز مزین به کنده کاری با حاشیهٔ زنجیری‌است .

و پائین آن صورت ساختمان هشت‌ضلعی است ودرابتدای‌این قسمت کتیبه‌ ایست بخط ثلثی برجسته‌درزمینه آراسته‌به‌گل وبوته‌های برجسته که‌روی آن‌عبارات

ذیل گچبری شده است .

ذکر القدیم اعلی و بالتقدیم اولی امر بتجدید بناء المشهد المقدس مضجع المعصومة سیدة النساء خدیجة بنت الامام المعصوم جعفر بن الامام محمد الباقر بن علی بن الحسین بن امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیهم الصلاة و السلام المولی المخدوم الصاحب الاعدل الاعظم البدر الاتم عمدة اعاظم الوزراء العالم غبطة الملوك و الدول و السلاطین المؤید بتأییدات رب العالمین غیاث الحق و الدولة و الدین افتخار النظام بالحق میرمحمدبن المولی المخدوم المطلق .

و پوشیده نماند که مراد از مخدوم مطلق علی صفی است که در کتیبهٔ ذیل نامبردار شده است .

و نیز جمله (افتخار النظام بالحق) ممکن است (الافتخار النظام بایران) خوانده شود که در تاریکی بادوری از چشم و ضیق دقت نگارنده و فقدان فرصت کافی نمی توان بخوبی بر صحت و سقم آنها حکم کند و چه بسا لغزشی هم در نقل کلمات راه یافته باشد که بادقت دیگران و با کمك چراغ قوه و دور بین در سعه وقت بر فرض هم که اشتباهی در ضبط آن رخ داده باشد باید تصحیح گردد .

بهر صورت در این قسمت هشت نمای منقش دیده می شود که روی نیم طاقهای چهارگانه ایست که در زوایای اربعهٔ بقعه بالا آورده اند تا صورت مربع را بهیئت مثمن تبدیل نمایند .

و پائین این نیم طاقها کتیبه ایست بخط ثلثی برجسته نیز در زمینهٔ آراسته بگل و بوته در یك خط ولی دو گانه باین کیفیت که کتیبه های سه جانب هی چهار شاه نشین از اسپر و دو بغله متضمن سوره مبارکهٔ یس تا آیهٔ شریفه (سواء علیهم انذرتهم ام لم تنذرهم وهم لایؤمنون) است و کتیبه دو بدنه هر جرز در چهار گوشهٔ بقعه متضمن عبارات ذیل حاکی از نام بانی و تاریخ تزیین و تکمیل ساختمان و اسم استادان هنرمند آن از معمار و گچبر یعنی درویش ابراهیم و علی بن محمد بن

ابی شجاع دردنباله کتیبه فوق است بدین متن :

امیر المطاع الشهریار الاعدل الاعلم خلیفة العرب و العجم صاحب السیف والقلم حافظ البلاد ناصر العباد مدیر امور المملکة و خلاصة ترکیب الماء والطین جمال الحق و الدولة و الدنیا و الدین علی صفی اید هما الله تعالی و نصر هما علی اعدائهما ابداً بدولتهما فی شهور سنة سبعین و سبعمائه بیدابن حاجی درویش ابراهیم بن درویش علی بن حسن جلالی حاجی طاهر بعمل العبدابن محمدبن ابی شجاع علی حلالی .

که قسمت اخیر آن حاکی از نام استادان روی جرز طرف راست درب ورودی بقعه ازشمال قراردارد ونگارنده مفهوم کلمه (حلالی) رادرك نکرده است واحتمال میدهد که ملائی یاجلایری باشدچنانکه ممکن است جمله (بیدابن حاجی درویش) را (بید این جانی درویش ...) قرائت نمود ولی درسیاق عربی جمله فارسی بی تناسب بنظر میرسد .

وبدنه قوسی چهار نیم طاق که در زوایای بقعه بالا آمده است بانقشه ملات سازی گچبری ودارای دوحاشیه زنجیری هستند که روی آنها بخط بنائی نام جلاله واسامی محمد وعلی کنده کاری شده است .

اینك ازپائین ببالا نظر افکنده توضیح میدهد که ازاره بقعه تاارتفاع ۲/۵۰ متری ساده وسفیدکاری است وروی آن کتیبه ایست که اکنون نقل گردید وروی آن درچهار گوشه بقعه نیم طاقی بالا آورده صورت ساختمان راازمربع به هیئت هشت ضلعی تبدیل کرده است وروی آن هشت نماوقسمت اول کتیبه مذکوره گچبری شده است وبالای آن صورت ساختمان شانزده ترکی مشتمل برشانزده طاقچه ونورگیر وبالاتر ازآن کتیبه کوفی وبرفراز آن هیئت مضلع به فلکه ای مبدل وباطاق پوشش عرقچینی بالا آمده است .

دراین بقعه تزیینات کاشیکاری هم وجود داشته است که بمرور ریخته وشکسته

یاربوده شده است و مقارن بازدید نگارنده توسط هیئت نباشان قبور حفره ای از خارج تازیر قبر بازشده بود که جای آنرا پر کرده بودند .

ودر وسط بقعه ضریحی است مشبك ازچوب ودرون آن مرقدی است که فعلا جدار آن سفید کاری است .

و روی جرزهای جنوبی کتیبه ایست از کاشی ۱۰% در ۲۰ % هرطرف پنج پ‌ـارچه که روی هرخشت دروسط ترنجی کشیده یك مصرع ازابیات پنجگانه ذیل بخط نستعلیق سفید درزمینه لاجوردی نوشته شده است .



تصویری ازنمای خارجی گنبد خدیجه خاتون

خاتون جهان خدیجه خاتون کز رتبه‌اش آسمان زمین است
هـم دخت ششم امام با شد هم عمه شاه هشتمین است
اینجاست به خاك وماه ازاین خاك تاخرمن خویش خوشه چین است
اسکندر بی قران که از جـاه باقدر سکندر او قرین است
بر مرقد اوضریح بگرفت یعنی که جهان گرفتن این است

وبه خط ریزی در پائین وبالای آخرین خشت تاریخ ذیل نوشته شده است (شهرمحرم الحرام) (۱۳۲۱) .

وجلودرهای شمالی وجنوبی ایوانی است بدهانه ٤ وطول ۵ متر از آثارقرن اخیر ودرطرفین ایوان شمالی دوحجره وجلو آن صحنی دارای برکه آب میباشد و ناگفته نماند که جدار قبه رابه خشت‌های کاشی آراسته‌اند درصورتیکه بدون کاشیکاری زیباتر بوده است .

مقصد دوم

درتوصیف ازبقعه شاهزاده زکریا

بقعه شاهزاده زکریا درهفتاد وپنج متری جنوبی گنبد توصیف شده درخارج قریه خدیجه خاتون واقع است .

نامبرده از احفاد امام کاظم است که درقرن پنجم یاششم میزیسته است زیراقبل ازآن قریه ای وجود نداشته است مضافاً براینکه تاقرن چهارم که تاریخ قدیم قم تألیف گردیده است واز کلیه امامزادگان حسینی وموسوی ورضائی که بقم درآمده‌اند خبر داده است از ایشان نامی بمیان نیامده است .

بقعه مزبور که باخشت وگل بنیان گردیده است قدمتش مسلم است ولی فاقد مزایای فنی و جنبه‌های هنری است .

صورت ساختمان ازخارج مربع است واز داخل نیزچهار ضلعی است که در هر یك از اضلاع آنشاه‌نشینی بدهانه ۳وعرض ۱/۵۰ متر ساخته شده است وطول آن ازشمال بجنوب چون ازشرق بغرب با احتساب محوطه شاه‌نشین‌ها شش‌متر و تقریباً بشکل بعلاوه تجلی دارد وارتفاع پوشش وقبه‌گاه گلی آن ۵متراست‌وجدار آن سفید کاری وساده بدون کتیبه وحتی‌زیارت‌نامه میباشد .

ودر وسط بقعه مرقدی‌بارتفاع‌یکمتر باجدار گچی‌فاقدضریح‌ساخته‌شده‌است.

مقصد سوم

در توصیف بقعه امامزادگان ابراهیم واسمعیل

ودر فاصله‌هفتاد وپنج متری‌هر دو بقعه یادشده بقعه‌سومی است که اهل‌محل مدفونین در آن رابه‌اسامی ابراهیم واسمعیل واز فرزندان امام عسکری میخوانند.

وپوشیده نیست که‌چون آن امام را جز حجة بن الحسن پسری نبوده است واز احفاد اوهم نام‌ونشانی نیست حتی امثال کفعمی وتلعکبری ومجلسی‌هم که بر وجود ولاة عهد وامامانی از احفاد امام زمان به منطوق (السلام علی ولیك و ولاة عهده والائمة من‌ولده) خبرداده اند هیچگاه بروجود شخص خاصی بعنوان فرزند آن امام نظر نداده اند بنابر این انتساب وی بعنوان فرزندی با امام عسکری اشتباه است که یاباید آنانرا از احفاد امام مجتبی گفت ویا آنکه از اولاد واحفاد جعفر بن امام علی‌النقی یعنی برادر امام عسکری که‌یکصدوبیست‌فرزند داشت چنانکه ویرا اباکرین میخوانده‌اند شمرد منتهااز آنجائیکه جعفر را نزد شیعه‌حرمتی نبوده‌است شاید نامبردگان خودرا به امام عسکری نسبت داده‌اند چنانکه کلیه فرزندان جعفر با انساب گوناگون در بلاد ایران پراکنده و دارای بقعه وبارگاهند و از مجمـوع پسران وی‌حتی یك تن هم که‌خودرا بدونسبت داده‌باشد دراین کشور دیده‌نمی‌شود

که دامنه این بحث طولانی ومقام را گنجایش اطاله این کلام نیست .

باری بقعه مزبور باستانی واز خارج وداخل بانقشه برجی است که از آثار عصر سلاجقه مینماید وجدار آن بامصالح وملات سنگ و گچ بالا آمده است وروی آنرا از داخل سفیدکاری کرده‌اند وهیچگونه تزیینات متداول و هنری ندارد ودهانه‌اش ۴ و ارتفاعش ۴/۵۰ متر میباشد.

ودر وسط بقعه مرقدی است، که سطح آنرا با نصب کاشیهای دوالی وتشکیل دو قاب مربع مستطیل به دو مرقد تجلی داده‌اند وبدنه آن آراسته به کاشیهای خشتی بوده که تحت تعمیر در آمده است .

فصل هفتم

در توصیف گنبد سلطان محمد شریف

با مقدمه‌ای پیرامون نسب و جلالت قدر وی

مقدمه

مدفون در بقعه مورد نظر ابوالفضل محمد شریف بن ابی‌القاسم علی مدفون در مقبره بابلان است که حالاتش ضمن بیان مدفونین درجوار ستی فاطمه نگاشته شد.

اکنون می‌افزاید که ابوالفضل محمد چهارساله بود که پدرش رحلت یافت و او تحت تکفل عم خود ابو محمدحسن به کسب علم و معرفت پرداخته بسن رشد و کمـال رسید و چون بالیده و رشید گردید مجموع ما ترك پدری را از سرپرست وعم خود تحویل گرفت و از آنجائیکه عاقلی فرزانهٔ، نیك اندیش و خیر خواه بود موقع ارجمندی بدست آورد.

ودختر ابوالحسن علی بن احمد موسوی را که سیدی جلیل و بزرگوار بود بهمسری برگزید واز بطن وی اورا پسری برازنده بنام ابوالحسن علی که بعداً اورا علی الزکی خواندند بوجود آمد ونامبرده جد امامزاده یحیی مدفون درتهران است که در سال ۵۹۰ بفرمان تکش خان خوارزمشاه بجرم حمایت از سلجوقیان بقتل رسید و مادرش دختر خواجه نظام‌الملك وزوجه‌اش دختر ملکشاه بود.

وابو الفضل محمد پس ازوفات عم خود بسال ۳۸۵ از ناحیه فخرالدوله بسمت نقابت سادات قم و آوه برگزیده شد و چون آن پادشاه به سال ۳۸۷ وفات یافت و فرزندش مجدالدوله صغیر بود سیده ملکه زوجه وی که زنی دانشمند بود به نیابت فرزند با کمال اقتدار عهده‌دار مهام سلطنت گردید و چون مجدالدوله بسن رشد رسید با مادرخوددر امرسلطنت به منازعت برخواست وابو علی رابوزارت بگماشت ومهام امور ملکی را دراختیار گرفت وسیده بعنوان قهر واعراض برفرزند به اصفهان سفر کرد ودر قلعه طبرك اقامت گزید وابوعلی وزیرمو کلانی بروی بگماشت تا از آن قلعه بزیر نیاید ولی تحمل این عار برمادر دشوار آمده نیمه شبی از قلعه بزیر آمدو با غلامان بخوزستان فرار کرد و بدر بن حسنویه والی آنخطه موکب سیده را گرامی داشته مقدمش را پذیره گشت وباسپاه خویش بحمایت وی بجانب ری لشکر کشید .

ونامبرده در سال ۳۹۹ با فرزند بجنگ برخواست وبراوغلبه کرده مجدالدوله وابو علی وزیرش را زندانی گردانید وخود بفرمانروائی پرداخت وروزها بدربار آمده درپس پرده نازکی جلوس کرده برتق وفتق امور مملکت وحکومت بین عارض ومعروض به احسن وجه میپرداخت .

تادر سال ۴۰۰ محمد شریف بخواسته طرفداران مجدالدوله بشهر ری سفر کرده روزعاشوراء با لباس وعمامه سبز مجللی نزد ملکه بار یافته زبان بشفاعت در باره مجدالدوله بگشود وچندان بکوشید واورا پند واندز گفت تا ملکه را بر سر مهر آورده مجدالدوله را آزاد گردانید ودرماه صفر اورا بر سریر سلطنت نشانید .

ازاین وقت پادشاه محمدشریف رانقیب النقبای عراق ساخته بعنوان سلطان محمد شریف خوانده و در سال ۴۲۹ در حکومت علاء الدوله کاکویه درری رحلت یافت وجسد ویرا باکمال تجلیل بقم نقل داده درکاخ وباغ تفرجگاه وی در شمالی رودخانه بخاك سپردند که پس ازانتقال شهر بمکان کنونی این محله به نام کوی سلطان محمدشریف خوانده شد .

اماقبه و بارگاه

گنبد سلطان محمد شریف بحکم سبک از بناهای قرن هشتم است چه که از داخل و خارج هشت‌ضلعی تهی از مرافق‌بادرگاهی تنگ و کوتاه وایوانچه‌ایست که ازقطر پایه بیرون‌داده‌اند .

دهانه بقعه‌از داخل۸وارتفاعش۱۲ متروبصورت‌هشت‌ترکی مختلف‌الاضلاع است که‌درچهارجهت اصلی آن چهار شاه‌نشین به‌دهانه ۳/۵۰ وعرض های‌مختلفی از یکمتر ونیم تاسه متر ساخته‌شده است‌ودرجهات فرعی آن‌صفه‌ای محرابی وپنج ترکی بدهانه ۱/۱۰ متر نمودار است که با پوششی‌در کمرگاه همگی آنهارادوطبقه ساخته اند .

در این بقعه تزیینات کاشیکاری وجودداشته است که‌قسمتی از آنها درحاشیه ازاره سیمانی‌جدید بکاررفته است .

این کاشیها نگین نشان و منقش هفت رنگ از آثار اواخر صفویه یا اوائل قاجاریه است که‌مانند قابی‌چهارجانب‌ازاره سیمانی‌تعمیری‌رااحاطه کرده‌است. چنانکه‌روی گچبریهای آنراهم‌گاه‌تعمیر سفیدکاری کرده گچ‌اندودساخته‌اند که قسمتهای‌ناچیزی از آنها از زیرقشر گچی‌تجلی‌دارد .

و گنبد سابق آنهم هرمی شکل بوده است و درنقشه‌های‌سیاحان عصرصفویه قابل تشخیص‌است که خراب‌شده‌است واکنون برفرازپوشش‌عرقچینی و گنبدهلالی شکل آن‌قبه‌ای‌جره‌ای‌وشلجمی‌بالابرده‌اند.

ازاره آن‌بشرح‌فوق‌سیمانی درقاب‌کاشی‌بارتفاع یکمتروبالای آن تمام جدار سفیدکاری و درارتفاع شش متری هیئت ساختمان از هشت ترکی بصورت شانزده ضلعی‌متساوی‌تبدیل‌ودرابتدای‌این‌قسمت‌جای کتیبه‌کاشی‌نمودار است که‌درگودی‌است ولی کتیبهٔ‌آن وجودندارد .

وبالای این کمربندتهی از کتیبه‌شانزده‌طاقچه که‌یکی درمیان‌نورگیراست‌ساخته شده جلو نورگیر ها بـا مشبکی گچبری آراسته است که چند مشبك آنها هنوز سلامت است وبقیه طاقچه‌ها ازاسپروبغله آراسته بـنقوش برجسته گچبری است که رنك آمیزی شده‌اند وپوشش آنها مزین به مقرنس زیبای‌گچی‌است .

و بالای‌طاقچه‌ها هیئت ساختمان فلکه‌ای شده پاطاق پوشش عرقچینی بـالا آمده است و پوشش آن بمنزلـه یك کاسه چینی است که وارونه نهـاده باشند و آراسته بنقوش بدیعه وترنجهای متعددگچبری است .

ودر بدنه جرز جنوبی پهلوی درب ورودی بقعه طاقچه‌ای جـای‌مهـر نماز بشکل بقعه وقبه‌گچبری شده است که‌دارای نازك کاربهای‌جالب ومقری ازمقرنس بدیع میباشد .

و روی جرزدیگرمجاور آن هم‌پیش‌طاقچه‌ای چراغدان باپایه‌مطبق‌ازمقرنس ساخته شده است .

ودر مدخل بقعه ایوانچه‌ایست بدهانه ۲/۵۰ وعرض ۲/۵۰ متر با بدنه سفید کاری و پوشش مقرنس خوش قطـار که درب ورودی بقعه منبت‌و آراسته به کنده کاربهای جالب‌اما بدون کتیبه‌زیر آن‌گشوده‌میشودو به‌آثار عصرصفویه میماند .

ودرضلع غربی بقعه مسجد یا مقبره‌ایست چشمه پوش برفراز ستونی‌مضلع آجری وسفیدکاری و جلو ایوانچه صحنی است کوچك بدهانه ۱۰ در ۱۲ متر که سابقاًمسقف‌وحسینیه بود .

وقبه جره‌ای وکوچك‌آن آراسته‌به‌کاشیهای گرهی ومنقش ونوبنیان‌است ،

فصل هشتم

در توصیف مشاهد میدان زکریا بن آدم

(میدان کهنه)

در دو مقصد

مقصد نخست

در توصیف گنبد تاریخی شاهزاده حمزه موسوی

مشهد شاهزاده حمزه از مشاهد مورد توجه و مزار عمومی و مرکز حلف و تحلیف متداعیین در امور حقوقی بلکه جزائی بود که عامه مردم از سوگند دروغ یاد کردن بنام وی و در زیر قبه وی هراسناك بودند در نتیجه اکثر تشاجرات و اختلافات در آنجا قبل از اقدام به مراسم مقدماتی سوگند چون غسل و پوشیدن لباس پاك وغیره با تلقینات خدام کار کرده و مجرب بقعه بصلح خاتمه می پذیرفت.

این مشهد از لحاظ بیوتات و مرافق تابعه مستغنی بوده مشتمل بر بقعه تاریخی و رواق مجلل و ایوان مفخم و کفشکن ها و حجرات جور به جور و صحن های متعدد میباشد که ذیلا به توصیف آنها میپردازد.

در جانب شمالی آن گورستانی پست و بلند و مخوف بود که در سال ۱۳۲۵ شمسی مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد فیض در ضلع شمالی آن به بنای آب انباری اقدام کرد و پس از تکمیل ساختمان مزبور برفراز آن مسجدی مجلل بنیان

نهاد که این امر باخودیاری اهالی نیکوکار قم انجام یافت (۱)

نام و نسب

مدفون در گنبد مورد نظر شاهزاده حمزه متوفی در اواسط قرن چهارم هجری است و نامبرده از احفاد امام کاظم و نسبش بطور دقیق چنین است .

حمزة بن حسین بن احمد بن اسحق بن ابراهیم العسکر ابن موسی ابی السبحه ابن ابراهیم المرتضی ابن امام موسی الکاظم .

که نامبرده با پدرخود حسین و جدخویش احمد در سه بقعه مجاور یکدیگر مدفونندو درمقصد دوم بقعه یابقاع مجاور آن توصیف خواهد گشت .

و بنابر این سلطان سید اسحق مدفون به ساوه جد اعلای وی میباشد .

و بعضی از مؤلفین باسریشم وهم وتخیل کوشیده‌اند تا حمزه مدفون دراین گنبد را فرزند بلافصل امام کاظم معرفی کنند و بعضی دیگر گامی فراتر نهاده ادعا کرده‌اند که نامبرده باخواهر خودستی فاطمه همسفر بوده معاً بقم در آمده‌اندچنانکه طی حالات فاطمه در این باره ببحث پرداخته مطابق نقل تاریخ قم ثابت کرده‌است که با فاطمه کسی همسفر نبوده‌است .

و تعجب در آنستکه این نویسندگان هم عبارت تاریخ قم رامستند قرار داده‌اند درصورتیکه در تاریخ مزبور آنجائیکه از هجرت محمدبن موسی المبرقع حکایت کرده‌است ازرحلت بریهه زوجه‌وی دختر جعفر بن امام علی النقی در این شهر خبر داده سپس مفاداً چنین می افزاید که برادران وی ابـراهیم و یحیی صوفی بـرای تصرف ماترك وی از کوفه بقم آمدند و درمیدان زکریابن آدم قـرب مشهد حمزه بن موسی بن جعفر یاحمزه موسوی منزل و مأوی گزیدند .

---

(۱) وقبل ازچاپ این کتاب در سال جاری بقیه محوطه گورستان با مساعی آقای قاسمی نژادشهردارمنتخب قم به باغ و چمن تبدیل گردید چنانکه اکنون (۱۳۵۰) یکی ازتفرجگاه های عمومـی این کوی شده است .

و چنانکه پوشیده نیست جمله حمزه موسوی مثبت وجود فاصله و ذکر جداعلی واسقاط وسائط هم امری عادی ومعمول بوده است .

مضافاً براینکه هرگاه حمزه‌بن امام کاظم بقم درآمده‌بود در تاریخ قم ازورود وی خبر داده بود که سکوت مؤلف تاریخ مزبور اقوی دلیل برعدم و رود وی بقم میباشد .

بعلاوه اکثرمؤلفین بردفن حمزه‌مزبوردرشهرری اظهار عقیده کرده چنین استناد نموده‌اند که عبدالعظیم حسنی چنانکه در حالاتش نوشته‌اند روزها ازخانه‌ایکه در آنجا سکونت گزیده بود خارج میشد وقبری را درمیان باغی زیارت میکرد و چنین میگفت که این قبر یکی ازبهترین فرزندان امام کاظم است واین امر در زیارت نامه عبدالعظیم قید گردیده‌است که (یازائر أقبر خیر رجل من ولد موسی بن جعفر)

ودربرابر جمعی هم بردفن وی درشیراز اظهار نظر کرده‌اند که سلاطین صفویه هم برمبنای ترجیح این قول گنبد جدخود حمزه‌رادرشیراز دانسته برای آن بقعه‌ای بنا کرده‌بجهت آن رقباتی هم‌وقف کرده‌اند زیرا ایشان ازاحفادحمزه مزبور بوده‌اند.

وبالجمله مدفن حمزه بین ری وشیراز دور میزند وعدم وجودمقبره وی در قم امری مقطوع ومسلم گرفته‌شده است .

ومؤید اینکه مدفون دراین گنبد حمزة‌بن حسین بن احمدبن اسحق است آنستکه پدروجدش نیز در جوار وی مدفونند منتها بواسطه فضیلتی که حمزه داشته است مشهد مجتمع فقط بنام وی شهرت یافته خوانده میشود واز عبارت تاریخ قم که منزل ابراهیم و یحیی صوفی رادر مجاورت مشهدحمزه موسوی ضبط کرده است چنین مستفاد میگردد که ازابتداء مقبره وی مزارعمومی ودارای قبه‌وبارگاه ومشهور بوده است ومطلب روشنتر ازآنست که نیازی به‌بیان وتطویل کلام داشته باشد .

اما بقعه و بار گاه

اما بقعه تاریخی وی بشهادت سبك بنا از آثار قرن هشتم است مضافاً بر اینکه لوح کاشی مرقد احمد بن اسحق هم مؤید مراتب میباشد .

قاعده گنبد از خارج مثمن است که باخشت بالا آمده است و خود نگارنده در موقع تجدید بنای رواق غربی یا حسینیه که تزیینات گچی آن ریخته بود عین پایه خشتی را در طرفین درب ورودی بقعه مشاهده کرد. و از داخل بشکل هشت ضلعی متساوی به دهانه ۷/۵۰ و ارتفاع ۱۲ متر مشتمل بر هشت صفه به دهانه دو متر و عرض یك متر و ارتفاع ۷/۵۰ متر است و در سینه اسپر هر صفه‌ای نور گیری نمودار است که جلو آنها را با پنجره کاشی پوشانده‌اند و پوشش هر صفه آراسته به مقرنس گچی است که با مقرنس پوشش بقعه دست بگردن شده‌اند و بطور کلی سلامت مانده‌اند .

و میانه صفه‌ها جرزها ئیست میان منحنی بقطر یك متر که هر نیمی از آنها همباد یك صفه میباشد و با احتساب نیمی از قطر دو جرز طرفین طول هر ضلعی سه متر میشود.

و در ارتفاع چهار متری کمر بندی است از مضرس مقرنس که داخل کلیه صفه‌ها میشود و بغله‌ها و اسپر آنها را هم زینت بخشیده است که این کمر بند از خصوصیات عصر شاه تهماسب است و نظائر متعددی در مشاهد این شهرستان برای آن دیده میشود .

و در صفه جنوبی محرابی به ارتفاع سه متر مزین به پوشش مقرنس گچی میباشد.

بالجمله اسلوب بنای بقعه زیاده باشکوه و مجلل است و از ازاره آن تا ۱/۵۰ متر مزین به کاشیکاری کلوکی و بالای آن تمام جدار سفید کاری است و کف بقعه مفروش با کاشیهای فیروزه‌ای قالب بزرك عصر صفوی به‌اندازه ۳۰ در ۳۰ سانتیمتر میباشد.

اصل بنا از قرن هشتم است که در عصر شاه تهماسب صفوی تزیین و تعمیر کلی و اساسی یافته است .

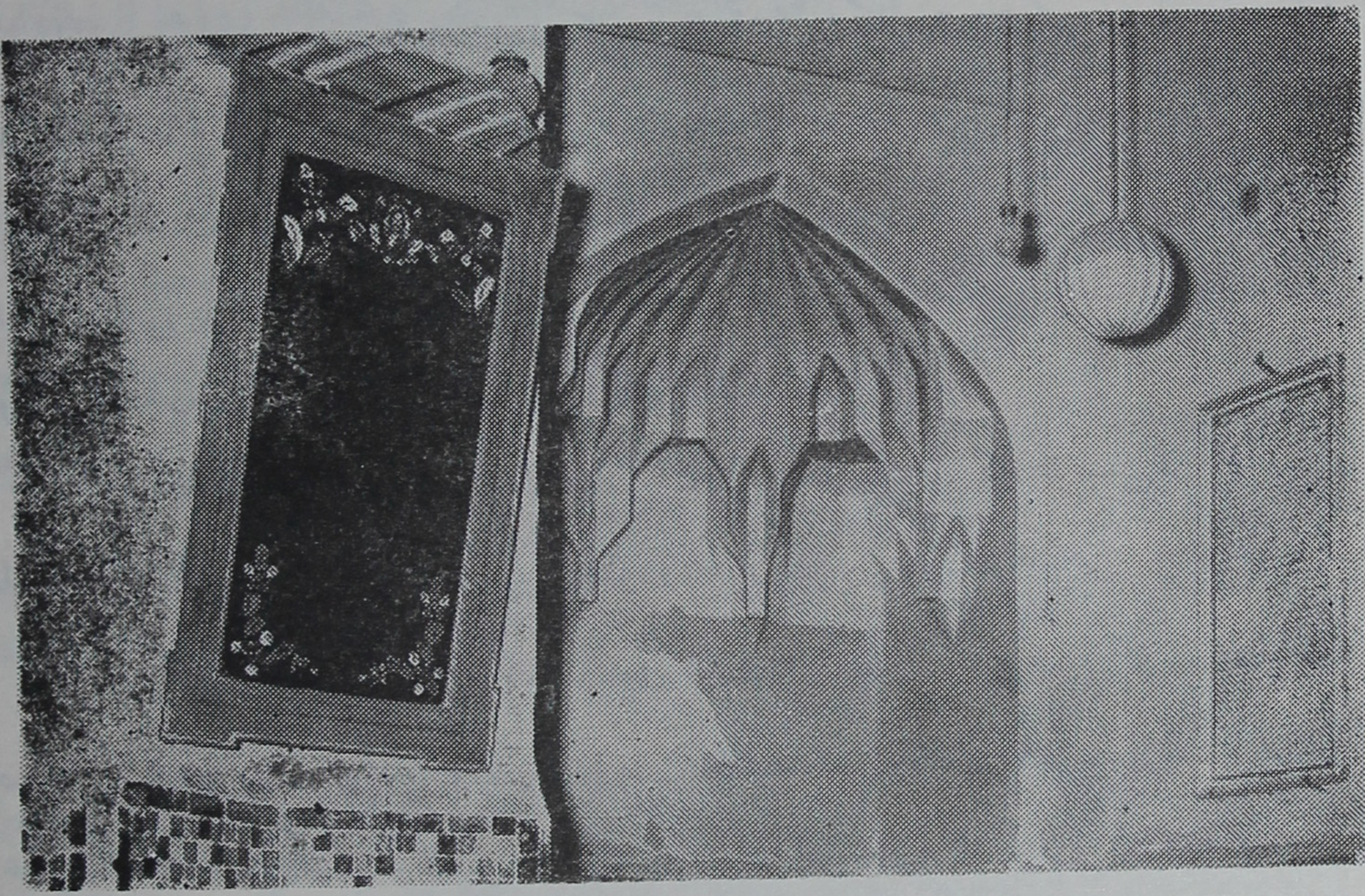
و در وسط گنبد دو چهل چراغ باستانی یکی شش شاخه و دیگری، پنج شاخه با

کاسه لاله‌های منقش بانقوش برجسته ورنك برنگ آویخته‌است .

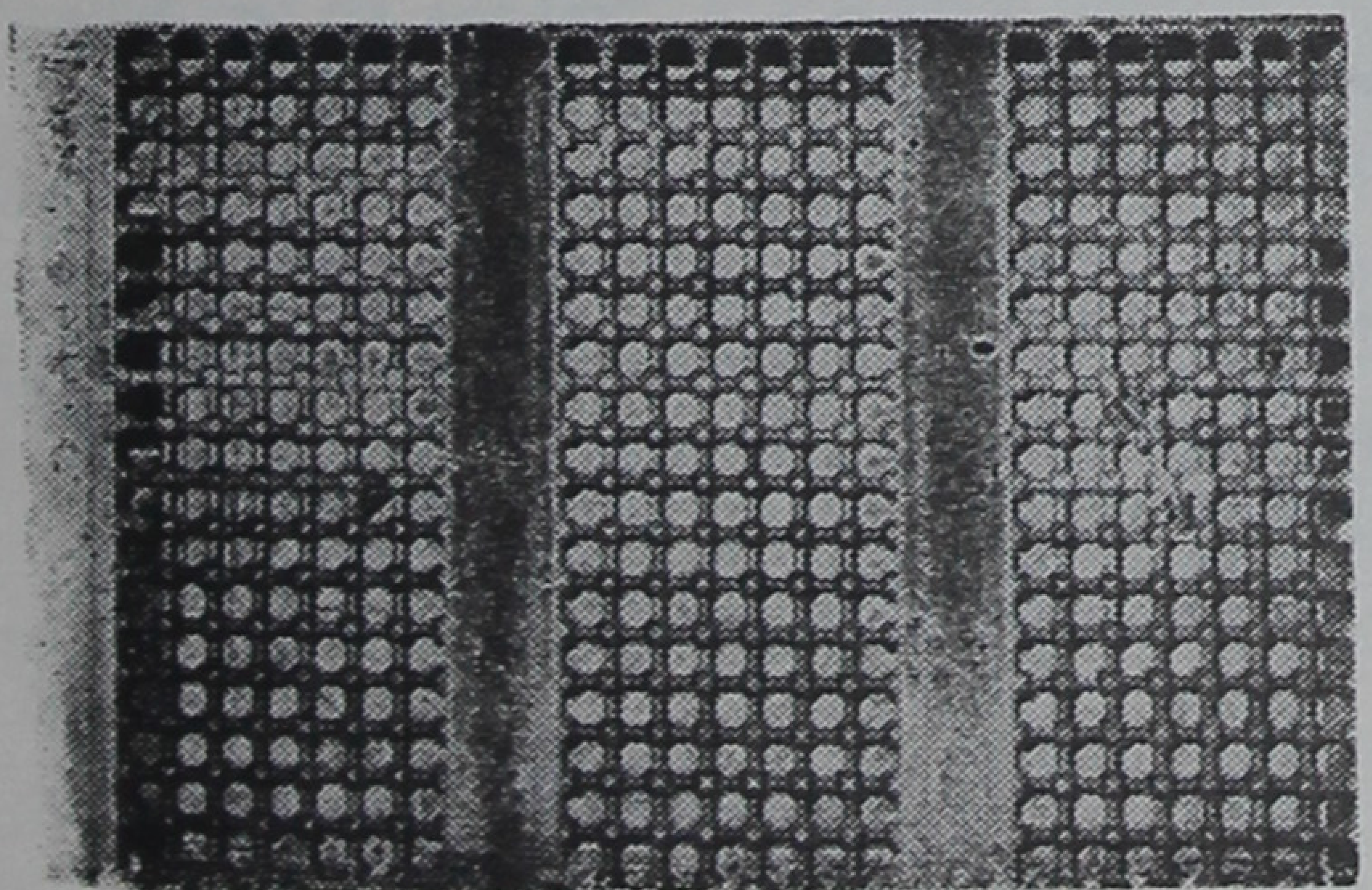
ودرقسمت فوقانی صفه شمالی مشعلی زمینی با پایه‌ای از شاخ گوزن‌عالی که درمقری فلزی بکاررفته است نهاده شده‌است .

مرقد

ودروسط بقعه ضریحی مجلل و مشبك گوداری از چوب است که روی مقری از سنك مرمرسراسری و گیلوئـی به ارتفاع ۲۵٪ وعرض ۲۵٪ سانتیمتر نصیب گردیده‌است .



تصویری ازمحراب داخلی بقعه



تصویری ازضریح ومرقد

ودرون آن مرقدی است به ارتفاع ۱/۷۵ وطول ۴ وعرض ۲/۸۰ متر باچهار بدنه آراسته به کاشیهای خشتی منقش هفت رنك ازآثارمرحوم میرزاعلی اصغرخان اتابك (بانی صحن آستانه وصحن همین بقعه و گنبد آن) ودرگلو گاه آن کتیبه ایست

به‌خط نستعلیق سفیدو مرغوب درزمینه‌لاجوردی که‌روی آن دردو جانب مرقد آیه‌مبارکه نوردردو جانب دیگر صلوات کبیره نوشته‌شده‌است بدین عبارات.

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم الله نورالسموات و الارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة والزجاجة کـانها کوکب دری یوقدمن شجرة مبارکة



تصویری از گنبد شاهزاده حمزه

زیتونة لاشرقیة و لاغربیة یکاد زیتها یضیء ولولم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاءوالله بکل‌شیء علیم .

اللهم‌صل‌علی المصطفی محمد و المرتضی علی و البتـول فاطمة والسبطین الحسن والحسین وزین‌العابدین‌علی والباقر محمد والصادق جعفر والکاظم موسی و الرضا علی و التقی‌محمـد و النقی علی والزکی العسکری الحسن وصل علی حجة القائم الخلف الصالح الهادی المهدی‌عجل‌الله فرجه صلوات الله علیهم .

ودر کتیبه‌سینه مرقدجانب‌شرقی برابردرب‌ورودی‌بقعه عبارات‌ذیل‌بخط‌نستعلیق درشتی‌نوشته شده است .

حسب امر مبارك جناب جلالتماب اجل آقا عزیزالله‌خان امیر تومان پیشکار امور شخصی جناب اجل اکرم اشرف صدارت عظمی روحیفداه درسنه . . . بسعی مقرب‌الحضرت میرزا علی اکبر مباشر اتمام یافت .

گنبد

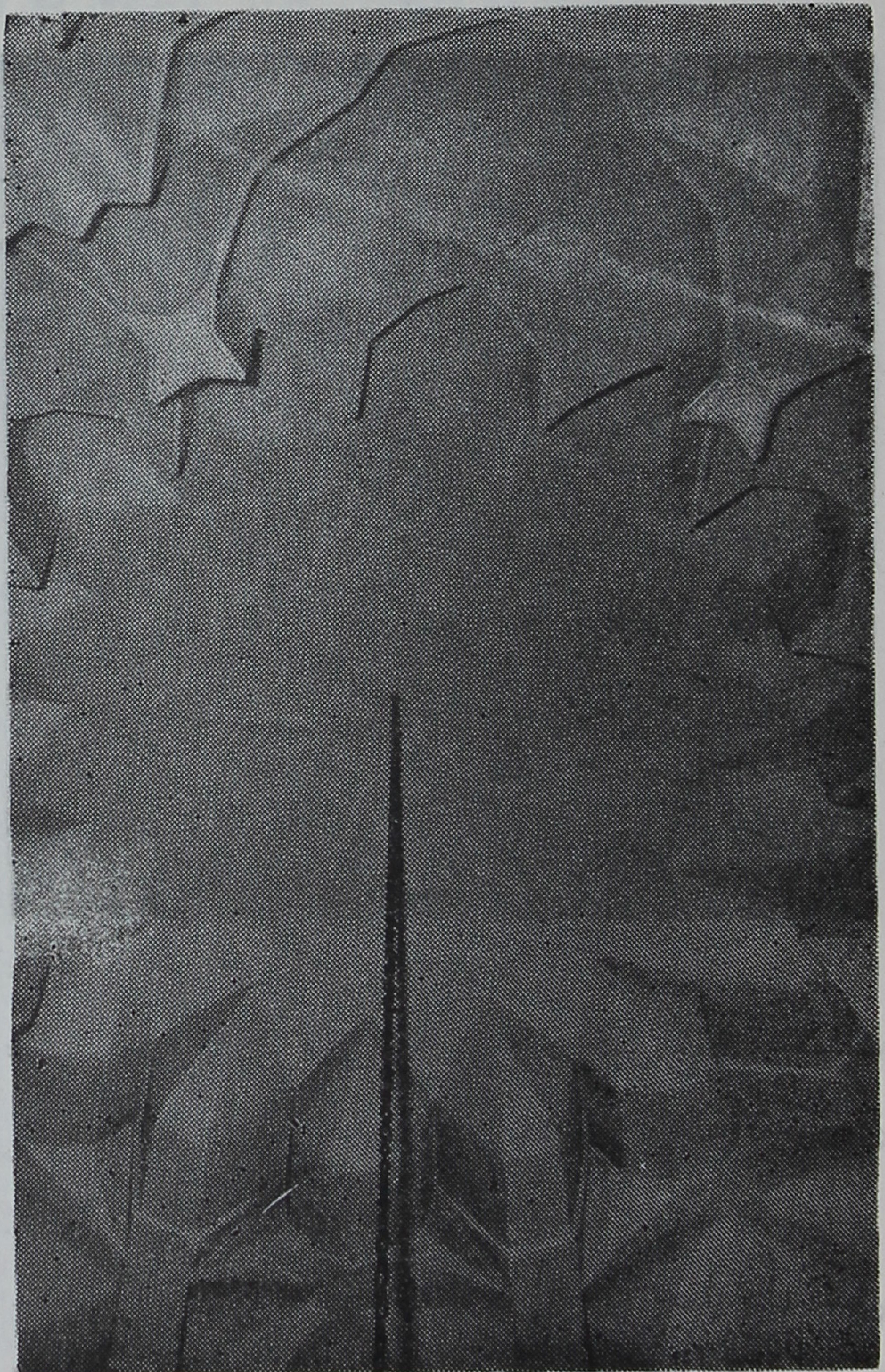
و بر فراز بقعه مورد نظر گنبدی است نیز از آثار مرحوم اتابك اعظم‌درسال۱۳۰۱ قمری که‌همزمان بنیان‌گلدسته‌های بلندو ایوان آینه‌وصحن‌بزرگ فاطمه‌معصومه‌ساخته‌شده‌است.

سبك ساختمان آن از ابتکارات مرحوم استاد حسن معمار قمی است که‌در ساختمان آن مهارت فنی‌راباذوق هنری‌و قریحه‌سرشارو بیدارصنعی‌توأم کرده است و مجموعه ای از اشکال هندسی‌و گونـاگون گنبـد سازی را از عرقچینی‌وکروی و شلجمی توأم با استوانه‌ای ومضلـع و مخروطی همراه چند کمربنـدمضرس و دندانه‌ای‌و مدرج و مشابـه مقرنس در آن تجلی داده است و به گل هائی از کاشیهای‌الوان آراسته‌است.

بالجمله بدون شبهه گنبدی یگانه است چون در هیچیك از مشاهد متبرکه برای آن مشابهی وجود ندارد ولی در بحبوحه شامخیت فنی از لحاظ حسن منظر مشکوك بنظر میرسد زیرا هرگاه دلپذیر بود می‌بایستی طی یك قرن در سایر مشاهد

نظیری یافته باشد مگر آنکه گفته شود معمار سازنده آن نبوده است.

ارتفاع گنبد از سطح بام چون قطر قسمت اولیه آن حدود دوازده متر و سراپا مزین به کاشیهای گرهی واحیاناً دوالی فیروزه فام و دارای عنقی مضلع و شانزده ترکی و آجری است.



تصویری از پوشش داخلی بقعه و مقرنس آن

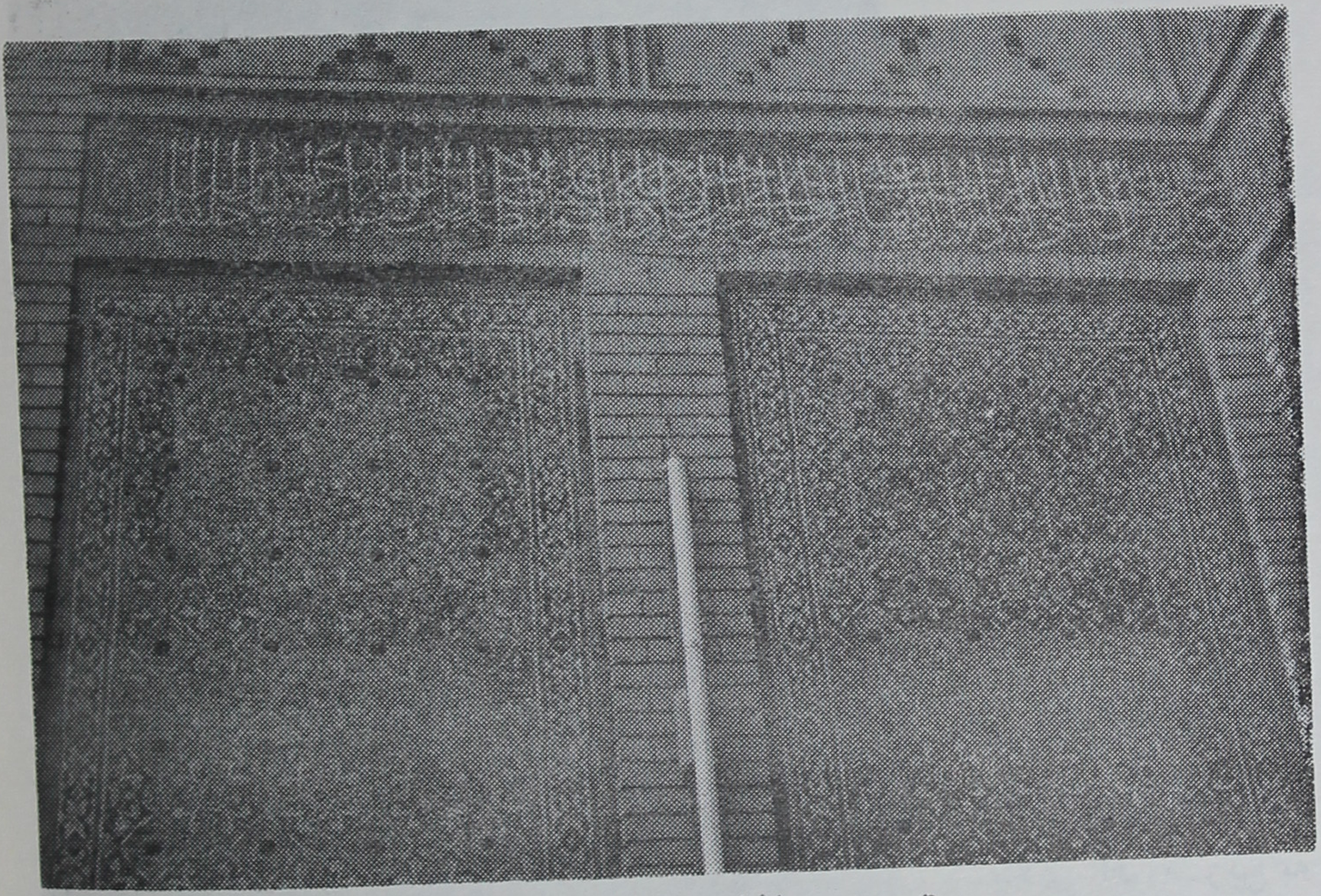
ایوان

و در جانب شرقی بقعه ایوانی است با شکوه از آثار صفویه که از تزیینات کاشیکاری قدیمی آن توسط اتابك تعمیر بعمل آمده است.

ازاره این ایوان سیمانی تعمیری و بالای آن مزین به کاشیهای خشتی خوش نقش و لعابی از ازهفت رنگ منقشی است که در قاب هائی از آجرهای کلوکی به دیوار میخکوب شده اند و پوشش آن رسمی سازی آراسته بکاشیکاری معقلی دارای کتیبه‌های تکراری فردی از اسامی جلاله و نامهای محمد و علی می باشد.

ولبهٔ ایوان ازهرجانب گیلوئی و آراسته بکاشیهای خوشرنگی درمیانهٔ دوحاشیه کلوکی ازآجر تراش است.

وجرزهای دوطرف وپیشانی ایوان ولچکیهای روی طاقبند جلو نیز آراسته بهمین نوع کاشی ودرمیانهٔ لچکیها دوترنج ودرمیانه آنها یکطرف (بسمله) و طرف دیگر (یاکافی المهمات) خوانده می‌شود.



تصویری ازایوان شاهزاده حمزه

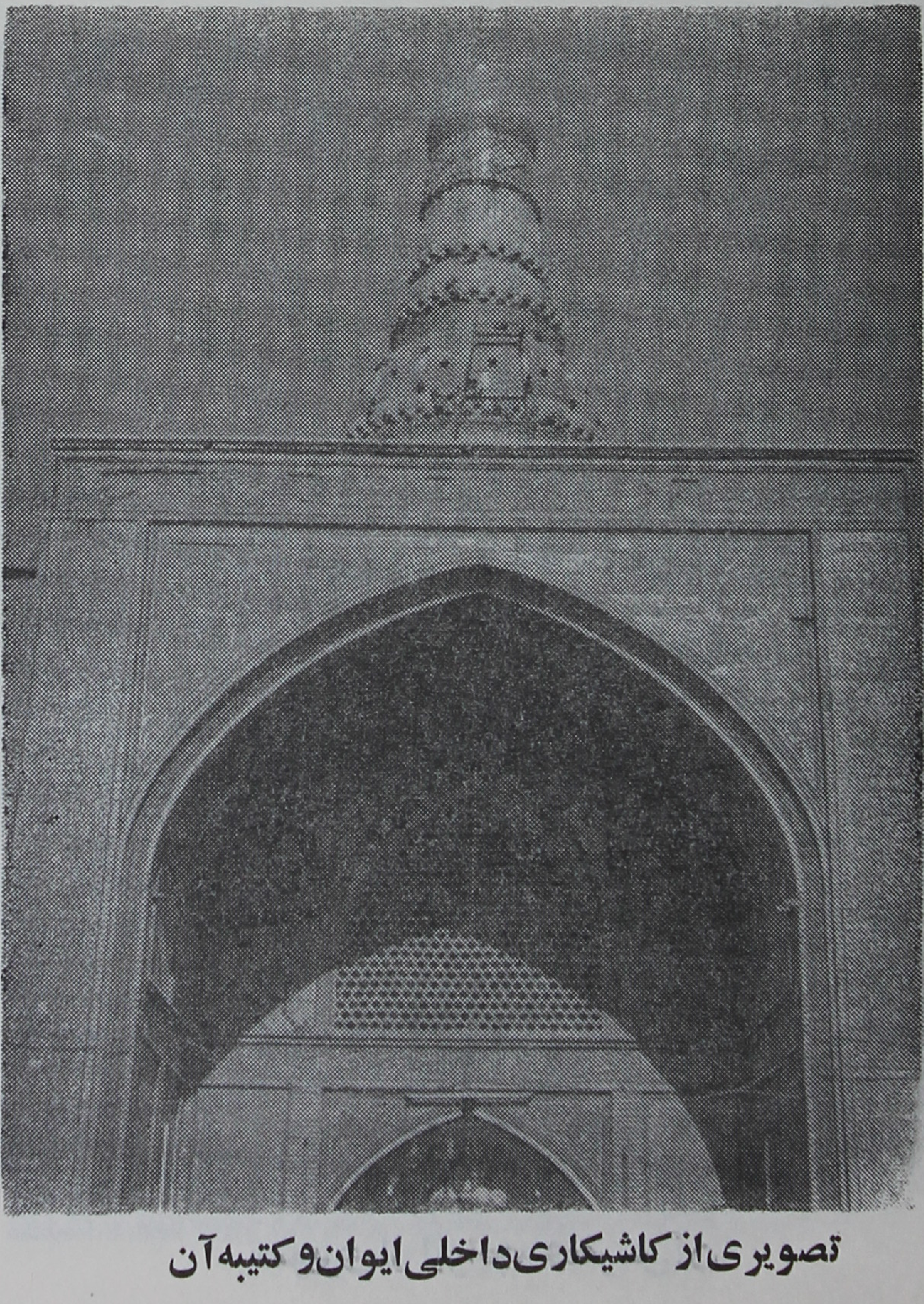
دهانه ایوان ۶ وعرضش ۳/۵۰ وارتفاعش ۱۰ متر و در کمر آن کتیبه ایست کمر بندی از کاشی قدیمی و الحاقی اتابکی به خط ثلثی سفید در زمینه لاجوردی که‌روی آن احادیث و آیات وعباراتی بدین کیفیت نوشته شده‌است :

دردوبغله شمالی و جنوبی احادیثی نبوی درشأن علی و از جمله قال النبی صلی الله‌علیه و آله وسلم انامدینة العلم وعلی بابها قال‌الله تعالی اوولی علی جمیع الناس وکلهم علی‌بن ابیطالب صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین ما خلقت النار فی سنه ۱۳۰۱

وروی اسپر آیه مبارکه نور یعنی آیه (الله نور السموات (الی) نور علی نور) ودر میانه آن بین کلمه (کوکب) بطوریکه آنرا به دو نیمه ساخته است عبارات ذیل خوانده میشود «حسب الامر حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد ارفع افخم اعظم آقای میرزا علی اصغر خان صدر اعظم مدظله العالی»

که میرساند کتیبه آیه نور قدیمی وبقیه از آثار اتابکی است.

ودر زیر کلمات در بغله شمالی و ابتدای کتیبه عبارات ذیل کلمه به کلمه جدای



تصویری از کاشیکاری داخلی ایوان و کتیبه آن

ازیکدیگرخوانده‌میشود .

« کتبه العبد الخاطی علی بن طاهر الرضوی کتبه فی یوم الاربعاء فی‌شهر ذی حجة سنة ۱۳۰۱ عباقلی»

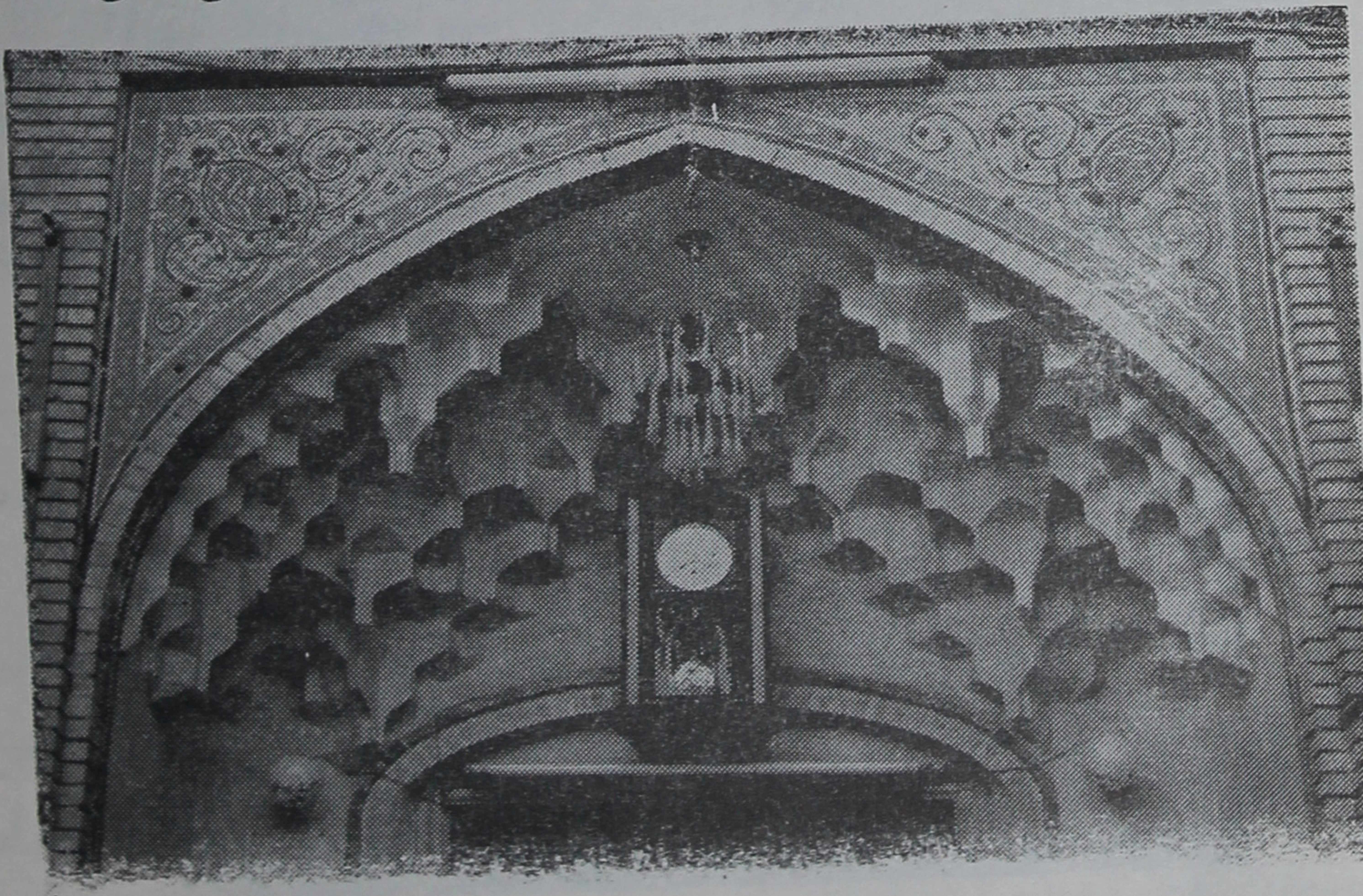
که‌البته‌مقصودعباسقلی‌است‌وحرف‌سین آن‌افتاده‌است.

ودرسینه اسپر برفرازدارالحفاظ درگاهی است که جلو آنرابا‌پنجره‌های کاشی فیروزه فام پوشانده‌اند .

دارالحفاظ در مدخل بقعه

و زیر پنجره و مشبک یاد شده در مدخل بقعه ایوانچه یـا دارالحفاظی زیبا و قدیمی است که تزیینات آینه و کاشی آن تجدیدی تعمیری است این‌ایوانچه که از قطر پایه گنبد گرفته شده است به‌دهانه ۲/۸۰ و عرض ۱/۱۰ و ارتفاع ۳/۵۰ متر با ازاره‌کاشی وجداری قاب آینه و پوششی ازمقرنس خوش‌قطار گچی است .

ودرپیشانی ایوان بزرك زیرهره‌سنگی‌لب‌بام کتیبه‌ایست از کاشی‌خشتی زمینه

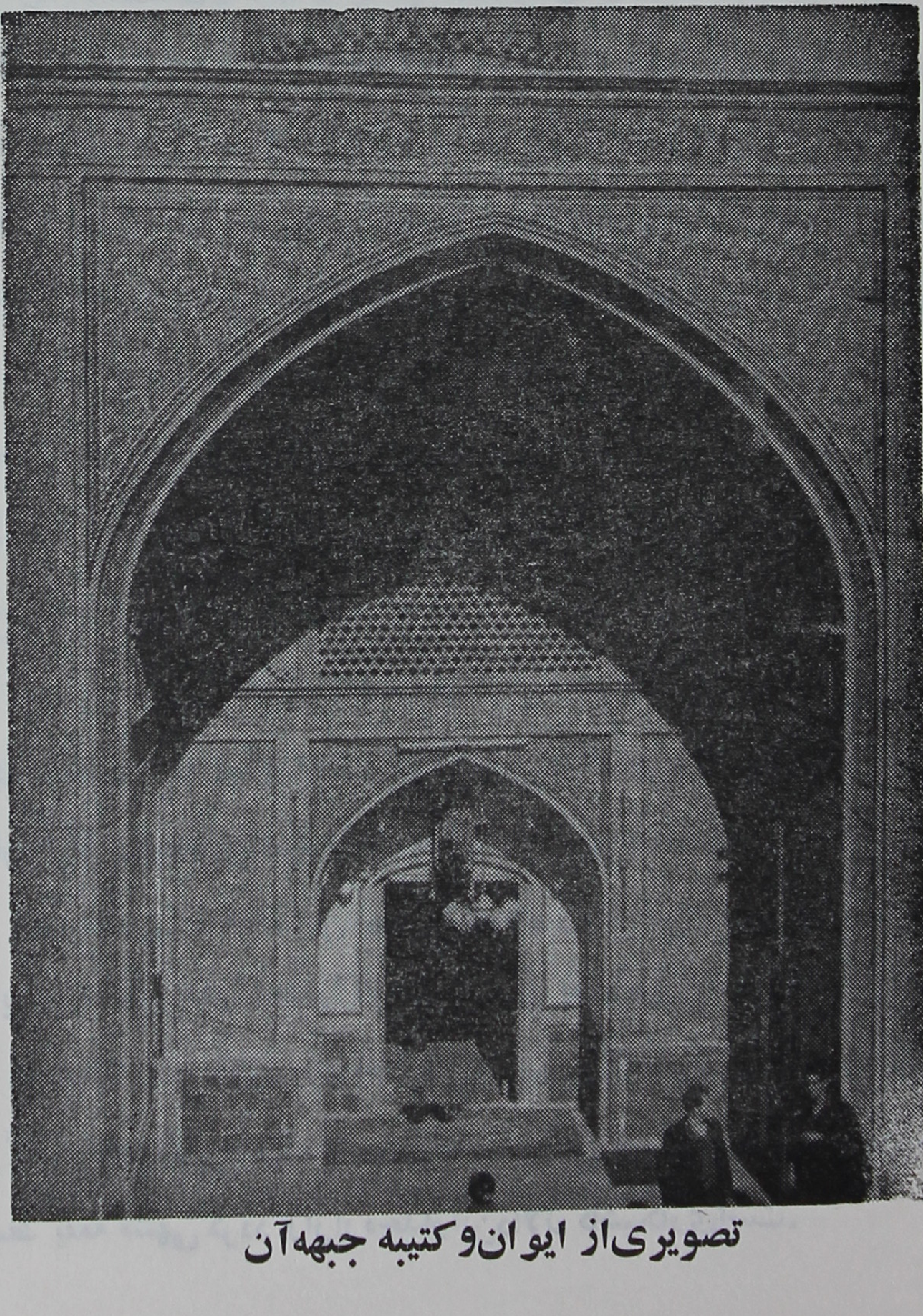


تصویری‌از ایوانچه ومقرنس‌آن

لاجوردی بخط نستعلیق سفید مرغوبی روی آن عبارات و آیاتی نوشته شده است که چندپارچه آن فرو ریخته و نیازمند تعمیر فوری است اما متن کتیبه درطرفین سه بیت میشود هرطرف سه مصرع که در وسط آن عبارات ذیل خوانده میشود .

السلطان بن السلطان مظفر الدین شاه قاجار سنة

این کفشکن سلیل موسای کظیم	کو طعنه زند به طور موسای کلیم
بنیاد ز اصغربن ابراهیم است	چونانکه بنای کعبه کرد ابراهیم
این وادمقدس است فاخلع نعلیك	وین باب خداست فادخلوا للتعظیم



تصویری از ایوان و کتیبه جبهه آن

وازمفاد ابیات چنین مستفاد میگردد که این ابیات برای کتیبه بالای کفشکن که درسال ۱۳۱۷ بنیان گردیده است سروده شده است وچون جبهه کفشکن برای نصب این کتیبه متناسب نبوده است آنرا درپیشانی ایوان بزرك بکار برده اند .

اما کفشکن یادشده درطرفین ایوان بزرگ و به دهانه دو وطول ۳/۵۰ متر باجدار سفید کاری و پوشش تخت است وبالای هریك غرفه ایست زیبا برای سکونت خدام کشیك اماکفشکن شمالی رابعنوان مقبره مورد بهره برداری قرار داده اند که بظن قوی این امر برخلاف نظربانی واقف است که دو کفشکن مردانه وزنانه بنیان کرده است.

صحن های سه گانه

بقعه شاهزاده حمزه ازسه جهت شمالی وجنوبی وشرقی محاط به سه صحن وازجانب غربی محدود به رواق یاحسینه است واز آنمیانه صحن شرقی نسبتاً وسیع ومعمور و طولا ازشمال به جنوب ۳۲ متر وعرضاً ۱۵ متر است که ازسه جانب دارای ایوانهائی زیبا است وایوان مقابل بقعه مانند تالار به دهانه ۶ وعرض ۲/۵۰ وارتفاع ۶ متر بادوستون سنگی استوانه ای ودونیم ستون طرفین و پوششی خفته رسته و تخت میباشد .

وصحن شمالی به وسعت ۱۰ در ۱۰ متر باجدار ساده سفید کاری وچند بقعه درضلع جنوبی است .

وصحن جنوبی که ویژه بقعه احمد بن اسحق ساخته شده است ازدوجانب نمایاایوان سازی است و ازجانب شرقی باسه درگاه بزرگ برفراز ستونهای سنگی به صحن شرقی مرتبط میشود .

وچون درب بقعه احمدبن اسحق با ایوان وسط این صحن کوچك مواجه نبود قهراً ایوان مدخل بقعه که بادو کفشکن بین دو حجره در وسط ضلع غربی ساخته شده است چون بقعه رادر کنار خودانداخته است و درگاه ورودی بقعه راوسط ایوان مزبور گشوده اند دالانی که درمیانه درگاه بابقعه واقع است بطورمورب ساخته شده است تابه وسط بقعه منتهی گردد وازاره جدار این دالان کاشیکاری است.

رواق و حسینیه چنانکه اشاره شددرجانب غربی بقعه رواق یا حسینیه‌ایست درحال تزیین ونوبنیان که‌بجای یك راهرو کثیف ومسقف سابق جدیداً ساخته شده و برابر گذر شـاهزاده حمزه واقـع است‌ودر لحظـاتی که‌مشغول تدوین ایـن‌مجموعه‌بودم متصدیان حسینیه ازنگارنده بـرای شرکت در مراسم تعزیه داری دهه‌اول محرم بشاهزاده حمزه دعوت کردندودرپایان‌جلسه‌سخن ازعدم تناسب این‌راهرو بابقعه بمیان آمدو کسبه‌محلی داوطلب تجدید بنای مزبور شدند اماهنگامیکه بخرابی آن‌دست زدند بامخالفت شدیـد متصدیان اداره اوقـاف روبرو گردیده ناچاربه‌نگارنده توسل یافتند ودراثر توصیه نویسنده‌شورای‌حفاظت آثار باستانی تشکیل جلسه دادوپس ازاستماع نظر نگارنده‌مبنی‌برلزوم خرابی‌بدان جهت که‌عمارتی کثیف‌وفاقداثرتاریخی است کلیه‌اعضای شوری به‌تبعیت‌ازنگارنده باتجدید بنای آن‌موافقت کردندپس‌رواق کنونی بنیان‌گردید .

این‌رواق وحسینیه طولاازشمال بجنوب۳۵ وعرضاً ۱۲/۵ متروارتفاعش ۷ متردارای جرزهائی ازآجرتراش و پوششی تخت وخفته رسته‌با تیر آهن آراسته به کاشیکاری معرق‌و بدون ستون با درگاهی وسیع درشمالی وجنوبی وهفت‌شاه‌نشین درضلع‌غربی دارای‌درهای‌نیم‌تنه‌سراسری‌قوسی‌ازآهن وشیشه‌پوش‌وزیاده‌مجلل‌است که‌هرگاه‌پوشش‌آن‌باقابهای‌بیشتری‌از کاشیکاری‌معرق‌زینت‌یابد بسیارزیبا و مفخم‌ـ تـرمیگردد .

وازضلع شرقی آن‌دری بداخل بقعه شاهزاده حمزه ودردیگری به بقعه‌احمد بن اسحق باوساطت بقعه حسین‌بن احمد(آبدارخانه کنونی حسینیه)گشوده‌میشود

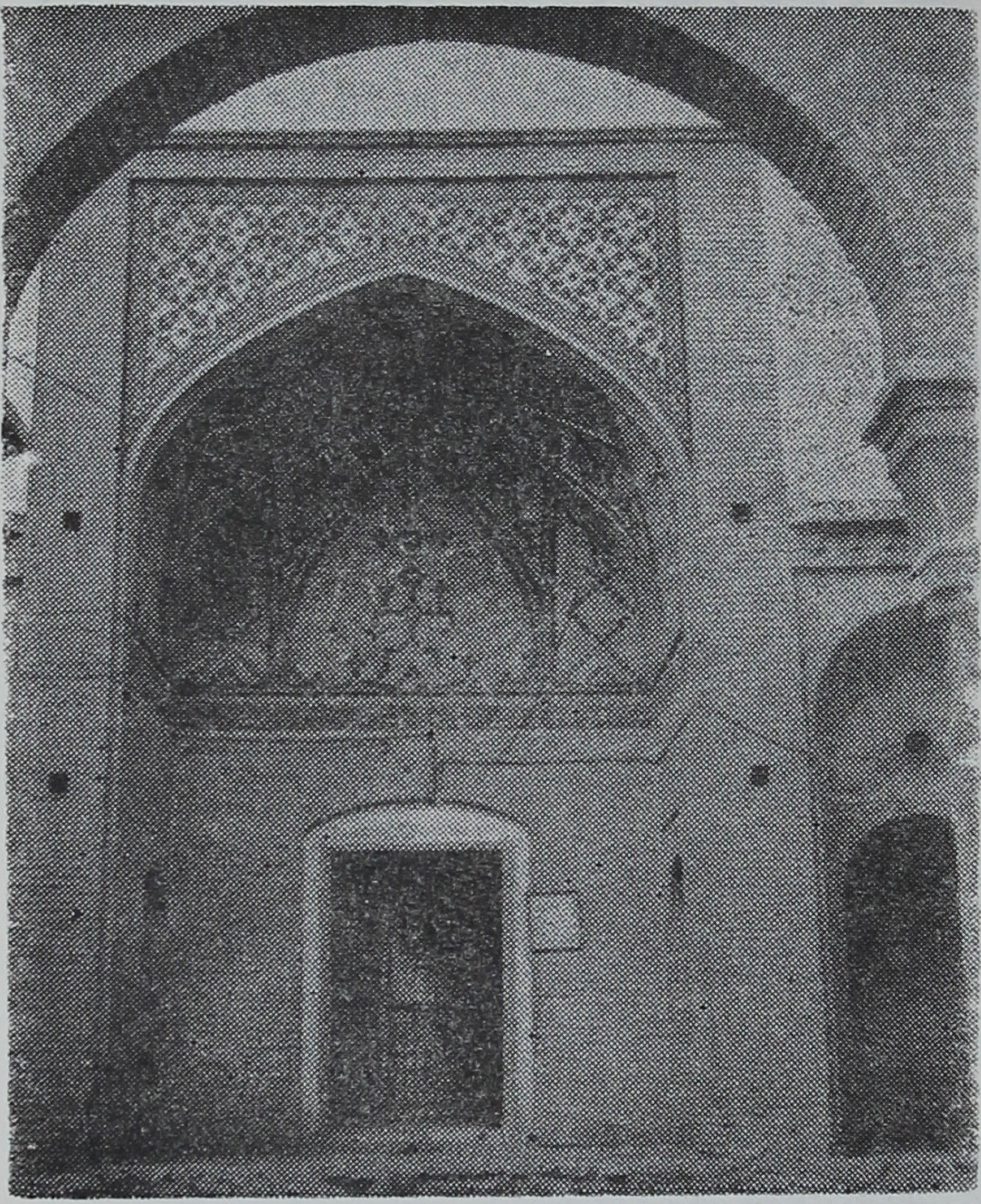
مقصد دوم

در توصیف قبه احمد بن اسحق موسوی

قبه مورد نظر در جانب جنوبی مشهد شاهزاده حمزه واقع است و مدفون در این بقعه احمدبن اسحق عسکری مدفون به ساوه است که جد شاهزاده حمزه بوده است و پدر شاهزاده حمزه حسین بن احمد هم در بقعه عربی همین بقعه مدفون است چه که در این محوطه سه مقبره از نامبردگان موجود است .

ومرحوم محدث قمی صاحب منتهی الامال با عدم وقوف بر وجود این قبه باستانی در وجه اشتهار بقعه برابر درب شمالی مسجد امام به بقعه احمد بن اسحق چنین آورده اند که ممکن است احمدبن اسحق موسوی در این بقعه دفن شده باشد در صورتیکه بقعه مزبور به احمدبن اسحق اشعری وکیل امام عسکری منسوب است که در مقام توصیف آن به عنوان شاهزاده ناصرالدین بطحانی نگاشته خواهد شد . واز نظریه فوق برمی آید که محدث قمی در طول عمر خود مشهد مزبور را ندیده اند .

بهرصورت مشهد موردنظر دارای صحن وایوان و بقعه وقبه ولوحی از کاشی باستانی است که صحن آن به دهانه ۸ در ٦ متر وقبلا توصیف ونگاشته شد که میانه آن با صحن شاهزاده حمزه سه نما بندی شده است واین نماها بر فراز دوستون سنگی و دونیم ستون طرفینی واقعند .


نمای بین دو صحن با ایوان و کتیبه آن

اما ایوان جلو بقعه به دهانه ۳/۵۰ و عرض دو متر وارتفاع هشت متر دارای جدار آجری و پوشش رسمی بندی آراسته به کاشیکاری معقلی باجبهه مزین به کاشیهای کلوکی دارای کتیبه ایست کمربندی از کاشی های خشتی به خط نستعلیق سفید در زمینه فیروزه ای که روی آن ابیات ذیل نوشته شده است .

بعهد خسرو عادل مظفر الدین شاه — که خاك مقدم او تاج قیصر است وقباد
بامر صدر معظم علی اصغر خـان — که نوك خامه او مشکلات دهر گشاد
ز بهر سبط نبی احمد این رواق بساخت — عزیز خان فلك فرامین نیك نهاد
هزار و سید وهفده گذشت از هجرت — تمـام گشت بسعی علی اکبر راد

که مدخل بقعه با دالانی مورب در زیر همین ایوان واقع است .

و درطرفین ایوان دو کفشکن بادو پله واقعند که هریك به دهانه ۱/۵۰ و طول ۲ متر باجدار آجری و پوشش قوسی دارای ایوانچه مدخلی باپوشش مقرنس میباشند .

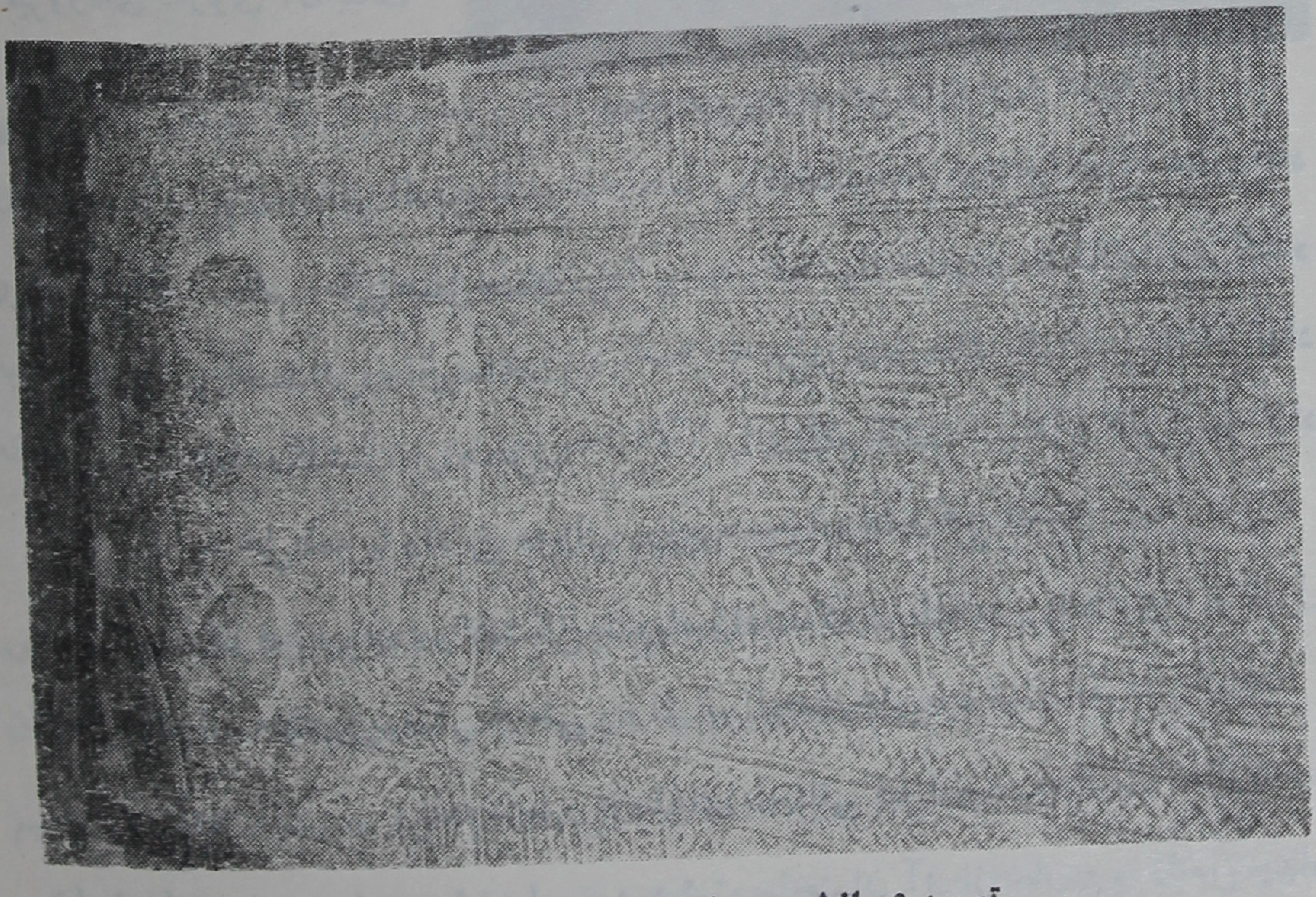
بقعه وبقعه مزبور از بناهای باستانی قبل از صفویه است که از ناحیه شاه تهماسب تعمیر و تزیین شده است و هیئت ساختمان آن از خارج و داخل چهار

ترکی متساوی به دهانه ۴/۵۰ و ارتفاع ۶ متر با جدار سفیدکاری و پوشش عرقچینی است که از ضلع غربی آن دری به بقعه حسین بن احمد گشوده می‌شود و با عبور از آن به رواق غربی منتهی میگردد .

در این بقعه از آثار تزیيناتی کمربندی دندانه دار یا مضرس شبیه به مقرنس دیده میشود که از خصائص الحاقی شاه تهماسب صفوی است یعنی هرجا این کمربند دیده شود باید گفت که از ناحیه نامبرده تزیین و تعمیر گردیده است .

مرقد

و در وسط بقعه ضریحی است از چوب و مشبك و درون آن مرقدی است با چهار بدنه سفیدکاری که روی آن آراسته به لوحی از کاشی باستانی بعرض ۶۰% و طول ۱/۵۰ متر میباشد این لوح از سه پارچه خشت‌های ۶۰ در ۵۰ % تشکیل یافته است که متأسفانه قسمت بالای آن در زیر رحل و قرآن و کتب ادعیه و احمال و اثقالی چون چراغ و مهر و غیره چنان سائیده و محکوك شده است که خطوط آن قابل تشخیص نیست .



تصویری از لوح مزار احمد بن اسحق موسوی

این کاشیها زمینه شنجرفی آراسته به گل و بوته‌های مشکی و دارای دو کتیبه در حاشیه و متن به خط برجسته ثلثی شنجرفی است که بعقیده نگارنده در قرون اولیه ساخته و پرداخته شده است و در آنعصر افزودن نام متوفی در ردیف آیات قرآنی در الواح کاشی روی قبور مانند مرقد ستی فاطمه معصومه متداول نبوده است .

بهرصورت در حاشیه ده سانتیمتری این لوحه درسه جانب کتیبه ایست که روی آن سوره‌های فاتحة الکتاب و اخلاص (حمدوسوره) خوانده میشوند .

و درمتن آن در بین نقشه برجسته محراب شکسته و در وسط دوخط متوازی که بجای دو ستون بعنوان پایه‌های محراب نمودار است روی خشت های دوم وسوم کتیبه ایست و روی آن آیاتی از سوره مبارکه ملك یعنی تبارك بشرح ذیل قالب ریزی شده‌اند .

(تبارك الذی بیده الملك وهو علی کل شیء قدیر آمن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کل آمن بالله وملئکته وکتبه و رسله لانفرق بین احد من رسله .

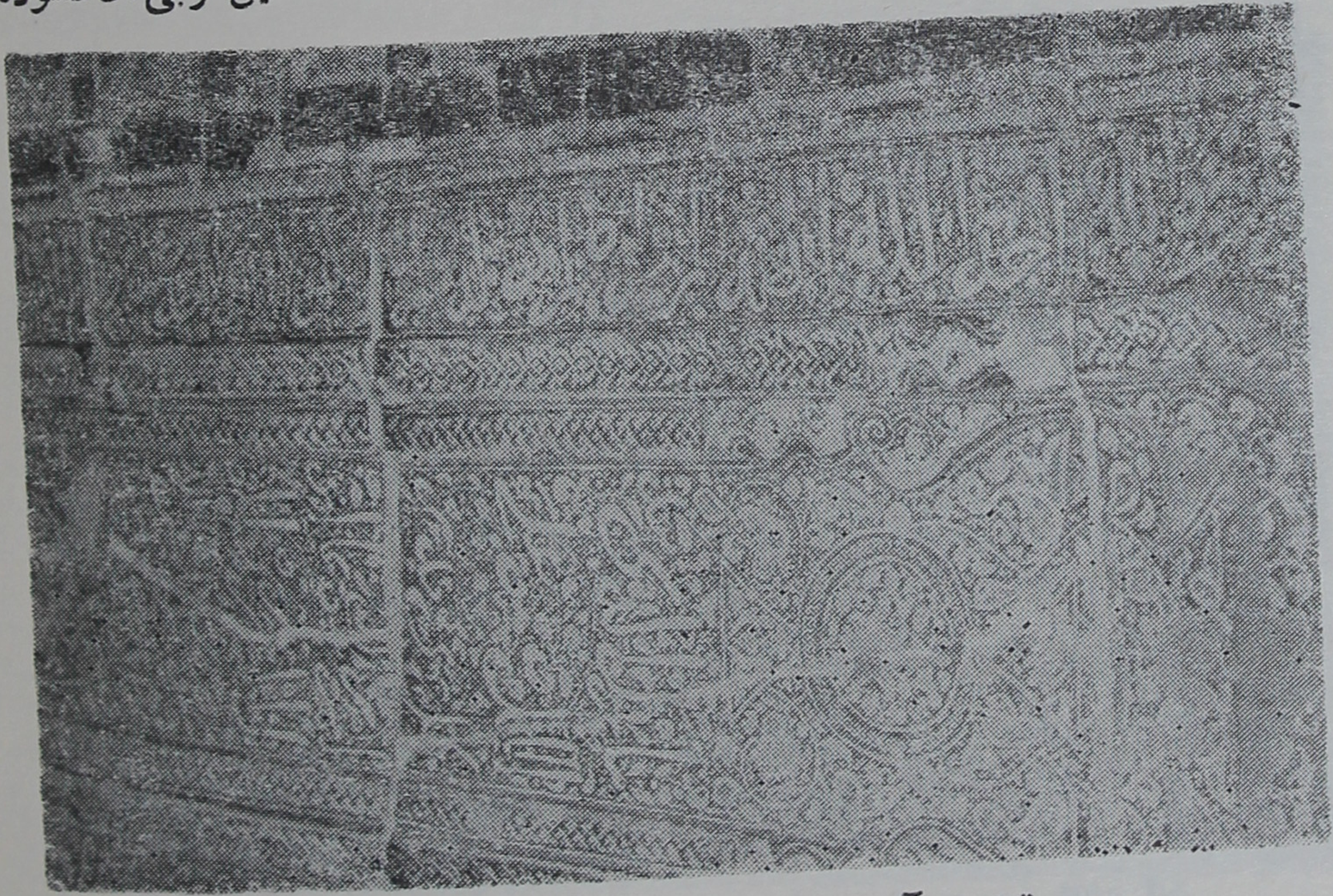


تصویر دیگری از لوحه کاشی با دو گوی امرودی بالای آن

و درقسمت بالا و روی خشت اول درمیانه گل و بوته‌های سائیده و غیرسائیده درهر گوشه‌ای یك ترنج بیضی نمودار است که درون یکی جمله‌ای مشابه (صنعه) یا (عمله) و روی دیگری کلمه (طاهر) خوانده میشود .

و نیز روی این پارچه کاشی درهرطرف یك گوی برجسته فیروزه فام امرودی بکار رفته است که معمولا روی آنها شمعی می افروخته‌اند و دستگیرهٔ زائرین گاه‌زیارت نیز بوده است .

و برفراز بقعه قبه‌ایست عرقچینی و آجرپوش ساده که یك پوشش بیش ندارد امابقعه غربی فاصل بین بقعه احمدبن اسحق با رواق جدید که بعقیدهٔ نگارنده با توجه بسبك ساختمان آن بقعه حسین بن احمدمزبور است دروسطش گنبدی است عرقچینی بصورت هشت ضلعی مختلف که جهات اصلی آن بطول ۳/۲۵ و جهات فرعیش به اندازه یك متر است و درچهار جانب آن شاه نشینی به دهانه ۲/۷۰ و عرض ۱/۷۰ ساخته شده است و درب بقعه احمد درشاه نشین شرقی و درب رواق درشاه نشین غربی آن گشوده



تصویر آخری از لوح قبر احمدبن اسحق

میشوند وجدار آن آجری ساده وفاقد تزیینات است .

وحسین بن احمد مدفون در این بقعه همان کسی است که مؤلف تاریخ قم داستان هجرت اسحق بن ابراهیم جدویرا ازاو روایت کرده است که علی القاعده باید این روایت مع الواسطه باشد زیرا مؤلف تاریخ قم از رحلت فرزند او حمزه هم خبر داده است .

فصل نهم

در توصیف مسجد جامع و مدرسه جانی خان

در دو مقصد

با پیش گفتاری در تعیین تاریخ بنا و نام بانی

پیش گفتار

در نقل اقوال مؤلفین و تعیین بانی و تاریخ بنا

در این مسئله که بنیان‌گزار مسجد جامع کیست و تاریخ بنای آن چیست اختلافاتی است که از وهم و خیال و اندیشه اتحاد شهر قم کنونی با شهر سابق سرچشمه گرفته است.

برای نمونه شمه‌ای از نظرات سیاحان و مؤلفان را در این مسئله نقل و نقاط ضعف آنها را شرح میدهد و سپس به اظهار عقیده نهائی خود می‌پردازد.

مرحوم صنیع الدوله در مرآت البلدان بنای مسجد جامع قم را به ابو الصدیم حسین بن آدم اشعری در نیمه دوم قرن سوم نسبت میدهد.

درصورتیکه سبك بنا بر پیدایش آن در قرن هشتم و نهم حکم میکند مضافاً بر اینکه شکوه و عظمت ساختمان مافوق آنست که یك فرد عادی محلی هرچند هم که صاحب مکنت باشد بتواند انجام دهد پس بنیانگزار آنرا در میانه پادشاهان یا وزیران ایران

باید جستجو کرد .

و در کتاب راهنمای قم نشریه آستانه مقدس فاطمیه در صفحه ۱۳۴ در شمار بناهای کهن چنین آورده است .

«دوازدهم بنای مسجد جمعه است و هرچند تاریخ درستی از آن در دست نیست ولی از نوشته‌ای که در یکی از ستونهای آن دیده میشود معلوم میگردد که از بناهای اواسط قرن هفتم هجری است» .

در این عبارات تضاد گوئی است چه یکجا می‌نویسد تاریخ درستی از آن در دست نیست بلافاصله می‌افزاید از نوشته‌ایکه در یکی از ستونهای آن دیده میشود معلوم میگردد که از بناهای اواسط قرن هفتم است .

درصورتیکه چنین نوشته‌ای در هیچیك از ستونهای مسجد که عموماً آجری وفاقد تزیین و جای کتابت هم ندارند وجود ندارد مگر آنکه اطفال مکتب خانه که با مداد خود روی ملات‌های گچی یادگار می‌نویسند تاریخی هم زیر آن قید کرده باشند که آنهم بچشم نگارنده نرسیده است و بالجمله این نظریه هم برخلاف تمام شواهد و ضوابط و استنباطات تاریخی است .

و در کتاب تاریخ قم قرن سیزد هم تألیف مرحوم مغفور آقامیرزا علی‌اکبر فیض بسال ۱۳۰۰ قمری درباب چهارم فصل اول که ویژه مساجد قم است در این باره چنین نوشته است که :

« مسجد جامع در آخر شهر واقع شده است از بناهای محکمی است که مقصوره‌ای به این ارتفاع و محکمی در شهرهای ایران کمتر دیده شده است از بناهای قدیمه این شهر است که بانی او بر این بنده محرر معلوم نشده است» (تا) محمدحسن‌خان صنیع الدوله اعتمادالسلطنه در یکی از کتابهای خود نوشته است مسجد جامع حالیه قم از بناهای ابوالصدیم اشعری است . این مسئله بر جناب ایشان مشتبه شده است ازجهت آنکه تاریخ قم درباب میدانهای قم می‌نویسد اما میدان یحیی بن عمران

ابن عبدالله اشعری در کمیدان نزدیك مسجد جامع است پس معلوم شد که مسجد جامع ابوالصدیم در زمین‌های کمیدان واقع بوده . محرر نویسد شهر حالیه قم که مسجد حالیه دراوواقع است درجهت مغرب رودخانه است و زمین‌های کمیدان در جهت مشرق رودخانه است پس مسجدجامع حالیه غیرازآن مسجد جامعی است که درکمیدان بنای اوشده بود وازاو هیچ اثری معلوم نیست» (پایان)

وبا صرفنظراز اشتباه قلمی‌مؤلف‌محترم که کمیدان کنونی را درشرق‌ومسجد جامع مورد سخن را در غرب رودخانه قیدکرده است در صورتیکه حقیقت بکلی بعکس میباشد و مسجددرشرق و کمیدان درغرب‌مسیررودخانه کنونی است ونیز با قطع نظراز اینکه مراد مؤلف از بعضی کتابهای صنیع الدوله همان کتاب مـرآت البلدان میباشدنظریه مؤلف‌کتاب مرآت چون‌بیانات مؤلف تاریخ‌قم درزمینه‌اثبات اشتباه وی معاًنا صواب واشتباهی دراشتباه‌است که منشأ آن عدم عنایت به‌تعددشهر قم درقدیم وجدید است درنتیجه ازهرمکانی که نام می‌برند درچهارچوب سوادشهر کنونی به جستجوی آن می‌پردازند درصورتیکه :

اولا حصار شهراسلامی قم درجای تپه‌های قم درویش در اراضی براوستان قرارداشته و حصار کمیدان درمسیر کنونی رودخانه و اراضی بلندآب باجك واقع بوده است و ازآغازقرن‌هفتم ببعد بمرورمحل‌شهرقم‌ازآنجابجای‌فعلی‌انتقال‌یافت که اهالی‌تدریجاً دراین قسمت به خانه سازی پرداختند .

وثانیاً رودخانه سابق که ازغرب بشرق امتدادداشت وازمکانی که بنام رودخانه صفی‌آبادشهرت‌یافته میگذشت تمام زمین‌های جنوبی آنرا بنام قم به تبع حصارشهر اسلامی‌قم‌می‌خواندند وهمچنین کلیه زمین‌های شمالی رودخانه راکمیدان‌نام‌میبردند زیرا حصارثالثی که معرف محل‌وقوع اراضی درجنوب یا شمال باشدوجودنداشت ومخصوصاً درمقام تدوین حوادث تاریخی وپدیده‌های محلی برای دیگران‌جزتسمیه بعنوان قم یا کمیدان بمنظورمشخص ساختن آنمحل‌چاره‌ای نبود.

واشتباه کلیه مؤلفین ازهمین جا سرچشمه گرفته است که مکان شهرقدیم را ازشهرجدیدتفکیك نمی کرده‌اند وبدین امرهم عنایتی نداشته‌اند که هرجانب رودخانه را بنامی چون قم وکمیدان‌می‌خوانده‌اند درنتیجه محدوده کمیدان راچندان محدود میگرفتند که‌ازداخل حصار تجاوزنمیکرددرصورتیکه برخلاف تشخیص آنان محدوده کمیدان نه‌تنها میدان کهنهٔ مشهوربه زکریابن آدم‌را فرامی‌گرفت بلکه تایك فرسنگ ازشمالی رودخانه راهم‌شامل می گردید امااز محلی که‌مسیررود تغییرجهت میدادیعنی ازمجاورت مدفن ستی فاطمه بطرف جنوب تاقصردختراراضی غربی آن به اسامی مزدیجان وهندیجان خوانده می‌شد وزمین‌های پشت آنها هم‌بنام‌سیاران نامیده‌می‌شد ودرعین حال‌درمحدوده‌هرحصارهرقطعه‌زمینی رابه‌اصطلاح محلی نام‌خاصی بودچنانکه کوچه‌های داخلی هرحصارهم هریك‌بنام مخصوصی خوانده می‌شدند .

بنابراین میدانهای زکریابن آدم‌ویحیی ولب‌چال‌همگی جزء کمیدان بودندزیرا درشمالی رودخانه قرارداشتند وحصارثالثی که قابلیت آنرا داشته باشد تااین‌زمین‌ها ومساجد را بدونسبت دهند وجودنداشت .

پس هرگاه می‌خوانید که میدان یحیی درکمیدان نزدیك مسجد جامع‌است نباید محل میدان ومسجدرا درون حصارکمیدان جستجو کنید بلکه بایستی دربستر شمالی رودخانه برمحل وقوع هریك درجواریکدیگرپی ببرید .

علیهذا نظرمرحوم صنیع‌الدوله بدانجهت ضعیف است‌که مسجد ابوالصدیم را همان مسجد جامع شناخته‌است‌واین‌دومسجد را یکی پنداشته است و استدلالات مرحوم فیض در رد نظریه وی نیز ناصواب و بجهات ذیل مخدوش ومردود می‌باشد یکی‌ازآنجهت که به‌تعددشهراسلامی قدیم قم باشهر کنونی توجه نداشته هردورا در همین مکان کنونی درجوارآستانه فاطمیه می‌انگاشته‌است ودیگری بدانجهت که بر وسعت محدوده کمیدان عنایت نداشته است وگرنه می‌بایست بقعه چهل‌اختران را هم‌جزء کمیدان‌بداندتا چه رسدبه میدان‌یحیی وزکریابن آدم که مطلب بحد کافی

روشن گردیده است و نیاری به تکرار ندارد.

بالجمله مسجد ابو الصدیم جدای ازمسجد جامع است زیرا اولاسبك بنای مسجد جامع با آثار قرن سوم سازگار نیست در ثانی مسجد ابو الصدیم هم جدای از مناره منفردیکه یحیی بن اسحق اشعری در جوار آن بسال ۲۹۲ بنانهاد یعنی از همین مناره موجوده درمیدان قابل تصویر نیست درصورتیکه جامع مورد نظر ازاین مناره دوراست در ثالث هدف ابو الصدیم ازاحداث مسجد جامعی درخارج حصار قم آن بود که مردم کمیدان هم بتوانند بدون تحمل رنج راه پیمائی درسرما وگرما درمراسم نماز جمعه به جماعت شرکت کنندو به این هدف جز با احداث مسجد درحدوسط این دو حصار نمیتوان رسید زیراهرگاه مکان آن درنزدیکی حصار کمیدان باشد قهراً مردم حصارقم دوچار رنج راه پیمائی میشده اند.

حال باید بانی مسجد جامع و تاریخ بنای آنرابدست آوردو دراین باره برای نخستین بارنگارنده راعقیدت خاصی است که متکی به استفاده ازمصرحات تاریخی توأم بااستنباطات اجتهادی وبهره برداری ازسبك بناونام جانی خان است که براین مسجد ومدرسه اطلاق می شود.

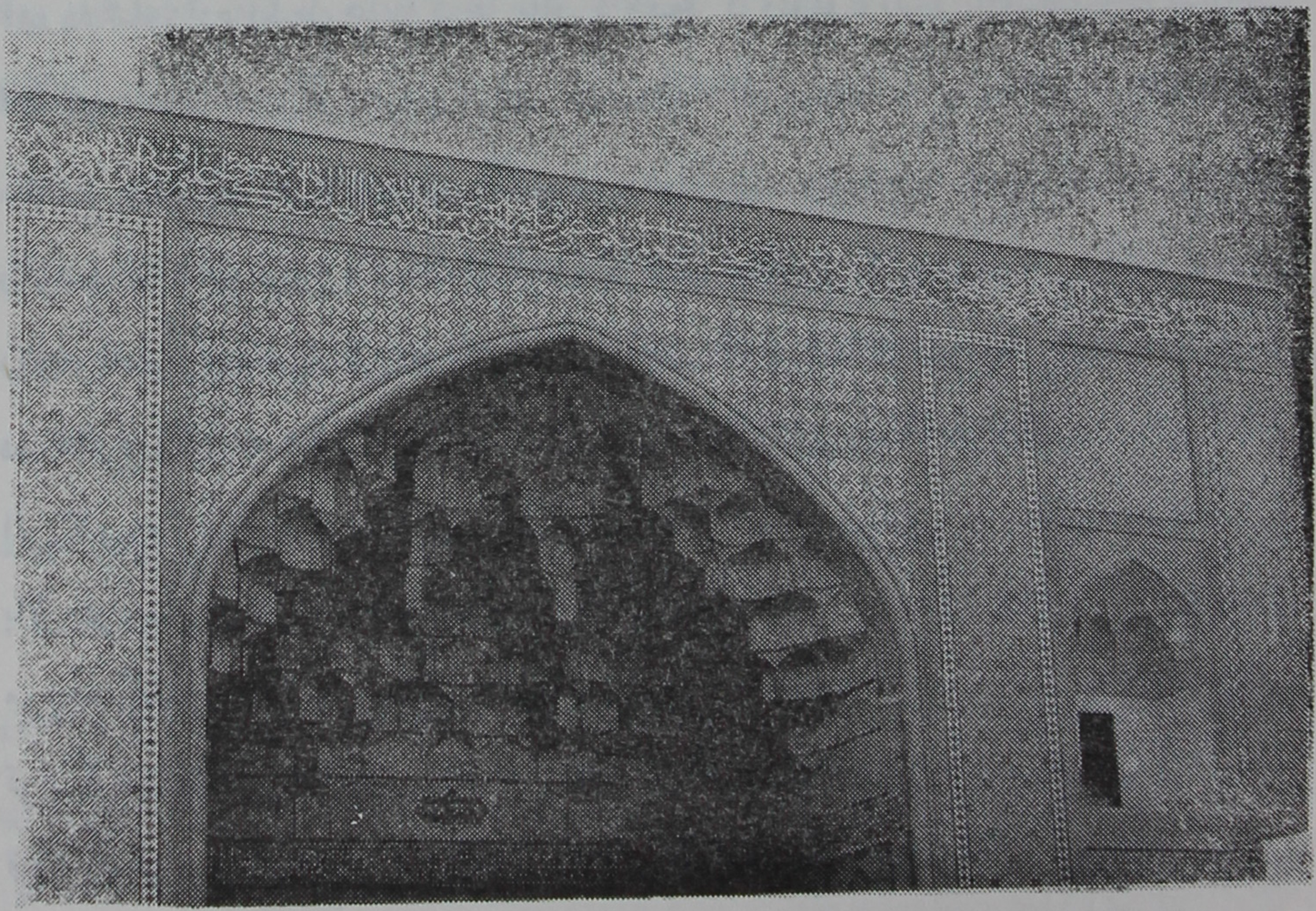
بانی مسجدسلطان جانی خان است

نظر نگارنده جزاین نیست که این دو بنا ازسلطان جانی خان پادشاه تا تارترکستان است و تاریخ بنای آنها هم به سال ۷۵۵ بوده است که درآنعصر دارالملك تاتارشهر سرای بود نه سرای عثمانی که پایتخت آن اسلامبول وبعداً بنام های مختلفی خوانده شد اخیراً بنام ترکیه خوانده میشود و عاصمه اش شهر آنکارا شده است.

باری جانی خان چنان شخصیتی است که مؤلفین عصرو برابعنوان پادشاه علماء و خسرو فضلا ستوده اندوعلامه سعدالدین تفتازانی کتاب شرح مختصر خودرادرمعانی بیان که بنام مطول خوانده میشود برای اووبنام او برشته تحریر کشیده اورا زیاده ستوده چنین آورده است

بان توجهت تلقاء مدین المآرب حضرة من انام الایام فی ظل الامان و افاض علیهم سجال العدل و الاحسان ورد بسیاسته الفزار الی الاجفان و سد بهیبته دون یأجوج الفتنة طرق العدوان و اعاد رمیم الفضائل والکمالات منشوراً ووقع باقلام الحطیات علی صحائف الصفایح لنصرة الاسلام منشوراً وهو السلطان الاعظم مالك رقاب الامم ملاذ سلاطین العرب و العجم ملجأ صنادید ملوك العالم ظل الله علی بریته فی خلیقته حافظ البلاد ناصر العباد ماحی ظلم الظلم و العناد رافع منار الشریعة النبویة ناصب رایات العلوم الدینیة خافض جناح الرحمة لاهل الحق و الیقین ماد سرادق الامن بالنصر العزیز و الفتح المبین کهف الانام ملاذ الخلایق قاطبة ظل الله جلال الحق والدین ابوالمظفر السلطان محمود جانی بك خان خلدالله سرادق عظمته و جلاله الی آخر.

که ازاین عبارات مراتب عظمت و جلالت دینداری و فضیلت پروری وی آشکارا



نمای ایوان مسجد جامع

می گردد .

وبااینکه‌پیرواهل‌سنت بودبمعنای واقعی اسلام پناه‌مینمودوبرای دفع شرور ملك‌اشرف درسال ۷۵۱ بجانب آذربایجان لشکر کشید .

وناگفته نماندکه کشور ایران پس‌از درگذشت سلطان ابوسعید بن‌اولجایتو بسال ۷۳۶ به‌وصفی اسفبار دوچار، ورسوم ملوك‌الطوایفی ازنو پدیدار وبازارجنگ وخونریزی وبرادرکشی رواج یافت که درمیانهٔ ملوك مزبور امیرشیخ حسن بزرگ که‌بنام (ایلکانی) خوانده‌میشود وامیرشیخ حسن کوچك که‌بعداً بعنوان‌چوپانی‌از آن نام‌میبرد بیش‌از دیگران قدرت کسب کردند وباهم جنگها کردند که شرح آن بطول می‌انجامد .

چوپانی در آغاز کار شاهزاده ساتیبك دختر او لجایتو سلطان را بنام سلطنت برگزید ولی پس از چندی سلیمانخان از احفاد یشموت بن‌هلاکوخان را روی کار آورده شاهزاده را طوعاً یاکرهاً باأو تزویج کرد واو رابنام پادشاه بر گزیده آلت اجرای‌مقاصد خود گردانید و برادر خود ملك اشرف را برای تسخیر عراق مأمور ساخت ونامبرده کلیه بلاد مسیر خویش راببادنهب وتاراج وسفك دماء داد تا به‌یزد رسید و از امیر مبارز کمك لشگری گرفته‌برابرقویورش برده بهر کیفیت بحصار رخنه یافت و ده هزار تن از اشراف و رجال که شبانه از شهر خارج شده به غاری در خارج پناهنده شده بودند درکمال قساوت‌با آتش زدن‌کاه‌فراوان در برابر آن‌در اثر کاه دود خفه ساخته بجانب اصفهان لشکرکشیده درشهر به مصادره پرداخت و بالاخره بسوی شیراز بشتافت و در آنجا باپایداری و حصار داری شیخ ابواسحق مواجه گشته بدون نیل بمرادبجانب عراق باز گشت و چون مورد سخط چوپانی قرارگرفت‌هنگامیکه‌ایلکانی ازبغدادعازم کرمان‌بودندبدوپیوست‌وزیاده‌موردمهربانی قرار گرفت ودر دنبال آن جمعی از امیران چوپانی هم‌به ایلکانی پیوستند.

ولی‌چوپانی که‌وضع‌را بزیان خود منتهی‌میدید در مقام حیله برآمده نامه‌ای

بنام وی نوشت که چرا در انجام کار تسامح میورزیدو بهر کیفیت این پیک دستگیر و نامه بدست ایلکانی رسیده باتوهم اینکه اشرف مأمور قتل اوست در اندیشه دستگیری او بر آمد و اشرف باتفاق یاغی باستی مراتب را در یافته بسوی عراق فرار کردند و بهر ذلتی خود را به ابهر رسانیده چندی بماندند و با کشتن چند نفر مالی بدست آورده مجدداً نیروئی کسب کرده دگربار به عراق لشگر کشیده متوجه شیراز شدند و هنگام محاصره شهر پیکی بنام عرب جاندار از نوکران چوپانی از راه رسیده نزد او رفت و در گوش وی چیزی گفته بلافاصله اشك از دیدگان اشرف سرازیر گشت و یاغی باستی از ماجرا پرسان گردید و اشرف گفت عزت ملك زوجه برادرم اورا باطرز فجیع و بی سابقه ای بهلاکت رسانیده است زیرا چوپانی سلیمانخان و امیر یعقوبشاه را بالشگری به روم فرستاده در انجام مأموریت تقصیر کردند و در مراجعت یعقوب شاه را زندانی ساخته است و عزت ملك که در نهان بانامبرده سروسری داشت به توهم اینکه شوهرش بر این ارتباط نا مشروع اطلاع یافته است با چندزن که باوی محرم بودند هم پیمان گشته لیله ۲۷ رجب سال ۷۴۴ شوهر را دربستر بافشردن خصیتین از پای در آورده درب خوابگاه را بسته به حمام می رود و امیران روز سوم برای کشف اینکه چرا امیر از خوابگاه خارج نشده خادمه ایرا باترس ولرز به درون خوابگاه فرستاده برماجرا وقوف یافته عزت ملك و همدستان ویرا قطعه قطعه کرده اند و اینك سلیمان خان گنج های ویرا متصرف گشته میانه امیران توزیع کرده چون در برابر تمنیات امراء به تنگ آمده مرا طلبیده است.

یکی گرد کرده نخورد و بمرد | یکی گرد ناکرده خوش بردوخورد

که خواجه سلمان ساوجی در سانحه هلاك امیر بدست عزت ملك چنین سروده است .

زهجرت نبوی بود هفتصدو چل وچار | در آخر رجب افتاد اتفاق حسن
زنی چگونه زنی حبزحیزهای جهان | به زور بازوی خود خصیتین شیخ حسن
گرفت محکم و میداشت تا بمرد و برفت | زهی خجسته زنی خایه دار و مردافکن

پس ملك اشرف به یاغی باستی گفت تسخیر شیراز پس از تحکیم مبانی حکومت در

آذربایجان سهل‌تر انجام‌پذیر است و اینک باید هرچه زودتر خویشتن را به‌تبریز برسانیم ودعوت سلیمانخان راهم بپذیریم .

پس دست از محاصره شیراز کشیده متفقاً بجانب تبریز حرکت کردند وامیر علی قلندر رادر سرراه معاودت برای استخلاص ساوه مأمور ساخت واز فرط عجله وشتاب اکثر لشگریان واسبان خودرا در شهرهای بین راه بجای گذاشته باتفاق بقیه به‌تبریز درآمدند واین گروه چندان پریشان‌حال بودند که مردم شهر آنان را استهزاء میکردند در نتیجه میانه ایشان بااهالی جنگ بوقوع پیوست ومردم بگریختند .

اشرف چون در شهر استقرار یافت مجدداً دست برای مصادره اموال مردم بگشود وظلم وستم آغاز نهادودر همین اوان امیر سیورغان که بفرمان چوپانی درقلعه قرای روم محبوس بود خروج کرده کوتوال‌قلعه را بقتل رسانیده دفاین وخزاین چوپانی که در آن قلعه ذخیره گذاشته بود متصرف گردیده از حصار بیرون آمده ایلچی نزد اشرف ویاغی فرستاده اظهار صداقت کرد وایشانهم به‌استقبال وی‌شتافته متفقاً به‌کوکچه‌منطقه ییلاقی چوپانی رفته دو ماه به عیش وعشرت‌پرداختندودراین اثنا بسیاری از امیران هم ازگوشه و کنار خود رابه کوکچه‌رسانیده به‌ایشان‌پیوستند وبانشر خبر تجمع آنان در آن نقطه امراء‌سلیمان خان هم‌ازاو گسستندوبه اشرفیان پیوستند و ارکان دولت وو زیران هم‌به دیگران ملحق شدند چنانکه سلیمان خان هم از خوف وهراس‌راه دیاربکر در پیش گرفت واز سلطنت چشم بپوشید .

بعداً باتفتینات ونمامیهای مفسدین بین آنان‌اختلافی بروز کرده کار به جنگ منتهی گردیدوپس ازجنگهای‌متعددی اشرف بردیگران غلبه‌کرد ولی امیرسیورغان و یاغی باستی درمقام صلح برآمده قاضی محیی الدین بردعی وفخرالدین حبش‌را برسالت نزد اشرف فرستادند سرانجام اشرف با صلح موافقت کرد ولی سورغان ازپیشنهادخودپشیمان گردیده‌ازیاغی باستی جداگشته به‌دیاربکررفت‌ودرآنجاایلکانی پسر امیر شیخ‌حسن‌بزرگ‌مقدمش‌رانخست گرامی‌داشته‌لدی‌الفرصه‌اورابقتل‌رسانید .

ولی یاغی باستی نزد اشرف آمده باهم متفق شدند و پس از چندروز شبانه برسر وی رفته اورا بقتل رسانید بطوریکه احدی هم براین امر نهانی اطلاع نیافت ودر نتیجه اشرف درحکومت خود بلامعارض گردید و بیش از هروقت به کشتن امیران وحبس وزجر برادرخود(مصر ملك) درقفس آهنین ومصادره اموال متمولین پرداخت و هرکسی را که در باره وی گمان پشیزی میبرد به حبس وی فرمانداده اورا معدوم میساخت ونقدینه اش را متصرف می گشت.

و از سال ۷۵۰ به حبس وزراء از جمله خواجه عبدالحی در قلعه النجق و خواجه مسعود دامغانی وخواجه معین الدین سربدار در قلعه روئین دژ اقدام کرد.

وسپس بجانب اصفهان لشگر کشید که باپایداری خواجه عماد الدین محمود روبرو شد چندانکه ناچار تن بصلح در داده بسوی تبریز بازگشت.

در این نوبت قاضی شمس الدین وخواجه غیاث الدین شکر لب و سلطانشاه سراوی وجمعی دیگر از اهل قلم را بقتل رسانید واز لشگر کشی وی ببغداد وانهزام وی از بغدادیان وجنگهای اوبادلو بایزید منتهی به انتحار اوچشم پوشیده می افزاید که زندگی وی در آخر عمر مانند خفاشان در بیغوله ای تاریك میگذشت و برای تعمیم بدبینی امراء ولشگریان ومردم باوی از ترس آنکه مبادامسموم شود بدقت درهر خوراکی وآشامیدنی به بررسی میپرداخت تاجائیکه گوسفند وطیورراهم حسب الامردر حضوروی ذبح میکردند وسقاء آبرا در خم چینی ریخته قدری از آن میاشامید.

وبالجمله کار ظلم وی بجائی رسید که جمعی از اشراف و اکابر تبریز جلاء وطن اختیار کردند وخواجه شیخ کحج بشام رفت وخانقاه ومدرسه ای بنیان کرد و خواجه صدر الدین اردبیلی بسوی گیلان و قاضی محیی الدین بردعی به سرای سفر کرده به وعظ اشتغال ورزید.

وچون سلطان جانی خان هم شخصاً درمجالس وعظ وی حضور می یافت شبی درمحضر وی طوری ازمظالم اشرف سخن راندکه صدای گریه پادشاه و حاضرین

برخاست سپس بپادشاه روی کرده گفت اگر ای پادشاه اگر تورا قدرت آن باشد که دست تعدی ویرا از دامن اهالی کوتاه سازی ودر انجام این فریضه تسامح ورزی و بدین امر التفات ننمائی عندالله معاقب و معاتب خواهی بود که این امـر موجب تأثر فراوان و محرك جانی خان برای لشگرکشی به آذربایجان گردید و چون از درب مسجد بیرون رفت به احضار لشگریان از گوشه و کنار فرمانداد وطی مدت یکماه چندتومان سپاه بردرگاه آن پادشاه گرد آمدند پس بجانب آذربایجان حرکت فرمود.

خبر حرکت وی چون بگوش اشرف رسید تصور کرد که امرای شایعه‌ساز برای دریافت هرچه زودتر مرسوم و علوفه این خبررا ساخته‌اند ولی پس از چند روز این خبر مسلم گردید درنتیجه چهارصد رأس استر و هزار قطار شتر زر و نقره و نفایس امتعه بارگیری کرده به جانب اوجان فرستاد وخود ازدنبال آنها با سوگلی خویش دختر پادشاه ماردین که درسال ۷۵۱ بحباله نکاح کشیده بود روان گشت و تبریز را ازسپاه تهی ساخت چنانکه جانی خان بدون مقاومت بشهر درآمد.

وپس از رفع خستگی و کوفتگی از دنبال اشرف حرکت نمود. ملك اشرف دربستر رودخانه مهران نیروی خودرا بازدید میکرد که باد مهیبی وزیدن گرفته ابری نمودار گردیده چنان تگرگ شدیدی ببارید که اسبان وی رمیدند و سواران بدون مرکوب با سرودست آسیب دیده ولباس آغشته خسته و کوفته بودند که سپاه تاتار در رسید پس همگی متفرق ومتواری شدند واشرف تنها برفراز تپه و پشته‌ای ایستاده چون وضع را بدین منوال دید بناچار راه فرار درپیش گرفته به‌خوی رفت وشیخ محمدحاکم خوی اورا بسرای خود برده ماجری را به سلطان رسانید وجانی خان هم امیربیاض رامأمور دستگیری او گردانید و چون بیاض اورا به‌تبریز آورده اهالی ازفراز بام خاك و خاشاك برسراو می‌ریختند و اورا دشنام میگفتند تااینکه ویرا بخانه مأمنی رسانید.

بلی ملك اشرف رابا کمال اهانت وحقارت، باپستی وخواری هرچه‌تمامتر ازخیابانها گذرانده به‌خانه والده شیخ کجج رسانیدند درحالیکه ملك کاوس شیروانی

وقاضی فخرالدین بردعی یعنی محرك پادشاه برای تنبیه‌وی درآنخانه بود واشرف به مجرد ورودبخانه دست کاوس‌را گرفته بوسه‌زدوبه‌تضرع وزاری پرداخت تاکاوس اورا باوعده‌های شیرینی تسکین‌بخشید که‌به‌هیچیك وفانگردید .

سرانجام اشرف رانزد پادشاه بردند وسلطان‌جانی‌بیك‌وی‌را معاتب ومخاطب فرموده گفت :«ولایت‌راویران کردی !»اشرف جوابداد این‌خرابی ازنوکران بی رخصت من‌صادر شده است‌دگرباره گفت «خزائن‌اندوختی وددرراه تأمین‌مصلحت‌و سعادت ملت وعمران مملکت بمصرف نرساندی »پاسخ داد تصمیم‌داشتم در عمران قم صرف کنم ومسجدجامعی‌بنیان کنم که‌فقه کلیه مذاهب رادر آن تدریس کنند .

گمان‌میرود این‌دو پاسخ‌چنان‌درجانی‌خان‌تأثیر بخشیده باشد که بلافاصله دردل گذرانید تا بشکرانه این‌موفقیت سلمی و موهبت الهی‌بدین نیت‌جامه‌عمل‌بپوشاند تاشایدبر تقریب مذاهب توفیق یابد وهم نزد خوداندیشید که‌به‌وی‌گزندجانی‌نرساند واورا باپسر ودخترش تیمور تاش وسلطان‌بخت مصحوب‌خویش به‌سرای ببردولی همان کاوس وبردعی بعرض رسانیدند که‌تااشرف زنده باشد مردم این‌دیار خواب امن‌نکنندو آرام‌وقرار ندارند واین‌سخن‌درمیزان‌خردپادشاه سنجیده آمده بقتل وی فرمانداد پس شمشیری رابطوری بر پهلوی وی فرو بردند که از سوی دیگر سر بدرآورد وسرش راازتن جداساخته‌به تبریزفرستادندو بردرمسجد مراغیان‌بیاویختند درنتیجه‌رعایا شادمانه شدند ونذور به‌مستحقان رساندند .

وروز بعد سلطان بادوهزار سوار از هشت رودی که‌چون بهشت بود به‌تبریز منتقل ودر دولتخانه منزل گزید وهمراهان اودرکوچه‌هاموقف گرفتند وپس از اداء فریضه درمسجد خواجه علیشاه به‌تنظیم‌وتنسیق‌مهام امورملی پرداخته فرزندخویش بردی‌بیك رابسلطنت آذربایجان واران وعراق بگماشت‌وپنجاه هزار سپاهی نزداو بگذاشت وسراتیمور رابه‌وزارت‌اونصب فرمود وعلی‌القاعده مبلغی‌از اندوخته‌های اشرف را برای بنیان این‌جامع درقم‌دراختیار امناء خویش گذاشت‌وخواجه‌محمود

وزیر خویش راهم برای رتق و فتق امور مربوطه باقی گذاشت و خود مصحوب فرزندان اشرف به‌جانب ترکستان کوس معاودت گوفت و پسر و دختر اشرف را در سرراه خود درالوس ازبك سپرد که به‌این سانحه‌تاریخی با بیت زیر خاتمه‌می بخشد.

دیدی که‌چه‌کرد اشرف خر   او مظلمه برد و جانی بك زر

این بود نظرات نگارنده که‌محصول بررسی تاریخی و بهره برداری ازسبك بناو نام این جامع و مدرسه توأم بااستنباط شخصی است که‌برای نخستین بار درسینه این صحایف میسپارد خواه در پیشگاه اهل تحقیق مقبول یا مردود افتد و نمیتوان انکار داشت که با ابراز این نظر ابتکاری روزنه روشنی دراین تاریکی و مجهول گشوده شده است به امید آنکه دیگران از روی آن پرده‌برداری کنند .

و باید افزود که مرگ بانی قبل از اتمام بنا موجب تعطیل کارساختمان نخواهد گشت چه که بناهای خیریه هیچگاه نیمه‌تمام نخواهند ماند مضافاً بر اینکه در چنین مواردی که‌راه میانه‌امنای بنیان بابانی دور واز دسترسی به وی‌مهجورند معمولاهزینه ساختمان را برآورد میکنند و یکجادراختیار آنان قرارمیدهند و بنابراین کارساختمان درهیچ حال معوق و معطل نمی‌ماند .

و روشن است که شخصیتی چون جانی خان هیچگاه راضی نمیشود که خزائن اشرف را تصرف کند و به نیت خیروی جامه عمل نپوشاند .

مقصد نخست

در توصیف گنبد مسجد جامع قم

مسجد جامع قم که تا سی سال قبل در کنار شهر واقع بود اینک می‌توان گفت در قلب شهر قرار دارد زیرا کلیه چاله کوره‌های عمیق فخاری واقعه در خارج دروازه ری هم زیر بنای خانه‌ها در آمده خیابانی از مقابل دروازه تا بقعه شاهزاده سیدعلی شکل گرفته است که ده‌ها کوچه از طرفین آن منشعب می‌شوند واز تمام مزایای شهری چون آب لوله‌کشی و برق و مسجد و دبستان و حسینیه و حمام برخوردارند اما تهیهٔ وسائل استحفاظی و ایمنی از ناحیه شهرداری برای یکچنین کوی کارگری منخفض در برابر حوادث احتمالی که ناشی از رحمت سالی وسیل است ضرورت دارد.

این جامع عتیق تاریخی مجموعه‌ای از بناهای چندعصر و دارای مقصوره و گنبدی باستانی و ایوانی قدیمی با دو گوشوار و سه شبستان فتحعلی‌شاهی و زیر زمینی ناصرالدین شاهی بضمیمه ایوان وصحن وسر درب ورودی می‌باشد.

ایوان پرشکوه

اما ایوان جلو مقصوره که بعقیده نگارنده همزمان با بنیان مقصوره و گنبد ساخته‌شده است زیاده مجلل و پرشکوه است که از سبک بنا و سه درگاه فاصل میانه آن با مقصوره بدون هیچگونه انحراف همزمان سازی آنها براهل فن روشن می‌گردد بنابراین در سال‌های ۷۵۲ تا ۷۵۵ بنیان گردیده است.

این ایوان بدهانهٔ ۱۴ و عرض ۷ و ارتفاع ۱۸ متر در تناسب اندام وحسن منظر و زیبائی پیکر ممتاز و در میانهٔ آثار قرن هشتم بی نظیر است.

در این ایوان چیزیکه حس استعجاب معماران هنرمند را برمی انگیزد مقرنس گچی پوشش آن می باشد و نقشه کاشیکاری جدار آنهم در میانهٔ قاب هائی از آجر کلوکی و تراش توأم با نمابندی و کتائب متعدد موضعی و کمربندی جالب توجه است.

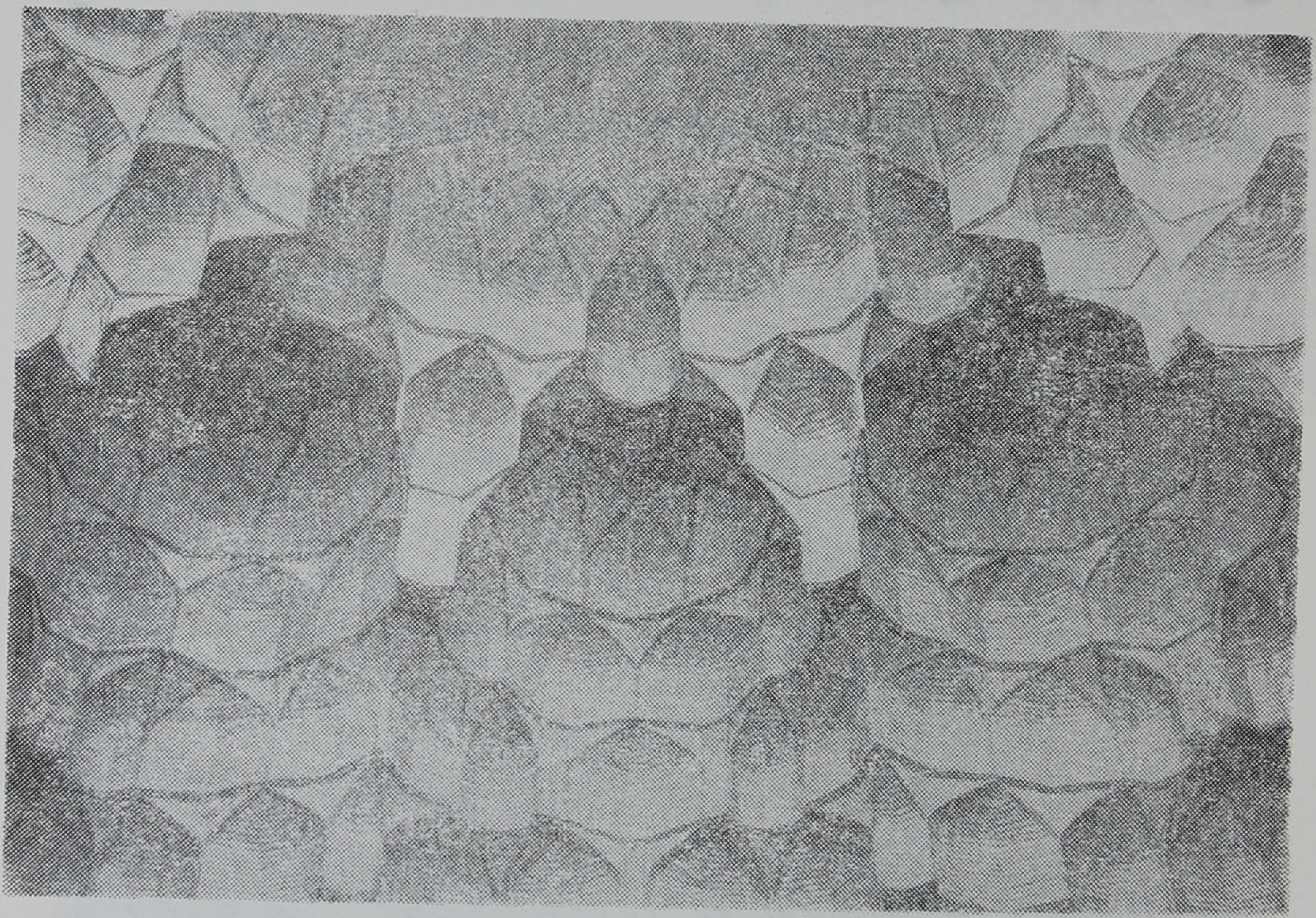
و جادارد که گفته شود ایوان مزبور مظهر جمال و مظهر اعتدال است چه که همه چیزش بجای خود و متناسب است و برای عدل هم بجز جمال مفهومی نیست.

اما مقرنس پوشش آن بانقشه گیج کننده‌ای طراحی شده متضمن دو کوه مطبق و معلق در دو جانب است که به دو گنبد پنج طبقه ایکه هر طبقه‌ای دارای پنج قطار باپنج حوضچه بزرگ و کوچك میباشد قابل توصیف است و میانه دو گنبد آویزان هم سه حوض بزرگ وارونه باسطح قوسی آراسته به ترنجهائی از کاشیهای معرق در میان قابی از کاشیهای سفالی باجدار مثمن صفه‌دار نمودار و بین حوضها هم جداری است نیز مشابه بادو گنبد کوچك و معلق با حوضچه های متنوع و منتظم در سه ردیف با قطار های مشابه که معلوم نیست این بار گران را با چه طنابی بسقف آویخته اند که پس از شش قرن و نیم هنوز هم بدون خدشه و شکستی پابرجا و سالم مانده است چنانکه گوئی جدیداً ساخته و پرداخته شده است.

این مقرنس متفرد و ممتاز از نقاشی ملات سازی توأم با رنگ آمیزی طلائی هم طوری برخوردار است که از دور بصورت مقرنسی از آجر تجلی دارد.

اما تزیینات کاشی آن از فتحعلی شاه و سال ۱۲۴۸ قمری بود که بمرور شکسته و ریخته بودند و بار نخست از ناحیه مرحوم آیت الله فیض بسال ۱۳۶۵ و مجدداً از ناحیه آیت‌الله بروجردی بسال ۱۳۷۵ تمام مسجد تعمیر و باازاره سنگی آراسته گشت چه در ماه مبارك رمضان مدت بیست سال بزرگترین جماعات دینی

صلوة ظهرین دراین جامع به امـامت احدهما تشکیل می‌یافت که تمام محوطه‌های پائین و بالای بام‌رانیز صفوف جماعت فرا می‌گرفت امید است که بعداً هم تشکیل یکچنین مراسم باشکوهی به‌امامت مراجع عصری لااقل درماه‌رمضان‌هرسال‌ادامه‌یابد تاحق‌این‌جامع اداء گردد .



نمای‌حوضچه‌های‌مقرنس که‌اززیرعکس‌برداری‌شده‌است

این کاشیکاری برفراز ازاره‌ای ازسنگ تراش سفید بـه ارتفاع ۱/۲۰ متر است وتمام بدنه ایوان‌راازبغله‌ها واسپرتابرسدبه کتیبه کمربندی زینت بخشیده‌است.

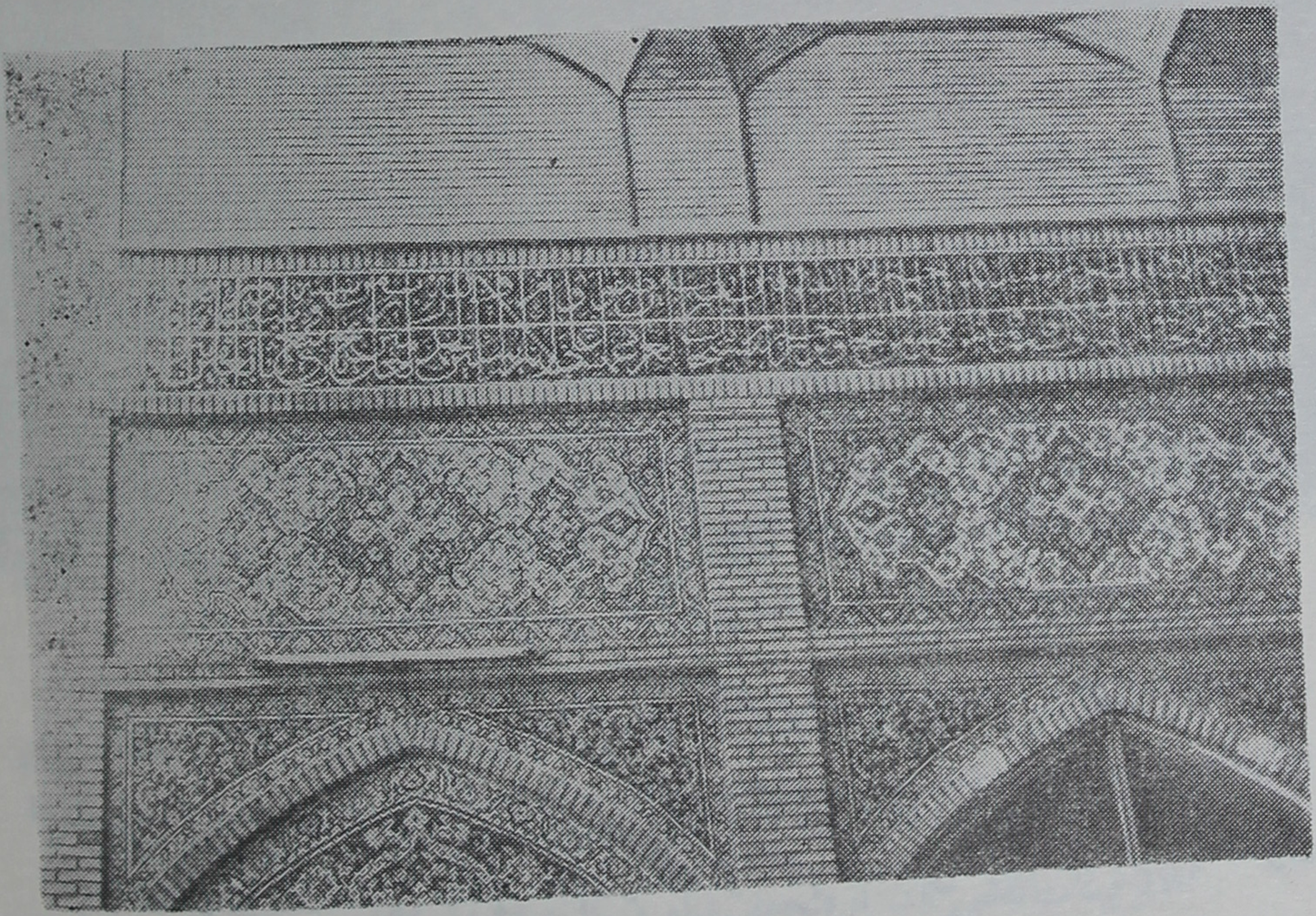
کاشیهای آن‌خشتی منقش هفت‌رنگ از آثار فتحعلی‌شاه بسال ۱۲۲۸ قمری است که بانقشه بنداسلیمی‌واژدر بندی‌میباشندو درمیانه‌کاشیکاری آن‌چندخط‌عمودی وافقی ازآجر کلوکی وتراش دیده می‌شود که‌مانند قابی کاشیهارا درمیان‌گرفته‌اند ودروسط هرقابی نمائی ساخته شده‌ودرون هرنمائی‌هم ترنجی دیده‌میشود که‌روی

آن آیه‌شریفه (ماخلقت الانس والجن الالیعبدون) نوشته‌شده‌است که این آیـه در کتیبه‌های معابد و مشاهد از آثار خاصه فتحعلی‌شاه است .

ودر سینه‌اسپر بالای پوشش دوقوسی سه درگاه ورودی به مقصوره سه‌قاب آجری مربع مستطیل گرفته شده‌است که‌درون آنهابا کاشیهای خوش‌نقش‌وشفافی آراسته شده‌است .

ودرقاب وسطی‌درترنجی کشیده بخط ریزثلث آیة‌الکرسی ودرپایان(فالله‌خیر حافظاً وهوارحم‌الرحمین) نوشته‌شده است .

ودرترنج کشیده دیگری (لااله‌الاالله محمدرسول‌الله‌علی‌ولی‌الله تعمیر ۱۳۶۵ هجری) خوانده میشود ودرسومی (انامدینة العلم وعلی بابها)جلب‌توجه میکند.



تصویری ازنقشه کاشیکاریهاو کتیبه کمربندی ایوان

ودر کمر گاه‌ایوان کتیبه‌ایست کمربندی از کاشی خشتی زمینه‌لاجوردی‌بخط ثلثی سفید که روی‌آن سوره مبارکه جمعه ودرپایان (سبحان ربك‌رب العزةعمـا

یصفون وسلام علی المرسلین والحمدلله رب العالمین فی تاریخ شهر ربیع الثانی سنة ست واربعین ومأتین بعدالف من هجرة النبویة) خوانده میشود .

و لبه ایوان از دو قوسی بالا و نیز طرفین بصورت گیلوئی و روی آن طره برجی پیچی از کاشی فیروزه فام هر یك به اندازه ۴۰% در ۴۰% بکار برده شده است که به آثار قرن هشتم میماند وبرحسن منظر ایوان دوچندان افزوده است و نظیر آن در جلوایوان صفه صفا در مشهد اردهال دیده میشود این طره بمثابه ستونی برجی است و ته‌ستون آن از دوجانب بصورت گلدانی بدیع نمودار است که ته‌ستون طرف شرقی شکسته و بجای آن ته‌ستون دیگری نوساخته بکار برده اند و از رنگ نامطبوع آن بخوبی مکشوف است که نوساز میباشد .

ودر طرفین ایوان جرزهائیست بعرض ۵۰%۲ وارتفاع ۱۸ مترو متصل به آنها صفه محرابی وبرفراز هریك ایوانی باپوشش مقرنس بدیع و درجنب آن جرز دیگری است که جمعاً چهار جرز میشوند وسراپا مزین به کاشیهای خشتی خوش نقش ندو لچکیها و پیشانی ایوان نیز آراسته به کاشی گره‌سازی ودر پیشانی ایوان ودوایوانچه جنبین آن کتیبه‌ایست بطول ۲۸ مترو عرض یك متر از کاشی‌های خشتی بخط خاصی مأخوذ از ثلثی ونسخ وریحانی که روی آن بطور متداخل آیه مبارکه نور (الله نـور السموات و الارض مثل نوره کمشکوة فیهامصباح المصباح فی زجاجة والزجاجة کانها کوکب دری یوقدمن شجرة مبارکة زیتونة لاشرقیة ولا غربیة یکادزیتها یضیء ولولم تمسسه نار نور علی نور) خوانده میشود که تشبیه این خط به خط رقاع که بر خط شکسته و ویژه رقعه نویسی اطلاق میشود غلط میباشد .

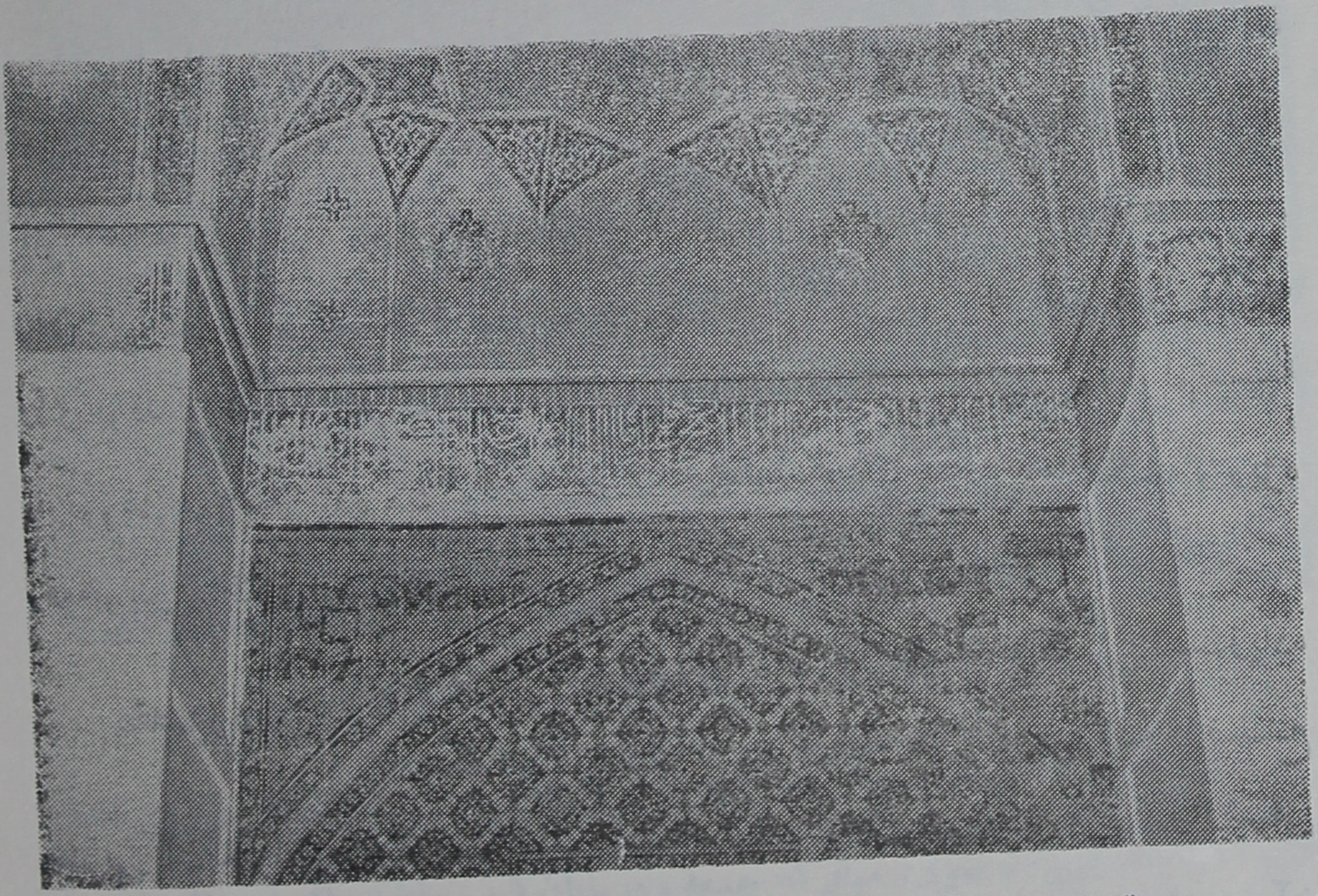
مقصوره

ودرجهت جنوبی ایوان مزبور مقصوره مجللی است زیاده شکوهمند به ارتفاع ۳۰ ودهانه ۲۳%۱۳ متر کـه درضلـع جنوبی آن محرابی بزرگ ودرشمالی آن سه درگاه بزرك و کوچك به ایوان وازشرقی وغربی آن هم دو درگاه به دو گوشوار جنبین گشوده است و محراب شاه‌نشینی آن

بعرض یك متر و دهانه ۴ متر با پوشش پخ و بغله‌ها و اسپر آراسته به کاشیهای خشتی منقش هفت رنگ عصر فتحعلی شاهی و پوشش رسمی بندی گچبری و معقلی است و بقیه جدار ایوان از جرز و اسپر دارای ازاره ۱/۳۰ متر سنگی و بالای آن آراسته به گچبری با نقشه ملات سازی طلائی و سه درگاه مدخل آن از ایوان متفاوت و درگاه وسطی به دهانه ۵ و طرفین به دهانه‌های ۲ متر میباشند.

و در کمر آن کتیبه‌ایست کمر بندی از گچبری بخط ثلثی ممتاز شیخ محمدحسن قمی که روی آن سوره تبارك و در پایان عباراتی حاکی از تعمیر مقصوره و احداث شبستانها از ناحیه فتحعلی شاه بسال ۱۲۴۶ گچبری شده است که اکثر آن سائیده و محکوك و غیر قابل قرائت است و در آن میانه فقط نام فتحعلی شاه در ضلع غربی خوانده میشود.

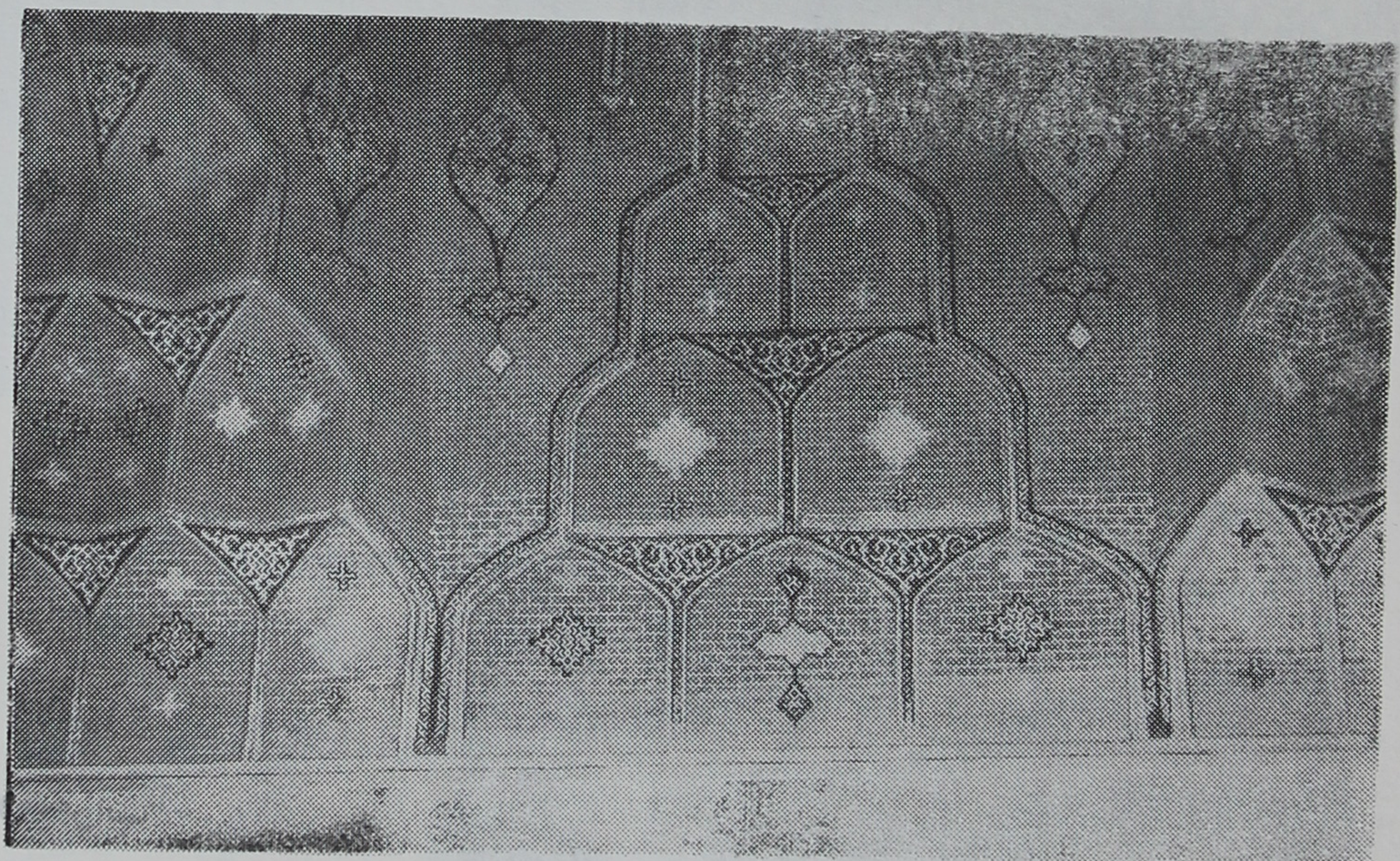
و درچهار گوشه مقصوره نیم طاقی بالا آمده است که صورت مربع را به شکل هشت ضلعی مبدل ساخته است و تمام بدنه آنها که بصورت قوسی مقعرند آراسته به



تصویری از محراب مسجد جامع قم با کتیبه کمربندی

کنده کاری توأم با نقاشی‌های رنگین است که پوشش آنها با پوشش درگاه‌ها دریک سطح قرار گرفته‌اند .

و دراین قسمت هشت نما با بدنه گچبری شده تجلی دارد و بالای آنها صورت ساختمان به هیئت شانزده ضلعی درآمده شانزده نمای زیبا ساخته شده است که یکی درمیان نورگیر و میان تهی دیده میشوند و بقیه توپر و مزین به کنده کاری توام با رنگ آمیزی میباشند .

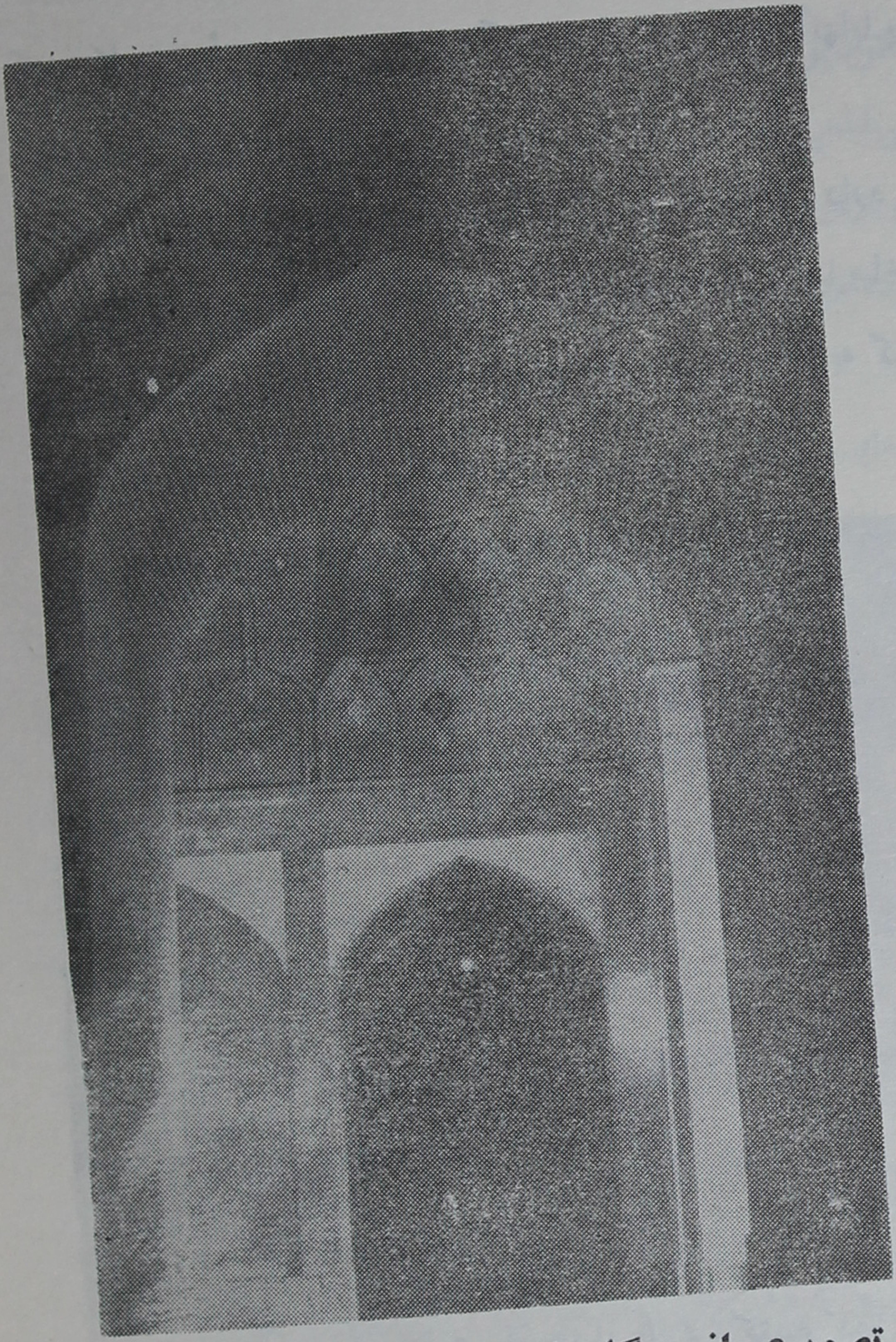


تصویری ازجدار بالای کتیبه کمربندی

وبرفراز آنها صورت مقصوره ازمضلع به مدور مبدل و پاطاق گنبد عرقچینی بالارفته است و بدنه پوشش که بمثابه قدحی گلدار از چینی است که واژگونه قرار داده باشند آراسته به مقرنس آجری است که بدنه آنهارا ازحوضچه‌ها وجدار نیز بانقشه ظریفی گچبری و رنگ آمیزی کرده‌اند ونقشه هریك متفاوت بانقشه دیگری است .

ودر اضلاع شرقی وغربی مقصوره دروسط یك نما و درطرفین آن دو درگاه باجدار آجری زیبا و پوشش دوقوسی است که به طرف گوشوارها بازند .

گوشوارها



و در دو جانب مقصوره دو گوشوار چشمه‌پوش باستونهای مضلع آجری هـر چشمه بدهانه ۵ متر است که با دو درگاه وسیع بـه مقصوره مرتبط و صفوف جماعت بیکدیگر متصل میشوند.

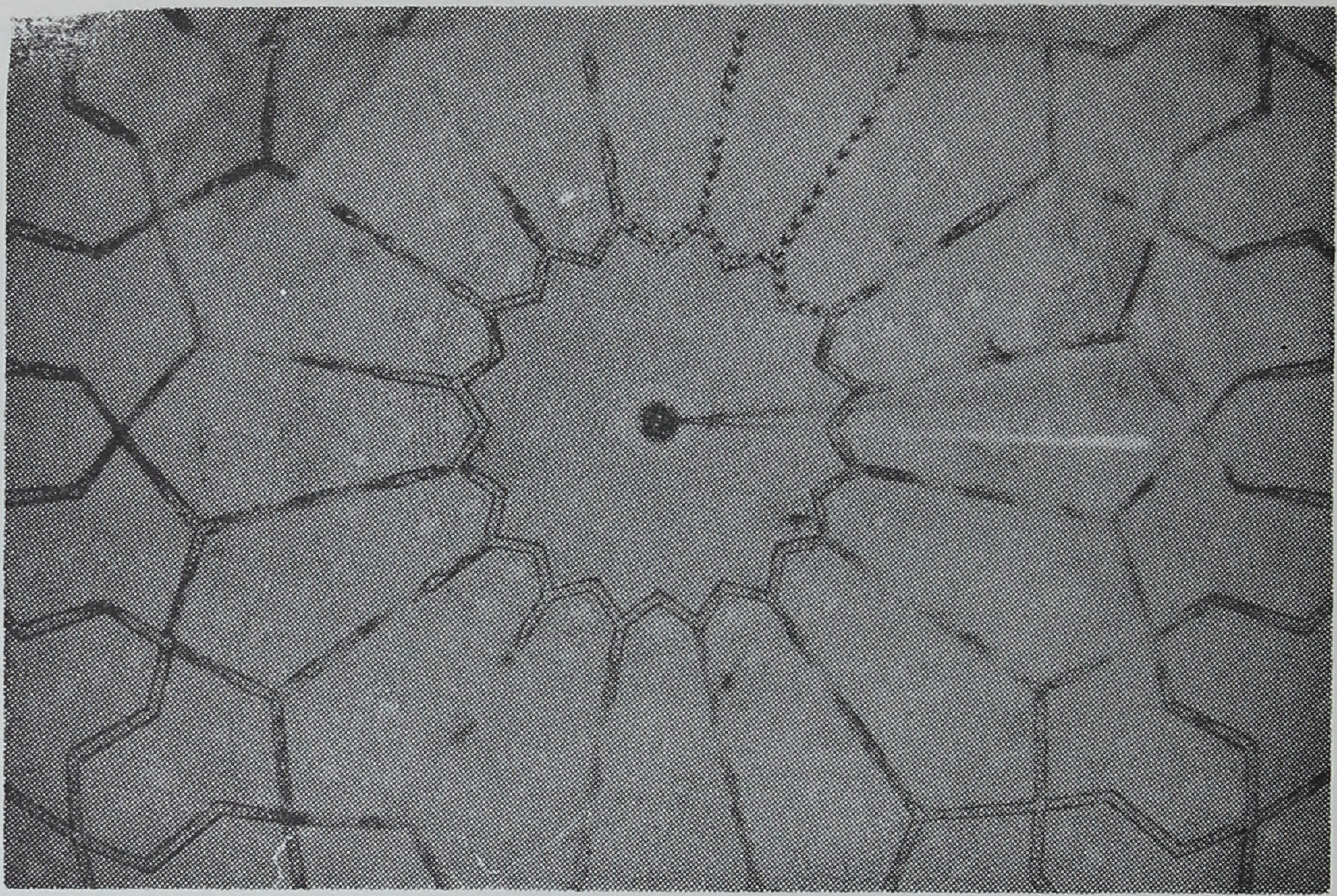
اما گوشوار شرقی مشتمل بر نه چشمه درسه ردیف بوسعت ۲۱ در ۲۱ متر متضمن دو محراب آجری است ولی گوشوار غربی مشتمل بر شش چشمه

تصویری از درگاه‌های میانه مقصوره باگوشوارها که بدنه یکی از نیم طاقهار اهم نشان میدهد

دردو ردیف بوسعت از شمال بجنوب ۲۱ متر واز شرق بغرب ۱۳/۲۳ متر که وسعت دو شبستان بامقصوره ازشرق بغرب روی برهمرفته ۴۹ متر میگردد.

شبستانها

و جلو ایـوان صحنی است گشـاده کـه از سه جـانب محصور به شبستانهای زیبای چشمه پوش از آثار فتحعلی شاه میباشد که از آنمیانه شبستان شرقی معمورتر و مشتمل برنه ردیف سه‌چشمه ای



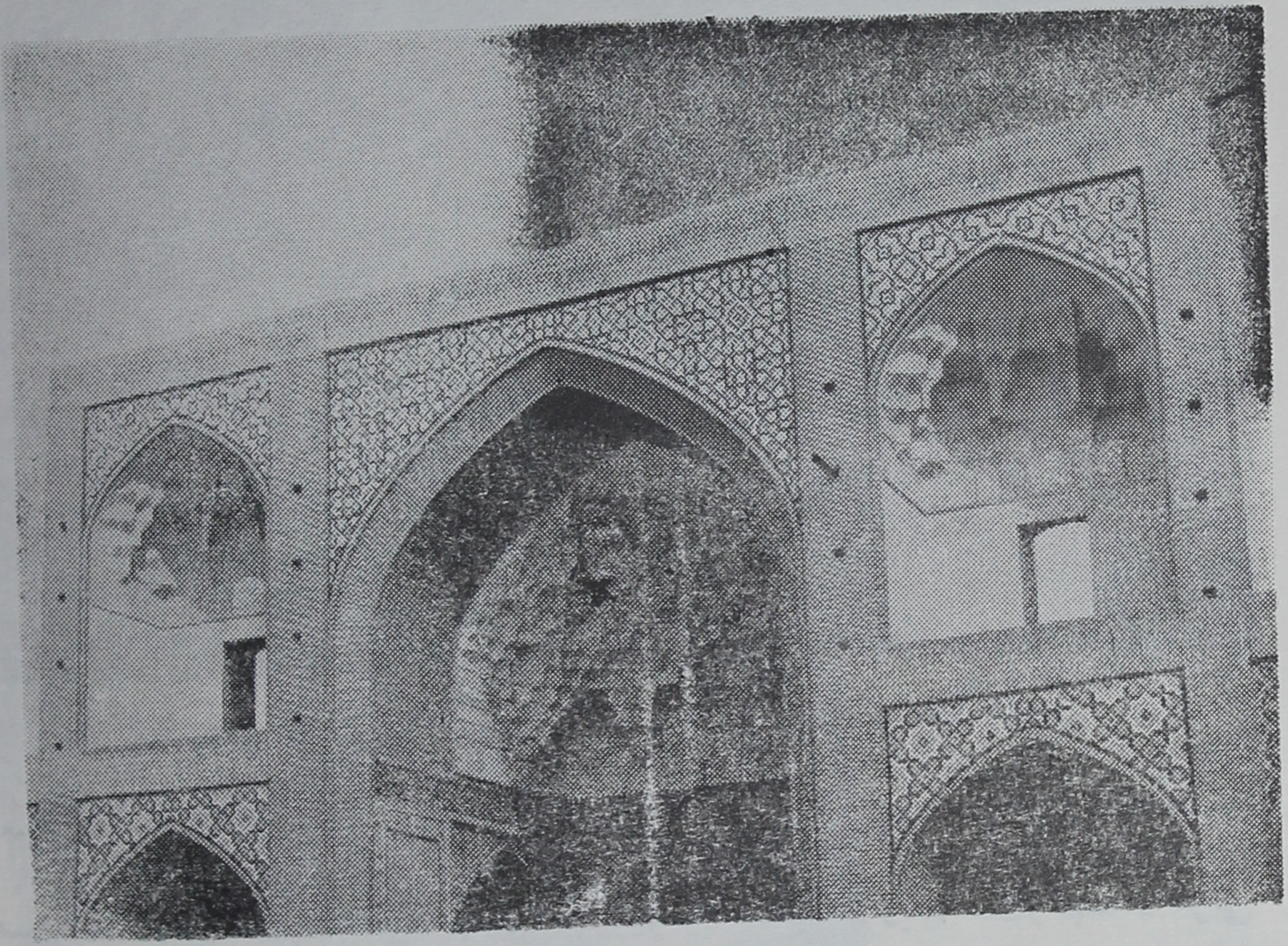
قسمت مرکزی پوشش عرقچینی مقصوره مسجدجامع

یعنی **۲۷** چشمه بر فراز هیجده ستون مسدس و نه ستون مربع یعنی جرزهای جلو صحن حمل شده است که بادرهای آهنی شیشه پوش محصور گردیده است و شبستان غربی هم متضمن نه درگاه در سه ردیف است منتها در قسمت تحتانی آن سردابی سراسری است که از ناحیه محمدحسین خان نظام الدوله شاهسوند (شهاب الملک) بانی گلدسته‌های طلای صحن عتیق در سال **۱۳۰۵** احداث شده است و در نتیجه کف شبستان را یکمتر بالا آورده‌اند که با این کار از حسن منظر آن کاسته شده است.

اما شبستان شمالی بواسطه وجود ایوان شمالی از جلو بدو قسمت تقسیم شده است که هر طرف دو چشمه افتاده است ولی از عقب که متصل بهم میباشند پنج چشمه بعرض **۱۱** وطول هر قسمت **۴۹** متر می‌باشد.

ایوان شمالی ودر میانه شبستانهای شمالی ایوانی است به دهانه **۷** وعرض **۷** وارتفاع **۱۴** متر از آثار فتحعلیشاه بسال **۱۲۴۸** باجدار

مزین به کاشیکاری و پوشش مقرنس گچی و در کمربند آن کتیبه‌ایست از کاشی خشتی که روی آن بخط ثلثی سفیدی سوره مبارکه منافقون (اذا جائك المنافقون) و در پایان عبارت (کتیبه بخط محمدرضا الشریف القمی فی ۱۲۴۸) نوشته شده‌است.

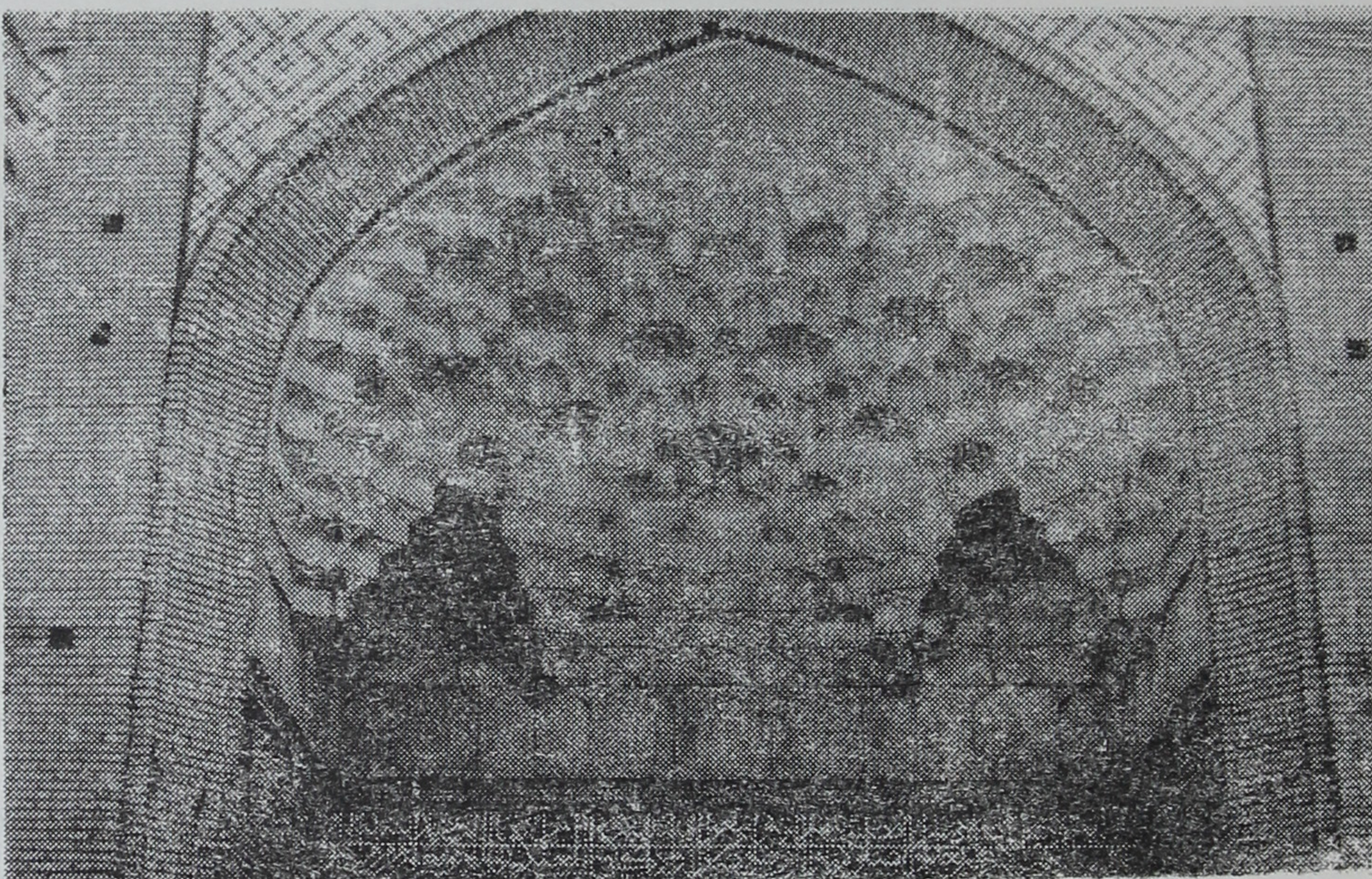


تصویری از ایوان شمالی و جنبین آن

و در طرفین آن دو چشمه و بر فراز و جنبین ایوان دو ایوان فوقانی با پوشش مقرنس گچی با جرزهای آجری و لچگیهای کاشیکاری معقلی است.

سردر ورودی و در مدخل صحن مسجد از جانب غربی ایوان و سردری است برابر درب ورودی مدرسه جانی‌خان به دهانه ۶ و عرض ۲ و ارتفاع ۸ متر با جدار سفیدکاری و پوشش مقرنس گچی از آثار فتحعلی شاه و در کمر آن کتیبه‌ایست کمربندی از کاشی خشتی زمینه لاجوردی که روی آن بخط ثلثی آیاتی از سوره جمعه از آیه (یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة (تا) والله خیر الرازقین) و در پایان (کتبه اقل الحاج شیخ عباس مصباح زاده ۱۳۸۱ قمری) خوانده میشود.

و درطرفین ایوان هرطرف جرزی آجری ودرجنب آن ازدوجانب صفه ایست محرابی باپوشش مقرنس مشتمل بردوطبقه تحتانی وفوقانی .



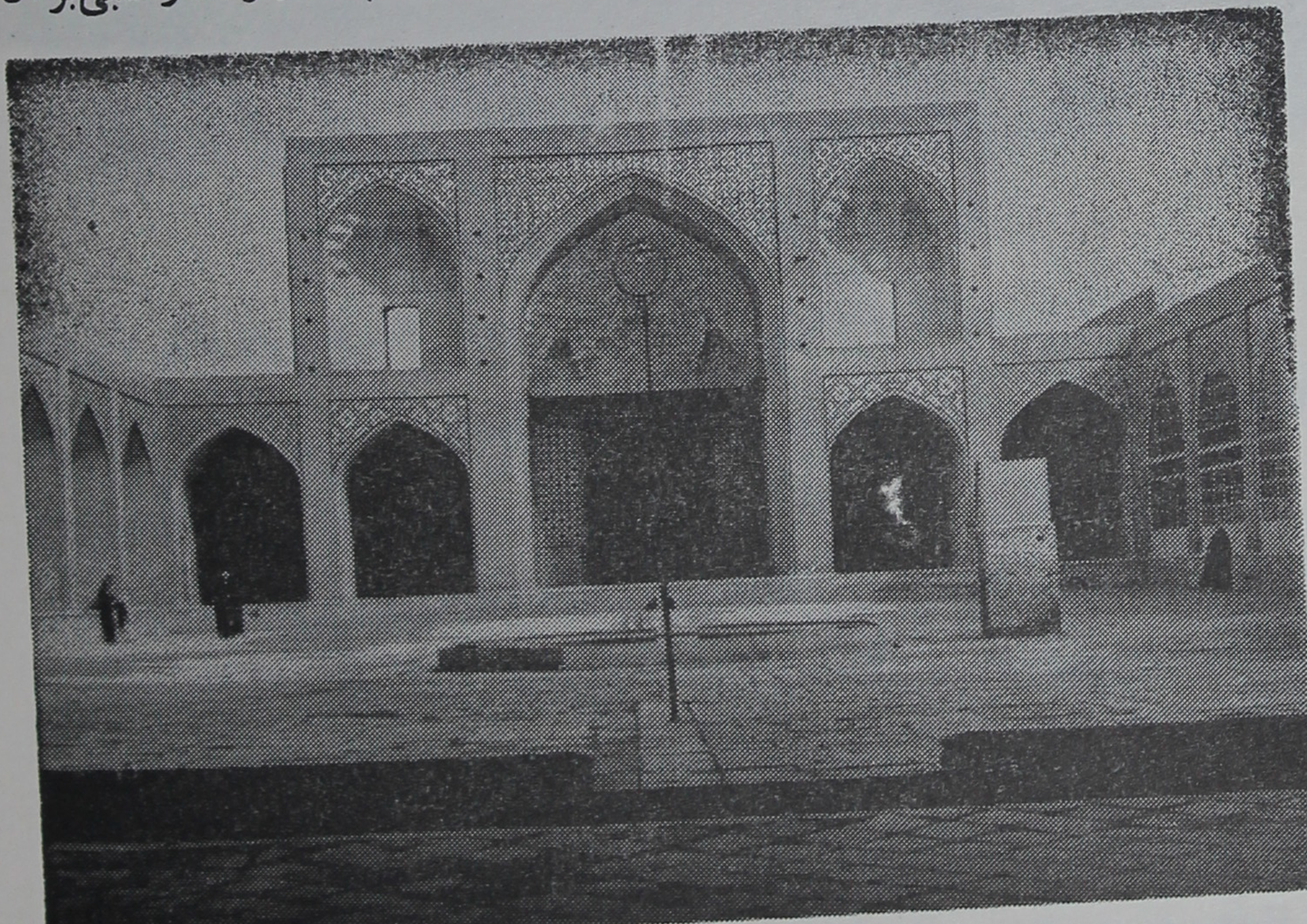
تصویر دیگری از ایوان شمالی وجنبین آن

مقصد دوم

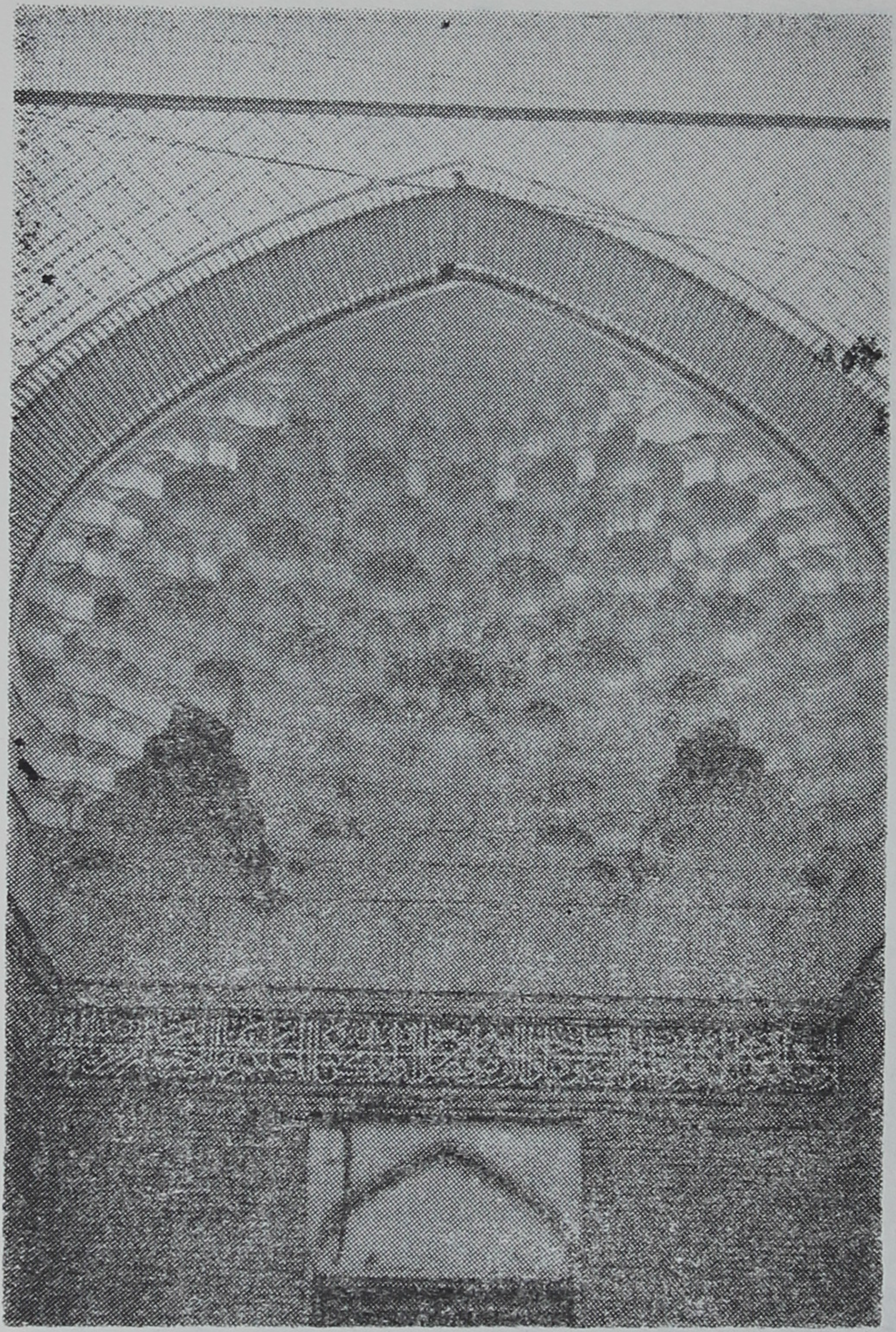
در توصیف از مدرسه جانی خان

مدرسه جانی خان که بواسطه تعمیرات عصر ناصرالدین شاه بنام مدرسه ناصری نیز خوانده میشود از مدارس پرسابقه و بابرکت و در عین کوچکی کمی از نظر کیفی بزرك بود زیرا اکثر فضلای سابق قم از تربیت یافتگان این مدرسه بودند .

میانه این مدرسه با مسجد یك شارع فاصله است و درب ورودی هر دو برابر یکدیگر و مشابه یکدیگرند و این مدرسه یکبار در عصر صفویه از ناحیه عالم زمان مرحوم جهانگیر خان مدرس مدرسه شاه اصفهان تعمیر یافت و کتابخانه دار شد و کتیبی بر آن



تصویر دیگری از ایوان سردرب ورودی



تصویری از ایوان سردر ورودی مسجد

وقف گردید که مرقد وی سرپل خواجوی اصفهان قـرارداشت که اخیراً در مسیر خیابان افتاده است.

دیگر باره درعصر فتحعلی شاه ومجدداً درعهد ناصرالدین شاه ازناحیه مرحوم میرزا نصرالله خان مستوفی گرکانی (۱) تعمیر اساسی یافت.

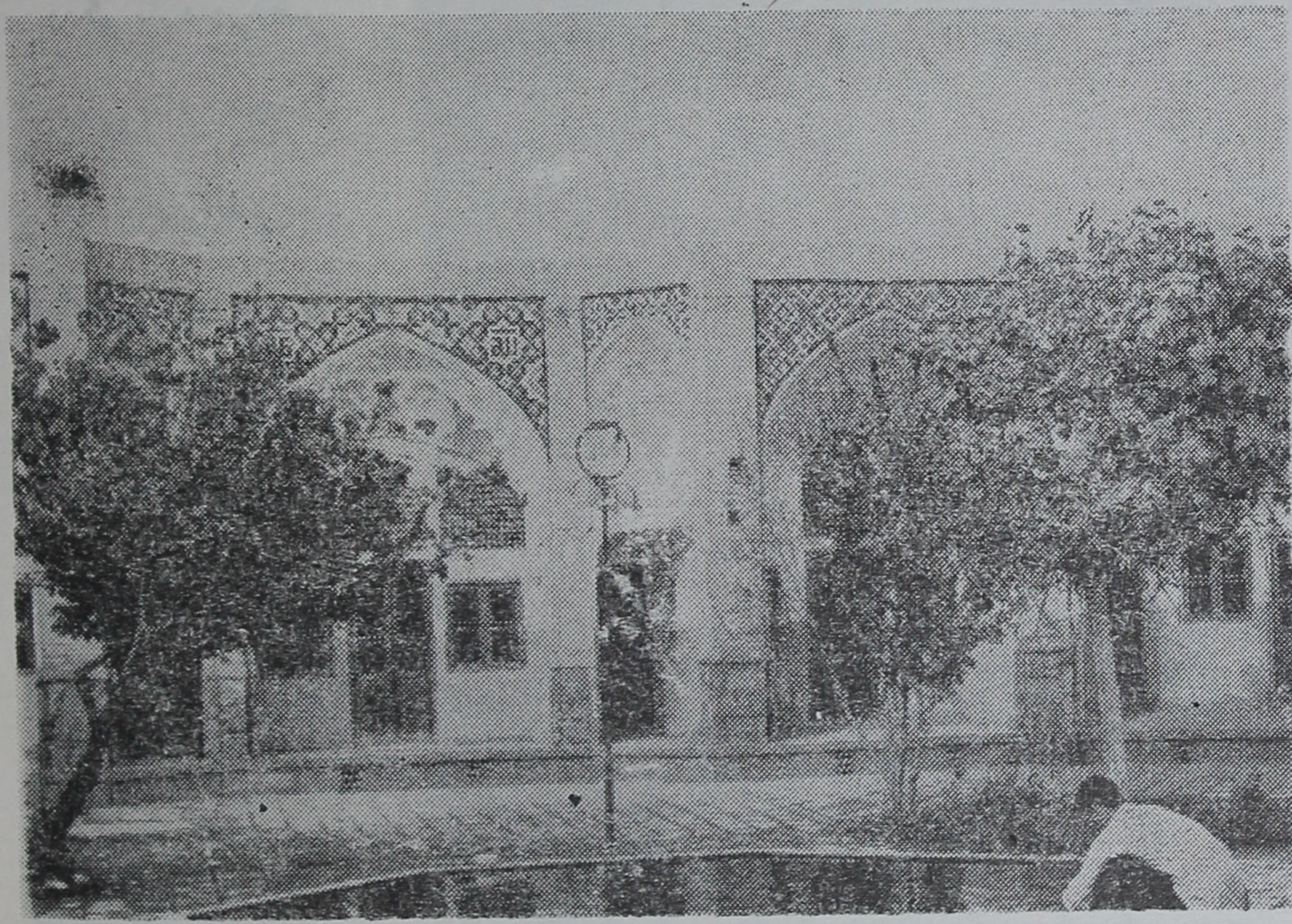
وآخرین بار دراین زمان حضرت آیت الله بروجـردی در سال ۱۳۷۳ قمری از آن تعمیر کلی بعمل آورده زیرحجره‌ها را هم تهی گردانید تا از رطوبت آسیبی به‌اهل علم نرسد که ماده تاریخش مصرع ذیل میباشد.

(اندر اینجاست اتقیای امم)

این‌مدرسه مشتمل بربیست حجره یك‌طبقه بصورت بیست ضلعی است‌بدین توضیح که‌دروسط هرضلع یك‌شکم دریدگی دیده میشود که‌خود دارای‌سه‌ضلع است

۱ــ گرکان بفتح گاف فارسی ورای بی نقطه‌و کاف عربی بروزن‌همدان نزدیك آشتیان‌واقع است

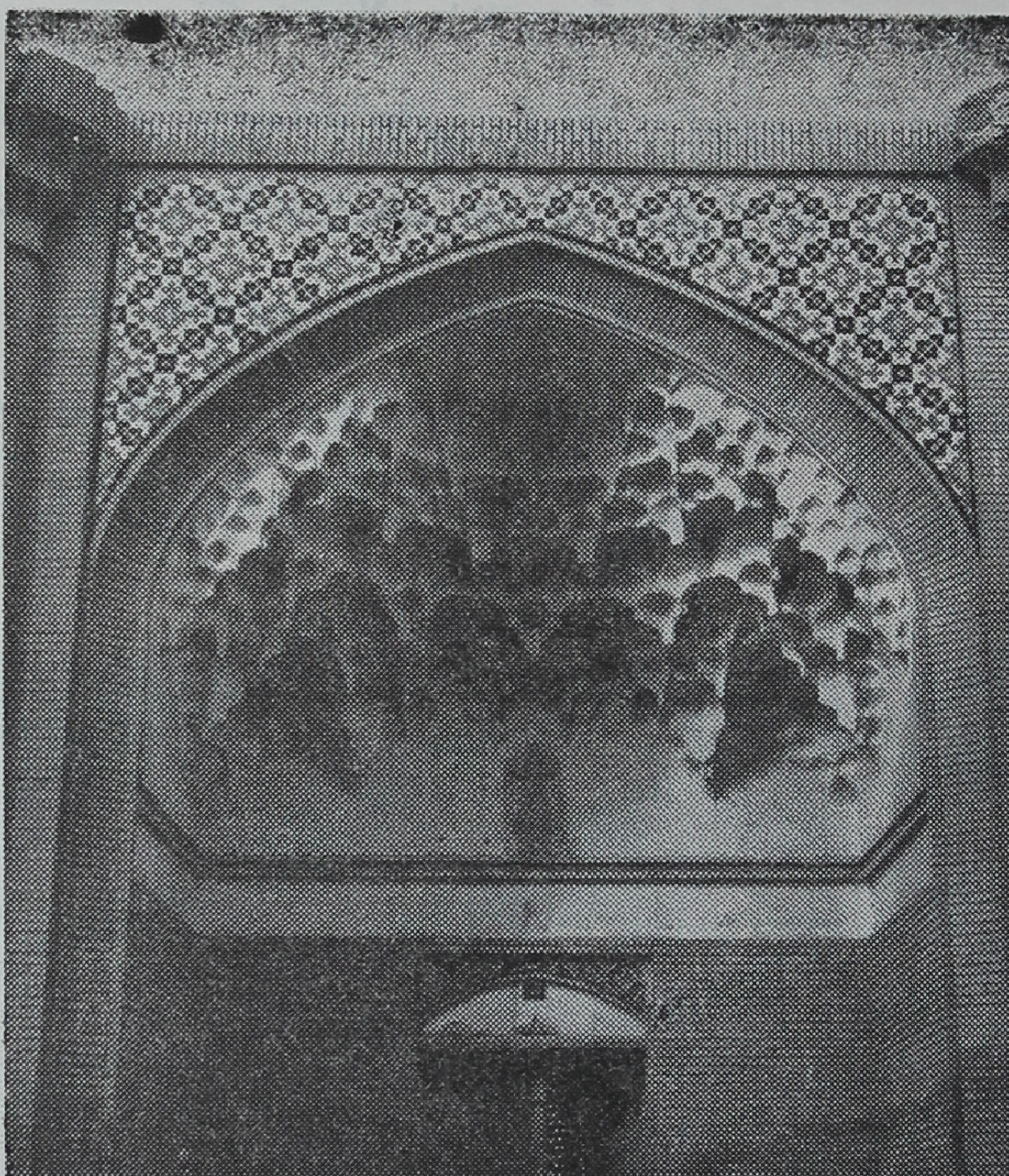
ودر هر زاویه از زوایای اربعه آن هم ایوانی است مورب که درب های سه حجره در هر یك گشوده میشوند وصحن آن ازشرق بغرب ۲۰ وعرضاً ۱۸ متر ودر وسط آن حوضی ودر چهارگوشه حوض باغچه‌ای و در شکم دربدگیهای آن حجرهٔ پنج دری است که کتابخانه ومدرس ودار التولیه میباشند ودر شکم دربدگی شرقی ایوانی است و عقب آن کریاسی است که در مدخل مدرسه میباشد ودر طرفین آن دالانی است.



قسمتی از یك بدنه مدرسه جانی جان

وجلو هر حجره‌ای ایوانی است زیبا بارتفاع یك پله سنگی که دارای ازاره ولبه سنگی وجدار طاقچه‌دار سفیدکاری و پوشش مقرنس گچی وجرزهای آجری بـا ازاره سنگی ولچکیهای کاشیکاری گره‌سازی توأم با آجرهای کاوکی متضـمن کتیبه‌ای بخط بنائی بنام جلاله یا اسامی محمد وعلی میباشد.

ودر مدخل مدرسه ایوانی است که با ایوان مدخل مسجد مقابل و مشابهند



سردرب ورودی مدرسه

منتها این ایوان مزایای فنی خاصی در مقرنس پوشش و جرز های برجی طرفین دارد .

این ایوان دارای ازاره و سکوی سنگی ولبه‌ای گیلوئی وجداری سفید کاری وجای کتیبه فاقد کتیبه و پوشش مقرنس گچی با آویزهای بدیع و سه کوچه قوسی است

و در طرفین آن جرزهای آجری با نقشه برجی مضلع و در هر طرف آن دو صفه محرابی و دو طبقه نیز با پوششهای مقرنس ساخته شده است .

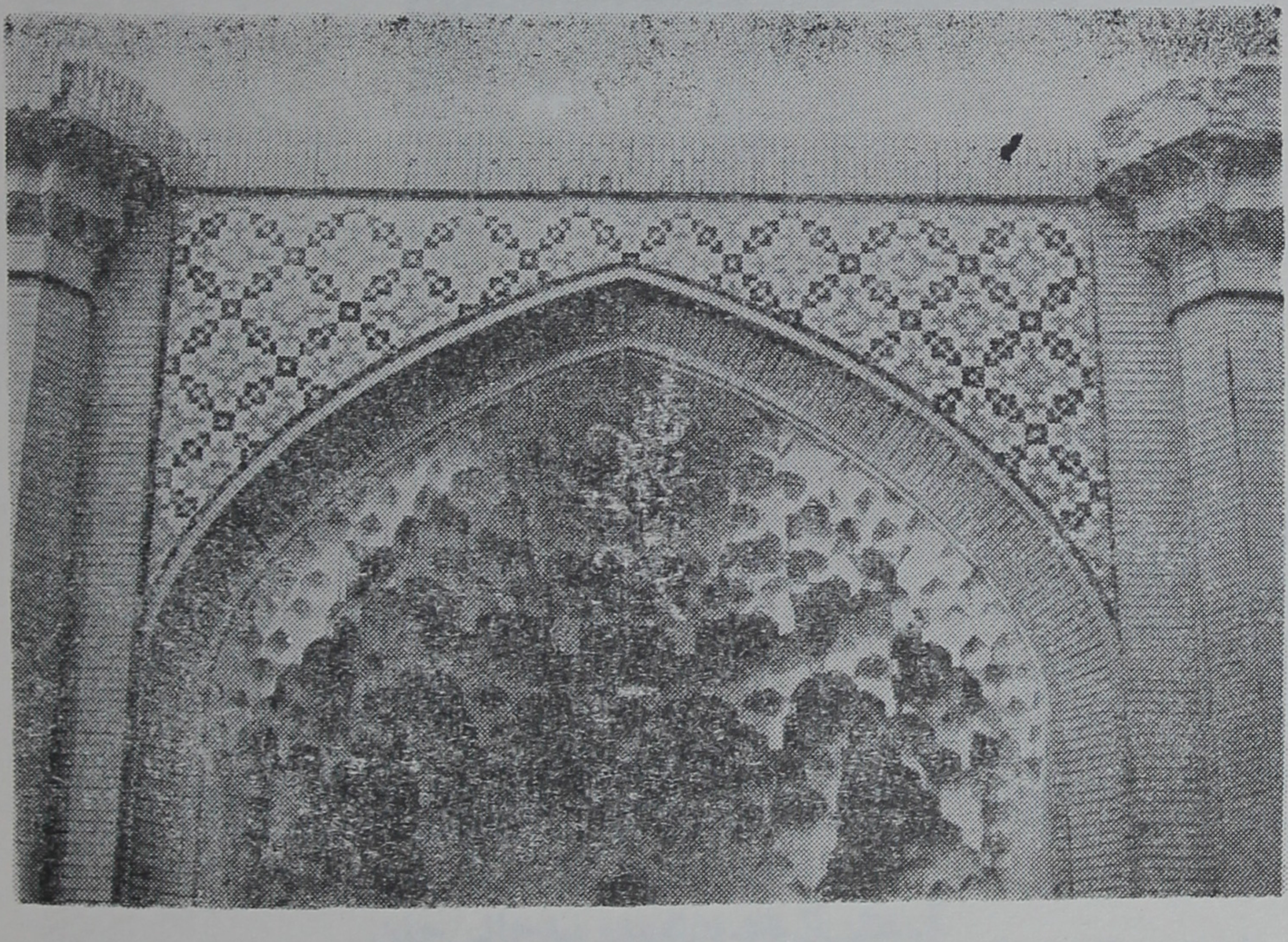
و برفراز درب ورودی در سینه اسپر آن لوحه ایست سنگی مرمری که روی آن به خط برجسته نستعلیق بیت و عبارات ذیل حجاری شده است .

هذه من علاه احدی المعالی و علی هذه فقس ما سویها

احیی هذه المدرسة الدینیة حضرت آیت الله العظمی الحاج آقاحسین البروجردی الطباطبائی .

و در پس درب ورودی کریاسی است مثمن با جدار آجری و پوشش خفته رسته تخت با پنجره‌ای کاشی به ایوان و دو راهروی طرفین .

و اگر تحولات زنانه توأم با اغراض خصوصی و خود نمائی هـای کاذبه توانست نام مسجد جانی خان را به اسم مسجد شاه‌یا مسجد جـامع تبدیل سازد خوشبختانه تا حال بااصرار دانشمندان ساکن دراین مدرسه که تحت تأثیر عوامل فریبنده ظاهری قرار نگرفته آلت اجرای مقاصد جاه طلبانه این و آن نمی‌شوند برای‌ابقای این نام و تکـرار آن پس از شش قرن همچنان بنام مدرسه جانی خان خوانده‌می‌شود.



تصویری دیگری از مدخل مدرسه

فصل دهم

در توصیف گنبد شاهزاده ابوالعباس احمد

گنبد ابوالعباس ازبقاع گمشده قم بودکه نگارنده آنرا معرفی میکند

چرا گمشده بود؟ بدانجهت که مخروبه افتاده بصورت کاه‌انبار درآمده بود بطوریکه احدی حدس نمی‌زد این کاه‌انبار بقعه یك امامزاده جلیل باشد درنتیجه بقعه شاهزاده ابراهیم رامدفن ابوالعباس احمدمی‌پنداشتندازجمله صاحب انوارالمشعشعین تألیفی سال ۱۳۳۷ قمری به استنادآنکه درتاریخ قدیم قم بردفن ابوالعباس احمد درخارج دروازه بریهه (۱) قرب مشهد علی‌بن حسن‌العلوی بنزدیکی نهرسعد خبر داده است ودرآنجا هم بقعه دیگری نیست پس بقعه منتسب به شاهزاده ابراهیم را مدفن وی پنداشته چنین نظرداده است که نام ابراهیم در کتیبه و زیارت‌نامه اشتباه است که باید بنام ابوالعباس احمد تصحیح گردد.

درصورتیکه مؤلف مزبور درتشخیص مصداق به‌اشتباه‌رفته است زیرا در آن محوطه بقعه دیگری نیزوجود داردکه با صحن علی‌بن‌حسن پنج مترفاصله دارد وتا

۱- بریهه دختر ابوعلی محمدبن احمدبن موسی‌المبرقع است و یادآور میشود که در قرون‌اولیه که‌مکان شهرقم درتپه‌های قم درویش بود سادات رضائی که پیرامون بقعه محمدبن موسی‌المبرقع وبقعه چهل‌اختران خانه‌سازی کرده بودند برای صیانت‌جان‌ومال‌خویش باروئی برگرد کوی رضائیه بالاآورده بودندکه یکی‌از ابواب‌آن بنام باب بریهه خوانده میشد.

نهرسعد در حدود سی متر درحالیکه بقعه شاهزاده ابراهیم تا صحن علی بن حسن بیش از ۱۵۰ مترو بانهرسعد زاید بر ۱۸۰ متر فاصله دارد پس بقعه نخست مصداق اتم واکمل سه نشانه یادشده درعبارات تاریخ قم میباشد .

علیهذا باید گفت که مؤلف مزبور اساساً از وجود این بقعه خبر نداشته است وگرنه بقعه دوم را بجای این بقعه نگرفته بود .

ونگارنده هم برای جمع بین گفته وی باکتیبه بقعه شاهزاده ابراهیم در تألیفات سابقه خود دفن هردورا دریك بقعه محتمل دانسته است .

ولی هنگام نگارش این کتاب ضمن بررسی محل ومشاهده این بقعه غیرمعمور و دربسته یعنی کاه انبار کنونی و ملاحظه مطلبی که در باره این بقعه در کتاب تاریخ قم تألیف فیض مسطور است وذیلا نقل میشود این گمشده را یافته بتوصیف آن پرداخته است .

اما در تاریخ فیض درشمار امامزادگانی که دراین نهر مضجع دارند پس از ذکر امامزادگان بلافصل چون فاطمه معصومه و سلطان علی اردهال به ذکر اسامی امامزادگان مع الفصل پرداخته بعداز اشاره بمشهد علی بن جعفر ازبقعه مورد نظر یاد کرده چنین آورده است که .

(قریب ببقعه مطهره علی بن جعفر بقعه امامزاده ایست که در کتیبه او نوشته شده است مضجع مطهر احمد بن امام موسی الکاظم یقیناً به چند پشت به امام علیه السلام میرسد که واسطه اورا انداخته است)(پایان)

ولی مؤلف محترم تاریخ مزبور نام اورا صحیح نقل کرده است امادرنسب وی باشتباه افتاده است چه اورا فرزند امام کاظم شمرده است و معلوم نیست این اشتباه از کجاسرچشمه گرفته است واینك هم کتیبه ای دیده نمیشود چه همگی ازبین رفته اند .

وچون ابوالعباس احمد از سادات جلیل القدر حسینی سجادی است بقای بقعه وی بدین صورت مبتذل زننده ومخالف شئون این خاندان است واز مردان با فتوت

وکرامتی که علاقمند بشئون خاندان وحی وامامت هستند برای عمران آندعـوت میکنند که(من عمر قبورنا فکانما اعان سلیمان بن داود علی بناء بیت المقدس)

ودرپایان می افزاید که جدوی ابوالفضل حسین از صحابه امام عسکری وروات عدل و ثقه ایست که بلاواسطه ازآنحضرت روایت کرده است که پس از رحلت آن امام به دینور منتقل شد و پس ازچندی باتفاق برادران خودابراهیم وعلی الفصیح بسوی قم هجرت کردودراین شهر ببودتارحلت یافت .

اماابوالعباس احمددر سال ۳۱۴ علیه مقتدرعباسی خروج کرد .

ودرموقعیکه فاتك (فاتق) غلام یوسف بن ابی الساج ازناحیه خلیفه درشهر ری عامل بودباگروهی ازیاران خودبرآنشهر حمله برد وپس ازجنك وستیز کوتاهی برفاتق غالب آمده شهرری راتسخیر کرده بشهردرآمد وشامگاهان یاران خود را در نقاط مختلفی برای استراحت پراکنده ساخت وخوداوهم بامعدودی از خواص در منزلی بیارمیده بخواب غفلت فرورفت .

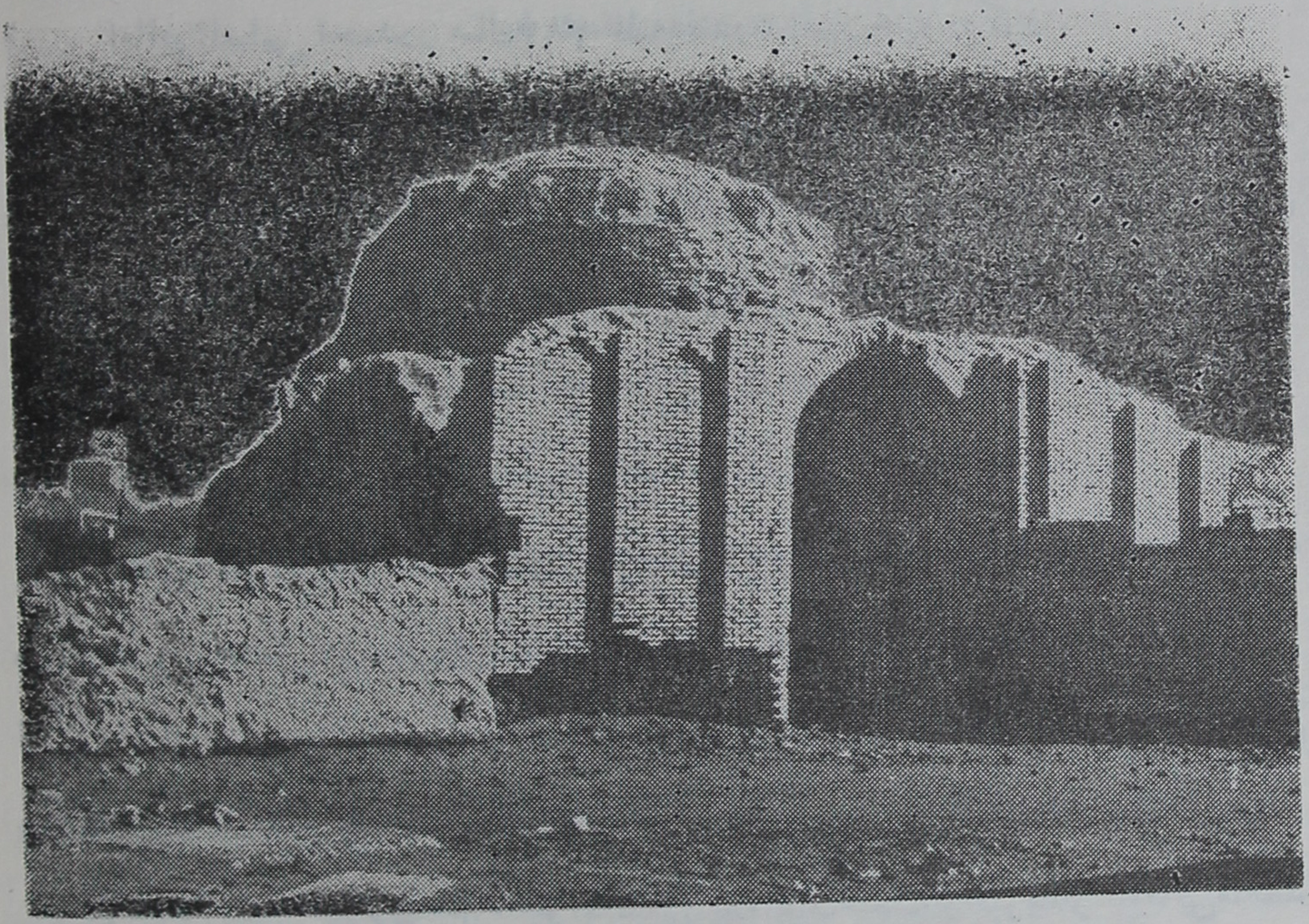
ولی فاتق که بیدار کارخودبودباگروهی ازیاران خود بخانه مزبور شبیخون زده درتاریکی شب تنی چند از یاران مصاحب وی را بقتل رسانیداما ابوالعباس فرار را بر قرار اختیارکرده جان خودرا ازآن مهلکه نجات بخشید و از راه و بی راهه بقم رسانیده درمأمن تفرش مختفی گردید .

ازاین پس شهرری جزء ابوابجمعی سامانیان گشت وامیرنصر سامانی محمد بن صعلوك رابحکومت عراق اعزام داشت که اوهم درسال ۳۱۶ ناصر صغیر را بەری طلبیده شهر رابدوتسلیم نمود وخودش درحال بیماری عازم خراسان گشت که دردامغان وفات یافت .

دراین موقع ابوالعباس ظاهرگردیده نزد ناصر بشتافت وزیاده موردتعظیم و تجلیل وی قرارگرفت وپیوسته درقم مقدم وپیشوای سادات ومورد توجه خاص علی ابن بابویه بوده همچنان باحشمت وسروری میزیست تادرعهدسلطنت رکن الدوله رحلت

یافت ورکن الدوله بخواست استادبن العمید ، فرمودتا برفراز تربتش قبه‌ای بنا کردند که قبه او همواره مزار عمومی بود .

واین قبه بمرور روی بخرابی رفته بود تا درقرن هشتم بصورت کنونی ازآن تجدید بنا بعمل آمد همین بنائی که پس ازشش قرن هنوز پوشش آن برقرار است منتها قبه فرازین آن خراب شده است که تعمیرو تجدید آن بهمت مردان بافتوت و علاقمند بشئون خاندان عصمت بستگی دارد.



نمای عمومی گنبد ابوالعباس احمد بن امام سجاد

اینك که گمشده صاحب انوارالمشعشعین پیدا شد برای آنکه اثر آن محو نگردد بتوصیف آن میپردازد .

این گنبد مشتمل بربقعه وچهار ایوان کوچك است اما گنبد فرازین آن که هرمی بوده فروریخته است واینك از خارج بصورت چهارضلعی متساوی هرضلعی بطول ۱۳٫۵۰ متر است ولی چنین بنظر میرسد که در تعمیرات بعدی صورت مثمن را با

افزایش او وین و نمابندی زوایا بصورت مربع کنونی تبدیل کرده باشند .

بقعه

بهر صورت بقعه ابو العباس احمد از بناهای باستانی وقبلا دارای تزیینات گچبری و کتیبه بوده است که باریزش آنها جدار آن بصورت ساده گچ و خاکی در آمده است.

و از مفاد گفته مؤلف تاریخ قم (فیض) بدست می آید که تا سال ۱۳۰۰ هم دارای کتیبه بوده است.

وقاعده گنبد از داخل بصورت مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۷ و ارتفاع ۹ متر است که در هر ضلعی شاه نشینی بدهانه ۳ و عرض یك متر از قطر پایه ها در آورده اند وقطعاً از خارج هم در چهار جانب ایوانی بهمین صورت یا صورت دیگر داشته است که بعداً در تعمیر بصورت کنونی در آمده است.

و در چهار گوشه بقعه نیم طاقی بالا آورده صورت ساختمان را از مربع به هشت ضلعی تبدیل ساخته اند .

وبالای آن صورت ساختمان به شانزده ضلعی نامرئی ومشابه فلکه ای تبدیل گردیده پا طاق گنبد عرقچینی آن بالا آمده است .

این قبه دارای پوششی عرقچینی است و بر فراز آن قبه ای هرمی وجود داشته که اینك خراب شده است ولی زیر بنای آن در بالای قسمت موجوده که سابقاً عنق آن بوده است بخوبی مشهود است .

ودر مقابل هر شاه نشینی ایوانچه ایست به دهانه ۳ متر و عرض یکمتر و نیم که از هر ایوانی هم درگاهی به داخل بقعه باز است و دری داشته است که اینك وجود ندارد و بالای هر درگاهی مشبکی است که فروریخته و درگاه آن باقیست .

فصل یازدهم

در توصیف مشاهد قنوات قم در پنج مقصد

قبلا توضیح میدهد که بلوك قنوات بر بخش چهارم شهرستان قم اطلاق میشود.
این بخش دارای وسعتی حدود دو در چهار فرسنگ با چهل رشته قنات دائر وسی روستانشین معمور بادوازده هزار سکنه بود که متأسفانه درسنوات اخیره دراثر پائین رفتن سطح آبهای عمقی که هر پنجاه سال بطور طبیعی یا بعلل جوی بروز می کند بجز سه رشته قنات بقیه بکلی خشك شده‌اند و حفرچاه های عمیق یا نیمه عمیق واستخراج آب بوسیله موتورهم این خلأ را پرنساخت زیرا درآمد زراعی با هزینه آب کشی واستهلاك موتور و تعمیر آن تکافؤ نداشت چنانکه بمرور چاه‌ها منعطل گردیده سکنه قراء بشهر منتقل شدند و چندین دهکده بکلی تهی از سکنه بویرانه ای جغد نشین مبدل شده اند که هرگاه در نرخ گاز و برق برای امور کشاورزی تجدید نظر نشود و از این طبقه آسیب کشیده حمایت نگردد بوضعی اسفبار دوچارمی‌شویم .

ورمز تسمیه این بخش بنام قنوات بدانجهت است که درجوار مزارع شهری که از روداب بهره مندمی‌شوند مزارع این دهکده‌ها از آب قنات برای کشت وزرع استفاده می کردند .

اما مشاهد این بخش عبارتند از:

۱ ـ شاهزاده طیب وطاهر

۲ ـ خدیجه خاتون

۳ ـ سکینه خاتون

۴ـ حلیمه خاتون

۵ ـ شاهزاده جمال

و چون دراین بخش دو بقعه بنام شاهزاده جمال وجود دارد بقعه سومی هم در دامنه کوه یـزدان و کنار قصر دختر در چند کیلومتری جنوب غـربی شهر واقع است درنتیجه دراین فصل که پنج مقصد است برای مقصد پنجم آن سه مطلب ذکر میشود که بتوصیف بقاع سه گانه شاه جمال می پردازد.

بدین تفصیل:

مقصد نخست

در توصیف گنبد شاهزاده طیب و طاهر

با مقدمه‌ای در امور مربوطه

مقدمه

در بیان نام و نسب مدفونان در این گنبد

از آنجائیکه در این گنبد لوح مزار و کتیبه‌ای حاکی از نام و نشان مدفونان وجود ندارد راهی جز این نیست که با استفاده از تواتر و شهرت و اخبار سینه به‌سینه و عرضه داشت آنها با اخبار تاریخی و نسبی در این‌باره ببررسی و اظهار نظر بپردازد.

هسته مرکزی این مطالعات برای سنجش در میزان خرد چند امر است که یکی احراز تعدد مدفونان و دیگری حسینی بودن آنان و آخری مسمی بود نشان به اسامی طیب و طاهر است که باید در این چهارچوب پیرامون کشف هویت آنان ببررسی پرداخت پس هر عقیده‌ایکه با یکی یا بیشتر از این سه اصل مغایر باشد قابل قبول نیست.

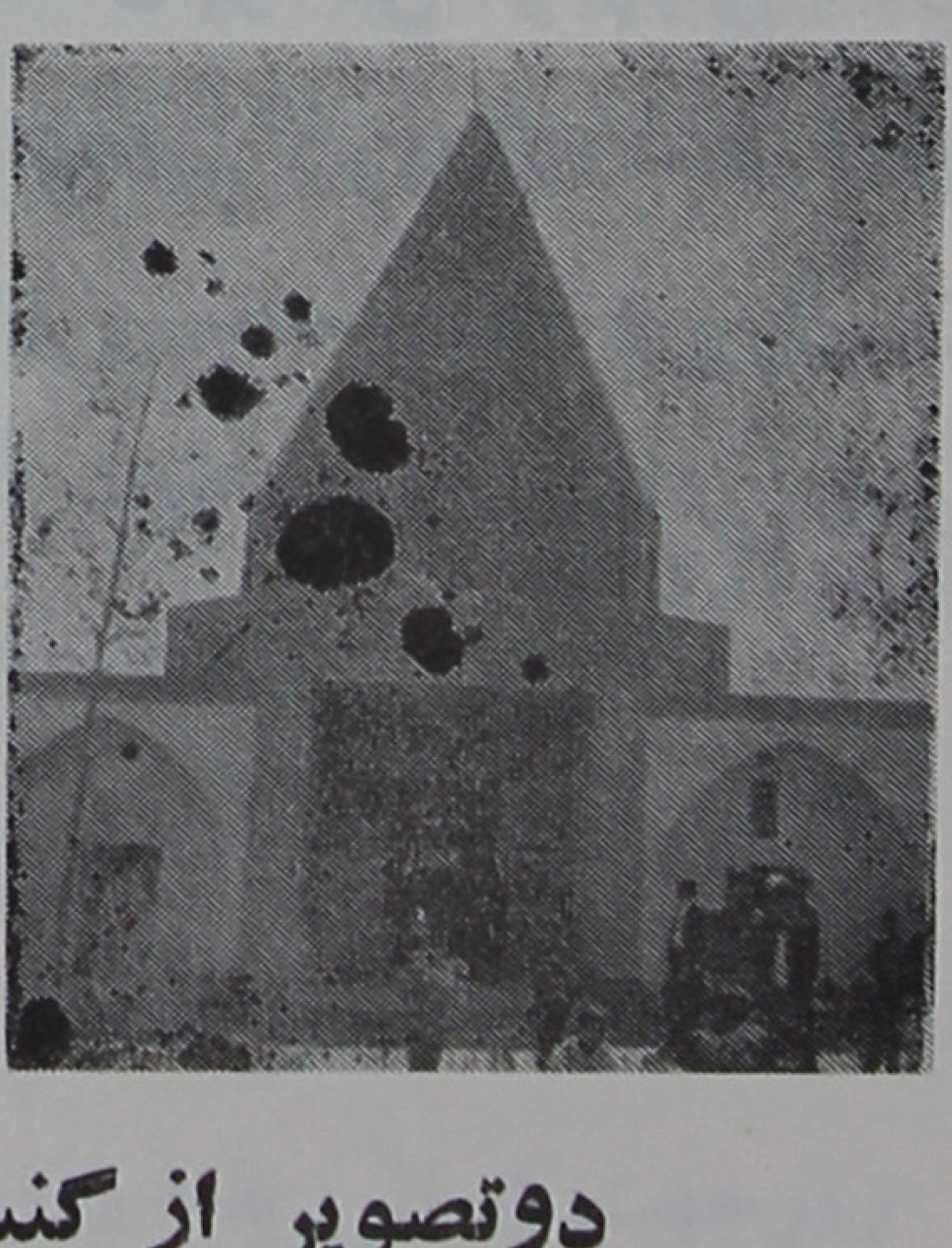
در نتیجه ادعای آنکه در این گنبد یکنفر از سادات موسوی بنام ابوالطیب طاهر بن حسین قطعی بن موسی ابی السبحة بن ابراهیم المرتضی ابن امام کاظم مدفون است از دو جهت (تعدد نسب) مخدوش و مردود است.

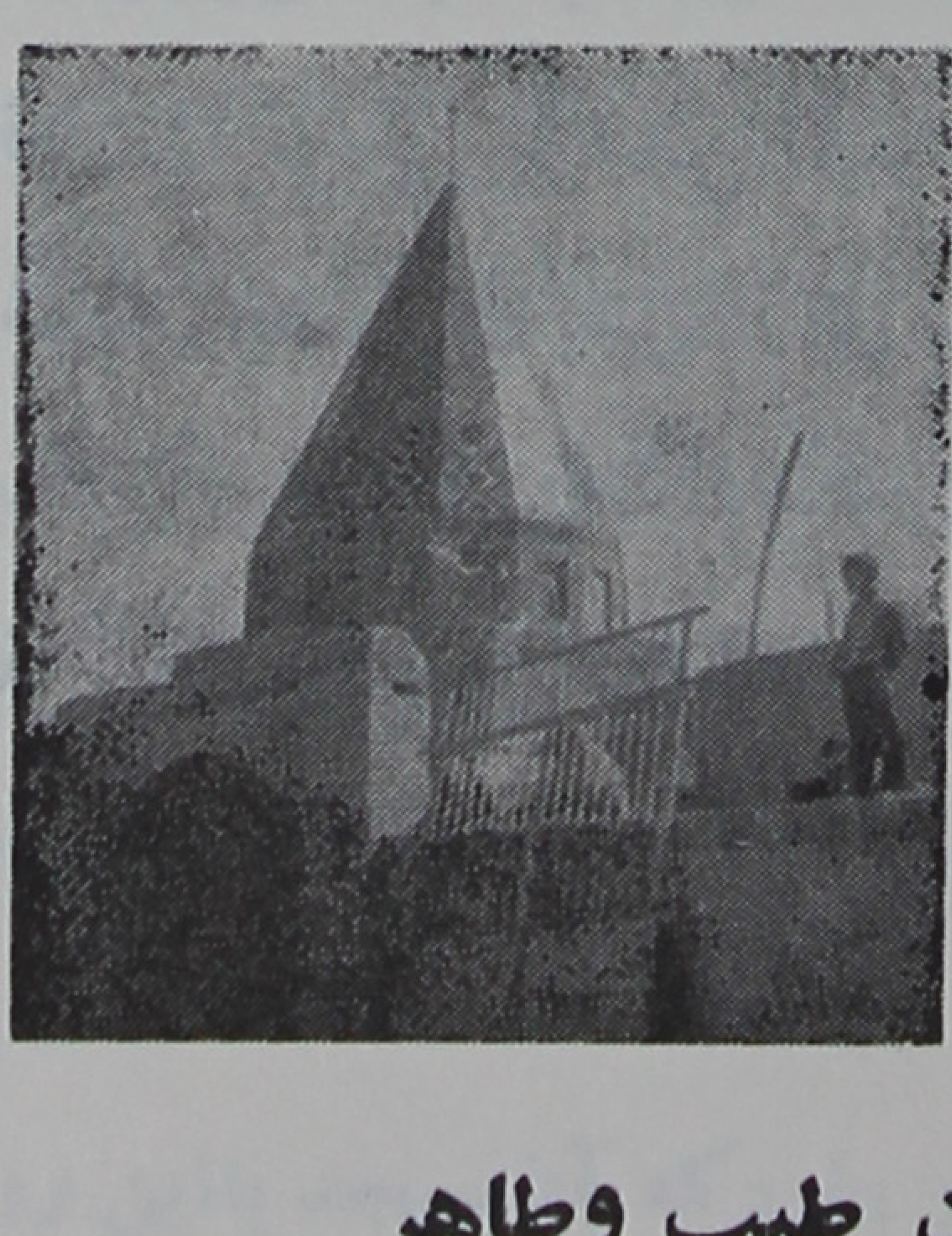
چنانکه ادعای صاحب انوار المشعشعین که در سال ۱۳۳۷ تألیف گردیده

است بدین مفاد (که مدفونین در این بقعه دوتن یکی ابوعبدالله حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس ابن علی الاصغر بن امام زین العابدین و دیگری فرزندش محسن میباشند) غیر متکی به دلیل وامری خیالی ووهمی است که برضعف آنهم شواهدی موجود است چه که این دوتن به لقب طیب وطاهر ملقب نبوده اندو مؤلف کتاب مزبور از ناحیه خود به ایشان لقب بخشی کرده است وبااینکه در بین فرزندزادگان ابی عبدالله حسین دو نفر بنام طیب و طاهر وجود داشته اند دیگر هیچگونه موجبی برای لقب بخشی واعطای این القاب به دیگران نخواهیم بود .

وبرای روشن شدن این امر مینگارد که ابوعبدالله حسین را در اصفهان دو دختر و سه پسر به اسامی ابوطالب محسن وابومحمد حسن و ابوالحسن علی برطله بوجود آمدو باهمین پنج فرزند بقم منتقل گردید ودراین شهر هم اورا پسری بنام ابی علی محمدالرئیس بوجود آمد .

از آنمیانه ابوالحسن علی برطله ابن ابی عبدالله حسین مزبور ازقم به آوه نقل مکان کردو درآنجا ویرا پسرانی به اسامی ابوجعفر محمد وابو محمد حسن برطله وابوالعباس طیب وابوالحسین طاهر بوجود آمدند که طیب وطاهر از آوه بقم آمده متوطن شدند و درهمین شهر هم وفات یافتند پس بقعه مزبور مدفن این دو میباشد نه مدفن جد وعم ایشان حسین ومحسن چنانکه ادعا کرده است .





دوتصویر از گنبد شاهزادگان طیب وطاهر

وازایجاد بقعه برفراز تربت ابو العباس طیب وابو الحسین طاهر چنین اکتشاف میشود که‌نامبردگان به‌فضیلت و تقوی متصف بوده‌اند که‌شاید به‌اشاره سلطان‌محمد شریف نقیب السادات پس‌ازمرگ‌هم‌مورد تجلیل قرار گرفته اند .

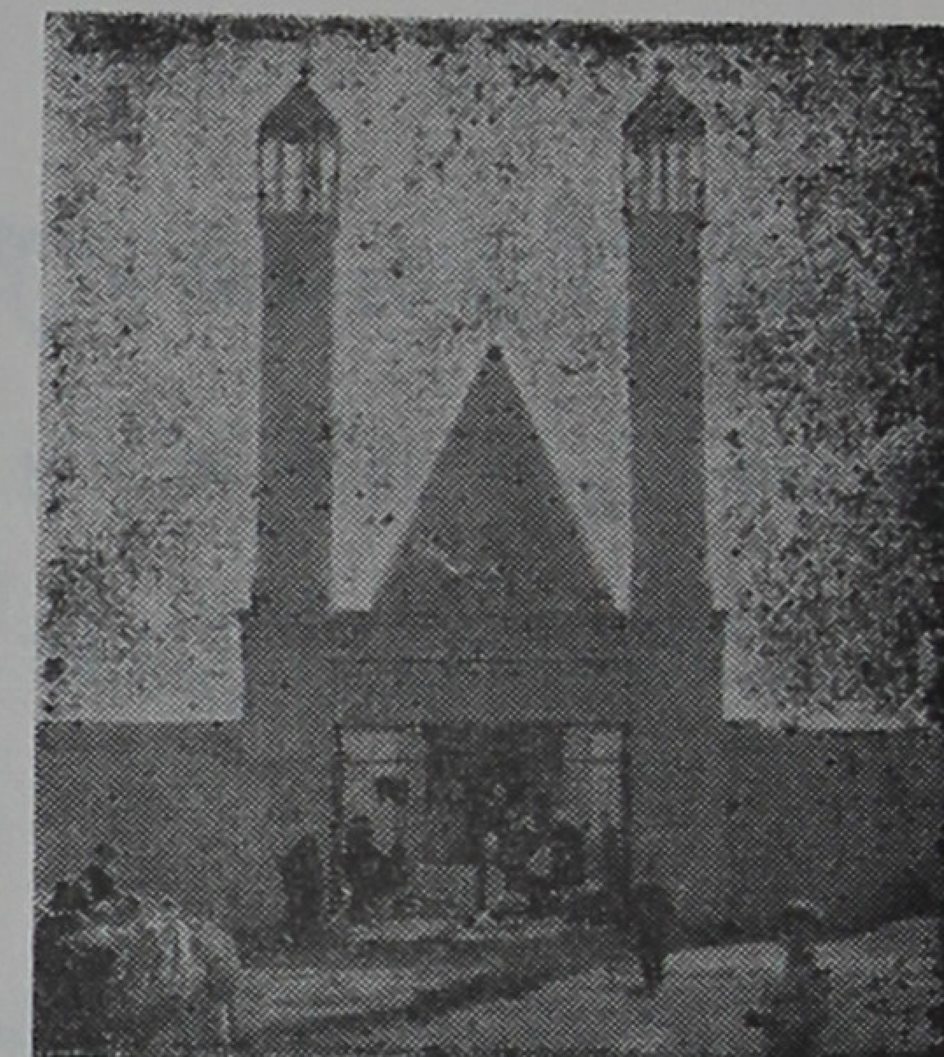
بقعه

امابقعه مورد توصیف‌از آثار باستانی است که‌نخست‌برهنه ازبیوتات بوده است واین رواقها و ایوانها و صحن‌ها و حجرات و گلدسته‌ها بعداً بمرور برآن افزوده شده‌اند .

جدار بقعه سفیدکاری ومنقش تعمیری است‌که ازوضع سابق آن‌اطلاعی‌در اختیار نیست وقاعده گنبدازخارج هشت ضلعی آجری نمابندی واز داخل‌بصورت مربع متساوی‌الاضلاع به‌دهانه ۶ وارتفاع ۱۲ متردارای چهار شاه‌نشین بدهانه ۳ و عرض یکمتر میباشد که‌از هرشاه نشینی دری بخارج گشوده می‌شود (ازشمالی‌و جنوبی‌به‌دورواق‌واز شرقی وغربی به‌دوایوان) که‌فقط ازاره بقعه بارتفاع یکمتر کاشیکاری خشتی فیروزه‌فام آنهم‌تعمیری‌است .

ودرچهارگوشه‌بقعه نیم‌طاقی‌بالا آورده‌صورت مربع رابه‌مثمن تبدیل‌ساخته‌اند ودرقسمت هشت ترکی جای کتیبه کمربندی بدون کتیبه مشهود است .

وبالای آن شانزده صفه ساخته‌شده که‌چهارتای آنهامیان تهی‌وهوا کشندوبقیه توپرند وروی آنها هیئت ساختمان‌فلکه‌ای شده‌باطاق پوشش عرقچینی بالارفته‌است ودر قسمت قوسی پوشش تصویراتی نامتناسب ترسیم گردیده است . درمرکز خورشیدی بصورت بشردارای زلف ودوچشم‌وابرووچانه ودهان و پیرامون‌آن‌چند آهو باآهو بره‌وچندین‌سگ‌شکاری‌وطوطی‌و کبوتر باجوجه‌هایشان‌نقاشی ودر مواقع مختلفه اسامی پنج‌تن نوشته شده‌است .



تصویری از گنبد ودوگلدسته‌سردر صحن

مرقد آراسته‌به کاشی معرق

در این بقعه از آثارهنری مرقدی کاشیکاری دردل‌ضریحی مشبك وچوبی است این مرقدبه‌ارتفاع ۱/۲۰ وطول۳وعرض۲متر چهار بدنه‌اش کاشیکاری خشتی منقش هفت‌رنك قرن‌قبل وروی آن آراسته به کاشیکاری‌معرق عصرصفویه‌متضمن کتیبه‌ای بخط ثلثی طلائی وممتاز درچهارحاشیه‌میباشد که روی آن صلوات کبیره بر معصومین هر نامی در میانه یك ترنج کشیده معرق شده‌است که لعاب قسمتی از کتیبه بواسطه احمال و اثقالی که‌روی‌مرقد نهاده‌اندریخته وسائیده‌شده است .

درسینه جرز جنوبی شاه‌نشین شرقی دوپارچه کاشی خشتی نصیب‌شده‌است که‌یکی‌ازآنها از کاشیهای بدنه‌مرقدباقیمانده‌روی آن دروسط چهار گل‌افشان‌پیوندی قرمزوزیبا و دردو کنارآن دونیم‌گل نقاشی شده‌است که‌چون‌پهلوی‌خشت‌مشابهش قرار گیرد گلهای نیمه‌هم بصورت گلهای تمام درمیایند وپائین‌آن عبارت ذیل‌نوشته شده‌است: علی اصغر سگ‌این‌آستان است .

وروی دیگری که‌زمینه نخودی است به‌خط نسخ نامرغوب مشکی زیارت عاشورا نوشته‌شده‌است که ابتدای آن السلام علیك یااباعبدالله خوانده‌میشود .

مسجد جنوبی ورواق شمالی

ودرجانب جنوبی بقعه مسجدی است متشکل ازدو چشمه باجدار آجری وطاق تخت خفته رسته تیر آهنی ونوبنیان که کف آن باخشت های ۶۰٪در۴۰٪ فیروزه‌فام باستانی عصرصفویه فرش شده است چنانکه سطح مرقدهم بدینگونه خشت‌ها مفروش بوده است .

ودرجهت شمالی بقعه دورواق نوساز قرار داردکه آن‌مسجد بااین رواقها و

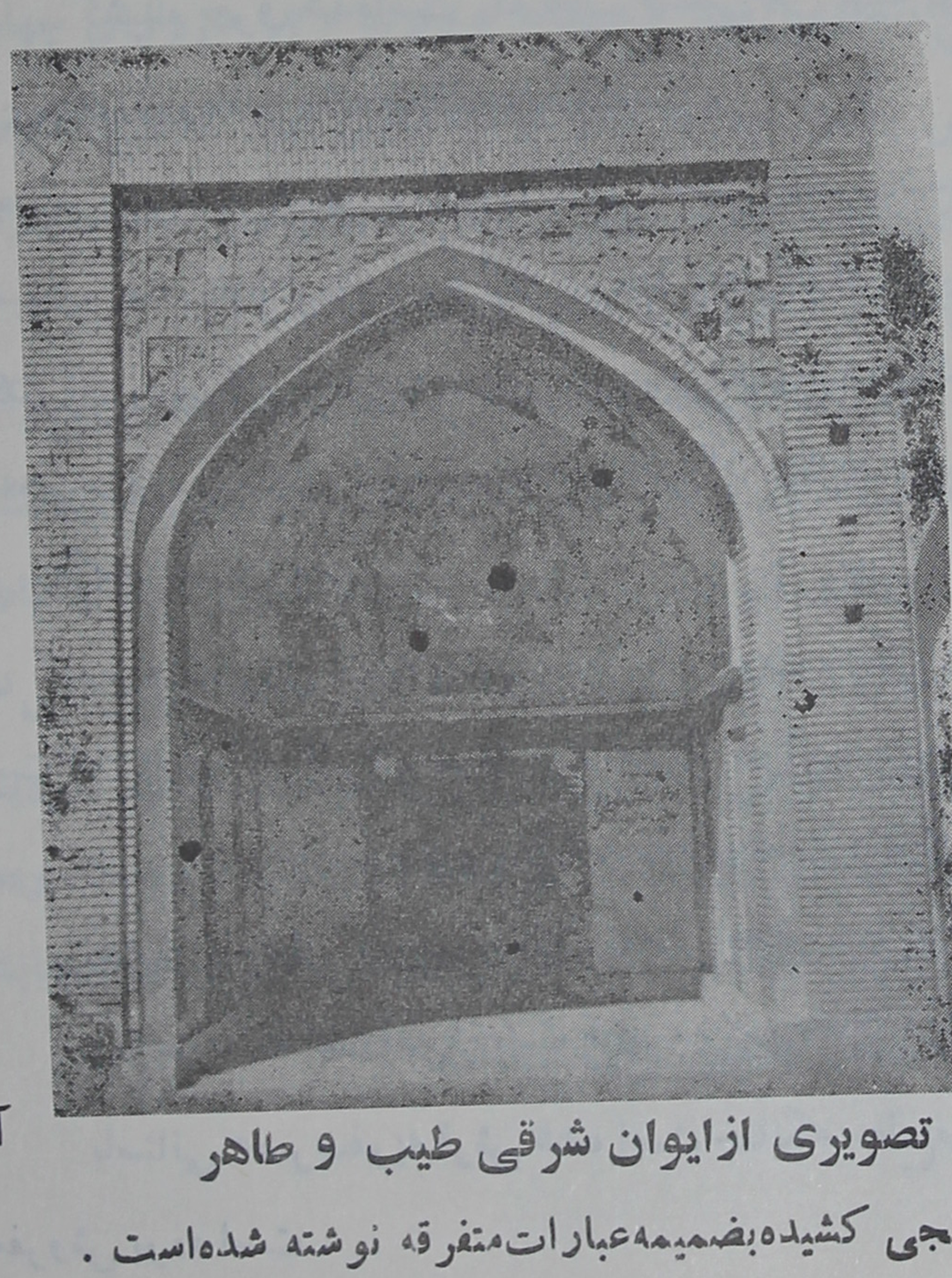
ایوان غربی وصحنین و گلدسته‌ها از الحاقات هیئت دعای کمیل تحت سرپرستی و نظارت آقای حاج آقا حسین تکیه بنیاد گردیده‌اند.

گنبد

وبرفراز بقعه گنبدی هرمی‌شکل و شانزده ترکی بقطر ۸ وارتفاع ۹ متر است که عنق آن به‌ارتفاع دو متر آجری نمابندی شانزده ترکی وتارك آن هرمی ومزین به‌کاشیهای دوالی فیروزه‌ای است که دربدنه هرترکی گلهائی از کاشیهای الوان نمودار میباشد.

ایوان شرقی بقعه

ودر طرف شرقی بقعه صحنی است نوبنیان زیرحجره سازی، وسعت آن ۴۰ در ۲۸ متر ودر مدخل بقعه ازاین صحن ایوانی است به‌دهانه ۴٫۵۰ وعرض ۴٫۵۰ وارتفاع ۷ متر باجرزهای آجری ولچکیهای کاشیکاری خشتی و جدارداخلی سفیدکاری و پوشش مقرنس گچی که در کمرگاه آن کتیبه ایست از کاشی خشتی بخط سفید نستعلیق شاهزاده‌عادل میرزا قاجار و روی آن ابیات ذیل هرمصرع



تصویری ازایوان شرقی طیب و طاهر

درترنجی کشیده بضمیمه عبارات متفرقه نوشته شده‌است.

وابیات مزبور چنین است

این همیون بقعه ماناجنت دیگر بود
کز غبار آستانش عرش را زیور بود

کعبه گویش بود مسجود این هفت آسمان
پشت گردون از پی تعظیم او چنبر بود

هیچ دانی کیست دراین جایگه منزل گزین
زاده خیرالنساء نو باوه حیدر بود

ودرسردرگاه بقعه (مشقه عادل قاجار ۱۲۸۱)

طیب و طاهر دوسرواز بوستان مصطفاست
شیعیان را مقتدا وخلق را رهبر بود

نسل پاك سید سجاد زین العابدین
آن امام راستین بر خلق را سرور بود

این منم خادم بزیر معصیت وا مانده‌ام
مجرم و عاصی همی دست غمم بر سربود

(عمل استاد محمد ولد آباقر)

ایوان نوبنیان غربی

ودرجهت غربی بقعه صحن دیگری است نیزجدیدالاحداث بوسعت ۲۳ در ۱۸ متر باسه حجره جنوبی ودرب ورودی برابر راهی که از جاده نفت سراجه جدیداً منشعب شده است ودرجانب شرقی این صحن يك ایوان ودوحجره ساخته شده است که ایوان مزبور درغربی بقعه قرار دارد .

این ایوان به‌دهانه ۳٫۵۰ وطول ۵ وارتفاع ۵ متر با جرزهائی از آجر تراش وجدار آجری وپوشش خفته رسته تخت وتیر آهنی است ودر گلوبند آن کتیبه‌ایست سه‌جانبی از کاشی خشتی زمینه لاجوردی بخط ثلثی سفید که روی آن عبارات ذیل نوشته شده است .



تصویری ازایوان غربی

بسمه‌تعالی درمجلددوم انوار المشعشعین است که طیب و طاهر درقم‌حسین و محسن هستند و نسب آنها این است (حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس ابن علی اصغر ابن زین العابدین علیه السلام ومحسن پسر اوست که‌ملقب به طیب و طاهرو بقعه دیگری میباشد نزدآنها که‌چهار زن در آن مدفونند خدیجه خاتون سکینه خاتون‌فاطمه خاتون رقیه خاتون احضار سیدان مدین اند و محتمل است دختران محسن بن حسین مذکور باشند .

بحمدالله به همت جمعیت دعای کمیل وندبه وسمات قم بنای صحن بزرگ و تعمیرات این بقعه در ماه ذی حجه سال ۱۳۷۹ انجام شد شهاب الدین النجفی (قم کبیری).

که این کتیبه ازچند لحاظ‌شایسته بررسی‌است .

یکی آنکه‌در کتابت عبارات‌احضار سیدان مدین برای نویسنده اشتباهی رخ داده‌است وصحیح آن (احفاد سیدان مذکورین) میباشد .

دیگر آنکه ادعای دفن حسین ومحسن دراین بقعه ناشی از عدم تتبع و تعمق مؤلف کتاب مزبور است چه که این دو به‌طیب‌وطاهر ملقب نبوده‌اندچه‌طیب‌وطاهر

همان فرزندان علی برطله متولد در آوه می باشند و پوشیده نیست که آیت‌الله مرعشی نجفی فقط بنقل مراتب از کتاب مزبور بدون اظهار و نظر در صحت و سقم آن پرداخته اند ومسئولیت معظم له محدود به صحت نقل است کـه در صحت منقول سرایت نمیکند.

بعلاوه اظهار عقیده مؤلف مزبور بردفن چهار زن دربقعه دیگری که نزدیك این بقعه واقع است‌زیاده شگفت‌انگیز واشتباه آمیز بوده به معنای واقعی اجتهادی دربرابر نص تلقی میگردد زیرا دربقعه‌مورد نظر دومرد وپنج زن که همگی ازاحفاد امام کاظم بوده‌اند مدفونند یعنی هفت نفرند نه چهار نفر وپنج زن و دو مرد هستند نه چهار زن واز فرزند زادگان موسی بن جعفرند نه امام سجاد چنانکه مؤلف ادعا کرده است که در مقصددوم دراین‌باره‌بحث میشود وبه‌الواح کاشی‌باستانی‌وسنگی قدیمی که‌نقل میگردد استنادمیجوید.

علاوه در سینه اسپر برفراز درب ورودی بقعه کتیبه دیگری است نیزازکاشی خشتی که روی آن بخط‌ثلثی بسمله وآیة‌الکرسی نوشته شده است.

درب منبت

ودر مدخل بقعه از همین‌ایوان دربی منبت ودولنگه نصب شده است که روی‌یك‌مصرع عبارت‌آن(ساخت احمد تکیه بازاری ۱۳۸۰) وروی مصرع دیگر عبارت (وقف احمد تکیه بازاری ۱۳۳۹) که مقصود تاریخ قمری وشمسی است بخط برجسته نستعلیق منبت‌شده است.

ودر سینه جرزهای‌ایوان وصحن روی‌کاشی وبطور تکراری عبارات(نظافت را رعایت‌کنید) و (خدارا فراموش نکنید) ونظائرآن‌خوانده میشوند.

درب و گلدسته های آن

وازضلع‌غربی صحن‌مزبور دری‌چهار لنگه بخارج‌گشوده میشود این‌درب آهنی ومشبك بعرض ۲/۵۰ وارتفاع ۳متر ودارای کتیبه‌های متعددی‌بصورت‌شبکه باحروف‌توخالی است که‌روی آن‌بسمله وسلام‌برامامزادگان‌وغیر آن‌خوانده

می‌شود و برفراز هرجرز درطرفین درب‌مزبور گلدسته ایست توپر با تالارچه‌فرازین به ارتفاع ۱۲وقطر ۱/۵۰متر که دربدنه‌آن برای‌صعود ونزول دستگیره‌هائی فلزی بکار برده‌اند .

ودر جبهه درب ورودی مزبور ازداخل وخارج کتیبه ایست ازکاشی‌خشتی که روی آن ابیات ذیل‌سروده‌آقای تکیه‌بخط نستعلیق سفید نوشته شده‌است

آل رسول واسطه فیض ورحمتند	برجمله خلایق عالم سر آمدند
آنانکه باعثند به ایجاد کائنات	برماسوی وسیله قرب و سعادتند
آنانکه باخلوص ببوسند قبرشان	در روز حشرصاحب‌جاه‌وجلالتند
در روز رستخیز همه زائرینشان	مشمول داستان عجیب شفاعتند
چون زائر قبور عزیزان ایزدند	دور ازجهنمد وبری از شقاوتند
چون‌وصف‌زائرین‌عزیزان کردگار	تقریرشد که‌صاحب‌چندان کرامتند
در این‌مکان‌پاك‌دوفرزند بوتراب	دارای زهد و منصب پاك عبادتند
نام‌شریفشان که‌بودمحسن وحسین	نجل‌امام چهارم و بس با شرافتند

ودر کنار صحن مطبخ عمومی ومرافق وآب انباری ساخته‌شده است.

مقصد دوم

در توصیف گنبد خدیجه خاتون

بامقدمه‌ای درنام ونسب مدفونان

مقدمه

دربیان نام‌ونسب و تعداد مدفونان

گنبد موردنظر دریك کیلومتری شرقی گنبد طیب‌وطاهر واقع است که‌جدیداً تعمیر یافته است ویاطیب‌وطاهر انتساب نزدیکی ندارند.

در این گنبد دومرد وپنج‌زن به اسامی شاهزاده‌عبدالله وشاهزاده عبدالرحمن وخدیجه خاتون وزینب خاتون وفاطمه‌خاتون ومریم‌خاتون و رقیه خاتون از احفاد امام‌کاظم مدفونند .

و گفته‌صاحب انوارالمشعشعین به‌این عبارت (وبقعه‌دیگری میباشد نزد آنها که چهارزن‌درآن‌مدفونندخدیجه‌خاتون‌سکینه‌خاتون‌فاطمه خاتون‌رقیه‌خاتون احفاد سیدان‌مذکورین‌ومحتمل است دختران محسن ابن‌حسین مذکورباشند) هیچگونه مستندی‌ندارد



تصویری از منظره عمومی بقعه خدیجه خاتون

وچون این عبارات دردنباله کتیبه ایوان غربی بقعه طیب وطاهر نقل گردیده است وتاحد کافی هم پیرامون عدم صحت آن بحث شده است در این مقام مستندات خود را برمدفون بودن دو مرد و پنج زن (جمعاً هفت امامزاده) از احفاد امام کاظم در بقعه مورد توصیف ذیلا مینگارد .

این مستندات عبارتند از :

۱ ـ لوح مزار کاشی باستانی روی مرقد است که متشکل از سه پارچه خشت بزرگ ۰/۶۰ در ۰/۶۰ بوده است ووسطی آنها بهر کیفیت مفقود الاثر است در نتیجه هنگام تعمیر خشت اول را به آخری متصل ساخته اند و در نتیجه بر اسامی پنج تن از مدفونین که روی خشت دومی قالب ریزی شده بوده است گویا نمیباشد که این نقیصه راهم از مطالعه لوح سنگی آتی الذکر میتوان مرتفع ساخت .

ومتن عبارات خشت های موجود را جدا از یکدیگر ذیلا درج میکند .

«هذا ضریح اولاد الامام المعصوم موسی بن جعفر علیه السلام و هما الاخوین»

«بن موسی علیهما السلام و الاختین اسمهما زینب و مریم بنتا الامام الشهید

المطهر موسی بن جعفر علیهما السلام»

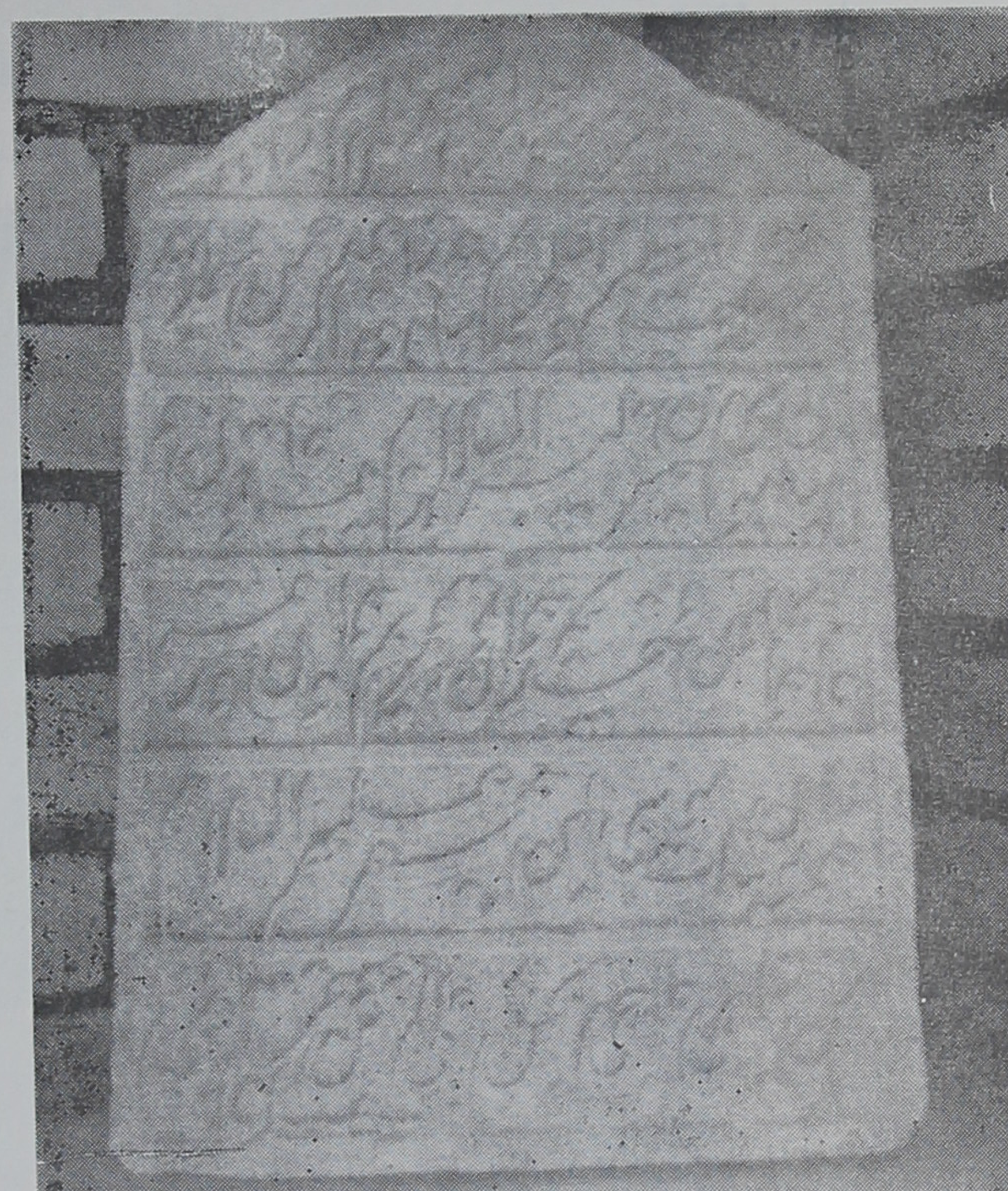


تصویری از لوح مزار روی مرقد مورد توصیف

۲ - لوح سنگی که در سینه پایه ایوان بقعه نصب شده است و قدمتش نیز مشهود است و بخوبی از نام و نسب مدفونین حکایت میکند و روی آن عبارات عامیانه ذیل حجاری شده است «هذا مرقد المطهر المعصوم امامزادگان واجب التعظیم و التکریم شاهزاده عبدالرحمن و عبدالله ابنان موسی بن جعفر علیه السلام و زینب خاتون و فاطمه خاتون و خدیجه خاتون و مریم خاتون و رقیه خاتون بنات موسی بن جعفر علیهما السلام» «من بنای حاج بخش علی بن جعفر آقاقمی».

که از مجموع عبارات این دو لوح حقایق روشن و دفن دو مرد و هفت زن از احفاد امام کاظم مسلم و عدم صحت نظریهٔ مؤلف کتاب انوار نیز قطعی میگردد.

چه به خوبی میرساند که اولا تعداد مدفونان به هفت تن بالغ است .



تصویری از لوح سنگی منصوب در ایوان بقعه

وثانیا چهار زن نیست بلکه پنج زن و دو مرد است .

و ثالثاً سکینه نامی در بین مدفونات وجود ندارد .

ورابعاً هیچیك هم از احفاد امام سجاد نیستند تا فرزند حسین یا محسن عمری باشند بلکه همگی از احفاد امام کاظم میباشند که ضمن توصیف مرقد هم دگر باره در این امر بحث میشود .

پس باید معتقد شد که مؤلف کتاب انوار المشعشعین در کتابخانه دربسته‌ای نشسته پیش از بازدید بقعه و بررسی مرقد و کنجکاوی در ابنیه و بیوتات تا بعه آن به نگارش سطور مزبور پرداخته برمبنای تخیل در این باره نظر داده‌است .

گوئی دفن چهار زن از سادات سجادی فقط را در این بقعه مسلم میدانسته‌است منتها در اینکه از فرزندان محسن بن ابیعبدالله حسین باشند باقید احتمال نظر داده است درصورتیکه حقیقت روشنتر از آنستکه کسی نبیند و درك نکند .

بقعه و قبه

بقعه خدیجه خاتون موسوی

امابقعه مورد نظر که بنام بقعه خدیجه خاتون شهرت یافته است از ابنیه باستانی و بشهادت سبك بنا و تنگی درگاه (که در تعمیرات جاریه دهانه آنرا توسعه داده‌اند) وطرز تبدیل

و تبدل قسمت مضلع آن به فلکه‌ای توأم بانوع کاشیهای روی مرقد که به آثار قرن هشتم میماند شاید تردیدی نداشته باشد که از بناهای قرن مزبور است .

بهرصورت قاعده گنبد از خارج اینک به‌صورت هشت ترکی با نما سازی است اما چنین بنظر میرسد که این نما بندی از آثار تعمیری عصر صفوی است که روی بدنه برجی بقعه بعمل آمده است .



تصویری از بقعه وایوان نوساز جلوآن

واز داخل بصورت هشت ضلعی متساوی بدهانه ۵ وارتفاع ۶ متر است (پس از اینکه سطح آنرا یکمتر بالا آورده‌اند) و در هر ضلعی صفه‌ای محرابی به دهانه یکمتر وارتفاع ۳ متر نمودار است و تمام جدار آن سفید کاری وتهی از تـزیینات هنری کاشی وگچبری است.

وبالای پوشش صفه‌ها ودرگاه ورودی که‌سابقاً به‌دهانه‌یکمتر وعرضاً مانند صفه‌ها بوده است و اکنون باتراش غیرمجاز جرزها به‌دهانه دومتر رسیده است صـورت هشت ضلعی به‌هیئت فلکه‌ای تبدیل گردیده‌یاطاق پوشش عرقچینی آن بالا آمده‌است.

مرقد هفت تن

و در وسط بقعه مرقدی است به‌ارتفاع ۷۰ ر۰ وطول ۵۰ ر۲ وعرض ۵۰ ر۱ متر که اینک چهاربدنه‌اش سفید کاری ساده است ولی از کاشیکاری سطح مرقد مستفاد میگردد که‌جدار اطراف آن نیز آراسته به کاشیهای باستانی بوده است .

زیرا درسطح مرقد دونوع کاشی برای نمونه باقیست امـاسری اول کـه دو پارچه آن یکی کامل ودیگری شکسته درقسمت پائین لوح مزاربطور نامرتب بکاررفته است ازبقایای کتیبه آیة الکرسی است که‌درچهار حاشیه‌سطح مرقدبوده‌است وروی یکی بخط ممتاز ثلثی هم‌سطح زمینه لاجوردی پررنگ آیه(هوالحی القیوم لاتأ) وروی دیگری

که نیمه است جمله (بسم‌الله) نوشته شده است ولی سابقاً کتیبه کامل آنها مرکب از بیست پارچه بـا ابعاد ۰.۴۰ ر. در ۲۰ سانتیمترو جمعاً بطول ۸ متر بوده است

وسری دوم که نیز دو پارچه با ابعاد ۶۰% در ۶۰% است از آثار قرن هشتم بنظر میرسند ومخصوص لوح مزارند که سه پارچه بوده اند دو پارچه دومی شکسته و اثری از آن مشهود نیست وایکاش که قطعات شکسته آنرا در جای خود نصب میکردند تا عباراتش رسا و روشن می گردید بطوریکه ما را از مراجعه به لوحه سنگی بی نیاز میداشت .

این کاشیها دارای دو کتیبه به خط برجسته ثلثی برنگ شنجرفی در زمینه مشابه می باشند که یکی در حاشیه و دیگری در متن می باشد و هر دو کتیبه ناقص شده اند با این تفاوت که کتیبه حاشیه چون آیاتی از سوره فتح است قسمت اسقاطیش معلوم است اما کتیبه متن که از نام مدفونان حاکی بوده است جز از طریق استمداد از لوحه سنگی قابل بهره برداری نمیباشد و در عین نقصان هم چون از بعضی خصوصیات حکایت میکند ولوحه سنگی را هم تأیید مینماید، زیاده مفید می باشد .

اما کتیبه حاشیه در خشت نخست یکطرف (بسم‌الله الرحمن الرحیم انا فتحنا) و طرف دیگر (دوا ایماناً مع ایمانهم ولله جنود السموات والارض) و روی خشت آخری آیات (تقدم من ذنبك وما تأخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطاً مستقيماً وينصرك الله نصراً عزيزاً هو الذ) خوانده میشوند .

و کتیبه متن که در میانه قابی از دو خط برجسته متوازی است روی خشت اولیه چنین است .

هذا ضريح اولاد الامام المعصوم موسى بن جعفر عليه السلام وهما) (الاخوين)
و روی آخری.

(بن موسى عليهما السلام و الاختين اسمهما زينب و مريم بنتا الامام الشهيد المطهر موسى بن جعفر عليهما السلام) .



لوح قبر خدیجه خاتون بادو خشت پائین آن

ودر جانب شرقی بقعه ایوانی بودباستانی که اخیراً ازساختمان آن تجدیدشده است ودرسینه جرز آن دوتاقچه ودرون طاقچه جنوبی آن لوحی سنگی بطول ۰٫۷۰ر. وعرض ۰٫۴۰ر. نصب شده است که قدمتش تاحدی مسلم بنظر میرسد و روی آن بخط برجسته نستعلیق عباراتی حاکیه ازنام ونسب وتعداد مدفونان حجاری شده است که قبلا درج گردید .

وعبارت ذیل آن (من بنای حاج بخشعلی) ظاهرا کلمه (من) بکسر میم وبمعنی (از) است یعنی این مرقداز بنای حاج بخش علی است و کلمه مرقد دراول لوحه از تجدید بنای مرقد حکایت میکند که معلوم نیست مقصودش از مرقد تمام بقعه است ویاهمان مرقد بتنهائی

ودر اطراف بقعهٔ صحن موسعی است نوبنیان بجای صحن کهنه سابق دارای دودرب جنوبی وشمالی وجلو درگاه شمالی تپه ایست بنام تپه خان صـفی که بنظـر

میرسد خرابه خانقاه صفی باشد.

اما این تپه نمودار یك حصار مرتفع با عماراتی چند طبقه است وچنین میرساند که در قرن هشتم که هنوز شهر جدیدقم موجودیت نیافته بود وابنیه و آثارپراکنده‌ای درنقاط مختلف حومه شهرسابق بصورت قلعه‌وحصار ساخته‌شده‌بود، خانقاه‌علی‌صفی هم دربستر شمالی رودخانه ودر وسط مزارع ملکی وی بنام صفی آباد یکی‌ازهمان حصارها بوده است که‌درسال ۷۶۰ بنیاد کرده‌بود.



تصویری ازگنبدشاهزاده جمال درکنارقم درویش‌مربوط‌به‌صفحه ۵۲۴
این‌خانقاه‌دارای‌یك‌مقصوره‌باحجرات‌وغرفات‌چندی‌برای‌سکونت‌عرفاءو درویشان

وجایگاه ارکان حکومت وحتی سربازان وی بود که جسد او راهم درهمین مقصوره بخاك سپردند ودر حمله تیمور منهدم ونامش هم فراموش گردید و تدریجاً این خانقاه خان صفی خوانده شد اماهنوز این منطقه بنام صفی آباد مشهور است.

باری از اوائل قرن نهم و مخصوصاً از سال ۸۱۲ ببعد شهر جدید مرکز حکومت عراق عجم از همدان تاری گردیده مقرولات و امراء و حکام گشت و برای مرحله نخست امیر الیاس خواجه از ناحیه شاهرخ شاه فرمانروای عراق تارستمدار گردیدو در قم کاخی برای سکونت خویش بنیاد کرد و امیران لشگروی هم جداگانه خانه هائی بساختند چنانکه کوی بارونقی برشهر افزوده گشت.

و از سال ۸۱۸ سلطان محمد نوه تیمور بحکومت قزوین و زنجان برگزیده شد و بمرور قم را زیرنگین کشیده دائره فتوحات خود را تا لرکوچك (نهاوند) وهمدان واصفهان نیز گسترش بخشیدو به آغاز خودسری پرداخته قم رادار السلطهٔ خویش گردانیده تختگاهی برای خود بنانهاد که از آن ببعد در چند تاریخ از قم بعنوان دارالسلطنه نامبرده شده است.

و در سال ۸۴۰ سلطان پیر محمد پسر امیر زاده بایسنقر خطاط معروف با حشمتی روز افزون بر عراق مستولی گردیده نیز تختگاهی برای خود بساخت وتا شیراز راهم بگشودو بدعوای استقلال پرداخت وپس از مرگ شاهرخشاه بسال ۸۵۱ سلطنت اورسمیت یافته قم هم رسماً دارالسلطنه وی گردید.

وچون سلاطین آق قوینلو روی کار آمدند شهرقم در نیمی از هرسال مرکز قشلاقی آنان شدچنانکه سلطان حسن بیك ترکمان برای خود تختگاهی در کاخ الیاس خواجه برای خویش بنا کرده همه ساله زمستان را دراینجا میگذرانید (۸۷۴) وپس از او سلطان جهانشاه ترکمان ۸۷۷ وسپس سلطان یعقوب وبعد از اوفرزندش سلطان مراد تا سال ۸۹۲ نیمی از سال را در قم میزیستندو امیر آینه حمکران کرمان بقم آمده تختگاهی برای سلطان مراد بنیان کرد و قم رسماً مقر سلطنت او گردید.

وچون نوبت بسلاطین صفویه رسید شاه اسمعیل سه سال در ۹۰۹ و ۹۱۷ و ۹۲۴ و شاه تهماسب در سال ۹۳۷ تا ۹۷۰ اکثر زمستانهارا در قم زندگی میکردند.

و در نتیجه شهر قم رونق و وسعت سابقه خویش را بدست آورده در این اعصار مساجد و مشاهد و مدارسی هم از اساس بنیان گشت که همگی جدیدبودند و در این شهر تنها یك مسجد بود که بنام جامع عتیق خوانده میشد که آنهم مسجد میر ابوالفضل عراقی در میدان میرواقع نه مسجدامام چنانکه نصر آبادی در تذکره خودنگاشتته است.

وپوشیده نماند که شهرقم که ممدوح انوری ودرشمار اصفهان وری وهمدان جزء چهار شهر بزرك عراق ذکرشده است همان شهر قدیم قم در تپه های قم درویش بود.

درپایان بطوریکه پیش بینی میشود ازاین بقعه تعمیر کلی خواهد شد که مقدمات آنهم فراهم شده است (۱)

مقصد سوم

در توصیف گنبد سکینه خاتون

زالون آباد

گنبد مورد سخن درسی کیلومتری شرقی قم قرب دهکده زالون آباد وقفیو ازبناهای کهن ومتین ومشتمل بربقعه وسه ایوان وصحن میباشد که دراول بهاروپائیز

۱ــ از بقعه خدیجه خاتون همزمان چاپ کتاب بامساعی ملاعلی اکبرطیبی وکمك کسبه محلی میدان کهنه مرمت اساسی بعمل آمده اینك جدارآن ازخارج سیمانی ودردوطرف بقعه (شرقیو غربی) ایوانی جدید افزوده شده روی گنبد نیزسیمان پوش گردیده درچهار جانب بقعه صحنی موسع باجدارآجری بنیان شده است .وگراورهائی ازالواح کاشی وسنگی این بقعه و گراورهای مربوطه به طیب وطاهر درصفحات آینده منتشرخواهدشد .

مرکز تجمع مردم روستانشین میباشدوسیده سکینه‌خاتون ازاحفاد امام کاظم در آن مدفون است .

بقعه‌وقبه

این گنبد از آثار کهن و بشهادت سبک بناوقبه‌خودی‌وآجری از آثار قرن هشتم میباشدکه درعصر صفویه ازگنبدآن با کاشیکاری معرق تزیین واواوینی‌هم بربنای اصلی افزوده‌گردید و درعصر حاضرهم صحنی باچندحجره درسه جانب بقعه ساخته شدکه غالباً سطح آن درزیرشن روان باد آورده پنهان است .

قاعده گنبد ازخارج برجی آجری‌است‌وازتنوع آجرهادرملتقای جدار بقعه با دیوار آثار الحاقی بعدی قدمت‌بقعه‌و الحاق‌بیوتات بخوبی آشکار وازفاصله‌زمانی بین‌آنها حاکیست .

وازداحل بصورت چهار ترکی‌متساوی به‌دهانه ۵وارتفاع۹ متربا چهار شاه‌-نشین‌هریك بدهانه ۲٫۵ متر وعرض ۵۰٫ سانتیمتر است که‌ازهرکدام‌دربی به‌ایوان سه‌گانه‌ورواق‌شمالی گشوده میشده‌است ولی‌فعلا جلودرهای غربی وشرقی‌رامسدود ساخته‌اند واینك تنهامدخل بقعه‌از ایوان جنوبی است .

مرقد

ودروسط بقعه ضریحی مشبك ازچوب ودردل آن مرقدی به‌ارتفاع ۱ وطول ۲وعرض ۵۰٫۱ مترنمودار است‌وچهار بدنه‌آن باخشت‌های سیمانی پوشانده شده‌وروی مرقدیك‌پارچه سنگ‌مرمر سفید و شفافی بدون کتیبه‌دروسط‌نصب‌وحواشی آن‌از چهارجانب باکاشیکاری‌خشتی‌فیروزه‌-ای‌مربع و بقایائی ازکاشیهای‌باریك دانه‌نشان منقش که‌بمنزله قاب آنهابوده است آراسته‌شده است .

ازاره بقعه تایکمتر مرمرپوش ومزین به‌تخته سنگهای قدی کبود رنگ است که‌در عروق سبز رنگ آنهانقوشی‌قرمز مشهوداست .

وبالای‌آن‌تمامی جداربقعه‌سفیدکاری‌ودرچهارزاویه‌نیم‌طاقی بالاآورده‌صورت

بنارا از مربع به مثمن نامرئی تبدیل و با زدن رسمی بندیهای متعدد بشکل فلکه‌ای در آورده‌اند و پاطاق پوشش عرقچینی را بالا برده‌اند که اینگونه تبدیل و تبدل بسبک قرن هشتم است.

و در بدنه قوسی پوشش که نقاشی شده‌است چندین درخت سرو دیده میشود که در سایه آنها آهوانی با چندین سگ شکاری و کبوتر نمودارند و شاید هدف نقاش از تجلی این صحنه آن باشد که برساند در پناه امامزاده وحشیان بیابان باهم زندگی میکنند و در امن و امان زیست میکنند.

گنبد

و بر فراز بقعه گنبدی است خودی شکل به قطر تقریبی ۷ و ارتفاع ۱۰ متر با عنقی استوانه‌ای به ارتفاع ۴ متر بر فراز پایه‌ای مضلع که گاه ساختمان به سبک عصر بدنه‌اش آجری ساده بوده است و در عصر صفویه قشر جدیدی به عرض ۱۴ سانتیمتر بر قطر اولیه آن افزوده‌اند.

این قشر از پائین به ارتفاع ۶۰ سانتیمتر از آجر تراش باریک و زیبائی و بالای آن ابتداء قشری از آجر با گچ به خورد جدار داده‌اند و روی این تیغه آجری را با کاشیهای دوالی مشکی یا گرهی طلائی و آجرهای کلوکی به صورت معقلی کاشیکاری کرده‌اند که قسمت عمده آنها ریخته و جدار آجری و اولیه گنبد از زیر تزیینات نمودار شده‌است.

و در بدنه تارك خودی شکل آنهم پس از ریزش کاشیکاریهای معرق چند شکاف نمودار شده است که باید برای حفظ آن از خرابی اقدام فوری با خودیاری اهالی یا سازمان ملی حفاظت آثار باستانی معمول گردد و کاشیکاریهای معقل و معرق آنهم همانند نمونه‌های باقیه تجدید شود.

و در بدنه عنق آن اسامی جلاله و نامهای محمد و علی بطور تکراری با کاشیهای مشکی به خط بنائی خوانده میشوند.

و در منتها الیه عنق کتیبه ایست از کاشی معرق بعرض ۵۰ به خط ثلثی ممتاز و سفیدی که روی آن سوره مبارکه جمعه خوانده میشود و اکثر آن ریخته است.

وبالای آن در ملنقای عنق باتارك، گلوبندی از کاشیهای خشتی منحنی ۲۰ در ۳۰% زمینه طلائی خوش نقش دارای گل و بوته‌های لاجوردی وفیروزه ایست که نیمی از آن روپوش قسمت اولیه تارك است که برقطر آن ازاطراف ده سانتیمتر افزوده است وروی آن گلوبندی ازکاشیهای خشتی ده سانتیمتری افزوده شده که نیز باپیش افتادگی خود برقطر گنبد افزوده‌اند و از آن ببالا تمام جدار خودی شکل آن آراسته به کاشیهای معرق شفاف بانقشه اژدری وبند اسلیمی سفیدی درزمینه لاجوردی است که اصیل ترین نمونه‌های معرق درقرن دهم میباشد.

اواوین و صحن

ودرسه جانب بقعه سه ایوان باجدار آجری و پوششِ رومی به دهانه ۴ وطول ۶ وارتفاع ۷ متر ودر طرفین ایوان جنوبی دو کفشکن ودو راه پله بام ویابقعه‌ها و ایوانهائی ساخته شده است.

وجلو ایوانها صحنی است گشاده بطول ۴۵ وعرض ۲۴ متر که سه جانب بقعه رافرا گرفته درضلع شمالی آن دردوطرف گنبد چند حجره ازناحیه مرحوم سید جواد تکیه (آقاجواد تکیه قمی) برای آسایش زائرین بنیان شده است ولی جدار شرقی و غربی آن نماسازی وازآجر مشبك میباشد.

ودر مدخل جنوبی صحن کریاسی ودرطرفین آن دوراهرو وجلو آن برکه آبی عمیق ودر نزدیکی آنهم چاهی است که بادلو وطناب عندالملزوم از آن آب میکشند ودر بیست متری غربی صحن حصاری برای نگاهداری چهارپایان ساخته شده است.

ودردو کیلومتری این گنبد خرابه‌هائیست دارای حصار بلندوبرج و باره که نمایشگر یك قصبه بزرگ ومعموری بنام قاسم آباد میباشد واز سنگ‌های شکسته عصاری موجوده در آن و خزف و قطعات ظروف سفالین که درگوشه و کنار اکثر خرابه‌ها ریخته است چنین استفاده میشود که این قصبه درمرکز بخش ومرکز فعالیت‌های فنی وجایگاه روغن گیری ازدانه‌های نباتی ودارای جنگلهای توت برای تغذیه کرم ابریشم وچه بسا بافته‌های ابریشمی وپشمی و گلیم وغیرآنها باکاروانسرابرای نزول

کاروانها بود زیرا در مسیر جاده کاشان بشهرری قرارداشت . که در یك قرن قبل پس از قحطی و وبای سال ۱۲۸۸ قمری گروهی از سکنه آن بهلاکت رسیده بقیه هم متواری شده‌اند .

و در یك کیلومتری جنوبی آن قریه‌ای بود بنام محمدآباد که باداشتن عمارات مصفاو مجلل و باغ شاداب و گلکاری و گلخانه بهترین تفرجگاه روحانی قم بودو میانه آن بازالون آباد درطول سه کیلومتری خیابانی مشجر وجود داشت که درطرفین آن اشجار توت بسیاری برای تغذیه کرم ابریشم از ناحیه مرحوم حاج میرزا سیدحسین متولی باشی غرس شده بود ولی چون تربیت کرم ابریشم با مرگ یکی از فرزندان مؤسس تصادف کرد آنرا به‌فال بد گرفته تربیت کرم را منسوخ ساخت که از این معموره دراثر خشکی قنات جز خرابه‌هائی جغدنشین باقی نمانده است .

مقصد چهارم

در توصیف گنبد حلیمه خاتون و رقیه خاتون

حلیمه خاتون از احفاد امام کاظم و بقعه آن در دهکده لنجرود دوفرسنگی جنوب شرقی قم و کنارراه شوسه کاشان واقع و دارای بقعه‌ای باستانی باایوانها وصحنی کوچك میباشد .

قاعده گنبد آن از خارج هشت ترکی آجری وازداخل چهارضلعی متساوی با جدار ساده سفیدکاری فاقدتزیینات هنری به‌دهانه ۵ وارتفاع ۸ متر باسه درب ورودی (درسه جانب بجز ضلع جنوبی) است که جلوهر دری هم بعدها ایوان یا رواقی ساخته شده است .

و درچهار زاویه بقعه نیم طاقی بالا آورده صورت مربع را به مثمن نامحسوسی مبدل ساخته‌اند و باچندین رسمی بندشکل مضلع را به‌مدور تبدیل کرده پاطاق پوشش

عرقچینی بقعه را بالا برده‌اند .

و برفراز بقعه قبه ایست عرقچینی و آجری با عنقی مضلع که پوشش فرازین آن سقوط کرده و حفاظت باقیمانده آن لازم است .

ودروسط بقعه مرقدی است باجدار وسطح سفید کاری

ودرجهت شمالی آن رواقی است وسیع وچشمه پوش ازخشتی و کهنه سازودر جـانب شرقی آن ایوانی وجلوآن باغ بزرگی به مساحت بیش از صدمن ولی تهی از اشجار ودرغربی آن ایوانی وجلو آن صحنی کوچك بأچند حجره ساخته شده است.

ودر مدخل بقعه ازایوان غربی دری است دو لنگه ومنبت متضمن کتیبه‌هائی بخط ثلثی برجسته برروی باواشها که در بالا (انامدینة العلم وعلی بابها) ودر وسط عبارت (حسب الوصیه غفران مآب حاجی آقاعلی رحمه الله) ودرپائین عبارت (بسعی ولد آنمرحوم جناب آقانصرالله تاجر کاشانی فی شهر ذی قعدة الحرام فی سنة الف وثلثمائه واثنتین ۱۳۰۲) خوانده میشود .

مقصد پنجم

در توصیف از گنبدهای سه گانه شاه جمال در قم

دراین مقصد سه قبه وبقعه‌ا یکه در حوالی شهر بنام شاه جمال موجود است توصیف میگردد این سه بقعه عبارتند از گنبد شاه جمال در کنار جاده اراك چند کیلو متری جنوب غربی وقبه شاه جمال کنار تپه‌های قم درویش کنار راه کاشان درچند کیلو متری شرقی وبقعه مخروبه شاه جمال درجنوبی دهکده لنگرود بیست کیلو متری شهر قرب راه کاشان که درسه مطلب بشرح ذیل توصیف میشوند.

مطلب نخست

در توصیف گنبد شاه‌جمال در کنار راه‌شوسه اراك

گنبد مورد نظر در چهار کیلومتری جنوب غربی قم کنار راه شوسه اراك واقع و یکی از تفرجگاه‌های عمومی شهراست که هماره اتوبوس برای ایاب وذهاب اهالی دراین مسیر کارمیکند.

قصر دختر درجانب شرقی آن کوه نسبتاً کم‌ارتفاع و کوچکی است مشابه مخروطی و بر فراز آن در محوطه مسطحی بقایائی ازیك بنای باستانی مستحکمی که بنام قصر دختر مشهور است هنوز پابرجاست که مدتی بعنوان برج مراقبت قره سولان جاده‌مورداستفاده بوده است.

ولی ازنقشه ساختمان‌قصر و راهرو جنوبی آن‌چنین برمیآید که‌دراعصارقبل از اسلامی‌دراین‌محوطه‌مستوی‌میهمانسرائی باسالن‌وسیعی‌ازسنگ‌وگچ‌بوده که‌راه‌پله‌آن درشکاف‌کوه شرقی تاسطح رودخانه امتداد داشته ووسائلی هم برای کشیدن آب ازرودخانه دارابوده است.

واندکی پائین‌تردر کمرگاه کوه وجهت‌غربی آن محوطه‌دیگری نسبتاً مستوی دیده میشود ودرگوشه آن‌که میان تهی وچال است آثاروعلائمی ازیك قربانی‌گاه ونیز کانون آتشی‌ازیك آتشکده باستانی به چشم میخورد که دردوران‌اسلامی‌منهدم گردیده‌است.

راه‌سابق‌اراك از کنار کوه امتداد داشت‌ولی‌راه شوسه جدید در پانصد متری آن قرار دارد ودرمیانه راه جدید باراه قدیم‌بقعه ایست باچهارایوان ودوصحن ویك باغچه مصفا که نهرسیاران منشعبه ازرودخانه ازدرون آن جریان دارد و کشتارگاه مدرن ومجهزی درشمالی‌آن از ناحیه شهرداری دراراضی موقوفه بقعه ساخته شده

است که هنوز مورد بهره برداری واقع نگردیده است .

نام مدفون

در این بقعه بشهادت نام و لقب یکی از شرفاء قم سید ابو المعالی محمد جمال الدین نقیب سادات قم و آوه در قرن هشتم مدفون است چه لقب جمال الدین از القاب موضوعه قرون وسطی است که در قرون اولیه بدین نام برخورد نمیشویم و از اینکه قبر وی مزار و دارای قبه و بارگاه شده است استفاده میگردد که نامبرده از سادات جلیل القدر بوده است .

بقعه

و از سبك بنا بدست میآید که بقعه کنونی همان بنای اولیهٔ ایست که بر فراز تربتش بنیاد کرده اند ولی ایوانها بعداً بر آن افزوده شده اند وچنین بنظر میرسد که جدار آن از خشت و گل بالا آمده باشد .

بهرصورت قاعدهٔ گنبد از خارج برجی واز داخل بصورت مربع متساوی ـ الاضلاع به دهانه ۶ وارتفاع ۸ متر میباشد که درهرضلعی شاه نشینی به دهانه ۴ متر و عرض ۰/۵۰ سانتیمتر ساخته شده از هریك دری بخارج گشوده میشود و جلو هر درگاهی ایوانی ساخته شده است .

ودر چهار زاویه بقعه نیم طاقی بالا آورده اند که صورت چهار ضلعی را به هشت ترکی نامحسوسی تبدیل ساخته باچندرسمی بند آنرا بصورت فلکه‌ای درآورده با طاق پوشش عرقچینی آنرا بالا برده‌اند و جدار بقعه گچی و آبی رنگ و بدون کتیبه وتزیینات هنری است .

ودروسط بقعه ضریحی مشبك وزیبا ازچوب ودر دل آن مرقدی آراسته به کاشیهای فیروزه فام تعمیری قرار دارد .

ودرچهار جانب بقعه ایوانی است ازآثار علی خان آتی الذکر وجلو هریك محوطه ای اعم ازصحن وباغچه نمودار است .

ودرجانب شرقی بقعه برکه ایست از آثار علی خان سنقری معروف به علی خان ریش بلند که ازجانب اعتضادالدوله نایب الحکومه قم بود و پل کوچکی هم

روی نهرسیاران دردامنه کوه قصردختر بنا کرده پل بزرگی هم جلو دروازه معصومه نزدیك مسجدامام بنانهاده بودوبنای آب انبارسید عرب راهم تکمیل کردزیرا هرزمان که حکمران در مقام عزل وی بر می آمد به کار خیری دست زده آنرا بهانه اقامت خود درقم قرارمیداد وقدرت شاعرقمی ابیاتی درماده تاریخ بنیان برکه مزبورسروده که ذیلا نقل میشود ونمیتوان گفت که این قطعه مربوط به آب انبار سید عرب است زیرا اولا این آب انبارشیردار برکه نیست وبنای آنهم ازدیگری است که او تکمیل ساخته است وابیات مزبورچنین است .

یم فتوت و کان کرم علی خان آنك	ببرد دست ودلش آبروی معدن ویم
بنا نهاد چنین برکه ای به خطه قم	کزآب خضر همی سرزندز لالش دم
سؤال کردم تاریخ سالش از قدرت	که شسته خامه وی نقش صدحریرخمم
قلم گرفت به دست و نوشت برسرلوح	بسال هجرت چار ازهزاروسیصد کم

وبرفراز مدخل بقعه از ایوان شمالی یك پارچه کاشی ۵۰ در ۵۰ سانتیمتری نصب شده است که روی آن تصاویر نشسته ای از امیرمؤمنان علی وحسنین درحالیکه سلمان وابوذر ومقداد وقنبردرپشت سرشان بپا ایستاده اندوشیری درپیش آنان غنوده است نقاشی وپائین آن (عمل اسدالله) خوانده میشود .

قبه وبرفراز بقعه گنبدی است عرقچینی آجرپوش ودر مرکز آن گنبدچه ایست شلجمی وجره ای سراپا آراسته به کاشیهای گرهی الوان که روی آن بخط بنائی نام جلاله واسامی محمدوعلی با کاشیهای الوان خوانده میشوند.

مطلب دوم

در توصیف بقعه شاهزاده جمال لنگرود

ودرجهت جنوبی وخارج دهکده لنجرود (لنگرود)سه فرسنگی شهر سرراه کاشان بقعه ایست قدیمی از خشت و گل که در شرف انهدام و تجدید بنای آن به همت والای مردم باایمان منوط است .

مدفون دراین بقعه بعقیده نگارنده شاهزاده محمد بن جعفر بن حسین بن علی بن محمد دیباج ابن امام جعفر الصادق است که زیاده با حشمت و ثروت بود و چون صاحب مواشی وشتران بسیار بود او را جمال بتشدید میم میخوانده اند و بدین نام شهرت یافته بود .

بقعه مورد سخن ازخارج برجی دارای دوایوان درشمالی وغربی وازداخل مثمن متساوی الاضلاع بدهانه ۵و ارتفاع ۵ متر باجدار سفیدکاری ساده است که قسمت بالای آن بصورت فلکه ای درآمده پاطاق پوشش عرقچینی بالاآمده است .

وقبه آن عرقچینی کاه گلی است که درشرف سقوط است .

و در وسط بقعه مرقدی است مرتفع که بوسیله هیئت نباشان فی القبور بدنه اش شکافته شده است ودر دوجانب آن حفره هائی ایجاد ساخته اند ودرجهت شمالی بقعه زمینی است متصل به استخر قریه که وقف بقعه میباشد .

مطلب سوم

در توصیف گنبد شاهزاده جمال کنار تپه های قم درویش

گنبد مورد نظر کنار جاده شوسه کاشان چند کیلومتری شهر واقع است در شمالی تپه قم درویش شهر قدیم قم قرار دارد و بظن قوی مدفن سید جمال الدین موسوی از

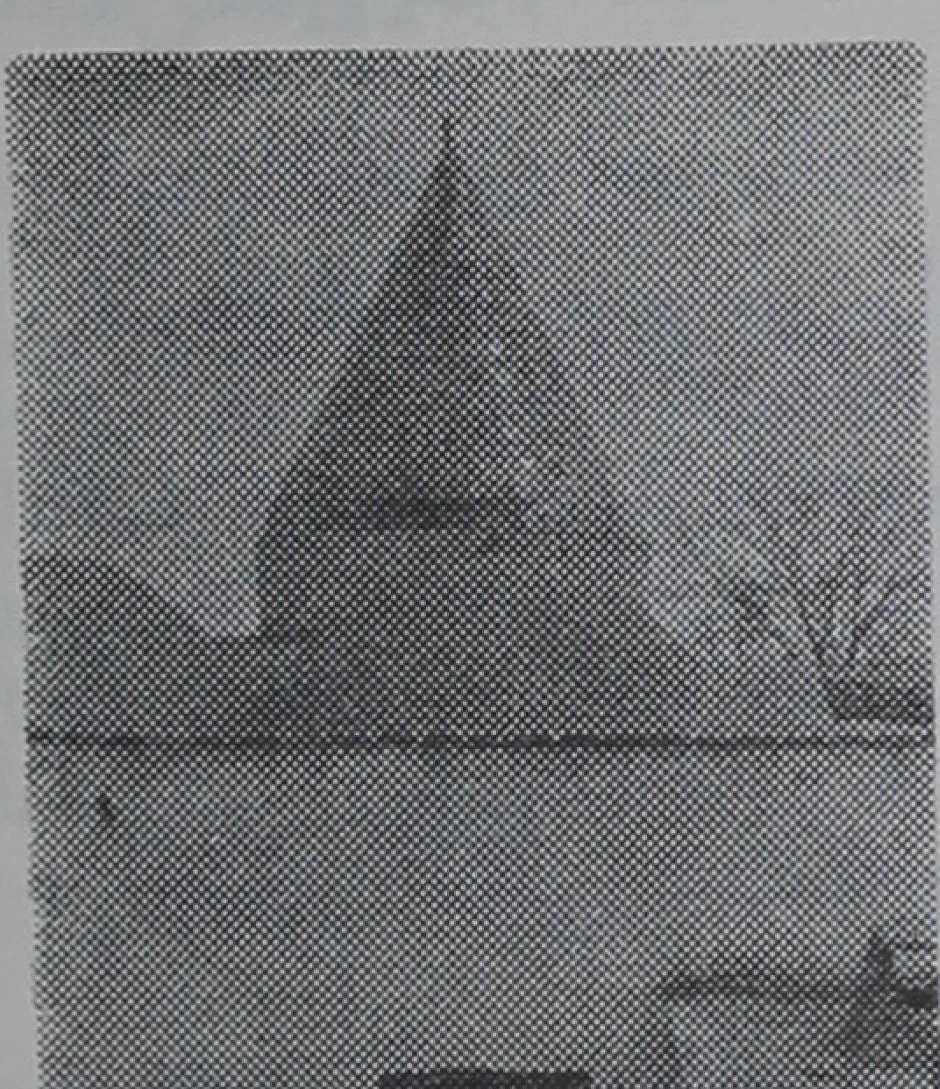
نقبای سادات بوده است که در فتنه چنگیزی بقتل رسیده است .

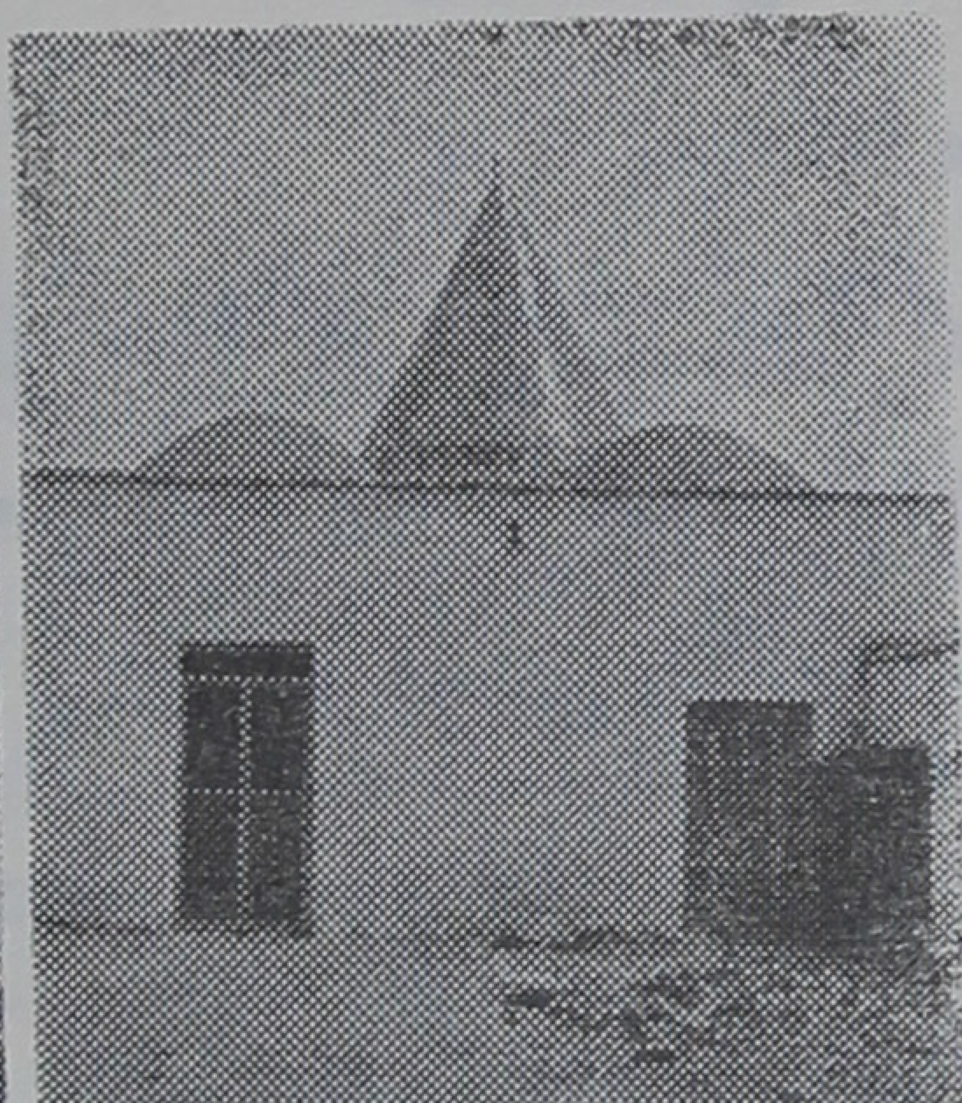
قاعده گنبد از خارج برجی از خشت و گلی و از ابنیه قرن هفتم و نخستین بنائی است که برفراز قبروی بنیاد گردیده است و از داخل نیز برجی بدهانه ۴٫۵۰ و ارتفاع ۵ متر باجدار ساده سفید کاری است .

و در وسط بقعه ضریح چوبی و درون آن مرقدی است باجدار کاشیکاری ساده و در دو جانب شمالی جنوبی آن دو ایوان معمولی است که بعداً بر بنای بقعه افزوده شده اند .

و برفراز بقعه گنبدی است عرقچینی که در مرکز آن قبه ای جره ای و شلجمی شکل سراپا مزین به کاشیکاری گرهی ساخته شده است .

پایان بخش چهارم





دو تصویر از گنبد شاهزاده ابراهیم

بخش پنجم

در توصیف آثار تاریخی قم در قرن نهم

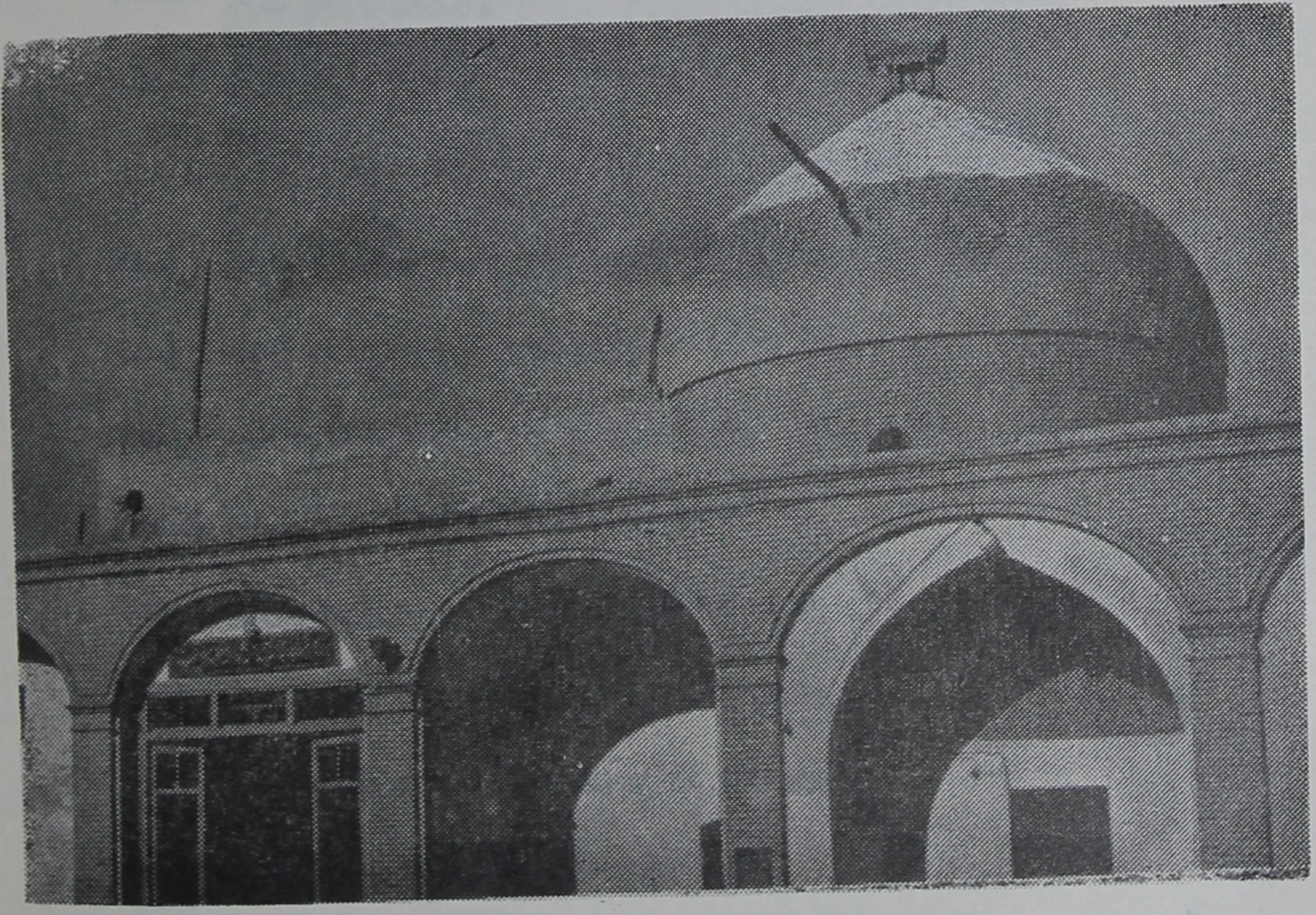
متضمن هفت فصل بدین فهرست

وناگفته نماند که در این قرن علی رغم یورش تیموریان از آنجائیکه ملت

هوشیار ایران حکام تیموری را به رنگ خویش درآوردند در گوشه و کنار ایران ازجمله منطقه قم آثار بسیاری نمودار گشت که اکثر آنها بالتبع دربخش های مقدم نامبردارشده اندچنانکه گنبدهای باغ گنبدسبزیا گنبدشاهزاده ابراهیم موسوی قرب‌علی بن جعفرو گنبدشاهزاده عبدالله محلات وشاهزاده اسمعیل نیمور وسلطان محموددارده‌الو بی‌بی شرف قردین ساوه و شاهزاده احمد کوهین تفرش و شاهزاده قاسم کهك تفرش وشاهزاده حسین ابراهیم آباداراك وسلطان محمدمیقان اراك وشاهزاده هادی جمزقان قاهان قم هم از این جمله میباشند وهر یك در فصلی مستقل به تبع قدیمیترین ابنیه‌هی منطقه توصیف شده اند .

تاجائیکه میتوان ادعاکرد آثار تاریخی قرن‌نهم از ابنیه تاریخی قرن دهم در ایران بیشتر است .

ودراین بخش ازآثاریکه تاحال نامبرار نشده اند توصیف میکنند .



تصویری ازمسجد ونمای خارجی گنبد شاهزاده زید

فصل نخست

در توصیف قباب چهل اختران

درسه مقصد

مقصد اول

در توصیف گنبد شاهزاده زید

گنبد شاهزاده زید در ضلع غربی صحن چهل اختران واقع است اما این صحن نوبنیان است و صحن قدیم درجانب شرقی بقعه چهل اختران بوده است که اکنون مخروبه ومنهدم شده است .

نام ونسب

مدفون در این گنبد امامزاده جلیل القدر شاهزاده واقعی زیدبن علی، بن علی الاکبر ابن محمدالسلیق ابن عبیدالله بن بن محمدبن الحسن بن الحسین الاصغر ابن الامام زین العابدین میباشد .

که شاهزاده علی اکبر که در بازار تجریش تهران قبه و بارگاهش مزار عمومی است جداو بنظر میرسد و سلطان محمود مدفون در قریه صرم قم بعقیده نگارنده محمود بن محمد بن زیدیعنی نواده وی میباشد که نقل داستان خروج وی علیه خلفای عباسی به جای خود موکول است .

وچون محمدبن موسی المبرقع نخستین امامزاده‌ایست که در خانه مسکونی خویش بسال ۲۹۵ قمری دراین مکان مدفون گردید بایدگفت که شاهزاده زید در اوایل قرن چهارم رحلت یافته درنزدیکی وی بخاك سپرده شده‌است.

بهرصورت در ضلع غربی صحن مزبور که دارای پنج نما میباشد سه نمای شمالی مربوط به‌این‌بقعه ودونمای‌جنوبی آن درمدخل مسجدی زیباووسیع‌است که باتیرآهن وآجر وپوشش تخت‌برفرازستونهائی مضلع‌از آجر اخیراً بنیان گردیده است‌که قسمت‌غربی آن پشت‌بقعه شاهزاده زیدراهم‌فراگرفته تامنتها الیه آن امتداد یافته‌است وپوشش‌مسجدبه‌گنبد چسبیده‌است‌بطوریکه‌تابالای‌عنق آنراپوشانده‌است.

وچون حفاظت ازبناهای تاریخی امری بین‌المللی و ضروری است بهتر بود که‌معمار ساختمان پوشش مسجد رابه‌گنبد متصل نمیساخت وبرجدار عنق لطمه‌ای وارد نمیساخت (۱)

وناگفته نماندکه مدخل مسجد بادرب چهارلنگه آهنی درنمای دوم ضلع غربی صحن واقع است ودرجبهه آن‌کتیبه ایست ازکاشیهای خشتی به‌خط سفید نستعلیق که‌روی آن‌آیه شریفه (انمایعمر مساجدالله من‌آمن‌باللهوالیوم الاخر)نوشته شده است.

بهرصورت بقعه وقبه وایوان وکفشکن شاهزاده زیداز آثار تاریخی قرن‌نهم ودهم وحفاظت کتیبه‌های آن‌که متضمن‌تاریخ‌بنانیز میباشند امری مهم وضروری است که‌ذیلا بتوصیف آنهامیپردازد.

بقعه شاهزاده‌زید

بقعه مورد نظربشهادت سبك‌ساختمان‌ازبناهای قرون‌وسطی وقبل‌از تاریخ احداث‌ایوان بنظر میرسد که‌ایوان‌وکفشکن بعداً بدان افزوده شده‌اندو ازگنبد آنهم تجدیدبنابعمل‌آمده است یعنی این مجموعه درسه قرن مختلف هرقسمتی‌جدای ازدیگری بنیان گردیده

۱- بادقت‌درگراور ۸۹ وضع‌ساختمان مسجدوگنبدنموداراست.

است بدینگونه که بقعه در قرن هفتم و ایوان در قرن نهم و گنبد در قرن دهم ساخته شده‌اند در مدخل بقعه از ایوان شرقی که دارای گچ بری و تاریخ ۸۴۸ میباشد انحرافی محسوس است که بر الحاق آن پس از بنیان بقعه بخوبی گویاست .

قاعده گنبد از خارج برجی و چه بسا با خشت و گل ساخه شده باشد و از داخل نیز برجی بوده است که در تعمیرات بعدی با تصرفاتی آنرا مشابه به مضلع مربع ساخته‌اند زیرا زاویه واقعی ندارد و بهر صورت این بقعه به دهانه ۵٫۳۰ ۵ متر در ۵٫۳۰ متر و ارتفاع ۷ متر دارای جدار سفیدکاری است که روی آنرا با نقوش گل و بوته و تصویر طاوسی نقاشی کرده در نقطه مرکزی پوشش هم فلکه‌ای منضمن هشت خانه و درهر خانه‌ای گلی و پرنده‌ای ترسیم نموده‌اند .

ودر ارتفاع دومتری در چهار گوشه بقعه نیم طاقی بالا آورده صورت مضلع را بلافاصله بشکل فلکه‌ای در آورده‌اند و پاطاق پوشش عرقچینی آنرا بالا آورده‌اند که این طرز تبدیل و تبدل هم مؤید اقدم بودن بنای بقعه از قرن نهم میباشد .

و در این قسمت چهار هواکش باز گذاشته جلو آنها را با پنجره هائی از کاشی پوشانده‌اند .



تصویری از پوشش بقعه ونقوش آن

مرقد ودرمیانه بقعه مرقدی است با جدار گچی تعمیری که‌سطح آن باکاشیکاری خشتی آراسته شده‌است .

ودربین کاشیهای مزبور چهارپارچه از کاشیهای باستانی به‌ابعاد ۳۰% در۲۰% سانتیمتر بکار برده شده‌است که‌از بقایای کاشیهای قدیمی مرقداست و روی آنهابه خط‌ثلثی سفید قسمتی از آیةالکرسی نوشته شده‌است بدینسان .

(فی السموات ومافی الارض . . . . من ذا الذی یشفع عـنده)

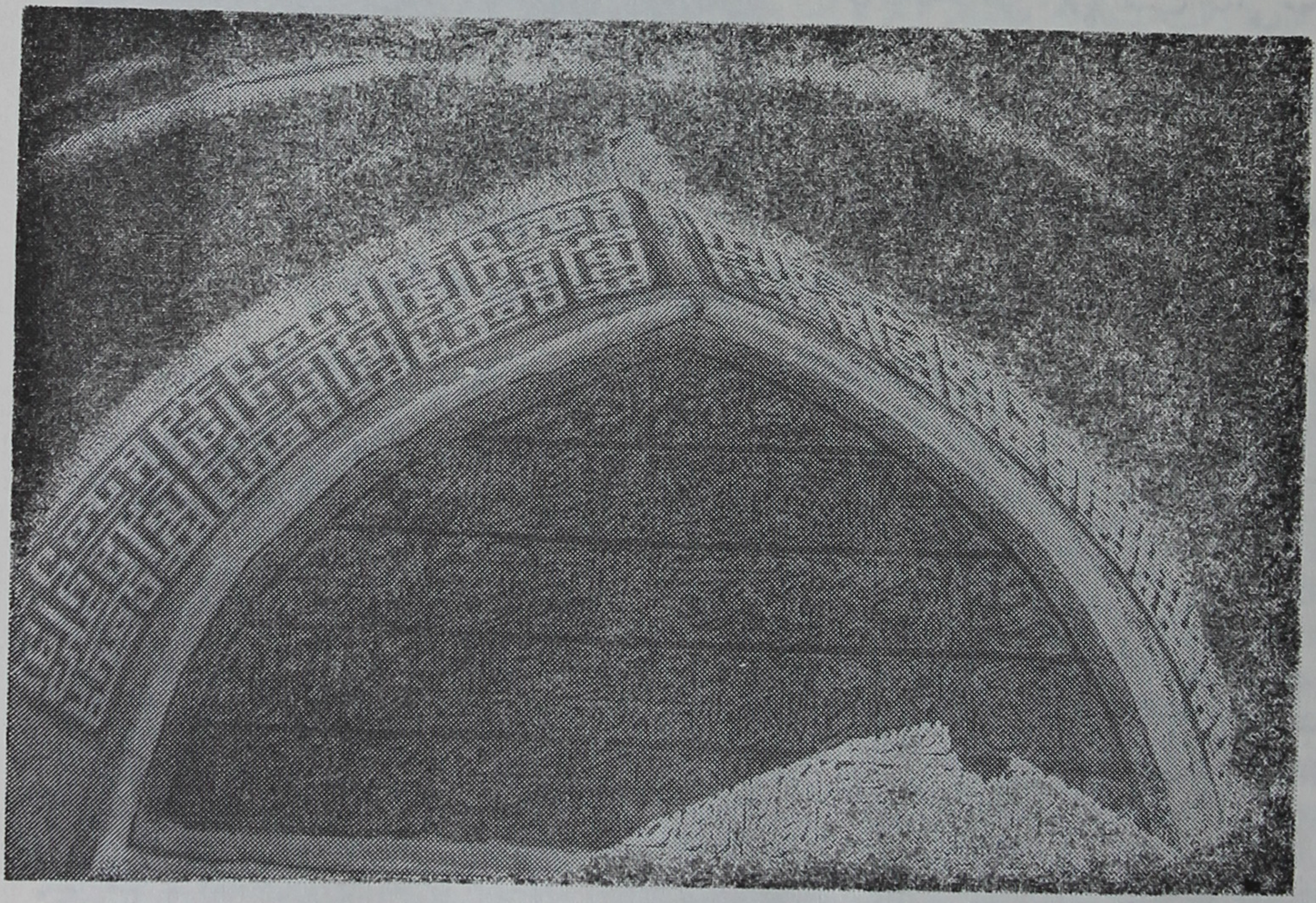
و در وسط آنهم دوپارچه کاشی‌لوزی که زاویه حاده آنها بیکدیگر پیوسته روی‌هم دیده میشوند که روی‌یکی نام (الله) وروی دیگری نام (محمد) بخط بنائی خوانده میشود وجلومرقد ضریحی وجود ندارد .



تصویری ازکاشیهای روی مرقدشاهزاده زید

کتیبه گچبری ایوان شرقی بقعه

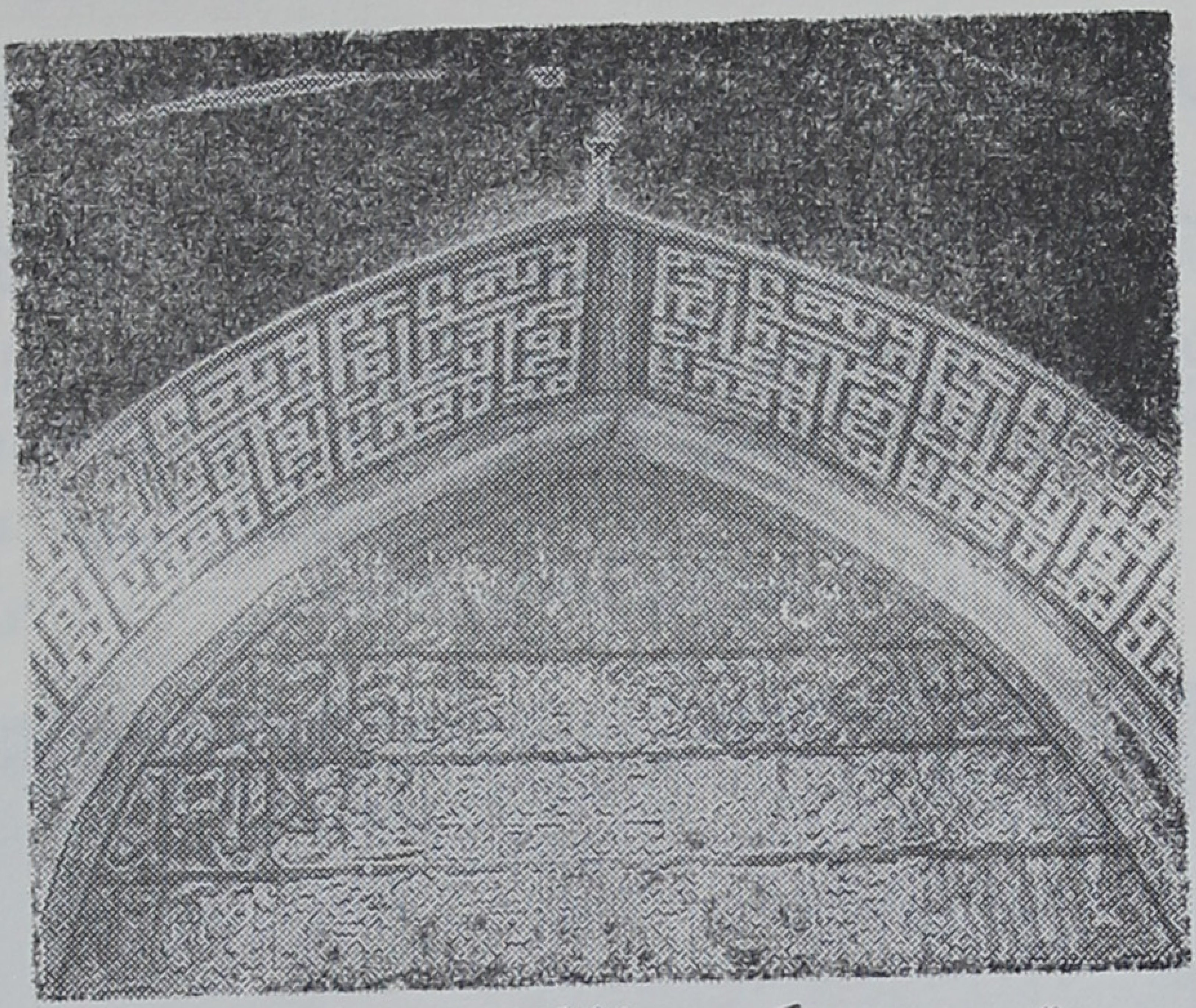
ودرجهت شرقی بقعه ایوانی است که مدخل بقعه از زیر آن بازشده است و ازانحراف محسوسی که در ملتقای جدار بقعه با اسپر ایوان مشهود است این امر بخوبی مشهود میباشد مضافاً براینکه درب مزبور درگوشه بقعه گشوده میگردد وبخوبی نمایان است که درجای آن سابقاً محفظه‌ای بوده است وهنگام احداث ایوان آنرا بعه‌راهرو بقعه تبدیل ساخته اند این ایوان آراسته به کتیبه گچبری است .



گچبری ایوان بالای درگاه ورودی

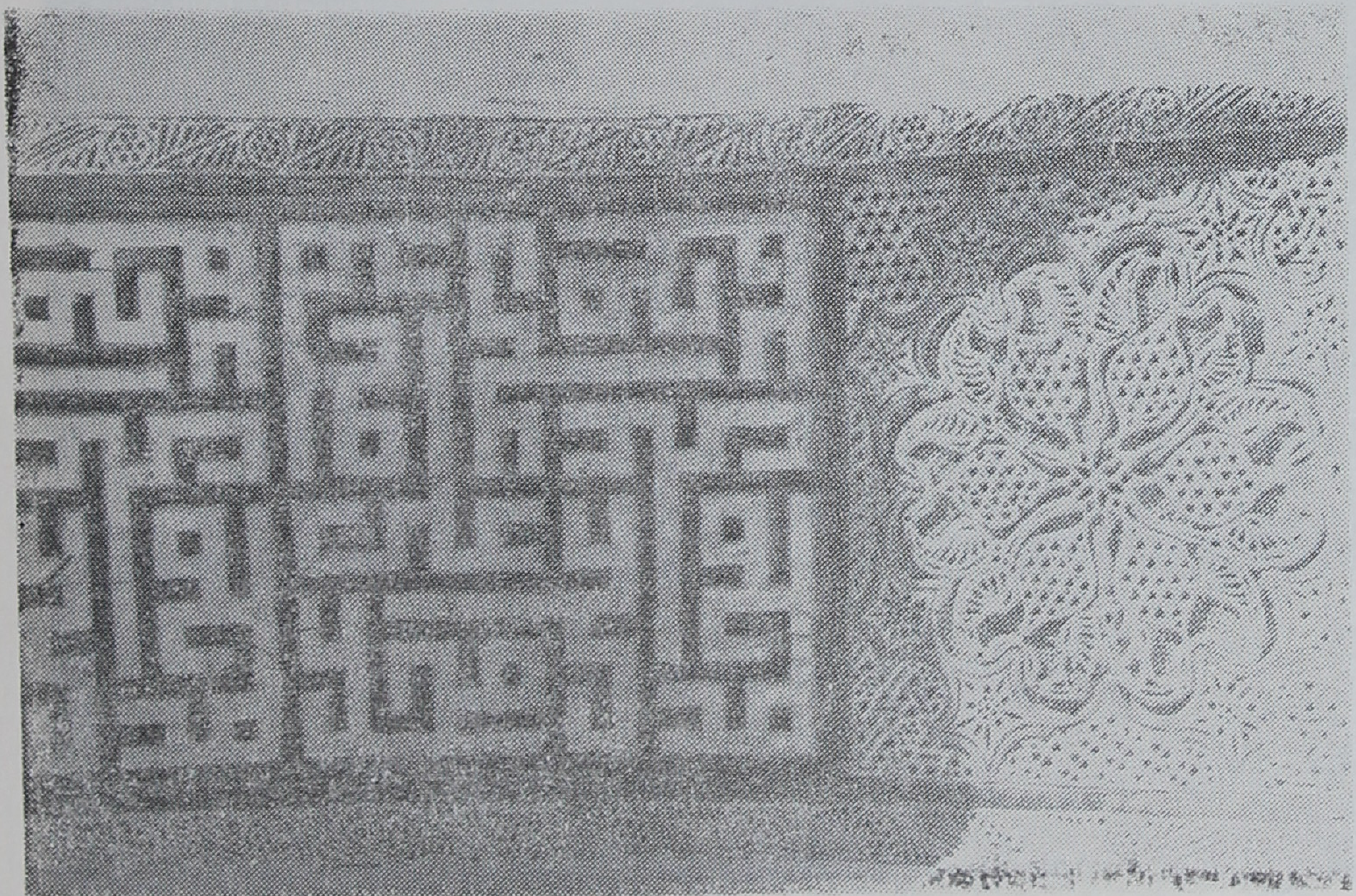
این گچبری هرچند ازلحاظ کمی کوچك بنظر میرسد ولی ازنظر کیفی حائز اهمیت است بویژه که دارای تاریخی اصیل است که پس از چهارقرن که از تاریخ بنای آن میگذرد بااینکه دربرابربادو باران قرار دارد هنوزهم سالم وچنان است که گوئی جدیداً ساخته وپرداخته شده است .

این ایوان به‌دهانه ۳ و عرض ۲۰ر۱ و ارتفاع ۵۰ر۳ متر قسمت پائینش تادومتری ساده وبالای آن از اسپرودوقوسی پوشش آراسته به‌کتیبه‌ای گچبری تـوأم بارنگ آمیزی است .



تصویر دیگری از گچ‌بری ایوان

درقوسیهای پوشش دوحاشیه پنج سانتیمیری زنجیری و در میانه آن که به‌عرض ۸۰٪ است اسامی محمد وعلی بطور تکراری و در ابتدای آن دو طرف گل و بوته با خوشه‌ای گچ‌بری شده‌اند بطوریکه درزمینه آنهم نام جلاله (الرحمن) یا (الله) نیز خوانده میشوند



تصویری از گل‌وبوته طرفین قوسی پوشش

گچ‌بری اسپراین ایوان به‌طول ۳ متروعرض ۷۰ر۱ مترو دارای کتیبه‌ایست

بخط ثلثی برجسته در زمینه منقش به گل و بوته‌های نمایان متضمن آیه و حدیث و عباراتی حاکیه از نام بانی (خواجه بهاء الدین هبة‌الله قمی) و تاریخ بنا به سال ۸۴۷ که از بین نقوش زمینه آنهم



تصویری از تاریخ کتیبه

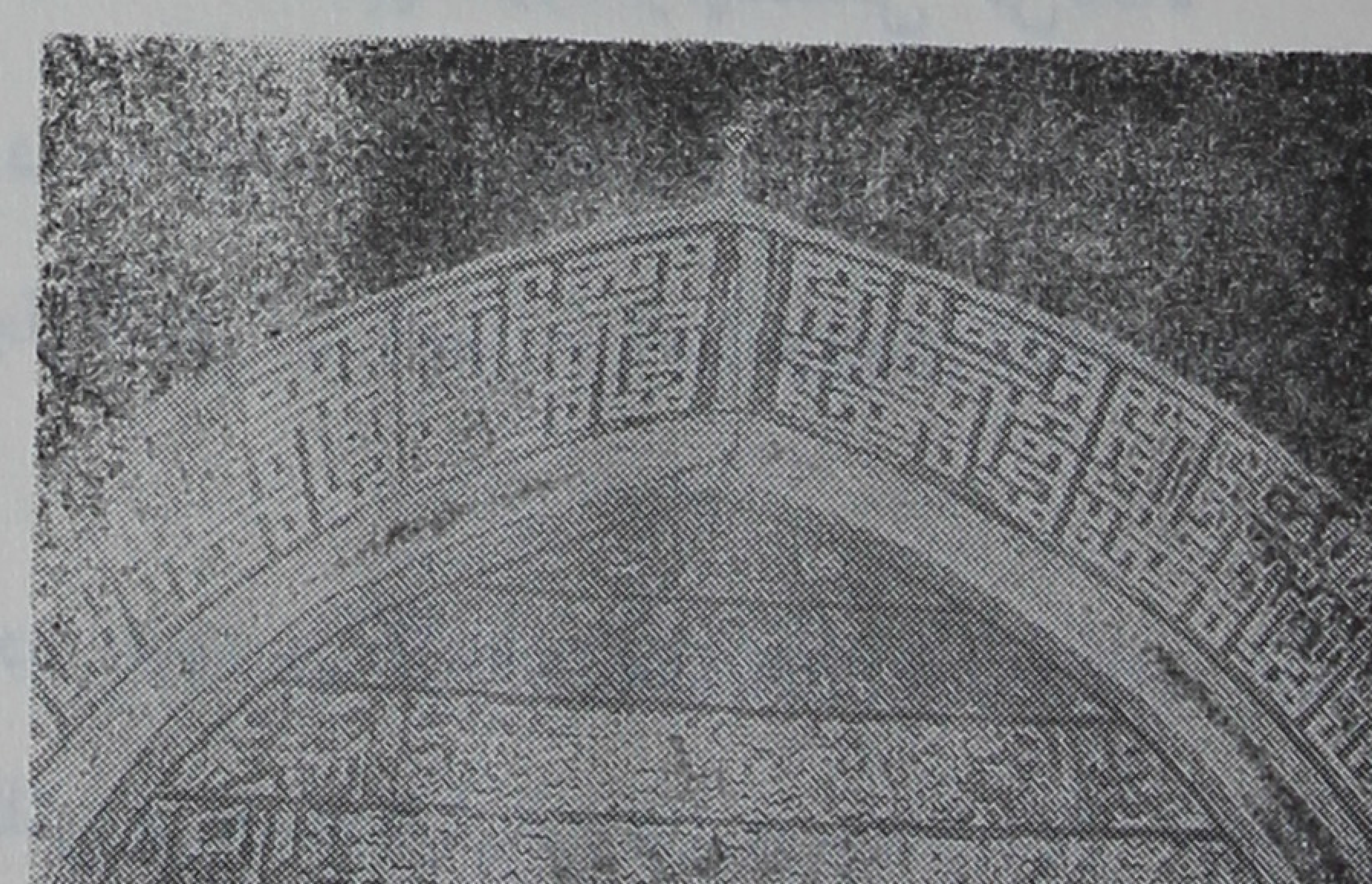
اهل و دقت میتوانند کلماتی رمزی استخراج نمایند و متن کتیبه چنین است :

بسم الله الرحمن الرحیم

کل شیء هالك الاوجهه له الحکم والیه ترجعون قال النبی الامی صلوات الله علیه من زار احداً من ذریتی فکانما زارنی ومن زارنی فقد زار الله عزوجل .

هذا مضجع الامام زیدبن الامام زین العابدین علی بن الامام الحسین بن علی علیهم السلام . تشرف بهذا البناء الصدر الکبیر خواجه بهاء الدین هبة‌الله القمی (۱) فی شهور سنة سبع واربعین وثمانمائة هـ.

که از عبارت (هذا البناء) چنین استفاده میشود که مقصود بنیان ایوان بتنهائی است چه هر گاه مقصود بنای روضه و قبه بود بایستی (قدتشرف ببناء هذه الروضة) قید شده باشد .



در نقطه سفید این تصویر نام بانی مشهود است

و ناگفته نماند که خواجه بهاء -

۱- بعضی از نویسندگان به اشتباه (بهاد الدین بن هتة‌الله) نقل کرده‌اند .

الدین ازوزرای ابو المعزمیرزا یوسف بن شاهرخ شاه بن امیر تیمور بوده است .

کفشکن یارواق وچون مدخل بقعه نخست ازجانب شمالی بقعه بوده است دراین قسمت ایوانی قرار داشته است که پس ازبنیان ایوان شرقی وگشودن باب جدید آنرا به صورت رواق در آورده اند واینك هم انبار اثاث تعزیه داری است که درب آن بشارع شمالی نیز باز میشود .

این بنا نیز باستانی است و بشهادت ابیات آینده که درسینه جرز آن گچبری شده است ازبناهای سال ۹۷۹ میباشد دراین رواق قدیمی دواثر هنری باستانی ویك لوحه سنگی یشمی وجوددارد که حفاظف ازآنها ضروری است این آثار عبارتند از

۱ـ ... کتیبه ای گچ بری عمقی در بغله جرزجنوب غربی وابتدای پاطاق طاقبند بمثابه تابلوی نفیس به طول ۰/۴۰ وعرض ۳۵ /. سانتیمتر که روی آن به خط غیر برجسته نستعلیق زرشکی درزمینه طلائی ابیات ذیل خوانده میشود .

به یك دانه گندم ز لطف الاه	تمام است گنبد به اقبال شاه
بسعی براهیم ابن اویس	رسیده به اتمام از آن نیك خواه
خرد گفت تاریخ آنرا بخوان	بهفتاد و نه و نهصدش کن نگاه

۲... مقرنسی گچی درچهار ردیف زیاده خوش قطار درزیر طاقچه پیش افتاده مثلث الشکل زاویهٔ جنوب شرقی که جایگاه قرآن یاچراغ است وروی آن ازدوده نفت مشکی شده است .

۳ ... لوحی ازسنگ یشم که در جبهه درگاه ورودی بقعه درون قاب سازی گچی نصب شده است وروی آن بخط ثلثی برجسته عبارات ذیل درچهار سطر حجاری شده است .

چون داخل روضه شاهزاده زیدبن امام زین العابدین علیه السلام شدی بگوی بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله . بانی تعمیر ایوان استاد علی اکبر .



تصویری ازسنك یشم

گنبد

و برفراز بقعه گنبدی است از آجر تراش بشکل کلاه خودی به قطر تقریبی ۷ وارتفاع پنج تاشش متر با عنقی استوانه‌ای که درعین ساده‌گی زیباو درمتانت چنان است که پس از چهار قرنی که‌از تاریخ بنیان آن میگذرد هنوز یك آجر هم ازجدار آن ریزش نکرده‌است منتها آجرهای تارك آن دراثر برف ویخ قدری پوسته کرده است که روی آنرا سفید کرده‌اند.

مقصد دوم

در توصیف گنبد منتسب به موسی مبرقع

بامقدمه‌ای درامور مربوطه

مقدمه

درتعیین نام و نسب مدفونین (محمدین مبرقعین)

متضمن مطالبی درعلو منزلت موسی

چون بسیاری ازمؤلفین بزرگ برهجرت موسی از کوفه به قم ودفن وی دربقعه موردنظر تصریح کرده‌اند هرچند عقیده نگارنده برعدم هجرت وی بسوی قم نقل خواهد شدضرورت یافت که بپاس حرمت حریم وحرم امامت به تنزیه و تقدیس ساحت وی مقدم برنام ونسب مدفونان بپردازد.

تضعیف روایت شیخ مفید در ارشاد

واز آنجائیکه روایت شیخ مفید درکتاب ارشاد حاکی از طعن موسی موجب تشویش اذهان متجمدین بر ظواهر گردیده است نخست به نقل متن روایت میپردازد و سپس باتضعیف آن وتوضیحاتی دیگر ساحت قدس ویرا ازهرگونه نسبت ناروائی تنزیه وتبرئه میسازد. امار وایت چنین است که:

روی الحسین بن حسن الحسینی قال حدثنی ابوالصیب یعقوب بن یاسر قال کان

المتوکل یقول ویحکم قداعیانی امرابن الرضا وجهدت ان یشرب معی وان ینادمنی فامتنع وجهدت ان اجد فرصة فی هذا المعنی فلم اجدها فقال له بعض من حضر ان لم تجد من ابن الرضا ماتریده من هذه الحالة فهذا اخوه موسی قصاف غراف یأکل ویشرب ویعشق ویتخالع فاحضره واشهره فان الخبر یشیع عن ابن الرضا بذلک فلایفرق الناس بینه وبین اخیه ومن عرفه اتهم اخاه بمثل فعاله فقال اکتبوا باشخاصه مکرماً فاشخص مکرماً فتقدم المتوکل ان یتلقاه جمیع بنی هاشم والقواد وسایر الناس وعمل علی انه اذاوافی اقطعه قطعیة وبنی له فیها وحول الیها الخمارین و القیان وتقدم بصلته وبره و افرد له منزلا سریاً یصلح ان یزوره فیه فلما وافی موسی تلقاه ابو الحسن علیه السلام فی قنطرة وصیف وهو موضع تتلقی فیه القادمون فسلم علیه ووفاه حقه ثم قال ان هذا الرجل قد احضرک لیهتک ویضیع منک فلاتقرله انک شربت نبیذاًقط واتق الله یااخی ان ترتکب محظوراً فقال له موسی و انما دعانی لهذا فما حیلتی قال فلا تضیع من قدرک ولاتعص ربک ولاتفعل مایشینک فما غرضه الا هتکک فابی علیه موسی فکرر علیه ابو الحسن القول والوعظ وهو مقیم علی خلافه فلمارآی انه لایجیب قال له اما ان المجلس الذی ترید الاجتماع معه علیه لایجتمع علیه انت وهو ابداً قال فاقام موسی ثلاث سنین یتکرر کل یوم الی باب المتوکل فیقال له قدتشاغل الیوم فیروح و یبکر فیقال له قد سکر فیبکر فیقال له قدشرب دواء فما زال علی هذا ثلاث سنین حتی قتل المتوکل ولم یجتمع معه علی الشراب .

این بود متن روایت اما باتمام جلالت ووثاقت وعدالت شیخ مفید چون سلسله سند این روایت را توثیق نکرده است وهیچیک از حسین ویعقوب هم بعنوان راوی در کتب رجال عنوان نشده مجهول الحال وغیر معروفند وازمفاد خبر چنین برمیآید که ابوالصیب از خواص ندمای متوکل بوده است که درمجلس عیش ونوش وی شرکت داشته برقبایح کردار ورفتار وحتی اسرار وی وقوف داشته است وچه بسا که پدرش یاسر همان یاسرخادم مخصوص مأمون بوده باشد .

واما استناد شیخ به این‌روایت درمقام اثبات منقبت امام است چه که‌محدثین امامیه‌در باب‌مناقب‌وفضایل ائمه‌اطهار در نقل‌اخبار به‌مسامحه‌ومساهله می گذرانندچونکه برای اثبات مناقب استشهاد به‌گفته‌مخالفان ومعاندان دلنشین تر وتأثیراتش هم‌بیشتر است که :

الفضل ماشهدت به الاعداء

جزء اصول مسلمه اجتماعی است ولی باتفاق آراء به استناد یکچنین خبربر جرح وفسق احدی نمیتوان حکم کرد چنانکه روایاتی از این قبیل وقویتر از آنرا هم که درذم بعضی از روات نقل گردیده است از ناحیه علمای رجال طرح کـرده مورد اثر قرار نداده‌اند .

پس‌بطریق اولی به‌استناد یکچنین‌خبری برهتك شرف وحیثیت ازشخصیت برجسته وبارزی‌چون ابن‌الرضا موسی ازخاندان امامت‌نمی‌توان پرداخت‌واینگونه روایات مجوز اسائه ادب نسبت به ساحت قدس امامزادگانی که برعایت از شئون وحقوقشان موظفیم نیز نمیگردند .

وتفوه به‌این نسبت‌های ناروا محملی جزافتراء و تهمت و عنوانی جزبهتان واهانت‌نداردو به‌اتفاق آراء راهی‌جزطرح آنهار انداریم‌زیرابگفته‌معاندی‌علیه‌دشمنش ترتیب اثر نمیتوان‌بخشید.

مخصوصاً که‌از متن‌خبر وآب وتابی که درزمینه تعریف ازموسی بکاربرده صفات غیر قابل قبول وهضمی‌را که دراین نقاشی خصمانه به‌وی نسبت داده است خصومت اوبا موسی بخوبی کشف میگردد و از مجموع اخبار و آثار مربـوطه چنین مستفاد میشود که برای لجن‌مال کردن این‌خاندان‌اعم ازپدروفرزندانش،دستی متکی به حمایت زورمندان درکار بوده‌است .

مضافاً براینکه دعوت خلیفه از موسی به‌بغداد باآنهمه تجلیل واستقبال بااین بدرقه سازگار نیست که موسی مدت سه‌سال همه‌روزه چندبار درب سرای متوکل

بروید و ببهانه کار یامستی یاخوردن داروحتی یکبارهم بردیدار وی توفیق نیابد.

بعلاوه حدیث (الصالحون لله والطالحون لی) که منتسب به نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است ما را بهرعایت ازشئون این خاندان بواسطه انتساب با پیغمبراکرم صلی الله علیه وآله وسلم ملزم اخلاقی میدارد.

وتوصیه امام عسکری بهشیخ القمیین احمدبن اسحق اشعری وکیل خود درباره سید ابوالحسن حسینی که آشکارا شرب خمر میکرد بدین مفاد که (تو درهر حال بایدحق علویه را بشناسی وایشانرا حرمت بداری وبرآنان بادیده حقارت ننگری که بزهکارشوی وگرفتار آئی) تکلیف همهرا روشن ساخته است.

مخصوصاً که ابن الرضا ابو احمد موسی از صلب امام یعنی فرزند بلافصل امام محمدالتقی وبرادر کهتر امام علی النقی است وعلو منزلت حسبی ونسبی وی قابل تشکیك نمیباشد.

ونیزموسی سر سلسله شاخه اصیل شجره بارور سادات رضوی است که تا حال ثمره های شیرینی به جامعه تشیع ارزانی داشته اندچه درمیانه آنان هزاران انجم فروزان واقماز تابان طلوع کرده است که نام نامیشان زینت افزای صفحات کتب رجال شده است وآن دامانی که مهدپرورش فرزندان بافضیلت و معنویتی چون محمدواحمد وابوعلی محمدبن احمد المبرقع باشد نمیتوان آلوده خواند.

بویژه تمام ملل جهان وپیروان ادیان بخاطر رجال نامی وافرادبرجسته علمی وسیاسی خود بستگان ووابستگان اورا هم گرامی میدارند که عظمت بنی اسرائیل یعنی اولاد واحفاد یعقوب بین یهود بهترین نمونه آن میباشد ودر تمام امم گیتی بهزبانهای گوناگون مثل ها ئیست که یاتعابیر مختلفی میرساند که بخاطر یك نفرهزار نفر گرامی میشوند واز جمله آنهاهمین مثل در بین عرب است که:

(لاجل عین الف عین تکرم)

ودر فارسی چنین مشهور شده است که بخاطر یك گندم هزار تلخه هم آب میخورد.

که این امثال علاوه بر آموزندگی ودستور العمل زندگی معرف روحیه اجتماعی ملل جهانی است .

وچون معلوم شد که برای ترسیم نقشه زندگی وروبه وروحیه موسی قلم در دست دشمن بوده هرچه خواسته است بهم بافته است بهتر است که گامی فراتر نهاده از بدبینان بپرسیم علی فرض که به مقتضای سنین جوانی انسانی از تمایلات شهوانی پیروی کند و به لغزشی دچار شود آیا مجوز استصحاب حالت سابقه برای دوران کهولت چیست با اینکه هر کسی را در ایام پیری نیز به اقتضای سنش ندامت توأم با توبه و انابتی است تا در سفر آخرت سبکبار گردد وباب رحمت ومغفرت خداوندی پیوسته باز است که تائبین را با حسن خاتمت وخیر عاقبت دمساز میسازد واز کجا که موسی در برخورداری از این رحمت شامله با دیگران انباز نباشد .

وچگونه متصور است که دامان موسی با لکه‌های سیاهی از اصرار بر مخالفت امام وارتکاب معاصی مدام آلوده باشد و با این حال قسمتی از افراد شعبه فرعی سادات رضوی که از احفاد جعفر بن امام علی النقی بودند با برخورداری جعفر از حسن نام وشهرت از وی بگسلند واز انتساب با او اباورزند وخویشتن را به موسی بپیوندند و از احفاد وی بخوانند وبه این انتساب هم تفاخر کنند.

با اینکه این بیوت از لحاظ جمعیت برافراد شعبه اصلی تا دو چندان فزونی و برتری داشتند چه که جعفر را از نظر کثرت ولد ابا کرین و پدر دوکر فرزند میخواندند و برای او یکصد و بیست پسر ذکر کرده‌اند که بسیاری از آنان هم صاحب اعقاب فراوان بوده‌اند .

اما اقبال این سادات برای الحاق نسب خویش به موسی علی رغم خبر نقاشی شده با قلم دشمن بهترین مرآت تمام نمای دوران حیات موسی ونشانه حسن حال و خیر مآل وی میباشد و تفاخر دانایان و بینایان این طبقه از انتساب خویشتن با موسی سند دیگری بر طهارت وقداست وی است مخصوصاً که از تظاهر به آنهم در خود احساس غرور

می کرده اند .

واما کلید کشف رمز ادبار آنان از جعفر شایان توجه بیشتری است زیرا جعفر باشخصیت برجسته وجلالت قدر ومنزلت ومزیت حسبی ونسبی واحراز مقام ارشاد وسیر درمدارج فضیلت وپیشروی درروادی بی پایان معرفت مؤسس نخستین مکتب عرفانی اسلامی درسراسر دارالاسلام بود که از جمله تربیت یافتگان این مکتب پر بر کت بایزید طیفور وابراهیم ادهم را میتوان نام برد .

چه جعفر بافکر بلندی هدف ارجمندی در پیش داشت که علیه دستگاه قلدری خلفای عباسی دردوران سلطه ترکها بربلاد اسلامی بذر نهضت ترقیخواهانه صوفی گری را بیفشاند ویاجمع آوری افراد خوش فکر وبرجسته ودسته های پراکنده از طبقات سوم شالوده‌ای طرح ریزی کرد که بعداً دیگران از آن برخوردارشدند ...

جعفر ضمن تطبیق مقررات شریعت باعقاید صوفیان که بعداً امام غزالی به تکمیل آن پرداخت آئین صوفی گری راباخلوص نیت خود وبی اعتنائی به‌مادیات و از خود گذشتگی و استغراق دردریای توحید و کسب هستی در پرتو نیستی یا مرگ ارادی قبل از فرارسیدن مرگ اضطراری جالب توجه و رخشان ساخت که تاریخ نهضت‌های صوفیه در ایران از آغاز تازمانیکه قدرت حکومت را دردست گرفتند کتاب مفصل ومستقلی را میطلبد واین مجموعه را گنجایش اطاله کلام نمیباشد.

وازجمله مفاخر جعفر آنست که‌مدتی باامام عسکری بفرمان معتمد خلیفه زندانی گشت وصالح بن وصیف دومراقب تندخوی خشن را به اسامی «اقتمش» و «علی بن یارمش» بر ایشان بگماشت که‌این دوتن ازانفاس قدسیه امام تائب گشته جزء صلحاء واتقیا گشتندونامبردگان به رئیس زندان(علی بن حزین) همه روزه گزارش می‌دادند که‌این زندانیان روزها صائم وشبها قائمند وهماره درطاعت و عبادت میگذرانند و نامبرده‌هم مراتب را به‌خلیفه گزارش داد ودرنتیجه فرمان آزادی امام عسکری صادر گردید پس آنحضرت برد راز گوش مخصوص خویش نشسته درب زندان سواره

بایستاد و چون ابن حزین از علت اقامت امام استفسار نمود امام فرمود منتظر آمدن جعفر هستم عرض کرد دستور ترخیص وی نرسیده است فرمود از جانب من به خلیفه بگوئید که مامعاً از یکخانه در آمده ایم حال اگر من به تنهائی بازگردم معلوم است چه شیونی بر پا خواهد گشت پس علی بن حزین پیام امام را بخلیفه رسانید تا اورا نیز مرخص گردانید سپس متفقاً بخانه باز گشتند.

امانقطه ابهامی که درحیات جعفر بچشم میخورد ازاینجا سرچشمه میگیرد که چون شیعه امامیه پیدایش فرج را دراثر ظهور وخروج مهـدی موعود امـری محتوم میدانستند ،خلفای عباسی هم مراقب اوضاع شدند تااگر درخانه امام یازدهم پسری دیده بجهان بگشاید اورا بلافاصله نابود سازند .

از این روی امام عسکری هم نوزاد خویش را از مرئی و منظر خودی و بیگانه مستور وازخانه وکاشانه دور نگاه میداشت تا جائیکه جز معدودی از اصحاب سر احدی ازطلوع ستاره امام دوازدهم ومیلاد محمد مهدی وقوف نداشت که ایشانهم از افشای این سرجداً ممنوع بودندوبعدأهم (ملعون ملعون من سمانی فی محفل الناس) دستور خود آن امام است ازاین روی موفق خلیفه هم حسن بن علی العسکری رابلا عقب میپنداشت .

معذلك درماه ربیع الاول سال ۲۶۰ پنج تن از خواص ندمای خویش را باتفاق طبیب معالج بربالین وی بگماشت و خود نیز به عیادت امام آمده به نحریر خادم مخصوص خویش تأکید کرد که ایشان از وی دورنشوند تادر لحظه احتضار چه بسا بر اسراری وقوف یابند .

وچون روز هشتم همان ماه امام رحلت یافت نحریر از کلیه حجرات آن سرای بازرسی بعمل آورد وبرای امام فرزندی نیافت وچون بلاعقب بودن امام عسکری در نظر قاضی القضات که خود نیز در این امر شرکت داشت مسلم گشت بفرمان خلیفه ماترك امام رامیانه مادرش حدیث (و بقولی سلیل که اوراجده میگفتند) با جعفر

برادرش تقسیم کردند.

تکرار میکند که جعفر علاوه برعلو حسب ونسب و جلالت قدر و فضیلت در وادی معرفت هم پیشروی نموده مکتب عرفانی خاصی تأسیس کرد که میتوان آنرا نخستین مکتب عرفانی اسلامی شمرد واز تربیت یافتگان آن چون با یزید طیفور وابراهیم ادهم براهمیت وبرکت وی میتوان پی برد.

چنانکه درترجمه حالات بایزیدبسطامی آمده است که وی پس ازدرك صحبت یکصدوسی تن ازمشایخ طریقت به خدمت جعفر رسیده باسقائی وی به کسب معرفت پرداخت تاروزی پس از سالهاریاضت به وی فرمود آن کتاب راازفرازرف بیاور(هات-الکتاب من الرف) عرض کرد (این الرف) رف کجاست جعفر گفت «فوق رأسك» بالای سرت تو چگونه در این مدت که دراین خانه وخانقاه زندگی کرده‌ای هنوز بالای سرخودرا ندیده‌ای عرض کرد «یابن الرضا شغلی بك وانوارك منعنی من هذا» من در دریای انوار تومستغرقم ونورجمال تو مرا ازدیدن آن بازمیدارد. پس جعفر گفت «قدتم لك الامر امض الی البسطام ویدعی الناس الی الله والی رسوله والی اولیائه» پس بایزید ازجعفرخلعتی طلبید ورفیق راهی هم بخواست و سرانجام جبه تن خویش را بدو پوشانید وفرزند خویش محمدرا با وی همراه گردانید که وی یکسال قبل از بایزید بسال ۲۶۰ وفات یافت وسال بعد بایزید بدو پیوست ومعاً دریك قبه وبارگاه مدفونند که این قبه احداثی اولجایتو سلطان بسال ۷۰۰ هجری است ومیتوان گفت که بذر نهضت سری ترقیخواهانه صوفی گری در اسلام بدست وی افشانده شد و بعداً بامساعی جنید وحلاج آشکاراشدو دردوره ایرانیان افراطی به ثمر رسید.

چه که وی باجلب افرادبرجسته ودسته‌های پراکنده ازتوده‌های ناراضی افکار مردم را درمبارزه علیه دستگاه قلدری خلفا برانگیخت وبرای اولین باردرمقام تطبیق وتوافق مقررات عبادی شریعت با آئین تصوف برآمد که بعداً این امر توسط امام غزالی به کمال رسید: که تاریخ این نهضت و آثار مترتبه برآن کتاب مستقلی را

می طلبد و حالات ابراهیم او هم مفصل است.

با توجه به مراتب هنگامیکه امام عسکری رحلت یافت و یگانه پسرش بنام محمد مهدی درسن پنجسالگی بود و چه بسا با مادر خود در مدینه یا مکه می‌زیست و ماترك آن امام بین جعفر با مادرش تقسیم شد جعفر زمینه را تهی ازمعارض دیده مدعی مقام والای امامت خاصه گردید.

واین خط مشی در زمینه امامت بدانجهت با ابراز نفرت علمای فرقه امامیه مواجه گشت که ارکان مذهب دوازده امامی را متزلزل می ساخت و کولاك جدیدی در دریای متلاطم افکار و عقاید ایجاد می گردانید کولاکی که سفینه نجات امت را از مجرای منصوص و پیش بینی شده منحرف می‌ساخت و چه بسا که تصادمات خونینی هم ببار می‌آورد که اگر این لغزش با نسبت‌هائی که در روایت یاد شده به موسی داده شده است (برفرض که صدق باشد) مقایسه گردد زیاده ناچیز بنظر میرسد چنانکه قبل از او هم تنی چند از امامزادگان به یکچنین ادعائی تجاهر کرده بودند و باعکس العملی مواجه نشده بودند و درمورد جعفر ایادی مرموزی از دار الخلافه در کار بود تا ادعای ویرا مطابق واقع جلوه دهد.

و پاسداران سفینه امامت نشستند و گفتند و برخواستند و در آن دوران خفقان بار بواسطه مواجهه بامخالفت ارکان خلافت و برخورداری جعفر از حمایت دستگاه به مبارزات منفی قناعت ورزیده از او کناره‌جوئی کردند و به تکذیب وی بپرداختند یعنی از این پس جعفر الصادق را جعفر الکذاب همی‌خواندند و بااین داغ باطله کذاب که برجبین او بزدند بر روی مزایای معنوی وی خط بطلان جاویدان بکشیدند و ابوعلی احمدبن محمدبن مطهر متولی امور امام دوازدهم چون سفرای ممدوحین به تبلیغ حقایق بپرداختند.

درنتیجه علمای انساب هم نام ویرا از مشجرات سادات بزدودند و از حفظ نام ونسب اولاد و احفادش خودداری کردند.

ونقبای سادات هم از ثبت نام آنان در دفتر مشاهره امساك ورزیدند .

پس احفاد جعفرهم از وی گسستند وبه موسی پیوستند یعنی نسب خویش را کتمان کردند و خویشتن را از تیره موسوی جلوه دادند چنانکه اکنون در سراسر کشورهای اسلامی با سید رضوی نسبی که خویشتن را از احفاد جعفر بشمار آرد برخورد نمی‌شویم .

درصورتی که جعفر را چون یکصدوبیست فرزند بود اورا ابا کرین میخواندند وبسیاری از آنان هم صاحب عقب بودند وبرای آنکه انتسابشان با جعفر کشف نگردد هرطایفه‌ای نامی مبهم برای خویش برگزیدند که سادات صوفی وجوشنی وقواسم وفلیتات ومواجد وبنومازوك همگی از احفاد جعفر بودند .

و ناگفته نماند که شاخه فرعی سادات رضوی از دو سرشاخه هستند یکی جعفرودیگری برادرش محمدهمان حضرت سید محمدی که‌در بلد میانه کاظمین وسامرا مدفون ودارای قبه وبارگاهی مجلل ومزارعمومی ومحل نذوراست که گروهی از سادات جعفری هم خویشتن را ازسرشاخه محمدی معرفی میکردند .

وچون جعفر گناهی جزدروغ نداشته است که احفادش ازاو ادبار کردند بایستی موسی همین اندازه گناه‌هم مرتکب نشده باشد تابدو اقبال کنند که‌همین اقبال‌هم بر عصمت وی از گناهان یادشده درروایت مزبوره گواه است .

وجادارد که سادات ازهتك حرمت وشرافت وی نگران شوندزیرابادیده واقع بین درتاریخ حیات وی نقطه ابهامی نمی‌بینند .

وحقاً سزاوار نیست که علمای رجال به‌استناد یکچنان روایتی ازراوی مجهول الحالی موسی راقدح کنند وچه‌خوب بود که حداکثر مانند علامه مجـلسی اورا مجهول الحال می‌خواندند ویابه جمله (فیه‌شیء) ویا(عبارة الشیخ تنبیء عن‌شیء فیه) قناعت میکردند .

نه آنکه‌برفسق وی‌صریحاً اظهار نظر کنند وچنین گویند که (دلالة الروایة‌علی

فسقه واضحة لا لما نسب اليه من شرب النبيذ ونحوه عند المتوكل بل لظهور كلامه في انذاك عمله واشد منه مخالفته للامام واصراره علی عدم طاعته في نهيه اياه عن المنكر) در نتيجه حس بدبيني مردم را درباره موسی تحريك كنند و روايت مشكوكی را مقطوع بدانند.

انكار هجرت موسی به قم

ومسئله ديگری كه مورد توجه عموم است موضوع هجرت موسی از كوفه بقم ودفن وی در بقعه مورد نظر است ودر اين مسئله نگارنده بطور قطع بر عدم هجرت وی از كوفه بسوی قم در كتاب جدی فروزان اظهار نظر كرده.

مجملا ولادت ويرا تقريباً در سال ۲۱۴ وپس از ولادت برادرش امام علی النقی دانسته كه در سن سی سالگی بسال ۲۴۴ برحسب دعوت متوكل از مدينه ببغداد منتقل گرديده و در سال ۲۴۷ كه متوكل بقتل رسيد او هم بكوفه هجرت نموده تا پايان عمر در همانجا بسر برده است زيرا هرگاه بسوی قم آمده به اين شهر وارد شده بود امكان نداشت كه در تاريخ قم از ورود وی خبر ندهد كه سكوت مؤلف تاريخ مزبور اقوی دليل بر عدم ورود وی ميباشد چه كه وی از كليه ساداتيكه تا اواخر قرن چهارم (زمان تأليف تاريخ) بقم وارد شده‌اند حتی از كسانيكه با امام واسطه بسيار دارند خبر داده است.

وچون در نسخه‌های ترجمه تاريخ قم بلكه نسخه اصلی آن كه بعربی بوده است ونا ياب است تشويشی در ثبت نام نخستين وارد شونده بقم از سادات رضوی راه يافته يعنی طی نقل روايت آتيه از صاحب رضائيه درهمين باره به جای نام ابو جعفر محمد بن موسی بن محمد در چند مورد با اسقاطی نام ابو جعفر موسی بن محمد قيد شده است كه همين اشتباه كتابتی كاتب گاه استنساخ موجب بروز عقيده ناصوابی در باره هجرت خود موسی بقم يا دفن وی در اين شهر گرديده است. نگارنده در كتاب جدی فروزان دلائل متعددی كه از متن روايت مزبور بر صحت نام محمد پسر وی استخراج واستنباط كرده بود اقامه نموده ثابت كرده است كه اين حكايت مربوط به محمد بن موسی است وهنگامی كه روشن گردد قهرمان اين قصه محمد بوده است با توجه به اينكه جز در همين مقام در

سراسر تاریخ قم در هیچ موردی ازورودخود موسی بقم خبری دیده نمیشود باید گفت که دفن موسی در قم عاری از حقیقت وتهی از واقعیت است چه که دفن وی درقم فرع بر ورود او بقم میباشد .

وچون معمولاً مستند شیخ عبدالجلیل رازی قزوینی در کتاب النقض صفحه ۳۲۳ و صاحب عمدة الطالب صفحه ۲۰۱ دراخبار بر دفن موسی درقم جز کتاب تاریخ قم چیزی نیست ناچار باید گفت همان تشویشی که درعبارات ترجمه تاریخ قم مشهود است عیناً درنسخه اصلی وعربی آن تاریخ هم حکمفرما بوده است .

اما نمیتوان ادعا کرد که در تمام نسخ تاریخ عربی این اشتباه وجود داشته است زیرا ازسیاق عبارات زهر الربیع چنین برمیآید که این قصه راسید نعمت‌الله جزائری ازنسخه عربی بدون تشویش واختلافی مو به مو نقل کرده باشد که همه جا ازابو جعفر محمدبن موسی نامبرده است ونامی از موسی بمیان نیاورده است .

متأسفانه اکنون نسخه اصلی آن که دارای بیست باب بوده است بکلی نایاب است و از ترجمه آنهم فقط پنج باب در دسترس ما قرار دارد که آنهم به چاپ رسیده است .

واما اشتباه علامه مجلسی در کتاب السماء والعالم مجلد ۱۴ بحار الانوار که ازهجرت خود موسی بقم حکایت دارد مورد ایراد نیست زیرا علامه برای تدوین مجلدات بیست وپنجگانه بحار ومرآت العقول درشرح کتاب کافی شیخ کلینی که یکعمر برای مطالعه وقرائت آنها وافی نیست لجنه‌های متعددی از تلامذه خویش تشکیل داده بود که هر لجنه‌ایهم مسئول جمع آوری روایات یك کتاب بلکه یکباب ازهر کتاب بوده‌اند که این لجنه بدون نیازبه کسب نظر علامه وظیفه خود را انجام میداده‌اند فقط درمواردیکه بامشکلی مواجه میشدند که ازحل آن شخصاً عاجزمی‌ماندند برای حل آن مشکل ناچار علامه را درجریان قرار میدادند که اینگونه مسائل هم خیلی محدود ومنحصر به مواردی است که نظر علامه باافزودن عبارت (اقول) ذیل

آن مسئله قید شده است .

چه که این مؤلف بزرگوار ضمن تصدی مقام شیخ الاسلامی درسال ۱۰۸۷ درزمان شاه سلیمان واحراز عنوان امامت جمعه وشرکت در مجالس فتوی وقضا وهمکاری در مهام امور مملکتی بلکه مسائل سیاسی ومشاغل روزمره یك رئیس روحانی در پهناور امپراطوری صفوی و مخصوصاً اداره کرسی تدریس هیچگاه کمترین فرصت برای مباشرت درامور تألیف رانداشته است .

بنابراین اگر علامه بر اختلاف مشهود در ضبط نام وتشویش موجود درعبارات ترجمه تاریخ قم پی نبرده است شایسته ایراد وخورده گیری هم نمیباشد وچه که شأن شخصیت برجسته ای مانند علامه که مستخرج لئالی اخبار وغواص بحار انوار آثار وبحر محیط وعقل بسیط خوانده شده است اجل از آنستکه دریکچنین موضوع ساده وروشنی به لغزشی دچار گردد وبر کشف نقاط ضعف عبارات وتصحیح آنها قادر نباشد پس راهی جز این نیست که این لغزش راناشی ازسهل انگاری افراد لجنه وعدم صرف وقت ودقت آنان درمتون روایات دانست :

بهرصورت این اشتباه از کتاب السماء والعالم به سایر کتب هم سرایت کرد چه مؤلفین دیگری مانند محدث نوری دربدر مشعشع ومحدث قمی درمنتهی الامال به تبعیت ازعلامه بدون عنایت به توالی فاسده ایکه بر این اشتباه مترتب میگردد در این مورد ازنخستین سیدرضوی نسبی که بقم درآمده است بعنوان ابوجعفر موسی بن محمد یاد کرده اند درنتیجه موسی رامبرقع خوانده اند درصورتیکه نه موسی بقم درآمده است ونه هیچگاه بابرقع درمعابر بغداد وسامرا حرکت کرده است زیرا بلاد مزبور هم برای افکندن برقع در انظار دشمنان ازارکان خلافت وامرای لشگر و وزیران کاری زننده ومستهجن بوده است .

و بعضی از افرادیکه باصطلاحات ادبی عربی آشنائی ندارند از عنوان (محمدبن موسی المبرقع) چنین نتیجه گرفته اند که مبرقع وصف موسی است چونکه

بعد از نام اوست درحالیکه بالعکس این عنوان هم مانند عناوین دنباله نام علی بن موسی الرضا وجعفر بن علی الکذاب است که نعت رضا مربوط به علی بن موسی و لقب کذاب ویژه جعفر است پس مبرقع هم وصف محمد میباشد .

منشأ بروز اشتباه برای مؤلفین

وچون مستند کلیه مؤلفینی که برهجرت خود موسی بقم ودفن وی درقم نظر داده‌اند عبارت تاریخ قـم و روایت صاحب رضائیه است ودر مقابل مدرك نگارنده هم دراظهار نظر برعدم هجرت وی بقم نیز همان تاریخ وهمان روایت است . ضرورت دارد که متن عبارات پر تشویش آن ذیلا نقل شود وتوالی فاسده مترتبه براین عبارات تشریح گردد تامعلوم شود که نخستین وارد بقم از سادات رضویه محمد بن موسی المبرقع است که ابراز این عقیده درعین اتکاء به منطق ودلیل دربادی امر باهو وجنجال مشتی مردم بی‌هدف مواجه گردید ولی بالعکس اکنون چنان مورد تأیید اهل تحقیق قرار گرفته است که در شمار مسائل مسلمه مورد نقل مؤلفین بعدی واقع شده است .

امـا متن عبارات چنین است که :

متن عبارات مشوش تاریخ قم

دیگر از سادات حسینیه از سادات رضائیه از فرزندان امام رضا عليه‌السلام موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیهم السلام است .

صاحب رضائیه ابوعلی الحسین بن محمد بن نصر بن سالم گوید که اول کسی از سادات رضویه که بقم آمدند از کوفه ابوجعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر علیهم السلام بود .

وی درسنه ست و خمسین و مأتین از کوفه بقم آمد وبقم مقام کرد و پیوسته برقع برروی فروگذاشتی تا آنگاه که عرب بقم بدو پیغام فرستادند که ترا از مجاورت وهمسایگی مابیرون میباید رفتن !

پس ابوجعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی علیهم السلام از قم به کاشان

رفت وچون بکاشان رسید احمد بن عبدالعزیز بن دلف العجلی او را اکرام کرد و ترحیب نمود وخلعتهای بسیاروبارگیرهای نیکو وچندین تجمل بدو ببخشیدومقرر گردانید که‌هرسال یکهزار مثقال طلا بایك سراسب مسرج بدودهند.

پس ابوالصدیم الحسین بن‌علی بن آدم اشعری‌ویکی‌دیگر ازرؤسای‌عرب‌در عقب بیرون آمدن موسی ازقم برسیدند واهل‌قم‌رابسبب بیرون کردن موسی‌توبیخ کردند پس‌رؤسای عرب را بطلب ابی‌جعفر موسی بفرستادند تاشفاعت‌کردند واورا بقم بازآوردند وبسیاری اعزازواکرام کردندواز مال خود ازبرای اوسرائی‌بخریدند وهمچنین چند سهم‌ازقریه هنبرد واندریقان‌وکاریز ازبرای او از ورثه مزاحم‌بن‌علی اشعری بخریدند وبیست هزار درم ازبرای اوقسمت کردند وبدودادند.

وازغیر ابی‌علی روایت است که‌چون‌عرب بقم به‌ابی‌جعفر موسی‌بن‌محمدبن علی‌بن موسی علیهم‌السلام پیغام فرستادند که‌ترا از همسایگی مابیرون میباید رفتن او برقع ازروی برانداخت وایشان اورا بشناختند پس درباره موسی همت واعتقاد ایشان محقق شدواین سرای وسهام واموال بدودادند (تا).

وبعد از او خواهرانش زینب وام‌محمد ومیمونه دختران محمدبن علی (ع) در طلب او ازکوفه بقم‌آمدندوبعقب ایشان بریهه دختر موسی بیامد وایشان‌به‌مقبره بابلان آنجا که قبر فاطمه‌بنت موسی بن‌جعفرعلیهماالسلام است مدفونند (۱)

و محمد بن موسی بقم مقیم بود واز آنجا بجای دیگر نرفت تا آنگاه که اورا وفات رسید درشب چهارشنبه روز آخرماه دی هشت روز از ماه ربیع الاخر مانده سنه ست وتسعین ومأتین هجریه واورا درسرایی که‌معروف بود بدو، که‌الیوم

۱- تااینجا همه جا بنام ابوجعفر موسی ضبط‌شده است وحتی خواهرانش را دختران محمدبن علی خوانده است ولی ازاینجا ببعد تا پایان روایت همه‌جا به‌نام محمد بن موسی تصریح شده است جز در موردیکه ازاولین مدفون دربقعه مورد سخن‌نام‌میبرد که‌بازاورا موسی بن محمد نام‌برده است.

مشهور است به‌مشهد اودفن کردند و در قدیم آنسرای معروف بوده است بمحمد بن الحسن‌بن ابی‌خالد اشعری ملقب به‌شنبوله (۱)

واول کسی را که بدین سرای دفن کردند موسی‌بن محمدبن علی‌بن موسی بود وخواهران اوزینب ومیمونه دختران موسی بن محمد بن علی‌بن موسی از او میراث گرفتند (تا).

بعداز آن بریهه زن موسی بن محمدبن‌علی بن موسی وفات یافت وبه جنب مشهد او ویرادفن کردند وپسران‌عم‌او(۲)یحیی وابراهیم‌پسران جعفربن‌علی‌الکذاب از بریهه میراث گرفتند وچون بریهه بقم‌وفات یافت ایشان بقم نبودند چون از آن آگاهی یافتند بقم آمدند وترکه اورا برداشتند وابراهیم دیگرباره از قم برفت و یحیی صوفی بقم اقامت کرد (تا) بعدازآن میمونه دختر موسی وفات یافت واورا بمقبره بابلان دفن کردند.

این‌بود قسمتی‌از عبارات ترجمه تاریخ قم که موردنظر واستناد بودواکنون به بیان دلائل استنباطی خویش ازهمین عبارات میپردازد:

ودلائل‌ذیل به اثبات میرساند که درروایت صاحب‌رضائیه‌همه‌جا نام موسی‌بن محمد باید به عنوان‌محمدبن‌موسی‌بن محمد تصحیح گردد.

۱ . . تردید ندارد که ابوجعفر کنیه محمدبن موسی است و کنیه موسی ابواحمد میباشد بنابراین بایستی بجای ابوجعفرموسی ابوجعفرمحمدخوانده‌شود.

۲ . . . سپس چنین‌آورده است که پس‌ازاو خواهرانش زینب و ام محمد و میمونه بقم درآمدند وبا توجه باینکه نامبردگان دختران موسی هستند که جدا از یکدیگردرهمان تاریخ یکایك آنان‌رابعنوان‌دخترموسی‌نیزخوانده است وبا تصریح

۱– بنظر می‌رسد که سیبویه صحیح باشد.

۲– مقصود محمدبن موسی‌المبرقع است چه اگرمراد موسی‌باشد خلاف واقع‌است‌چون موسی‌عم پدر اوست.

شیخ مفید براینکه‌امام جواد رافقط دودختربه نامهای فاطمه وامامه بوده است مسلم میشودکه صاحب عنوان همان محمدبن موسی است که این‌سه تن هم خواهران وی ودختران موسی‌می‌شوند.

۳... درترجمه تاریخ قم درشمار مدفونان درمقبره بابلان‌که ازاین سه تن نام برده است ایشانرا دختران موسی خوانده‌است پس درصدرروایت ابوجعفر محمدبن موسی‌بن‌محمد صحیح است که خواهرانش اینان باشند.

۴... سپس چنین‌آمده است که (بعدازآن میمونه دخترموسی‌وفات یافت) که دراین‌عبارت صریحاًمیمونه را دخترموسی‌خوانده‌است.

۵... وآنجائیکه ازدفن موسی دراین‌سرای خبرداده است دردنباله‌آن‌آورده است که خواهران او زینب‌ومیمونه دختران موسی‌بن محمدبن علی‌بن موسی علیهم‌السلام ازاو میراث گرفتند و دراین فراز این دوتن را دختران موسی خوانده است پس‌معلوم میشود خواهران محمدند.

۶... میراث‌بردن خواهران هم ازبرادرهنگامی صادق وقابل‌تصویر است‌که متوفی بدون فرزند باشد وتنها ابوجعفر محمدبودکه بلاعقب درگذشت پس‌صاحب عنوان همان محمدبن موسی است.

۷ـ باتوجه‌به‌اینکه‌بریهه‌دخترجعفر کذاب است‌قابل تصویر نیست‌وی که‌زوجه موسی یعنی عم‌پدر خود باشد بنابراین راهی نیست جز اینکه نخستین سید رضوی نسبی که‌بقم‌درآمده است محمدبن‌موسی بخوانیم تازناشوئی آنان‌قابل‌تصویر باشد.

۸... ومیراث‌بردن‌یحیی‌وابراهیم پسران جعفر بن‌علی‌الکذاب ازخواهرخود بریهه هنگامی تصویر میشودکه‌بریهه بدون‌فرزند باشدوازاین‌جهت‌هم ناچارمیشویم که‌ویرا زوجه محمدکه‌بلاعقب بودبدانیم.

تااینجا شواهدی ذکرشدکه نگارنده ازمتن‌عبارات‌مربوطه اخذکرده درجدی فروزان نگاشته بود.

واز این شواهد داخلی که بگذریم اسناد خارجی متعددی هم وجود دارند که نخستین سید رضوی نسبی را که بقم در آمده است محمد بن موسی خوانده است چون منتقلة الطالبیه صفحه ۲۵۳ وزهر الربیع صفحه ۲۰۷ که ازمفاد روایت صاحب رضائیه از آغاز تاانجام بعربی خبر داده‌اند واز سیاق کلام ویکنواختی مطلب چنین استفاده میشود که نسخه اصلی تاریخ قم را که بعربی است در اختیار داشته‌اند . آنهم نسخه‌ای صحیح و مصون ازتشویش واختلاف که درهمه جانام محمد بن موسی را ذکر کرده بوده است نه نسخه مشوشی که دراختیار صاحبان عمدة الطالب و النقض قرار داشته است و بااخذ الهام از آن بردفن موسی بن محمد درقم خبر داده‌اند .

اما اظهار نظر برورود خود موسی بقم پس ازورود فرزندش محمد امری پنداری دوراز حقیقت است زیرا درتاریخ قدیم قم به جز روایت صاحب رضائیه هیچگونه مطلبی درباره ورود این خاندان دیده نمیشود وسکوت وی ازورود موسی اقوی دلیل برعدم ورود وی میباشد .

مضافاً براینکه خشکی آب وهوا ومحدودیت محیط قم با مزاج موسی سازگار نبود و مردم این شهر باپذیرش وی روی خوشی نشان نمیدادند وتاهمین اواخر هم علمای قم بزیارت بقعه موردنظر چون منتسب به او بودنمیرفتند چنانکه درتاریخ قم تألیف فیض براین امر تصریح نموده است .

چه در شمار امامزادگان بلافصلی که ازصلب امام در قم دارای مضجعند از زینب وام محمد و میمونه بعنوان دختران امام محمد تقی نام برده پس از آن از خود موسی اسم میبرد و چنین می‌افزاید که (ایشان معروف به موسای مبرقع است مضجع اودر قم است بقعه مختصری دارد وعلمای قم کمتر به زیارت او میروند)وسپس متن روایت ارشاد شیخ مفید را نقل کرده است .

که در نظرات وی نقاط ضعف متعددی است زیرا هرچه نگاشته است از نسخه مشوش ترجمه تاریخ قم اخذ کرده است وسابقاً هم روشن گشت که زینب وام محمد و

میمونه دختران موسایند و موسی هم بقم نیامده است و در این شهر مدفون نیست و بنا براین بی عنایتی علما به زیارت در این بقعه که از پندار دفن موسی در این نقطه سرچشمه گرفته است قابل تجدید نظر است و با حدیث منتسب به نبی اکرم (**من زار احداً من ذریتی فکانما زارنی ومن زارنی فکانما زارالله**) که در مرئی و منظر عموم واقعند این بی عنایتی قابل توجیه نیست .

مخصوصا که مدفونین در این بقعه دو محمد مبرقعند یکی محمد فرزند موسی که به حشمت و عظمت قدر موصوف بوده است و دیگری ابوعلی محمد بن موسی که عامل قم محمد بن بحر اصفهانی معتزلی مذهب چون در جمعه‌ای به زیارت وی میرود گاه باز گشت به احمد بن اسمیعل بن سمکه نحوی میگوید من ابوعلی را در علم و فضل ، وقار و جلال جز به امام تشبیه نمیکنم چرا شیعه به امامت وی قائل نمیشوند .

و مدفنشان هم برخلاف ادعای مؤلف مزبور دارای بقعه‌ای تاریخی و مراقدی کاشیکاری و رواقی گچ بری است که ذیلا بتوصیف هریك میپردازد .

رواق و بقعه

درغربی بقعه رواقی است که درسال ۱۳۳۳ قمری از ناحیه مرحوم آقا سید محمدعلی قائم مقام مشهدی از سادات رضوی مبرقعی تعمیر بلکه از اساس تجدید بنا شده است .

این راهرو به دو قسمت متمایز از یکدیگر منقسم میگردد یکی کفشکن باستانی و دیگری رواقی است دارای یك گنبد در وسط و دو چشمه پوش در طرفین آن که بنائی متین و مستحکم میباشند .

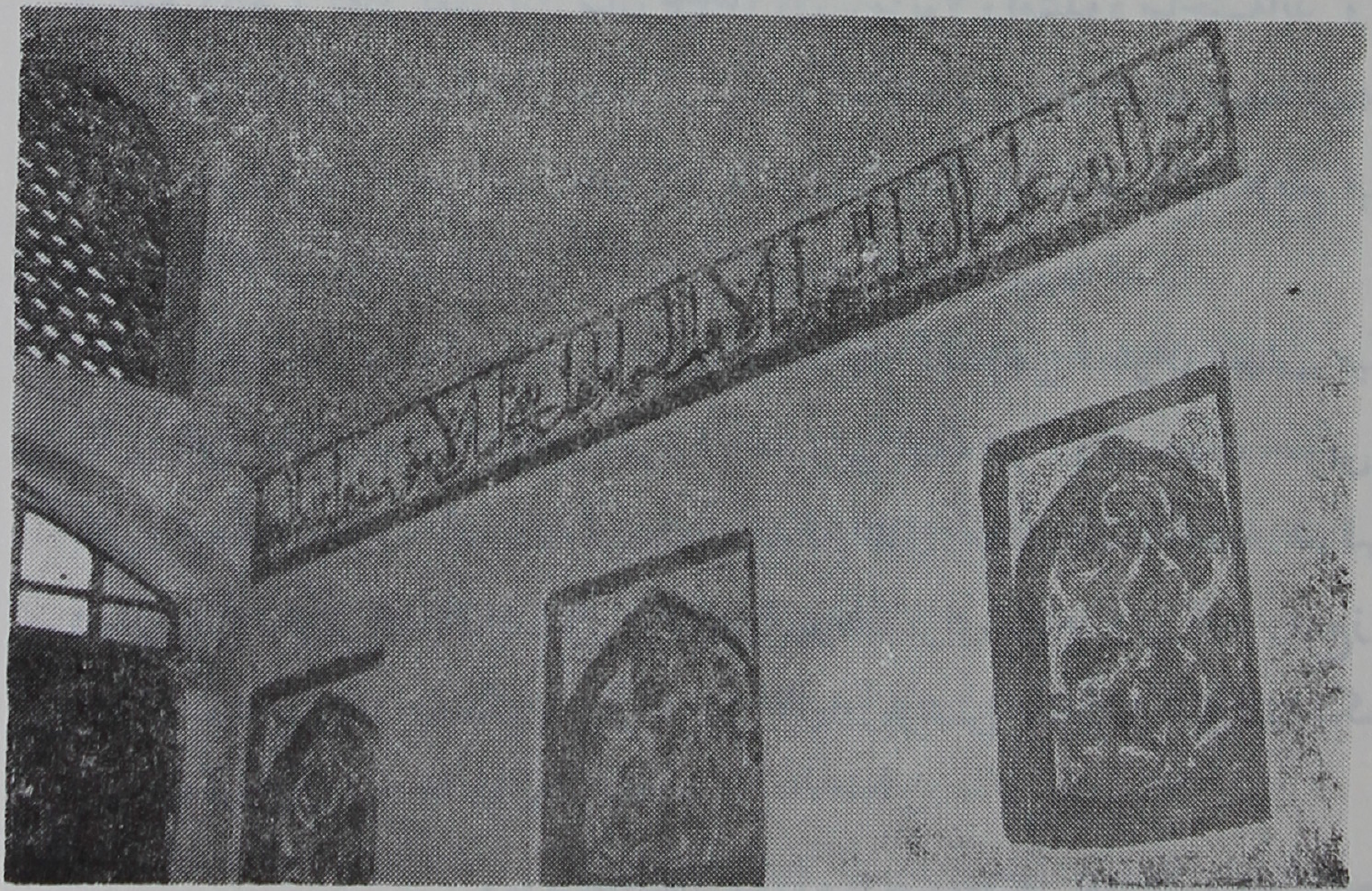
کفشکن

اما کفشکن از بناهای سال ۸۵۱ است که دارای کتیبه‌ای مؤرخ به تاریخ مزبور بوده است و چه بسا درسال ۹۵۱ از ناحیه شاه تهماسب صفوی از آن تزیین و تعمیری بعمل آمده باشد .

این کفشکن به دهانه۴وطول ۷ وارتفاع ۶متر درمدخل رواق واقع است که میانه آن دربی مشبك وچهار لنکه فاصل است .

بدنه جنوبی این کفشکن اکنون ساده است چه که روی تزیینات گچبری آن را قشری ازگچ فرا گرفته درون طاقچه‌های آنرا هم پرساخته‌اند ولی دربدنه‌شمالی آن سه‌طاقچه گچبری توأم بارنگ‌آمیزی‌است‌ودربالای پوشش طاقچه‌ها کتیبه‌ایست به‌خط ثلثی برجسته ورنگین که سابقاً بصورت سینه‌بند سه‌جانب این محـوطه را زینت میداده‌ولی اینك دوبدنه جنوبی و شرقی آن (بالای درب ورودی) ازبین‌رفته است و تنها همین قسمت شمالی باقی مانده که دنباله کتیبه سه جانبی روی آن بدین‌عبارت خوانده میشود .

(رسول‌الله علیه‌السلام النجوم امان لاهل السماء واهل بیتی امان‌لامتی‌صدق‌الله العظیم) .



تصویری ازطاقچه‌ها وکتیبه‌های بالای آنها

این طاقچه‌ها سه دهانه بعرض ۸۰٪ و ارتفاع ۱/۵۰ متر با بغله‌های گیلوئی و اسپر آراسته به نقوش برجسته گل و بوته گچ بری متضمن ریزه کاری‌های فنی و حاشیه دقیقی با نازك کاریهای صنعتی است .

رواق

اما رواق دنباله آن که قسمت دوم میشود بنائی است مرکب از سه چشمه پوش که چشمه وسطی گنبدی است عرقچینی به ارتفاع ۷ متر و دهانه ۴/۶۰ متر است و جمعاً بطول ۱۴ متر با جرزهای آجری و پوشش قوسی رومی پوش است که در دو ضلع جنوبی و شمالی گنبد وسطی دو شاه‌نشین ساخته شده است و از شاه‌نشین جنوبی دری چهار لنگه به کشیك خانه خدام باز میشود و از شمالی هم دری به گنبد چهل اختران گشوده می گشت و در جبهه آن چنانکه در تاریخ فیض مسطور است کتیبه‌ای به خط ثلثی بوده است که روی آن عبارت ذیل گچبری شده بود .

(این مکان قبور جمعی از سادات و امامزادگان است که در این مکان مدفون شده‌اند فی سنة ۸۵۱) که در تعمیرات سال ۱۳۳۳ درب مزبور را مسدود ساخته‌اند و شاه نشین مزبور را هم بصورت مقبره خانوادگی مورد استفاده قرار داده‌اند در نتیجه کتیبه یاد شده را هم از فراز مدخل گنبد چهل اختران برداشته‌اند زیرا با تصریح تاریخ فیض بر وجود آن نمیتوان ادعا کرد . که چنین کتیبه‌ای از آغاز نبوده است .

نکته شایان توجه آنستکه وسعت دهانه ساختمان گنبد چهل اختران ایجاب میکرد که رواقی چهار جانب آنرا فرا گرفته باشد ولی اینك تنها رواق جهت جنوبی آن باقی و از روقه سه طرف آن منهدم گردیده است که با طاق آنها در پشت جدار شرقی و شمالی گنبد بخوبی نمایان است زیرا وجود این رواقها برای نگاهداری گنبد رفیع زیاده مؤثر و مفید بوده‌اند چنانکه پس از خرابی آنها در پوشش جانب شمالی گنبد شکستی راه یافته است .

کتیبه الحاقی

و در منتها الیه این رواق و در جبهه مدخل بقعه کتیبه‌ایست الحاقی پس از تعمیر اخیر قائم مقامی از کاشی خشتی فیروزه فامی

به‌خط نستعلیق سفید که ابیات سستی بطور غیر منتظم با تقدیم و تأخیر بر روی آن خوانده میشود و ماده تاریخش با سال ۱۳۳۵ تطبیق میکند و پس از تنظیم بدینگونه میشوند .

کتبه الحقیر میرزا عباسقلی متولی مقبره مستوفی الممالک هو الفتاح.

تاریخ تعمیر بقعه متبرکه حضرت شاهزاده اعظم موسی مبرقع ابـن حضرت امام محمد تقی علیه‌السلام :

در همایون عهد میمون مهد احمد شاه عادل

کز دعای دولتش پاینده شد چرخ ملمع

حضرت شهزاده موسی یـوسف آل محمد

کز رخش کسب تشعشع کرده خورشید مشعشع

سالها طوف حریمش بود دربار سعادت

گر چه هردم در مزار او ملایك بود مجمع

کیست اندر کنز مخفی شان او بودی که آمد

افسرش از گوهران غیرت عرف مرصع

بود همنام محمد باعلی در لفـظ و معنی

کز پی این خدمت از شاه خراسان گشت مرجع

آمد از مشهد بقم اجرای این شایسته خدمت

سر برون آورد از جیب دو سر بایك مرقع

سـرور آل رضـا سید محمد در کمر زد

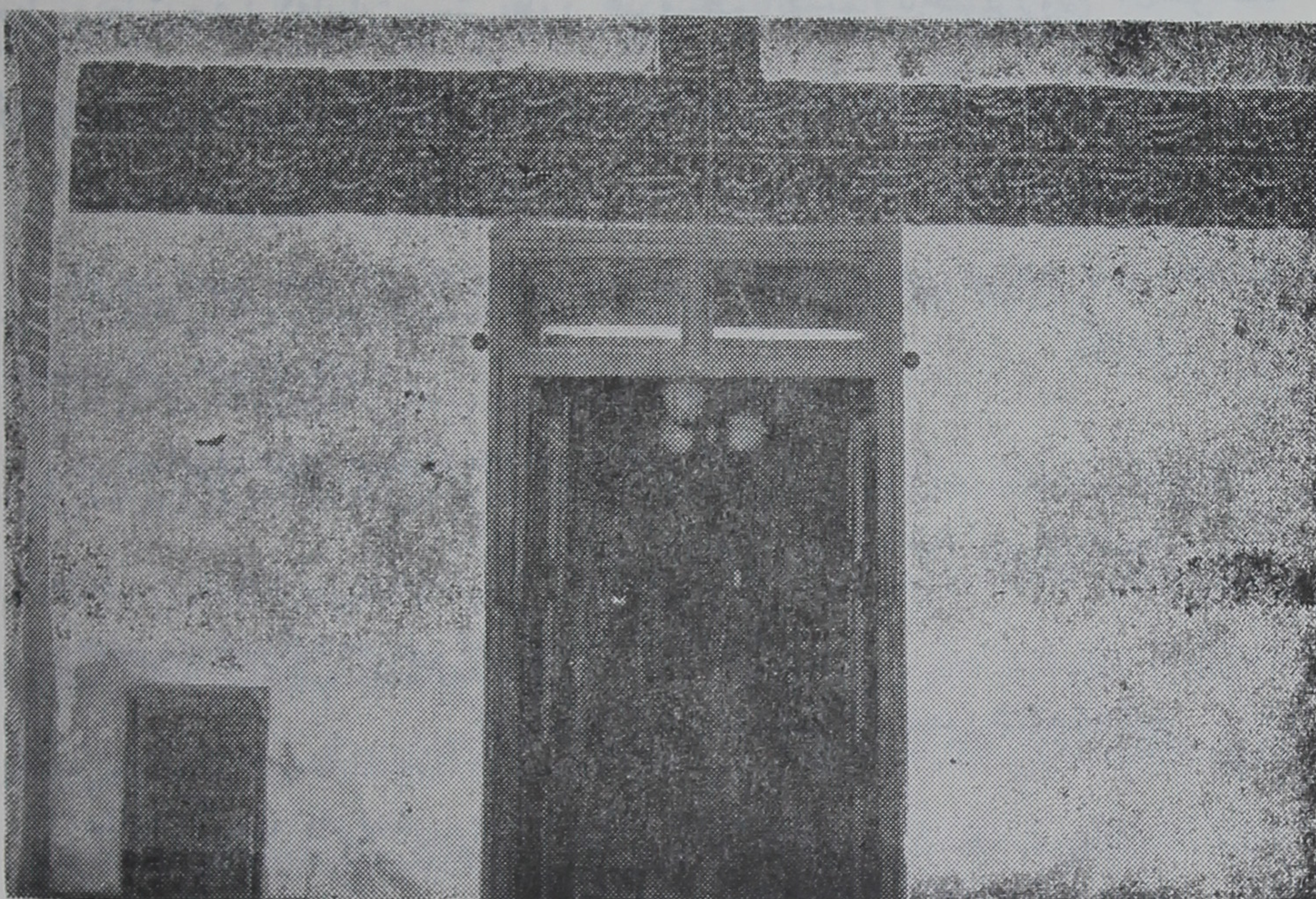
با بنی عم معظم کرد و طالـع شـد مطلع

همـت قائم‌مقام تـولیـت فـرخنده پـورش

امتحان داد و نهاد اجرای خدمت را به‌موقع

از پی تاریخ تحسین بـنا گفتی صبوری

رونق جاوید دارد طور موسـای مبرقـع



تصویری از کتیبه درجبهه مدخل بقعه

بقعه و قبه

امابقعه مورد نظر که مدفن دومحمد مبرقع یکی محمدبن موسی ودیگری ابوعلی محمد بن احمدبن موسی است و اشتباهاً به‌خودموسی مبرقع نسبت داده شده‌است قاعده‌اش مربع مختلف الاضلاع به‌دهانه ۷/۶۰ در ۷/۷۰ متر وارتفاع ۹متر که جدارداخلیش از جرزو بغله واسپر گچکاری آبی‌رنگ واکنون فاقد کتیبه کمربندی و گلوبندی است که‌اگر هم‌قبلا داشته است به‌رور ریخته جای آنرا گچ‌اندود ساخته اندومدخل سابق آن درضلع شرقی بوده که‌بصورت محرابی نمودار است .

دراین بقعه که بنظرمیرسد ازآثار قبل ازصفویه باشد درکمرگاه وگلوگاه آن دورديف مقرنس گچی تعبیه شده است یکی کمربندی ودیگری گلوبندی که ازآثار خاصه شاه تهماسب صفوی است ومیرساند که‌ازناحیه آن پادشاه دراین بقعه‌تعمیر وتزیینی بعمل آمده‌است.

و در زوایای اربعه بقعه نیم طاقی بالا آورده صورت مربع را به شکل هشت ضلعی متساوی تبدیل ساخته‌اند ولی با زدن چندرو می بند هیئت مضلع را به مدور



تصویری از کاشیکاریهای سطح مرقد

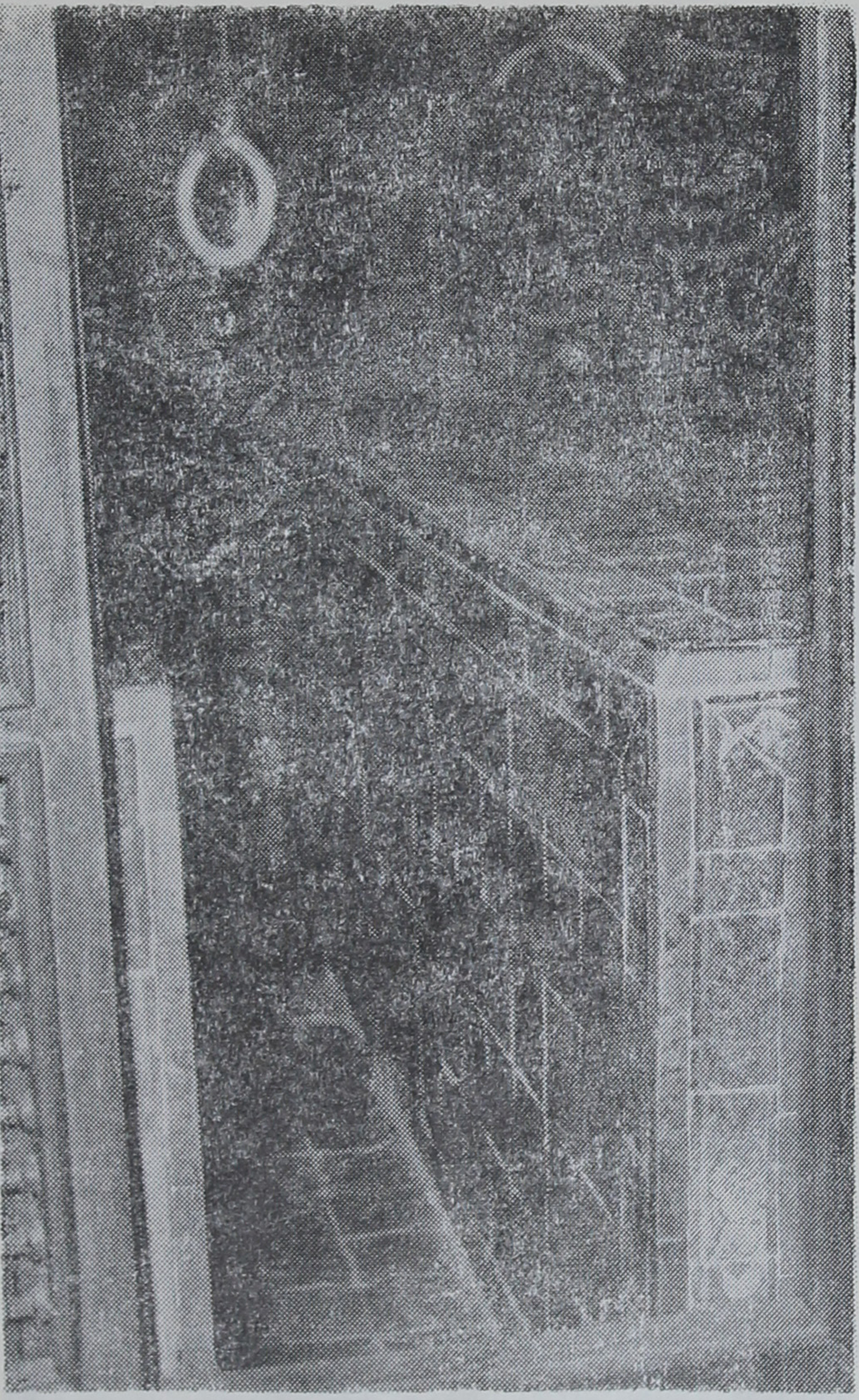
مبدل داشته پا طاق پوشش مقرنس را بالا آورده‌اند که این مقرنس نیز از آثار شاه‌تهماسب است.

و قبه روی آن عرقچینی و با آجر فرش شده‌است.

مرقدین

و در وسط بقعه ضریحی است مشبك از چوب و در دل آن دو مرقد جدا از یکدیگر بفاصله ۵۰٪ نمودار است و فاصله مزبور که برابر مدخل ضریح چوبی است راهرو داخلی بین دو مرقد میباشد.

ارتفاع هر مرقد ۱/۲۰ و طولش ۲ و عرضش ۱/۲۰ متراست که چهار بدنه وسطح آن آراسته به کاشیهای منقش هفت‌رنگ مربع و درحاشیه آنها درهر بدنه کاشیهای نگین نشان ۱۰ در ۲۰ سانتیمتری نیز منقش و الوان بکار رفته‌است.



تصویری ازدو مرقد و فاصله بین آنها

و کاشیهای روی هردو مرقد متضمن نقشه گلدانی است با گلهای افشان و بوته‌ها وغنچه‌های نمایان در حالیکه دولاله شمعی در میانه آنها قرار دارند که به کاشیهای عصر قاجاریه میمانند

صحن

و صحن سابق بقعه در جهت شرقی بوده است که اینک مخروبه افتاده نقشه تجدید بنای آن در دست پیاده شدن است .

ولی صحن کنونی آن در جهت غربی است که بمساحت ۲۵ در ۲۰ متر میباشد ودارای جرزهای آجری و اسپرهای سفید کاری است و ایوانهای مسجد بابقعه شاهزاده زید هم ضلع غربی همین صحن را فرا گرفته اند چنانکه کفشکن این بقعه با گنبد چهل اختران هم ضلع شرقی آنرا پوشانده اند .

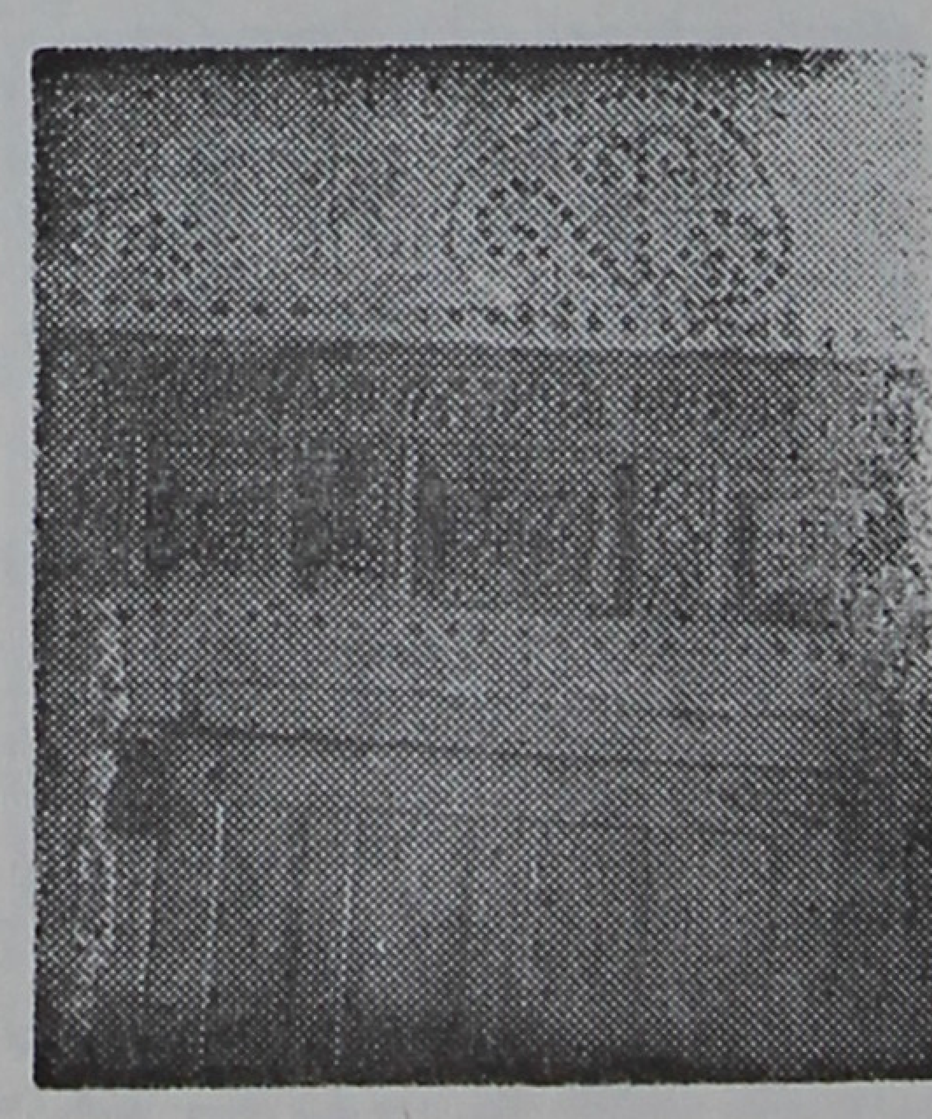
مقصد سوم

در توصیف گنبد چهل اختران قم

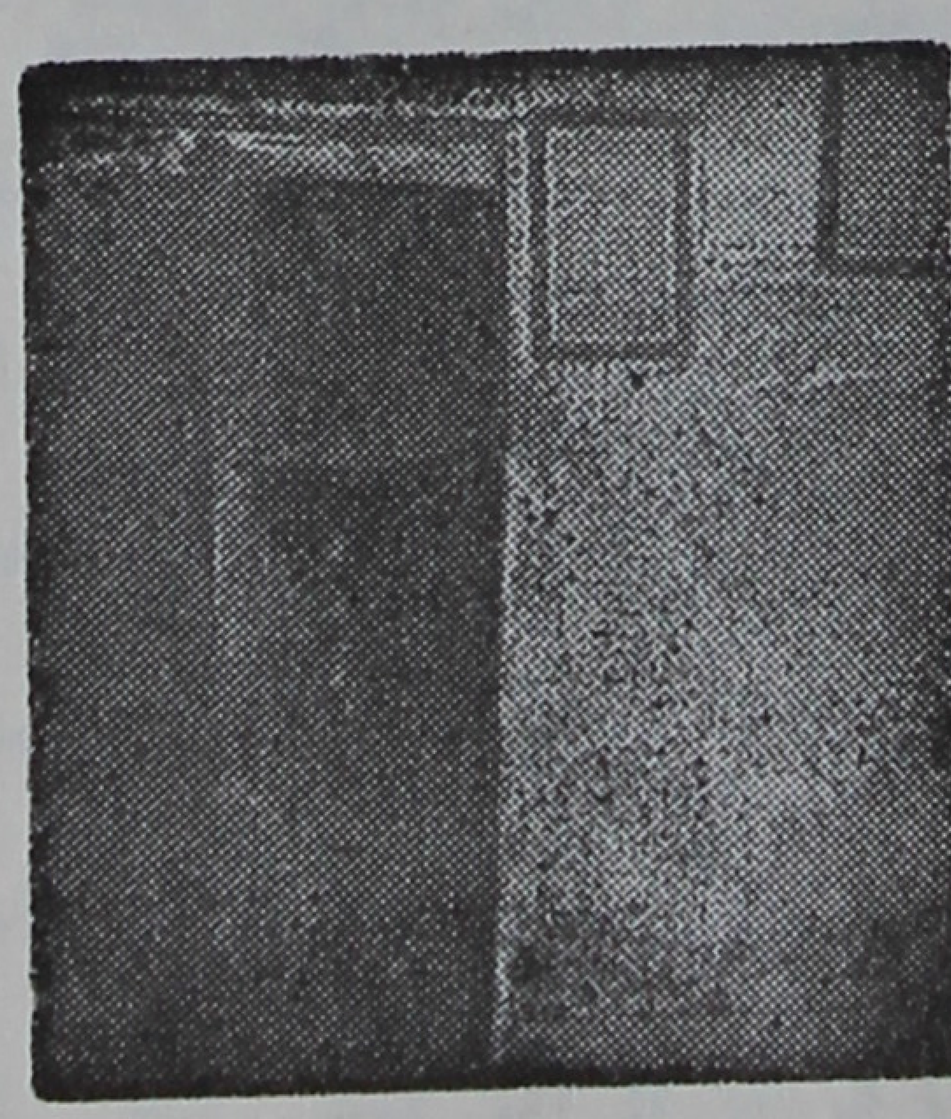
گنبد چهل اختران از ابنیه باشکوه تاریخی و در جوار بقعه محمد بن موسی المبرقع واقع است.

نام وتسب مدفونان در این گنبد

در این گنبد تا هنگام تألیف تاریخ قم بسال ۳۷۸ چهارده تن از سادات رضویه از خاندان موسی و جعفر و غالبا از طبقه نسوان بخاك سپرده شده بودند که در آن تاریخ نامبردار گردیده است و بعد از آنهم از همین خاندان جمع دیگری دفن شده اند که تاریخی برای معرفی نام و نسب آنان در دست نیست چنانکه از تسمیه گنبد مزبور بعنوان بقعه چهل اختران یا بقول عوام چهل دختران این امر بخوبی بدست می آید.



تصویری از تخته منبت سردر گنجه در ایوان شاه ابراهیم مربوط به صفحه ۳۱۵



تصویری از درب منبت مدخل بقعه شاه ابراهیم

اما کسانی که نام برده‌شده‌اند عبارتند از

۱ - ابوعبدالله احمدبن ابی‌علی محمد المبرقع ابن احمدبن موسی بن‌امام محمد تقی .

۲ و ۳ - ابو جعفر و فخر الدین فرزندان یحیی صوفی ابن جعفر بن امام علی النقی .

۴- سیده بریهه بنت جعفر مزبور .

۵ تا ۱۰-شش‌تن ازدختران ابی‌علی محمدبن احمدبن موسی مزبوربه‌اسامی ستیه وفاطمه وام‌سلمه وام‌حبیب وام کلثوم و بریهه .

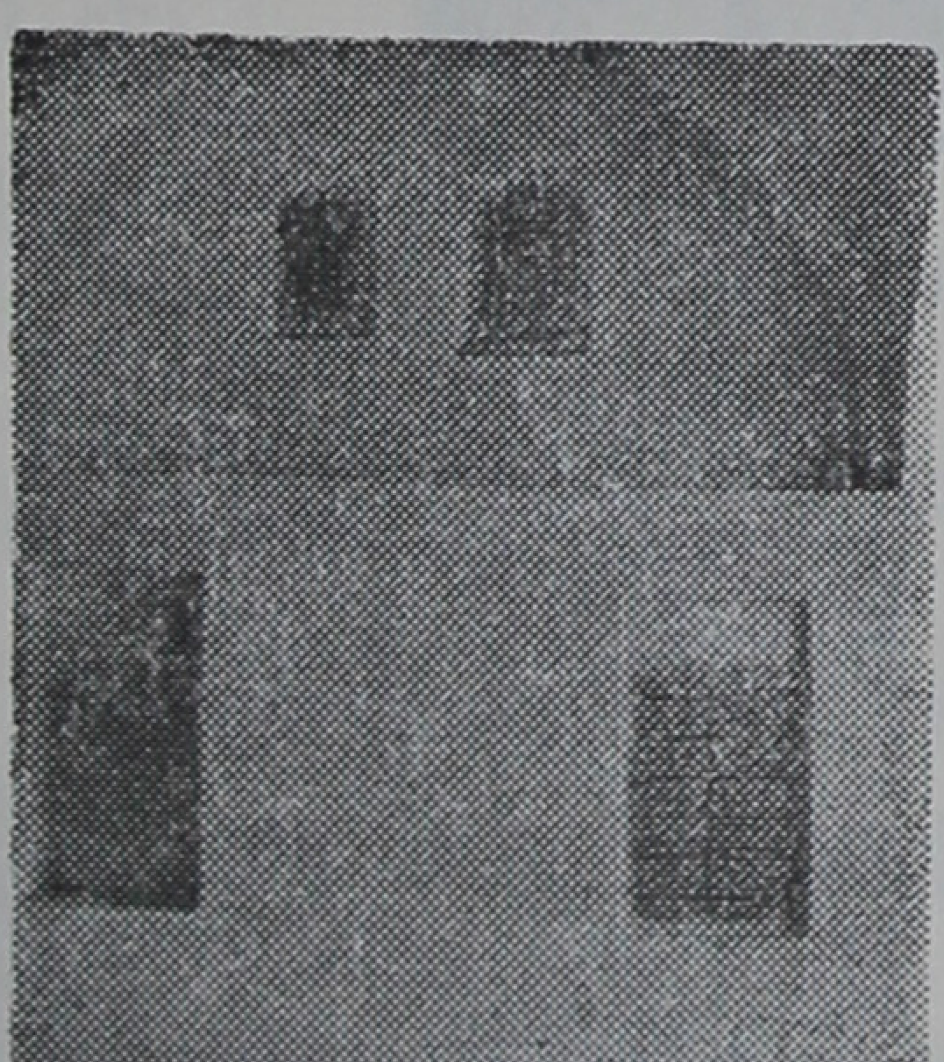
۱۱ -سیده زینب دختر موسی‌بن امام‌جواد که بعقیده نگارنده وی در مقبره بابلان دفن‌شده است زیرا ثبت‌نام زینب بنت‌الجواد در شمار مدفونان بابلان ناشی ازاشتباهی است که تشریح گردیدچه‌تنها یك زینب بقم آمده است که آنهم بنت موسی است .

۱۲و۱۳-ام‌محمدوام‌حبیب دختران احمدبن موسی.

۱۴ - ام‌ولد همسر ابی‌علی محمد مزبور ومادر دختران او که نامبردارشدند.



تصویری ازجدارداخلی بقعه‌شاه‌ابراهیم‌مربوط به صفحات ۳۱۴تا۳۱۷



تصویری ازالواح‌سنگی منصوبه‌دررواق‌شاه‌ابراهیم

گنبد چهل اختران قم

اما گنبد چهل اختران با اینکه دارای جدار آجری است از ابنیهٔ باشکوه باستانی و تاریخی اصیل قم است که تاریخ بنای آن بسال ۹۵۰ و نام بانی آن شاه تهماسب و اسم معمار هنرمندش استاد سلطان قمی در کتیبه‌های داخلی آن هنوز موجود است

وچون نمیتوان ادعا کرد که این معمار با معمار بنیانگزار ایوان جنوبی مدرسه فیضیه یکی باشد چه که نام او در کتیبه روی تیزهٔ پوشش آنجا باقر سلطانی قمی خوانده میشود . میتوان گفت که باقر فرزند سلطان مزبور باشد .

که این معمار برای نخستین بار آب انبار را باراه پله وشیر ابتکار کرد که کلیه برکه‌های آب را بصورت آب انبار درآوردند و اولین آب انبار را در محوطه جلو صحن چهل اختران بنیان نهاد که هنوز بر قرار است وچنین بنظر میرسد که بنای روضه فاطمیه هم از آثار وی بوده باشد .

ودر تاریخ قم تألیف فیض درباره این بقعه چنین آورده است که :

دیگر از بقاع مطهره یکی بقعه معروفه به چهل اختران است در بالای سردرب بقعه در کتیبه ایکه خط ثلث است و از گچ بیرون آورده شده نوشته است این مکان قبور جمعی از سادات و امامزادگان است که در این مکان مدفون شده اند در سنهٔ ۸۵۱ آن کتیبه نوشته شده است ولی درسنهٔ ۹۵۳ شاه تهماسب صفوی سقفی بسیار مرتفع وبنائی عالی براین قبه بر پاداشته که اصل بقعه مربع متساوی الاضلاع است وهر ضلع او پانزده زرع است بریك سقف مرتفع بی‌ستون آن سقف زده شده ازبناهای بسیارخوب عالی است که کمتر همچو بنائی دیده‌شده بناء ومعمار او استادسلطان قمی است که از مشاهیر معمارهای عصر صفویه است نام او دراین مکان مضبوط است متصل به این بقعه بزرگ بقعه موسای مبرقع است که ذکر او از این پیش شد (پایان) .

این عبارات میرساند که بنای پایه‌های قطور وسه مترونیمی آن از سال ۸۵۱ است که بانی آنرا معلوم نکرده است و شاه تهماسب پوشش آنرا تجدید کرده

است وهم استفاده میشود که کتیبه مؤرخ بسال ۸۵۱ تاسال ۱۳۰۹ که تاریخ تألیف کتاب مزبور است وجودداشته‌است که متن آنرا نقل کرده است و بنابراین درتعمیرات قائم مقامی درسال ۱۳۳۳ آنرا از بین برده‌اند وقبلا اظهار نظر شد که این کتیبه در جبهه مدخل گنبد ازشاه‌نشین شمالی رواق جنوبی نصب بوده‌است وازعبارت عامیانه آن بدست میآید که‌عمران مزبور بخودیاری مردم بوده است .

وقدرمسلم این گنبد محاط به‌اروقه‌ای بوده است که چهار جانب آنرافراگرفته بودند واین رواقها برطول عمر این گنبد می‌افزودندمتأسفانه‌همگی خراب شده‌اند که پاطاق آنها از خارج روی جدار شرقی و شمالی گنبد نمودار است و اکنون تنها رواق جنوبی گنبد جلو بقعه محمد بن‌موسی‌المبرقع باقیست که‌از آن درسال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵ ازناحیه قائم مقام تجدید بنابعمل آمده است .

وازاضلاع چهارگانه گنبد دری به‌رواق مزبور گشوده میشده است که‌پس ازخرابی رواق شرقی جلودرگاه آنرا مسدود ساخته‌اند واکنون بصورت محراب درآمده نماز خوانان غریب رابه‌اشتباه می‌اندازد ونگارنده‌زائری رادیدار کرد که‌در جلو این درگاه محراب شکل روبه‌مشرق‌بنماز ایستاده بود وچون اورا مسامت قبله قرار داد اظهار داشت‌پس‌چرامحراب رادراینجا ساخته‌اند .

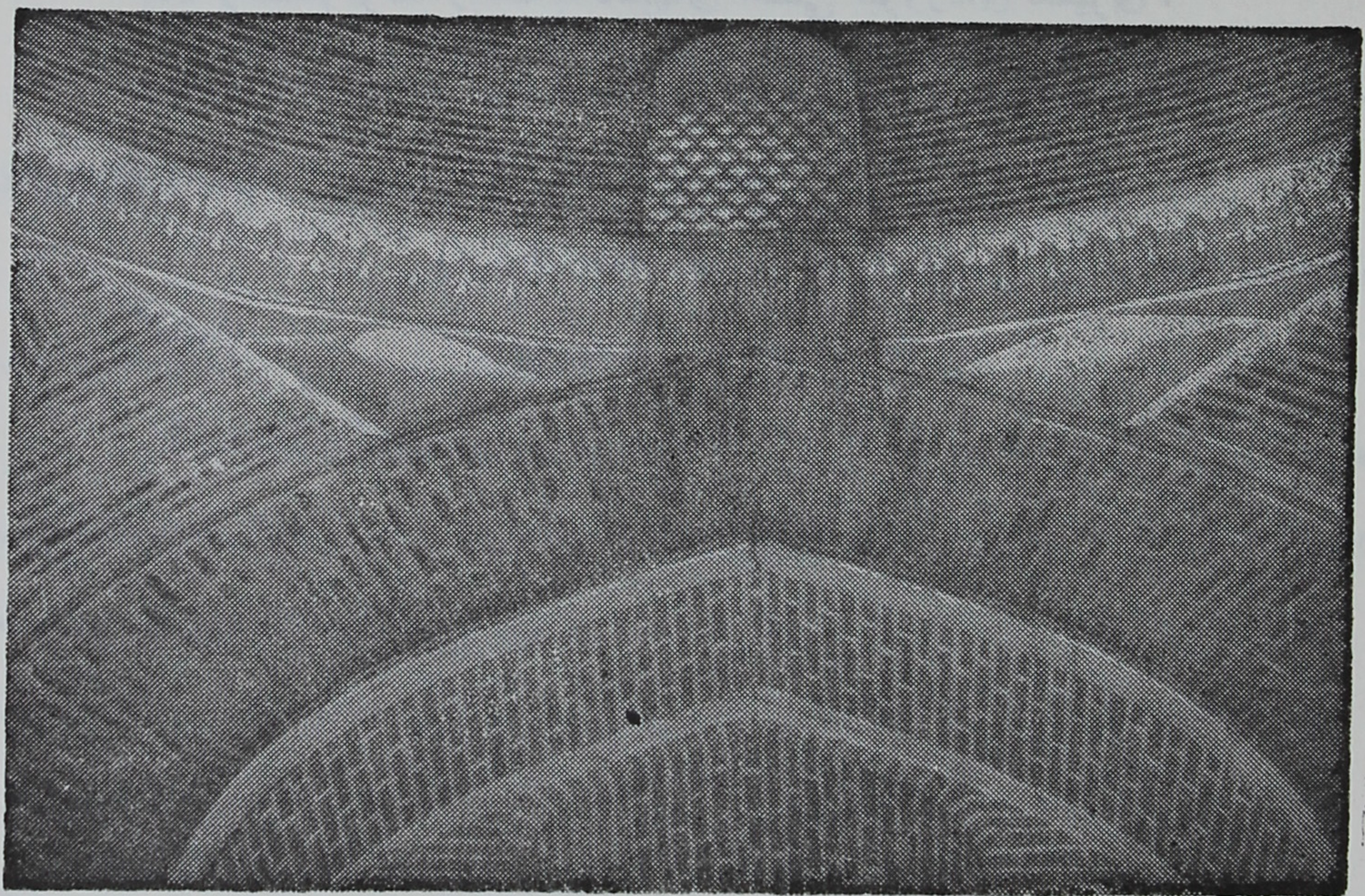
ونیزجلودرب‌جنوبی گنبدراهم بسته‌اند وشاه‌نشین مدخل آنرا بصورت‌مقبره مورد بهره‌برداری قرارداده‌اند .

و اکنون این گنبد دارای دو درب ورودی یکی ازصحن غربی است که در جبههٔ آن ازداخل کتیبه‌ای بنام‌شاه‌تهماسب گچبری شده‌است‌دیگری درجانب شمالی که‌دارای دری باستانی است اماسردرمنبت کاری‌وکتیبه‌دار آنرابرده‌اند.

باری قاعده گنبد ازداخل و خارج بصورت مربع متساوی الاضلاع به‌دهانه ۱۲/۶۰ وارتفاع ۱۴ متر است که‌در هرضلعی شاه نشینی بدهانه ۳ وعرض یك‌متر ساخته‌شده‌است وبا افزایش‌این‌عرض، مساحت داخلی گنبدبر ۱۴/۶۰ متربالغ میشود.

ازاره بقعه به ارتفاع ۱/۳۰ متر کاشیکاری فیروزه فام تجدیدی و بالای آن تمام جرز و بغله و اسپر آجری است که در چهار گوشه آن در ارتفاع ۴/۵۰ متری نیم طاقی بالا آورده صورت بنا را از چهار ضلعی به هشت ترکی نامرئی تبدیل و بازدن چند رومی بند از مضلع به فلکه‌ای مبدل ساخته پاطاق پوشش عرقچینی را بالا برده‌اند .

در ابتدای قسمت فلکه ای آن گلوبندی ازمقرنس گچی افزوده شده است و بالای آن چهار هواکش در جهات اصلی مشهود است که جلو آنها مشبك آجری است .



تصویری ازمقرنس گلوبندی نشان دهنده اثر شکست

در این بقعه دو کتیبه موجود است یکی بصورت نامرئی که روی جرز زاویه جنوب شرقی زیر نیم طاق بصورت تابلوی مربع و مستطیل گچبری شده است که تادقت نشود تشخیص داده نمیشود بدین عبارت (بنائی عمل سلطان قمی).

و دیگری مرئی و برفراز درب ورودی از صحن غربی است بطول سه متر بخط ثلثی برجسته که روی آن عبارات ذیل گچ بری شده است .

«قد صدر الحکم المطاع ببناء هذه العمارة الشریفة عن اعلیحضرت سلطان سلاطین الزمان ابو المظفر بهادر خان شاه طهماسب خلد الله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه فی شهور سنة خمسین و تسعمائة».

مرقد

در وسط بقعه مرقدی است سراسری به ارتفاع یك و طول و عرض ۹ متر که در سطح آن در چند ردیف قبر سازی (به ارتفاع ۴ سانتیمتر) کرده‌اند.

بدنه و سطح مرقد آراسته به کاشیهای خشتی فیروزه‌ای تعمیری.

و جلو آن ضریحی از چوب مشبك است که جلو نیمی از مرقد را از جهت غربی فرا گرفته است و نیم بقیه بدون ضریح است.

گنبد

و بر فراز بقعه گنبدی است عرقچینی و آجری که در مرکز آن بوق بلندگو نصب گردیده است.

و تأکید میکنند که احداث رواق اطراف برای مزید طول عمر این گنبد مؤثر و تعمیر آن هم ضروری و فوری است زیرا ابنیهٔ اصیل و تاریخی است که تاریخ بناء و نام بانی و معمار خود را هم حفظ کرده است.

فصل دوم

در توصیف مسجد پنجه‌علی یامغیب حارث

مسجد افسانه‌آمیز پنجه‌علی در کوچه‌ای بدین نام منشعب از تکیه چهارمردان وخیابان محمدرضاشاه واقع است.

بنظر میرسد که این مسجد چون به شرکت پنج نفر علی‌نام بنیاد شده است نخست بنام پنج علی نامگزاری وبعداً بمرور پنجه‌علی خوانده شده باشد.

و دراثر این تغییر نام درهمان سنواتی که کوی چهارمردان معمور گشت و حصارها ومحله‌های پراکنده‌این‌منطقه‌راامانند میدان‌میرومیدان زکریابن آدم و محله رضائیه بیکدیگر بپیوست و هسته مرکزی شهر جدید قم را به وجودآورد وهمزمان پیدایش قدمگاه در مسجد جمکران با نصب جای قدم منتسب به امام زمان بر اثر همچشمی و رقابت پنجه‌گاهی‌هم تراشیدند ودراین مسجد نصب کردند تا اسم پنجه‌علی بدون مسمی نمانده باشد.

وسپس‌داستان تخیلی تعقیب کرخیه اسدی از حارث‌بن امام‌کاظم وفرار وی و غایب شدن اورا درهمین‌مسجد بهم بافتند که بعداً همین داستان راکتیبه ساختند.

وچون داستان وهمی‌نقل‌حجرالاسود از اراضی‌خاکفرج برای ابراهیم خلیل گاه بنای کعبه معظمه نیزساخته وپرداخته‌شدنظیر آنراهم برای‌این‌مسجدجعل کردندو چنین گفتند که ابراهیم خلیل هفت‌بار کعبه معظمه را بنانهادولی‌برسرپا نایستاد تا

بامر الله تعالی حجر الابیض را از این مکان به مکه بردند و خلیل الرحمن آنرا در بنای کعبه بکار برد تا بنا استوار ماند.

واشتهار این سخنان خواجه کمال الدین شاه حسین بن عوض شاه را (که گفته میشود همان شاه حسین وزیر سلطان حسین میرزا بایقرا بوده است) بر آن داشت که بنای آنرا تجدید سازد و محرابی در زاویه آن بنا که مسامت قبله نیست بیفزاید و آنرا با کاشیهای خوشرنگ و لعاب چینی وش بیاراید و از این پس چون تنها مسجد مزین به کاشیهای مشابه چینی بود بنام مسجد چینی شهرت گرفت که معرب آن مسجد صینی میشود.



تصویری از طاقچه و پنجه‌گاه در مسجد پنجه علی

باری بنای این مسجد آجری و ساده و از نظر هنری امتیازی ندارد.

ولی در مدخل آن کتیبه‌ایست از کاشی مورخ بتاریخ ۸۸۶ که در عین نقص حائز اهمیت میباشد.

این مسجد متشکل از دو ردیف طاق چشمه است و دارای یك ستون آجری

مضلع و وسعتش ده در ده متر است ولی چشمه غربی مشابه مقصوره ایست بشکل مربع مختلف‌الاضلاع به دهانه ۶/۵۰ در ۶ متر با گنبدی عرقچینی و سه‌شاه‌نشین باجدار آجری که‌در جدار غربی آن طاقچه‌ایست در ارتفاع یك‌متری با اسپر و بغله‌های گیلوئی کاشی

پنجه علی

وجبهه آن آراسته به‌کاشیهای الوان گره سازی است و در سینه اسپر آن قطعه‌سنگی از مرمر خاکستری رنگ نصب و روی آن جای یك کف دست با پنجه حجاری شده است که‌از نظر فنی غیر جالب توجه است ولی قدمتش مسلم است.

محراب

ودر زاویه جنوب شرقی نزدیك درب ورودی محرابی است صفه‌ای با جدار سفید کاری و پوشش مقرنس گچی و برفراز آن قسمتی مزین به کاشیکاری گره سازی است که‌در قدیم آراسته به بهترین کاشیهای قرن نهم بوده است چنانکه در کتیبه آتیه به‌بنای آن ازناحیه خواجه شاه حسین تصریح شده است.

ایوان و کتیبه‌های متنوع آن

ودر مدخل شرقی مسجد ایوانچه‌ایست به‌دهانه ۳ و عرض ۲ وارتفاع ۵ متر باجدار ساده‌سفید کاری و پوشش رسمی سازی منقش به‌گچبری که‌روی تزیینات آنرا گچ‌اندود ساخته‌اند و ازقسمتی که بالای درگاه ورودی نمایان است ویا از خلال قشر گچی تجلی دارد چگونگی آن بدست میآید.



تصویری از محراب مسجد پنجه‌علی

دراین ایوان سه کتیبه‌متنوع کاشی است که‌یکی کمربندی وبقیه‌روی دوخشت فردی ومجموعاً قدیمی وبواسطه داشتن تاریخ ۸۸۶ حائز اهمیت میباشند مخصوصاً که‌بعضی از آنها از نظر خط ولعاب کاشی هم ممتازند.

و بنظر میرسد که کتیبه کمربندی از آغاز امر در همین ایوان بوده است ولی دو کتیبه دیگر جزء تزیینات محراب بوده‌اند که در تعمیرات اخیره به ایوان منتقل شده‌اند .

اما کتیبه کمربندی متشکل از ۱۲ پارچه خشت‌های کاشی ۲۵٪ در ۵۰٪ سانتیمتری است که دو خشت آن بکلی از میانه افتاده است و چند قطعه آنهم که نیمه شکسته بوده‌اند هنگام تعمیر بواسطه عدم دخالت اهل سواد واطلاع آنهارا بطور نامنظم بکار برده بیکدیگر متصل ساخته‌اند .

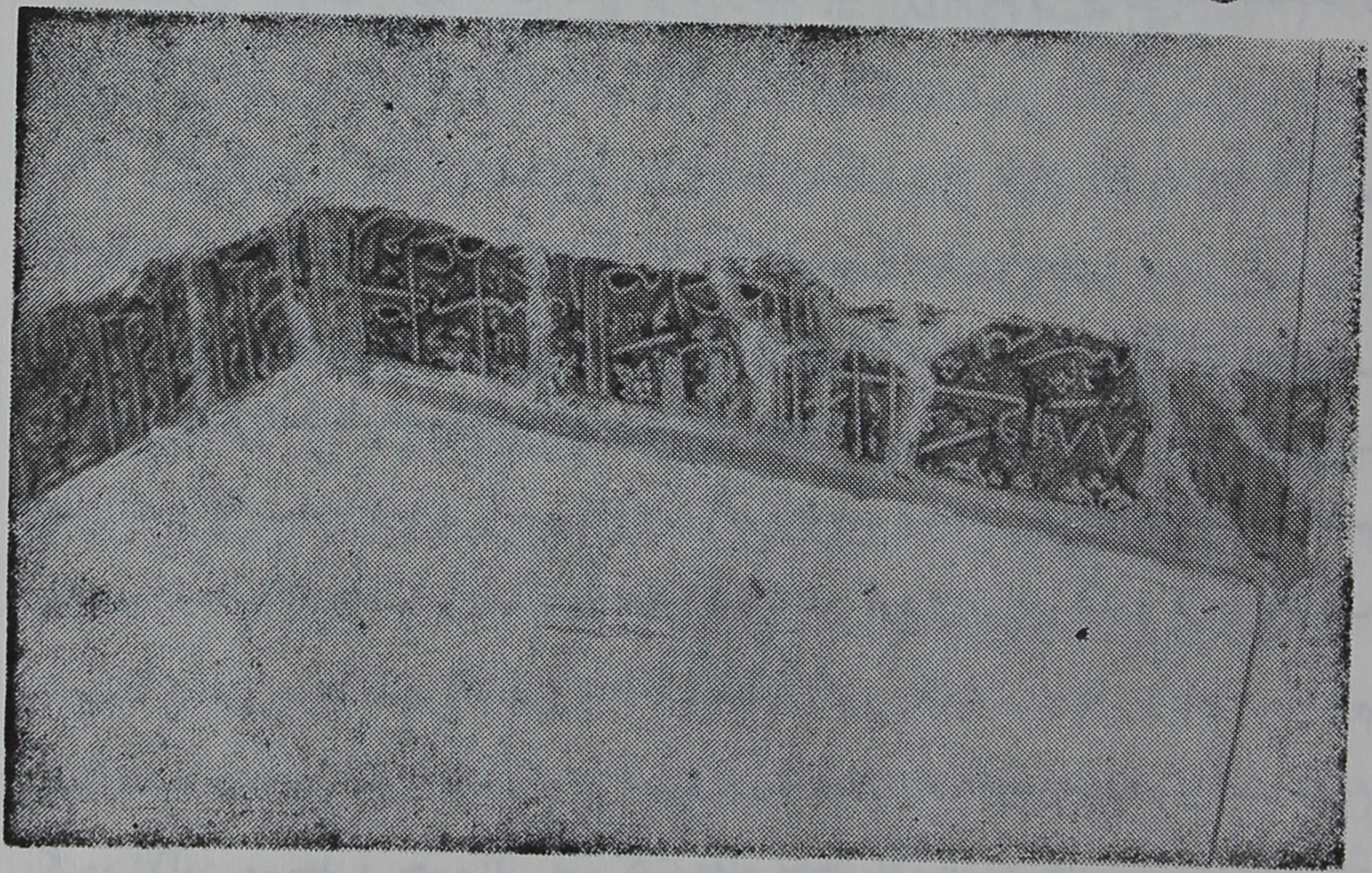


تصویری از کتیبه‌های فردی و کمربندی
ایوان مسجد پنجه‌علی

وچنین بنظر میرسد که یک چهارم آن بشرح ذیل از بین رفته باشد بدینسان که اولا نام بانی یعنی (خواجه کمال‌الدین حسین شاه) روی دو خشت شکسته است که جلو جمله (زادالله توفیقه) بوده است و ثانیاً بحکم سیاق عبارات جمله (هذه الکتابة الشریفه) نیز قبل از (بعمل مرتضی اعظم) وبعداز (الحسنات) بوده است که

جا به‌جا گردیده است بطوریکه اکنون عبارات قبلی بابعدی غیر مرتبط ونارساشده است و ثالثاً جمله (قد تشرف ببناء) روی یك خشت بوده است که از جلو (هذا المسجد) افتاده‌است یعنی سه‌خشت و نیم‌از بین‌رفته‌اند وبجای خشت‌های کسری‌در بغله شمالی‌ایوان و آغاز کتیبه آیه شریفه(نصرمن‌الله‌وفتح‌قریب‌وبشرالمؤمنین‌یامحمد یاعلی)روی خشت‌های جدید و تعمیری کتیبه‌شده است .

وبعداز آن‌اسپر و بغله جنوبی ایوان بابقایای کتیبه قدیمی زینت گرفته است که‌این کتیبه‌به‌خط ثلثی‌مرغوب ازکاشیهای‌زمینه‌لاجورد پررنگ میباشدمنتهادرموقع تعمیر پس‌از کسروانکسارچند خشت‌به‌جای تهیه خشت‌های مشابهی باهمان عبارت سابقه خشتهای‌باقیمانده راهم‌بدون‌رعایت‌ترتیب به‌یکدیگر متصل ساخته‌اند بطوری که‌باوضع وصورت کنونی نقل عبارات نامفهوم بنظر میرسد لذا نگارنده بافرض



تصویری ازقسمت وسط‌وآخر کتیبه متضمن نام‌کاتب با خشت‌نیمه زاویه باجمله(الحسنات) که‌دریك ورق برای مداقه در معرض انظار محققان قرار داده‌شد

جابه‌جا شدن و تنظیم آنهابه‌نقل متن کتیبه میپردازد .

..هذا المسجد المتبرك المشهور بمسجد الصینی مغیب حارث بن الامام المفترض الطاعة موسی الکاظم علیه وعلی آبائه الطاهرین صلوات الله .... زادالله توفیقه بالخیرات والحسنات هذه الکتابة الشریفه بعمل مرتضی اعظم سید عبدالصمد بن عطاءالله الحسینی فی سنة ۸۸۶

و چون عبارات (قدتشرف ببناء) در صدر آن و جمله (خواجه کمال الدین شاه حسین) در وسط این کتیبه افزوده گردد عبارات کتیبه تمام و کامل می‌شود وابتدایش با انتهایش سازگارمی گردد .

منتها نمی‌توان هضم کرد که کاتبی گاه کتابت کتیبه‌برای خود عنوان‌مرتضی اعظم که از عناوین مقربان دربار سلطنت بوده‌است‌قائل گردد و آنرادر مقدمه‌نام‌خود بیفزاید که‌حل این‌مشکل به‌نظر اهل‌تحقیق موکول‌است .

اما دومین کتیبه که‌روی‌یك‌پارچه‌خشت‌بزرگ زمینه کرم‌رنگ به خط مشکی نامرغوبی نوشته‌شده است‌واز‌چندافسانه‌حکایت‌می کندچنین‌است :

روایت است ازعماربن یاسر خالدونی که امامزاده‌حارث بن‌الامام المفترض الطاعه موسی‌الکاظم‌علیهما‌السلام درقم به‌مسجد صینی درمصاف با کرخیه اسدی علیه‌اللعنه غایب‌شد از وی کسی نشانی‌نیافت صفت مسجد متبرك آنستکه ابراهیم پیغمبر علیه‌السلام هفت نوبت کعبه‌معظمه را بنیان کرد وخراب شد و قرار نگرفت بامرالله تعالی چون حجرالابیض رااز مسجد مذکور بکعبه مبارکه بردند مستحکم البنا شد وهمچنین نقل است که هرشهری درآخرالزمان به‌چیزی وقم به‌آب منهدم گردد الااین مسجد و حوالی ببرکت مقام حجر الابیض و غایب شدن شاهزاده معصوم خراب نخواهد شد تمام‌گشت‌این‌محراب‌بسعی‌صاحب‌اعظم خواجه کمال ـ الدین شاه‌حسین ابن خواجه عوض‌شاه بزاز (نزار) قمی‌تحریراً فی‌ثانی عشرمحرم الحرام سنة ۸۸۶ هجری .

که این کتیبه با کتیبه نخست همزمان نوشته‌شده‌اند و نام بانی که در کتیبه سابقه از بین رفته‌است از این کتیبه بدست می آید .

واز قید نام محراب استفاده‌می‌شود که دراین مسجد فقط محرابش از لحاظ تزیین به بهترین کاشیکاریهای عصری حائز اهمیت بوده‌است مضافاً براینکه محراب بر محل اجتماع مردم وصدرمجلس اطلاق می گردد و بنابراین نمی‌توان گفت که بانی مسجد هم مانند بانی‌محراب همان‌خواجه‌شاه‌حسین باشد.

اما محراب کنونی بنائی ساده و تهی از تزیینات ارزنـده باستانی است و نمونه ای از کتیبه‌های‌اطراف آن که درسردرب ورودی‌نصب شده‌است درفراز ذیل توصیف می‌شود .

وسومین کتیبه‌روی‌یك‌پارچه کاشی بشکل قلب‌است که روی‌آن‌به خط‌ثلثی جلی جمله (وموسی الکاظم) نوشته‌شده‌است ومی‌رساند که‌این‌سطری مرکب ازشانزده‌خشت باکتیبه‌صلوات‌بر معصومین‌در سه‌جانب‌محراب بکاررفته بوده‌است که‌ازمجموع آنها فقط‌همین‌یك‌پارچه‌باقی‌مانده است .

ودر ردیف‌خشت مزبور خشت کاشی دیگری است نیم دائره‌ای بانقش گل وبوته‌های الوان که‌معلوم‌نیست‌از کجا به‌این‌مکان‌انتقال یافته است.

ونمونه‌گچ‌بریهای پوشش برفراز درگاه‌ورودی‌مسجدجلب توجه می کند که متضمن گل‌وبوته‌و خوشه‌انگور است .

فصل سوم

در توصیف بقعه و مسجد شاهزاده زید

در کوچه پنجه علی شهر قم

بقعه شاهزاده زید در منتها الیه کوچه پنجه علی عمود بر بازارچه شاهزاده حمزه واقع است و از ضلع غربی صحن آن دری بکوچه مزبور و از ضلع جنوبیش دری به بازارچه مزبور گشوده میشود .

مدفون در این بقعه شاهزاده زید از احفاد امام سجاد است که هنگام تألیف تاریخ قم دیده به جهان نگشوده بوده است چه در آن تاریخ از میلاد وی یا ورودش بقم خبری نداده است اما از مقبره قدیمی و مرقد کاشیکاری باستانی آن بر قدس و تقوی و فضیلت و حسن شهرت وی میتوان پی برد زیرا در قرون وسطی به استناد رؤیا بقعه و قبه ای ساخته نمیشد .

بقعه شاهزاده زید

باری بقعه مورد نظر بنائی است قدیمی از خشت و گلی و محقر و فاقد تزیینات هنری و از داخل و خارج بصورت مربع مختلف الاضلاع به دهانه ۳٫۵۰ در ۳ و ارتفاع ۴٫۵۰ متر باجدار سفیدکاری و پوشش عرقچینی و گنبدی نیمه بیضی و آجر فرش که اطراف آنرا جدیداً پایه هائی بالا آورده سقف بلندی روی گنبد آن زده اند تا این بنای محقر را از زیر آن

بردارند و به محوطه آن توسعه بخشند .

و در شمال بقعه ایوانی است نوساز به دهانه ۴ و عرض ۲ و ارتفاع ۶٫۵۰ متر و در جانب جنوب آن حجره کوچکی است همانند خود بقعه که در صورت خرابی جزء محوطه بقعه خواهد گشت و در نتیجه بقعه‌ای بطول ۸ و عرض ۴٫۵۰ متر بدست می آید

ضریح و مرقد کاشی

و در وسط بقعه ضریح مشبکی از چوب و در دل آن مرقدی است با جدار ساده و سطحی آراسته به کاشیهای متنوع باستانی و چند پارچه خشت گل زنبقی و دو پارچه کاشی مضلع مدرج کوکبی از آثار قرن هفتم هجری مشابه به کاشیهای مرقد شاهزاده جعفر در غربی شهر که در متن آنها گل و بوته برجسته و در حاشیه سه سانتیمتری آنها کتیبه ایست به خط مشکی نامرغوبی از آیات قرآنی (و شاید تاریخ) که از بقایای کاشیکاری جدار مرقدند .

و در چهار گوشه آن چهارگوی شلجمی و امرودی فیروزه فامی از کاشیهای باستانی است که معمولا برای نگاهداری صندوق بر روی قبور بکار میبرده‌اند تا در اثر اصطکاك تخته با کاشیهای روی مرقد لعاب آنها سائیده نشود .

مسجد شاهزاده زید

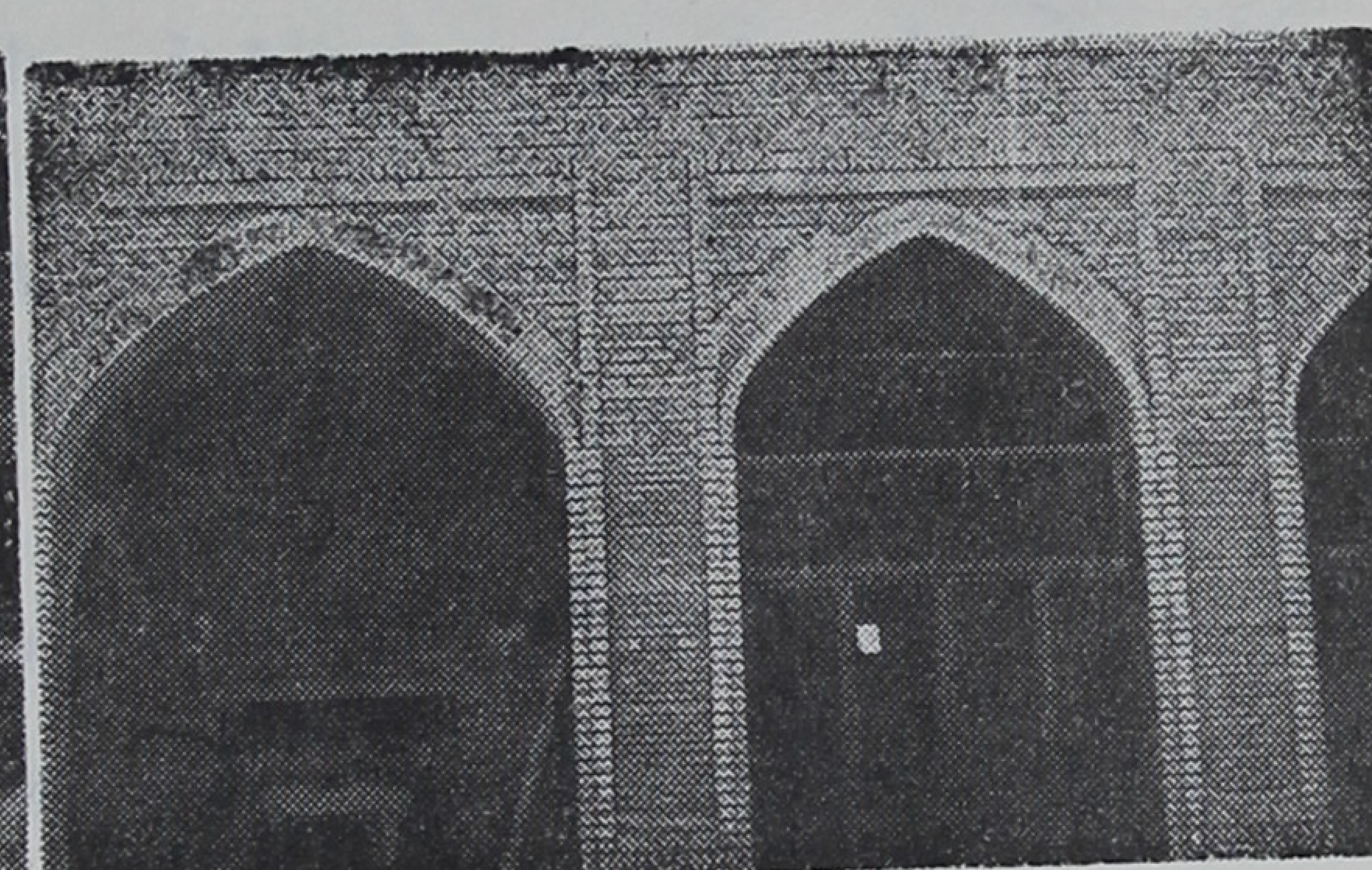
و در جهت غربی بقعه مسجدی جدید ساخته شده که در حال تزیین و پرداخت است .

این مسجد بصورت مربع متساوی به وسعت ۱۲ در ۱۲ و ارتفاع ۶ متر باجرزهای آجری و پوشش تخت خفته رسته مزین به کاشیهای گرهی و زیبا برفراز چهارستون لوله آهنی که جلو سه درگاه سه متری آن به جانب صحن بادرهای چهارلنگه آهنی وشیشه پوش بسته شده و سه درگاه نیم تنه هم از آن به کوچه پنجه علی گشوده میشود و از شرقی آنهم دری معمولی به بقعه باز میگردد .

جرزهای پنجگانه طرف صحن از مسجد و ایوان با دو حاشیه از آجر تراش برجسته و متنی فرورفته بطوریکه برای قبول کاشیهای بعدی صلاحیت داشته باشد ولچکیها وجبهه‌ای منحفض برای پذیرش تزیینات کاشیکاری ساخته شده‌اند.

ودرجهت شمالی مسجد وبقعه صحنی است مربع به‌وسعت ۱۶در۱۶متر با دودیوار نمابندی که دارای دودرب خروجی وورودی یکی ازضلع غربی به کوچه پنجه علی ودیگری از ضلع شمالی ببازارچه شاهزاده زید میباشد که این بازارچه تا مدخل حسینیه و رواق جدیدمشهدشاهزاده‌حمزه امتدادیافته‌روبروی آن‌قراردارد .

ودرجهت شرقی بقعه وصحن گورستانی متروك و کثیف بدون جدار واقع است که برای‌ایجاد میدانچه سبز یاحجرات ومستغلات وپیاده کردن‌هرطرح عمرانی دیگر نیز شایستگی دارد .



تصویری از نمای مسجد و ایوان مدخل بقعه شاهزاده زید



تصویری از کاشیکاری‌ونمونه‌ای‌از کاشیهای کوکبی سطح مرقد شاهزاده زید

فصل چهارم

در توصیف آثار تاریخی قریه صرم قم

در سه مقصد

با مقدمه‌ای در امور مربوطه به صرم

مقدمه

در تاریخچه صرم وموقع قشلاقی وسر تسمیه آن
متضمن توصیف گنبد شاهزاده سلیمان

دهکده صرم (۱) در بیست وشش کیلومتری جنوب شرقی قم با آبی گوارا و هوائی معتدل ومزارعی معمور اینک جزء بخش پنجم قهستان است ولی در تاریخ قدیم قم آنرا جزء پنجاه‌و چند قریه‌و مزرعه طسوج وارکرود (۲) شمرده است بااین توضیح که صرم مطلقی ضبط نکرده‌است بلکه چهار اسم که مرکب از صرم وکلمه دیگر می‌باشد نام برده است بدین تفصیل ۱ - جرم الصرم ۲ - جوان الصرم ۳ - کوان الصرم ۴ - ورزنة الصرم.

---

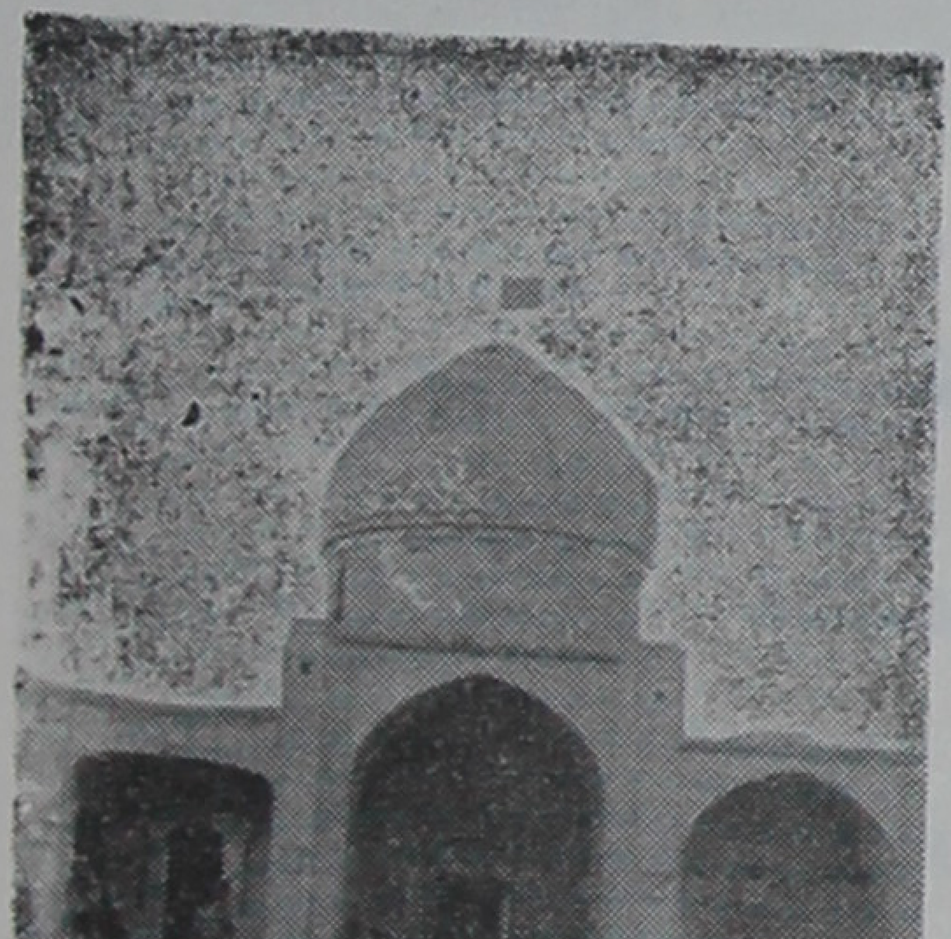
۱ - صرم به‌فتح صاد مهمله (بی نقطه) وسکون راء مهمله‌و میم .

۲ - وارکرود که بغلط وازکرود قید شده است مرکب ازدو کلمه (وارك) و(رود) است

وچون واژه صرم که مشخص ومعرف آنها است عربی و به معنای مجتمع بیوت واحیانا به معنای بریدگی آمده است چون سیف صارم که بمعنای شمشیر بران است بعلاوه نحوه ترکیبات آنها هم عربی میباشد پس باید معتقد گشت که هرچهار معموره از آثار عمرانی عرب اشعری است .

واما درتسمیه آن بعنوان ساصرم رمزی است که باا ندك تدبری کشف میگردد زیرا این نام فقط درداستان لشگر کشی شاه منصور بسال ۷۹۳ علیه پسر عمش سلطان زین العابدین فرمانروای عراق عجم وخوزستان قیدشده است که حافظ ابرو از فرار سلطان بسوی ری خبرداده مینویسد شاه منصور به ساصرم قم نزول کرد وغلات ذخیره شده





دو تصویر از قبه وبقعه سکینه خاتون مربوط به صفحات ۵۱۵ و ۵۱۶

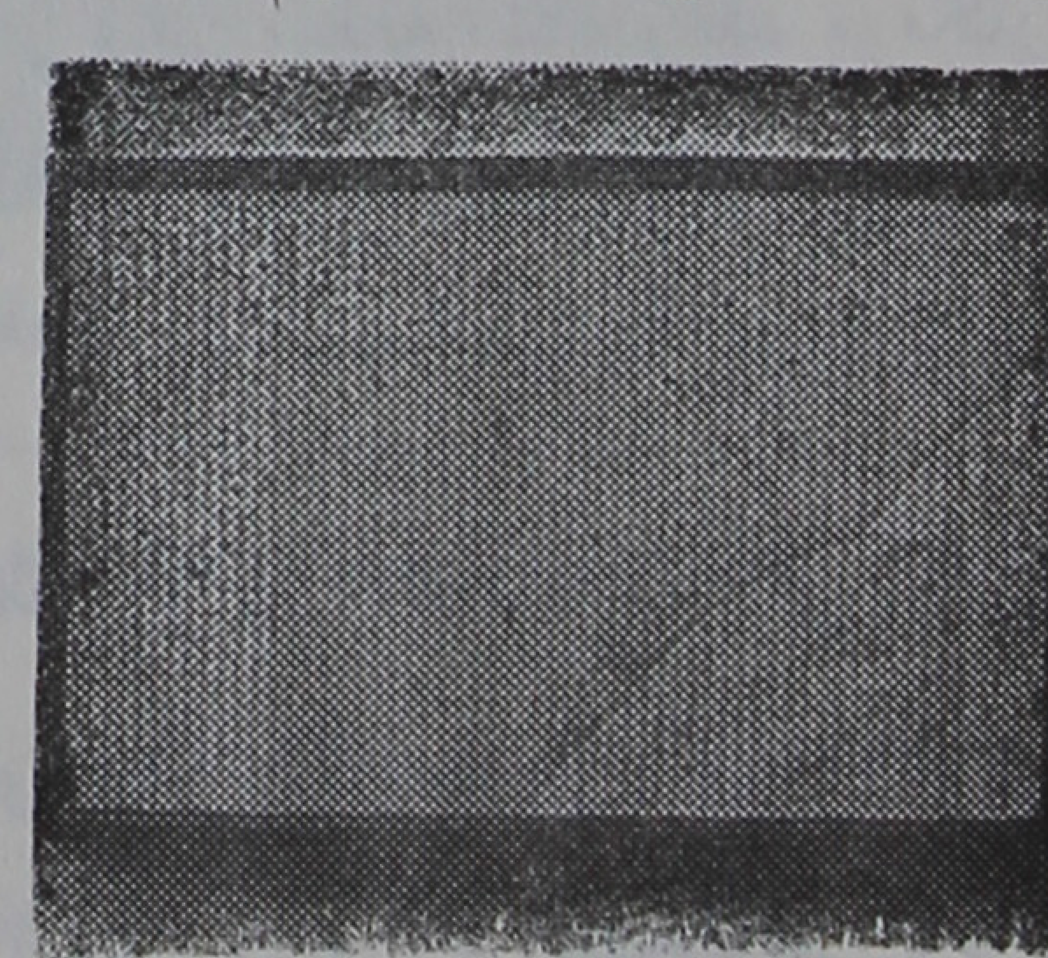
↗ ووار به معنای رودموسمی است و کاف علامت تصغیر موسم و وجه تسمیه این طسوج بدین نام آن است که در این منطقه چند رودموسمی کوچك است که درعین حال موجب عمران طسوج است زیرا با جریان موقتی آنها قنوات منطقه آبدار میشوند .

در قلعه را میانه لشگریان تقسیم نمود و سلطان زین العابدین در طهران بدست موسی جوکار گرفتار و تحت الحفظ بقم اعزام گشت و شاه منصور او را نابینا ساخته به فارس روانه گردانید.

زیرا واژه (سا) برخراجی اطلاق می‌شد که ملوک زیر دست به پادشاهان زبر دست خود تسلیم میداشتند بنا بر این یاخود قریه از ناحیه سلطان مغلوب به غالب واگذار گردیده است و یا همان غلات مدخر در قلعه از خراج جنسی جمع آوری شده بوده است که ساصرم خوانده شده است .

واز قلعه مزبور جز تل خاکی مشهود نیست و ممکن است که گفته شود مراد از قلعه همین حصار متین و مستحکمی است که در میانه اراضی مزروعی قنوات ورزنه و برهنه برفراز کوهی مخروطی شکل درسه درجه ساخته شده است و بارویش از سنگ و گچ و جدار عماراتش با خشتهای بزرگی به ابعاد ۴۰ در ۴۰ و قطر ۱۰ سانتیمتر بالا آمده است که گل آنهارا باکاه بسیار نرمی عجین ساخته‌اند.

واما تسمیه آن بنام سلم آباد یاسلیم آباد ناشی از اشتباه می‌باشد و این اشتباه فقط در لوحه خطی قاب شیشه‌ای موجوده دربقعه شاهزاده ابراهیم کا دریك فرسنگی این دهکده واقع است به چشم میخورد آنجا که داستان افسانه آمیز قتال امامزاده را بایعقوب عامل قم از ناحیه مأمون از دو کتاب مجهول نقل کرده از کشته شدن وی با فرزندش شاهزاده عباس و چهار هزار تن از یارانش در سلیم آباد خبر داده است که مراد نویسنده همین دهکده صرم است که صاد آن به سین تبدیل و سلیم آباد ضبط گردیده است.



تصویری از لوحه بقعه شاهزاده ابراهیم که با چشم مجهز خوانده میشود

این دهکده درمیانه دو رشته کوههای جنوبی و شمالی است که بواسطه بریدگیهای متعددی بصورت جبالی متفرد و غیر مرتبط بیکدیگر در آمده اند و در شکافهای رشته شمالی قنواتی نمودار است و در قله کوه آسیاباد شهره که دومین رشته جبال شمالی است دو سوراخ طبیعی

دیده میشود که سوراخ زیرین همانند درگاه یك اطاق وسوراخ زبرین بمثابه نور گیرند و درجلو و عقب آن درگاه زمینی تخت ومسطح دیده می‌شود ودر کنار هر تختی ریشه واساس یك بنا قابل تشخیص است که اهل محل آنها را از بقایای یك آسیاب که با باد کار میکرده است می‌دانند و معتقدند بین آن با دژ خور آباد و تختگاه آینده سیمی نقاله امتداد داشته است.

وبنظر می‌رسد که هنگام تشکیل اردوگاه قشلاقی از این جایگاه بعنوان یك پایگاه مراقبتی و دستگاه فرستنده وگیرنده خبری بوسیله اشعه و نور بهره‌برداری می‌شده است بویژه که رشته جبال اولیه که‌برابر این سوراخها و در صدارس آنها واقع است با ارتفاع ناچیزی دارای قله‌ای تخت و مسطح متناسب برای افراشتن چادرهای فرماندهان است مخصوصاً دریك جانب آن که مشرف بردشت است سرتاسر پایه‌هائی شاقولی بطور طبیعی از سنگ وجود دارد که‌به موقع پناگاهی آن مصداق می‌بخشد و سطح مستوی آن که پوشیده از قطعات شکسته کوزه وخم‌های سفالین است توأم باظهور آثار ساختمان از وجود دژی قدیمی دراین تختگاه حکایت میکنند مخصوصاً که ازدوسوی آن‌مظهر دورشته قنات جاری قرار دارند که قنات شرقی بنام ورزنه وقنات غربی بنام شادزنده یاشاه سلیمان خوانده می‌شوند.

وبقعه شاهزاده‌سلیمان که در مقصد سوم توصیف خواهد شد در دامنه همین کوه ونزدیك قنات مزبور واقع است وعلت اشتهار قنات وبقعه بشاه زنده برنگارنده مجهول است وممکن است که نام شاه سلیمان در اثر کثرت استعمال وتخفیف توأم با تحریف به‌این نام تبدیل یافته باشد.

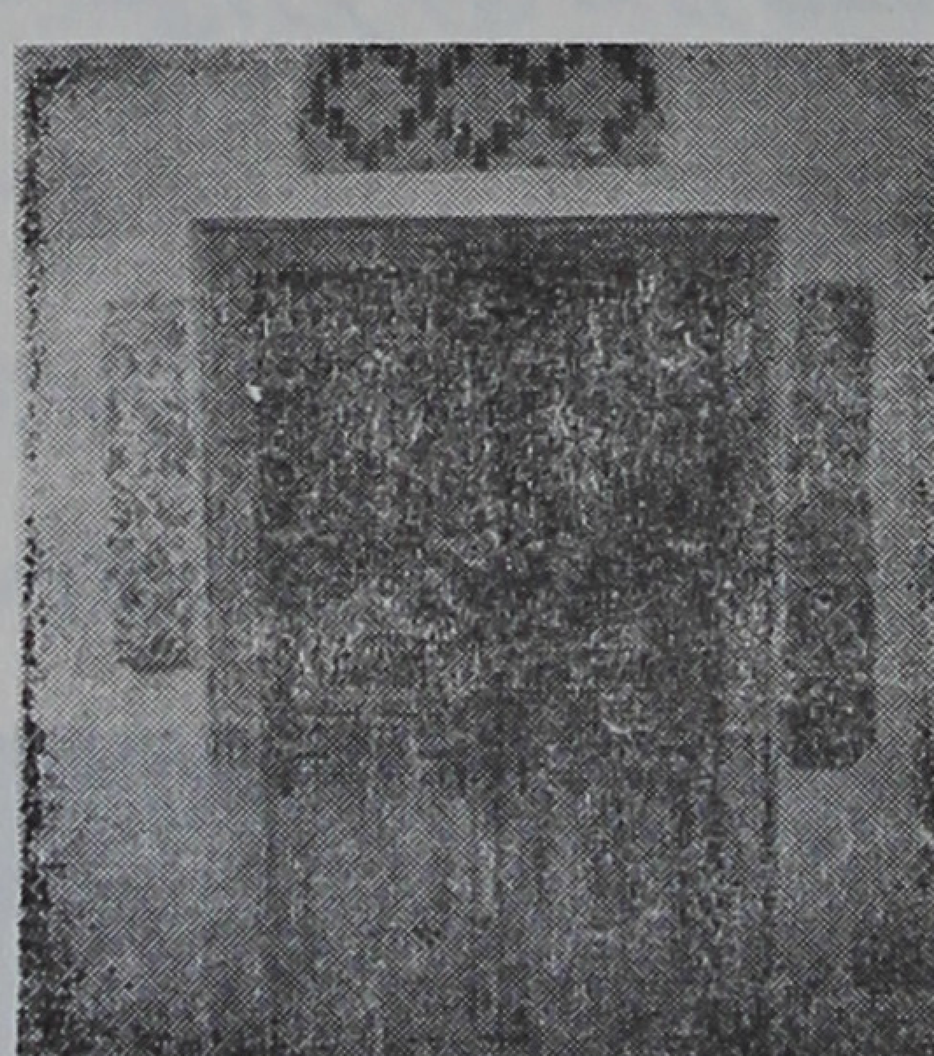
امتیازات منطقه صرم برای قشلاق

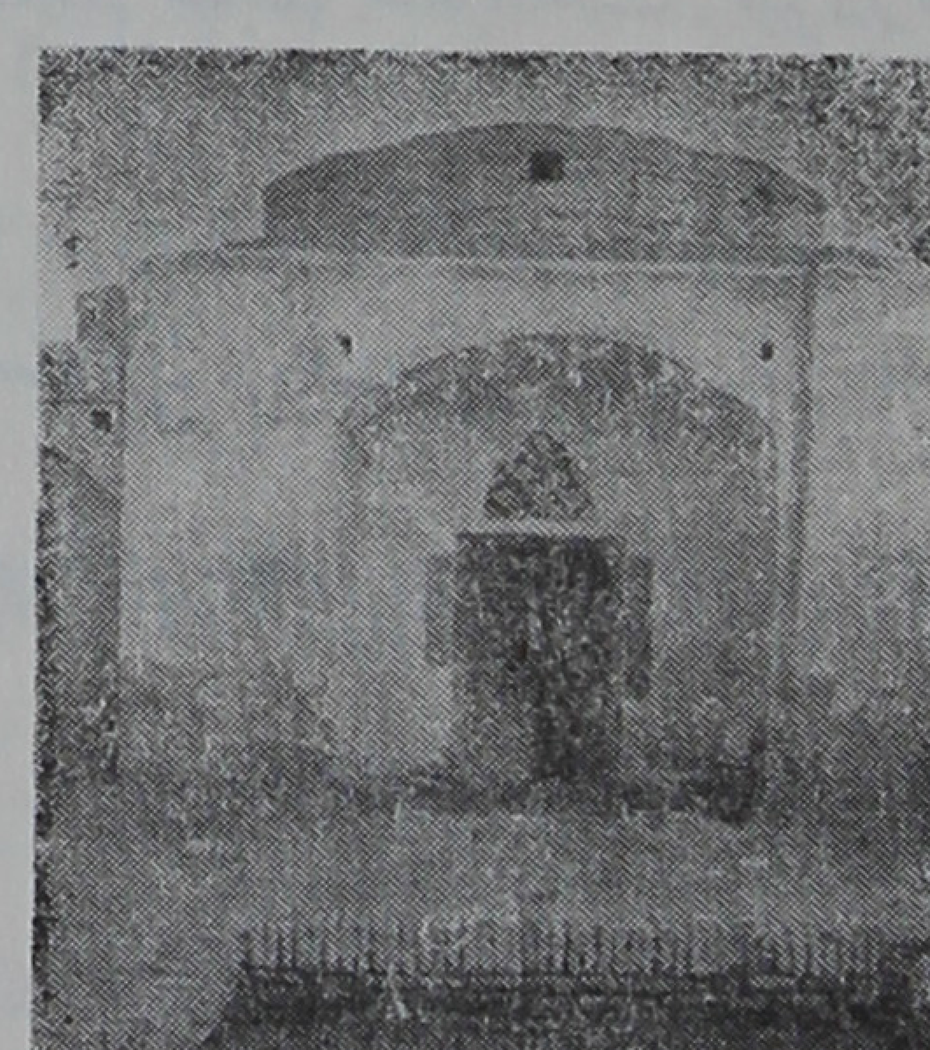
اما موقع ممتاز این منطقه برای جایگاه قشلاقی ملوك در سراسر خاك عراق عجم بواسطه‌جامعیت مزایای استثنائی با برخورداری از شرایط ایمنی و لوازم استحفاظی وقابلیت برای اتخاذ تدابیر احتیاطی وصلاحیت برای عملیات تدافعی

واقدامات تعرضی باداشتن میدان دید کافی چون میدان سوارکاری و تمرینات جنگی و پایگاه خبری و قرارگاه نظامی در کنار فرارگاه جمعی ازدره های پرعوارض وشیار و پوشیده از اشجار و قابل برای استتار توأم باسهولت تهیه آذوقه وعلوفه وتأمین تدارکات است که برمنطقه هندس (۱) در جالگه ساوه قم وخطه چرا (۲) امتیازاتی دارد .

وبدینجهت ملوکی که بامنش ایلی وخوی چادر نشینی هرسالی را بادورحله صیفی وشتوی نیمی را در قشلاق و نیمی را در ییلاق بسر میبردند منطقه صرم را برای مقرزمستانی برگزیده بودند همانطوریکه دامنه البرزرا درهمدان برای اقامت تابستانی اختیار کرده بودند ودر این دو منطقه بزم دود ودمی بپا میداشتند وبه صید وشکار میپرداختند .

وازملوکی که دراین منطقه قشلاق می کردند ، نخست سلطان برکیارق بود که دشمنان خودی وبیگانه فراوان داشت و در دوران سلطنت خود پیوسته با جنك و ستیز سرگرم بود که بصلاحدید مجدالملك قمی این منطقه را اردوگاه ساخت چنانکه





دوتصویر ازقبه ومدخل بقعه حلیمه خاتون لنجرود مربوط بهصفحه ۵۱۹

---

۱ ـ هندس بهکسر های هوز وسکون نون وکسر دال مهمله وسکون سین بی نقطه در دامنه جبال جنوبی ساوه است .

۲ ـ چرا بفتح جیم سه نقطه فارسی وتشدید راء مهمله نام منطقهایست میانه ساوه و تفرش وفراهان .

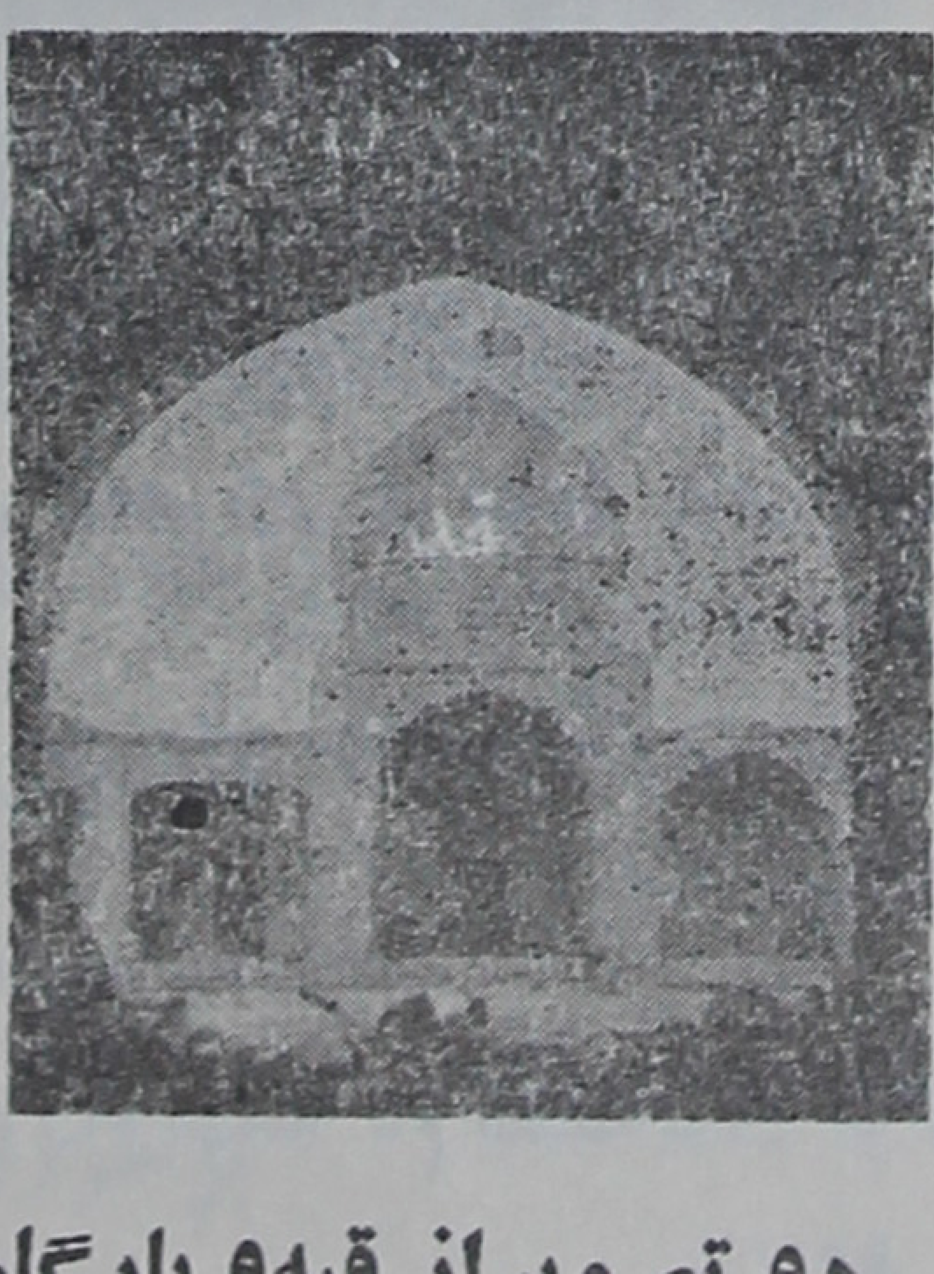
چندسال علاوه بر زمستانها تابستانراهم در صرم بگذرانید در نتیجه پایگاه فدائیان الموتی در کوه‌های جنوبی شهر (از کوه‌خضرو کوه قزقلعه‌سی) برچیده شد و مقر آنان‌در تصرف سپاهیان‌قرار گرفت .

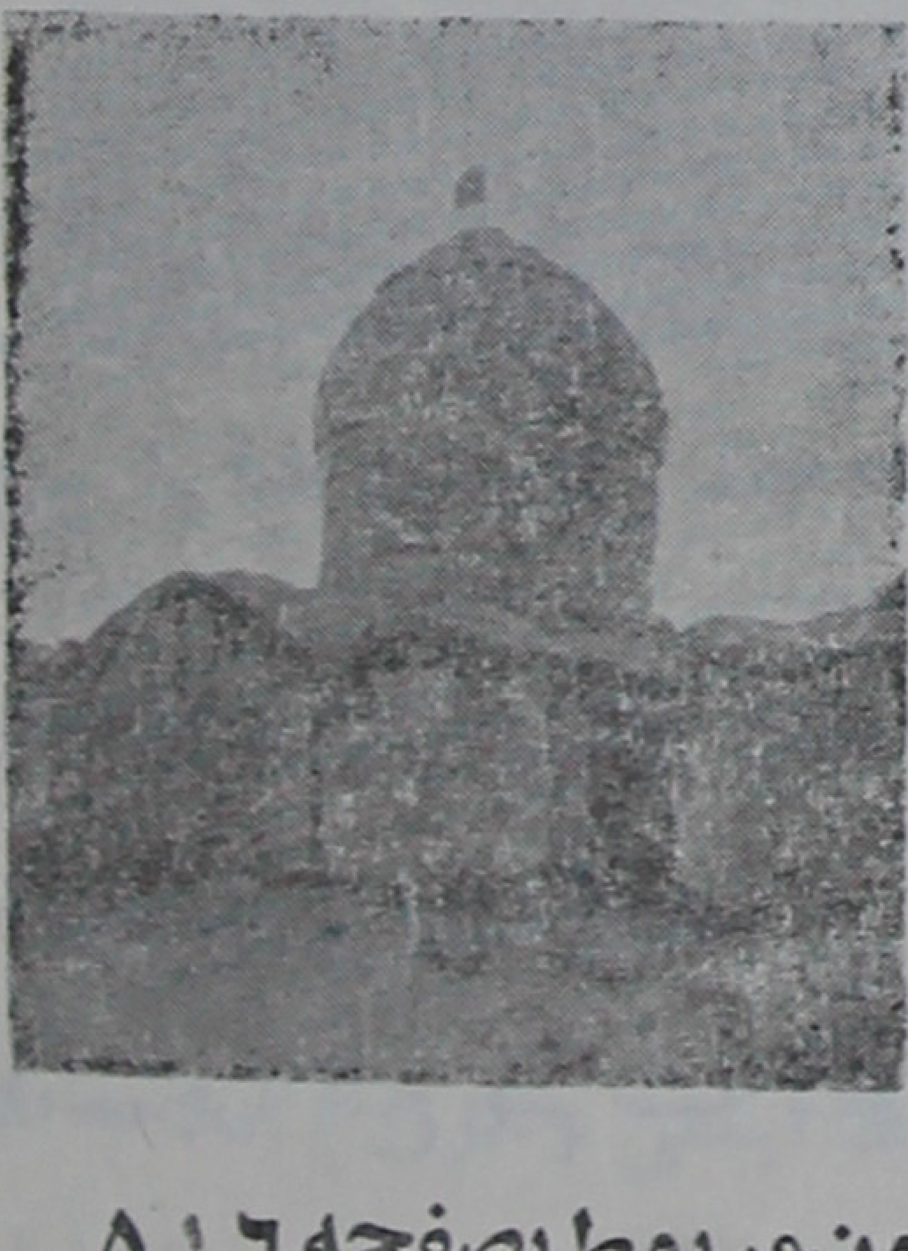
اما بر کیارق درشهرری پس از محاربه باعم خود تتش خان‌و غلبه‌بر آن‌چون بضرب کارد فدائیان از فراز زین بر زمین افتاد هر چند این زخم کارگر نیفتاده جراحت وارده التیام پذیرفت ولی‌بر کیارق‌متنبه‌گردیده دیگرمتعرض آنان‌نگردید .

چندانکه فدائیان در مقام حمایت‌از او هنگامیکه اتزغلام ملکشاه که‌خود را پسرخوانده آن‌پادشاه‌خوانده علیه بر کیارق قیام و لشگر کشی کرداورابین ساوه و قم بضرب کارد بهلاکت رسانیدند و آتش این فتنه بدون جنك و خونریزی منطفی گردید .

و چون اردوگاه بر کیارق در منطقه صرم بود بعقیده نگارنده قتلگاه مجدالملك قمی‌وزیر وی که درقهستان عراق‌عجم ضبط شده‌است نیزدرهمین‌منطقه بوده است .

و پس ازوفات بر کیارق هم یکچند سلطان محمد برادرش در صرم قشلاق داشت و بعداز آنهم سلطان محمود فرزنداو هنگام محاربه باعم‌خود سلطان سنجر





دو تصویر از قبه‌و بارگاه سکینه‌خاتون‌مربوط‌بصفحه ۵۱۶

در همین منطقه اردوگاه داشت و در همین نقطه هم وزیرش بضرب کارد فدائیان بهلاکت رسید .

ودر دولت تیموریان هم درهرزمان که قم دارالسلطنه عراق بود صرم اردوگاه ملوك مزبور ازجمله پیرمحمد و سلطان محمد بود.

ودر سلطنت ترکمانان هم در هرجا که شهر قم بعنوان قشلاق ایشان نامبردار شده است مقر قشلاقی آنان صرم بوده است .

اماملوك ترکمان دو طایفه بودند نخست قراقویونلو (۱) یعنی قرایوسف و فرزندش سلطان جهانشاه که به جز خراسان سراسر کشور ایران را زیر نگین گرفت و درسال ۸۷۱ درصرم قم قشلاق داشت وچون نامبرده در سال ۸۷۳ در دیار بکر گاه محاربه با اوزن حسن آق قویونلو (۲) بقتل رسید نامبرده ازطایفه دومی فرمانروای ایران شدند.

و سلطان اوزن حسن پس از کشتن سلطان ابوسعید درقراباغ بقم آمده قشلاق کرد وصرم را اردوگاه ساخت ودر همین سال مجلس امتحانی تشکیل داد که خواجه برهان الدین را بسمت وزارت مقدم خود برگزید و ماجرای آن باداستان کشته شدن آنوزیر ضمن توصیف گنبد وی درباغ گنبد سبز نگاشته شد .

و اوزن حسن قبل از نیل بمقام سلطنت چون به شیخ جنید صفوی ارادت میورزید خواهر خود خدیجه بیکی راباوی تزویج کرد وبعداً دختر خود علمشاه خاتون را به شیخ حیدربن شیخ جنید کابین بست که ازبطن وی شاه اسمعیل بوجود آمد و چون اوزن حسن درسال ۸۸۲ وفات یافت وفرزندش سلطان جهانشاه درنخستین سال سلطنت و سالهای ۸۸۵ و ۸۸۶ صرم را مقر قشلاقی خود گردانید ودرسال ۸۹۲ درگذشت ونیز فرزندش سلطان یعقوب نیز در صرم قشلاق کردو کاخ دولتخانه رادرشهر بنیاد نهادو

---

(۱) این طایفه روی بیرق خود تصویری ازگوسفند سیاه نقش کرده بودند و بدینجهت بنام قراقویونلو معروف شدند.

(۲) این طایفه گوسفند سفید روی بیرق خود نقش می کردند که بنام آق قویونلو خوانده میشدند.

خوددرسال ۸۹۷ بدون فرزند جوانمرگ گشت .

وبرادرش سلطان مراد درعراق فرمانروا شد که درهمدان باشاه اسمعیل به محاربه پرداخته سرانجام باداون ده هزار کشته بگریخت.

ودر سال ۸۹۷ الوند سلطان فرمانروای آذربایجان بعراق لشکر کشیده در صرم قشلاق کردوسال بعد آیبه سلطان قاتل سلطانعلی برادر شاه اسماعیل نیز این منطقه را مقر قشلاقی خویش گردانید .

وشاه اسمعیل هم فقط درسال ۹۱۱ که مشغول کشور گشائی بودچون بقم نزول کرد خوددر کاخ دولتخانه احداثی سلطان یعقوب اقامت گزید وصرم را اردوگاه گردانید که مقام را گنجایش اطاله کلام نیست وچون ضمن توصیف گنبدعشقعلی دراین زمینه مطالبی نگاشته خواهد شددراینجا به مقدمه خاتمه داده بتوصیف آثار تاریخی صرم میپردازد.

مقصد نخست

در توصیف گنبد سلطان محمود صرم

نام ونسب سلطان محمود

در گنبد مورد نظر که در جهت شمال غربی و خارج دهکده صرم واقع است سه تن دومرد به اسامی سلطان محمود و شاهزاده سلیمان از احفاد امام سجاد ویك زن بنام ستی زینب از احفاد امام کاظم مدفونند که برای نخستین بار نگارنده بااستفاده از قرائن وباقید احتمال از فراز نسب نامه سلطان محمود مزبور پرده برمیدارد.

سلطان محمود فرزند محمد بن زید بن علی الاکبر ابن محمد السلیق ابن عبیدالله بن محمد بن الحسن بن حسین الاصغر بن امام زین العابدین است وچه بسا زینب زوجه وی و سلیمان فرزند او باشد.

وبنابراین نامبرده رااز چهره های تابنده طالبیه و در شمار ملوك موقت اهواز میخواند که خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود.

چه که وی در آغاز شباب از مدینه طیبه بجانب عراق هجرت کرده در بصره رحل اقامت بیفکند وبواسطه محاسن خلقی وخلقی توأم باتقوی وپرهیز کاری گروهی بدو گرویدند وطوق ارادتش رابگردن کشیدند وبالیاقت وکفایتی که داشت بایاران خود درباره خروج علیه دستگاه بمشاورت پرداخت وچون بروفاو پایداری آنان اطمینان

یافت از بصره بسوی اهواز متوجه گردیده علیه الواثق بالله عباسی در سال ۲۹۸ قیام کرد و در اندك زمانی بر بلاد شوش و شوشتر و دزفول سلطه یافت و در سال ۲۹۹ بر شهر واسط که مرکز حکومت خوزستان بود حمله برد و بهر کیفیت آنشهر راهم تسخیر کرده بداخل حصار درآمد .

در این موقع خلیفه متوجه اهمیت ماجرا گشته امیر حسین بن سهل بن عبدالله جرشی رابا نیروئی متناسب برای سرکوبی وی گسیل داشت و نامبرده واسط را در محاصره گرفته بین الطرفین جنگهای شدیدی بوقوع پیوست که جمع کثیری هم ازدوجانب بقتل رسیدند و سرانجام سلطان محمود منهزم گردیده یاران را وداع گفت و از تاریکی شب . استفاده کرده از واسط بیرون آمده بسوی قم که مرکز اصحاب وفاق بود متوجه گردید امااز خوف ارباب نفاق دور از شهر در دهکده صرم مختفی میزیست و نام و نسب خود را مستور میداشت .

در همین خلال سیده زینب موسوی را به حباله نکاح کشید واو را از بطن وی پسری بوجود آمد که بنام سلیمان نامیده شد .

واین خاندان یکی پس ازدیگری وفات یافته در این نقطه بخاك سپرده شدند بنا براین در گنبد مورد نظر سه نفر به اسامی سلطان محمود و شاهزاده سلیمان سجادی وسیده زینب موسوی مدفونند .

علیهذا شاهزاده زید مدفون در گنبد غربی چهل اختران جدوی میشود وعلی الاکبر مدفون در تجریش هم جد اعلای اوست .

بقعه

بهر صورت قاعده گنبد مورد نظر ازخارج هشت ضلعی آجری ساده واز داخل بصورت مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۵ وارتفاع ۸ متر است که در هر ضلعی شاه نشینی ساخته شده از هر شاه نشین هم دری بخارج گشوده میشود .

ودرچهار زاویه بقعه نیم طاقی بالا آورده صورت مربع را بهیئت هشت ضلعی نامرئی مبدل ساخته بلافاصله باایجاد چند رسمی بندی بشکل فلکه‌ای درآورده پاطاق پوشش عرقچینی را بالا برده اند .

وجدار بقعه سفیدکاری ساده وبدون تزیینات هنری است .

وبرفراز بقعه گنبدی است عرقچینی که سطح آن آجر فرش شده است ودر جانب شرقی وشمالی آن ایوانی است ساده و در جهت جنوبی آن رواقی است چشمه پوش مرکب ازسه قسمت که تهی از مزایای هنری است .

مقصد دوم

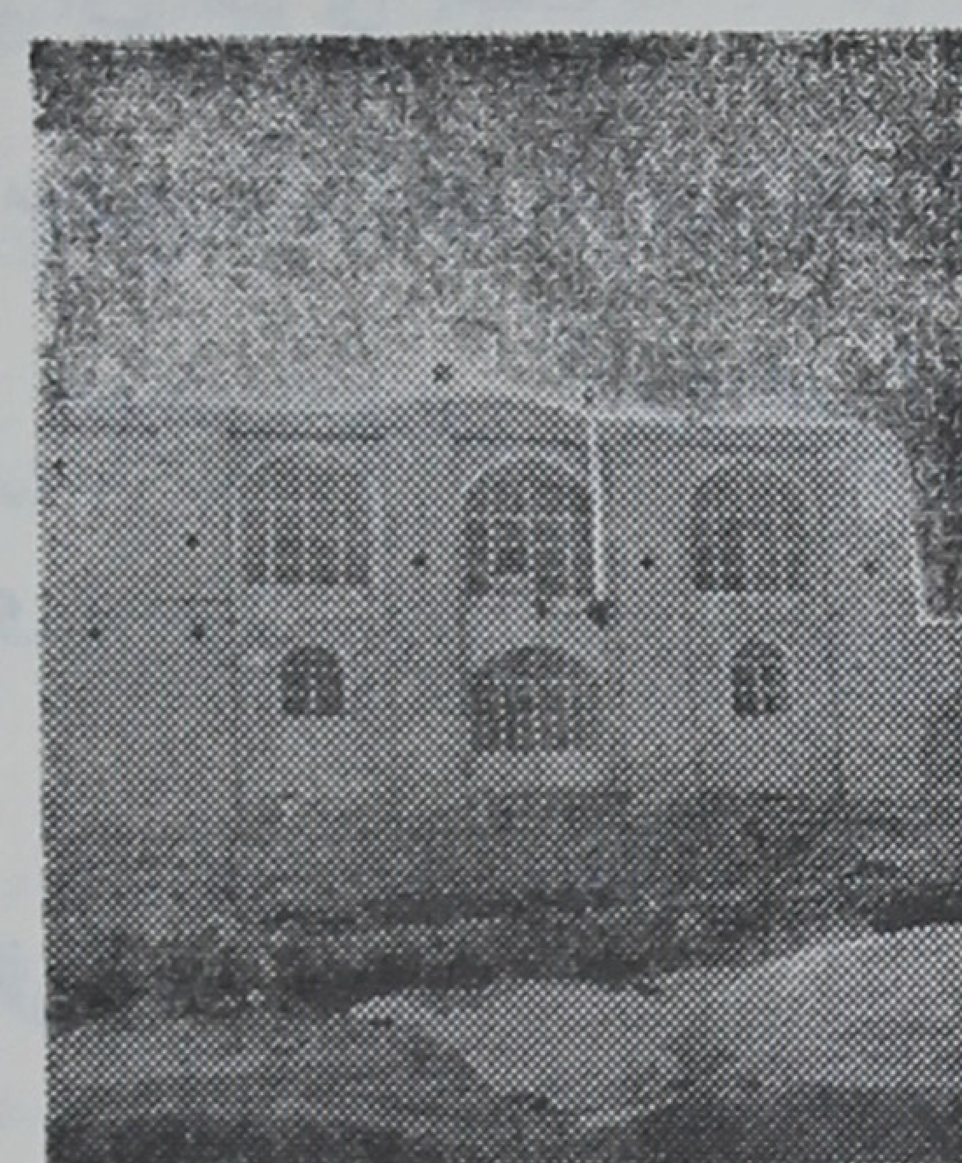
در توصیف مسجد تاریخی قریه صرم

مسجد تاریخی صرم در کنارو داخل دهکده صرم واقع و برباغهای آن مشرف است و هر چند که از آثار قرن یازدهم است ولی در این بخش به تبع گنبد یاد شده توصیف میگردد.

این مسجد مجلل که موجب شهرت نام این دهکده شده است دارای مقصوره‌ای زیبا بصورت چهار ضلعی متساوی باجدار ساده آجری به دهانه ۹و ارتفاع ۱۲ متر است که در چهارگوشه آن نیم طاقی بالا آورده صورت مربع را به هشت ضلعی نامرئی تبدیل و بازدن چند رسمی بند بشکل فلکه‌ای درآورده پاطاق پوشش عرقچینی و رسمی بند آجری آنرا بالا برده‌اند .

ودر اضلاع شمالی وغربی آن هر طرف سه صفه زیبا وروی آن سه غرفه خوش منظر و مصفا با پوشش‌های تخت ساخته شده است و ازهر یك دری عادی یا سراسری به خارج گشوده میشود ومدخل مسجد از صفه وسطی در ضلع شمالی است که این صفه‌ها منزلگاه مسافرین وجایگاه معتکفین است .

وجلو آن یك مهتابی به وسعت ۱۲ در ۸ متر است و در قسمت تحتانی آن مسجدی است مشتمل بر شش چشمه در دو ردیف بر فراز دو ستون مضلع آجری که نیز از آثار باستانی است .



تصویری از صفه‌ها و غرفه‌های غربی مسجد صرم



تصویری از ایوان مدخل مسجد متضمن لوحه سنگی

و بر فراز مقصوره مسجد بزرك گنبدی نیمه بیضی و آجری است .

و صفه وسط از ضلع شمالی را که مدخل مسجد از مهتابی مزبور است بصورت ایوان مورد استفاده قرار داده‌اند و درب مسجد در زیر آن گشوده می‌شود و در سینه اسپر این ایوان و نزدیك درب ورودی در طرف چپ وارد لوحی سنگی بکار برده شده است .

در این لوح کتیبه‌ایست بخط ثلثی برجسته که ابیات ذیل در سه قافیه و دو بحر روی آن حجاری شده است.

حاجی صرمی از ره اخلاص	مسجدی ساخت بهر عامه و خاص
ملك از آسمان نزول کند	بهر این مسجد تمام خواص
سال تاریخش از خرد جستم	گفت حمدی و سوره اخلاص

* * *

سال تاریخش جستمی از عدل / گفت کز غیب آمـده کارش

۱۰۶۲

حاجی صرمی بنا کرد مسجدی / تا که باشد سجده‌گاه خاص وعام

وه‌چه‌مسجد رشك فردوس برین / قدسیان را باشد اندر وی مقام

هر که‌در وی سجده‌از اخلاص کرد / آتش دوزخ بود بر وی حرام

و پوشیده نماند که دوماده تاریخ فوق یك سال اختلاف دارند زیرا (حمدی وسوره اخلاص) باسال ۱۰۶۱ برابر میشود که‌شاید تاریخ‌شروع بناباشد درصورتیکه (غیب آمده) باسال ۱۰۶۲ که‌شاید تاریخ تکمیل بناباشد مطابقت میکند.

مقصد سوم

درتوصیف بقعه شاهزاده سلیمان

چنانکه اشاره‌شد این بقعه‌در دامنه رشته جبال‌شمالی دردو کیلومتری صرم کنار قنات شاه‌زنده واقع است.

این بقعه مدفن شاهزاده سلیمان از سادات حسینی سجادی است که از بناهای باستانی ولی محقر وتهی ازتزیینات میباشد که به‌آثار عصر سلاجقه میماند.

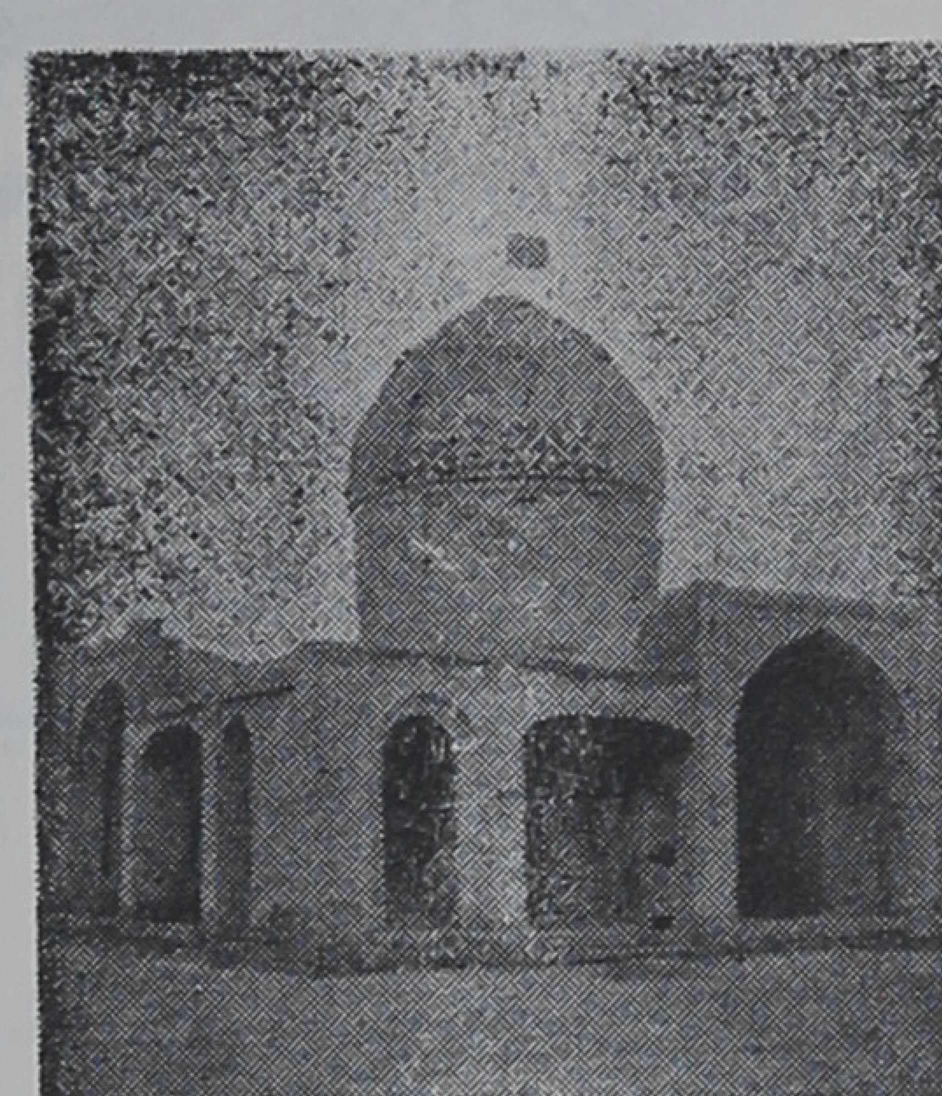
قاعده گنبد ازخارج برجی و بامصالح سنگ و گچی وغیرمساعت قبله میباشد و بعداً رواقی بر آن افزوده‌اند که‌مصالح آن بامصالح بقعه متفاوت است.

وازداخل بصورت مربع‌مختلف الاضلاع بدهانه ۳/۵۰ در ۳ وارتفاع ۴/۵۰ متر می‌باشد وجدار داخلی‌سفیدکاری ودارای‌دودرب ورودی درضلع غربی‌وشمالی وزمین‌بقعه‌مفروش از کاشیهای‌خشتی‌جدیداست که‌سطح آن‌از کف رواق‌غربی به‌اندازه یك مترارتفاع دارد.

وپوشش آن امرودی شکل‌وقبه‌اش عرقچینی گاه‌گلی است که از نقطه‌مرکزی

آن میله‌ای مضلع بارتفاع یکمتر واندی بالا آورده‌اند وجدار آنرا باکاشیهای خشتی پوشانده‌اند ودر ناف این میله پستوئی سفالی نمودار بود که اخیراً هیئت نباشان قبور آنرا شکسته اگر محتوائی داشته برده‌اند که اکنون جایش بازمانده است.

ودر ضلع شرقی بقعه طاقچه‌ایست چراغدان ودر قسمت پائین اسپر آن دولوح قبر باستانی و کوچك از سنگ سیاه نصب شده است که در حاشیه هر دو به خط ثلثی برجسته و مرغوبی صلوات بر معصومین و در متن آنها بخط برجسته نستعلیق اسامی متوفیان و تاریخ ۹۷۰ و ۹۸۹ حجاری شده است که میرساند در داخل این محوطه کوچك متوفیان در جوار قبر امامزاده به خاك سپرده شده باشند.



تصویری ازحجرات صحن سکینه خاتون و گنبد آن مربوط به صفحه ۵۱۶

ودر جانب شرقی بقعه اطاقی است بی‌سقف ومخروبه ودر شمالی آن ایوانچه‌ایست بعرض یك متر در دهانه ۳ متر و در غربی آن رواقی است که یکمتر پائین تر از سطح بقعه است که دریچه بقعه در ارتفاع یکمتری بدون پله قرار دارد ودر یکجانب مدخل بقعه یك پارچه کاشی خشتی بزرگ نخودی رنگ به سینه دیوار نصب شده است که روی آن بـه خط ثلثی ممتاز و برجسته‌ای اسامی محمد وعلی بطور تکراری خوانده میشوند و درزمینه آنهم اسامی مشابهی به چشم میخورد.

فصل پنجم

در توصیف گنبد چهارامامزاده شهره در قم

گنبد موردنظر که زمانی بنام بقعه چهار امامزاده وزمانی بنام امامزاده ملا آقا
بابا خوانده می‌شود درجانب شمالی وخارج شهرقم ودر ردیف خاکفرج وگنبدهای
شاهزاده ابواحمدبن محمدحنفیه وشاهزاده سیدعلی واقع است که بااحداث خیابان
کمربندی از موقع ارجمندی برخوردار می‌گردد.

نام ونسب مدفونان در آن

دراین گنبد بحکایت نامش چهارامامزاده مدفونند ومدفونان
در آن بقعه به اسامی ابو عبدالله حسین و ابو محمدحسن
وابو علی محمد وابوطالب محسن میباشند که ابو عبدالله
حسین پدر سه‌تن بقیه وفرزند علی بن عمربن حسن الافطس
ابن علی الاصغرابن امام زین‌العابدین است که داستان هجرتش از اصفهان بسوی قم
باچند نفر وانتقالش ازقم به‌آوه ومراجعتش بقم ضمن توصیف گنبد فرزندانش طیب
و طاهر مسطور افتاد و نگاشته‌شد که باداشتن دوفرزند دیگر به‌اسامی طیب وطاهر
موجبی ندارد که‌صاحب انوارالمشعشعین ابوعبدالله حسین‌را بلقب طیب وفرزندش
محسن‌را به‌لقب طاهر ملقب سازد تادربقعه‌ایکه بنام طیب‌وطاطر مشهوراست مدفون
بخواند مخصوصاً که‌طیب‌وطاهردوفرزنداوهستندوبالاخص که مدفن حسین‌ومحسن
هم‌دراین گنبدمصرح است.

وتوضیحاً مینگاردکه تصریح صاحب بدایع الانساب بردفن ابراهیم بن محمد

ابن‌حسن بن‌ابراهیم‌بن احمد بن موسی الابرش‌ابن محمدبن‌موسی ابی‌السبحه ابن ابراهیم المرتضی ابن امام کاظم درخاکفرج ناشی ازاشتباه است زیرا مدفن وی در غربی قم دراراضی مزدیجان است که‌توصیف گردیدمگر آنکه‌اراضی خاکفرج‌را چندان توسعه‌دهیم که‌گنبداوراهم‌فراگیردو بهرصورت‌باگنبدمورد نظرانطباقی ندارد.

بقعه امابقعه مورد نظربشهادت‌سبك بنای داخلی وساختمان‌گنبد وسادگی جدار ونحوه تبدیل وتبدل ازمضلع به‌فلکه‌ای از آثار قبل از صفویه بنظر می‌رسد هرچند که‌کمربند مضرس داخلی بقعه به تزیینات‌شاه‌طهماسب صفوی میماند.

بهرصورت قاعده گنبد ازخارج هشت‌ضلعی‌ساده‌و آجری واز داخل بصورت چهارضلعی‌متساوی باجدار سفیدکاری بدهانه ۵/۵۰ و ارتفاع ۹متر است که‌درهر ضلعی شاه‌نشینی بدهانه۳و عرض یك متر ساخته شده است واز هر شاه‌نشینی هم دری و پنجره ای بخارج گشوده‌میشده است که‌بجز درگاه شرقی جلو بقیه را



منظره عمومی گنبد وبقعه چهارامامزاده

مسدود ساخته‌اند.

و در داخل این بقعه از آثار گچبری یك کمر بند مضرس دیده می‌شود که بغله‌ها واسپر شاه‌نشین راهم زینت بخشیده است.

وبالای آن در چهار زاویه بقعه نیم‌طاقی بالا آورده صورت مضلع مربع را بازدن چند رسمی بند به‌هیئت فلکه ای تبدیل کرده‌اند و پاطاق پوشش عرقچینی‌را بالابرده‌اند.

گنبد

وبر فراز بقعه‌گنبدی هرمی‌وشانزده‌ترکی به‌ارتفاع ۹ متر وقطر ۷ متر آراسته به‌کاشیهایی دوالی فیروزه‌ایست که درحسن‌منظروزیبائی پیکر بر قبه‌های‌عصر صفویه امتیازداردمتأسفانه قسمتی از بدنه‌و کاشیکاری تارك آن فرو ریخته که تجدید وتعمیر آن ضروری است.

این گنبد دارای عنقی شانزده ضلعی بانمابندی آجری است که با افزایش آن ارتفاع گنبد ۱۱ متر میشود ودرجانب شرقی بقعه ایوانی بدهانه ۴ و عرض ۳ وارتفاع ۶ متر باجدارسفید کاری وپوشش‌رسمی‌سازی‌میباشد.

وجرزهای‌آن‌آجری است که‌قسمت بالای آنها کاشیکاری‌ولچکیها وجبهه‌آن نیز آراسته به کاشیهای دوالی است که درعصر صفویه بر بنای بقعه الحاق گردیده است وتعمیر آن ضروری است.

ودر طرفین ایوان دوحجره ساده برای سکنای خادم است.

ودر چهار جانب گنبد محوطه وباغچه مصفائی است که تبدیل آن به‌صحن وحجرات چهار جانبه بانقشه مهندسی بسود بقعه‌وعامه‌می باشد.

فصل ششم

در توصیف گنبد پنج امامزاده و شنوه

گنبد موردنظر معروف به‌بقعه شاهزاده‌هادی در جهت شمالی وخارج دهکده وشنوه (۱) برابر خیابانی مشجرومصفا مشرف بردره مستور از اشجار واقع‌است.

این‌قریه بهترین نقاط ییلاقی قم وهوایش لطیف و آبش شیرین ولی سنگین ودر سرزمینی است محاط به‌جبال مرتفع در نتیجه ازبادهای تند و زننده مصونیت دارد چنانکه شعله شمعی در فضای آزادش بدون لرزش و ریزش اشك میسوزد و مزرعه اول (۲) باداشتن ویلاهای زیبا از مرکزیت خاصی برخوردار میباشد.

نام پنج تن مدفونان در گنبد

در این گنبد پنج امامزاده از احفاد سه امام بـه اسامی شاهزاده هادی وستی شهربانو ازاحفاد امام سجاد وحلیمه خاتون ورقیه خاتون ازاحفاد امـام باقر وزینب خاتون از احفاد امام کاظم مدفونند که نسب نامـه آنان در دست نیست وچنین گویند که ستی شهربانو خواهرشاهزاده‌هادی وبقیه‌یکی‌پس‌ازدیگری‌ز وجات‌وی بوده‌اند.

---

۱ ــ وشنوه به کسر واو وسکون شین منقوط وفتح نون وواو وسکون هاء.

۲ ــ اول بفتح الف وکسر واو وسکون لام.

واز بیت آتی الذکر که ذیل اذن دخول در قاب آینه خوانده میشود چنین بدست میآید که شاهزاده هادی شهیدار ه کفار شده است که این خبر افسانه آمیز از اخبار سینه بسینه مردم محلی اخذ شده است .

این بقعه محاط به دو صحن و حسینیه و تالار هائیست که ذیلا توصیف میشوند .

صحن

اما صحن جنوبی بوسعت ۲۰ در ۱۰ متر دارای شانزده حجره مسکونی و مدخلی باسردری تیرپوش و کریاسی باچند غرفه خوش منظر وحوضی در کنار چاه آب میباشد که بیتوته در حجراتش قبل از سمپاشی یافراهم داشتن امشی بواسطه فزونی حشرات طاقت فرساست .

وصحن شرقی مشجر ودارای ده حجره نوبنیان فقط درضلع جنوبی است .

بقعـه

اما بقعه بشهادت سبك بنا از آثار قبل ازصفویه وقاعدهٔ گنبد ازخارج برجی بامصالح سنگ وگچی وازداخل بصورت هشت ضلعی مختلف الاضلاع بهدهانه ۴/۵۰ متر است که درجهات فرعی آن چهارجرزهریك بطول ۱/۲۰ متر ساخته شده است که سنگینی گنبد را بردوش گرفته اند و درجهات اصلی آن چهار صفه هریك بدهانه ۲٫۵۰ متر نمودار است که ازهر صفه ایهم دری بخارج گشوده میشود .

ازاره بقعه بارتفاع یکمتر ازخشت‌های سیمانی تعمیری وبالای آن گچکاری و به رنگ آسمانی ومزین به نقوش رنگ آمیزی شده باتصاویرطیور است .

وبالای پوشش صفه‌ها صورت مثمن به شانزده ضلعی مبدل وروی آن بصورت فلکه‌ای درآمده باطاق پوشش عرقچینی بالا آمده استوسطح قوسی پوشش نیز آراسته به نقاشیهای رنگین زیبائی میباشد .

مرقـد

ودر وسط بقعه ضریحی آبی رنگ ازچوب مشبك است و درون آن مرقدی آراسته بـه کاشیهای خشتی فیروزه فام تعمیری است که کتیبه‌ای هم ندارد وصندوق نفیس ومنبت روی مرقد در اثرسقوط شمع بکلی سوخته است .

منبر منبت

در این بقعه از آثار نفیس باستانی منبری است که کلیه پلها و پایه‌های منبت و مزین به کتیبه‌های گوناگون افقی و عمودی آن بخط برجسته ثلثی متضمن سور کوچك قرآنی وصلوات کبیره و نام شاه اسمعیل صفوی و تاریخ (عشرین و تسعمائه هجری) است و تمام جدار آن از چهار جانب تنکه پوش است که روی آنها گره چینی در دل خانچه بندی توأم با قاب سازی بعمل آمده است و روی هر گروهی گل و بوته‌های برجسته منبت گردیده است.

که چون بقعه از آبادی خارج است و در شبهای زمستانی خادم کشیکی ندارد منبر مزبور به مسجد پاچنار درقلب قریه انتقال داده شده است تا از دستبرد و هرگونه خطر دیگری مصون بماند.

گنبد

و برفراز بقعه گنبدی هرمی و شانزده ترکی به قطر ۶ و ارتفاع ۸ متر آراسته به کاشیهای دوالی فیروزه فام با کتیبه‌هائی به خط بنائی از کاشیهای الوان است که درقسمت بالا روی هر ترکی اسامی جلاله و دروسط نامهای محمد و در پائین اسامی علی خوانده میشود.

و عنق آن به ارتفاع ۲ متر شانزده ترکی نمابندی آجری مزین به کاشیهای گرهی الوان و رنگ به رنگ میباشد.

ناگفته نماند که کاشیکاری این گنبد درحین بازدید نگارنده از ناحیه آقای حاج حسن معمار تحت تعمیر بود اما تعمیری با مهارت بر خلاف گنبد شاهزاده اسمعیل بیدقان که تزییناتش غیر فنی است و درحقیقت تخریب تلقی میگردد.

ایوانچه

و در جهت جنوبی بقعه ایوانچه ایست از الحاقات عصر صفویه با جدار ساده سفیدکاری و پوشش رسمی بندی به دهانه ۳ و عرض ۲/۲۰ و ارتفاع ۵ متر که به جای کفشکن بقعه میباشد.

ودر سینه‌اسپر آن جنب درگاه‌ورودی قاب آئنه ای بکار برده‌اند که‌در پشت شیشه آن لوحی متضمن اذن‌دخول ودرذیل آن دو بیت ذیل نوشته‌شده‌است.

این شاه شهید ارهٔ کفار است	مدفون به‌امر حق‌در این کهسار است
خواهی تو اگر پایه قدرش‌دانی	وی هادی دین احمد مختار است

درب منبت وزیر همین ایوان درمدخل بقعه یکزوج درب منبت‌مزین به کنده کاریهای جالب و کتیبه‌های متعدد بخط ثلثی برجسته دیده میشود که‌جدیداً ساخته و پرداخته شده است وروی آن‌عبارات (یاعلی ادرکنی) و (عمل میرزا حسن‌نقاش طهرانی رضائی) (التماس دعاداریم) منبت گردیده‌است.

وبانی وواقف درب‌مزبور کارنقاشی‌داخلی‌بقعه رانیز انجام داده‌است .

حسینیه ودرجانب شمالی‌بقعه حسینیه یارواقی‌است‌تیر پوش بطول ۱۲ وعرض ۵ متر وجلو آن تالاری است‌بادوستون چوبی وچشم اندازی زیاده خوش‌منظر ودرجانب غربی بقعه‌هم تالاردیگری است باچشم اندازجالب، ودربالای‌درب‌شرقی که‌بصحن‌مشجر گشوده‌میشود پنجره مشبکی قدیمی ازچوب نصب شده است .

فصل هفتم

در توصیف گنبد عشقعلی درقم

باذکر مقدمه‌ای درامور مربوطه

مقدمه

درکیفیت معنوی گنبد عشقعلی بااشاره به بنیاد خانقاه‌در قم

دراینکه گنبد مورد نظر مسجد است یاخانقاه تاحال هیچیک‌ازمؤلفین‌اظهار نظر نکرده‌اند لذاشایسته دیدکه برای نخستین‌بار ازفرازاین مجهول پرده بر داشته روشن سازد که‌این‌بنا بنام زاویه یاخانقاه برای فقراء ودرویشان بنیان گردیده است ومشمول‌مقررات‌تشریفی وتشریعی مسجدنمیباشد ومستندنگارنده‌براین‌عقیده علاوه برسبك ساختمان واستیل غرفه سازی آن‌و اضافه برنام‌عشقعلی که‌از القاب طریقتی خاصه صوفیان است ابیات‌میرجلی است‌که پس‌از بنیادگنبدمزبوراز‌ناحیه‌میرغیاث الدین حسین قمی سروده ودرترجمه حالات بانی آمده است بدین‌خلاصه که قطب

احداث زاویه ازناحیه میرغیاث الدین‌درقم

الاصفیاء میرغیاث الدین حسین‌قمی‌ملقب‌به‌عشقعلی‌ازاعاظم عرفاءو اکابراولیاءاست که‌مدت‌چهل سال‌در بلدةالمؤمنین قم‌برمسند ارشاد از فقراء دستگیری نموده خانقاهی بنیاد کردکه مادام‌العمرخوددرآن معتکف بودوبه خدمت‌علماء

وفضلاء ، صلحاء و فقراء ، وارد بن وصادرین قیام داشت و شاه اسمعیل صفوی بارها

به خانقاه وی در آمده باا و جانب تفقد و محبت بظهور میرسانید و در سال ۹۱۴ وفات

یافت و در گوشه همان خانقاه مدفون گشت و امیر الشعراء میر جلی را در تاریخ بنیاد

آن ابیاتی است که ذیلا نقل میشود .

چون ساخت بلطف قادر لم یزلی	این زاویه راغیاث دین عشقعلی
تاریخ بنای آن چو از روی صفا	جستند ز میر شعراء میر جلی
از باطن اولیاء مدد جست و نوشت	این زاویه از قطب زمان عشقعلی

که این ماده تاریخ باسال ۸۸۷ برابر می‌شود مشروط بر اینکه بصورت معما از

باطن اولیاء مددی گرفته نشود چه که با استمداد از آن لااقل حرف یا برابر باده

بر حاصل جمع افزوده میشود و باسال ۸۹۷ برابر می گردد اما با اخذ حرف لام باسال

۹۱۷ که سه سال بعد از رحلت بانی است انطباق می پذیرد .

بهر صورت خانقاه عشقعلی در طول دو قرن همواره مرکزیت داشته مجمع

عرفاء و فقراء بوده مشایخ بزرگی چون شیخ مجدالدین محمد(۱) وقطب الاصفیاء

سید محمد نوربخش و فرزندش سید قاسم فیض بخش و عرفای ناموری چون بافقی

یزدی و ملک شاعر قمی والهی شاعر قمی از آن برخاسته‌اند که در طریقت از سلسله

هدایت شیخ صفی الدین اردبیلی متوفی بسال ۷۳۶ بوده‌اند واوهم از سلسله شیخ

تاج الدین ابراهیم زاهد گیلانی متوفی بسال ۷۰۰ که قبرش در میانه رشت و لاهیجان

مزار فقراء است شمرده شده است .

و در این سلسه اقطابی چون شاه نعمت الله ولی پدیدار شدند که خود مؤسس

سلسله جدیدی بودند و پس از او شیخ جنید صفوی چنان نفوذ معنوی یافت که

(۱) شیخ مجدالدین از خواص ندماء سلطان علی صفوی است که هنگام قتل وی همراه او بود.

اوزن حسن آق قویونلو (۱) فرمانروای دیار بکر طوق ارادت و تبعیت ویرا بگردن کشیده خواهر نیکوکار خود بلقیس العهد خدیجه بیگی را بدو تزویج کرد که از بطن وی سلطان حیدر صفوی بوجود آمد (۲).

وشیخ جنید در سال ۷۵۹ بقصد کشور گشائی قیام کرد و با کمك اوزن حسن بر طرابوزان حمله برده آن خطه را مسخر گردانید و سپس بسوی شیروان لشگر کشی کرد و پس از نبرد شدیدی با امیر خلیل شروانشاه در اثنای جنگ هدف تیر وی گردیده بقتل رسید (۷۶۰ هجری) .

واوزن حسن از این فاجعه زیاده اندوهگین گشت و خواهرزاده خود سلطان حیدر صفوی را تقویت نموده دختر یگانه خود علمشاه خاتون را بدو کابین بست که شاه اسمعیل از بطن وی بوجود آمد .

سلطان حیدر پیروان خود را باسرپوش سرخی متوج گردانیده لشگر قزلباش را تشکیل داد و شوکت و قدرتی کسب کرد و مخصوصاً از سال ۸۸۲ کـه سلطان جهانشاه قراقویونلو فرزند قرایوسف ترکمان پادشاه ایران به دیار بکر لشگر کشید واوزن حسن ویرا بقتل رسانیده برسراسر کشور ایران بجز خراسان سلطنت یافت و کار سلطان حیدر اوج گرفت .

وچون اوزن حسن بسال ۸۹۲ وفات یافت فرزندش جهانشاه جایگزین وی گردید اما پس از یکسال و اندی او نیز وفات یافت و فرزندش سلطان یعقوب فرمانروا گردید .

ودرهمین سال سلطان حیدر بقصد خونخواهی پدر بر شیروان حمله برد و امیر خلیل

---

(۱) آق قویونلو بمعنای گوسفند سفیداست واین سلسله چون روی پرچم خود گوسفند سفید نقش کرده بودند بدین عنوان خوانده شدند در برابر قرا قویونلو که گوسفند سیاه ترسیم میکردند.

(۲) انتساب بنیان گنبد شاهزاده ابراهیم قرب درب بهشت به این زن نیکوکار احتمالی مستبعداست.

منهزم و فراری گشته از سلطان یعقوب استمداد طلبید و نامبرده او را به مال و نفر تقویت کرده بازگردانید پس امیر خلیل به شیروان رسیده صف آرائی کرد و سلطان حیدر در مقابل وی قرار گرفته میانه آنان جنگی خونین بوقوع پیوست و در اثنای ستیز سلطان حیدر نیز تیری گشته بقتل رسید .

و سلطان یعقوب فرزندان وی سلطانعلی و شاه اسمعیل را بفارس طلبیده در قلعه‌ای محبوس داشت و در شهر قم کاخ دولتخانه را بنیاد کرد تا زمستانها در آنجا بسر برد .

ولی پس از چهار سال و نیم سلطان یعقوب جوانمرگ گشت و فرزندی هم نداشت و پس از مرگ وی امیر رستم بیك بر آذربایجان استیلا یافت و سلطان مراد فقط در همدان بحکومت یافت در این موقع امیر رستم سلطانعلی و شاه اسماعیل را از فارس به تبریز طلبیده در اردوگاه نگاه داشت .

و علمشاه خاتون گروهی از قزلباش را بحمایت وی در نقطه‌ای مختفی ساخته بدو پیام داد که از اردوگاه گریخته خویشتن را به ایشان برساند در نتیجه سلطانعلی باتفاق برادر شبانه راه فرار در پیش گرفته خودرا بقزلباش رسانید و بسوی اردبیل رهسپار گردید و رستم بیك چون برماجری وقوف یافت امیر آیبه سلطان را با گروهی در دنبال آنان روانه ساخت و نامبرده همچنان بشتافت تا با سلطانعلی تماس یافت و قزلباش بحمایت وی بدفاع برخاسته نزدیك بود که آیبه سلطان منهزم گردد که اسب سلطانعلی درحال پرش از فراز نهر آبی پایش لغزیده در آب سقوط کرد و سلطانعلی باگردن روی زمین افتاده استخوان ستون فقراتش بشکست و بلافاصله آیبه سلطان سر از تن وی جدا ساخت (۸۹۸) .

و شیخ مجدالدین قمی که همراه بود شاه اسمعیل طفل هفت ساله را در نقطه‌ای مختفی داشته مقدمات نقل جسد سلطانعلی را بسوی اردبیل فراهم گردانید و آیبه سلطان

درجستجوی اسمعیل برآمده چون اورا نیافت بسوی آذربایجان بازگشت .

بالجمله علمشاه خاتون نخست جسد فرزند را در جوار مقبره شیخ صفی الدین دفین ساخت و پس از انجام مراسم سوگواری بمنظور آنکه یگانه فرزندش اسمعیل ازدسترس مأمورین تجسس دور گردد تامباد در انتقال از خانه ای بخانه دیگر آفتابی ودستگیر شود ناچار او را بهمان شیخ مجد الدین سپرد تا به گیلان برساند و به سید جلال الدین اشرف برای حفاظت و حراست و همچنین تعلیم و تربیت بسپارد (۸۹۹) .

این بزرگوار که تاریخ میلادش موافق نامش (سید جلال الدین اشرف) برابر ۸۱٤ است با مقبولیت عامه ومحبوبیت تامه پیشوا ومقتدای شیعه گیلان و با پدر این کودک سلطان حیدر عهد اخوت بسته بود و در مرکز گیلان یعنی لاهیجان میزیست (۱) و فرمانروای آنخطه کارگیامیرزاعلی (۲) هم بدوارادت میورزید .

بالجمله مجدالدین او را به سید سپرد و اوهم اسمعیل را بطورناشناس در خانه ای برابر مدرسه کیافریدون سکنی دادو چون پدری مهربان او را تحت تکفل وتربیت گرفت .

جلال الدین که درناصیه آن کودك نقش (انافتحنا لك فتحاً مبینا) رامیخواند و آثارنبوغ رامی دید پس برای اخذالهام قرآن رابگشود ودرصدرصفحه آیه شریفه (و آتیناه الحکم صبیاً) توجه ویراجلب کرده ار رابه جنگل انتقال داد ودر موضعی که اکنون بنام آستانه قصبه معموری شده است خانه ومدرسه ای بنانهاده خود نیز بدانجا منتقل گردید وقزلباش هم در آنجا گرد آمدند تادرسال ۹۰۷ شاه اسمعیل در دیلمان قیام کرده باکار کیاوداع کرده نخست بجانب شیروان حمله بردو فرخ یسار بن امیر

۱ـ چه که‌رشت برابر ۹۰۰ نامش باتاریخ موجودیتش متحداست.

۲ـ کارکیا بمعنای پادشاه است .

خلیل را بقتل رسانیده آنخطه را زیر نگین در آورد و از آنجا متوجه آذربایجان گردیده سلطان الوندبیك در برابر وی پا فشاری کرده هشت - هزار تن کشته داد و سپس به دیاربکر بگریخت و چون شاه اسمعیل به تبریز در آمد تاج - گذاری کرده بر تخت نشست.

در این موقع جلال الدین اشرف بیمار و بستری بود و چون خبر این فتح را بشنود سجده شکری بجای آورد.

و در محرم ۹۰۸ داعی حق را لبیك اجابت گفت و جسد اورا در همان موضع بخاك سپردند و شاه اسمعیل فرمانداد تا قبه و بارگاهی بر فراز قبرش بنا نهادند و رقباتی خریده بر آن وقف کردند و خدامی برای آن بگماشتند و آن موضع را بنمام آستانه جلال الدین اشرف بنامیدند که اینك بصورت شهرزیبائی در آمده است.

و نامبرده تلمیذ شیخ محمد قطان گیلانی واو هم تلمیذ سید بدر الدین حسن اعرج حسینی و شیخ مقداد سیوری بود که ایشانهم از تلامذه شهید اول محمدبن جمال الدین مکی بودند که در سال ۷۸۶ بجرم ابراز تشیع و سب بر صحابه بفرمان بیدمر حاکم بیت المقدس درسلطنت برقوق درشامات بفتوای قاضی برهان الدین مالکی قاضی صیدا و عباد بن جماعه شافعی قاضی بیروت بضرب شمشیر سرش را از تن جدا ساختند وجسد او را برای مدتی بردار بیاویختند و سپس فرود آورده سنگسار کردند.

و ناگفته نماند که حجة الاسلام حاج سید محمد باقر رشتی مدفون در کنار مدرسه و مسجد بنیادی خود در اصفهان از احفاد همین جلال الدین اشرف است.

در اینجا به تناسب مقام پیرامون تاریخچه پیدایش خانقاه در قم به بحث پرداخته مینگارد که نخستین خانقاهی که در این شهر بنیاد گشت از ناحیه شهریار عراق جمال

خانقاه علی صفی درقم

الدین علی صفی به‌سال ۷۶۰ بود
وچون در آن‌عصر هنوز شهرجدید قم مرکزیت تامی نیافته
شهر قدیم هم‌رو بخرابی میرفت دربستر شمالی رودسابق
که‌از غرب بسوی شرق امتداد داشت درمیانه املاک‌خود
که‌بنام صفی آباد شهرت یافته‌بود به‌بنای آن‌بپرداخت که‌خرابه آن بصورت تلی‌از خاك بنام تپه‌خان صفی که مخفف خانقاه صفی‌است خوانده میشود.

پوشیده نیست که درآنعصر شاه‌شجاع وفرزندانش درفارس و اصفهان ویزد وکرمان وسربداریه درخراسان‌تاسمنان سلطنت میکردند وفرزندان سلطان اویس‌در خطه آذربایجان و زنجان وقزوین واحیاناً تاری‌حکومت داشتندوسرگرم برادرکشی بودند وسید قوام‌الدین‌عسکری‌هم که‌خودرا ازاحفاد امام حسن‌عسکری میخواند(!؟) درمازندران تافیروزکوه فرمانروا بودو درچنین لحظاتی کلانتری چون علی‌صفی که‌بعنوان شهریار عراق و مخدوم علی الاطلاق صاحب سیف و قلم‌ومولی‌العرب والعجم. حافظ بلادوناصر عبادتوصیف شده‌است دراین میانه بسمت مدیر امور مملکت حکومت میکرد.

علی صفی‌امیری شیعی مذهب وصوفی مسلك ومورد قبول واحترام ملوك اطراف بود وچون خاکشیر باامزجه متفاوت سازگار می‌نمود از این روی در هر تحولی‌ثابت‌وبرقرار میماند.

اماخانقاه وی‌توأم بادولتخانه‌یعنی ضمن آنکه جایگاه درویشان مینمود در حقیقت پایگاه امیران و پناگاه مظلومان بود که انهدام آن بفرمان امیرتیمور در سال ۸۰۸ براین‌امر گواه‌است ومیرساند که آن‌امیر درکارمقاومت‌وحصارداری‌مردم‌قم تحریکات وتلقینات فرزندان علی صفی‌را مؤثر میدانسته است وگرنه امیرتیموردر هیچ شهری بخرابی خانقاه اقدام نکرده‌بود.

زاویه سلطان نظام الدین احمد

وبفاصله یك قرن خانقاه دیگری از ناحیه سلطان نظام الدین احمد بن سید فخر الدین نقیب رضوی درقم بنیاد گردید. این سید جلیل عارف صوفی منش بود که مورد توجه ملوك ترکمان واقع شده سلطان اوزن حسن مقام ویرا نسبت به سادات تاکید کرد. پس از او سلطان جهانشاه ویرا به تولیت روضه فاطمه وامام جمعه وخطابت مسجد امام برگزید.

وهرچند در تواریخ تصریح نشده است اما ازدفن وی در مشهد درب بهشت در مقبره عطاءالملك چنین برمی آید که تولیت بقعه علی بن جعفر را نیز عهده دار بوده است و مستبعد نیست که سلطان یعقوب اورا بدین سمت نیز برگزیده باشد.

بهرصورت چنین بنظر می رسد که این خانقاه بنام (زاویه) در زمینهائی که تا حال هم بنام اراضی زاویه وگردن شترخوانده می شود و موقوفه آستانه فاطمیه بود قرار داشت زمینی که اخیر أجزء ایستگاه راه آهن درآمد.

چنانکه در بعضی از سیاحت نامه‌های سیاحان خارجی ساختمانی مشابه خانقاه بچشم می خورد واین اراضی اینك زیر ابنیه ، ایستگاه راه آهن درآمده است وبهای آن ازناحیه راه آهن به آستانه پرداخته شده است.

واما دفن سلطان نظام الدین درمقبره عطاءالملك دلیل آن نمی شود که گنبد مدفن وی همان زاویه او بوده است زیرا این گنبد را عطاءالملك برای مدفن خود بنیان نهاد و چون درقرون وسطی گورستان درب بهشت که درجوار گنبد نوبنیان علی بن جعفرو در میانه باغ وبستان واقع بود زیاده مورد اقبال عمومی بویژه ملوك و وزراء و حکام گردیده بود تنی چند از نقبای اشراف را هم در این گنبد بخاك سپردند و الواحی

که اززیر آواردر آمد.

درپایان ناگفته نماند که گنبد با با مسافر بحکم سبك ساختمان اساساً برای مقبره بنیاد گردیده است و با بنای خانقاه سازگار نیست و کسانیکه آنرا خانقاه پنداشته‌اند از کلمه (بابا) که درمقدمه نام مسافر افزوده شده براین نظریه رفته‌اند

پایان مقدمه وآغاز ذی المقدمه .

گنبد عشقعلی

گنبد عشقعلی ازشمال به راه پله برکه (آب انبار کنونی) وازغرب به مسجد نه چشمه‌ای وازشرق به محوطه تکیه محدود می‌باشد .

قاعده گنبد از خارج بصورت مضلع مربع مختلف الاضلاع با جدار ساده آجری بطول ۱۵ وعرض ۱۴ متر وازداخل بشکل مربع متساوی الاضلاع به‌دهانه ۸ وارتفاع ۱۲ متر می‌باشد که درهر ضلعی شاه‌نشینی به دهانه ۳ و طول ۳ تا ۳/۵۰ متر ساخته شده است .

مدخل گنبد از درگاه عریضی است که درب چهارلنگه آن به ایوانی گشوده می‌شود واین ایوان درعصر قاجاریه بربنای اصلی افزوده شده‌است .

واز شاه‌نشین غربی‌هم‌دری چهارلنگه‌به‌مسجد گشوده‌میگردد واسپر این‌دوشاه نشین رادری چهارلنگه پوشانده است و پوشش آنها آجری ضربی است‌اما اسپر دوشاه نشین دیگر بشکل مضلع دارای سه‌صفه محرابی وپوشش آنها رسمی سازی است‌وقسمتی‌سفید کاری‌است .

ودرطرفین‌شاه‌نشین‌های‌مزبور درتحتانی‌راهروی‌است‌باراه‌پله‌ودرفوقانی‌غرفه‌ای که‌درگاه آنهابه‌محوطه‌زیرگنبد گشوده میشوداین غرفه‌های‌هشتگانه جایگاه‌اعتکاف

معتکفین بوده است و غرفه‌های طرفین شاه‌نشین شمالی بوسیله‌غلام گردشی بیکدیگر مرتبطند بدینسان که‌در جنبین هرزاویه‌دو درگاه‌در پائین ودو دریچه‌در بالا گشوده‌میگردد وازاین غرفه‌ها دری به‌محوطه شاه‌نشین‌ها بازنیست وبهمین مناسبت مسجد نمیباشد چه‌اگر مسجد بود بایستی برای ارتباط واتصال نمازگذار باصفوف داخل شاه‌نشین‌ها دری بازباشد .

ودرچهارگوشه گنبد وسط نیمطاقی بالاآورده‌اند که بدنه قوسی آنها ازآجر تراش ترنجی رنگ درون قابی از گچ است وپوشش آنها باپوشش شاه نشین‌ها همسطح میباشد وروی آنها صورت مربع به‌مثمن نامرئی تبدیل وبازدن چند رسمی بند بشکل فلکه‌ای درآمده باطاق گنبد عرقچینی آن که‌ازداخل همانند قدحی برگردان تجلی میکند بالاآمده است .

وروی گنبد ازخارج آجر فروش شده است .

این گنبد مجلل درعین تهی بودن از تزیینات گچبری وکاشیکاری بدنه آجری آن از پاطاق پوشش شاه نشین‌ها ببالا زیاده خوش منظر و بارسمی بنـدی خوش نقشی آراسته شده‌است که‌ازلحاظ متانت بنانیز ممتاز میباشد .

ودر گلوگاه پوشش عرقچینی آن گلوبندی میان تهی دیده میشود که جای کتیبه کاشی یاگچبری بوده است که بکلی فروریخته است

ودر فراز آن‌درجهات اصلی چهاردرگاه‌برای هواکش‌ونورگیر بازگذاشته‌اند که جلو آنهارابادرهای‌شیشه‌پوشانده‌اند .

این بنا مانندکلیه مساجد و مشاهدی که قبل از دوران شاه تهماسب صفوی ساخته شده‌اند غیر مسامت قبله است زیرا محقق ثانی (شیخ علی کرکی)درزمان سلطنت شاه تهماسب خطوط قبله بلاد ایران را بطور دقیق تعیین کرد .

وجلو آن گنبد ایوان و آبدارخانه‌ای بعداً ساخته شده است که مسامت قبله میباشند ونسبت ببنای گنبد انحراف دارند .

وچون راه پله آب انبار شرقی به جدار شمالی گنبد متصل است و بالوله کشی شهر این بنا تهی از فایده افتاده است و در جای آن چه بسا که وضوخانه و مطبخ عمومی ساخته شود تأکید میکنید که رعایت محکم کاری فنی در این نقطه ضرورت دارد تا بعدها زیانی متوجه این ساختمان نگردد .

ودر جهت غربی این گنبد مسجدی است طاق چشمه پوش مشتمل بر نه چشمه برفراز چهار ستون سنگی که از آثار الحاقی عصر قاجاریه است .

بخش ششم

در بیان آثار تاریخی قم در قرن دهم

مشمل بر پنج فصل بدین فهرست

با توجه باینکه بزرگترین آثار تاریخی قرن دهم گنبدستی فاطمه معصومه است که درسال ۵۲۹ بنیاد گردیده است ودر بخش نخست توصیف گشت .

وعنایت براینکه چهل اختران نیز از آثارهمین قرن است که بالتبع دربخش قبلی بتوصیف آن بپرداخت .

وبقیه آثار هم ذیلا مورد توصیف واقع میشوند

فصل نخست

در توصیف گنبد

شاهزاده ابواحمد بن محمد حنفیه

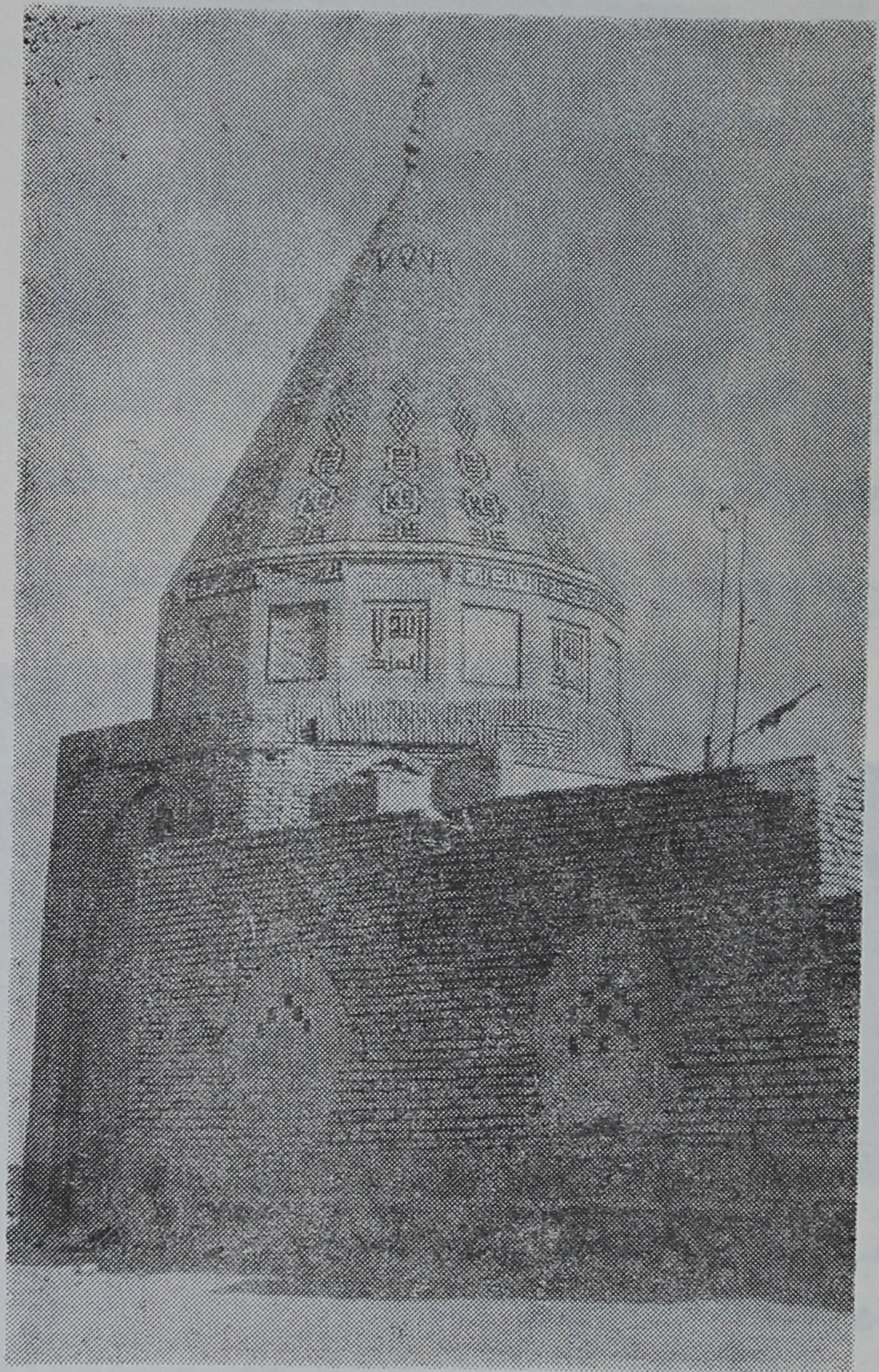
گنبد ابواحمد محمد بن محمد حنفیه که با تخفیفی بنام احمد بن محمد حنفیه شهرت یافته و در السنه و افواه چون میانه بقاع چهار امامزاده و شاهزاده سیدعلی واقع است بعنوان امامزاده میانی خوانده میشود از آثار تاریخی اصیل این شهر میباشد که درسال ۹۳۲ تجدید و تزیین یافته است.

دراین گنبد امامزاده ابواحمد محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن جعفر بن محمد حنفیه بن امام علی بن ابیطالب مدفون است.

این گنبد دارای بقعه ایست متضمن آثار هنری از گچبری و مرقدی کاشیکاری اعم از معرق و خشتی و گنبدی هرمی و ایوانی مقرنس و صحنی تجدیدی که ذیلا بتوصیف آنها میپردازد.

بقعه

اما بقعه قاعده گنبدش از خارج هشت ترکی نمابندی آجری واز داخل بصورت مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۶ و ارتفاع ۸ متر که در هر ضلعی شاه‌نشینی بدهانه ۳ وعرض ۱ متر ساخته شده است وتنها از شاه‌نشین شرقی آن دری به خارج گشوده میشود.



گنبد ابو احمد محمد بن محمد حنفیه

و از اره بقعه بارتفاع ۷۵ ر. سانتیمتر از خشت های سیمانی تعمیری بجای خشت‌های مسدس باستانی است و بالای آن تا دو متر و نیم سفید کاری ساده تعمیری است که سابقاً آراسته به آثار گچبری بوده است و از تزیینات قدیمه آن فقط در سینه اسپر شاه نشین‌های شمالی وجنوبی برای نمونه دو ترنج گچبری فلکه‌ای متضمن نقشه گل و بوته توأم با گره کشی باطرز جالبی باقیست.

و برفراز آن در ارتفاع سه‌متر و بیست سانتیمتری در چهار زاویه بقعه نیم طاقی به ارتفاع ۱/۸۰ متر بالا آورده صورت مربع را به هیئت هشت‌ضلعی تبدیل ساخته‌اند که بدنه قوسی هر چهار نیم‌طاق آراسته به کنده کاریهائی از گل و بوته توأم با رنگ.

آمیزی و نقاشی است .

و در قسمت هشت ضلعی هشت طاقچه نمودار است که فقط جرزهای آنها مزین به گچبری و بغله‌ها و اسپر و پوشش آنها ساده است و از آثار موجود چنین استفاده میشود که جلو هریك شبکه‌ای گچ بری بوده است .

و روی طاقچه‌ها کتیبه‌ایست بعرض ۶۰ سانتیمتر با حاشیه زنجیری از گچبری که در متن آن بخط برجسته ثلثی در زمینه آراسته به گل و بوته‌های بدیعی سوره مبارکه «انا فتحنا» بطور کامل گچ بری شده است که درجادادن این سوره بدون کم و کاست در این کمربند کمال مهارت فنی خود را نشان داده‌اند .

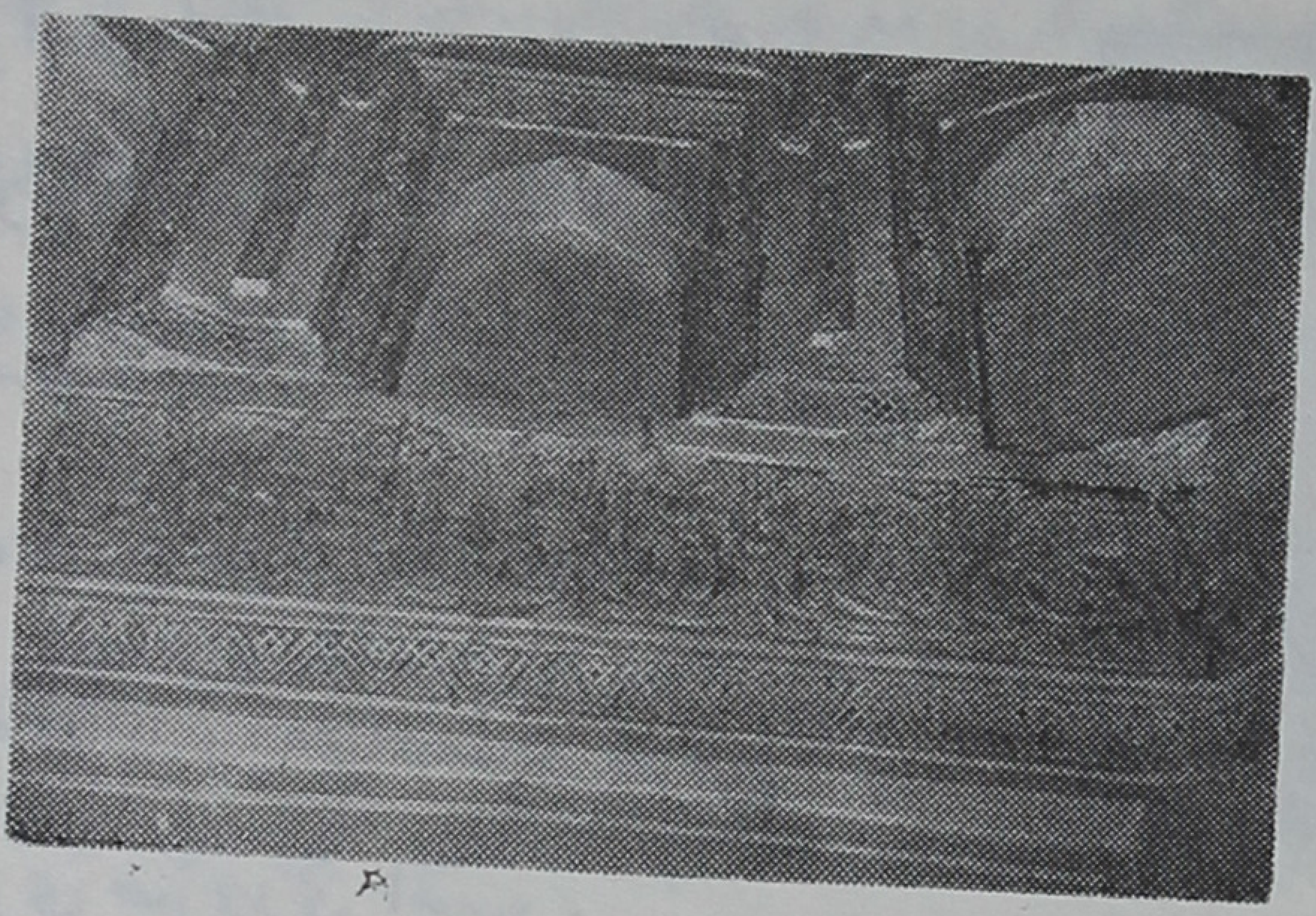


تصویری از کتیبه کمربندی و طاقچه‌های شانزده گانه روی آن

و بالای کتیبه صورت هشت ضلعی به شانزده ترکی تبدیل و در این قسمت شانزده طاقچه به ارتفاع ۱/۲۰ متری ساخته شده است که چهارتای آنها میان‌تهی و هواکش هستند و جلو آنها را با مشبکی گچبری با جدار کنده کاری آراسته‌اند وازآن میانه فقط یك پنجره برای نمونه باقی و بقیه فروریخته‌اند .

این طاقچه‌ها گیلوئی و مزین به گچ بری است و روی جرزهای فاصل بین آنها تصویری از لاله شمعی گچبری شده است که روی آنها را هم رنگ آمیزی ساخته‌اند.

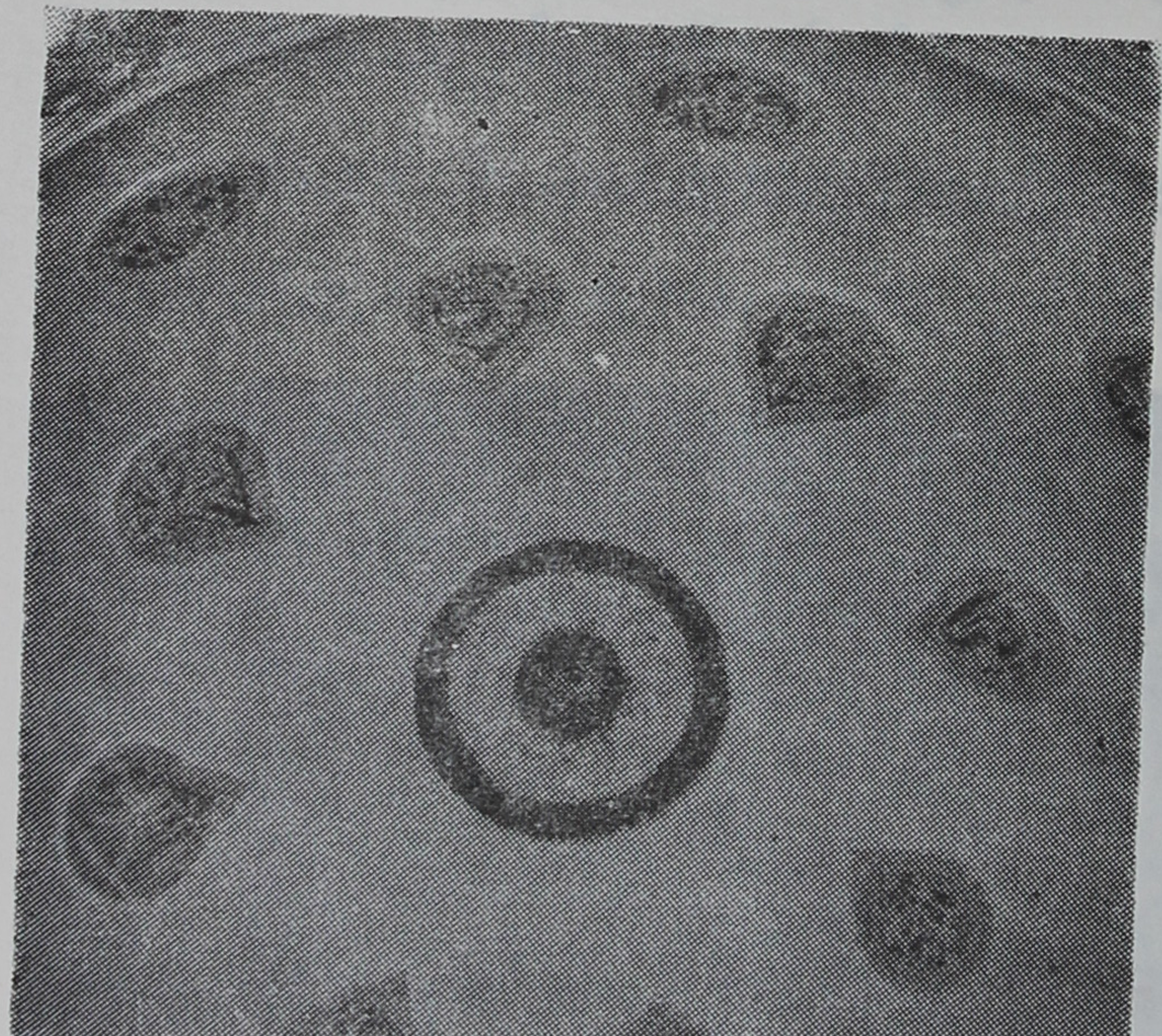
و بالای این طاقچه‌ها صورت مضلع به مدور مبدل و پاطاق پوشش عرقچینی آن بالا رفته است که بدنه قوسی پوشش دارای نقوشی رنگین توأم بـا گچ بری و متضمن شانزده ترنج در دو ردیف یکردیف فلکه‌ای و ردیف دیگر قلبی است که روی



تصویری ازبدنه داخلی بقعه

آنها بخط برجسته ثلثی صلوات کبیره گچ‌بری شده است بدینسان که روی ترنج نخست جمله (اللهم صل علی) و روی ترنج آخری عبارت (صلوات‌الله علیهم) و در میانه هریك ازترنجهای وسطی نام یکی ازمعصومین خوانده میشود.

ودرنقطه مرکزی پوشش فلکه‌ایست که دروسط آن گوئی برجسته و میان‌تهی

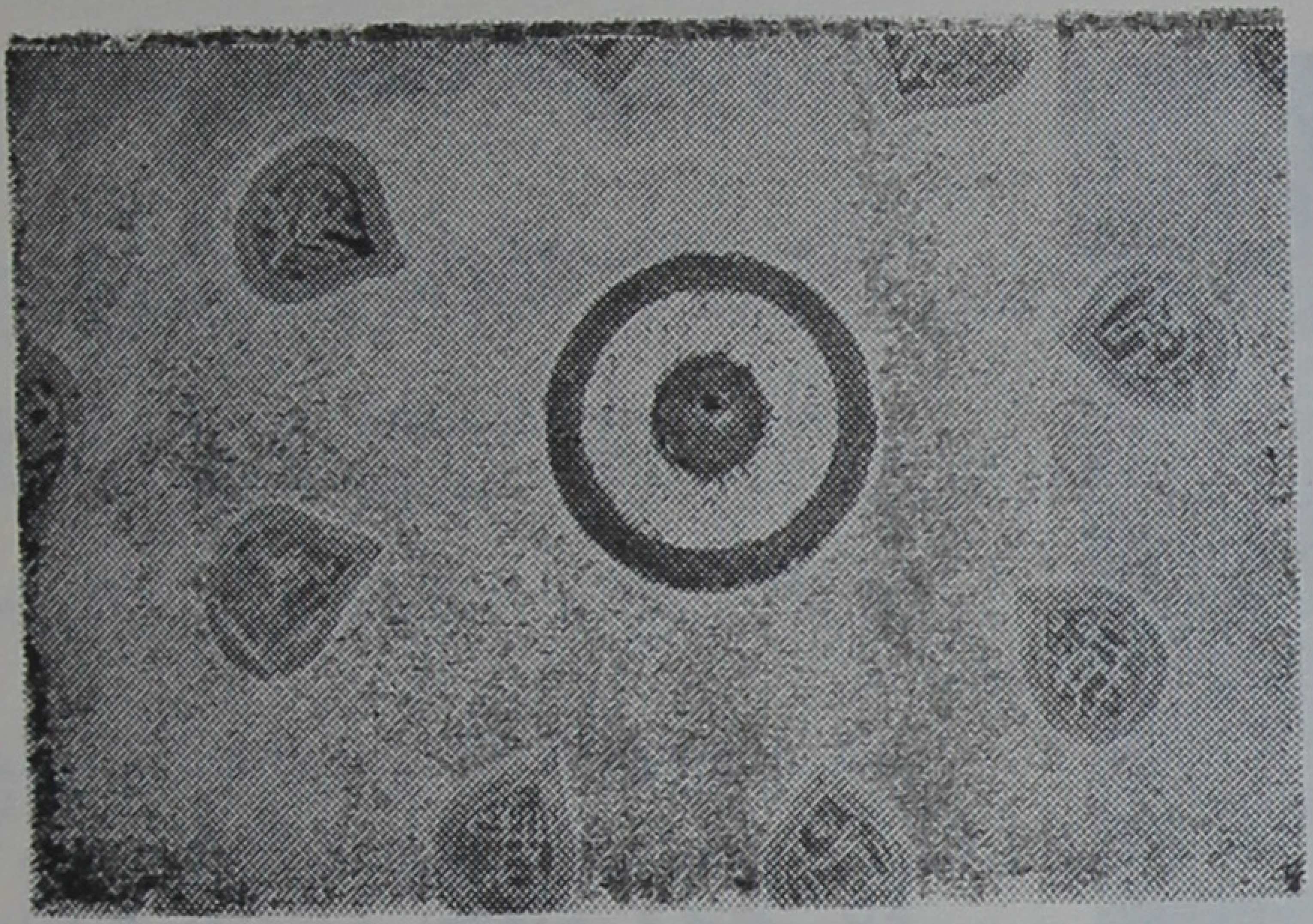


تصویری ازنقوش‌پوشش و ترنجهای‌آن

باقلابی برای نصب زنجیر چهل‌چراغ‌یاقندیل‌ودورآن درمتن‌نقوش برجسته‌ای از گل‌وبوته رنگ‌آمیزی‌شده همانند سبدی‌مملوپرازگل‌های الوان و در حاشیه آن کتیبه‌ایست به خط برجسته ثلثی‌که روی آن عبارات ذیل گچبری شده است.

«لااله‌الاالله الملك‌الحق المبین ـ محمد رسول‌الله صادق الوعدالامین. علی ولی‌الله امیرالمؤمنین.

ضریح و مرقد و درمیانه بقعه ضریحی است مشبك از چوب و در دل آن



تصویر دیگری از پوشش وفلکه مرکزی آن

مرقدی است به ارتفاع ۱/۲۰ و طول ۲ وعرض ۱ متر که چهار بدنه وسطح آن آراسته به کاشیهای معرق شفاف وخوشرنگ عهدصفویه که حفاظت و حراست و ترمیم آن امری ضروری است .

ودر قسمت‌های مختلفه از بدنه و سطح مرقد کتیبه‌هائیست به خط ثلثی سفیداز کاشی خشتی که روی آنها آیات وعبارات ذیل خوانده میشود .

(قال الله تعالی) (قل لااسئلکم علیه من اجر الاالمودة فی القربی) (ومن یقترف حسنة نزدله فیها حسناً صدق الله العلی العظیم) که قسمتی از آخر کتیبه کاشیهایش فرو ریخته نیازمند به تعمیر فوری است .



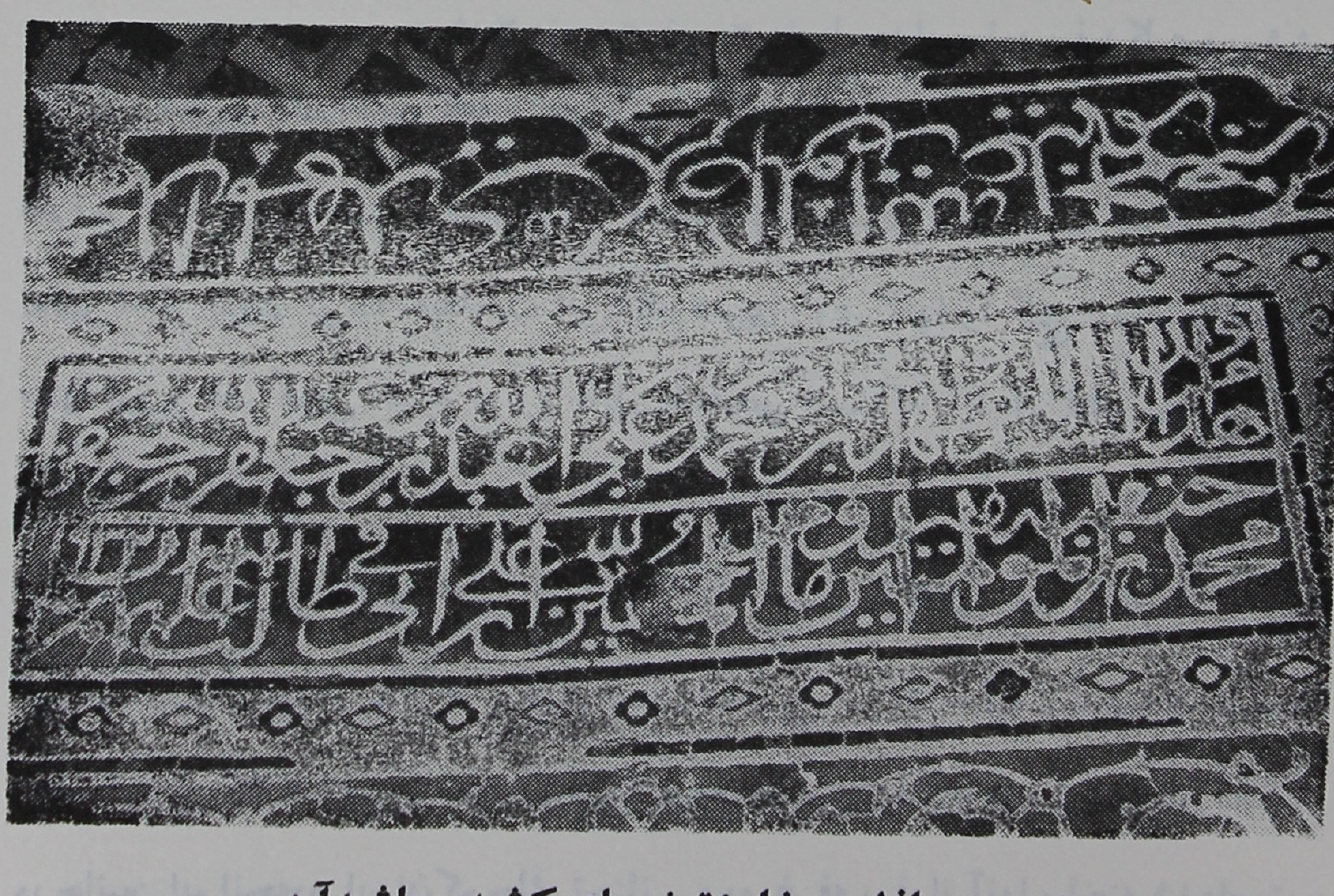
تصویری از کتیبه روی مرقد

اما سطح مرقد سراسر آراسته به کاشیکاری معرق باستانی خوش نقش و لعاب شفافی است که در قسمت غربی (بالای سر) آن بخط سفید ثلثی در زمینه لاجوردی نام و نسب این امامزاده به عبارات عامیانه ذیل با تاریخ تزیین آن در دو سطر خوانده میشود که به جای لوح مزار میباشد .

« هذا مرقد المطهر السید ابو احمد محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن جعفر بن محمد حنفیه ابن امیرالمؤمنین وامام المتقین علی بن ابیطالب علیهم السلام فی سنة ۹۳۲ »

ودر طرف شرقی برابر درب ورودی نیز کتیبه ایست از کاشی معرق حاکی از نام (شاه طهماسب حسینی موسوی صفوی) که اکثر کاشیهای آن فروریخته است وفقط (بهادر - طهماس) روی جدار باقیست که به تجدید فوری نیازمند میباشد .

ودر چهار جانب حاشیه لوح مزار در روی مرقد دوازده ترنج کشیده زمینه



تصویری از لوح مزار و ترنجهای کشیده حاشیه آن

لاجوردی طراحی شده است و درداخل آنها بخط ثلثی از کاشی معرق صلوات بـر معصومین خوانده میشود .

گنبد

ودر روی بقعه گنبدی است هرمی وشانزده ترکی بارتفاع ۸متر دارای عنقی مضلع وشانزده ترکی نماسازی باجرزهای ساده آجری که اسپر هرنمائی مزین بکاشیهای معقلی متضمن کتیبه‌ای بخط بنائی از کاشیهای الوان است وروی بعضی آیه (الملك لله) یا (لا ملك الاالله) وروی بعضی نام علی بطور تکراری خوانده می‌شود ودر منتهاالیه عنق گلوبندی است زنجیری که روی آن نیز آیه الملك لله بطور مکرر بچشم می‌خوردو بدنه هرمی آن آراسته به کاشیهای دوالی است که روی هر ترکی ازبالا بپائین نام جلاله واسم محمدودونام علی بطور متعاکس بخط کوفی بنائی از کاشیهای الوان چیده شده است .

ایوانچه

و در جانب شرقی و مدخل بقعه ایوانچه ایست به دهانهٔ ۲٫۵۰ متر وعرض ۲ متربا جدار ساده سفیدکاری وپوشش مقرنس گچی که درحسن قطارو زیبائی ممتازند ودرداخل هریك از حوضچه‌هـای مقرنس اسامی مقدسات و صلوات بر معصومین گچبری شده است که متأسفانه در تعمیر اخیر بدون توجه به‌نفاست این آثار هنری روی آنها را گچ اندود ساخته اند منتها اززیر قشر گچی کتیبه مزبور قابل تشخیص است که باید این‌قشر ازروی آنها تراشیده شود

وبر فراز درگاه در اسپر ایوانچه کتیبه ایست ازکاشی خشتی که روی آن‌به خط نستعلیق سفیدی عبارت (شاهزاده احمد بـن محمد حنفیه) نوشته شده است که یکچنین کتیبه ایهم درجبهه درگاه ورودی صحن ازضلع جنوبی دیده‌می شودو درجانبین ایوانچه‌دو ایوان کوچك تحتانی ودو غرفه برفراز آنها ساخته شده‌است .

وجلو آنها صحنی است نوساز بمساحت ۳۴ در ۱۸ متر که درضلع جنوبی آن دو حجره ساخته شده وجدار اطراف آن نمابندی آجری است ودربین فرش آجری صحن چند پارچه آجرهای قدیمی به قالب بزرگ ۶۰ در ۴۰ سانتیمتری بکار رفته است.

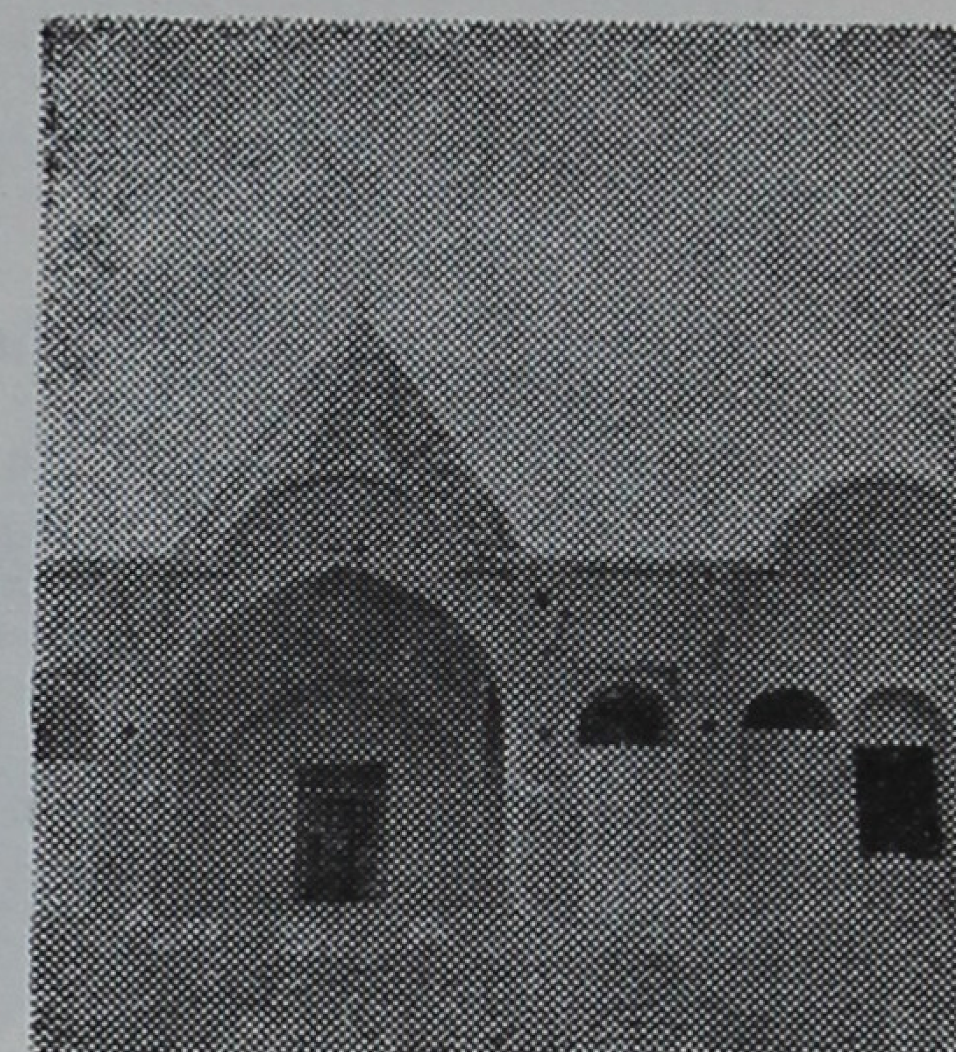
فصل دوم

در توصیف گنبد معصومه کهک

قبه و بارگاه معصومه از احفاد امام کاظم در دامنه کوهی در یك کیلومتری شمال غربی قصبه کهك مرکز بخش قهستان قرار دارد.

این گنبد مشتمل بر بیوتاتی مصفا و مدرسه کوچکی در جانب غربی و غرفاتی مروح با چشم اندازهای خوش منظر در جانب شمالی است و جلو آنها آبی روان و اشجاری تنومند و شاداب است که مقر تابستانی اعاظم علماء و اساتین عصر صفویه بوده است.

در این غرفه‌های اسرار آمیز و فرح انگیز تأثیرات معنوی شگرفی نهفته است تا جائیکه گوئی نسیم جان بخشش عرفان خیز و حلال مشکلات دانشوران صاحب رشد و تمیز بوده است چنانکه معضلات چندی از مسائل فلسفی را بر مولانا صدر المتألهین شیرازی منکشف ساخته است و در همین مکان میرداماد و میرفندرسکی را در ایام تابستان مکاشفاتی دست داده است همانطوریکه در سایر فصول سال غرفه مشرق الشمسین از تأثیرات معنوی شگرفی برخوردار بوده است.

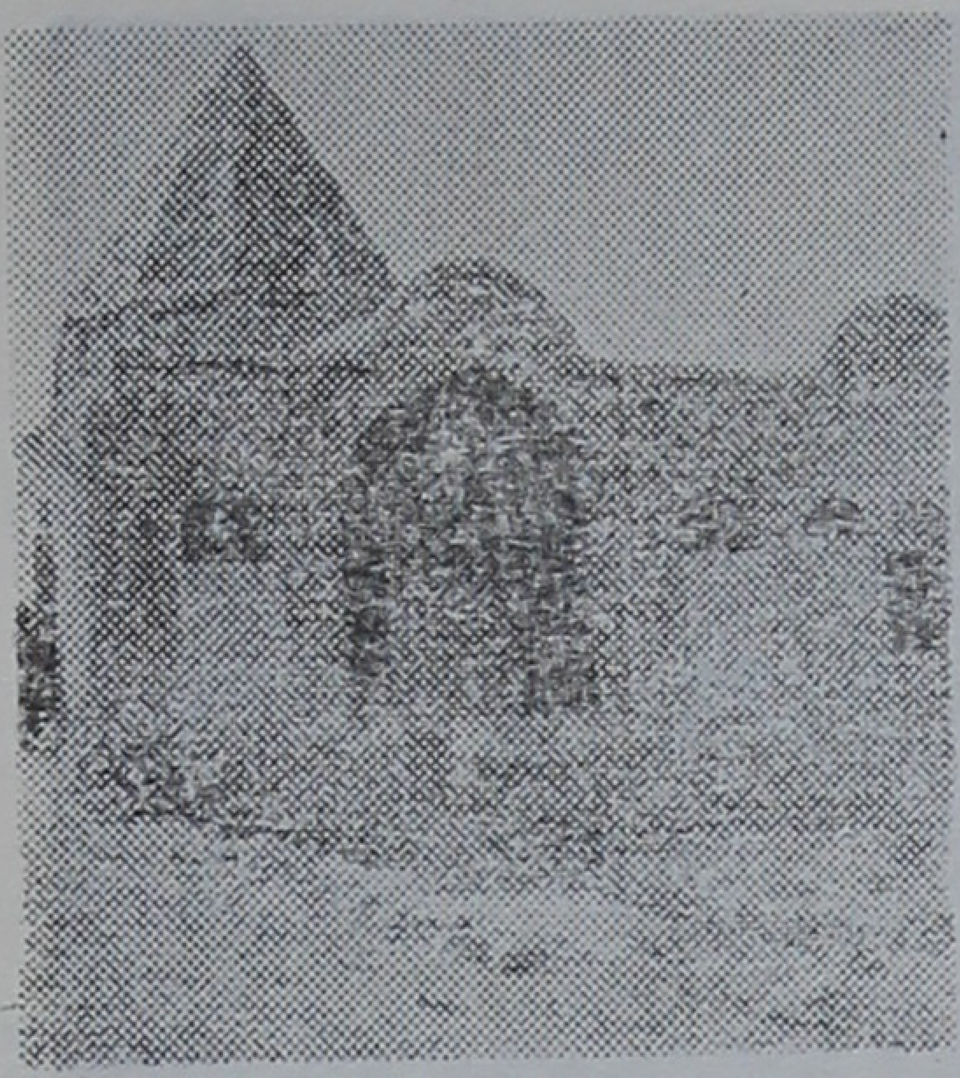
 

دوتصویر ازغرفات شمالی و شرقی مشهد معصومه در کهك

بانی قبه و بارگاه معصومه

تعمیر این قبه بشهادت سبك بناو اخبار سینه بسینه از محل ثلث‌ماترك بانوی نیکوکار صفوی شاه‌بیگم دخترشاه اسمعیل است که‌درسال ۹۶۹ وفات یافت وجسداوراحسب الوصیه‌اش از قزوین بقم‌نقل داده در جوار عمه‌اش فاطمه معصومه بخاك سپردند و نامبرده رانخستین شخصیتی ازخاندان صفوی دانسته‌اندکه درقم دفن‌شده‌اند.

این بنا درسال ۹۷۰ ازناحیه برادر ووصی او شاه تهماسب صفوی ساخته‌شدودر موجبات اقدام وی‌به تجدید بنای‌این گنبدچنین گفته‌اند که‌چون در وصیت‌نامه این بانوی نیکوکاروبرگزیده اخباردرشمار مصارفی که‌برای ثلث‌خودتعیین کرده‌بود تعمیر وتزیین قبه‌معصومه درقم‌قیدشده بود هرچند که‌نزد اهل‌اطلاع مسلم‌مینمود که مقصود وی ازمعصومه‌همین‌فاطمه‌معصومه‌است که‌درزمان‌حیات‌هم‌به‌تجدیدروضه آن همت گمارده‌بودولی‌بعضی ازناظرین‌محتاط ومتجمدبرظواهر چنین گفتند که مدفونه درشهر بنام‌فاطمه است که به‌معصومه توصیف میشود امادرکهك امام‌زاده‌ای بنام معصومه وجود دارد که‌شرط احتیاط تجدید و تعمیر آنرا ایجاب میکند ازاین‌روی شاه تهماسب بتجدید بنای آن پرداخت.





تصویرهائی از منظره عمومی و گنبد معصومه

بقعه

به هر صورت قاعده گنبد از خارج بصورت هشت ضلعی مختلف الاضلاع با مصالح سنگ و گچی از آثار قرون وسطی است که هنگام تعمیر درصورت آن تغییراتی داده شده است.

و از داخل بشکل مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۵ و ارتفاع ۸ متر با ازاره سیمانی و جدار رنگی فاقد تزیینات هنری است که در هر ضلعی شاه‌نشینی به دهانه ۲٫۵۰ و عرض نیم‌متر و تنها شاه نشین شرقی بعرض ۱٫۶۰ متر ساخته شده است و از هر شاه‌نشینی دری بخارج گشوده می‌شود و جلو درب جنوبی که به کوه محدود می‌شود بسته‌شده‌است و جلو هر دری هم تالاری قرار دارد.

و در چهار گوشه بقعه نیم‌طاقی بالا آورده صورت چهار ضلعی را به‌شکل هشت ترکی نامرئی تبدیل و با چند رسمی‌بندی به هیئت فاکه ای در آورده اند و با طاق پوشش عرقچینی آنرا بالا برده‌اند که از این نوع تبدیل و تبدل هم می توان استفاده کرد که اساس ساختمان از اعصار قبل از صفویه می‌باشد.

در این بقعه از آثار هنری یکزوج درب منبت با دو تخته از بقایای صندوق منبت و قدیمی روی قبر باقیست که هریك به جای خود توصیف می‌شوند.



تصویری از مدخل و ضریح چوبی

صندوق منبت

از دو پارچه تخته‌ایکه در پشت ضریح افتاده و از بقایای یك صندوق منبت قدیمی است چنین بدست می آید که روی

مرقد صندوقی منبت از چوب دارای کتیبه‌های عمودی و افقی نصب بوده است که در اثر سقوط شمع بکلی سوخته است و از مجموع قطعات آن فقط دو پارچه تخته منبت باقی است که نگارنده روز ۲۷ فروردین ماه ۱۳۴۷ آنها را دیدار نمود.

این تخته‌ها بطول ۱٫۲۵ متر و عرض ۲۵٪ سانتیمتر دارای کتیبه‌ای بخط برجسته ثلثی است که روی یکی عبارات ذیل منبت شده است.

باهتمام ریاست مآب ریس امام بن قلی مرحوم یاعلی وجارنی عمل استاد تاج الدین فردوی بتاریخ سنة ۹۹۹.

و روی دیگری چنین خوانده میشود

خیرات ملك زاده عالمیان خاتون خاتونان خلد آشیان جنت مکان شاه بیکم سیده فاطمه حسینی صفوی.

و از جنبه تاریخی حفاظت و حراست از این دو پارچه تخته ضروری است.

ضریح و مرقد

و در وسط بقعه ضریحی است مشبك از چوب آبی رنك و در دل آن مرقدی است بارتفاع ۰٫۶۰ و عرض ۱٫۲۵ و طول ۲ متر با جدار سفید کاری فاقد تزیینات هنری که بالای آن چند قندیل برنجی و مسی با کنده کاریهای باستانی آویخته است که روی آنها کتیبه هائی بخط نسخ از آیة الکرسی و سور کوچك قرآنی حکاکی شده است.

گنبد

و برفراز بقعه گنبدی است هرمی شانزده ترکی کوتاهی که از آثار قرون وسطی است دارای عنقی آجری با نمابندی به ارتفاع ۲ متر و تارکی هرمی بارتفاع ۵ متر آراسته به کاشیهای فیروزه فام دوالی متضمن

کتیبه‌هائی در بالا و وسط و پائین هر ترک از کاشیهای الوان که روی آنها بخط بنائی عباراتی چون لااله‌الاالله ـ محمد رسول الله ـ علی ولی الله خوانده میشود.

و درابتدای قسمت هرمی هم کتیبه‌ایست ساقبندی که روی آن بطور تکراری عبارات فوق بچشم میخورد.

تالار و غرفه

و در سه جانب بقعه تالارهائیست که بوسیله غلام گـردشی بیکدیگر مرتبطند و چون در دامنه کوه قرار دارند از یک تا پنج متر از سطح اراضی مجاور ارتفاع دارند و در دو جانب تالار شمالی هرطرف دو غرفه مصفا دارای چشم اندازهائی زیبا ساخته شده است که در عصر صفویه بر بنای بقعه افزوده شده اند.

این غرفه‌ها مهد پرورش قوای روحی و خلوتگاهی برای ریاضت و تنزیه ملکات نفسانی و پایگاهی بجهت استبدال احوال مذمومه به حالات محموده و پسندیده انسانی است و پهلوی غرفه‌ها دو درگاه و میانه آنها ایوان و تالاری است بدهانه ۸ و عرض ۵ متر برفراز چند ستون آجری.

درب منبت درمدخل شمالی بقعه معصومه

و در مدخل شمالی بقعه از تالار یاد شده دربی با دو لنگه نصب شده است که منبت و باستانی و آراسته به کتیبه‌هائی عمودی و افقی به خط برجسته ثلثی است و روی تنکه‌های آن قطعات قاب بندی و گره سازی میخکوب شده‌اند و روی هر گره لوزی شکلی نام علی منبت شده است که آثار هنری این دو لنگه مرآت ذوق و قریحه مردم روستانشین و حفاظت از آنها ضروری است.

در حاشیه هر لنگه صلوات بر معصومین و ناد علیاً مظهر العجایب منبت شده است و روی پل‌های وسط و پائین آن عبارات ذیل جلب توجه میکنند.

(این در باهتمام جناب صاحب اعظم عمدة الصواحب خواجه غیاث الدین علی

العربشاهی) (شرف توقیف یافت بتاریخ شهر رجب سنة تسع وسبعین و تسعمائه
(کتبه الفقیر زین الدین بن محمد فردوی عفی عنهما) .

(جز آستان توأم در جهان پناهی نیست
سر مرا به جز این درحواله گاهی نیست)

(عمل استاد ملك و استاد جانعلی جاسبی)
شکرها کردم که این دولت میسر شدمرا)

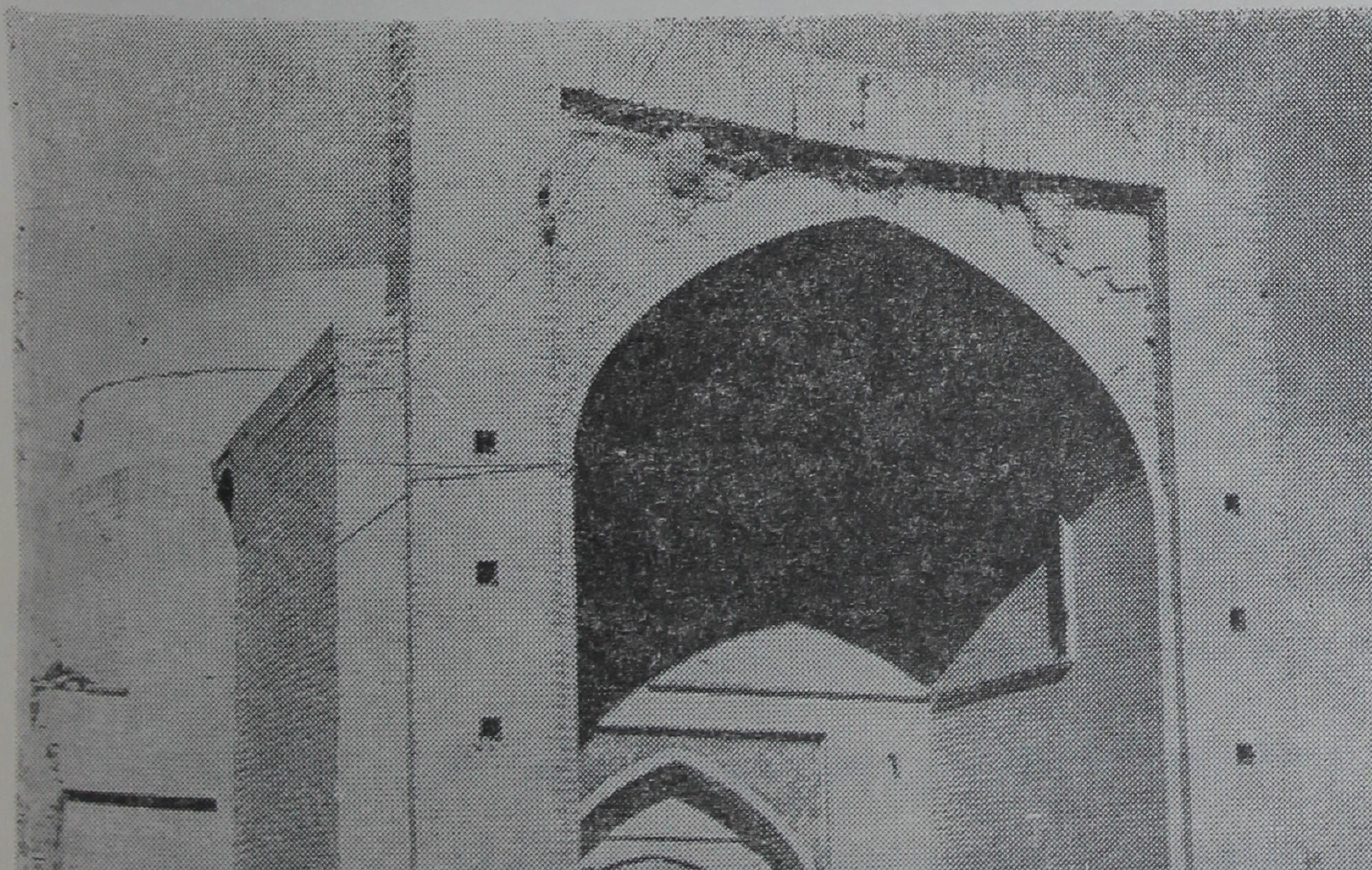
فصل سوم

در توصیف گنبد شیخ اباصلت

در قم

گنبد شیخ اباصلت در کنار شهر و متصل به دروازه سابق ری بود که اکنون بواسطه گسترش شهر در داخل شهر افتاده است.

مدفون در این گنبد را شیخ اباصلت ندیم امام علی الرضا میخوانند ولی با وجود گنبدی بهمین نام در نزدیکی شهر مشهد این ادعا مقبول بنظر نمیرسد.



تصویری از گنبد شیخ اباصلت

ومیتوان گفت که مراد از ابو الصلت عبدالله اشعری باشد که قبه‌ای از ناحیه فرزندانش برفراز قبرش بنیاد شده است .

بهرصورت قاعده گنبد ازخارج برجی آجری بوده‌است که‌ضمن تعمیرات بصورت مضلع درآمده است‌واز داخل بصورت‌مربع‌متساوی‌الاضلاع بدهانه ۶ر۲۰ متر وارتفاع ۹ متر باجدار آجری تهی‌از‌تزیینات‌هنری‌وفاقد کتیبه کاشی میباشد‌اما‌جای کتیبه کاشی‌در کمرگاه آن‌نمودار است که میتوان گفت ریخته‌است .

ودرچهار گوشه بقعه نیم‌طاقی بالاآورده صورت مربع رابه‌فلکه‌ای تبدیل ساخته‌اند و پاطاق پوشش عرقچینی رابالابرده‌اند .

ودر بدنه قوسی‌پوشش چهار هواکش‌بازگذاشته‌اند .

وگنبد آن ازخارج خودی‌شکل باعنقی فلکه‌ای از آجراست .

وجلومدخل شرقی بقعه ایوانی است قدیمی بدهانه ۵ وعرض ٤ و ارتفاع ۸ متر که در عصر صفویه بر بنای بقعه افزوده شده است‌ودارای جدار آجری و پوشش رومی‌میباشد .

ولچکیهای بالای درگاه‌ورودی آراسته به‌کاشیکاری معقلی‌است .

فصل چهارم

در توصیف گنبد شاهزاده سید علی

درقم

گنبد معروف به نام شاهزاده سید علی درجهت شمالی شهر ومنتهاالیه کوی جدیدخارجی‌دروازه ری قم واقع است که با امتداد خیابان کمربندی از موقع ممتازی برخوردار خواهدگشت .

وهرچند که نسب نامه‌وی درلوح کاشی مرقدش بدینگونه (السیدعلی بن ابراهیم بن جعفربن عباس بن امام المتقین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ﷺ) ضبط‌شده است .

اماتردیدی نبایدکرد که ازاین نسب نامه وسائطی اسقاط گردیده است زیرا اولا ابوالفضل العباس را فرزندی بنام جعفرنبوده‌است وثانیاً دربین پسران وی تنها عبیدالله‌بن عباس دارای اعقاب بوده‌است و ثالثاً عبیدالله راهم فقط از نسل پسرش حسن اعقابی باقی است وبنابراین نسب نامه‌وی چنین است (علی بن ابراهیم بن ابی‌جعفر حسن‌بن عبیدالله‌بن ابی‌الفضل‌العباس)

وعلی از اسخیای بنی‌هاشم و به‌جلالت قدروعظمت منزلت متصف‌بوده‌است واورا نوزده پسر آمده‌است از جمله‌عبیدالله بن علی که سیدی فاضل وشجاع و با تقوی‌بود واکثر اوقات را به‌سیاحت میگذرانیدو کتاب جعفریات‌راکه‌درچندمجلد و متضمن‌دوره کاملی از فقه شیعه‌است تصنیف نموده درسال ۳۱۲ رحلت کرده‌است.



نمای‌خارجی گنبد شاهزاده سید علی

بهرصورت مشهد شاهزاده‌سید علی بیش از سایر مشاهد مشابه مورد توجه عمومی ومحل‌نذور و مزار همگانی ومرکزاجتماع واعتکاف ارباب حاجات‌بویژه دردمندان است وکمتر زمانی‌است که‌یك تاچند نفر درآنجا معتکف‌نباشند.

ومشهدوی دارای بقعه‌وقبه ورواق وایوان‌وصحن‌وآب‌انبارو بیوتاتی ازحجره وغرفه میباشد که‌ذیلا بتوصیف آنها میپردازد.

بقعه

اما بقعه وی ازداخل بصورت هشت ضلعی‌مختلف الاضلاع به‌دهانه ۶ و ارتفاع ۹ متر است که‌درجهات اصلی

چهارشاه‌نشین به‌دهانه ۲٫۵۰ وعرض ۲٫۵۰ مترقرارداردکه از هریك دری به‌خارج گشوده‌میشود واضلاع فرعی آن‌بشکل مورب وهریك به‌اندازه ۱٫۶۰ متراست.

ازاره‌بقعه‌مزبور به ارتفاع ۱/۱۵ متر مزین بـه کاشیهای خشتی فیـروزه فام تجدیدی‌است‌وبالای آن‌تمام‌جدار ازجرز واسپر و بغله‌هاسفید کاری آسمانی‌رنگ تهی‌ازتزیینات‌هنری است که‌از روحانیت خاصی برخوردار است.

ایوان و درجهت جنـوبـی بقعه ایوانی است به دهانه ۵ و عرض ۴و ارتفاع ۷متر باازاره کاشیکاری و جدار

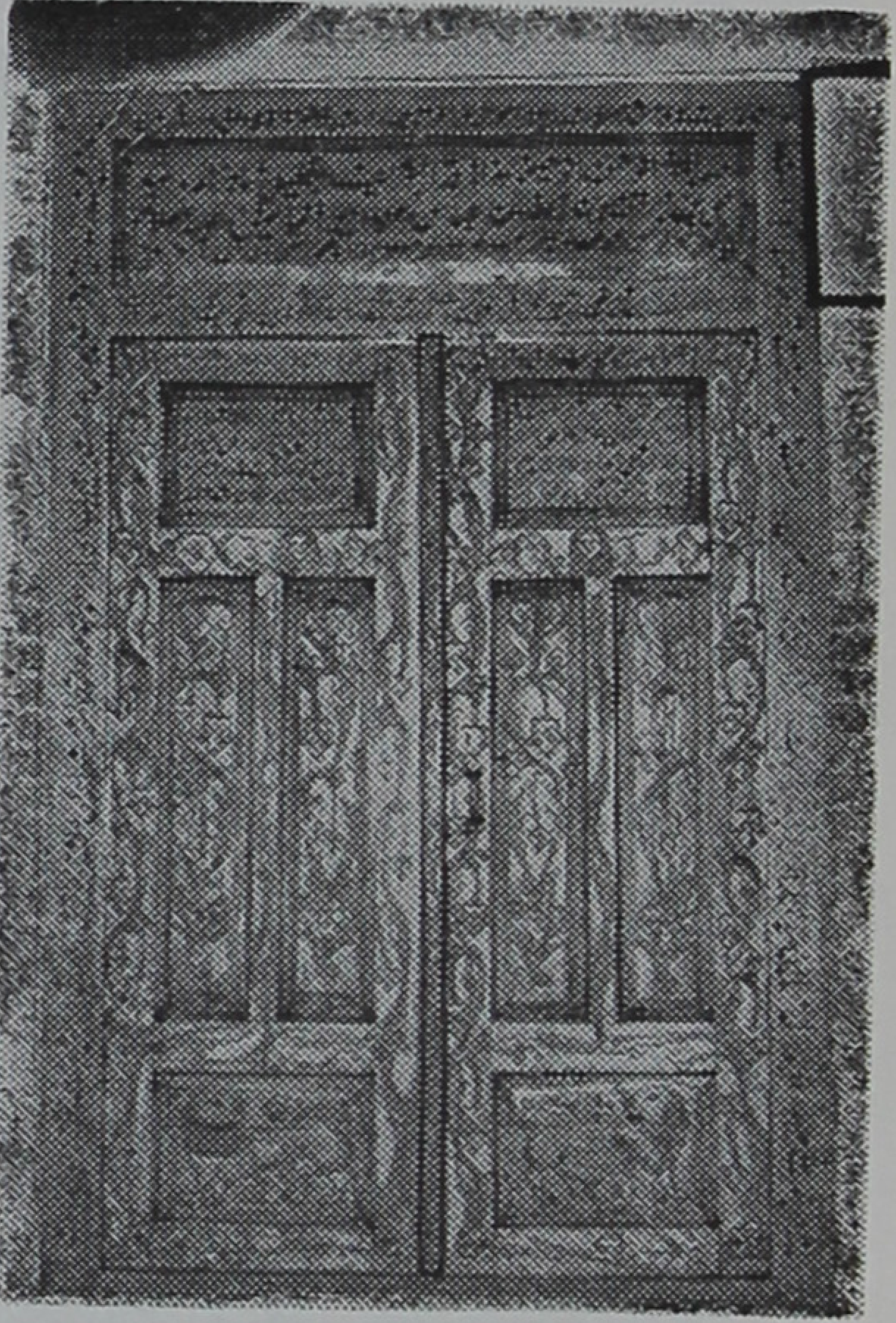


تصویری ازایوان‌وگنبدشاهزاده‌سیدعلی

سفیدکاری و پوشش رسمی بندی وجرزهاوجبهه ولچکیهای کاشیکاری‌معقلی‌و یا کاشیهای‌خشتی‌منقش‌وهفت رنگ میباشد.

ودردوجانب ایوان دوحجره وبرفراز آنهاغرفه هائی زیبااست که جبهه ولچکیهای آنها نیزمزین به کاشیکاری است.

صحن وجلو ایوان صحنی مروح ومربع به وسعت ۲۱ در ۲۱متر باجدار نما بندی آجری است که ابنیه وبیوتات بقعه ضلع شمالی آنراپوشانیده است.



تصویری ازدرب منبت مدخل بقعه

ودرمدخل بقعه زیر ایوان یادشده یکزوج درب منبت است که جدیداً نصب گردیده است وروی چهارچوب وسر در وتنکه های روی دولنگهٔ آن کتیبه های افقی و عمودی متعددی بخط نستعلیق برجسته ای بدین عبارات وابیات منبت شده است:

یا علی آن بنده مضطر منم

بر در اکرام تو افقر منم

عمل استاد محمد بن ابو الحسن ـ هشتم ذی الحجه ۱۳۳۴.

هر کس به علی روی تولی نکند — در باغ جنان به حشر مأوی نکند

بالله بجز علی واولاد علی — دردی ز کسی کسی مداوا نکند

* * *

اولاد علی که اصل ایمان شده اند — دردا که قتیل تیغ عدوان شده اند

مجموع چو آفتاب و ماه وانجم — در جملهٔ آفاق پریشان شده اند

* * *

این بارگاه کیست که باعرش همسراست — این بارگاه قدس زفرزند حیدر است

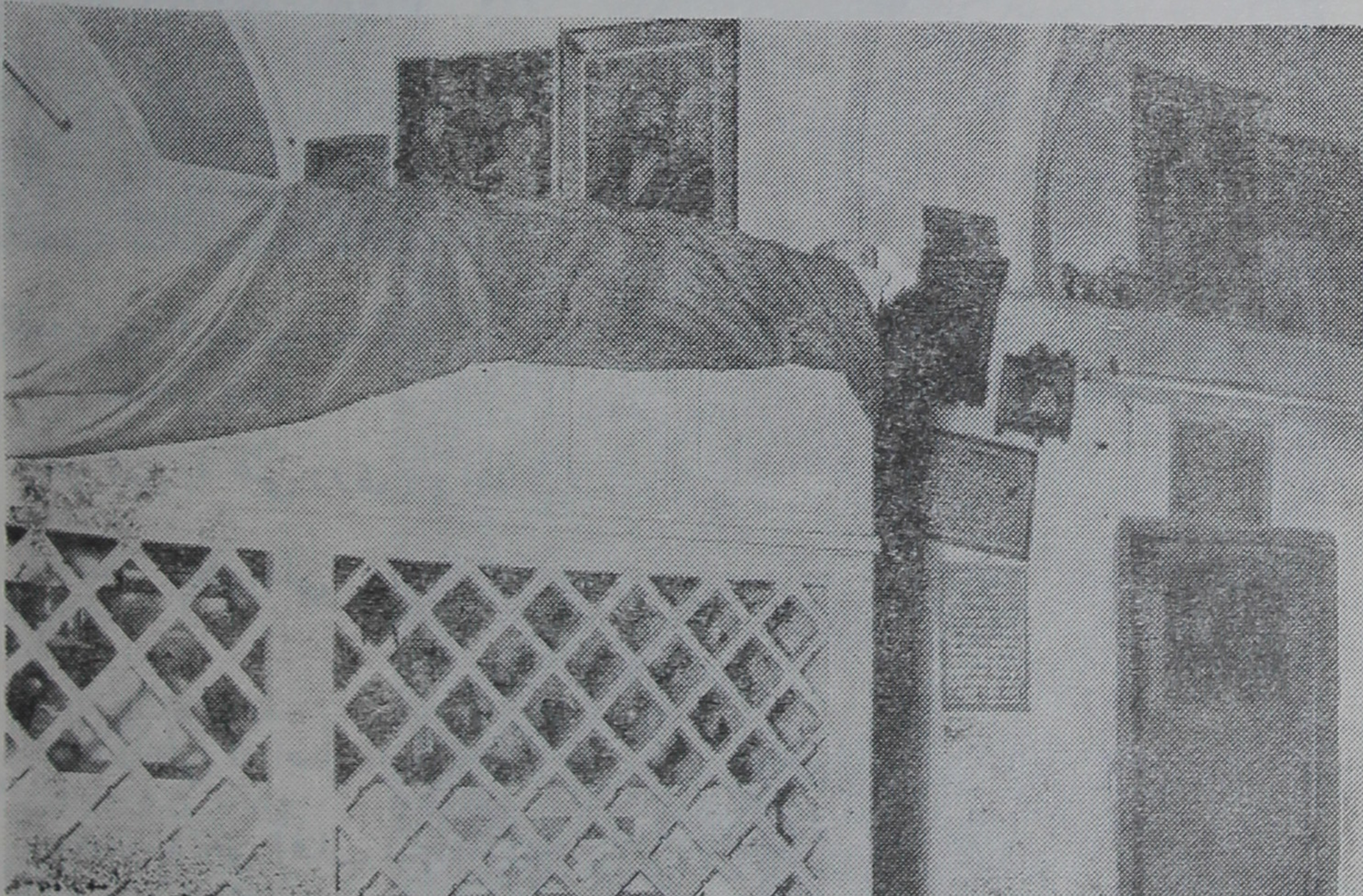
شهزاده ای که دفن بود اندرین مکان — نامش علی وزاده ساقی کوثر است

عباس جد اوست وبراهیم باب وی — نور دوچشم فاطمه،خاتون محشراست

هر کس که گشت زائر قبرش ز روی صدق جایش بهشت و تحت لوای پیمبر است
باشد ولی حضرت معبود ذی الجلال این سید جلیل که محبوب داور است
گمنام زن تو دست توسل بدامنش کو شافعت بنزد خداوند اکبر است
خواهد هر آنکه حاجت از این شبل مرتضی بی شك بدان که حاجتش از وی میسر است
دار الشفاست مرکز درمان دردها این مرقد شریف که دائم منور است

بسم الله الرحمن الرحیم

هذا المرقد الشریف الجلیل شاهزاده سید علی بن ابراهیم بن جعفر بن عباس بن امیر المؤمنین علیه السلام عمل محمد فرزند جعفر مورخه ۱ ذی الحجه ۱۳۷۴ بقلم مرتضی ایازی.



تصویری از ضریح و مرقد درونی آن

ضریح و مرقد

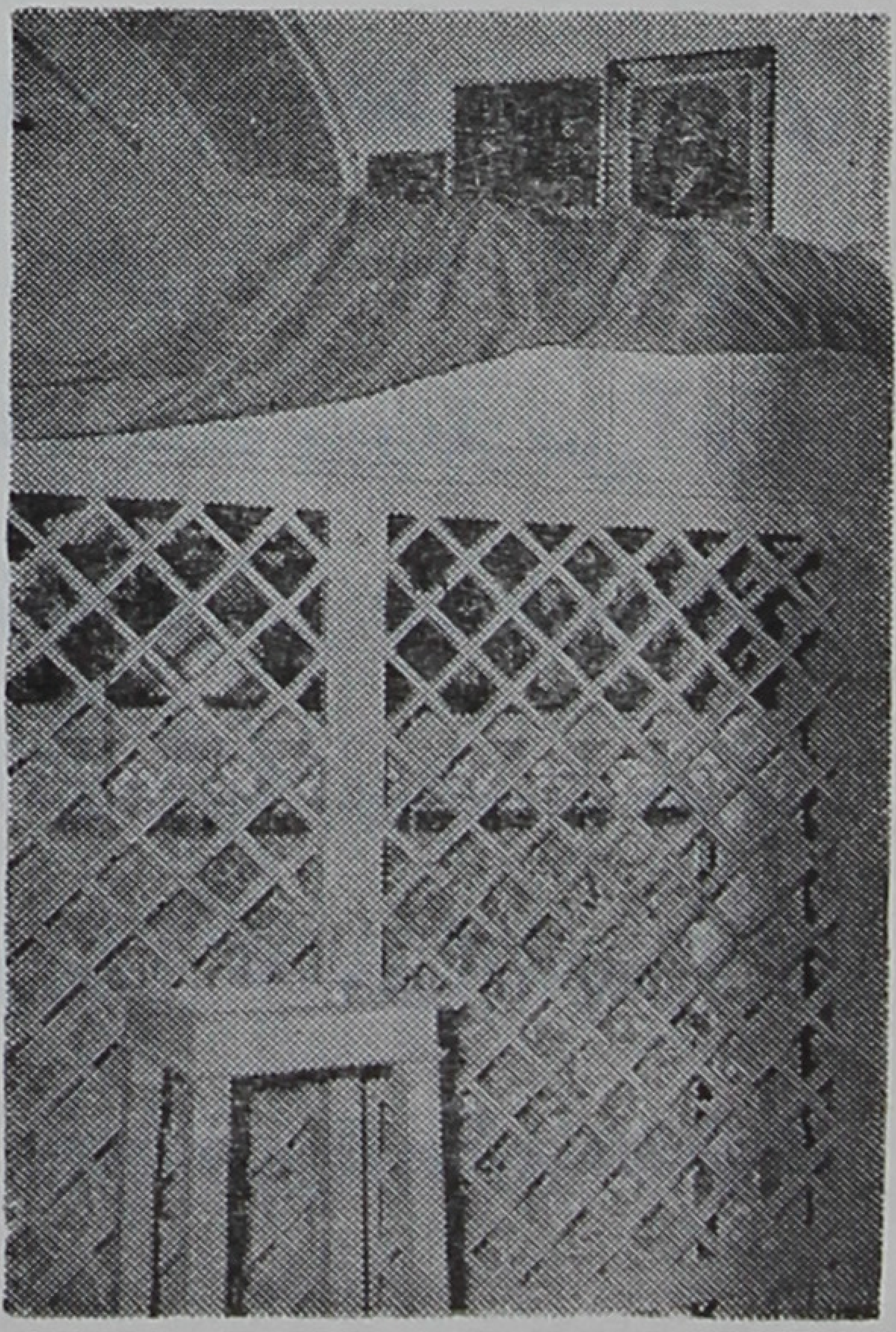
و در وسط بقعه ضریحی است مشبك از چوب رنگین به رنگ سبز که لب آن از بالا قاب بندی و تنکه سازی گردیده در پرده‌ای از حریر سبز رنگ پوشانیده شده است.

ودرون آن مرقدی است به ارتفاع ۱ر۲۰ متر وطول ۲ وعرض ۱ر۵۰ متر که بدنه آن از پنج جهت آراسته‌به کاشیهای‌خشتی منقش‌هفت‌رنگ عصر فتحعلی‌شاه‌است

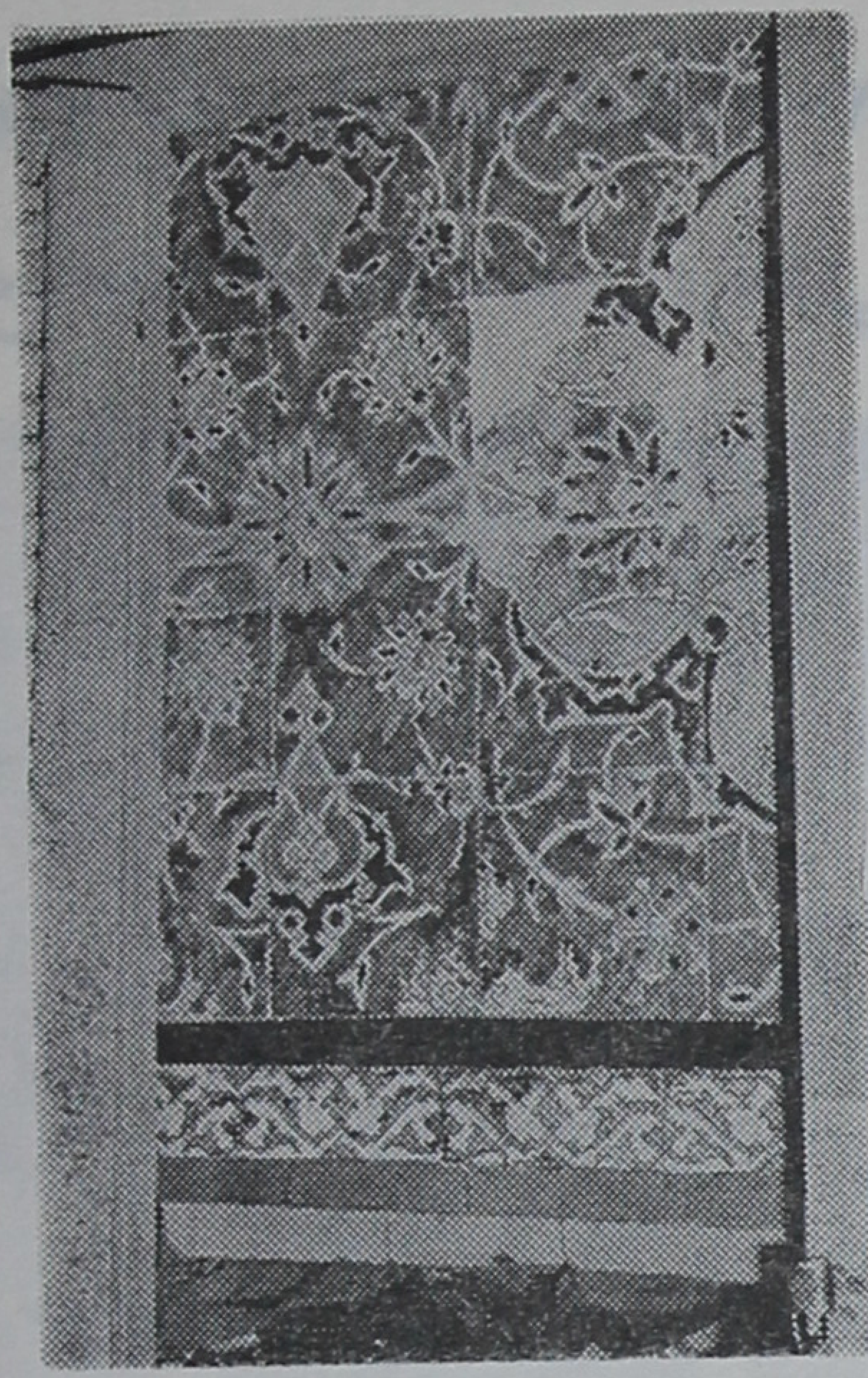
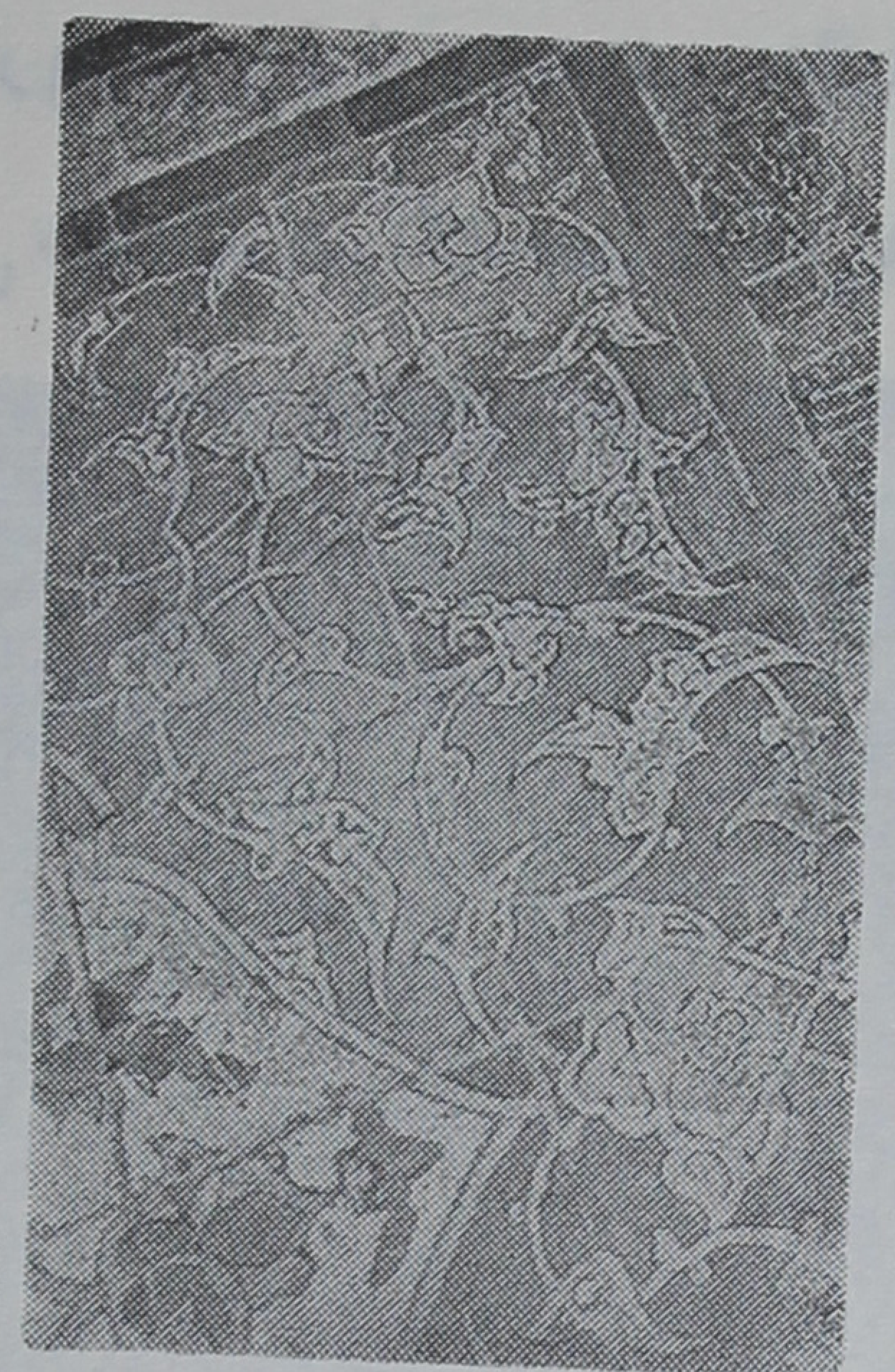


وسطح مرقد از چهار جانب دارای حاشیه ایست دروسط دو ردیف کاشیهـای دوالی از خشت های کاشی ۰.۲۰/ در ۴۰ /منقش‌هفت‌رنگ که‌روی‌خشت‌های طرف بالای سر کتیبه ایست بخط ثلثی نسخ طلائی در زمینه لاجوردی متضمن نسب نامهٔ امامزاده باهمان اسقاطات بدین‌عبارت.

هذاالمرقدالمنوروضجع المطهر امامزاده‌واجب التعظیم‌والتکریم امامزاده‌السید علی علیه‌السلام ابن ابراهیم بن‌جعفر بن‌عباس‌بن امام‌المتقین علی‌و امیرالمؤمنین حیدربن ابیطالب صلوات‌الله‌علیهم اجمعین .



تصویراتی ازضریح ولوح مزارآن

تصویراتی ازبدنه و سطح مرقد

وازدورنگی زمینه کتیبه وتنوع خط چنین برمیآید که قسمتی ازاین لوح مزارتعمیری ونوساز میباشد .

گنبد

وبرفراز بقعه گنبدی است شلجمی مشابه خودی سراپا آراسته به کاشیهای گره سازی الوان به ارتفاع ۷ وقطر ۷ متردارای عنقی استوانه‌ای به ارتفاع ۲٫۴۰ متر مزین به کاشیکاری معقلی (ازآجر کلوکی و کاشی گرهی) باچند کمربند دندانه آجری که پیش داده شده است ودومقرنس آجری برروی یکدیگر که نیزپیش آمدگی دارندودرداخل هرحوضچه مقرنس چندپارچه کاشی کلوکی فیروزه رنگ ویامشکی بکار برده شده است وبالای آنها کتیبه‌ایست بعرض ۰٫۴۵ ر. ازکاشی‌های خشتی بخط ثلثی سفیددرزمینه لاجوردی که‌روی آن آیه‌مبارکه نور (الله‌نورالسموات والارض‌مثل‌نوره کمشکوة)تا (وهوالعزیزالحکیم صدق‌الله العظیم فی‌سنة۱۳۴۲حرره‌حسین ارسطو) خوانده میشود .

وتارك آن شلجمی وآراسته به کاشیهای گرهی که روی آن در بالاچندنام جلاله

ودروسط چند اسم محمد ودر پائین در محاذات آنها چند نام علی بطور متعاکس از کاشیهای الوان تجلی یافته است .

وبالای گنبد میله ایست که بر فراز آن لامپ برقی بصورت (الله) روشن میگردد.

و درجانب غربی بقعه رواقی است موسع ودر خارج صحن آن آب انباری نوساز وجود دارد

فصل پنجم

در توصیف گنبد بابا مسافر

در باغ پنبه قم

گنبد بابامسافر در کنار اراضی محصوری مشهور بباغ شاه در منتها الیه کوچه تکیه باغ پنبه واقع است .

وهرچند که نام بابا درمقدمه نام وی افزوده شده است ولی نامبرده همان مسافری است که از اصحاب سر امام علی الرضا بوده است و پس از رحلت امام بقم منتقل واز ناحیه امام جواد بوکالت انتخاب گردیده درهمین شهرهم وفات یافته است .

وچون جلو بقعه صحنی دارای حجرات بود چنین بنظرمیرسید که در عصر صفویه تنی چند از فقراء ودرویشان که درحجرات آن سکنی گزیده بمرور نام صاحب بقعه راهم از مسافر به بابا مسافر تغییر داده باشند .

چه سبك بنای گنبد به خانقاه مشابهت ندارد بلکه یك مقبره محض میباشد که نمیتوان ادعا کرد روز گاری خانقاه بوده است .

وعلت خرابی صحن وانهدام آثار حجرات همان تمیه است که بنام بابامسافر خوانده میشود چه که اطلاق کلمه بابا بامزاج اهالی قم سازگار وقابل هضم نیست وبدین

جهت مورد بی‌عنایتی مردم قرار گرفته چه‌بسا عمداً حجرات وایوانهای صحن آنرا منهدم ساخته‌اند تاشارعی از باغ پنبه به‌جانب کوی مسجدجامع بگشایندزیراراضی محصور باغ‌شاه‌فعلا مشجر و دارای‌دودرب‌یکی‌بسوی کوچه‌باغ‌پنبه‌ودیگری‌به کوچه بن‌بست شمالی بودودراین میانه‌شارعی وجود نداشت .

بهرصورت‌این باغ وقف‌همین‌بقعه‌وازناحیه‌صفویه‌دراختیار درویشان قرارداشت ودرعصر ناصرالدین‌شاه‌خالصه‌سلطانی‌شده‌بود که‌هنگام‌تعمیرازمدرسه جانی‌خان‌وقف آن‌مدرسه گردانید .

بقعه وقبه

بهر صورت قاعده گنبد از خارج هشت ضلعی تـوأم بـا نمابندی‌آجری واز داخل بصورت مربع متساوی‌الاضلاع بدهانه ۵متر وارتفاع ۷متراست که‌درهرضلعی‌شاه‌نشینی ساخته شده‌است‌و در چهار گوشهٔ بقعه نیم طاقی بالا آورده‌اند که صورت‌مربع را به مثمن تبدیل نموده‌است و بالای آن فلکه‌ای وپاطاق پوشش عرقچینی بالاآمده است و هر چند که جدار بقعه سفیدکاری وتهی از تزیینات هنری است ولی‌اصل ساختمان ازابنیه تاریخی و تعمیر وحفاظت‌از آن‌ضروری‌است .

و دروسط بقعه مرقدی است با جدار سفیدکاری قاب‌بندی وبالای بقعه‌گنبدی است عرقچینی‌و آجری.

و جدارخارجی‌بقعه‌در ملتقای آن‌باحجرات‌سابقه آثارزیانداریکه‌ازبنای‌حجره مجاور حکایت میکند موجود و از دوده نفت و جرم سیاهی که روی‌دیوار خارجی بقعه مشهود است‌وجود حجره‌ای درمجاورت بقعه مسلم میگردد و تا سی سال قبل آثار سه‌حجره دریکجانب وسه‌ایوان‌درجانب دیگرصحن‌باقی‌بود که هنگام‌ساختمان دبستان مستوفی مصالح‌آنهاراهم برچیده دربنای جدیدبکار بردند.

بخش هفتم

دربیان آثار تاریخی قم درقرن یازدهم

مشتمل بر هفت فصل

بدین فهرست

فصل نخست

در توصیف مدرسه رضویه و تاریخچه تحولات آن

مدرسه رضویه که از دوره سلطه افاغنه جایگاه سکونت مستمندان و گروهی از دوره گردهای لکها گردیده بنام مدرسه لکها نیز خوانده میشد در میانه بازار کهنه قم واقع است که پس از احداث خیابان آذر بسال ۱۳۱۶ شمسی قسمتی از ابنیه و بیوتات آن چون مسجد وایوان وشش باب حجره با وضوخانه مدرسه در مسیر خیابان قرار گرفت و تنها محراب مسجد در جانب جنوبی خیابان باقی ماند که از ناحیه مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد فیض بصورت مسجد کوچکی ساخته شد و قسمتی از وضوخانه آنهم که در کنار خیابان افتاده بود از ناحیه اداره اوقاف برای ایجاد مستقلات به طالبین اجاره داده شد.

در نتیجه قسمت جنوبی مدرسه فاقد حجره ماند ولی بر فراز حجرات هیجده گانه سه جانب مدرسه غرفه سازی گردید که اکنون دارای سی و چند حجره تحتانی وفوقانی میباشد.

تاریخ بنیان این مدرسه بطور دقیق در دست نیست و همینقدر مسلم مینماید که در اواخر قرن هفتم مدرسه‌ای معمور بوده است چه که عالم ربانی سید عبدالکریم بن طاووس متوفی به سال ۶۹۳ در کتاب فرحة الغری آنجا که از تشریف فرمائی امام علی

الرضا بقم خبرداده چنین آورده است که (منزلگاه امام در قم مقام رفیعی گردید واینک مدرسه‌ای معمور میباشد) .

واین عبارت وجود مدرسه معموری را درسال ۶۹۰ میرساند هرچند که نگارنده منکر قدوم امام بشهر قم میباشد چه که اولا ابن طاووس براثبات این ادعا سندی ابراز نداشته است درثانی مؤلف تاریخ قم ازنزول موکب امام بقم خبرنداده است که عدم اخبار وی اقوی دلیل برعدم ورود آن امام است .

در ثالث در آنعصر شهر قم در مسیر طریق سلطانی نبود چه راه خراسان از شش فرسنگی قم بساوه واز آنجا به ری امتداد داشت مگر آنکه مسافری بخواهد بقصد دیدار قم از راه رسمی منحرف گردد .

در رابع چگونه متصور است که مردم قم از افتخار میزبانی امام برخوردار شده باشند وابن بابویه (شیخ صدوق محمد بن علی) درکتاب عیون اخبار الرضا که برای صاحب بن عباد تألیف کرده است براین مفخرت اشاره نکرده باشد بلکه بالعکس بر خلاف آن تصریح فرماید که رجاء بن الضحاك مسئول حرکت موکب مسعود از ناحیهٔ مأمون مامور بود که مسیر آن امام را از غیر طریق قم به خراسان تعیین کند علاوه براینکه از نزول موکب امام به بعضی از بلاد واز جمله نیشابور خبر داده است با اینکه شیخ صدوق اهل قم بوده حداکثر علاقه داشته است که درصورت امکان یکچنین مفخرتی را برای قم قائل شود .

در خامس چگونه متصور است که آن امام بقم درآمده باشد ومحدثین قم حتی یك سؤال ازحضرتش نکرده حدیثی را از وی استماع ننموده ازدریای فضیلت ومعرفتش قطره‌ای هم نچشیده باشند با اینکه برای زیارت امام وحل مشکلات خود زکریا بن آدم ودیگران از قم به مرو سفر کرده اند :

در سادس شهر قدیم قم در تپه‌های قم درویش قرب جمکران واقع بود و

ومنزلگاه امام هم علی القاعده بایستی در داخل شهر باشد نه در این مکان دور افتاده که بعداً بامساعی سادات رضائیه معمور گردید.

پس معلوم میشود که سید بن طاووس از تسمیه این مدرسه بنام رضویه بهره برداری کرده است در حالیکه وجود مدرسه ای بدین نام دلیل نزول موکب امام نمیشود مانند تسمیه مسجد جامع بنام مسجد امام حسن عسکری که دلیل برنزول مقدم امام بدین مقام نمیشود.

وبعید نیست که این مدرسه از ناحیه ابن الرضا محمد بن احمد بن موسی المبرقع احداث شده بدین نام شهرت یافته باشد.

بهر صورت این مدرسه در عصر صفویه مخروبه وغیر مسکونی بود و حاکم قم از ناحیه شاه سلیمان بنام ابدال بیك در سال ۱۰۹۲ به عمران آن همت گماشت چه که شادقلی خان حاکم قبلی قم مدرسه ای در مجاورت مدرسه فیضیه بنیاد کرده بود و اقدام حکام به احداث مسجد یا مدرسه در هر بلد موجب ادامهٔ و امتداد مأموریت آنان میگردید.

مدرسه ابدال بیکی دارای بیست وچهار حجره یك طبقه باایوان و یك مقصوره با ایوان مجلل و یك سر درب ورودی بود که ازمجموع آثار آنعصر تنها ایوان سر ـ درب ورودی آن در بازار باقیست که توصیف میگردد.

و درسلطنت فتحعلی شاه قاجار هم آقاخان محلاتی پیشوای فرقه اسمعیلیه آقاخانی در دوره حکومت خود در قم بعمران آن بپرداخت که این تعمیر و تجدید تا سال ۱۲۵۵ بطول انجامید و از آنروز این مدرسه مقر طرفداران وی گردید.

وچون سکنه این مدرسه برای آب مشروب خود از چاه استفاده می کردند (چاهی که بتوصیه امام علی الرضا از یخ آب زمستانی پر می شد و در تابستان همان آب گوارا را باز پس می داد) آقاخان در لحظاتیکه خود مشغول حفر چاه سنگی صحن

شاهزاده اسمعیل دربیدقان بود مرحوم حاج سیدحسن صابونی یکی از تجار نیکوکار قم را به بنیان آب انباری دربرابر مدخل مدرسه دعوت نمود و بنابراین آب انبار موجوددرسال ۱۲۶۰ ساخته شد وپس از تخلیه مدرسه ازفرقه اسمعیلیه و قیام آقاخان علیه محمد شاه این مدرسه متروك افتاده منزلگاه غرباء و فقراء گردیده بود تا در سال ۱۳۴۰ که حوزه علمیه قم ازناحیه آیت الله حائری یزدی توسعه پذیرفت و اهل علم از لحاظ مسکن درمضیقه قرار گرفتند حجرات آن بهر کیفیت ازید غاصبین انتزاع و پس از تعمیر مسکن اهل علم گردید .

سر درمدرسه ودر مدخل مدرسه ازبازار کهنه ایوانی است بادوصفه محرابی شکل دو طبقه از آثارابدال بیك و سال ۱۰۹۴ باجدار آجری تراش و پوشش مقرنس گچی که درسینه صفهٔ غربی آن لوحی ازسنك نصب و روی آن دوبیت ذیل حاکی از نام بانی وتاریخ بنا حجاری شده است .

هو الفتاح

این تازه بنا که هست درخوبی فرد هرگز نرسد بساکنانش غم ودرد
از روی یقین گفت خرد تاریخش سرکاری ابدال بك آبادش کرد

۱۰۹۴

و درب جدید مدرسه به خیابان بدون سردرب و ایوان است که از سه طرف اطراف درگاه آن کاشیکاری وروی آن ابیاتی کتیبه شده است که بر نقل آنها حاصلی مترتب نیست .

فصل دوم

در توصیف گنبد علی بن بابویه قمی

گنبد شیخ القمیین علی بن الحسین بن موسی بن بابویه پدرشیخ صدوق در کنارشرقی قبرستان بابلان بود که اکنون‌در شرقی خیابان ارم درمقابل مقابرالشیوخ (شیخان) واقع شده‌است و دارای قبه‌و بقعه وایوان وصحنی مشتمل برسه حجره میباشدکه ذیلا توصیف می گردند.

اما ایوان به دهانه ۵ و عرض ۳ و ارتفاع ۸ متر با جرز های آجری و جدار سفیدکاری ساده‌و پوشش رسمی‌سازی است که راه‌پلهٔ بام‌در کنار آن‌قراردارد .

اماصحن به‌وسعت ۱۲در۱۲ متر باسه‌بقعه کوچك شمالی‌ودوجدارنمابندیست .

بقعه اما بقعه موردنظر باستانی واز آثارصفویه وقاعده‌گنبدش ازخارج چهار ضلعی آجری بوسعت ۱۲در۱۲ متر که‌پس‌از الحاق ایوان دوضلع شرقی‌و غربی آن‌ازخارج‌به‌۱۵ متربالغ میگردد .

و هیئت ساختمان بقعه ازداخل چهار ترکی‌متساوی‌الاضلاع به‌دهانه۷وارتفاع ۹ مترودرهر ضلعی‌شاه‌نشینی به دهانه ۴ متروعرض ۸۰ سانتیمترمی باشد .

ودر ارتفاع دو متری کتیبه‌ایست بخط ثلثی‌همسطح بازمینه که داخل‌حروف رابریده تهی‌ساخته باگچ زرشگی‌رنگی‌پرساخته‌اند و درروی آن سوره مبارکه فتح نوشته شده‌است‌واین کتیبه بغله‌ها واسپر هرشاه نشینی‌راهم‌زینت بخشیده‌است .

ودر شاه‌نشین جنوبی محرابی‌است آراسته بنقوش گچبری باپوشش‌مقرنس

آویز دار که در رأس هر آویزی عبارتی چون (لا اله الا الله) یا (محمد رسول الله) یا (علی ولی الله) گچبری شده است منتهادر هر آویزی که نام علی گچبری بوده است درعصر افاغنه روی آنرا تراشیده یا قشری از گچ بر روی آن مالیده‌اند.

ودر چهار زاویه بقعه نیم طاقی بالا آورده صورت چهار ضلعی را وبه هشت ضلعی نامرئی تبدیل کرده باطرح چند رسمی سازی بشکل فلکه‌ای درآورده‌اند.

که جدار قوسی تمام نیم طاقها آراسته بمقرنس آویزداری است و در راس آنها کلمه توحید و غیر آن گچبری شده‌اند.

و پوشش آن عر قچینی سفید کاری ساده ومیباشد و بر فراز بقعه گنبدی است شلجمی از آثار صفویه که نیم قرن قبل تزیینات آن از ناحیه سید جلیل مرحوم حاج میرزا عبدالله رضوانی ساوجی تجدید و با کاشیهای دوالی فیروزه فامی آراسته شده است ودر مواضع مختلفه آن با کاشیهای الوانی بخط بنائی در بالا نام جلاله ودر وسط اسم محمد و در پائین نام علی خوانده میشود.

ودر تارک آن میله ایست با سه گوی مسین و در رأس آن مشبکی متضمن کتیبه‌ای حکاکی بنام الله دیده میشود.

فصل سوم

در توصیف گنبد شاهزاده طاهر

در تقرود قم

گنبد مورد نظردر خارج روستای تقرود واین قریه معتبر در پنج فرسنگ ی شمال غربی قم قرار دارد .

قریه تقرود از قراء تاریخی و پرجمعیت بود که بواسطه خشکی قنات باغهایش خشك و کشاورزیش مختل ونیمی ازسکنه اش بقریه کازران موقوفه آستانه که قناتش آبدار است و چندرشته چاه عمیق هم در اطراف آن زده اند در نتیجه روز بروز جمعیتش رو بتزاید است منتقل شده اند .

بهرصورت گنبد مزبور از آثار تاریخی قم ولی تهی از تزیینات هنری و مدفن شاهزاده طاهر موسوی است که بعقیده نگارنده مدفون در این بقعه ابوالطیب طاهر بن حسین قطعی ابن موسی ابی السبحه ابن ابراهیم المرتضی ابن امام کاظم است .

ونامبرده به علو منزلت موصوف وبکرم و سخاوت معروف و چه بسا مالك این دهکده بوده است .

درهر حال مشهدوی دارای بقعه و قبه و ضریح و رواق مجللی است که ذیلا بتوصیف آنها می پردازد .

واما رواق نو بنیان آن بامحوطه ده‌درده متری باجداری از آجر تراش و پوشش تیر آهنی خفته‌رسته بر فراز چهارستون لوله‌فلزی است که‌ازجانب غربی به‌جدار بقعه پیوست‌است وازسه جانب دیگر در هرضلعی از آن سه‌درگاه بزرگ نیم‌تنه بخارج باز است که‌بادرهای چهارلنگه‌بسته خواهدشد .

اما بقعه‌آن قاعده گنبدش از خارج هشت ضلعی آجری زیباواز داخل بصورت مربع مشابه‌مثمن است‌بدین توضیح که‌قسمت پائین آن تاارتفاع یکمتری بشکل مربع است‌ودرچهارزاویه پوششی مثلث افزوده‌شده‌است که روی آنرا تا بالا پرساخته‌هیئت ساختمانی رابشکل هشت‌ضلعی تجلی داده‌است .

بهرصورت دهانه‌بقعه ۵ وارتفاعش ۹ متر ویکمتر پائین آن مربع وچهارمتر بالایش مثمن‌وروی آن‌شانزده‌ضلعی‌دارای‌شانزده‌صفهٔ محرابی کوچك‌است‌وبالای آن‌فلکه‌ای است که پاطاق‌پوشش‌عرقچینی ازاینجابالاآمده‌است و پوشش‌ساده آن از نظرفنی جالب توجه است .

ودربالای درگاه ورودی ازرواق شرقی هواکشی بازگذاشته‌اند وجلـوآنرا باشبکه‌ای زیبااز گچبری پوشانده‌اند که‌مشبك آن‌سالم مانده است .

وجلودرگاه غربی ایوانی است‌باستانی که‌از قطر پایه بیرون انداخته‌انـد .

اماایوان جلومدخل شرقی جزء محوطه رواق درآمده است .

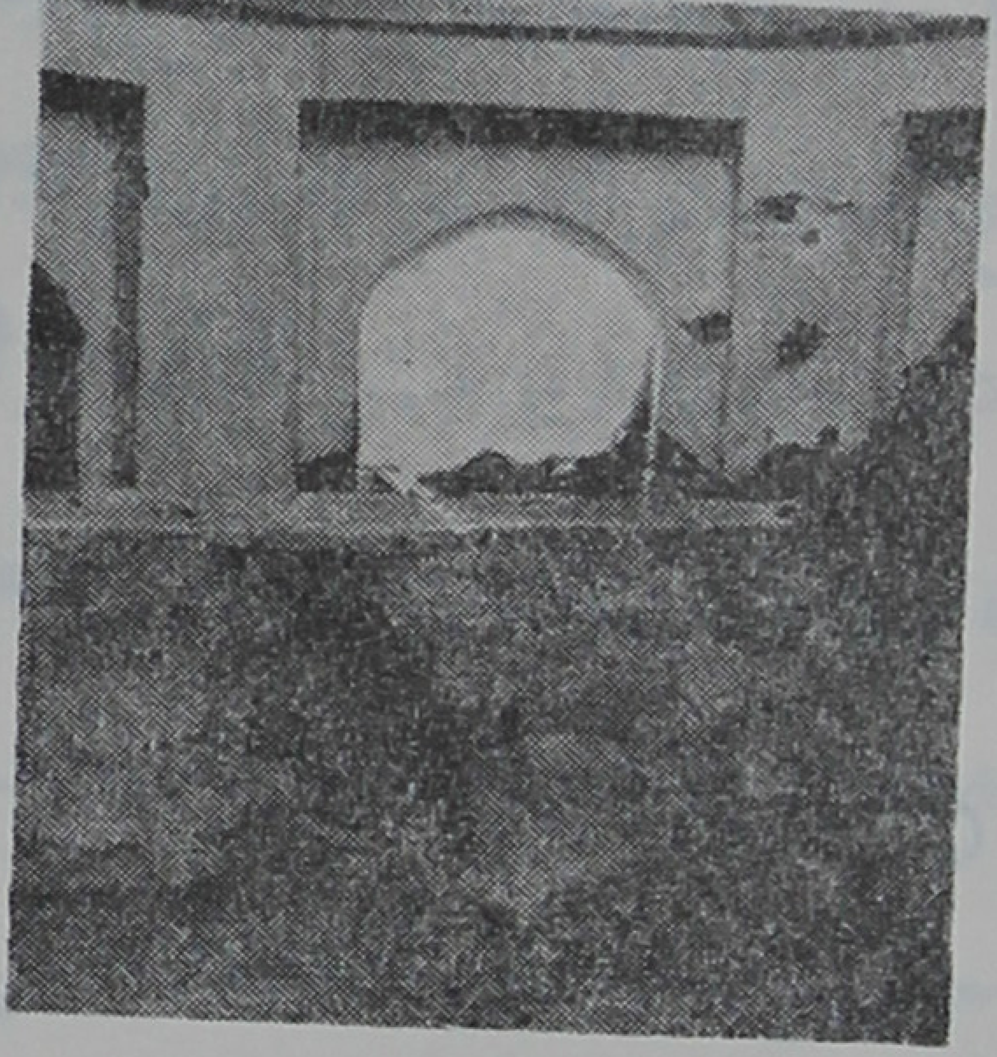
ودروسط بقعه ضریحی چوبی ومشبك است‌ودر داخل آن مرقدی به‌ارتـفاع نیم‌متر وطول ۲٫۵۰ وعرض ۱٫۲۵ متر ساخته شده‌است که جدار آن‌از چهارجانب گچکاری است وتنهاسطح روی‌مرقدباکاشیهای مسدس‌ساده‌قالب کوچك فیروزه‌فام اصیل‌باستانی آراسته شده است .

ومقبره میرزا رضای وزیردفتر ازوزرای دولت ناصرالدین شاه در محـوطه ایوان شرقی است که‌گاه بنیان رواق‌ـلوح سنگی قبرویرا بداخل بقعه انتقال‌داده‌اند

این لوحه علاوه بر کتیبه‌های خوش خط متن و حاشیه با مجسمه تمام قد برجسته متوفی در لباس رسمی سلام آراسته شده است .

و از مرکز پوشش بقعه زنجیری با قندیلی برنجی دارای کتیبه های گوناگون و کنده کاریهای جالب آویخته است که چون دور از چشم است کتیبه‌ها خوانده نمیشوند .

و بالای بقعه گنبدی است آجرپوش و نیمه بیضی بر روی پوشش بقعه که دارای عنقی شانزده ضلعی آجری است و در مرکز آن میله یا منارچه‌ای ساخته شده است .





دو تصویر از نمای خارجی بقعه شاهزاده جمال لنگرود و جدار مخروبه داخلی آن مربوط به صفحه ۵۲۳

فصل چهارم

در توصیف گنبد چهار امامزاده باوره

بالای دهکده فردو

مزرعه باوره موقوفه برفراز کوههای مرتفعی دریك فرسنگی دهکده فردو(۱) قرار دارد واین دهکده ازقراءمعتبر قهستان ودر هشت فرسنگی شهر واقع است.

دراین مزرعه چشمه ایست جاری بنام چشمه زنگاری و آبش دارای رسوبی است که تا پنجاه متری درسطح نهر و همچنین بدنه استخر قشری زمخت از سنك زنگاری بجای میگذارد بطوریکه ناچارندسالی دو بار این قشرسنگی را با نیش کلنگ کنده نهرو استخر روبی کنند وگرنه دهانه آنها بکلی پر میشود.

دراین قریه بقعه ایست مشتمل بر دو گنبد که در هر گنبدی دو امامزاده مدفون و جمعاً چهار تن و دارای چهار صندوق منبت تاریخی است.

مدفونین دراین بقاع متصل بهم چهار امامزاده دو مرد و دو زن باسامی شاهزاده محمد وشاهزاده حسین وحلیمه خاتون وزینب خاتون وهمگی از احفاد امام کاظمند.

بنظر میرسد که محمد از فرزندان ابوعبدالله حسین بن احمدبن اسحق عسکری یعنی برادر شاهزاده حمزه معروف که مدفنش در شهر مزار عمومی است بوده باشد

۱ـ فردو بضم فا ـ وسکون راء مهمله وفتح دال بی نقطه وسکون واو که باضم دال بی اشباع هم خوانده میشود

وبقیه فرزندان محمد باشند وبنابراین پدرشان بنام ابوالفضل محمد بن ابی عبدالله حسین وپسرش بنام ابومحمد حسین فقیه معروف بعزیزی است که برادر وی بنام ابوالحسن علی پدرزن سلطان محمد شریف بوده است ودرمیانه احفاد او هم فقهاء و محدثین بزرگی بوجود آمدند که مقام را گنجایش اطاله بحث نیست .

اما بقعه مورد نظر متشکل ازدو گنبد عرقچینی و از آثار قبل از صفویه است که با مصالح سنگ و گچ ساخته شده است وتزیینات هنری ندارد.

بقعه

قاعده هردو گنبد ازخارج وداخل بشکل مربع متساوی الاضلاع بدهانه سه وارتفاع هفت متر است که درهرضلعی شاه نشینی بدهانه ۲٫۸۰ وعرض ۱٫۵۰ متر ساخته شده است وپوشش گنبد عرقچینی وطاق شاه نشینها رومی پوش می باشد و دوشاه نشین میانه گنبدهای شمالی وجنوبی بیکدیگر متصل گردیده است بنابراین طول دو بقعه جمعاً ده متر وعرض هریك باشاه نشینهای طرفین شش متر میشود ولی دوشاه ـ نشین جنوبی وشمالی که درمدخل دو بقعه واقعند بعرض نیم متر میباشند .

بهرصورت درارتفاع دومتر ونیمی درزوایای اربعه هریك ازدو گنبد نیم طاقی بالا آورده صورت مربع رابه هیئت هشت ضلعی مبدل ساخته اند .

ودر این قسمت هشت طاقچه نمودار است و سه طاقچه آنها نورگیرند که جلو آنها بامشبکی گچبری پوشانده شده است .

و بالای طاقچه ها هشت مضلع بفلکه ای مبدل و باطاق پوشش رسمی بندی بقعه ها بالا آمده است وجدار دو بقعه سفید کاری وتهی ازتزیینات هنری است جزاینکه در میانه هریك ازدو بقعه دوصندوق منبت برروی قبور نصب گردیده است که از آثار هنری قرن یازدهم میباشند .

چهار صندوق منبت

اما دو صندوق گنبد جنوبی که مدفن شاهزادگان محمد و حسین است هـر یك در یکی از شاه‌نشین‌های شرقی و غربی واقعند و از دو صندوق گنبد شمالی بزرگتر و به‌یکدیگر هم نزدیکترند و درون دو ضریح مشبك چوبی قرار دارند که از دستمالی ولمس مصونیت یافته‌اند.

صندوق شاهزاده محمد موسوی

اما صندوق غربی که‌روی قبر شاهزاده ابوالفضل محمد است به ارتفاع ۱/۲۰ وطول ۱/۸۰ وعرض ۱ متر ودارای کتیبه ای گلوبندی به‌خط برجسته ثلثی است که روی آن احادیث ذیل منبت شده اند.

قال النبی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات علی منی کمنزلتی مـن ربی.

وقال النبی علیه السلام لایجوز احد الصراط الامن کتب له علی بن ابیطالب الجواز صدق رسول الله العربی الهاشمی صدق رسول الله وصدق اولاد رسول الله وهم من الصادقین فیه.

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم اربعة انا شفیع لهم یوم القیامة المکرم لذریتی والقاضی لهم بحوائجهم و الساعی لهم فی امور هم و المحب لهم بقلبه و لسانه.

و چهار بدنه صندوق تنکه پوش وهر تنکه ای مزین به قاب بندی و هرقابی مرکب از گره سازی است که روی هریك گل و بوته برجسته منبت شده است و در میانه گل‌ها اسامی محمد یا علی بخط ثلثی برجسته خوانده میشود.

صنـدوق شاهزاده حسین عسکری

اما صندوق غربی که برفراز مدفن شاهزاده حسین موسوی عسکری نصب شده است باهمان اندازه وهمانگونه تزیینات در چهار بدنه می‌باشد بااین تفاوت که‌روی هر گرهی دو نام علی بطور معکوس منبت گردیده است.

و روی پلهـای گلوگاه آن کتیبه ایست بخط بـرجسته ثلثی که روی آن ابتداء آیةالکرسی ودر دنبال آن عبارات ذیل که منبت شده خوانده میشود.

عمل عالی فخرالصناع استاد ولی ولد استاد علی بن استاد اصغر نجار فی سنة اثنتین وثلثین والف من هجرةالنبوی .

صندوق حلیمه خاتون موسوی

اما صندوق غربی در بقعه شمالی که روی تربت حلیمه خاتون موسوی نصب شده است اندکی کوچکتر از دو صندوق سابق است وچهار بدنه آن قاب بندی وگره سازی وهرگرهی مزین به گل وبوته های برجسته وروی پایه ها و پل های آن کتیبه هائی عمودی وافقی بخط برجسته ثلثی واز جمله درگلوگاه آن از چهارجانب کتیبه ای گلوبندی متضمن صلوات کبیره بر معصومین است که در آغاز آن اللهم صل علی المصطفی محمد و درپایان آن عبارات:

(وصل علی الحجة القائم الخلف الصالح الامام الهمام المنتظر المظفر محمد المهدی الهادی صاحب الزمان صلوات الله وسلامه علیه و علیهم اجمعین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آلـه اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین برحمتك یـا ارحم الراحمین) خوانده میشود .

وازجمله در ساق قسمت پائین آن عبارات ذیل بطور افقی منبت شده است.

(بتاریخ غره شهر جمادی الاول سنة اثنتین و ثلاثین والف من هجرة النبویة صلی الله علیه وآله وسلم العبد نورالله بن حبیب الله).

وکتیبه های دیگر درپشت پایه ضریح قرار گرفته است که تاضریح برداشته نشود خوانده نمیشوند.

صندوق زینب خاتون موسوی

و چهارمین صندوق که روی تربت زینب خاتون موسوی در جانب شرقی گنبد شمالی نصب شده است با تنه های قاب سازی باگره بندی وچند کتیبه افقی و عمودی بخط برجسته ثلثی است و ازجمله در گلو گاه آن صلوات بر معصومین و در پایان (والحجة القائم الخلف الصالح امام الهمام المنتظر المظفر محمد المهدی) منبت گردیده است.

ودر ساقبند آن عبارات ذیل خوانده میشود:

(این صندوق باهتمام جناب ریاست مآب میرزا رئیس قلی بن مهدی بن محمد)

وروی پایه وسط بطور عمودی عبارات ذیل منبت شده است (عمل فخر الصناع استاد ولی ولد استاد علی بن استاد اصغر نجار).

وبخط برجسته کوفی در دنباله آن (لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله والحسن والحسین) خوانده میشود.

درب منبت

ناگفته نماند که ساختمان بقعه در اراضی شیب داری در دامنه کوه است که ایوان گنبد شمالی همسطح اراضی مجاور و مدخل رسمی دو بقعه میباشد در حالیکه تالار جنوبی حدود سه متر از سطح صحن ارتفاع دارد و باید از پله های سنگ پوشی از صحن بداخل تالار ایاب ذهاب کنند.

ودر جهت شمالی ایوانی است قدیمی از سنگ و گچ باجدار سفیدکاری بدهانه ۳٫۵۰ و عرض ۳ و ارتفاع ۵ متر که دو لنگه درب منبت و باستانی در مدخل بقعه زیر همین ایوان نصب شده است.

وتالار جنوبی تیرپوش وجلو آن صحنی است مشتمل بر حجرات متعددی جهت سکونت زوار وخادم کشیك ومدخل این بقعه در گوشه این تالار گشوده میشود زیرا سابقاً از شاه نشین جنوبی بقعه مزبور دو درب به تالار باز میشده است که جلو یکی از آنهارا بطور کلی بسته اند، درنتیجه درب موجود در گوشه تالار بازمیشود

اما درب شمالی نیز باستانی واز جنبهٔ قدمت وصنعت حائز اهمیت ومشتمل بر کتیبه‌های متعدد وعمودی وافقی بخط برجسته ثلثی است که متأسفانه قسمت پائین یك لنگه آن در اثر آتش اجاقی که زوار در پای درگاه افروخته بودند سوخته و خطوط آن‌محو شده واز جمله تاریخ آن‌نیزاز بین رفته است .

وازجمله درحاشیه هرلنگه جنین منبت شده‌است : قال النبی صلی الله علیه وآله حب علی ابن ابیطالب حسنة لایضر معها سیئة وبغض علی بن ابیطالب سیئة لاینفع معهاحسنة صدق رسول الله .

قال رسول‌الله صلی الله علیه وآله من فرح قلب المؤمن خلق الله تعالی ملکاً بصورة الطیر له جناحان احدهمـا بالمشرق و الثانی بالمغرب (قسمتی سوخته است) بالدر و الیاقوت وعنقه(وبقیه‌نیزسوخته است).

وروی بائوش وسطی عبارات ذیل :

(عمل استاد مهدی بن فخرالدین) (. بن عماد بن تاج الدین مهدی‌الکاشی)

وروی بائوش‌پائین‌نیز که‌بعضی کلماتش‌ریخته‌است‌این کلمات خوانده‌میشود

(. . . ابن عماد الکاشی) (. . سید محمد بن سید احمد باورهٔ) .

(صدق رسول الله‌الهاشمی‌صدقت‌وقررت) .

فصل پنجم

در توصیف مدرسه مؤمنیه قم

(مرعشیه کنونی)

مدرسه مؤمنیه از مدارس باستانی قم بود که میر محمد مؤمن از ادباء و شعرای عصر شاه تهماسب صفوی در اوائل قرن دهم برای ساختن آن بکار پرداخت.

منتها چون نامبرده معلم شاهزاده حیدر میرزا ولیعهد بود و زمانیکه شاهزاده به دست طرفداران اسماعیل میرزا برادر خود که در قلعه قهقهه محبوس بود در عمارت دولتخانه بقتل رسید و اسماعیل میرزا بسلطنت خوانده شد و بر اریکه جهانبانی جلوس کرد در مقام ایذاء و شکنجه طرفداران حیدر میرزا بر آمد تا جائیکه نامبرده شبانه از قزوین گریخته خود را بقم رسانیده معتکف گشت و در سال ۹۸۴ بنای این مدرسه بپرداخت اما طولی نکشید که دستور دستگیری وی صادر گشت و میر محمد مؤمن بناچار دست از کار کشیده بسوی هندوستان هجرت نمود و در دکن نزد خواجه محمد علی قطب شاه فرمانراوی آن خطه معزز و مقرب گردیده تدریجاً به مرتبه وکالت و وزارت نائل افتاد که رباعیات و غزلیات وی بچاپ رسیده است.

و پس از مدتی امیر محمد مؤمن شاملو از امرای شاه سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۱۳ به تکمیل بنای آن همت گماشت و کتابخانه آنرا با کتب خطی بسیاری بیار است و لی در

سال ۱۱۳۵ در فتنه افاغنه این مدرسه تهی از سکنه و به انبار آذوقه و علوفه تبدیل و بنام تحویلخانه مشهور گشت و کتب آنهم بیغما رفت و مدرسین آنهم فراری و متواری شدند و پس از فرار افغان از قم در برابر حمله نادر قلی افشار این مدرسه بمرور روی بخرابی رفت و هیچگاه معمور نگشت تا در این اواخر سقف اواوین و حجرات آنهم فرو ریخته بود و تنها ایوان سر درب ورودی آن باقیمانده بود.

تا در سال ۱۳۸۳ قمری آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی یکی از مراجع بزرگ قم محوطه مزبور را از اداره اوقاف بمدت سی سال به مال الاجاره سالی هزار تومان که آنرا هم بمصرف آب و برق این مدرسه برساند اجاره کرد و به تجدید بنای آن همت گماشت و اکنون مدرسه مزبور با محوطه ۴۰ در ۳۰ متر مشتمل بر هشتاد حجره و غرفه در دو طبقه و یك کتابخانه متضمن چهار هزار جلد کتب متنوعه و قرائتخانه و رختشویخانه مسکن اهل علم گردیده از تلفن و آب لوله و برق هم برخوردار و هر حجره‌ای دارای یك والر برای زمستان است که سالی دو بار از طلاب آن امتحان میشود و بفراخور فضیلت اکتسابی از جوائز و شهریه اضافی هم برخوردار میشوند و بهر نفری روزی دو نان داده میشود.

بهر صورت از آثار قدیم آن مدرسه ایوانی در غربی است که در دو طبقه محل کتاب خانه و قرائتخانه شده است و سردری در شرقی آن باقیست و پوشش آن رسمی بندی و دارای کتیبه‌ای از کاشی‌های خشتی بطور کمربندی است که در زمینه لاجوردی بخط سفید نستعلیق ابیات ذیل سروده ناصح قمی بر روی آن نوشته شده اما سه بیت آن فروریخته است و آنچه که باقیست چنین است.

در زمان شهٔ ستاره شیم	آسمان طبل و آفتاب علم
الذی صاح حکم نافذه	عن سوادا لقلوب قم یاغم
خسرو عهد و داور دوران	شاه گیتی و قبله عالم

در اینجا جای دو بیت خالی و کاشیهایش ریخته است

ساخت این مدرس سپهر اساس | که از آن شد بنای دین محکم

در اینجا هم کاشیهای یک بیت فرو ریخته است

کرد اتمام این خجسته بنا | که بود کعبه سان مطاف امم

عبدی از بندگان درگاهش | مؤمن شاملو امیر عجم

زد رقم ناصح از پی تاریخ | بهترین مدارس عالم

۱۱۱۳

که از مصرع «کرد اتمام این خجسته بنا» چنین مستفاد میگردد که اساس ساختمان آن از دیگری بوده است.

وجلو حجرات و غرفات آن تالاری سراسری برفراز ستونهای لوله آهنی و پوشش خفته رسته و تیر آهن پوش است که هر تالاری دارای کتیبه‌ای بخط ثلثی سفید متضمن سور مبارکه قرآنی است ولی هنوز تزیینات آن تکمیل نشده است.

فصل ششم

در توصیف بقعه شاهزاده محسن

در دهکده قبادبزن

شاهزاده محسن از سادات سجادی و بقعه‌اش در مظهر قنات قریه قبادبزن بین میم وکهك واقع است .

بقعه مزبور لیسیده از اواوین از آثار قرن دهم است و قاعده گنبد از خارج چهار ضلعی با جدار سنك و گچی و از داخل نیز چهار ضلعی متساوی به دهانه ۵/۵۰ و ارتفاع ۷ متر است که در هر ضلعی شاه‌نشینی است و از هر یك دری بخارج گشوده میشود و جدار داخلی آن سفید کاری و تهی از تزیینات هنری میباشد .

ودر چهار گوشه بقعه نیم طاقی بالا آورده صورت مربع را به مثمن تبدیل ساخته بازدن چند رسمی بند بصورت فلکه‌ای در آورده پاطاق پوشش عرقچینی (گنبد) آنرا بالا برده‌اند .

ودر وسط بقعه ضریحی مشبك از چوب و در میانه آن مرقدی است سفید کاری و در جهت شمالی بقعه ایوانی است با پوشش دو قوسی به دهانه ۳/۵۰ و عرض دو متر که نسبتاً قدیمی است و در جانب جنوبی آن تالاری است به دهانه ۶ و عرض ۲ متر با یك ستون لوله و پوشش خفته رسته تیر آهنی که نو بنیاد است .

وگنبد آن عرقچینی است که روی آنرا کاه گل مالی کرده‌اند .

فصل هفتم

در توصیف مشاهد قریه دستجرد

در دو مقصد

مقصد نخست

در توصیف گنبدشاهزاده ابراهیم وغیره

درمیانه قریه‌دستجرد بالای میم(۱)ودر مظهر قنات باغچه‌ای‌ودرون آن‌دو گنبد باستانی است .

گنبدنخست مدفن دوامامزاده بنام شاهزاده ابراهیم وشاهزاده ابوطالب است که‌از سادات سجادی هستند .





دوتصویر از قبه شاهزاده ابراهیم در دستجرد

(۱) میم به کسر میم وفتح یاء دونقطه وسکون میم

وسبک بنا برالحاق آن به قرون وسطی وقدر متقین به دوران قبل از صفویه دلالت دارداما ایوانهای آن بشهادت لوح سنگی درسال ۱۰۷۴ برآن افزوده شده‌اند .

قاعده گنبد ازخارج بصورت برجی ونمابندی باجداری سنگ و گچی واز داخل بصورت هشت ضلعی مختلف الاضلاع بدهانه ۵ وارتفاع ۸ متراست که درهر ضلعی شاه‌نشینی بدهانه ۲ وعرض نیم‌متر ساخته شده استواز هریك دری بخارج گشوده میشود و دربرابر هردرگاهی ایوانی ساخته شده‌است .

وروی پوشش شاه‌نشین‌ها صورت ساختمان به شانزده ضلعی نامرئی تبدیل و بلافاصله فلکه‌ای شده است و پاطاق گنبد عرقچینی بالا آمده است که دراین قسمت دونورگیر بازگذاشته‌شده‌است و جدار بقعه سفید کاری و تهی از تزیینات هنری است .

ودروسط بقعه مرقدی است به‌ارتفاع ۱/۳۰ متر با جدار گچی قاب‌سازی که جلو آن ضریحی مشبك از چوب نصب شده‌است.

گنبد

وبرفراز بقعه گنبدی است بصورت شلجمی مشابه مخروطی بدون عنق باجدار آجری به‌ارتفاع ۵ متر بدون کتیبه و تزیینات کاشی که سبك بنابر قدمت آن گواهی میدهد .

ایوانها

ودرچهار جانب بقعه ایوانی است الحاقی ازعصرصفویه که همگی یکنواخت باجدار سفیدکاری و پوشش دو قوسی هستند وازآن میانه ایوان شمالی در مدخل رسمی بقعه واقع وسطح آن ازسطح بقعه یکمتر پائین است بطوریکه باپالارفتن از سه پله به‌ایوانچه‌ایکه جلودرگاه قرار دارد بنام دارالحفاظ می‌رسند .

دهانه هرایوان ۳ وطولش ۴ متر وجدارش سفیدکاری وپوشش آن رومی ودرمدخل بقعه ایوانچه‌ای بدهانه ۲/۳۰ وعرض یك متر از بناهای قدیم واقع است که از

قطر پایه بیرون داده‌اند و در سینه اسپر آن بالای درگاه ورودی لوحی بطول ۰/۴۰ و عرض ۰/۳۰ ازسنگ سیاه بدیوار نصب شده‌است و روی آن ابیات ذیل به خط نسخ برجسته حجاری شده‌است.

از خدا طالب است و ابراهیم — نام شاهان واجب التعظیم
رو بعمران نمود عقل سلیم — سوی جنت سرای مرقدشان
شد تمام این بنا که باد مقیم — سال هفتاد و چهار بعد هزار

که مقصودش از این بنا بقرینه باید همان ساختمان ایوان باشد.

مطلب دوم

در توصیف بقعه حلیمه خاتون وستیه خاتون

بقعه مورد نظر در جهت شمالی بقعه سابق الذکر واقع است که مدفن دو تن ازبانوان به اسامی حلیمه خاتون وستیه خاتون نیز ازسادات سجادی است .

وناگفته نماند که اهل محل ازورود رجال باین‌بقعه نهی میکنندو این اقدام دور ازموازین شرعی‌است .

بقعه مورد نظر ازخارج بشکل برجی ازسنگ وگچ واز آثار قرون وسطی است که ایوانهای چهارجانب آن درسال ۱۰۷۴ بربنای بقعه افزوده شده است .

وازداخل بصورت مربع متساوی الاضلاع بدهانهٔ ۶٫۵۰ و ارتفاع ۵٫۵۰ متر است که ازیکمتر ونیمی سطح بقعه درچهار زاویه نیم طاقی بالاآورده صورت‌بقعه راازمضلع بمدور مبدل ساخته‌اند وپوشش آن عرقچینی‌وجدارش‌سفید کاری وتهی ازتزئینات هنری است .

ودروسط بقعه ضریحی مشبك ازچوب ودردل‌آن مرقدی است بابدنه گچی وبرفراز بقعه گنبدی است عرقچینی که روی آنرا کاه‌گل مالی کرده‌اند .

بخش هشتم

در بیان آثار تاریخی قم در قرن دوازدهم

در چهار فصل

بدین فهرست

فصل نخست در توصیف مسجد جمکران با مقدمه‌ای در تاریخچه پیدایش آن

فصل دوم در توصیف مسجد امام حسن عسکری در قم

فصل سوم در توصیف بقعه شاهزاده ناصرالدین بطحانی در قم

فصل چهارم در توصیف گنبد شاهزاده عبدالله در غربی قم

فصل نخست

در توصیف از مسجد جمکران قم

با طرح مقدمه‌ای در امور مربوط به آن

مقدمه

در تاریخچه پیدایش مسجد و تحولات آن

مسجد جمکران (بنام قدمگاه صاحب الزمان) در خارج دهکده جمکـران یك فرسنگی شرقی شهر واقع است.

در تاریخ پیدایش نخستین مسجد در کنار جمکران که البته معلوم نیست درهمین مکان بالخصوص باشد مطالبی نقل شده است.

به نقل تاریخ قم امیر خطاب اسدی در دوران خلافت یزید بن معاویه چون به این ناحیت درآمد درحصار جمکران سکنی گزیده برای اقامه فرائض خویش مسجد کوچکی در خارج حصار آن بنا نهاد.

رطولی نکشید که قوم فاضریه از بنی اعمام وی و از قبیله بنی اسد از کوفه گریخته بقم آمدند و نیز در آنقریه سکونت گزیدند و آن مسجد را توسعه بخشیدند زیرا گروهی

از ایشان جزء سپاه کوفه در کربلا بودند و هنگامیکه مختاربن ابی‌عبیده ثقفی به خونخواهی سیدالشهداء قیام کرد و قتله آن امام را بکیفر میرسانیدایشان از خوف جان‌از کوفه‌گریخته به ایران‌وناحیت قم درآمده به خطاب‌پناهنده گشته در جمکران متوطن شدند .

تا در حکومت حجاج‌بن یوسف ثقفی آن سفاك بی‌باکی که بهر کیفیت به ایذاء موالی می‌پرداخت‌وازقتل صحابه‌امساك نمی‌ورزیدچون در اندیشهٔ دستگیری سعیدبن جبیردر آمده بودنامبرده از کوفه‌فرار کرده خوددرابناحیت کمیدان رسانید و بواسطه سابقه مودتی که با افراد غاضریه داشت درجمکران سکنی گزید و درهمین مسجد به‌اعتکاف میگذرانید اماعامل‌اصفهان‌برموقف او وقوف یافته برای‌دستگیری وی اقدام نمود وسعید بسوی آذربایجان رهسپار گردید واز آنجاباکاروان‌حج‌متوجه مکه معظمه‌گشت و درخانه خدا ومأمن‌مسلمین معتکف‌گردید و حجاج که برموقف جدید وی پی‌برد بعمال‌خود دستورداد تا مراقب سعید باشند و او را در خارج حرم دستگیروبکوفه اعزام دارندکه سرانجام اوراگرفته بکوفه فرستادند وبفرمان‌حجاج بقتل رسانیدند .

اما این سوابق درمرکزیت این‌مسجد تأثیری بجای نگذاشت وتنهاچیزی که توجه مردم را بدین‌مکان جلب نمود رؤیایی بودکه از حضور امام زمان در رمضان سال ۳۹۳ دراین نقطه حکایت داشت ودرنتیجه سیل‌جمعیت را از تهران و کاشان و سایربلاد ایران برای درك‌اجور نمازدراین‌مسجد وبیتوته دراین‌معبدکه قدمگاه امام زمانش می‌پنداشتند بدین‌مکان سرازیر گردانید .

ونگارنده ضمن‌تقدیس‌ازانجام مراسم مذهبی باهربدعتی بمبارزت برخواسته درباره قدمگاه بودن این‌مسجد به‌تشکیك پرداخته قبل‌ازنقل‌رؤیاپیرامون‌صحت‌آن ببررسی‌می‌پردازدومی‌افزایدکه‌بدون‌تردیدهیچ‌رؤیائی‌برفرض که‌صدق‌هم‌باشدحجیت ندارد .

بویژه رؤیای مغرضانه آنهم از یکنفر مجهول الهویه یامعلوم الخطیئه‌ایکه مثله شده باشد بالاخص رؤیائی ادعائی ومنقول از کتابی که وجود خارجی ندارد چه که شیخ صدوق را تألیفی بنام مونس الحزین نبوده است مخصوصاً که نامبرده درسال ۳۸۱ رحلت یافته واین رؤیا مربوط به دوازده سال پس ازمرگ صدوق میباشدواز کجا که نقشه‌ای برای تصرف در یکقطعه‌چهل‌هزارمتری‌ازکل املاك حسن مسلم طرح نشده باشد و رؤیای مزبور بطوریکه درلوحی شیشه‌ای در مسجد نوشته شده است مفاداً چنین است که:

رؤیای حسن مثله جمکرانی

شیخ صدوق قمی علیه‌الرحمه در کتاب مونس الحزین فی معرفة‌الدین والیقین چنین نقل فرموده است که شیخ عفیف صالح حسن‌بن مثله جمکرانی رحمة‌الله علیه چنین میگوید که درشب سه‌شنبه‌هفدهم ماه مبارك رمضان سنة ثلث و تسعین و ثلثمائه درسرای خود خفته بودم که ناگاه جماعتی‌از مردم بردرسرای من‌گرد آمدند نیمه‌شب بود که مرا بیدار کردند وگفتند برخیز و طلب امام محمد مهدی صاحب‌الزمان را اجابت نمای که ترا میخواند من برخواسته بهم برآمدم وآماده شده گفتم بگذارید تا پیراهن بپوشم آواز برآمد که (هو ماکان قمیصك) آنرا مپوش که پیراهن تونیست دست فرازبردم وسراویل خود را برگرفتم آواز آمد که (لیس ذلك منك فخذ سراویلك) این که برگرفتی از آن تو نباشد سراویل خویش بردار.

پس آنرا گذاشته سراویل خویش پوشیدم وکلید درسرای طلب کردم آواز رسید که (الباب مفتوح) پس بودرسرای آمدم اجتماعی ازبزرگان رادیدم وبرایشان سلام گفتم و جواب شنیدم و پس از ترحیب مرا تابدان جایگاه که اکنون مسجد است بیاوردند چون نیك نگریستم تختی نهاده دیدم که فرشی نیکو برآن گسترده بالشهای چندی روی آن نهاده جوانی سی ساله برچهار بالش تکیه زده پیری

نزد او نشسته کتابی دردست بر او میخواند و فزون ازشصت مرد برگرد او نماز میگذاشتند که بعضی راجامه‌های سفید و بعضی دیگررا سبز بود و آن پیرمرد خضر پیغمبر بود .

پس آن پیر مرا بنشاند دراین وقت امام مرا بنام همی‌خواند وفرمود ای‌حسن برو به حسن مسلم بگوی که‌توچند سال است در این زمین زراعت کرده‌ای وما آنرا تباه ساخته‌ایم اکنون پنج سال است که کشت و کار نکرده بودی ودگر بار آن را از نو گرفتی رخصت نیست که در این زمین زرع کنی وهرانتفاعی‌هم که‌از این راه برده‌ای باید رد نمائی تابدین موضع مسجدی بناکنند که خداوند متعال آنرا از زمین های دیگر بر گزیده است وشریف گردانیده است، و تو آنرا بازمین خود گرفتی وخدای‌تعالی دوپسر جوان از تو باز ستاند بازهم تنبیه نشدی اگر نه چنان کنی که گفتم برتو هم آزاری رسد آنچه که بر آن‌آگاه نباشی .

حسن مثله گفت یاسیدی و مولائی مرا در این باره نشانی میباید چه که مردم یکچنین سخنی‌رابدون‌حجت ازمن‌نشنوندوقولم‌راصدق ندارند فرمود (انا سنعلم هناك)مادر این نقطه‌علامتی‌می‌نهیم‌تا باعث تصدیق تو گرددپس تورسالت‌مرابگذار.

وبه‌نزد سیدابوالحسن بروو بدوبگوی تابرخیزد واورا احضار نماید وسود چندین ساله این‌زمین راازوی طلب کند وبستاند و بدیگران بسپارد تامسجد را بنیان نهند و کسری وجوه راازرهق بناحیه اردهال که‌ملك ماست بیاورد ومسجد راباتمام رساند ویك‌نیمه رهق رابراین مسجد وقف کردم تاهمه ساله درآمد آنرابر عمارت این مسجد صرف کنند .

وبمردم‌بگوی‌تابدین موضع رغبت کنند و آنرا عزیز بدارند ودراینجاچهار رکعت نماز بگذارند که‌دو رکعت مخصوص‌تحیت مسجد است‌ودر هرر کعت‌یك حمد وهفت‌قل‌هوالله‌بخوانند وددر کوع و سجود هفت تسبیح اربعه بگویند و دو

رکعت هم‌نماز صاحب الزمان است که درهردو رکعت چون بخواندن سوره حمد بپردازند آیه‌ایاك نعبدو ایاك نستعین رایکصدبار بگویندوسپس سوره رابه‌آخر برسانند وبعد هرسوره‌ایکه بخواهند تلاوت کنند وچون نمازراباتمام رسانند تسبیحات فاطمه زهرا رابگویند وسربسجده گذارند وبرمحمد وآل‌صد بار صلوات بفرستند که(فمن‌صلاها فکانما صلاها فی‌البیث العتیق) یا (فمن‌صلاهما فکانما صلاهما فی البیت العتیق) یعنی هرکس این‌نماز یادونماز رابجای آورد چنان است که دونماز درخانه کعبه گذارده باشد .

حسن گوید چون‌این سخن شنیدم به‌راه افتادم وچون اندکی رفتم امام دگر باره مرابخواندند وفرمودند درمیانه گله‌گوسفندان جعفر کاشانی بزی‌است که‌باید خریداری کنی‌اگر اهالی بهای آنراپرداختند چه‌بهتر وگرنه ازخاصه مال‌خود بهای آنرا بپرداز وآنرا درهمین موضوع فردا (شب‌چهار شنبه هیجدهم ماه‌رمضان (ذبح کن‌وگوشت آنرادر راه خداوند متعال‌بر بیماران سخت انفاق نمای‌که حقتعالی‌همه راشفابخشد .

وآن بزابلق است وموهای بسیار دارد و دارای هفت‌علامت است که سه‌تادر یکطرف‌وچهار تادرطرف‌دیگرش مانندد‌رهمی سیاه‌وسفیدمی‌باشد .

پس‌از شنیدن فرمایشات امام‌دگر باره براه افتادم‌که بروم ، بار دگر امام مرا بازخوانده فرمود که‌من‌تاهفت‌روز (وبقولی هفتادروز) دراینجا هستم .

دراین وقت من‌بخانه بازگشتم وتمام شب‌را دراین اندیشه گذراندم تاصبح شدوفریضه بگذاشتم ونزد علی‌المنذر آمده ماجری‌بااوبازگفتم واورا بدین موضع آوردم وچون زمین‌را دیدارنمودگفت بالله همان نشانه و علامتی که‌امام مرافرموده بودیکی آنستکه زنجیر ومیخها دراین نقطه آشکارند .

سپس بنزدسیدشریف ابوالحسن الرضائی شدم وچون‌بر درسرای وی‌برسیدم

خدام او مرا گفتند که سید ازسحرگاه تاحال درانتظار توبسر برده است پس مرا بدرون راهنمائی کردند سید مرا اعزاز و اکرام فرموده نزد خود بنشانید و قبل از آنکه من سخنی بگویم فرمود ای حسن من خفته بودم که در عالم رؤیا شخصی مرا گفت بامداد مردی بنام حسن مثله ازجمکران بنزد تومی آید سخنان ویرا مصدق بدار وبر گفته اش اعتماد کن که گفته او گفته من است ازاین روی تاحال درانتظار توبسر میبردم پس حسن ماجری باز گفت .

پس سید فرمود تا بر اسبان زین نهادند وچون آماده ساختند متفقاً سوارشدند و چون به جمکران رسیدیم دیدم جعفر راعی گله خودرا به کنارراه آورده است پس حسن میانه گله رفت و آن بز که درپی گوسفندان میچرید بنزد وی بدوید و حسن او را گرفته چون خواست بهای آنرابدهد جعفر سوگند خورد که من هرگز این بز رادر گله خویش ندیده بودم فقط امروز او را دیدم که چون خواستم اورا بگیرم فرار کردومرا میسر نگردید واینك نزدتو میدود .

پس بزرا برداشته بموضع معین آمدیم واورا ذبح کردیم وحسن مسلم راحاضر ساختیم و سید ابوالحسن انتفاعات چندین ساله زمین رااز او باز ستاند وازدر آمد قریه رهق هم وجوهی بدان ضمیمه ساخت و مسجدی بنا کرده سقف آنرابا چوب بپوشانید .

وزنجیرها ومیخها را به خانه خود برد که بیماران خودرا بدان استشفا میکردند و شفا می یافتند وچون سیدوفات یافت فرزندش بیمارشدوچون بسراغ زنجیر رفت از آن نشانی نیافت (پایان) .

بقعه سید ابوالحسن رضائی

وناگفته نماند که جسد سید ابوالحسن رضائی مزبوررا دریکی از اطاقهای سرای مسکونیش دفن کردند و مدفن وی در کوچه ایست که بر شارع عریض بقعه چهل اختران عمود است ودر جانب شرقی آن واقع است ودارای بقعه ای کوچك

ونوساز به دهانه ۴در۳ متر و مرقدی کاشیکاری قدیمی میباشد که هنگام بازدید نگارنده هنوز سقف آنرا نزده بودند .

قدمگاه مسجدجمکران

باری مسجد جمکران در وسط زمین املس و محصوری حدودچهل هزار مترساخته شده مشتمل بر مسجدوصحن و حجرات و تالار و ایوانی است که در محوطه‌ای بوسعت ۳۰ در ۳۰ متر ساخته شده اند و صحن آن به دهانه ۱۷ در ۱۳ متراست که ذیلا توصیف میشوند .

اما مسجد قدمگاه متشکل از چهار چشمه‌درجهت‌جنوبی صحن‌قراردارد این مسجد بطول ۱۷ وعرض ۵ متر وارتفاع شش متر از آثار میرزاعلی‌اکبرقمی‌درسال ۱۱۶۷ قمری‌می باشد که‌اخیراً تزیینات آن تجدیدشده‌است.

ازاره اش به‌ارتفاع ۱٫۵۰ متر آراسته به کاشیهای خشتی‌منقش‌و هفت رنگ از همان‌عصر است و بالای آن تمام جدار مزین به نقوش طلا و لاجورد بنفشه بند اسلیمی است ودر کمرگاه آن کتیبه ایست کمربندی از کاشیهای خشتی بخط ثلثی سفید درزمینه لاجوردی که روی‌آن‌سوره مبارکه جمعه نوشته شده است.

متأسفانه در نقاشیهای اخیری که از مسجد بعمل آمده‌است‌روی‌خطوط سفید اصلی را رنك سفید مالیده اند که این‌رنگها ازروی‌لعاب کاشی پوسته داده جداشده است ومنظره نامطلوبی‌یافته است .

وپوشش هرچهار قسمت ، چشمه‌پوش ومزین به‌نقوش طلاولاجوردی‌است. ودرضلع‌جنوبی هرچشمه محرابی است پنج‌ترکی باپوشش مقرنس گچی‌و جدار نقاشی که‌لچکیهای جنبین هرمحراب کاشیکاری ودروسط آنهاترنجی است‌و درون هریك کتیبه‌ایست بخط ثلثی که‌روی آن‌در یکطرف (فمن صلیها فکانما)و درطرف دیگر (صلیها فی‌البیت العتیق) خوانده میشود .

ودر سطح محراب چشمه وسطی چاه کوچکی بود که وردهانه آن قطعه سنگی از مرمر میان تهی باالبه طره پیچ نصب شده بود و زائرین خاك ازدرون آن میبردند.

ودرسینه اسپر محراب مزبور قطعه سنگ دیگری ازمرمر شفاف بود که روی آن اثریك قدم بزرك باپنجه اش بطورفرورفته درکمال مهارت حجاری وصیقلی شده بود که برای تجلی دادن قدمگاه نصب شده بود و درسال ۱۳۵۰ قمری بحکم مرحوم آیت الله فیض روزجمعه ای مبنی بربرساختن چاه وقلع سنگ قدمگاه این بدعت خاتمه یافت وبقرار مسموع چاه جدیدی درمدخل صحن حفر کرده روی آن دریچه آهنی انداخته قفل زده اند وخدام بقعه افرادی ازکاروان بهشت رابرای اخذ نیازونذوروحق کلید داری محرمانه بزیارت چاه میبرند و باتشریفات خاصی درب محفظه رامیگشایند.

تالار ودرجانب شمالی مسجد وجنوبی صحن تالاری سراسری بطول ۱۷ وعرض ۴ متر است این تالار برفراز سه ستون زوجی سنگی مارپیچ حمل شده است .

که دارای پوششی خفته رسته توأم باتیر آهن است و باسه درگاه بزرك با مسجد مرتبط است وجلو آنهارابادرهای چهارلنگه شیشه پوش بسته اند وازآثار تعمیرات اخیره ایست که ازناحیه ای حاج آقا محمد آقازاده انجام یافته است.

ازاره تالار بارتفاع ۱٫۲۵ متراز سنگ تراش و جدارآن ازآجر تراش و لچکیهای طرفین هریك ازدرگاههای چهارگانه وطاقبند دوطرف تالاروجبهه آنها کاشیکاری ودرمیانه تمام لچکیها ترنجی ازکاشی است که جمعاً دوازده ترنج میشوند ودروسط هریك نام یکی ازائمه اثنی عشر خوانده میشود بدینگونه (الامام علی امیرالمؤمنین عليه السلام) ودرپایان (الامام حجة القائم عليه السلام)

وچنانکه اشاره شددر دوجانب این تالار طاقبندی دوقوسی است که اززیر طاقبند شرقی به تالار غربی ایاب وذهاب میشود وزیرطاقبند غربی محوطه محدودی است که بجای کفشکن مورد استفاده واقع میشود .

تنها لوحه تاریخی مسجد

ودر بغله جنوبی همین طاقبند غربی لوحی سنگی نصب گردیده است که روی آن بخط نستعلیق برجسته نام جلاله وتاریخ و ابیات ذیل حجاری شده است بدینگونه :

هوالباقی

۱۱۶۷

اختر برج صفا آقا علی اکبر که رفت
آفتاب از رشك رخسارش بچرخ چارمین

آنکه توفیقش بهر کارجهان آمد رفیق
آنکه باشد در طریق اشتیاقی نی حزین

نیست موسی لیك دارد چون شودگرم عطا
زروه زر چون یدو بیضانهان در آستین

شد موفق کرد تعمیر قدمگاهی که هست
رشك گلزار جهان و ثانی خلد برین

شد قدمگاه شه دین مهدی صاحب زمان
از طفیل همتش رشك نگارستان چین

هم نسیم گلشنش برقع گشای روی گل
هم زلال جد ولش سرچشمه ماء معین

حبذا زین تکیه عالی بنای دلگشای
بی سخن تشریف او برخلق عالم شد یقین

چون معین شد در ایوانش اساس این بنا
فخرها برآسمان ازاین شرف دارد زمین

بود کامل از پی تاریخ و پیر عقل گفت
قایم آل محمد را قدمگاهست این

و پوشیده نیست که این ماده تاریخ زمانی باسال بناوفق میدهد که کلمه قایم دراول مصرع بایاء منقوط ضبط واحتساب گردد وجمله (قدمگاهست) دراو اخر آن بطور پیوست و بدون ابراز الف محسوب شود تابسال ۱۱۶۷ برابر افتد.

وازمفاد ابیات فوق چند دقیقه کشف میگردد.

یکی آنکه ریشه بناازقرون قبلی برجای بوده آقاعلی اکبراز آن تعمیراتی بعمل آورده است .

دیگر آنکه درمحوطه صحن هم گلکاری کرده دروسط آن هم مخزن آبی وروی آن حوضی ساخته بوده است که بهر کیفیت آب از آن سرچشمه دراین حوض جریان مییافته است وجدولی ازآب زلال بسوی حوض وازآنجا بطرف باغچه های گل جاری بوده است .

ودیگر آنکه درجوار قدمگاه ایوانی جدیدبنیاد نهاده ودرسایر جهات صحن نماهائی مانند تکیه ساخته بوده است . نماهائی که تاقبل ازتعمیر اخیر باقی بودندو اکنون بانصب درهای چهارلنگه بصورت حجره درآمده اند .

تالار وحجرات شرقی

ودرجانب شرقی صحن نیز تالاری است سراسری بعرض ۴و طول ۱۳ متر که با سر پوشیده زاویه جنوب شرقی به ۱۷ متر بالغ میگردد باجداری ازآجرتراش وجرزهائی بادو حاشیه دندانه ازآجر ومتنی کاشیکاری به کاشیهای منقش هفت رنگ ولچکیهای کاشی که در وسط هریك ترنجی ودرمیانه آنها یکی ازاسامی جلاله مانند یاراحم و یاسالم ویاقاسم ویاقائم نوشته اند ودارای پوششی تخت به نقشه خفته رسته میباشد که برفراز دوستون سنگی زوجی ومارپیچی حمل شده اند.

در زیر این تالار پنج در چهارلنگه از حجره های زوار نشین گشوده میگردد .

وبرفرازدرهای مزبور کتیبه ایست کاشی بخط ثلثی سفیدروی آن عبارات ذیل

نوشته شده است :

فی حدیث هذا المسجد المنقول عن کتاب مونس الحزین للصدوق عن صاحب الزمان فمن صلیها فکانما صلی فی البیت العتیق .

و بخط ریز ثلث این عبارات نوشته‌شده‌اند :

کاتب احمد اخوان طهرانی بانی تجدید بنا آقای حاج سید محمد آقازاده سنه ۱۳۷۲ عمل حسین ابراهیم .

و بالای آن زیر پوشش کتیبه ایست گلوبندی که سه جانب جدار تالار را زینت داده است و بخط ثلثی سفید در زمینه لاجوردی سوره مبارکه جمعه روی آن نوشته‌شده است ودر پایان سوره (کتیبه احمد اخوان طهرانی سنه ۱۳۷۲) .

ایوان شمالی و جنوبی صحن

ودر ضلع شمالی یك حجره با دو ایوان واقع است که از آثار سال ۱۱۶۷ باقیست .

ایوان وسط بدهانه ۴٫۵۰ وطول ۶ وارتفاع ۷ متر بـا بدنه آجری وپوشش رسمی بندی که سر بندهای آن دوال کاشی فیروزه‌ای بکار رفته است دارای کتیبه ایست کمربندی تجدیدی از کاشی زمینه لاجوردی که روی آن بخـط سفید ثلثی سوره مبارکه تبارك ودر آخر سوره به خط ریزی بطور عمودی عبارت (ساخت کارخانه هنر استاد اسدالله قمی کتیبه حسین منفردی) نوشته شده است و این کتیبه به جای کتیبه قدیمی که ریخته بوده است نصیب شده‌است واز بقایای کتیبه سابقه چند پارچه کاشی وجودداشته است که‌در اول و آخر سوره تبارك نصب‌شده اند وروی آنها کتیبه ایست با کلمات غیرمرتبط با چند پارچه متضمن چهارنام علی بطور متعاکس .

و در ضلع شرقی صحن یك ایوان در مدخل صحن بادوحجره ایواندار در طرفین آن قرار دارند .

و ایوانی هم جلودرب ورودی صحن ازخارج ساخته شده است که‌جدارش آجری وپوشش آن رسمی‌بندی سفیدکاری است و اسپر آن‌در دو طرف درگاه کاشیکاری خشتی هفت‌رنك ودرجبهه درگاه کتیبه‌ایست کاشی بدین‌عبارات:

(فی حدیث هذا المسجد عن مولانا صاحب الزمان عجل‌الله فرجه)

(ان‌هذا ارض شریفه قد اختارها الله تعالی من غیرها من الارض و شرفها)

و بخط ریزی‌تاریخ (۱۳۷۱) ونام‌آقای حاج سیدمحمدآقازاده‌نیزنوشته‌شده است و دروسط آنها (عجلوا بالصلوة قبل‌الفوت) و (عجلوابالتوبة قبل‌الموت)

(انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخـر عمل حسین ابراهیم)

خوانده می‌شود .

و درسینه اسپر ایوان دروسط‌ترنجی بیضی (یاصاحب‌الزمان‌ادرکنی‌۱۳۱۸) بخط نستعلیق روی کاشی نوشته شده است .

گلدسته

ودر زاویه جنوب شرقی مسجد گلدسته ایست آجری هشت ترکی با تالارچه وراه‌پله داخلی به ارتفاع ۱۷ متر که باایوان سردرب‌معاً در سال ۱۳۱۸ قمری ساخته شداند و درطرفین درب ورودی هر طرف چندحجره باتالاری سراسری ودر دو زاویه‌آنهاتالارچه‌ای برجی است و در مدخل محوطه محصور هم دروازه و کریاس و قهوه خانه و جنب آن آب انباری است و بین‌دودرب‌خیابانی مشجرودرجنوبی آن‌کارخانه‌برق‌وموتورخانه‌چاه‌عمیق و وضو خانه‌ساخته شده است .

فصل دوم

در توصیف مسجد امام و تاریخچهٔ آن

مسجدامام قم که جامع کنونی این شهر شده است قرب پل علیخانی و کنار بلوار (خیابان حضرتی سابق) و درحاشیه خیابان آذر واقع و دارای سه درب ورودی ازبلوار وخیابان آذر وخیابان آستانه است .

ودرسر تسمیه آن بنام مسجد امام گفته‌های چندی است که ذیلا مفادآنها نقل میشود. محدث نوری در کتاب نجم الثاقب چنین آورده است که احمد بن اسحق اشعری وکیل امام حسن عسکری با کسب اجازه امام ببنای آن اقدام نمود .

و بنابراین مبدء ساختمان آن دراواسط قرن سوم اتفاق افتاده است .

ولی علامه مجلسی در کتاب تذکرة الائمه چنین آورده است که این مسجد مصلای امام حسن مجتبی بوده است در سفری که آن امام به معیت برادر خود امام حسین برای جهاد با کفار همراه جیش اسلامی به ایران آمد هنگام مراجعت از طبرستان در خلافت عثمان بسال ۳۲ هجری چون بقم رسید در این مکان نماز گذاشت ودر اردستان هم مسجدی بنام آن امام وجود دارد که نیز مصلای آنحضرت بوده است .

که شیخ نراقی در کتاب خزائن بنقل آن پرداخته است .

و بنابر این منتسب بامام حسن مجتبی خواهدشد اما مستند مؤلفین نامبرده چیست

برنگارنده مجهول است :

باضافه درسال ۳۲ نه‌شهری بنام قم‌وجود داشته‌است‌ونه در مسیرطریق رسمی بوده است و نه عرب اشعری در آن بوده‌اند تا امام بدین سرزمین آمده باشند پس موجبی برای نزول موکب مسعود مجتبوی بقم‌نبوده است .

و برخی‌ازنویسندگان چنین اظهار نظر میکنند که مراد ازامام در انتساب این مسجد به‌امام‌عسکری آنستکه‌امام‌احمد بن اسحق‌عسکری‌جدشاهزاده‌حمزهٔ‌موسوی‌به بنای آن پرداخته است .

که این نظریه تخیلی‌مأخوذازاحتمالی‌است که‌محدث‌قمی‌درباره‌شخص‌مدفون در بقعه احمد بن اسحق واقعه در برابر مدخل مسجد امام داده‌است وچنین آورده است که محتمل است احمد بن‌اسحق موسوی دراین بقعه‌مدفون‌باشد و بدین‌مناسبت بعنوان بقعه احمد بن اسحق خوانده شده باشد پس بدائـره این تخیل توسعه داده مسجد راهم ازآثار وی شمرده چنین ادعا کرده‌اند که مقصود از امام عسکری که مسجد رابدو منتسب میسازند همین احمدبن اسحق عسکری است .

ومرحوم میرزا علی اکبر فیض‌درتاریخ قم مفاداً چنین نوشته است که‌مسجد امام نزدیك دروازه خاکفرج ابتدای بازار بزرك واقع است واصل آن از بناهای احمدبن اسحق قمی است که وکیل جناب امام حسن عسکری صلوات الله‌علیه بود عریضه‌ای خدمت آنحضرت عرض کردکه ازوجوه بریه تنخواهی جمع شده‌است آنحضرت درجواب نوشتند ازآن وجوه‌مسجدی بنیاد کن پس این مسجدرابنا کرد وآن‌مسجد مشتمل بریك صفه مانند طنابی بزرك بود که حدوداو معلوم است .

درزمان سلطنت شاه سلیمان صفوی مهد علیا والده آن پادشاه ایوان بزرگی که اکنون بر پاست متصل بهمان مسجد بنیاد کرد و صحن وسیعی هم‌برآن بیفزود ودر اطراف آنهم مرافقی بنیاد کرد که آن مرافق بمرور دهور روی بانهدام آورد

درسلطنت خاقان فتحعلی شاه حاجی حسین کدخدا جد طایفه حاجی حسینی قم آن خرابی را مرمت و مبلغ یکهزار ودویست و نودو پنج تومان برای تعمیر آن صرف کرد تادرسنه یکهزارو دویست و هشتاد و شش حاجی ابراهیم تاجر قمی در جهت غربی این مسجدسردابی بزرگ که طولش باندازه عرض مسجداست ازنو بنیاد کردودر سنه یکهزار ودویست و نود وپنج حاجی علینقی تاجر کاشی مرافق اطراف مسجد راخراب کرد وازنو بنائی محکم بجای گذاشت وصفه احمد بن اسحق راهم خراب کرده ازنوبنا نهاد وبام وديوارهای اطراف مسجد راهم تعمیر نموده بلند ساخت ومبال ودرهای مسجد راهم ازنو بنیاد کرد (پایان)

وناگفته نماند که صفه احمدبن اسحق همین چشمه پوش شرقی ایوان بزرگ بوسعت ۱۲ در ۱۶ متر است که قسمتی ازطول آن جزء راهرو شرقی مسجدشده است واکنون مشتمل بر سیزده چشمه بر فراز هفت ستون آجری مضلع دارای ازاره مرمر نمای سیمانی و محراب آراسته به کاشیهای گرهی است که به شبستان کبیر مشهور شده است زیرا محل امامت مرحوم آیت‌الله حاج آقامحمد کبیر بوده و از ناحیه ایشان هم تعمیر وتزيين يافته است چنانکه شبستان بزرگ شرقی منتسب به آیت‌الله فیض میباشد .

واما دروازه خاکفرج درمجاور این مسجد وبرابر پل علیخانی جلو بازار قرار داشت که جبهه آن آراسته به کاشیهای مصور به تصویر رستم بود درحالیکه بر روی سینه سهراب زانو زده بود که اکنون بکلی خراب شده است .

واما مهد علیا بنظر میرسد که همسر شاه سلطان حسین صفوی باشدچه که تولد شاه سلیمان در سال ۱۰۵۵ اتفاق افتاددراین سال مادرش پانزده تابیست ساله بوده است ودر سال ۱۱۲۹ که ایوان ساخته شده است هرگاه مادرشاه سلیمان فرض شودنود تانودو

پنج ساله میشود مضافاً بر اینکه شاه سلیمان درسال ۱۱۰۵ وفات یافته است .

واما سرداب یادشده عرضش ۷ متر بود که جلو شبستان غربی قرار داشت و اینک زیر شبستان راهم بر آن افزوده عرضش راچند برابر ساخته اند.

وشبستانهای طرفین کریاس شمالی مسجد بعرض ده متر درمسیر خیابان افتاده است باری این مسجد که درمرکز اجتماع بلدی بوده عنوان جامعیت را احراز کرده است ودارای چهار شبستان ویك ایوان ویك سرداب زیباست که ذیلا توصیف میشوند .

ایوان مهد علیا صفوی

اما ایوان مزبور که چهل سال دیگر در شمار ابنیه تاریخی باستانی درمیآید از آثار مهدعلیا همسر یا مادرشاه سلیمان صفوی بسال ۱۱۲۹ قمری است واین ایوان به دهانه ۱۱ وطول ۱۲ وارتفاع ۱۴ متر باجدار و جرزهای آجری ومحرابی زیبا آراسته به گچبری و کتیبه ای کمربندی و پوششی رسمی بندی درسه قسمت با ۹ غرفه یا صفه های فوقانی است که با درگاه های چندی ازطرفین به دو شبستان شرقی وغربی مرتبط میباشد .

جرزهای طرفین ایوان بقطر ۴ متر و روی هر جرزی سه صفه محرابی ساخته شده است که صفه اولی ودومی دارای پوشش مقرنس گچی هستند و ازصفه دوم دری به غرفه های ایوان گشوده میشده است که جلو آنرا مسدود ساخته اند و ازغرفه فرازین یا مرتبه سوم درگاهی بدون بنا باز است .

وغرفه های چهارگانهٔ طرفین ایوان باصفه های زیبای جلو آنها درقطر پایه ساخته شده اند که پوشش آنها مانند پوشش سه صفه جنوبی مقرنس گچی است وبغله و اسپرشان با نقشه ملات سازی طلائی آراسته ودر سینه اسپر صفه های مقابل قسمتی کاشیکاری وروی آن بخط بنائی از کاشیهای دوالی در صفه وسطی چهار نام محمد بطور متعاکس ودر دوصفه طرفین چهار نام علی نیز بطور متعاکس خوانده میشوندو از غرفه های دوطرف ایوان بوسیله غلام گردشی بصفه های مقابل راه داده شده است

و این غرفه‌ها در ایام ثلثه نیمه رجب جایگاه معتکفین و انجام عمل ام داود می باشد که برای طهارت ایشان حمام دوشی در ضلع شمالی مسجد از ناحیه آقای حاج میرزا محمد رضوانی متصدی فعال و امین مسجد که ده متر زیر خیابان رفته است در ردیف وضوخانه‌های مردانه و زنانه ساخته شده است و حقاً مساعی وی در انجام امور و ابنیه خیریه درخور تحسین است .

و در کمر بند ایوان زیر صفه‌ها کتیبه‌ایست گچبری بخط برجسته و مرغوب ثلثی که روی آن تمام سوره مبارکه جمعه و در دنباله آن تاریخ بنا به عبارت (فی سنة تسع و عشرین و مائة بعد الالف ۱۱۲۹) و سپس هفت آیه از سوره مبارکه تبارك الذی بیده الملك منتهی به جمله (تكاد تميز من الغيظ) خوانده میشود.

در این ایوان از آثار ارزنده هنری محراب زیبائیست بشکل مضلع هفت ترکی که مزین به گچبریهای اصیل و مستندی است و تاریخ ساخت خود را هم حفظ کرده است .

دهانه محراب ۲ متر و ارتفاعش ۳ متر با ازاره‌ای به ارتفاع ۱٫۲۰ متر مزین به کاشیهای منقش هفت رنگ قدیمی و بالای آن گچبری با نقشه ملات سازی بصورت آجری است که در کمرگاه آن مقرنس ریزی است کمربندی بعرض سی سانتیمتری و روی آن در سینه هریك از اضلاع هفتگانه ترنجی اعم از فلکه‌ای و بیضی متضمن کتیبه‌ای بخط برجسته ثلثی ریحانی گچبری توأم با کنده کاری شده است که درمیانه هر ترنجی عباراتی بشرح زیر خوانده میشود.

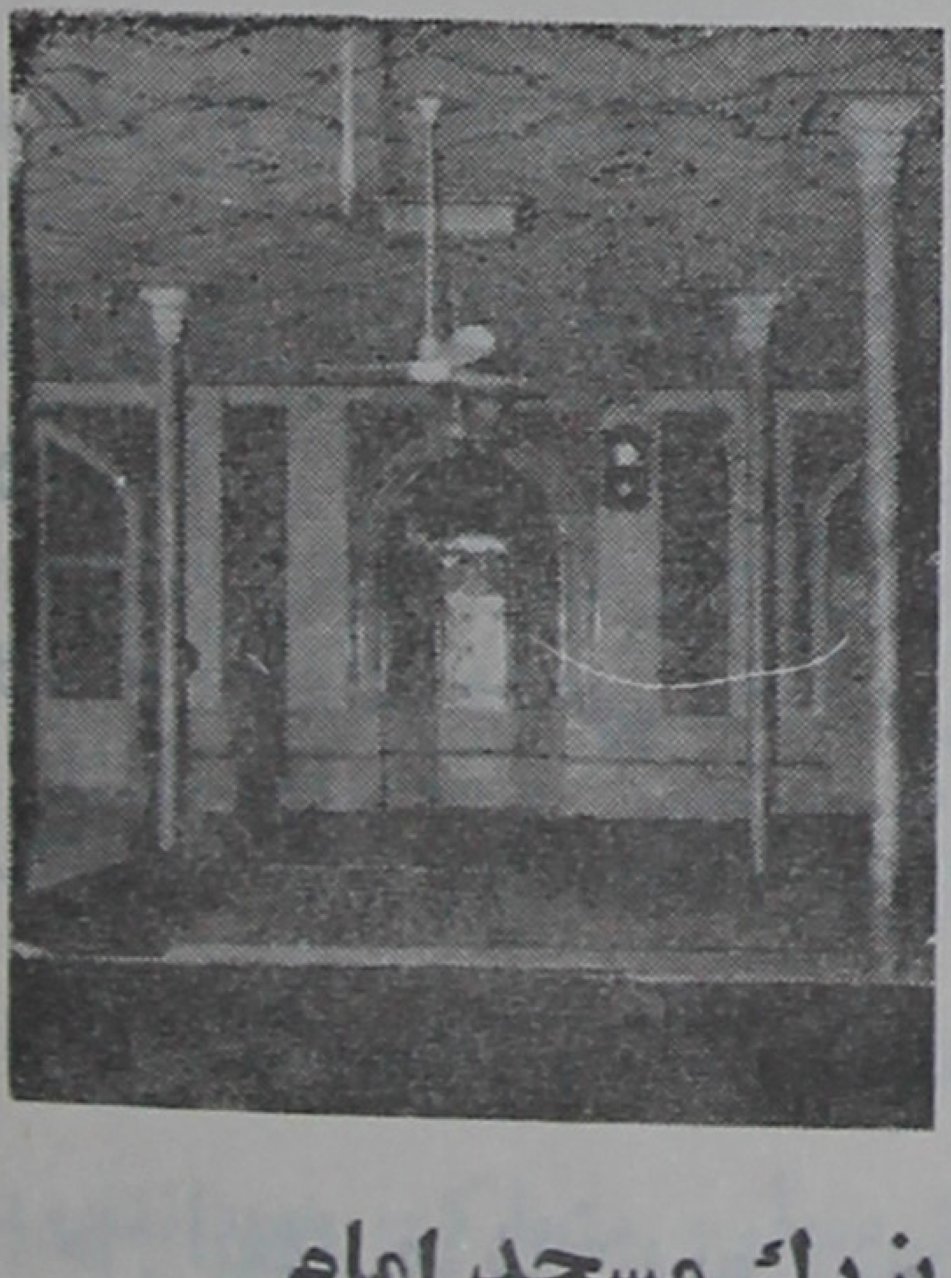
در ترنج نخست (عمل كلب علی بن سلطان القمی) و در ترنج آخری در محاذات آ ن (فی سنة تسع و عشریین و مائة بعدا لالف ۱۱۲۹) .

و در ترنجهای دومی و ششمی قرینه یکدیگر روی یکی (یاقاضی الحاجات یارفیع الدرجات یامستعان یاسبحان) و روی دیگری هفت نام از اسامی جلاله بدین ترتیب (یاغفران یامستعان یابرهان یاسبحان یارضوان یاحنان یامنان) بشکل دوری بطوری که از تداخل الفها نقوش بدیعی تجلی میکند .

وروی ترنجهای سومی وپنجمی درهریك (جنات عدن مفتحة لهم الابواب) ودرترنج وسطی بطور متعاکس چهار نام علی گچبری شده است .

ودردو جانب ایوان دوگوشوار یاشبستان است که ازهریك دودرگاه به ایوان وسه درگاه به صحن گشوده میشود وجلو آنهادرهای سراسری یاشبکه آجری نصب گردیده است و شبستان شرقی قبلا توصیف گشت وگوشوار غربی بمساحت ۱۲ در ۱۱ متر مشتمل بر نه چشمه پوش برفراز چهار ستون آجری با محرابی آراسته به کاشیهای گرهی دوال کشی است که این دو شبستان باایوان بزرگ درضلع جنوبی مسجد واقعند .

و اما شبستان بزرك یا چهل ستون شرقی که شش چشمه آن در مسیر خیابان افتاده است اکنون دارای بیست وهشت چشمه است که برفراز شانزده ستون آجری مضلع وبیست و چهار نیم ستون حمل شده اند وعرضاً ۱۲ وطولا ۳۲ متر ودر ۹ ردیف نه درگاه بجانب صحن مسجد دارد که جلو آنها درهای چهار لنگه شیشه پوش نصب شده است ودارای محرابی است آراسته به کاشیکاری گرهی ومعقلی که به شبستان آیت الله فیض مشهوراست چه که مصلای ایشان بود ودرسال ۱۳۶۰ از ناحیه آنمرحوم تعمیروتزیین گردید .

تصویری اززیرزمین و ایوان بزرك مسجد امام

بانی این شبستان مرحوم حاج علی نقی تاجر کاشی است که مغازه های جلوخان مسجد راهم بنا کرده وقف بر مسجد کرد و اکنون مورد تملك غاصبانه اخصاد متولی شده است.

مقابر الشیوخ

و سردرب ورودی مسجد از جلوخان یادشده دارای ایوانی است بدهانه ۵ وعرض ۳ و ارتفاع ۶ متر با ازاره سنگی و وجرزهای آجری وپوشش رسمی بندی آرانسته به کاشیهای دوالی و کاشیکاری معقلی ودر کمرگاه آن کتیبه ایست از کاشیهای خشتی زمینه لاجوردی که روی آن به خط سفید ثلثی آیه شریفه (انما یعمر مساجد الله من آمن بالله الی آخر) نوشته شده است .

و درعقب درب ورودی مسجد کریاس مجللی است بصورت هشت ضلعی مختلف الاضلاع که در جانب جنوبی وشمالی آن شاه نشینی ساخته شده است .

و از شاه نشین جنوبی چند درب به مقبره بانی (مرحوم حاج علینقی) گشوده میشود وازاین مقبره مانند مقابر الشیوخ آتیة الذکر دری به محوطه گورستان باز میشده است که چون در اراضی قبرستان مستقلانی بنیان گـردید هر چند مرحوم آیت الله فیض یکقطعه زمین بنام برف انداز مسجد بعرض سه متر در پشت جدار مسجد در سراسر بنفع مسجد احیاء نمود بااین حال درهای مزبور به برف اندازمزبور هم مسدود گردید.

و درگوشه کریاس در مجاورت مقبره بانی بقعه دیگری است که اکنون بعنوان انبار مورد بهره برداری مسجد شده است ولی سابقاً چهار طاقی مستقل و باستانی در کنار مقبره بابلان بود که مدفن دوازده تن از سادات شریف ومحدثین قم میباشد و چون سطح آنرا بالا آورده اند الواح قبور زیراوار دفن گردیده است .

سرداب وشبستان غربی مسجد

ودرجهت غربی صحن مسجد به جای سرداب محدود سابق زیر زمینی وسیع ازناحیه حجة الاسلام آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی یکی از ائمه جماعت مسجد درسال ۱۲۸۵ بنیادشده

است این سرداب بطول ۳۲ وعرض ۲۴ متر باارتفاعهای مختلف که قسمت مقدمش ۴ مترو قسمت مؤخرش ۵ متراست زیاده زیبا و آراسته به مرمر وکاشی معرق و معقل و دارای آبدارخانه وانبارو جایگاه اعتکاف میباشد وطوری ساخته شده است که حتی در زمستان هم برای عبادت قابل بهره برداری باشد .

این سرداب متشکل از دوقسمت است که قسمت اول همان زیر زمین سابق بود که تجدیدو تزیین گشت وقسمت دوم که زیرشبستان بود بعداً بر آن افزوده شد و دربنای شبستان هم تجدید گردید.

ازاره این زیر زمین از بهترین سنگ های مرمر شفاف وصیقلی است وبالای آن جرزها و جدار از آجر تراش و پوشش آن تیر آهنی با نقشه خفته رسته و آراسته به کاشیکاری معقلی است که برفراز سی ودوستون لولهٔ آهنی حمل شده است.

در این زیر زمین دومحراب زیباهریك در یك قسمت آن ساخته شده است که جرزها و جبهه و بدنه آنها باکاشیکاری معرق خوش نقش ولعابی تزیین یافته است این کاشیکاری سه جانب محراب رافرا گرفته ولبه محراب به طره پیچ فیروزه فام ظریفی آراسته است ودرسینه آن ترنجی ازکاشی و درون آن کلمه جلاله (الله جل جلاله) بخط ثلثی طلائی از کاشی معرق جلب توجه می کند ودرجبههٔ محراب غربی کتیبه ایست ازکاشی های خشتی بطول ۹ متر که سراسر ضلع جنوبی قسمت مؤخر سرداب را زینت بخشیده است وروی آن به خط ثلثی سفید سوره مبارکه (والشمس) نوشته شده است .

ودرضلع جنوبی سرداب آبدارخانه وقهوه خانه ومخزن جامعی است سراسری که راهرو مسجد ازبلوار ازفراز آن میگذرد .

ودرضلع شرقی سرداب محوطه ایست بعرض ۳ و ارتفاع ۲٫۵۰ ترسراسری که زیر صحن مسجدمیرود و بوسیله درب و پنجره ای ازمحوطه سرداب متمایز است و جایگاهی

برای اعتکاف واحیاناً راهروی است از جلوراه پله تا آبدارخانه که هنگام تشکیل صفوف جماعت ویادر لحظات اجتماع مردم درسطح سرداب خدمتگذاران مجلس ازاین نقطه ایاب وذهاب کنند.

وبالجمله سردابی بدین زیبائی منظر ونیکی پیکر بعنوان معبد درهیچیک از مساجد جهان یافت نمیشود.

شبستان نوبنیان غربی

وروی قسمت مقدم سرداب مهتابی است و برفراز قسمت مؤخر آن شبستانی است که کف آن از سطح مهتابی حدود یکمتر ارتفاع دارد.

این بنای مجلل بعرض ۱۲ وطول ۳۲ وارتفاع ۸ متر بخود یاری نیکو کاران زیرنظر حجةالاسلام آقای زاهدی ساخته وپرداخته شده دارای هشت درگاه عریض نیم تنه بجانب بلوار وسه درگاه بخیابان آذر وهشت درگاه تمام بسوی مهتابی است که جلو آنها درهای آهنی شیشه پوش نصب شده است.

ازاین شبستان دری مورب درزاویه شمال غربی سرپیچ در ملتقای بلوار باخیابان گشوده میشود وجلو آن راه پله‌ای سراسری است.

ودرطرفین این درگاه دودریچه نیم تنه و درجبهه آن کتیبه‌ایست ازکاشی معرق که روی آن آیه شریفه (لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرون) خوانده میشود و درطرفین آن در پیشانی دریچه‌ها درون ترنجی کشیده (اللهم صل علی محمد وآل محمد) نوشته شده‌اند.

و ازاره مسجد از خارج به ارتفاع یکمترو نیم از سنگ سیاه ابزار زده و جرزهای بین درگاه‌ها ازآجرتراش و لچکیهای درگاه کاشیکاری معرق و در وسط هریك ترنجی و در داخل آنها اسامی جلاله معرق شده‌اند علاوه درجبهه درگاه‌های از سه جانب شبستان ازخارج کتیبه‌ایست سراسری زیرهره سنگی لب بام که به خط ثلثی سفید درزمینه لاجوردی سورمتعددی ازقرآن معرق گردیده‌اند.

اما تزیینات داخلی آن که چشم گیر است عبارت است از ازاره نفیسی از مرمر خوش نقش شفاف صیقلی به ارتفاع یکمتر و جرزهای فاصل میانه درگاهها که آراسته به سنگ‌های مرمر ماشینی است و لچکیهای طرفین قوسی‌های پوشش درگاه‌ها مزین به کاشی‌های معرق و متضمن ترنجی مشتمل بر اسامی جلاله است .

اما سقف شبستان که با تیر آهن بر فراز شانزده پایه لوله آهنی و مزین به روپوش سیمانی با نقشه خفته رسته در بیست و چهار قاب منقش به کاشیکاری پوشانده شده است زیاده زیبا و دلپذیر می باشد .

بعبارت اخری در این سقف بیست و چهار قاب بزرگ به دهانه هر چشمه تعبیه شده است که قاب بندی آن آجری و متن آن که کاس است مزین به کاشیکاری معرق زمینه فیروزه‌ای یا لاجوردی متضمن گل و بوته‌های رنگارنگ بمشابه سبدی مملو از گل می باشد .

در این شبستان محرابی است پنج ترکی با ازاره مرمر و جدار کاشیکاری معرق و پوشش رسمی بندی نیز آراسته به کاشیهای معرق الوان که در سه جانب آن کتیبه‌ایست بعرض ۴۰ سانتیمتر با دو حاشیه فیروزه‌فام ده سانتیمتری از کاشی‌های معرق که روی آن بخط ثلثی سفید سوره مبارکه (قد افلح المؤمنون) و در پایان سوره عبارت (صدق الله العظیم ۱۳۸۸) معرق گردیده است .

وحقاً آن ایوان و این شبستان و سرداب زیر آن به مسجد امام جلوه و شکوه خاصی بخشیده‌اند .

و چنانکه اشاره شد وضوخانه زنانه و مردانه ایهم در جانب شمالی مسجد است و طهارتخانه بهداشتی و مدرنی هم در جلو خان شرقی مسجد جدیداً با مساعی آقای حاج میرزا محمدرضوانی بنیان گردیده‌اند .

وهرچند دروسط مسجد مخزن آبی است وروی آن حوضی که ازمخزن مزبور آب پاکیزه بوسیله لوله میگیرد ولی اکنون تهی ازفایده میباشد زیراآب دست نخورده دروضوخانه بوسیله لوله وشیرجریان دارد .



تصویری ازایوان مهد علیادرمسجد امام

که صعفه‌های فوقانی آن را باپوشش مقرنس و سطی و نیم طاقهای زوایا بر فرازغرفه‌های مجاور باصعفه‌وپوشش یزدی‌بندی آنرانشان میدهددرحالیکه جلوصعفه‌ها زانرده کشیده‌اند

فصل سوم

در توصیف از بقعه شاهزاده ناصر

برابر مسجد امام

بقعه شاهزاده ناصر درخیابان آذر برابر مدخل مسجد امامست که سابقاً بنام بقعه احمدبن اسحق خوانده می‌شدو باستناد همین تسمیه بود که محدث قمی درمنتهی - الامال چنین نظرداده است که محتمل است احمدبن اسحق موسوی دراین بقعه مدفون باشدزیرا احمدبن اسحق اشعری در سر پل ذهاب مدفون است .

و چون درمقصد دوم از فصل هشتم بخش چهارم بقعه احمدبن اسحق موسوی که درجنب گنبدشاهزاده حمزه‌نوه‌خود واقع است توصیف گردید دیگر محلی برای چنین احتمالی باقی نمی‌ماند بلکه قیداین احتمال به‌اجتهاد در برابرنص میماند .

اما رمزانتساب این بقعه‌به احمدبن اسحق اشعری درالسنه وافواه عامه آن بود که‌بر مبنای اینکه‌نامبرده این مسجد رابه‌امر امام‌عسکری بنیان نهاده‌است‌چنین‌شهرت یافته‌بودو احمدبن اسحق پس از احداث‌مسجد مزبور این بقعه راهم‌جهت مدفن خویش بنانهاد چون نامبرده‌گاه مراجعت از سامرا ، در سر پل ذهاب وفات یافته همانجا بخاك سپرده شد،این بقعه‌بلا مزاحم افتاده‌روی بخرابی رفته بودتا اینکه‌د ر

عصر سلطان بر کیارق امیر ایپك مدرسه‌ای بنـانهاد و این بقعه را جزء حجرات آن مدرسه در آورد.

و چون ناصرالدین علی بن مهدی بطحانی درسال ۸۲۸ درقم رحلت یافت جسداو رادراین بقعه که بلامانع بود بخـاك سپردند چنانکـه صاحب عمدة الطـالب در طی تعیین نسب و تاریخ رحلت وی چنین آورده است که (مدفون بشق‌قم فی‌مدرسة سورایپك)

که‌عبارت عمدة‌الطالب ازچند نظرشایان بررسی است.

یکی آنکه (سورایپك) بمعنی باروئی است که‌امیر ایپك سپهسالار لشگرسلطان بر کیارق درقم بنانهاد وچون‌صاحب عمدة الطالب باروی ایپك رامعرب‌نمودبعنوان (سورایپك) ضبط کرد و بعداً در ضبط و استنساخ آن اشتباهی رخ داده بصورت (سورانیك) در آمدچنانکه‌حتی‌علمای اعلام‌هم‌این‌نام‌مشتبه‌ومغلوط‌رابرزبان‌می‌آوردندتا آنگاه که‌نگارنده ضمن تتبع برای نخستین باربراین‌اشتباه‌پی برده به تصحیح آن بپرداخت واکنون‌این‌معماحل شده ورایجی‌شده‌است.

ودیگر آنکه جمله (شق‌قم) چگونه خوانده میشود که اگر کلمه (شق) بفتح شین باشد برموضعی جدای‌ازشهر یا (الموضع المشقوق) مکان جداشده از آن‌اطلاق می گـردد.

ولی‌اگر به کسر شین‌خوانده شودبمعنای ناحیه است که‌بعقیده نگارنده بفتح شین است‌زیرا این‌باره‌ومدرسه‌اش درقسمت جدای‌ازشهر قرار داشته است‌چه‌درقرن نهم‌شهر هرچند جدیدتشکیل‌یافته بوداما‌اطراف آستانه‌جدای‌ازشهر بودند.

وچنین‌متسفاد میشود که‌امیر ایپك‌درنظر داشته است‌که کادر فرماندهی رادر این‌قسمت برقرار سازد تافرماندهان ودرجه‌داران‌دراین‌نقطه‌متمرکز باشنداما‌اردوگاه صرم کماکان جایگاه سپاهیان باشد.

نام و نسب مدفون

اما مدفون در این بقعه سید جلیل ناصرالدین علی بن مهدی بن محمد بن حسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن عبدالرحمن بن محمد البطحانی ابن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی است که در اواخر قرن هشتم و اوائل قرن نهم میزیسته شخصیت و شاخصیتی داشته است.

و بعقیده نگارنده با توجه باینکه در هر قرن کمتر از چهار واسطه نمیتوان قائل شد علی القاعده در قرن نهم وسائط میانه ناصرالدین با امام از سی تن هم افزون بوده است علیهذا از سلسله نسب وی که دوازده پشت نامبردار شده است وسائطی اسقاط گردیده است.

بقعه ناصرالدین بطحانی

اما بقعه مورد نظر که نیمی از آن در مسیر خیابان افتاده است اکنون بنائی است چهارضلعی از آثار قرن دوازدهم یا اواخر صفویه که همزمان با ایوان مسجد امام بنیاد گردیده است.

این بقعه بصورت مربع مختلف الاضلاع به دهانه ۴٫۵۰ در ۴٫۲۰ متر با ازاره‌ای به ارتفاع یکمتر مزین به کاشیهای فیروزه فام ساده و خشتی است که در میانه قابی از کاشیهای دانه نشان منقش بعرض ده سانتیمتر قرار داده شده‌اند.

و بالای آن تمام جدار سفیدکاری ساده تهی از تزیینات هنری است و پوشش آن رسمی بندی میباشد.

و در میانه بقعه ضریحی مشبك و رنگین از چوب و درون آن مرقدی است که چهار بدنه و سطح بالای آن آراسته به کاشیهای خشتی فیروزه فام ساده در میانه قابی از همان نوع کاشیهای دانه نشان است.

و گنبد آن عرقچینی و آجرپوش میباشد.

فصل چهارم

در توصیف بقعه شاهزاده عبدالله

درقلعه‌صدری غربی قم

بقعه‌شاهزاده‌عبدالله ازاحفاد امام سجاد درشمالی ونزدیکی دهکده قلعه‌صدری ویکفرسنگی شهرواقع است .

قاعده گنبدش ازخارج‌چهار ضلعی‌باجدار ساده آجری واز داخل نیزبصورت مربع متساوی الاضلاع‌به‌دهانه‌۶ وارتفاع ۹ متراست که درهرضلعی شاه‌نشینی‌بدهانه ۵ و عرض یک‌متر گرفته‌اند وجدار آن‌سراپا ساده وسفیدکاری است .

ودرچهارزاویه بقعه‌نیم‌طاقی بالاآورده صورت مربع رابه‌هشت ضلعی‌نامرئی تبدیل‌ساخته‌بلافاصله‌بشکل فلکه‌ای درآورده پاطاق پوشش عرقچینیی آنرابالابرده‌اند.

ودرجنوبی بقعه ایوانی است‌الحاقی بعدی به‌دهانه ۳ و عرض ۲متربا‌جدار سفیدکاری ساده ودرجبهه درگاه بقعه تابلوی گلگون ازکاشیکاری معرق بصورت فلکه‌ای‌و به‌قطرشصت سانتیمتر دیده میشود که‌درزمینه‌نخودی رنگی بانقشه‌بنداسلیمی گل‌و بوته‌های رنگ برنگی ازلاجوردی وحنائی معرق شده‌است ودرمیانه گلهای متنوع آن اسامی محمد وعلی بخط‌ثلثی مرغوبی چهاربار بطور متعاکس تعریق گردیده‌اند .

وبرفراز بقعه‌گنبدی است نیم‌بیضی که‌جدار خارجی آنهم‌سفیدکاری‌شده‌است

بخش نهم

دربیان آثار تاریخی قم

درقرون دوازدهم وچهاردهم

در نه فصل

بدین فهرست

و ناگفته نماند که در این شهر آثار مجالل دیگری از قبیل مدارس و دار التبلیغ اسلامی و تکایای تعزیه‌داری و کتابخانه‌های استقلالی که از ناحیه مراجع عصری و یا مؤسسات دولتی و یا نیکوکاران بنیاد گردیده بقاع و مشاهد تاریخی چندی که در گوشه و کنار این شهرستان واقعند بسیارند که نگارنده را در ضیق وقت فرصت باز دید از آنها دست نداده است و امیدوار است که توفیق شامل حال مصنف گردد تا جلد سوم این کتاب را در آینده تصنیف کند (و من الله التوفیق و علیه التکلان، حسبی الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر) .

فصل نخست

در توصیف گنبد شش امامزاده

واقعه درقریه قمرود

گنبد مورد نظر در خارج دهکده سیف آباد قمرود در چهار فرسنگی شمال شرقی قم قرار دارد که از آثار قرن دهم بنظر میرسد منتها مدرکی ندارد و بطور مسلم در قرن چهار دهم تزیین و تعمیر شده است.

در این گنبد شش امامزاده مدفون است که همگی از احفاد امام کاظم بوده اند بدین اسامی (شاهزاده محمد و شاهزاده حسن و شاهزاده قاسم و شاهزاده حمزه و شاهزاده خالد و رقیه خاتون) .

و بنظر میرسد که شاهزاده محمد و حمزه و خالد پسران ابو جعفر محمد صورانی ابن حسین بن اسحق بن امام کاظم باشند که در سال ۲۵۵ قمری در شیراز بدست سعید حاجب بقتل رسید و فرزندانش در بلاد پراکنده شدند و از آنمیانه محمد بادو برادر خود بقم در آمده متوطن و متأهل گردیده صاحب اولادی به اسامی حسن و قاسم و رقیه گردید .

که رقیه بنت محمد بن محمد صورانی مادر ابو الفتح مجد الدین محمد بن حسین بن محمد بن علی بن قاسم بن عبدالله بن امام کاظم است که وزیر عراق در سلطنت سلطان محمد بن ملکشاه بوده است و مستبعد نیست که نخستین قبه را نامبرده از سال ۴۹۵ تا ۵۰۰ قمری بر فراز تربت پدر خود بنیاد کرده باشد .

وبعید بنظر میرسد که این محمد فرزند جعفربن امام کاظم باشد زیرا باسایر مدفونین ازیك خانواده نمیشود درحالیکه مشاهد واقعه درقراء غالباً مقبره خانوادگی سادات علویه بوده‌اند

گنبد

بهرصورت گنبد شش امامزاده محصور به تالاروحجراتی است و قاعده‌اش ازخارج چهارضلعی آجری واز داخل بصورت مربع متساوی الاضلاع به دهانه ۶/۲۰ وارتفاع ده متر میباشد که در هرضلعی شاه‌نشینی به دهانه ۳ وعرض یکمتر ازقطرجدار بیرون داده‌اند وازهریك دری به خارج گشوده میشود که درگاه غربی‌را مسدود ساخته‌اند .

ودر چهارگوشه بقعه نیم طاقی بالاآورده با افزودن چند رسمی‌بند صورت مربع رابه هیشت فلکه‌ای تبدیل ساخته‌اند که این نوع تبدیل وتبدل قدیمی بنظر میرسد .

و درمنتهاالیه قسمت مربع بقعه کتیبه‌ایست گچ بری بعرض چهل سانتیمتر که کلیه شاه‌نشین‌ها هم زینت بخشیده است و روی آن بخط نستعلیق برجسته ابیات ذیل درنام ونسبت مدفونان ومدح خدام بطوریکه هرمصرع درمیانه یك ترنج کشیده افتاده گچ‌بری‌شده است .

مرحبا از این‌زمین قم که انوار خدا — میکنند هردم تجلی روسوی عرش‌الا

ازامام هفتمین شش‌پور دراین سرزمین — گشته مدفون میکنم تعداد ازبهرشما

حمزه وقاسم محمد خالدو پنجم حسن — دختری باشد رقیه نام اوای مقتدا

شأنشان این بس برادرزاده معصومه‌اند — جعفربن موسی جعفر امام و پیشوا

خادمش اثلاث سیدابن زین‌العابدین — داعی زوار وباقی نسل‌تا یوم الجزا

چاراطراف ازوجوداین سه اندرعیش وامن — خاصه یك زن کوست بانی نام خاتون کدخدا

بانگ برمن زدخرد گفتا صفائی صاف‌شو — مادهٔ تاریخ باید گفت از روی صفا

هجدهم ازشهرذیقعده بدان ای‌هوشیار — سیصدوچهل وسه می آید برون بعداز هزا

در ابیات فوق هرچند بانی را زنی بنام خاتون کدخدا معرفی میکند اما مسلم می‌باشد که این زن بنیانگزار بقعه نبوده است مخصوصاً که قدمت بنا مسلم بنظر می‌رسد و تاریخ بنای تالار هم دو سال قبل از آنست.

و در بغله‌های شاه‌نشین‌های شمالی و جنوبی در بین ترنجها یکطرف عبارت (ئیلان ئیل) وطرف دیگر (عیلان عیل) باعین بهمان خط گچبری شده است.

مرقد

و در وسط بقعه ضریحی مشبك از چوب سبز رنگ قرار دارد و در دل آن مرقدی بارتفاع یکمتر با چهاربدنه آراسته به کاشیهای خشتی فیروزه‌فام تعمیری است که از تعمیرات سال ۱۳۴۳ قمری خاتون کدخدااست.

گنبد

و برفراز بقعه گنبدی است عرقچینی ولی در وسط آن گنبدی شلجمی به ارتفاع ۵ متر با عنقی استوانه‌ای به ارتفاع دومتر ساخته‌اند که بدنه این قبه سراپا به کاشی‌های دوالی گرهی فیروزه‌ای آراسته‌می‌باشد وتاجائیکه نگارنده اطلاع دارد اینگونه گنبدهای جره‌ای برفراز عرقچینی از خصایص عصر کنونی و قرن حاضر است.

تالار

و در جانب شرقی بقعه تالاری است سراسری بادوستون آجری مضلع و دونیم ستون به دهانه ۷/۵۰ و عرض ۴/۵۰ و ارتفاع ۷ متر با جدار سفیدکاری و سقف تخت و تیغه آجری در میانه دستك‌های چوبی و جرزهائی از آجر تراش که لچکیهای طرفین قوسی طاقبند درهر دهانه با جبهه تالار آراسته به کاشیهای خشتی منقش هفت رنگ دارای دو ترنج متضمن کتیبه‌ایست که روی آن یکطرف (انا فتحنا لك فتحاً مبیناً) ودرطرف دیگری (نصر من الله وفتح قریب) بخط نستعلیق نوشته شده است.

و در جبهه تالار کتیبه‌ایست سراسری از کاشی خشتی بخط نستعلیق سفید درزمینه لاجوردی که روی آن عبارات ذیل خوانده میشود.

حسب الامر بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای مهندس الممالك وزیر فوائد عامه مدظله العالی بسعی واهتمام سرکار معتمد السلطان حاجی محمدعلی خان ناظم المسالك زید مجده العالی اتمام پذیرفت شهر رجب توشقان ئیل ۱۳۲۱ که باتوجه بتاریخ فوق مسلم میشود اصل بنا از خاتون کدخدا و سال ۱۳۴۳ قمری نیست .

ودرطرفین تالار دو حجره ساده و برفراز آنها دو غرفه مروح ساخته شده است که منزلگاه زوار است .

فصل دوم

در توصیف بقعه شاهزاده جعفر غریب

در کنار تپه قم درویش

بقعه شاهزاده جعفر غریب دریك فرسنگی جهت شرقی قم و در غربی و کنار شهر سابق موسوم به تپه‌های قم درویش واقع است . شهریکه پس از یورش چنگیزیان و قتل عام امیرزاده جته نویان تهی از سکنه و بواسطه سوزانیدن احمال و اثقال مردم به تلی از خاك و خاکستر تبدیل گردید .

وچون این خرابه در السنه و افواه بعنوان قل درویش معروف است نگارنده آنرا به نام قم درویش تصحیح کرد اما مانعی هم ندارد که قل را معرب کل بدانیم و کل را هم مخفف کلبه بخوانیم .

امامدفون در این بقعه بظن قوی یکی از سادات موسوی است که در فتنه چنگیزی بقتل رسیده است و بنابراین از شرفای قرن هفتم هجری بوده است .

و محتمل است که جعفر فرزند امامزاده زید النار ابن امام کاظم باشد .

بهرصورت قبه وی از آثار مرحوم میرزا نصرالله خان ناصر السلطنه و سال ۱۲۴۵ و اواخر سلطنت فتحعلی شاه است .

وقاعده گنبدش از خارج هشت ترکی متساوی الاضلاع و نمابندی شده آجری است و از داخل نیز بصورت هشت ترکی ولی مختلف الاضلاع به دهانه ۷ و ارتفاع

۸ متر است که اضلاع اصلی آن چهار متر و اضلاع فرعیش به شکل مورب به اندازه ۱/۴۰ متر می باشد و در اضلاع اصلی شاه‌نشینی بدهانه ۴ و ارتفاع ۳/۵۰ و عرض ۱/۴۰ متر ساخته شده است و بالای آن صورت مضلع به مدور مبدل و پوشش رسمی بندی آن بالا رفته است و تمام جدار داخلی بقعه سفید کاری و تهی از تزیینات هنری است .

مرقد

و در وسط بقعه ضریحی مشبك از چوب است و در دل آن مرقدی به ارتفاع یکمتر که چهار بدنه‌اش کاشیکاری خشتی عادی فیروزه‌فام در میانه قابی ده‌سانتیمتری از کاشیهای دانه نشان منقش و روی مرقد آراسته به شش پارچه کاشی‌های بزرگ هفت رنگ منقش به ترنج و گلدانی مملو از گل‌های افشان از آثار همان عصر فتحعلی‌شاهی است .

گنبد

و برفراز بقعه گنبدی است نیم بیضی مشابه عرقچینی که با آجر فرش شده است و در اطراف آن ناودان‌های سنگی نصب گردیده‌اند و در اطراف بقعه به‌استثنای ضلع شرقی که دارای ایوان است محوطه‌ای مهتابی ساز و مضلع به ارتفاع یکمتر از سطح زمین مجاور نمودار است .

ایوان

و در جهت شرقی بقعه ایوانی است به دهانه و عرض چهار متر و ارتفاع ۶ متر با جدار سفید کاری و پوشش دو قوسی رومی که مدخل بقعه در زیر همین ایوان واقع است و در جبهه درگاه لوحی سنگی به‌دیوار نصب شده‌است که به خط نستعلیق برجسته عبارات ذیل روی آن حجاری شده‌است .

بنای این امامزاده واجب‌التعظیم را حاج میرزا نصرالله خان ناصرالسلطنه بنا نمود تاریخ ۱۲۴۵ .

ان آثارنا تدل علینا فانظروا بعدنا الی الاثار

وجلو ایوان برکه آبی است و در مجاورت شرقی آن باغ اناری آباده مشجر است که موقوفه بقعه میباشد .

فصل سوم

در توصیف گنبد شاهزاده عبدالله

قرب قلعه چم

بقعه شاهزاده عبدالله درهفت فرسنگی جنوبی شهر کنارراه اصفهان ودربستر رود انار بار قرب دهکده قلعه‌چم واقع است که زیاده مورد توجه رانندگان‌وسائط نقلیه است بطوریکه‌گاه ایاب و ذهاب اتوبوسها را متوقف ساخته مبلغی‌ازمسافرین جمع‌آوری وبه خادم بقعه تسلیم میدارند ازاین روی کارعمران این‌بقعه ادامه دارد.

پیدایش این‌گنبد مستند به رؤیای زن صالحه‌ای ازمردم دهکده درسال ۱۳۲۴ قمری (آغازمشروطیت) است‌گویند. درعالم‌رؤیا دراینجا بقعه‌ای‌دیده‌است که‌عده‌ای برای زیارت آن‌آمدوشد داشته‌اند وچون‌می‌پرسد این‌بقعه ازکیست جواب می‌شنود از امامزاده عبدالله است‌درنتیجه بامدادان باتنی چندازمعمرین‌بدین مکان‌که نزدیك دوپل است‌آمده تپه خاکی‌دیدارمیکنند وچون جوانان زمین راحفاری میکنندلوحی ازسنگ نمودار میگردد‌که روی‌آن نام عبدالله‌بن امام‌کاظم حجاری بوده‌است.

ولی اگر چنین سنگی بدست آمده بود بایستی بهر کیفیت از آن حفاظت و حراست بعمل‌می‌آمد تا مدرك زنده‌ای‌باقی ومستند دائمی باشد.

و در مجاورت این بقعه رودخانه قم در گودی افتاده دارای جـداری سنگی

است که در بدنه آن ایوانچه و چشمه آبی دیزی شکل و تختی برای نشیمن درمیانه رود قرار دارند که این مکان افسانه‌ای بنام چهل دختران مشهور شده مردم محل پیرامون آن اراجیفی می بافند که ارزش نقل ندارند.

بهرصورت پس از رؤیا سیدی متصدی امر ساختمان میشود و بخودیاری اهالی بقعه‌ای میسازد که تدریجاً در کنار بقعه مسجدی و برفراز آن گنبدی شلجمی بنا کرده‌اند. و در شمالی بقعه محوطه‌ایست که در گوشه آن موتورخانه برق ساخته موتوری در آن نصب کرده‌اند و کنار آن پمپ آب نیز دیده میشود و بمرور حجراتی هم در اطراف آن ساخته خواهد شد.

بقعه اما بقعه، قاعده گنبدش از خارج مربع آجری واز داخل چهارضلعی متساوی به دهانه ۴ و ارتفاع ۶ متر با جدار سفید کاری مخمل پوش ولی تهی از تزیینات هنری و مزین به انواع تابلوها و پارچه‌های قیمتی است که از هر ضلعی شاه‌نشینی از قطر پایه بیرون داده از هر شاه‌نشینی دری بخارج گشوده میشود که درهای شرقی و شمالی به دو ایوان مربوطند و درب جنوبی به مسجد باز میشود و جلو درب غربی بسته شده‌است.



تصویری از گنبد شاهزاده عبدالله

و درطرفین ایوانها حجره‌ای ساخته شده است که مسکن خادم و زوار است و در وسط بقعه ضریحی مشبك از چوب مزین به مخمل سبز رنگ و در دل آن مرقدی سفیدکاری است.

گنبد

و بر فراز بقعه گنبدی است شلجمی با عنقی استوانه‌ای و آجری که بعداً کاشیکاری و دارای کتیبه کمربندی نیز خواهد شد و دارای تارکی آراسته به کاشیکاری گره سازی الوان فاقد کتیبه بر فراز دندانه ای از کاشی میباشد.

فصل چهارم

در توصیف بقعه ستیه با مدرسه و مسجد آن

بقعه ستیه واقع در میدان میرقم معبد ستی فاطمه معصومه است که مدت هفده روز در آن بستری بود تا داعی حق را لبیک اجابت گفت.

این بقعه جزء خانه موسی بن خزرج اشعری و مهمانسرائی بود که مقدم بی بی را در آنجا گرامی بداشت و پس از رحلت فاطمه معصومه از ناحیه موسی وقف گردید.

این بقعه بنام بیت النور نیز خوانده میشد که بمرور بعنوان تنور تغییر نام یافت و تنوری هم در گوشه آن بنا کردند و بدین پندار که بی بی در این تنور برای خود نان پخته است به خاک و خاکستر آن تبرک می جستند.

و توجه نداشتند که بی بی میهمان موسی بود و هیچ میهمانی را به طبخ نان وانمیدارند مخصوصاً که بی بی بیمار حصبه‌ای و بستری بود که به نان نیازی نداشت بالجمله مرحوم آیت الله فیض مؤمنین را به تجدید بنای آن تشویق و تأکید فرموده تنور را منهدم گردانید که در عمارت جدید بجای تنور محرابی به نشانه معبد فاطمه بنیان گردید.

بهر صورت ستیه مشتمل بر یک معبد در وسط محوطه و حجرات مدرسه در اطراف آن و یک مسجد در ضلع غربی مدرسه میباشد.

ستیه یا بیت النور

اما معبد فاطمه در وسط محوطه مدرسه قرار دارد و حجره‌ایست زیبا و آینه کاری بنام بیت النور که بصورت چهارضلعی مختلف به دهانه ۳/۵۰ در ۳ متر با محرابی در ضلع جنوبی و سه

در گاه دراضلاع سه‌گانه با دری آهنی‌سراسری و شیشه پوش میباشد .

محراب آن آراسته‌به‌ازاره‌مرمری‌وجدار کاشیکاری‌خشتی‌و گرهی الوان‌است که درجبهه‌آن بخط نستعلیق این‌بیت خوانده میشود .

نجات می‌طلبد از‌تو‌چونکه باب‌نجاتی کمینه خادم درگه غلامحسین نجاتی

ودر ترنجی درسینه محراب بخط ثلثی طلائی کلمه (الله جل جلاله) نمودار است و ازاره زوایا به ارتفاع ۷۵ سانتیمتر نیز‌ازمرمر و بالای آن آراسته به آینه‌کاری و پوشش بقعه رسمی‌بندی آجری درقابهائی از کاشیهای دوالی متضمن چهارحوضچه یا قدح‌برگردان‌مزین‌به‌کاشیکاری‌معقلی‌ورنگ‌به‌رنگی‌است که‌درمرکزآن لامپ برق روشن میشود .

وجرزهاوجدار‌بقعه‌ازخارج درمیانه دوحاشیه دندانه آجری آراسته به‌کاشیکاری است ولچکیهاوجبهه درگاه‌ها نیز آراسته به کاشیهای گرهی‌الوان است که درپیشانی درگاه شمالی عبارت (یا فاطمة اشفعی لی فی‌الجنة) ودرذیل آن بیت زیر :

این‌سجده‌گاه دخترموسی‌بن‌جعفراست این‌جایگاه کیست که آنقدرمنوراست

خوانده‌میشود که‌بهتراست‌درمصرع‌نخست‌تصحیح‌وتغییرراه‌یابد.

مدرسه

امامدرسه ستیه یك‌مدرسه‌قدیمی‌بوده‌است که شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی در کتاب النقض در شمار مدارس نه‌گانه قم نامبردارشده‌است‌ولی بنای کنونی درسال۱۳۵۲احداث گردیده‌است که‌مسجد‌آینده ضلع غربی آنرا فراگرفته‌است‌وهفده‌باب حجره با ایوان‌های‌ساده‌در سه‌جانب آن مسکن اهل‌علم است و محوطه‌آن ۲۴ در ۱۲متر‌میباشد .

مسجد

اما مسجد بطول ۲۵ وعرض ۷/۵۰ و ارتفاع ۷متر ضلع غربی صحن مدرسه را فراگرفته است .

این مسجد زیبا دارای ازاره سیمانی وجداری ازآجرتراش ومحرابی‌کاشی-

کاری معرق دارای کتیبهٔ سه جانبی بخط سفید ثلثی متضمن آیهٔ شریفهٔ نور (الله نور السموات والارض الی آخره) است .

وسقف مسجد تخت وخفته رسته آراسته به کاشیکاری معقلی دارای چهارستون لوله آهنی است که از ضلع شرقی آن چهاردرگاه بزرگ با درهای چهار لنگه آهنی وشیشه پوش به صحن مدرسه گشوده میشود .

وازضلع شمالی این مسجددری به میدان باز است که جرزهای طرفین وجبهه آن کاشی کاری دارای دو حاشیه دندانه‌ای آجری ومتن آراسته به کاشیهای خشتی منقش هفت- رنگ متضمن ترنجهائی مزین بنام جلاله (یا الله) (یا عظیم) (یا کریم) (یا مجیر) (یا کبیر) (یا رحیم) است .

وبالای درگاه ورودی ازمیدان یاسایبانی است که پوشش آن آراسته به کاشی های گره سازی ودرزیر آن روی تیزه درگاه کتیبه ایست بخط نستعلیق از کاشی خشتی که روی آن دربالا آیه شریفه «انما یعمر مساجدالله من آمن بالله و الیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین ۱۳۸۵ ﻫ)

و در پایین آن عبارت ذیل نوشته شده است.

بانی حاجی علی معروف بجوکاران ۱۳۸۵ قمری ۱۳۴۴ شمسی .

فصل پنجم

در توصیف تیمچه بزرگ قم

بنای تیمچهٔ بزرگ از ابنیهٔ شکوهمند این شهرستان و از آثار هنری استاد حسن معمارباشی بانی صحن و آستانه و ایوان و گلدسته‌های بلند آن است که در سال ۱۳۰۱ قمری بنیاد گردیده است.

وسر اشتهار آن بعنوان تیمچهٔ بزرگ آن بود که در بازار دروازه و بازار سلامگاه دو تیمچه دیگر یکی کوچك از اعتضادالدوله حکمران قم و دیگری متوسط از صدراعظم نیز از آثار هنری همین معمار وجود داشتند که در اثر احداث دو خیابان آذر و آستانه بکلی خراب شدند.

واینك تیمچه مزبور منحصر بفرد شده است که در کمر بازار واقع و تجارتسرای این شهر شده است.

بانی آن مرحوم حاج سید محمود طباطبائی تاجر بزرگ قم بود که پنج پسر داشت و همگی از مشایخ علما و مراجع امامیه بودند از جمله آیت‌الله قمی مرحوم حاج آقا حسین طباطبائی قمی.

این تیمچه با دو درب ورودی متشکل از سه چشمه است که قسمت وسطی به دهانه ۱۵ و ارتفاع ۱۵ متر دارای دو پوشش می باشد و در طول ۲۸ متر بدون ستون میباشد که معمار مزبور شخصاً در کجاوه می نشسته و کار میکرده است و معماران بزرگ برای مدتی محو

تماشای پوشش آن میشوند .

وگنبد آن عرقچینی رومی ولی پوشش زیرین یزدی بندی وصورت ساختمان آن فخری ودارای بیست حجره تجارتی تحتانی و دوازده غرفه فوقانی بادرهای زیبای ارسی آلت جعفری وگره سازی است که متأسفانه اکثردرها را برداشته تجدید کرده‌اند وبرای نمونه چند درارسی جلوغرفه‌ها باقیست .

وبالای حجره‌های زوایاوهمچنین پاطاق پوشش چشمهٔ شمالی آن مقرنسی گچبری است.

فصل ششم

در توصیف مدرسه حاجی

مدرسه حاجی در کوی قاضی سعید قمی منشعب از خیابـان محمد رضا شاه «چهارمردان» قرب میدان میر واقع است که‌سطح کوچه بمرور بالاآمده این‌مدرسه در حدود دومتر در گودی افتاده است .

این مدرسه دارای‌سی وچهار حجره وغرفه که‌ازاین جمله چهارده‌باب‌تحتانی با ایوان‌های فردی وبیست باب‌فوقانی‌بامهتابی‌سراسری‌است‌ومتضمن‌یك‌ایوان هنری ویك مسجدچهل ستونی‌بدون مقصوره بادو مدرس دوطبقه وصحنی بوسعت‌تقریبی ۲۰ در ۳۰ متر میباشد .

بانی‌این مدرسه مرحوم میرزا آقا خان صدر اعظم نوری‌اعتمادالدوله نخست وزیر وقت درسال ۱۲۷۲ قمری است که به خواسته‌آیة الله مرحوم حاج ملامحمد صادق مجتهد ازفرزندش نظام الملك بنیان یافته‌بودووجه‌تسمیه مدرسه‌بعنوان‌مدرسه حاجی (باتوجه باینکه کلمه‌حاجی‌مخفف حاج‌ملامحمدصادق‌است) علاوه‌بر اینکه نامبرده‌عامـل مهمی در بنای این مدرسه‌بوده‌است آنستکه تاپایان عمرهماره در این مدرسه به دراست وامامت پرداخته‌کلیه اهل علم از سکنه مدرسه را راتبه وشهریه می‌رسانیده‌است .

ایوان اما ایوان مدرسه در جلو مسجد که آثار هنریش برجنبه معماریش میچربد به دهانه ۸٫۵۰ و طول ۱۰ وارتفاع ۱۲ متر باازاره سنگی ودوازده جرز واسپر کاشیکاری به کاشیهای خشتی منقش هفت رنگ وخوش نقش ولعاب همان عصرو کتیبه کمربندی گچبری بخط ثلثی مرحوم میرزاعلی اکبرفیض وشش غرفه زیبا که نیزمسکن اهل علم است باهفت درگاه بزرگ به مسجد چهل ستونی که سه جانب ایوان را فرا گرفته است یکی از مظاهر هنری نیمه دوم قرن سیزدهم است که اگر پوشش درگاه های هفتگانه آن بسوی مسجد حدود یك متر مرتفع تر از وضع کنونی بود از جنبه معماری هم نقصی در آن بنظر نمیرسید منتها این انخفاض بدانجهت در پوشش طاقبند ها راه یافته تا غرفه های بالای آنها باسایر غرف مدرسه همسطح گردد .

اما تزیینات کاشی ایوان که قشری از چرك روی آنها را پوشانده است واز حسن منظر آنها کاسته است اعم از خشتی و گره سازی روی جزرهای قطور طرفین ایوان ولچکیها و جبهه آن وجرزهای دوازده گانه درونی وبدنه آنرا تا زیر کتیبه کمر بندی زینت بخشیده است .

واز جمله در دوجانب درگاه مقابل هرطرف نمای کم عرضی است که بمنزله قابی تجلی داردودومین کاشیکاریهای آن هرطرف ترنجی دیده میشود که در ترنج غربی عبارت (معمار این مسجد حاجی شعبان سنه ۱۲۷۲) ودر ترنج شرقی عبارت (عمل استاد محمد آقا ولد حاجی اسماعیل) بخط نستعلیق سفیدی خوانده میشود که منظور از عمل در عبارت دوم صنعت کاشی سازی وگره تراشی است .

علاوه در سینه اسپر ایوان بر فراز تیغه پوشش درگاه مقابل کتیبه دیگری است روی کاشیهای خشتی زمینه لاجوردی که بشکل مربع مستطیلی نصب شده‌اند وبه خط نستعلیق طلائی ابیات پانزده گانه مرحوم حاج رشید خان بیگدلی متخلص به اختر

به خط خود سراینده روی آن نوشته شده‌است وابیات مزبور که بعضی از مؤلفین به اشتباه ضبط کرده اند بطور صحیح چنین است .

در زمان شهریار تاجدار تاج بخش
آن که ذات بی همالش پادشاهی را سزا

بوالمظفر ناصرالدین‌شاه غازی آن که هست
مهتران را شهریار و خسروان را پادشا

اعتماد الدوله شه صدر اعظم آنکه داد
ملك جم را نظم‌ها چون آصف بن برخیا

گاه‌بذل‌ووقت‌تحسین‌نی‌شگفت‌ارخود شوند
معن باجودش بخیل و فضل باایدش گدا

شد دل آگاه اوآگه زآز روزگار
زآنکه رایش از صفا شد آینهٔ گیتی نما

دیدچون شوق مهین فرزند خود در کار خیر
آنکه باشد مهتران و سروران را مقتدا

میر شاهنشه نظام الملك و المله که هست
چون پدر اصل سخا شخص کرم ذات حیا

ساخت‌درقم‌مسجدی‌دلکش که‌هر کس‌دید گفت
لوحش‌الله زین بنا و بارك‌الله زین فضا

وه چه مسجد کز علوپایه‌وقدر بلند
عقل میگویدش وه وه برزمین آمد سما

وقف کرد این مسجد نیکو برای‌خاص‌وعام
تانیاز آرند و طاعت می‌بذات کردگا

این عبادتخانه فرخ بنا کـرد او که خلق
بعد طاعت شاه گیتی را بگـو ینـدی دعـا

زاهتمام میرباقـر خان عادل پـور صدر
آنکه قم ازعدل او بس یافته برك ونوا

خان باذل ذوالفقار آنکوبه‌رنج فاقه گشت
بـا دل وافی دوا و باکف کافی شفا

یافت چون اتمام این نیکو بنای دلپذیر
گاه آن شد تا رشید الدین همی خواند ثنا

ازپی تاریخ این فرخ بناکلکش نگاشت
صدر امجد را مبارك باشی ای نیکی بنا

که‌ماده تاریخ فوق با سال تکمیل تزئین‌ایوان یعنی ۱۲۷۳ برابر است .

وچون درطرفین ایوان طاقبند چشمه‌پوش دوگوشوار مسجد است که روی آنها غرفه‌های مدرسه واقعند درنتیجه هرجانبی ازایوان دوجرز ساخته شده‌است که دوجرز مربوط به‌ایوان ودو جرز دیگرمربوط به‌دو گـوشواروغرفه‌هـای روی‌آن در زاویه صحن قرار دارندوبدنه‌همگی آراسته به کاشیهای‌خشتی‌هفت‌رنگ‌وجلوغرفه‌ها اسپری‌بالاآمده‌است که سطح آن نیز کاشیکاری‌ولچکیهای پشت بغل طاقبندجلونیز مزین به کاشیهای گرهی ودرمیانه آنهاترنجی است‌متضمن اسامی جلاله یا نامـهای محمد وعلی بخط بنائی ازکاشیهای الوان ودرمجاورت غرفه‌ها دری‌است برابـر مهتابی‌جلوغرفات که‌پیشانی‌درگاه‌های آنهانیز کاشیکاری‌شده است .

واما تزیینات گچبری‌ایوان عبارت‌است‌ازکتیبه کمربندی بخط ثلثی زرشگی همسطح زمینه که‌روی آن‌سوره مبارکه جمعه ودرپایان عبارت (حـرره علی‌اکـبر متولی مضجع‌فتحعلی‌شاه فی سنة ۱۲۷۲) گچ‌بری شده است .

دراین مدرسه یك کتیبه حجری است که سابقاً در جلو خان‌مدرسه در جـبهه

درگاه و درب ورودی بکار برده بودند واخیراً باپیش بینی های احتیاطی بداخـل دهلیزمدرسه انتقال داده درسینه دیوار آجری برابر درب ورودی نصب کرده‌اند .

در این‌لوح‌سنگی و مشابه مرمری مطالب تاریخی ذیل‌بخط نستعلیق‌برجسته ومرغوبی نوشته وپس‌از حجاری طلائی رنگ شده‌است ومتن کتیبه چنین است .

درزمان دولت روزافزون ملاذالسلاطین‌و ملجأالخواقین السلطان بن‌السلطان بن‌السلطان المؤید المنصور قامع‌الاشراروالشرور ابوالمظفر ناصرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه وسلطانه بواسطه دوام دولت‌ابدآیت اعلیحضرت قدرقدرت شاهنـشاه عالمیان پناه‌این خجسته مسجد دلکش‌راجناب جلالتماب نبالت‌نصاب‌غوث الاسلام والمسلمین کهف الدنیاوالدین معنی دانش وآگاهی امین اعلیحضرت ظـل‌اللهـی شایسته مسندصدارت‌فخرامم کان‌کرم‌محرم اسرارشاهنشاه عالمیان پناه قواماً للمجد والدولة والاقبال نظاماً للشوکة والابهة و الاجلال اشرف ارفع امجداکرم میرزا آقاخان نوری اعتمادالدولة العلیة العالیه‌صدراعظم‌افخم‌لازال رایات اجلاله‌مرفوعة بنافرمودند وبرکافه مسلمین وقف‌عام نمودند که‌جمیع شیعه اثنی‌عشریه دراوبعبادت ودرحجرات آن‌بتحصیل علوم مشغول باشند حرره شهرجمادی الثانیه‌ ۱۲۷۲ ودر دوزاویه قسمت‌پائین یکطرف(کتبه‌العبدالمذنب) وطرف دیگر (محمدالگپایگانی) خوانده میشود .

امامسجد آن‌مرکب ازسی ودوطاق چشمه‌پوش برفراز بیست‌وچهار ستون مضلع مسدس بطول‌شرقی‌غربی سی‌متروبه‌عرض‌های‌مختلف‌است که‌قسمت‌وسط‌برابر ایوان ده‌متر و طرفین‌آن‌در دوگوشوار بیست‌متر میباشد که‌بدون‌مقصوره‌است.

وصحن مدرسه بعرض ۲۰ وطول ۳۰ مترمیباشد .

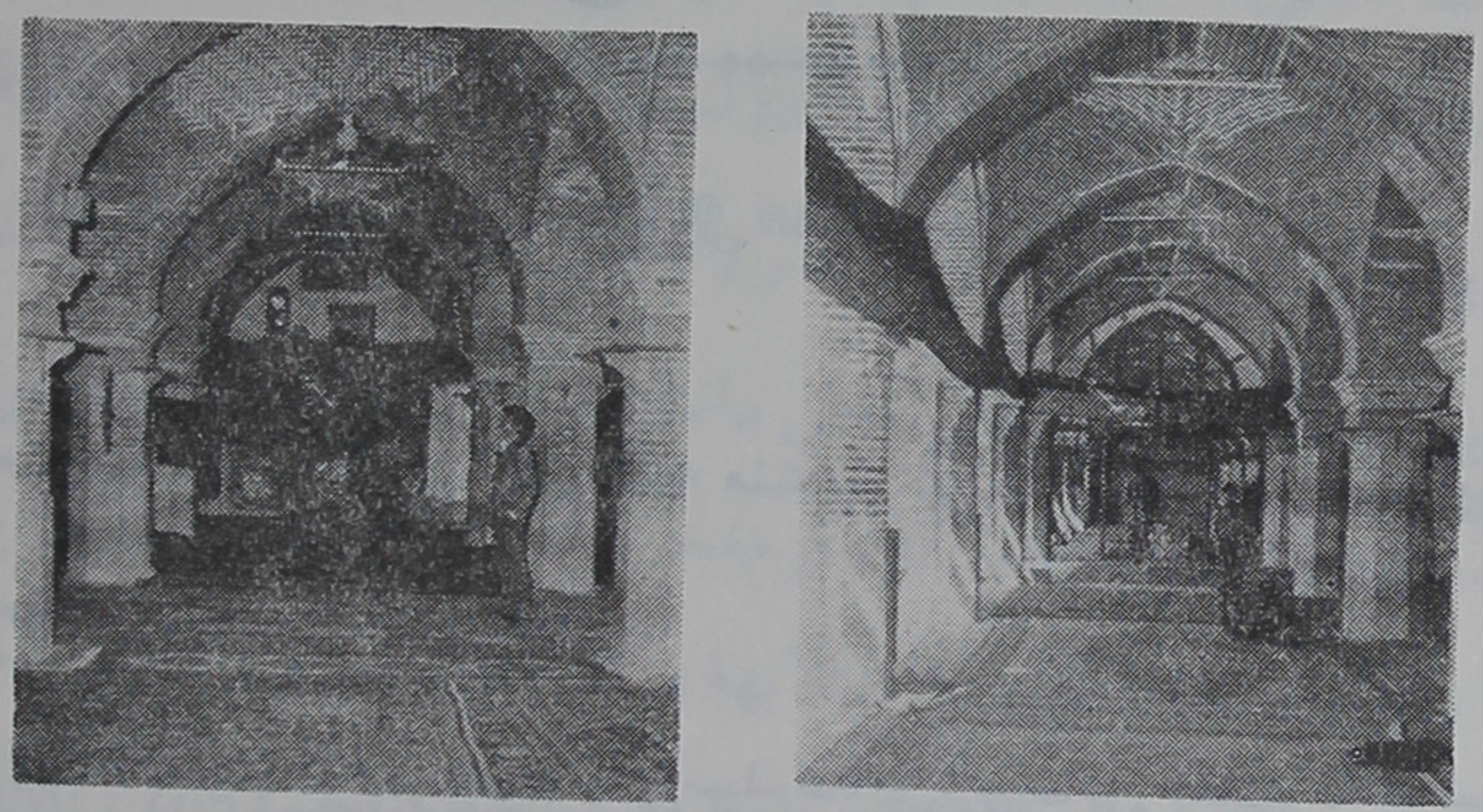
فصل هفتم

در توصیف مسجد و مدرسه آقا

مسجد و مدرسهٔ آقا در کوی گذر قلعه منشعبه از تکیه چهارمردان سرپیچ کوچه
بقعه سلطان محمد شریف واقع است .
ومنظور از (آقا) آیت الله مرحوم حاج سید صادق روحانی است که مباشر و مسبب
ساختمان این مسجد بوده است .
چه در سال ۱۳۲۰ قمری مرحوم حاج مرتضی گائینی چهارباب خانه ملکی خود
را برای این منظور در اختیار آقا قرار داد و آن مرحوم هم به بنای آن همت گماشت .
این مسجد مرکب از شانزده طاق چشمه پوش برفراز ستونهای سنگی استوانه
ایست که با ازاره اش سنگی و جرز و جدارش آجری بطول تقریبی سی در ده متر است که
بدون مقصوره می باشد .
وجلو مسجد ایوانی است به دهانه ۸ و عرض ۵ و ارتفاع ۱۰ متر نیز با ازاره
سنگی و جدار آجری و پوشش رسمی بندی و در کمرگاه آن کتیبه ایست الحاقی
تعمیری از کاشیهای خشتی زمینه لاجوردی که روی آن بخط سفید نستعلیق آیة الکرسی
ودر پایان آن عبارت (کارخانه محمد کبیری تأسیس ۱۳۳۳ شمسی) نوشته شده است

ودر بدنه طاقبند جلو در میانه کاشیکاری معقلی آن با کاشیهای الوان اسامی جلاله و یا نامهای محمد وعلی خوانده میشود .

اما مدرسه آن دارای صحنی است بوسعت ۲۰ در ۱۸ متر با پانزده باب حجره ایواندار که مسکن اهل علم میباشد .



تصویرهائی از چهل ستون آیت الله فیض درمسجد امام
مربوط به صفحه ۶۷۸

فصل هشتم

در توصیف گنبد مسجد اعظم قم

مسجد اعظم که حقاً اسمی بامسمی واعظم مساجد عالم اسلامی است از ابنیه ایست که در ساختمان آن حسن منظر بامتانت پیکر توأم گردیده است.

این مسجد پرشکوه از آثار برجسته مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی (طباطبائی) است که از سال ۱۳۶۷ قمری تاپایان عمر به ساختمان آن، باپشتکاری نمایان همت گماشت.

مقصوره موسع ومعظم آنرا با آجر وگچ بسبك قدیم که قرنها متروك شده بود بنیاد نهاد تاقرنها برسرپا بماند زیراطول عمر پوشش های تیرآهنی هنوز آزمایش نشده است ودر بنای گنبد مرتفع آنهم ابتکاری بخرج داد که ده چندان گنبدهای مشابه خود دوام یابد چه که ابتداء دستورداد تا استخوان بندی آنرا بامفتول بپا داشتند ودر سربند مفاصل آن بااکسیژن جوشکاری بعمل آوردند وبعداً ازدوجانب این اسکلت فلزی رابا آجر کاری بپوشانید یعنی درطرفین آن از داخل وخارج جداری بقطر چهارده آجر هرطرف هفت ردیف باملات مخمر ازسیمان وآهك توأم باماسه بدون ذره‌ای خاك بالا بردند چنانکه طول عمر آن تاهزارسال قابل پیش بینی است (چنین کنند بزرگان

چو کرد باید کار) .

و پس از تکمیل بنای گنبد در یکی از مجلات مرکز که نگارنده نامش را بخاطر ندارد پیرامون نقص فنی آن مقاله‌ای انتشار یافت بدین توضیح که چون ضلع جنوبی مقصوره بدون پشت بند مقاوم و تکیه گاه است و بنای تالار را هم پشتوانه آن نمیتوان شمرد این پایه تاب تحمل فشار سنگینی گنبد را نخواهد داشت .

آیت‌الله بروجردی پس از قرائت مقاله با نامه سرگشاده معمار و مهندس ساختمان (آقای لرزاده) را طلبیده نگرانی خود را ابراز داشت و نامبرده اطمینان داده که اولا پایه مورد اعتراض بدون نیاز به متکاهم در برابر فشار گنبد مقاوم است در ثانی این گنبد با آن استخوان بندی چنان بهم دوخته و یکپارچه شده است که هر گاه نیمی از زیر مقصوره راهم با حفر کانال وخاکبرداری تهی سازند نیم بقیه برای حمل این سنگینی وافی و هیچگونه خطری نخواهد داشت و با وضع موجود این گنبد و مقصوره در برابر کلیه سوانح وحوادث ارضی و سماوی بیمه شده طبیعی است .



نموداری از اسکلت فلزی گنبد

بهر صورت ساختمان این مسجد با صرف ده‌ها مليون تومان بشرکت نیکوکاران تکمیل و تزیینات ایوان بزرگ و مقصوره و گنبد چهل‌ستونهای دو گوشوار و تالار سراسری جلو آنها نیز کامل است منتها عمر بانی بزرگوار برای انجام کاشیکاری گلدسته ها وجدار صحن وایوانها و کریاس و راهرو مسجد وفا نکرد اما چون خود آنمرحوم مرگ خویشتن را قبل از تکمیل تزیینات پیش بینی میکرد همواره توصیه میفرمود که جدار مزبور را طوری زیبا و منظم آجر کاری کنند تا خود بخود خوش منظر باشد و

به کاشیکاری نیازی نداشته باشد .

وپس از رحلت معظم له بجهاتی آن اقبال عمومی به ادبار منجر و کار کاشیکاری دوچار تعویق گردیده اگر هم تعطیل نشد در نهایت کندی پیش میرفت چنانکه طی ده سال فقط یك گلدسته آن کاشیکاری گشت .

که رمز نارضامندی و ادبار عمومی را در دو فراز زیر میتوان کشف نمود .

یکی قطع ارتباط مسجد با آستانه در اثر انسداد ابواب سه گانه میانه راه رو با مسجد بالای سر و دیگری اعزال یا اعتزال مراجع عصری از دخالت در امور مسجد در حالیکه ضرورت داشت مرکزدر است و امامت آنان در همین مقصوره و مسجد باشد.

در نتیجه مسجد از مقام شامخی را که شایستگی آن را داشت کسب نکرد و از احراز عنوان



تصویری از ایوان و گلدسته و گنبد درحال ساختمان

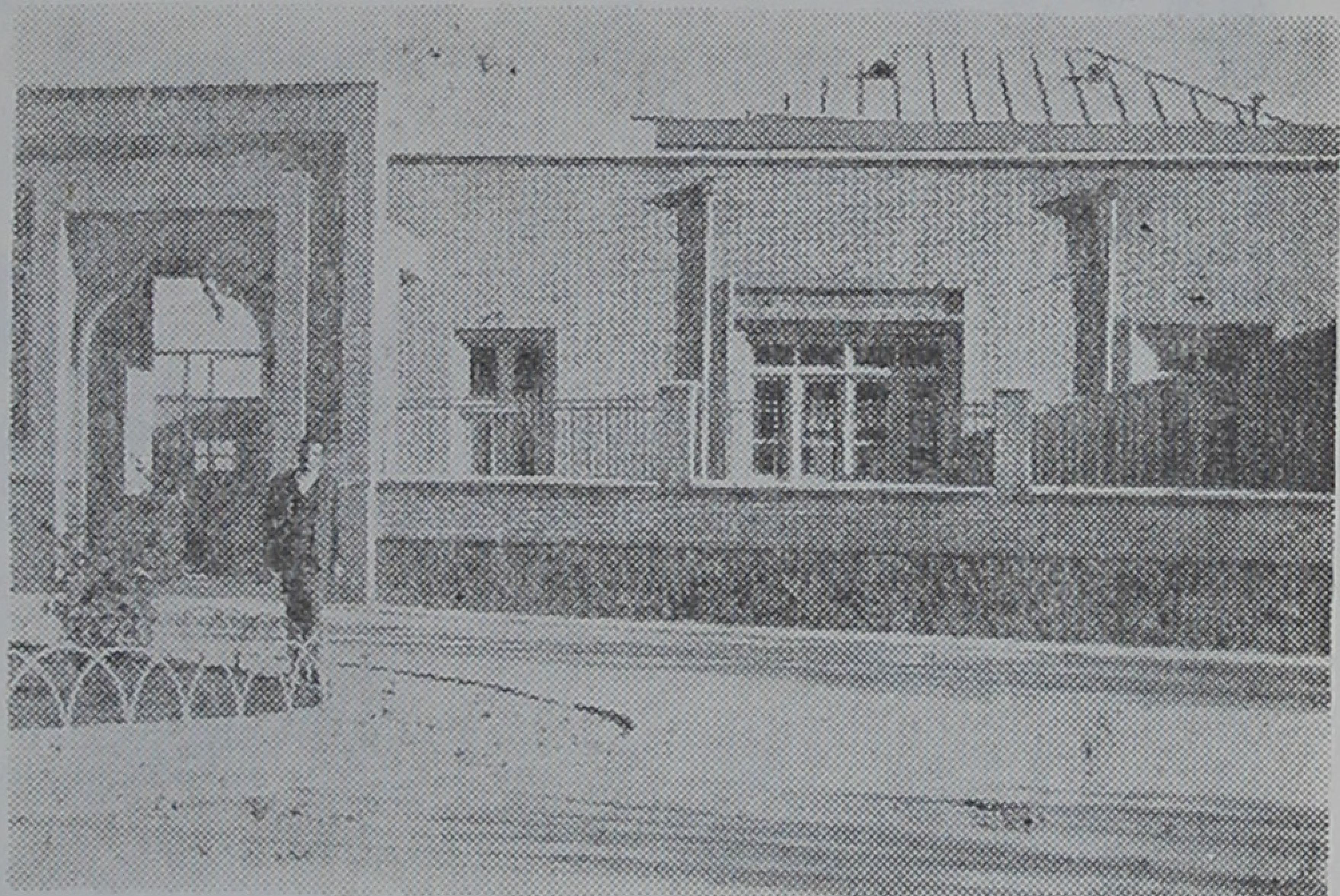
جامعیت تا حال محروم افتاده است مگر آنکه متصدیان امور ، اغراض خصوصی را برای

جلب منافع آنی وشخصی در برابر مصالح اجتماعی زیرپای گذارند تا از اقبال عمومی وحمایت مقامات روحانی برخوردار شوند ودراین صورت کارتزیینات مسجد هم بسامان خواهد رسید .

این مسجد مشتمل بریك مقصوره موسع و گنبد مرتفع وایوان معظم ودو گوشواره چهل ستونی و کتابخانه جامع وسایر مرافق وبیوتاتی است که ذیلا توصیف میشوند.

دربنای مسجد مزبور تلفیقی از سبك قدیم بااسلوب ساختمان جدید بکار رفته است چه که مقصوره و گنبدو گلدسته هایش با استیل باستانی و سبك کنونی بنیان ولی چهل ستونهایش بانقشه روز ساخته شده است





دو تصویر از مسجد جامع قدیم محلات و مسجد جدیدی در محلات

باری این مسجد پرشکوه وبی مانند مشتمل بر دوجلوخان هریك در برابر یك درب باکریاس وهشتی ودفتر ومقصوره و گنبدودو گوشواره چهل ستونی وچهار گلدسته (دوزوج) وسه ایوان وسه تالار ویك مخزن کتب ودو قرائتخانه ویك انبار ویك گنبد فردی (که کارگاه فنی کاشی تراشی است) ویك ساعت کوبنده وصحن وطهارتخانه ها و وضوخانه های مردانه و زنانه و چاه عمیق و سنگاب مرمر و غیر مرمری است

بدین تفصیل. که

ایوان سردرب ورودی مسجد

این مسجد دارای سه درب ورودی یکی از صحن عتیق و بقیه از خیابان موزه است و جلودرب نخست که در جوار مدخل موزه واقع است جلوخانی واقع است با دو مغازه موقوفه مسجد که با مسجد بنیاد شده اند و در مدخل مسجد ایوان سردری است بدهانه ۵ و عرض ۲ و ارتفاع ۷ متر با ازاره ای از سنگ سیاه ابزارزده به ارتفاع ۱٫۳۵ متر و جرزها و بغله ها واسپر وجبهه کاشیکاری معرق و پوشش رسمی بندی کاشی کاری معرق که در بدنه جرزها بطور عمودی و در جبهه ایوان بطور افقی کتیبه ایست از کاشی معرق بخط ثلثی سفید وروی آن ابتداء آیاتی و سپس نام بانی خوانده میشود که قسمتی از آن ذیلا نقل میشود :

بسم الله الرحمن الرحیم قال الله تعالی یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات امر بانشاء هذا الجامع العظیم السید الامام المجاهد المجدد مصلح الزعیم رئیس الفرقة و مرجع الامة فقیه العصر وجیه الدهر شمس بهاء الجلالة والسیادة الی آخره در پایان کتبه احمد اخوان ۱۲۸۱ قمری.

ومتداخل در آن کتیبه ایست بخط کوفی طلائی که روی آن سوره مبارکه والفجر ولیال عشر خوانده میشود.

ولب ایوان بصورت گیلوئی با دو دندانه آجری در حاشیه و متنی آراسته به کاشی های معرق است.

ودر کمرگاه ایوان نیز کتیبه ایست بخط ثلثی نسخ سفید در زمینه لاجوردی که روی آن ابیات ذیل معرق شده است.

لله بیت سمت قواعده	فانحط عند تصاغراً رضوی
مـن امه قاصداً وحل به	حـل مقیماً بجنة المأوی
شاء له الله ان یؤسسه	من لم یدع نفسه و ماتهوی

فاختار من خلقه الحسين لما	احرز الله فيه من جدوی
امام حق بدا مآثره	فی الدین لم یقبضه علی الفتوی
کم مسجد قد بناو مدرسة	فیه احادیث فضله یروی
لمسجد اسسته خیر ید	علی سوی الخیر لم یکن تقوی
قلب بتاریخه اقروا افمن	اسس بنیانه علی التقوی

۱۳۷۵

درب منبت ودر مدخل مسجد از همین ایوان دربی دو لنگه و بزرك وعالی نصب شده است که سراپا کنده کاری دارای گلهای برجسته و کتیبه هائی برجسته خاتمی و از جمله در قسمت بالای چهارچوب آن آیه ذیل خاتم کاری شده است .

انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر واقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین .

ودرپایان بخط ریزی (تقدیمی سیدجلال الدین بنی هاشمی طهران ۱۳۸۰ عمل شهمیر رازی منبت شده است.

کریاس ودر عقب درب مزبور کریاسی است مثمن مختلف الاضلاع بدهانه ۱۱ وارتفاع ۱۱ متر که جهات فرعیش باندازه یکمتر ونیم دارای صفه ای محرابی است و جهات اصلیش ۳/۳۰ متر می باشد و مقبره آیت الله بروجردی درقسمت شمالی آن قرار دارد که اگر اسپر میانه مسجدو کریاس برداشته شود به عمارت مدرس ومقابر الشیوخ از مسجد بالای سر مرتبط میگردد .

ومحل وی قبر سابقاً راهروی بود که باعبور از آن به کریاس جلو مسجد بالاسر و مدرسه مادرشاه واز آنجا بصحن عتیق درمیآمدند وآنمرحوم محل دفن خود را تعیین نموده درو قفنامه مسجد تصریح کرده اند که دفن اموات درمحوطه مسجد ممنوع

ودفن ایشانهم مجوزی برای دفن متولیان دیگر نخواهد شد.

مرقد آیت الله بروجردی در کریاس

و برروی مرقد وی لوحی بزرك ویکپارچه از سنك مرمر نفیسی به ارتفاع ۷۰/. و عرض ۹۰/. و طول ۱/۸۵ متر میان تهی که هرگاه وارو به نهند به سنگاب مرمر میماند ولبهٔ آن عریض و گیلوئی است نصب شده است که در چهار لبه آن طره پیچ و گیلوئی ابزار زده ودر چهار نبش آن ستونی مارپیچ باسروته ستون گلدانی حجاری گردیده است واین لوحه دارای کتیبه‌های متعددی حاکی از نام ونسب آنمرحوم به خط برجسته نستعلیق است که روی آن عبارات ذیل حجاری شده است.

« آیت الله العظمی و امام الفقهاء حسین بن علی بن احمد بن عبد الکریم بن المراد بن شاه اسدالله ابن جلال الدین امیر بن الحسن بن مجدالدین ابی المکارم بن عباد بن ابی المجد بن عباد بن علی بن قوام الدین بن اسمعیل بن عباد بن ابی حمزة بن طاهر بن علی بن محمد بن احمد بن ابراهیم طباطبا ابن اسمعیل الدیباج بن ابراهیم الغمر بن الحسن المثنی ابن الامام ابی محمد الحسن بن امیر المؤمنین وسیدالوصیین علی بن ابیطالب علیهم السلام ».

باری این کریاس که اگر جدارش کاشیکاری گردد یکی از ابنیه جالب توجه مسجد میگردد دارای ازاره ایست ازسنك سیاه دو ابزار زده وجرزهائی ازآجرتراش است که باندازه قطر کاشیکاری ازروی ازاره عقب چیده شده اند ومدخل کریاس ازجهت اصلی جنوبی است وازضلع غربی آن راهی بگوشوار شرقی گشوده میشود و از شمالیش درگاهی بدهلیز صحن بازست وازضلع شرقی آن درگاهی بجانب عمارت مدرس پیش بینی شده است که جلو آنرا تیغه آجری بالا برده اند وامید است در آینده نزدیکی گشوده گردد.

پوشش این کریاس رسمی بندی بادوال کاشی فیروزه‌ای و مزین بمقرنس

آجری است که در نقطه مرکزی آن هواکش و نورگیری بصورت مضلع باز و برفراز آن کلاهکی هشت ضلعی با درگاه‌های هشتگانه بالا برده‌اند.

وزمین آن سنگ فرش و سطح قسمت شرقی که مقبره بانی در آن واقع است مرمر پوش و حدود سی سانتیمتر از کف بقیه کریاس ارتفاع دارد.

اما راهرو و دهلیز صحن ک.ه در جهت شمالی کریاس واقع است متشکل از دو چشمه و طولش ۱۲ و عرضش ۶ و ارتفاعشان ۱۰ متر با ازاره‌ای از سنگ سیاه دو ابزار زده وجرز هائی آجری تراش که باید بعداً کاشیکاری گردد زیرا آجر کاری بقطر پنج سانتیمتر عقب چیده شده است.

و پوشش آنها یزدی سازی آجری متضمن چهار کاسه بزرگ که سطح آن با کاشیهای معرق آراسته شده است و از ضلع غربی این راهرو هم دو درگاه بسوی گوشوار گشوده میشود و از مقابل آنها هم دو درگاه بسوی مسجد بالای سر برابر حرم شریف ساخته شده است که جلو آنها را مسدود ساخته‌اند و هرگاه گشوده شوند ضریح فاطمه معصومه برابر درگاه وسطی واقع و بخوبی مشهود میگردد.

و کلیه درگاههای ساخته شده از سه جانب آراسته به قابی از سنگ‌های مرمری تروانتین است که حاشیه آنها را زینت بخشیده است و درگاه‌های غربی به حاشیه‌ای بعرض ۱۵ سانتیمتر از سنگ‌های سیاه دو ابزار زده مزین است که یك لبه آن برجی و لبه داخلیش کیلوئی است.

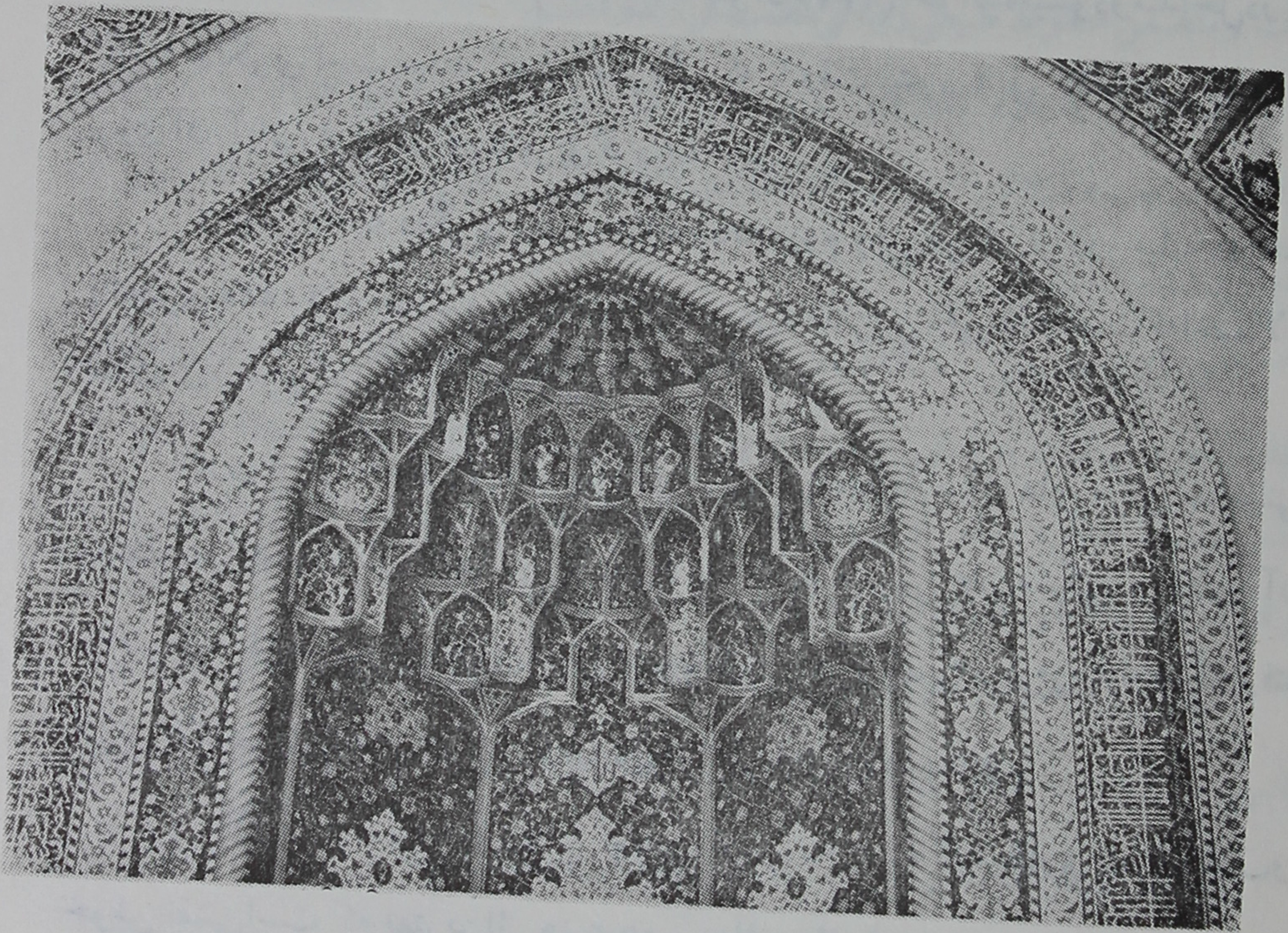
مقصوره مسجد اعظم

اما مقصوره این مسجد که در وسعت و رفعت و زینت در عالم اسلام کم نظیر بلکه فاقد نظیر است سراپا آراسته به کاشیکاری معرق بالای ازاره مرمری می باشد.

قاعده گنبد از خارج و داخل چهار ضلعی متساوی به دهانه ۱۹ و ارتفاع ۲۴ متر با تزیینات متنوعه مرمری و کاشیکاری است که در چهار گوشه آن نیم طاقی بالا آورده صورت مربع را بانقشه یزدی سازی بشکل فلکه‌ای در آورده پاطاق پوشش عرقچینی

آنرا بالا برده‌اند .

درضلع جنوبی این مقصوره محرابیست مجلل و مضلع پنج ترکی به دهانه ۳ وارتفاع ۵ متر با ازاره مرمری و بدنه و جرزهای کاشیکاری معرق و پوشش مقرنس خوش قطاری درسه ردیف از کاشیهای شفاف خوشرنگ و لعابی است که درسینه آن ترنجی نمودار ودرمیانه آن بخط ثلثی طلائی (الله) خوانده میشود .



تصویری ازمحراب مقصوره مسجد اعظم درحال کاشیکاری

ولب محراب آراسته به طره‌ای از کاشی فیروزه‌فام پیچ بعرض پانزده سانتیمتر در میانه دوخط متوازی مورب معرق است ولی نبشی پائین آن بصورت دوته‌ستون گلدانی از همان سنگ مرمر ازاره میباشد که این نبشی مرمری از بدایع فن حجاری است ودر کنار آن حاشیه ایست معرق بعرض ۰/۲۳ . که طرفین وجبهه محراب رازینت داده است درزمینه لاجوردی بانقشه ترنج کشی است .

و پهلوی آن حاشیه دیگری است که بین دو خط زنجیری متوازی ملات سازی و چند سانتیمتری واقع است و درمتن بیست سانتیمتری درزمینه سفیدی با نقشه بند اسلیمی گل و بوته های پی درپی معرق گردیده است .

ومتصل به آن کتیبه ایست در زمینه آراسته بنقوش رنگین در میانه دو خط زنجیری بعرض نیم متر که بخط ثلثی سفید روی آن سوره مبارکه دهر (هل اتی) تا سعیکم مشکورا ، ودر پایان عبارت (کتبه احمد اخوان ۱۳۷۶) خوانده میشود و متداخل در آن کتیبه دیگری است بخط کوفی کمرنگی که تا دقت نشود قابل تشخیص نیست و روی آن آیاتی از قرآن مجید تعریق گردیده است .

وسپس حاشیه دیگری است مشابه حاشیه دوم ولی عریض تر در میانه دو خط زنجیری نقشه ملات سازی ودر جوار آن قسمتی فاقد تزیین باقی مانده است که احتمالا به سنگهای مرمری آراسته خواهد گشت

باری ازاره مقصوره به ارتفاع دومتری آراسته به سنك های مرمر ماشینی ورنك به رنك است که قسمت پائین آن ۶۲/. سفید وسپس ۴/. مشکی و بالای آن ۱۰ر۱ متر سنك مرمر سفید و روی آن نیز ۴/. مشکی و بر فراز آن ۲۰/. مرمر سفیدی بکار رفته می توان گفت سنك های سفید ازاره درقابی مشکی قرار داده شده اند.

و بالای ازاره تمام جرزها و جدار مقصوره مزین به کاشیکاری معرق شفاف و خوش نقشی است که بهترین اثر هنری عصر حاضر را تجلی میدهد.

و پوشش عرقچینی مقصوره نیز آراسته به کاشیهای معرق شفافی است که بمنزله قدح بزرك منقش که معکوس نهاده باشند جلوه گری میکند ودر این پوشش نیز اسکلت سازی آهنی واستخوان بندی فلزی توأم با جوشکاری بعمل آمده است.

واز اضلاع شرقی وغربی این مقصوره سه درگاه به دو گوشوار طرفین باز است واز وسط ضلع شمالی آن فقط يك درگاه به ایوان مجلل آتی الذکر گشوده میشود .

منبر مرمر

در این مقصوره وجود یك اثر نفیس هنری دیگری از منبر مرمری جلب توجه میکند. این منبر باده پله و نشیمنگاه لبه دار و دست اندازش بعرض یکمتر وارتفاع ۲،۲۰ متر ومتشکل ازسه پارچه سنك سفید وشفاف مرمر حجاری شده است.

وروی دست انداز برجسته آن روی پله پائین درهر طرف دو گوی مرمر امایشمی رنك ومتضمن خطوط طبیعی زیبائی نصب گردیده است.

و در بدنه تکیه گاه بالای منبر یعنی عقب نشیمنگاه دارای کتیبه ایست بخط نستعلیق برجسته طلائی که روی آن عبارت (**تقدیمی حاج ابوطالب قارونی**) حجاری شده است.

و آقای قارونی سنگاب مرمر نفیسی هم تقدیم داشته‌اند که برروی چاه در کنار راهرو بدون پوشش جانب غربی مسجد (برابر قرائتخانه کتابخانه) نصب شده است و هماره مملو ازآب است و برای آنکه دستمالی نشود و آسیبی نبیند برفراز آن پوششی فلزی وشیشه پوش نصب کرده‌اند.

در این مقصوره سراپا مزین بکاشیکاری معرق، چند کتیبه بخط ثلثی سفیدی از کاشی معرق زمینه لاجوردی نمودار است که برزیبائی و حسن منظر آن افزوده‌اند

نخست کتیبه کمربندی درابتدای قسمت فلکه‌ای مقصوره وبالای سردرگاه های آن است که روی آن سورهٔ مؤمنون (قدافلح المؤمنون) متضمن آیات بلندی دراوصاف مؤمنین ودردنباله آن سورهٔ مبارکه جمعه ودرپایان آنها عبارت (کتبه احمداخوان ۱۳۷۹) معرق شده است.

برفراز آن کمربندی بصورت دندانه‌موشی ازآجر بعرض یکمتر تعبیه شده و بالای آن کتیبه‌دوم که‌بطور سینه بندی درزیردرگاه‌های دوازده‌گانه نورگیر مقصوره واقع است روی آن سوره مبارکه‌فتح وسپس آیاتی ازسوره مؤمنون تا(فهم له منکرون)

خوانده میشوند که عرض آن حدود یکمتر بنظر میرسد .

و برفراز آن یکدندانه آجری درمیانه دوخط دوال کشی کاشی است و بالای آن درگاه‌ـ های زیبای مقصوره که در جدار عنق گنبد گشوده میشوند قرار دارند و در میانه هردو درگاهی یك نمای توپر کاشیکاری نموداراست که جرزهای آنها هم مزین به کاشیهای زیبا در میانه قابی تعرق شده از کاشیهای زمینه فیروزه‌ای میباشد که جمعاً بیست و چهار درگاه و نما میشود .

ودرسردرگاه‌های مزبور کتیبه سومی است که روی آن سوره مبارکه «یس» معرق شده است وسطح پوشش بانقشه ترنج کشی آراسته و در مرکز آن شمسه‌ای باپرتو تعریق گردیده است .

ودرابتدای پایه نیم طاق جنوب غربی درمیانه ترنجی زمینه سفید بخط مشکی عبارت (العبد الضعیف حسین لرزاده) و در مقابل آن روی پایه نیم طاق شرقی در ترنجی دیگر عبارت (کاشی تراش حسین برهانی اصفهانی) خوانده میشود که تادقت نشود به چشم نمیخورد .

ایوان جلو مقصوره

درمدخل مقصوره از صحن ایوان مجللی است بدهانه ۱۱ وعرض ۹ و ارتفاع ۲۲ متر که ازاره‌اش به ارتفاع ۱٫۳۰ متر ازسنگ سیاهی است که قسمت بالا و پائین آن ابزار زده وزیاده متین است .

وبالای ازاره تمام جداراز جرز و اسپرطرفین درگاه زیبای ورودی وجبهه آن آراسته ببهترین کاشیکاری معرق بانقشه ترنج کشی است .

ودر کمرگاه ایوان بالای درب ورودی مقصوره ودر گاه مجلل آن دو کتیبه متداخل یکی بخط ثلثی آشکار ودیگری بخط کوفی خفی بطور کمربندی بعرض ۸۰٪ معرق شده است که روی آن پس ازبسمله آیه مبارکه نورتاجمله (یوماتنقلب فیه القلوب و الابصار) ودر پایان آن عبارت (کتبه احمد اخوان ۱۳۷۷) خوانده

میشوند که روی تیزه طاقبند درگاه ورودی کلمه جلاله (الله) بخط طلائی درشتی جلب توجه میکنند .

وبالای کتیبه آراسته بقاب بندی متضمن تابلوهای کاشیکاری معرق است .

ودرمیانه قابهائی آن سه ترنج نمودارندودرترنجهای طرفین بخط نستعلیق مشکی درزمینه سفیدی یکطرف عبارت (کاشی تراش حسین برهانی اصفهانی) ودر طرف دیگر (بناء محمدولدغلامعلی شعرباف) ودرترنج کشیده وسطی بخط طلائی عبارات ذیل معرق شده اند .

«برحسب اراده حضرت آیت الله بروجردی مدظله درسال ۱۳۷۴ قمری بنیاد گردید اثرحسین بن محمد معمار معروف لرزاده» .

که این تاریخهای مختلف سال بنای هرقسمت را روشن میسازند .

ودرحوضچه وسطی مقرنس ردیف پائین نام جلاله (الله) بخط طلائی جلب توجه میکنند .

وپوشش ایوان مزین بمقرنس خوش قطاری آراسته بکاشیهای معرق است که سطح کلیه حوضچه ها وقفسه های آن همانند سبدی پرازگل نمودارودروسط هریك لامپ برق پرنوری شبها نورافشانی میکنند .

در وسط مقرنس متصل بطاقبند جلو ایوان نیم شمسه زیباو بدیعی باپرتوهای اطراف آن معرق گردیده است .

ودربدنه قوسی شکل این طاقبند بعرض ۱٫۵۰ متر بانقشه قاب بندی بادوحاشیه شصت سانتیمتری معرق شده است ولبهٔ ایوان گیلوئی است وهرقسمتی بانقشه خاص و زمینه مخصوص تعریق گردیده اند .

ودر اطراف درگاه و رودی بمقصوره دو ردیف سنگ سفید برجسته تروانتین ابزارزده که وسط آنها برجی ودوطرف آنها گیلوئی است هریك بعرض سی سانتیمتر درفاصله چهل سانتیمتر ازیکدیگر بکار رفته اند و در این فاصله کتیبه ایست معرق بخط ثلثی سفید درزمینه لاجوردی که روی آن چهارده آیه اولیه از سوره مبارکه فتح

تا جمله (مایفقهون الاقلیلا) و متداخل در آن هم کتیبه‌ای بخط کوفی طلائی که روی آن سورهٔ مبارکه والفجر نوشته شده خوانده میشوند .

توجه باین نکته که نشان دهنده کمال مهارت فنی استاد هنرمند کاشی‌تراش است ضرورت دارد که این کتیبه را طوری تنظیم کرده است که نه تنها آیه شریفه (یدالله فوق ایدیهم) درست بالای تیزه طاقبند مدخل مقصوره قرار گرفته است بلکه کلمه جلاله (الله) بطور دقیق روی تیزه آن درملتقای دوقوسی طاقبند تجلی دارد .

ودر کاشیکاریهای مقصوره وایوان دقایق بسیاری است که ذکر جزئیات آنها صفحاتی رافرا میگیرد .

وسطح مقصوره وایوان چون سایر ابنیه مسجداز سنگهای مربع سفیدوشفاف مرمری درمیانه‌قابی ازسنگهای مشکی فرش شده‌اند .

ودرطرفین ایوان هرطرف دوجرز جمعاً چهار جرز است ودر میانه آنها راه‌پله ایست که‌برای گوشوارها کار بادگیر انجام میدهندو جلو آنها بطرف صحن مسجدسه‌طبقه درگاه‌سازی‌شده‌است‌واطراف‌هردرگاه‌نیز باهمان‌سنك‌تروانتین ابزارزده‌سی‌سانتیمتری تزیین یافته‌و جلو درگاه‌هادریچه زیبائی نصب شده که‌ازاره‌تمام‌جرزها ازسنك سیاه وبدنه وجبهه آنها مزین بکاشیکاری معرق وبالای درب‌پائین‌درهرطرف ترنجی است که‌درمیانه آنها(الله جل جلاله) خوانده میشود .

ودر جبههٔ ایوان بزرك زیرهره دندانه آجری لب بام کتیبه‌ایست بخط ثلثی سفیدی که‌روی آن‌آیات سه‌گانه ازآخر سوره مبارکه حج یعنی از(یاایهاالذین آمنوا ارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم‌وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون(تا) واعتصموا بالله هو مولیکم‌فنعم المولی و نعم النصیر) نوشته‌شده‌است.

گنبد

وبرفرازمقصوره یادشده گنبدی است‌شلجمی شکل ومعظم به‌قطر ۲۴وارتفاع ۲۴متر باعنقی استوانه‌ای بارتفاع ۷ متر مشتمل برشانزده درگاه زیبابادرهای شیشه اعلا سراپا آراسته بکاشیهای معرق‌زمینه

آبی آسمانی ونقشه بنداسلیمی دارای کتیبه‌ای در منتها الیه عنق بخط ثلثی سفید است که روی آن چندسوره قرآنی خوانده میشود.

و در فواصل درگاههاداخل ترنجهائی اسامی جلاله‌جلب‌توجه‌میکنند.

امادرسطح فرازین‌دربین کاشیکاریهادرزهائی‌نموداراست که از سهل‌انگاری‌و عدم مداقه بنای کاشیکار حکایت میکند وچه بساهمین درزهاموجب نفوذآب‌برف‌و باران به‌پشت کاشیهاودرنتیجه باعث ریزش آنهادریخساری‌بگردد.

دو گلدسته در طرفین‌ایوان مقصوره

ودر طرفین ایوان بزرك جلو مقصوره دوگلدسته بلند و مجلل است این گلدسته ها بقطر ۳/۲۰ وارتفاع از سطح زمین ۶۰ و از سطح بام ۴۰ متر در اسلوب ساختمان بـا گلدسته‌های طرفین ایوان آینه مشابه است یعنی ابتداء هشت‌ترکی‌وروی آن مقرنس و بالای آن قسمتی مخروطی گلدانی وروی آن قلمه‌استوانه‌ای‌ودارای مقرنسی در زیر نعلبکی است با این‌تفاوت که روی آنها غرفه‌هائی سه‌مرتبه ساخته شده است و بااینکه ارتفاعشان ازسطح بام باآنها یکسان بنظر میرسد درعین حال‌به اندازه‌هشت متر تفاوت ارتفاع ایوان مسجد نسبت به ایوان آینه و حدود شش متر ارتفـاع دو غرفه اضافی حـدود چهارده متر از گلدسته های آستانـه مرتفع تر می‌باشند که یکی ازآنها جدیداً کاشیکاری گردیده‌دارای کتیبه‌گلوبندی‌سوره کوثرواز حسن منظر بیشتری‌برخوردارشده‌است.

و امتیاز این گلدسته‌ها برآنها درارتفاع وغرفه‌های مطبق و بتن مسلح درون جدارآجری‌ودرمحورراه‌پله‌درونی ودرنقشه‌ورنك کاشیکاری است‌وامتیاز آنها براینها هم‌به دارا بودن دوراه‌پله‌داخلی‌است که امتیاز یکی ازاین‌دودرحسن‌منظربردیگری‌هم پس از تکمیل تزیینات تالارچه های‌هشت ستونی‌ودوازده‌ستونی آنها تشخیص داده

خواهد گشت .

دوگوشوار چهل ستونی طرفین

ودر دو جانب مقصوره ازشرق وغرب دوگوشوار یاشبستان چهل ستونی یکنواخت بصورت چهار ضلعی متساوی به وسعت ۳۰ در ۳۰ وارتفاع ۸ متر باطاقی تخت از تیرآهن وآجر که در پنج ردیف برفراز پانزده ستون قطور استوانه ای وبیست نیم ستون حمل شده است و روی آنرا باقشری ازقیر اندود ساخته سپس باسیمان فرش کرده اند میباشدودرزیر آن بفاصله کمی پوششی تزیینی افزوده اند بدین توضیح که نخست بوسیله تیرآهن هائی عمودبریکدیگر قاب بندی کرده درهرچشمه یك قاب برجسته ساخته اند و درون هر قابی نه قابچه با آهن قلمه اسکلت بندی کرده اند که اندکی برجستگی دارند ومیانه آنهارا شیشه پوش کرده روی قابها و قابچه هارا سیمانکاری نموده اند که بااتصال فیش برق چراغهای پشت شیشه ها روشن میشوند که ازاره آن بارتفاع ۱/۷۰ متر ازسنگ مرمر کرمان وجدار آن باسیمان سفیداندود شده است.

ناگفته نماند که ازشبستان شرقی هفده وازغربی نوزده در بزرك ونیم تنه و کوچك به چهارجانب باز می شود اما غربی چهارده باب در سه جانب و سه درگاه در ضلع شرقیش بتالار خارجی ومقصوره وراه پله اما شبستان شرقی ونه باب ازشمالی وجنوبی به صحن و خیابان موزه وسه باب بکریاس وراهرو وپنج باب بتالار خارجی ومقصوره وراه پله بازاست که درب تالار خارجی برای ایاب وذهاب امام ونیزاتصال صف جماعت باوساطت تالارازشبستانی بدیگری می باشد .

وبالجمله درطرح نقشه ساختمان این مسجد کمال دقت ومآل اندیشی بکار رفته است و در میانه هرشبستانی محرابی است بدهانه ۳ وارتفاع ۷ متر دارای صفه ای پنج ترکی بالبه سنگی تروانتینی وازاره مرمری وبدنه معرق فیروزه ای بنداسلیمی وپوشش رسمی بندی ازکاشی که در سینه هر یك قطعه سنك مرمر شفافی که مانندشیشه نور

می بخشد نصب شده است و بالای آن ترنجی از کاشی معرق و درون آن کلمه توحید (لااله الاالله) خوانده می شود علاوه درسه جانب آن حاشیه ایست کاشیکاری معرق بعرض ۶۰ سانتیمتر متشکل از دو حاشیه که در متن آن سوره مبارکهٔ جمعه و در پایان صدق الله العلی العظیم معرق شده است ودوحاشیه آن بانقشه بنداسلیمی زمینه لاجوردی یا فیروزه‌ای و متضمن گلهای رنگارنگی است.

تالار سراسری جلو شبستانها

و جلو هر یك از دو گوشوارهایا شبستانها تالاری است سراسری هر یك بطول ۳۰ متروعرض ۵ وارتفاع ۱۰ متر که پوشش زیرین باپنج چشمه وشش قابچه بندی شیشه پوش بر فراز شش ستون استوانه‌ای از بتن مسلح و سر ستونهای مقرنس سنگی است که پنج درگاه به جانب شبستان ویکدرچه به راه پله جنب ایوان از هر تالار گشوده است و جلو هر یك درهای زیبائی نصب گردیده لب کلیه درگاه‌ها با سنگهای سی سانتیمتری ابزارزده آراسته است.

وبین در گاهها جرزها ئیست که ازاره آنها سنگ سیاه دوابزار زده وروی آنها بعرض ده سانتیمتر کاشیکاری زمینه فیروزه‌ای منقش به نقوش گل وبوته وبالای آنها بعرض سه سانتیمتر سنگ مشکی وبرفراز آن بعرض سی سانتیمتر سنگ تروانیتن و روی آن دگر باره سه سانتیمتر مرمر مشکی صیقلی وبالای آن آراسته به کاشیکاری معرق بانقشه قاب بندی است که در بدنه هرجرزی شش ترنج ودرون هر ترنجی یکی از اسامی جلاله بخط ثلثی طلائی یاسفیدی معرق شده‌اند.

وبالای درگاه‌ها زیر پوشش هر تالار کتیبه ایست بعرض چهل سانتیمتر بخط سفید ثلثی که روی آن سوره‌های متعددی از قرآن خوانده میشوند.

وسطح ایوان باسنگهای مرمر ماشینی سفیدی درمیانه قابی از سنگ سیاه فرش شده است که از سطح صحن حدود سی سانتیمتر ارتفاع دارد.

صحن

وجلو ابنیه توصیف شده سراسر صحنی مروح و متشکل از سه قسمت قرار دارد که قسمت نخست بعرض ۱۸ و طول ۹۰ متر سراسری است و قسمت دوم بواسطه وجود دو بنا یکی مخزن کتب و دیگری آبدار خانه یا انبار مسجد بیست متر از قسمت اولیه کمتر میشود یعنی ازشرق بغرب ۷۰ متر و از جنوب بشمال ۹۳ متر است وقسمت سوم بصورت شکم دریدگی و به هیئت پنج ترکی است که در دو نبش آن دو گلدسته قرار دارد و طول این قسمت ۵۴ متر و عرضش ۲۰ متر میباشد .

اما گلدسته های یادشده از سطح بام حدود ۵ متر مضلع مربع و سه متر استوانه ای و یکمتر مقرنس و روی آن نعلبکی و دو تالارچهٔ هشت ترکی با هشت ستون ساخته شده است و روی آن تالارچه دومی قدری کوچکتر است و برفراز پوشش آن قبه ای امرودی بنیاد گردیده است که جدارش آجری و در معرض کاشیکاری است.

کتابخانه مسجد اعظم قم

و در وسط قسمت دوم حوض بزرگی است بالبه سنگی و نبشی برجی و در حاشیه آن پاشوئی است و در ضلع غربی این قسمت تالاری باسه درب به سالنی است که مخزن کتاب خانه میباشد که اطراف سه درگاه زیبا با سنگ تروانین آراسته است و بیش از شصت هزار مجلد کتب متنوعه را جای داده است و در عقب آن دو قرائت خانه فوقانی یکی بامبل و صندلی و دیگری قالی فرش جمعاً بطول ۶۰ و عرض ۵ متر ساخته شده است که از هریك چندین درگاه بسوی رودخانه باز و در نتیجه از حداکثر روح وصفا برخوردارند .

علاوه در مجاورت هر تالار ایوان بزرگ دیگری است به ارتفاع ۱۸ و دهانه ۱۰ و طول ۱۵ متر است ولی شرقی ۸ متر با ازاره سنگی دو ابزار دو جدار آجری که بعداً کاشیکاری خواهد شد و دارای کتیبه ای از کاشیهای معرق است که روی آن سور مختلفه قرآنی چون

اعلی و جمعه خوانده می شوند.

ناگفته نماند که در طرفین ایوانهای شرقی و غربی دو تالار که جمعاً چهار تالار می شوند واقع است و همگی مشابهند و پوشش همگی تخت وقاب سازی شیشه پوش و دارای دوستون استوانه ای از بتن مسلح با سر ستون سنگی مقرنس که تالار غربی در جنوبی ایوان جلو کتابخانه و تالار شرقی مقابلش دارای سه در گاه و جلو آبدارخانه مسجد قرار دارد و این آبدارخانه به مقبره مادر شاه متصل است که مدخل آن از گنبد محمد شاه در صحن عتیق میباشد.

واما سالن غربی مخزن متجاوز از پنجاه هزار کتب متنوعه خطی و چاپی است که درون اشکافهای متوالی و پی در پی و مطبق تا زیر طاق نگاهداری میشوند و در کمرگاه آن بالکنی فلزی زده اند که مدخل آن از فوقانی گشوده میشود و این فوقانی هم دارای یك مخزن کوچك است که محتوی هزارها کتب مورد نیاز روزمره اهل علم است و در بین دو قرائتخانه فوقانی در ساحل رودخانه و روی راه رو وضو خانه بنیاد گردیده است به اضافه یك مخزن بزرگ دارد و در قسمت بالای همین مخزن اصلی است که در بی جداگانه به کلیدر فوقانی دارد و کتب دیگری که کمتر مورد احتیاج خوانندگان میشود در این قسمت ضبط شده در اختیار کتابداران قرار دارند.

ولی قسمت پائین سالن مخزن کتب خطی و کتابهائیست که کمتر ممکن است مورد احتیاج اشخاص واقع شوند و نیز محل جلوس مدیر کتابخانه ثقة الاسلام آقای آقا شیخ ابو القاسم دانش آشتیانی و چند عضو دفتری مسئول ثبت اسامی کتب میباشد و از دو سالن قرائتخانه چهارده درگاه نیم تنه بسوی رودخانه با چشم اندازی جالب باز است و راه پله قرائت خانه در میانه دالان سرپوشیده کنار مسجد و لب ساحل رودخانه واقع است

اما توالت مسجد در سرپوشیده ای مجهز به دستگاه تهویه است که مشتمل بر دو قسمت مستقل مردانه و زنانه و بهداشتی است.

وجلو آن عمارتی است فلکه‌ای بقطر ده متر که اطراف آن سر پوشیده‌ای بر فراز ستونهای لوله آهنی به ارتفاع ۴ وعرض ۳ متر است ودروسط آن حوضی آب نماساخته شده که همواره آب از اطراف آن درجدول و پاشویه سرازیر است و روی آن کلاهکی مضلع دارای دریچه‌های زیبا می باشد که بنام و ضوخانه خوانده میشودو زیاده زیبا و وابتکاری است ونظیر آن وضوخانه دیگری است ویژه نسوان که ذکر جزئیات آنها بطول می انجامد .

وبالای جدار اطراف صحن زیرهره سنگی لب بام کتیبه ایست کمربندی به خط ثلثی سفید از کاشی معرق که روی آن سوره هـای متعددی از قرآن مجید خوانده می شود .

گنبد شمالی یا کارگاه فنی

ودر ضلع شمالی شکم دریدگی صحن گنبدی دیگری است که از لحاظ حسن معماری ممتاز است واینك بدون تزیینات بصورت کارگاه فنـی کاشی تـراشان در آمده است ودارای گنبـدی شلجمی است که پس از کاشیکاری و کسب حسن منظر بیشتری بـاید مورد توصیف قرار گیرد.

راهرو غربی و مرافق آن

امامدخل کتابخانه درساحل رودخانه واقع ودارای جلوخانی است که دریك طرف آن هفت باب مغازه باغرفه‌های فوقانی است که جدید ساز وموقوفه مسجد است ودومین درب مسجد میباشد از این درب ورودی به محوطه‌ای رو باز وارد میشوند که چاه عمیق درجانب غربی آن واقع است و بر فراز آن بالکنی زده شده است و بر فراز چاه سنگابی است یکپارچه از مرمر بشکل گلدان بقطر بیش از یکمتر بالبه برجی کنگره دار طره‌ای اهدائی قارونی واقف منبر مرمری سابق الذکر که بر فراز آن روپوشی از شیشه قرار داده آنرا از دستمالی ولمس عابرین مصون داشته‌اند ودر اطراف آن حوضی ساخته شده است که آب چاه مستقیماً وارد سنگاب

گردیده از اطراف آن به این حوضچه سرازیر می گردد و از آنجا بسوی حوض بزرك وسط صحن و حوضهای وضو خانه وغیره جاری میشود .

ودر مقابل درب ورودی دو اطاق در طرفین راهرو بی ساخته شده است که این اطاقها بنام دفتر مسجد اعظم و جایگاه مدیر دفتر که مسئول اداره امور داخلی مسجد است می باشد .

ودر جنب آن پس از عبور از سه پله براهرو عریضی درمیآیند که پنج درگاه از شبستان ویك درب از صحن مسجد در این قسمت گشوده میشوند ودالان سرپوشیده زیر قرائتخانه که تا وضوخانه امتداد دارد مقابل آن واقع است واین دالان با پوشش تخت بر فراز ستونهای مضلع آجری حمل شده است و جلو آن از طرف رودخانه بالکنی است ودر مقابل آن در سطح مرتفعی از مسیر رودخانه اشجاری غرس گردیده استکه درگاههای قرائتخانه بسوی این محوطه مصفا گشوده می گردد .

ایوان سردرب غربی

وجلو درب ورودی مسجد و کتابخانه از جلوخان یادشده ایوانی است بصورت پنج ضلعی بدهانه ۵٫۵۰ و عرض ۲ وارتفاع ۱۴ متر باازاره‌ای از سنگ سیاه ابزارزده و جرز و اسپر کاشیکاری معرق بنقشه قاب بندی و پوشش رسمی سازی آراسته بکاشیهای معرق و لچکهیا وجبهه‌مزین بهمان نوع کاشی دارای دو کتیبه یکی بخط نستعلیق سفید در ترنجی کشیده از کاشی معرق است .

که کتیبه نخست در کمرگاه ایوان بصورت کمربندی است که‌روی آن ابیات ذیل تعریق گردیده است .

آیت‌الله بروجردی سلیل مصطفی	کرد باتأیید یزدان مسجدی در قم بنا
مسجدی از پایه‌تقوی اساس آن قویم	مسجدی باذن حق کوسر کشیده برسما
مسجدی کامد برای بندگی نعم‌المکان	مسجدی گردید بهر نشر دین نعم البنا
ساخت چون این مسجد اعظم باخلاص تمام	مرکز علم وعمل گردید در صبح و مسا
گر ندیدی حضرت اورا ببین مسجد برش .	تابدانی پایه همت کجا بوده کجا

پرچم توحید را تنهانه درقم برفراشت | بلکه اندر مشرق و مغرب بپا کرد این لوا
گرچه درظاهر زدنیا رفته اما در جهان | تاقیامت بابزرگی نام او ماند بجا
صدهزاران رحمت حق بادبر آن روح پاك | کاینچنین عمری بپایان برد درراه خدا

علاوه درسینه اسپر بر فراز درب ورودی مسجد درون ترنجی بیضی بخط نستعلیق درشتی آیه شریفه (ادخلوها بسلام آمنین) خوانده میشود و کتیبه دوم در جبهه ایوان ورودی آن عبارات ذیل معرق شده است .

در زمان تولیت حضرت حجة الاسلام آیت الله زاده بروجردی آقای حاج سیدمحمدحسن طباطبائی صورت اتمام پذیرفت ۱۳۸۵ قمری .

و بین دو درب ورودی درخارج سراسر حریم مثلثی است یا جدار کوتاهی ازسنك و نرده آهنی درشمالی خیابان موزه که از هر شبستان چهار درب نیم تنه در این محوطه گشوده میشود و بجای درگاه وسط درهر شبستان محراب واقع است که از خارج درطرفین آن دو صفه و در وسط جرزی است که سنك مرمر شفاف محراب در بدنه آن نمودار است .

و درجبهه درگاه های مزبور ازخارج دو کتیبه بخط ثلثی سفید معرق شده است و کتیبه زیرین بالای هردرگاه جدای ازیکدیگر قرار دارند که روی آنها احادیثی درفضیلت مسجد نوشته شده است بدین نمونه :

(عن ابیعبدالله علیه السلام اذادخلت المسجد فقل بسم الله والسلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ـ ان الله وملائکته یصلون علی محمد و آل محمد علیهم السلام ورحمته و برکاته ، رب اغفرذنوبی وافتح لی ابواب فضلك واذا خرجت فقل مثل ذلك وروی بقیه نیز حدیثی است که نقل آنها بطول می انجامد .

اما کتیبه فرازین که زیرهره لب بام درارتفاع ده متری قرار دارد سراسری و مشتمل برسوره های چندی ازقبیل سوره مبارکه حشر (سبح لله ما فی السموات و مافی الارض) وسوره دیگری چون جمعه ودهر و نبأ خوانده میشوند .

تالار یا رواق خارجی مسجد

ودر جهت جنوبی مقصوره ومیانه دوشبستان از خارج تالاری است مفخم به دهانه ۲۴ متر وارتفاع ۱۶ متر وعرض ۱۱ متر باجداری از آجر تراش که درقسمت بالای سه بدنه آن دندانه‌های آجری دیده میشود ولی پس از کاشیکاری از حسن منظر خاصی برخوردار خواهد گشت وطاق آن تخت وخفته رسته تیر آهن پوش است که از جلو بر فراز ده ستون بتن مسلح باسرستون های سنگی مقرنس حمل شده است و دو ستون وسطی از بقیه بلندتر ند وهشت ستون جانبین قدری کوتاه میباشند و باندازه دو متر از نیش بنای شبستانهای طرفین پیش آمده است، که در محاذات جرز قرار دارند در نتیجه از دوسوی راه پله ایست که با بالا رفتن از آنها زیر تالارچه ای وارد میشوند که باندازه قطر پایه های مقصوره (حدود دو متر ونیم) میشود وسپس بمحوطه تالارچه اصلی در میآیند که هر یك از این دو تالارچه دارای دوستون زوجی است و اندکی ازستونهای تالار کوتاهترند.

از جانبین محوطه این تالار دربی بشبستانهای گوشوار باز میشود که هنگام تشکیل صفوف جماعت وپرشدن سطح محوطه شبستانها امام از این راهرو می تواند وارد مسجد شود علاوه صفوف جماعت بداخل تالار کشیده شده موجب اتصال صفوف مأمومین در دوشبستان میگردد.

ودر کمربند این تالار کتیبه ایست از کاشی معرق که روی آن سوره قیامت (لااقسم بیوم القیمة) نوشته شده است.

علاوه در جبهه آن کتیبه دیگری است که در یکطرف آن بر فراز تالارچه ها کلمه توحید (لااله الاالله) ودر جانب دیگر (محمد رسول الله وعلی ولی الله) خوانده می شوند.

گویند در قسمت تحتانی تالار سردابی است برای نصب دستگاه سوفاژ.

در پایان بخاطر اداء حق آن بزرگوار می افزاید که آیت‌الله بروجردی در ده سالهٔ عمر خود یگانه پرچمدار فرقه امامی وبزرگترین مرجع روحانی ومفتی طایفه

جعفری شمرده شده است و ولادتش بسال ۱۲۹۲ در بروجرد اتفاق افتاد و مقدمات را در مولد خویش و سطوح را در اصفهان و علوم نظری را در نجف اشرف فرا گرفت و در سال ۱۳۳۱ به بروجرد بازگشت و پس از رحلت والد ماجد خود مرحوم آقا سید علی در آنشهر بر پیشوایان دیگر تقدم یافت تا بمرور در صفحه غرب مرجعیتی کسب کرده در ذی حجه ۱۳۶۴ قمری بمنظور عمل فتق به شهر ری و بیمارستان فیروز آبادی سفر کرد که شاهنشاه آریامهر از ایشان در آن بیمارستان عیادت کردند.

در این موقع مراجع قم از ایشان بوسیله تلگرافی بقم دعوت کردند در نتیجه در چهاردهم محرم سال ۱۳۶۵ بقم منتقل شده که و با استقبال شایانی مواجه گردیدند و طولی نکشید که بر دیگران مقدم گردید در این موقع زعیم شیعه آیت الله آقای آقا سید ابو الحسن موسوی اصفهانی در نجف رحلت یافت و از این وقت بواسطه جامعیت شرایط زمام داری چون عقل و درایت و کاردانی، سعه نظر و بسط ید و بلندی همت در رأس حوزه علمیه قرار گرفته مرجعیت نامه یافت و بمرور با در گذشت آیت الله قمی در عراق و رحلت مراجع آنروز قم یگانه مرجع شیعه گردیدند و در بسیاری از پایتخت های ممالك بزرگ جهان و شهرهای بزرگ آمریکا و انگلستان و آلمان و مصر و سودان و اندونزی و پاکستان و افغان مبلغین واجد صلاحیتی اعزام داشته هزینه آنانرا هم میپرداخت و بمباشرت آنان مساجد چندی بنیان نهاد علاوه مدرسه مجللی هم در نجف اشرف و حسینیه ای در سامرا و مدارسی هم در کرمانشاه و بروجرد و غیر اینها بنیاد نمود.

و از جمله در قم همین مسجد را بنا کرده کتابخانه اش را تاسیس فرمود و نیز مدرسه مهدی قلی خان را از اساس خراب کرده در سه طبقه تجدید بنا نمود و از آثار علمی ایشان جز تنقیح الوسائل کتابی انتشار نیافته است.

و رحلت معظم له به سال ۱۳۸۱ قمری اتفاق افتاده است (رحمة الله علیه).

فصل نهم

در توصیف از مسجد و مدرسه حجتیه

مدرسه حجتیه متشکل از هشت پارك متمایز با دویست و پنجاه حجره و غرفه وظرفیت پانصدتن محصل و بزرگترین مدارس قم است که از سال ۱۳۶۶ قمری بنای آن از ناحیه آیت‌الله مرحوم آقاسیدمحمد حجت کوه کمری تبریزی (یکی از مراجع قم) آغاز گشت و تا پایان عمر بانی ادامه داشت.

تغییر سبك ساختمان مدرسه با نقشه مدرن جامع و بدیع با رعایت اصول بهداشتی پس از ده قرنی که در بنیان مدارس بتبعیت از خواجه نظام الملك همان استیل حجره سازی‌های تاریك و مرطوب معمول بود برای نخستین بار بوضع این مدرسه که حاکی از ذوق سرشار و قریحه بیدار و ابتکار آیة‌الله حجت است تبدیل یافت یعنی بطور کلی سیمای مدارس را دگرگون گردانیده آن حجرات تنگ و تاریك یا حفره‌های مرطوب را به اطاقهای روشن وخشك خوش منظری تبدیل ساخت.

معظم له ابتداء پارك نایب السلطنه یعنی کاخی راکه شاهزاده کامران میرزا نایب السلطنه برای سکونت خویش در قم ساخته بود خریداری فرمودو سپس درجانب جنوبی آن زمین‌هائی تا خیابان بیمارستان ابتیاع نمودو در دنباله آنهم قسمتی از اراضی باغ موقوفه آستانه رااجاره کردو در این مجموعه بنای این مدرسه را

باهشت پارك واقعی وجدیدی که پارك قدیم را در برابر شکوه و عظمت و وسعت خود نامرئی گردانید طرح ریخت .

که هر پارکی محوطه ای بطول ۴۰ وعرض ۲۰ متر را زیر گرفته و هر یك متضمن سی و شش حجره و غرفه در طرفین دو کلیدر سراسری از تحتانی و فوقانی باچهار تالار جلو آنها «درهر طبقه دو تالار» برفراز ستونهای مضلع سنگیست و فاصله هر پارك ازدیگری به اندازه چهار متر می باشد که راهروی روباز است .

و برفراز اکثر حجرات وغرفات زیر تالار ها قسمتی آراسته به کاشیکاری معقلی متضمن کتیبه ای حاکی ازنام رجل نیکوکاری که بانی همان حجره یا حجراتست میباشد.

و در میانه پارکهای پنجگانه و مسجد شرقی آنها صحن وسیعی است بوسعت ۶۰ در ۴۰ متر دارای باغچه های گلکاری وحوض بزرگ که مدخل رسمی آن ازخیابان بیمارستان در جنوبی مدرسه است منتها ازصحن جلو پارك نایب السلطنه در شمالی آنهم دری بخارج و کوچه فرعی گشوده میشود و ازمحوطه غربی آنهم دری بخیابان بلوار باز می باشد و بین دو صحن جنوبی و شمالی در بین پارکهای شمالی محوطهٔ روبازی است که چهارده متر دهانه آن میشود و دارای چند پله سراسری می باشد و در جانب شرقی صحن بزرگ مدرسه، صحن کوچکی است که پارك مستقلی نیز در دو طبقه دارا میباشد و مسجد آتی الذکر درجنوبی آن واقع است .

مسجد

اما مسجد حجتیه دارای محوطه ای مسقف ویك صحن در جنوب ویك تالار در غربی است و این مسجد بوسعت ۲۵ در ۲۵ و ارتفاع ۶ متر دارای سقفی زیبا و تخت با نقشه خفته رسته و تیر آهن پوش مزین به کاشیکاری معقلی است که برفراز هشت ستون لوله آهنی حمل شده است و محراب آن مزین به کاشیکاری معرقست که ازطرفین آن دو درگاه بزرك بجانب صحن گشوده میشود و جلو آن تالاری سرتاسری است که برفراز دو ستون آهنی حمل شده است ودرصحن آن چاه عمیقی واقع است.

و تالار غربی آن مشابه به تالار جنوبیست که دربی از مقبره آیت الله حجت در زیر آن

گشوده میشود . و این مقبره دارای مرقدی مرمری و زیبا و جداری گچبری میباشد

و کتابخانه مدرسه هم در قرینه مقبره واقعست که دربی از آن نیز در زیر همین تالار

باز می گردد و محتوی کتب درسی مورد نیاز آقایان طلاب می باشد.

بالجمله این مدرسه جمعاً دارای پنج صحن است و در کنار صحن غربی آن وضوخانه

و توالت قرار دارد .

فصل دهم

در توصیف بقعه شاهزاد عبدالله کهک

درخارج و جنوبی قصبه کهك و سر قبرستان در کنار جاده بیدهند بقعه ایست کـه اهل محل بر دفن چهارتن در این بقعه به اسامی عبدالله و یعقوب و ناصر و محمد معتقدند ولی تسمیه به این اسامی تازگی دارند .

چه در تاریخ فیض زیر سر فصل سفیدی که نام ندارد چنین آورده است .

.... در قبرستان کهك در اعلای آنقریه واقع است . آن مکان تپه خاکی بود ویکی از اهل آنقریه گفت خوابی دیده ام که این مکان محل دفن چند نفر امامزاده است چون آن مکان راکاوش نموده خاك اورا بر کناری ریختند سه قبر ساخته پدیدار شـد مردمان بامکنت آنقریه آن مکان را در سال یکهزار و دویست و هشتاد و پنج قبه و بقعه ای بساختند (پایان)

از مفاد عبارات بالا چنین مستفاد میگردد که حین نگارش تاریخ مزبور (۱۳۰۸ قمری) هنوز نامی برای آنان وضع نشده بوده است زیرا در سر فصل هم نامی ذکر نکرده جای آنرا خالی گذاشته است

بالجمله پیدایش این بقعه متکی به ادعای یك رؤیا بوده است

بقعه

بهرصورت بقعه مزبور ساختمانی است از سنگ و گچ که از خارج و داخل بصورت مربع متساوی بدهانه ۵ و ارتفاع ۶٫۵۰ متر است و در هر ضلعی شاه نشینی کم عرض از قطر پایه ها بیرون آورده اند کـه

از هریك (بجز شاه‌نشین جنوبی) دری بخارج گشوده میشود و در چهار گوشه بقعه نیم طاقی بالا آورده اند و با زدن چند رسمی بند صورت مربع را به فلکه‌ای تبدیل ساخته پا طاق پوشش عرقچینی آنرا بالا برده‌اند.

وگنبد آن از خارج عرقچینی است که از سنگ پوشانده شده است ولی روی آنرا کاه‌گل‌مالی کرده‌اند.

ودر جهت شرقی بقعه ایوانی است بدهانه ۴ و طول ۵ و ارتفاع ۶ متر که با جدار سفید کاری و طاق دو قوسی ساخته شده است.

فصل یازدهم

در توصیف گنبد شاهزاده عباس

هفت امامزاده

درخارج دهکده ورجان

بقعه شاهزاده عباس درخارج مزرعه‌نیوند در کنار دهکده‌ورجان وچهارفرسنگی شهر واقع است ودراین بقعه‌هفت‌امامزاده به‌اسامی‌شاهزاده عباس و شاهزاده‌ابراهیم وشاهزاده صالح وشاهزاده فیروز و شاهزاده حسن وشاهزاده جعفر و شاهزاده ابوالقاسم اسمعیل از احفاد امام کاظم مدفونند .

وادعای اینکه سه تن‌از ایشان ازنیاکان سلاطین صفویه به اسامی فیروزشاه زرین کلاه وسیدرشیدالدین صالح وسیدتاج‌الدین حسن بوده‌اند خیلی مستبعدبنظر میرسد زیرا امکان نداشت که پادشاهان مزبور مدفن نیاکان خود را در مکانی نیابندویابدانند وآنرا نیارایند .

اما‌استبعادی ندارد که‌حسن‌وجعفرواسمعیل‌فرزندان‌محمدبن‌احمدبن‌هارون‌بن امام‌کاظم بوده‌باشندهمان‌شاهزاده‌هارونی که گنبدش‌درقریه‌طریزناهیدساوه‌واقع‌است وضمن‌آثارتاریخی‌ساوه‌قبلاتوصیف شده است .

بقعه

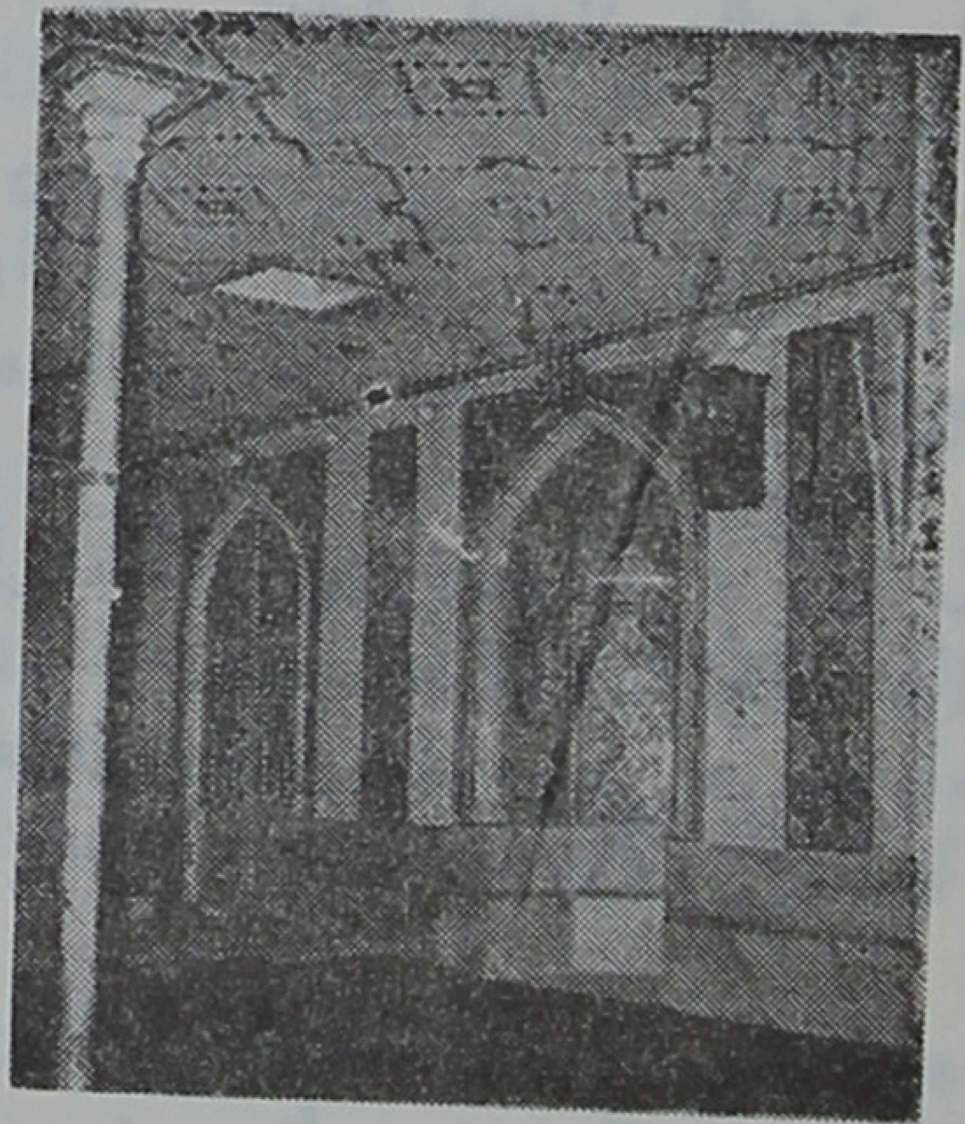
بهرصورت‌این‌بقعه‌باچهارایوان‌از آثار باستانی‌وتهی‌ازتزیینات هنری است که قاعده گنبدش‌ازخارج چهارضلعی‌وازداخل نیز مربع متساوی به‌دهانه ۵ وارتفاع ۷ متردارای‌چهارشاه‌نشین هریك به دهانه ۲

متر و عرض ۴۰ سانتیمتر میباشد که از هر شاه‌نشنی دری به‌ایوان گشوده میشود و ایوانهای چهارگانه آن مشابه‌و باجدار سفید کاری هستند ودرزوایای اربعه آن در خارج ایوان یاحجره‌ای ساخته‌شده‌است .

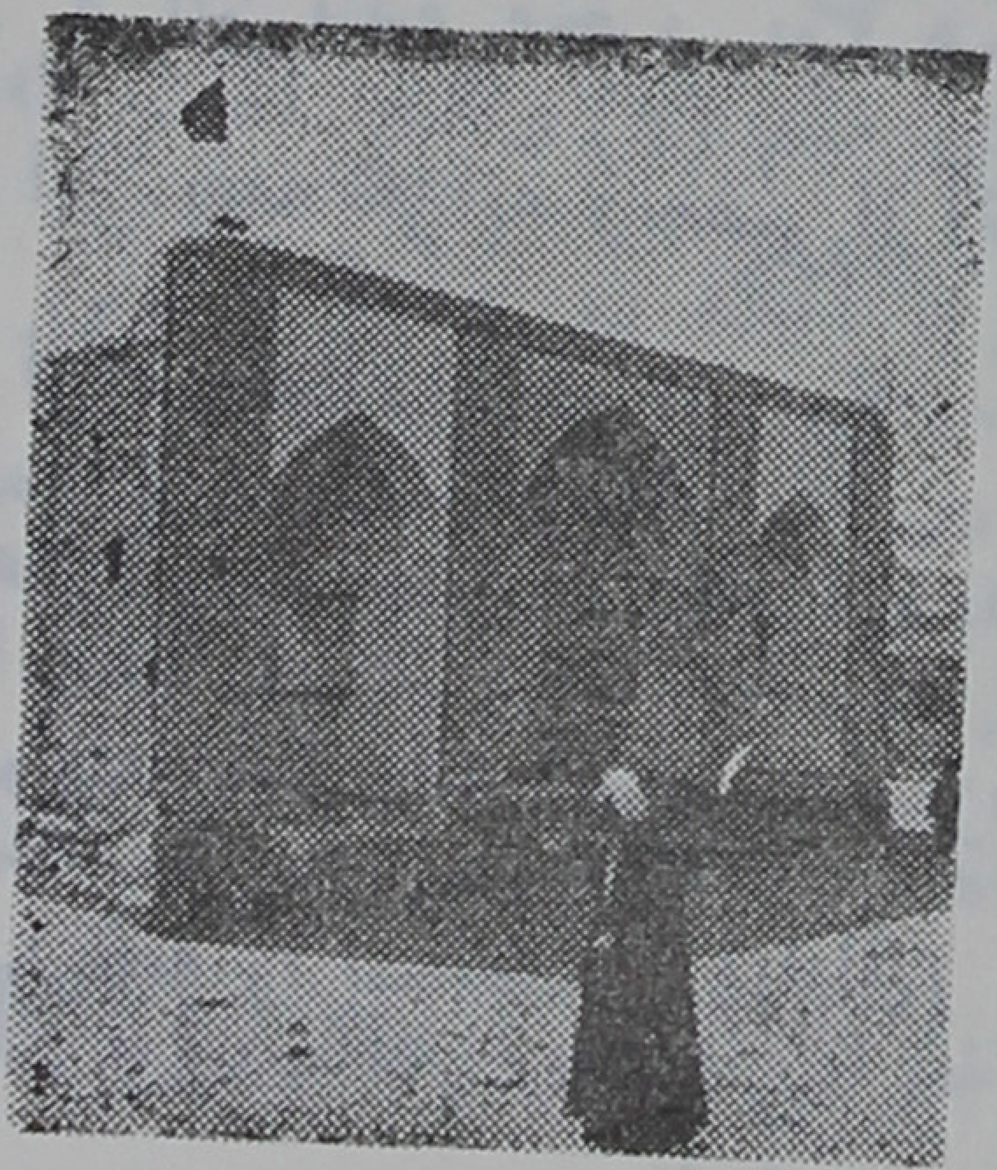
ودر چهارزاویه بقعه نیم‌طاقی بالا آورده صورت مربع رابفلکه‌ای مبدل ساخته‌اند وپاطاق پوشش عرقچینی آنرا بالا برده‌اند .

و پوشش آن عرقچینی وسفیدکاری است وگنبد آن که باآجر پوشانده شده ازخارج کاه‌گل مالی شده‌است.

ودر میانه بقعه مرقدی است بارتفاع ۱/۲۰ متر با جدار کاشیکاری ازخشتی فیروزه‌فام تعمیری که‌فاقد کتیبه‌میباشدو جلو آن ضریحی مشبك از چوب نصب‌شده‌است.



تصویری ازسرداب مسجدامام
مربوط بصفحه ۶۸۰



تصویری از بقعه شاهزاده
عباس ورجان

فصل دوازدهم

در توصیف گنبد شاهزاده فاضل

بقعه شاهزاده فاضل از آثار سال ۱۲۶۰ قمری و بر فراز کوه کوچکی مخروطی شکل در خارج دهکده بیدهند واقع است.

در تاریخ فیض دربارهٔ اکتشاف و احداث این بقعه چنین مسطور است که:

امامزاده شاهزاده فاضل

در بالای کوهی که مشرف به قریه بیدهند است بنای مضجع او شده چون قریه بیدهند تیول بقعه خاقان فتحعلی شاه بود بدینجهت آن قریه در دست والد محرر و این بنده محرر بود هم در آن قریه این بنده بسیار عبور مینمود ومکان این بقعه خرابه وبعضی از آثار آن برقرار بود درسنه یکهزارودویست وشصت اهالی قریه بخیال اینکه این مکان مضجع امامزاده باشد آن جایگاه را بکاویدند تا باشد علائمی از مضجع امامزاده بدست آید پس از آنکه چهارپنج ذرع آن مکان را حفر نمودند چند دانه شمع پیه سبزرنگ درمیان خاك پدیدارشد سپس مردم بامکنت قریه این بقعه را بساختند. (پایان)

بهرصورت این بقعه مصفاوخوش منظر برفراز کوهی ومتشکل از یك بقعه وچهارایوان وچهارحجره در زوایا و چهارغرفه بالای حجرات ودرمحوطه‌ای ۱۵ در ۱۵ متر واقع است وقاعده گنبدش از خارج و داخل چهارضلعی متساوی به دهانه ۵ و ارتفاع ۷ متر با جدار سفیدکاری تهی از تزیینات هنری است و درمیانه بقعه ضریحی ومرقدی است که برتوصیف بیشتر آن حاصلی مترتب نمی‌باشد وتسمیه‌اش بنام فاضل بدانجهت است که نام ونسبش بکلی مجهول و متکی به توهم بوده است.

فصل سیزدهم

در توصیف گنبد شاهزاده اسحق

در دهکده میم

گنبد شاهزاده اسحق درمیانه باغهای آب بالای میم از قراء قهستان قم درپنج فرسنگی شهرواقع است که نیز پیدایش آن متکی به رؤیای یکی از اهالی محلی بوده است چنانکه درتاریخ فیض دراین باره چنین آورده است .

امامزاده شاهزاده اسحق

مضجع او در زمین‌های قنات آب بالای میم (۱) واقع است که این بنده محرر مکان آنرا پیش از آبادی دیده بود و با آنکه در وسط زمینی قرار داشت که اطراف آنرا کشت وزرع میکردند در آن مکان کشت وزرع نمی‌شد تا درسال یکهزارودویست و هشتاد مرد متدینی ازاهل آنقریه بنام شیخ کاظم اظهار داشت که این مکان محل دفن امامزاده است ولی اهالی به گفته وی وقعی نمیگذاشتند وبا او همراهی نمیکردند تااینکه روزی گفت من خوابی دیده ودرعالم رؤیا مأمور حفراین مکان شده‌ام پس چندنفررا باخود همدست کرد وآن زمین رابکاویدند چون مقدار سه ذرع حفرنمودند درزیرنیش کلنگ یکی ازکارگران منفذی نمودارگشت و جسد میتی پدیدارگردید که سر کلنگ بصورتش اصابت کرده بود بطوریکه صورت آنرا مجروح ساخته بودوسایراعضای جسدوی بهیچوجه عیبی نکرده حتی کفن او هم

۱ـ میم بکسرمیم وفتح یاء وسکون میم آخر بروزن (عنب) است دراین قریه قلعه‌ای بود باستانی بادرب سنگی ویکپارچه باحصارچینه کشیده‌ای که گل آنرا باچوب نی عجین ساخته بودند . و اکنون به یخچال تبدیل شده است در حالیکه حفظ آن ضرورت داشت

بحال خود باقی بود و از عجایب اتفاقات در همان موضع از صورت کلنگ‌دار جراحتی تولید گشت که آنرا سوراخ کرد و در مدت ده‌سالی که زنده بود آن سوراخ ملتئم نشده متصل دوا و درمان میکرد.

در این وقت مردم بر فراز مضجعش بقعه‌ای بنا کردند و اعتضادالدوله حمکران قم هم ده تومان برای ساختن آن کمک کرد (پایان).

حال رمز تسمیه وی بنام شاهزاده اسحق و علت انتساب او به امـام کاظم بر نگارنده مجهول است و مؤلف تاریخ مزبور هم با نقل مراتب فوق کتاب خود را خاتمه بخشیده است شاید اراده داشته‌است که بعداً مطالبی بر آنچه که نگاشته است بیفزاید منتها عمرش برای انجام این کار وفا نکرده است.

واگر مسلم شود که این بقعه مدفن اسحق است میتوان ادعا کرد که وی برادر محمد فقیه و فرزند موسی‌بن اسحق عسکری باشد.

بقعه

بهر صورت بقعه شاهزاده اسحق خشت و گلی و بشکل مربع و از داخل به دهانه ۴ در ۴ و ارتفاع ۶ متر با چند درب خروجی و جدار سفید کاری و تهی از تزیینات هنری و فاقد مزایای فنی است.

و در وسط بقعه ضریحی مشبك از چوب و در دل آن مرقدی است کاشیکاری فیروزه‌ای جدید و تعمیری که بدون کتیبه است.

و بر فراز بقعه گنبدی است عرقچینی که روی آن کاه‌گل مالی شده‌است.

ودر برابر هر درگاه ایوانی با جدار سفید کاری و ساده ساخته شده است.

و در محوطه جلو بقعه یا گورستان آن حوضی است و در کنار آن درخت چنار کهنسال و تنومندی است که همزمان بنیان بقعه غرس شده‌است چه که قطر آن از سه متر افزون می‌باشد.

پایان کتاب

فهرست

تصاویر گنجینه آثار قم

قم و مشاهد

فهرست کلیشه‌های کتاب قم و مشاهد

(گنجینه آثار قم)

شماره صفحه	شرح تصاویر	محل وقوع
۲۵	تصویری از گنبد شاهزاده یحیی و فضل الرضا	محلات
۳۱	« حسینیه آقاخان	«
«	« از قبه و بارگاه شاهزاده موسی	«
۶۷	« از نقاشیهای پوشش بقعه سلطانعلی	اردهال
۷۲	« از منظره عمومی مشهد «	«
۷۳	« از ایوان و گلدسته‌ها «	«
۷۵	« از صفه صفا	«
۷۶	« از قسمت داخلی صفه	«
۸۰	« دیگری از صفه صفا «	«
۸۲	« از ایوان جلو صحن «	«
۸۴	« دیگری از « «	«
۸۵	« از منظره عمومی مشهد «	«
۸۹	« از جلوخان « «	«
۹۴	« از گنبد امامزاده عبدالله «	«
۱۰۷	« از کتیبه سردرب صحن « «	«
۱۱٤	« از گنبد مسجد جامع و ایوان	«

شماره صفحه	شرح تصاویر	محل وقوع
۳۵۹	تصویری از مقبره نکوئی	قم
۳۶۵	« از قبه و بارگاه شاهزاده ابراهیم	«
۳۶۸	« « « « قبل از تعمیر	«
۳۶۹	« از گچبری بقعه «	«
۳۷۰	« « « «	«
«	« « « «	«
۳۷۱	« « « «	«
۳۷۴	« از منظره عمومی بقعه احمد بن قاسم	«
۳۷۶	« از کتیبه داخلی « «	«
۳۷۸	« « « « «	«
۳۸۰	« ایوانچه « « «	«
۳۹۴	« از کتیبه گچبری بقعه سید سربخش	«
۳۹۷	« از کاشیکاری روی مرقد «	«
۳۹۸	« ازمقرنس ایوان « «	«
۴۰۲	« از گچبری داخلی « «	«
۴۰۴	« از گنبدهای باغ گنبد سبز	«
۴۰۶	تصویری از نمای خارجی گنبد سعد سعید	«
۴۰۸	« « سه گنبد باغ گنبد سبز	«
۴۱۲	« « گنبد خواجه عمادالدین محمود	«
۴۱۴	« « « « « «	«
۴۲۲	« « از گچبری داخلی بقعه خواجه اصیل الدین	«
۴۳۲	« « گنبد خدیجه خاتون	قریه خدیجه خاتون قم

صفحه	شرح تصاویر	محل وقوع
۴۸۵	تصویری از سردرب ورودی مسجد جامع	قم
۴۸۶	« از مدرسه جانی خان «	«
۴۸۷	« از سردرب مدرسه «	«
۴۸۸	« پوشش سردرب «	«
۴۹۲	« گنبد ابوالعباس احمد	«
۴۹۷	از گنبد شاهزاده طیب و طاهر	«
«	« « «	«
۴۹۹	« « «	«
۵۰۰	« از ایوان بقعه «	«
۵۰۲	« « «	«
۵۰۶	« از بقعه خدیجه خاتون	«
۵۰۷	« از لوح کاشی روی قبر خدیجه خاتون	«
۵۰۸	« « سنگی « «	«
۵۰۹	« از بقعه خدیجه خاتون	«
۵۱۱	« از لوح کاشی «	«
۵۱۲	« از بقعه خدیجه خاتون	«
۲۵۴	تصویری از گنبد شاهزاده ابراهیم ـ صرم	«
«	« « «	«
۵۲۶	« گنبد شاهزاده زید	«
۵۲۹	« پوشش بقعه «	«
۵۳۰	« کاشی روی مرقد «	«
۵۳۱	« گچبری ایوان « «	«

فهرست اعلام

حرف ب

حرف پ

حرف ت

حرف ج

حرف چ

حرف ح

حرف خ

حرف د

حرف ر

حرف ز

حرف س

حرف‌ش

حرف ص

حرف ض

حرف ط

حرف ظ

حرف ع

حرف غ

حرف ف

حرف ق

حرف ك

حرف گ

حرف ل

حرف م

حرف ن

حرف و

حرف ه

حرف ی

فهرست مشاهد متبرکه

بقعه	محل	تعداد مدفونان	صفحه
امامزاده یحیی وسیدابوالرضا	ساوه	۲	۱۴۵
سیدعلی الرضا	«	۱	۱۴۶
شاهزاده هارون	طریز ناهیدساوه	۱	۱۴۷
شاهزاده اسمعیل	یل آباد ساوه	۱	۱۵۱
بی بی شرف	قردین ساوه	۱	۱۵۰
شاهزاده محمد	الوسجرد «	۱	۱۵۲
شاهزاده ابومحمدافطسی	تفرش	۲	۱۶۱
شاهزاده احمد	کوهین «	۱	۱۷۰
شاهزاده ابویعلی مهدی	تفرش	۱	۱۷۷
شاهزاده قاسم	کهك «	۱	۱۸۳
بی بی	تفرش	۱	۱۸۷
شاهزاده محمد	شاهسواران اراك	۱	۱۹۰
« یوسف(آسف)	« «	۱	۱۹۲
شاهزاده حسین	ابراهیم آباد «	۱	۱۹۳
سلطان سیدمحمد	میقان «	۱	۱۹۴
صالح بن مالك	کیاب خلجستان	۱	۱۹۹
شاهزاده هادی	جمزقان «	۱	۲۰۱
شاهزاده عاقب	بنابر «	۱	۲۰۵
شاهزاده جعفر	گیو «	۱	۲۰۶
شاهزاده عباس	جنداب «	۲	۲۱۰
شاهزاده جعفر	راهجرد «	۱	۲۱۱

بقعه	محل	تعداد مدفونان	صفحه
سلطان محمد شریف	قم	۱	۴۳۶
شاهزاده حمزه	«	۱	۴۴۱
شاهزاده احمد بن اسحق	«	۱	۴۵۴
شاهزاده حسین	«	۱	۴۵۹
شاهزاده ابو العباس احمد	«	۱	۴۸۹
شاهزاده طیب و طاهر	«	۲	۴۹۶
خدیجه خاتون	«	۷	۵۰۵
سکینه خاتون	زالون آباد قم	۱	۵۱۴
حلیمه خاتون	لنجرود «	۲	۵۱۸
شاه جمال	قم	۱	۵۲۰
شاه جمال لنگرود	«	۱	۵۲۳
شاه جمال	«	۱	۵۲۴
شاهزاده زید	«	۱	۵۲۷
محمد بن موسی المبرقع	«	۲	۵۳۶
چهل اختران	«	۴۰	۵۶۱
مغیب حارث	«	۱	۵۶۷
شاهزاده زید	«	۱	۵۷۵
سلطان محمود	صرم	۳	۵۸۵
شاهزاده سلیمان	«	۱	۵۸۹
چهار امامزاده	قم	٤	۵۹۱
شاهزاده هادی	وشنوه	۵	۵۹۵

ابنیه و آثار تاریخی چندی هم چون مساجد و مدارس نیز توصیف شده اند

تصحیح

بجهاتی که براهل‌فن‌پوشیده نخواهدماند که از کمی فرصت‌وضیق‌وقت‌نگارنده نیز سرچشمه میگیرند در این کتاب اغلاط زیاد و اسقاط وتغییراتی‌در جملات‌راه یافته است‌که موجب تغییر مطلب شده‌اند ازاین روی به تصحیح اغلاط مغیر معنی اکتفاء می کندواز‌تصحیح اغلاطیکه بقرینه مقال‌ومقام قابل درك و اصلاحند خودداری می‌نماید و همینقدر می‌افزاید که بعضی حروف یا‌کلمات در حروفچینی پیش‌وپس افتاده ازبعضی جملات کلمه(است) و در دنباله آن واوی‌ساقط گردیده یا‌کلمه(که) ازقلم‌افتاده‌است یا‌کلمه باره باه چیده شده یا در مواردی حرف واو افزوده‌شده است یا‌کلمه (میباشد) ساقط گردیده است که تصحیح آنها نزداهل فن آسان است.

تصحیح

کتاب (قم و مشاهد)

یا جلد دوم گنجینهٔ آثار قم

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۲۲	۲۳	پس اگر	در حالیکه
۲۳	۲	باید معتقد	میتوان معتقد
«	۵	مجللی مزار	مجلل ومزار
«	۱۰	بقعه‌و	بقعه‌است که
«	۱۵	که بشکل	به‌شکل
«	۱۶	یاسه	وسه
«	۱۹	برای آتش	برای حفظ آتش
۲۴	۱۸	زاویه	تقاطع
«	۲۱	که‌جهات	که‌دهانه
«	۲۳	وچهارضلع	وطول‌هریك ازچهارضلع
۲۵	۲۰	جبهه	جبهه‌وطرفین
۲۶	۵	باچهار	باطرح چهار
«	۱۶	آنها چیزی	هرترنج یك‌اسم
۲۷	۵	اصفهان	اصفهان باشد
۲۸	۱۴	برقی	برق

غلطنامه

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۲۸	۱۹	صندوق عتیق	علاوه صندوق عتیقی
«	۲۳	کاتب	کاتب (که بنظر می رسد صنعه استاد غیاث بوده است)
۲۹	۲۳	خاتون میباشند	خاتون مدفونند
۳۰	۱۵	راز	را از
۳۱	۱۳	محلات	محلاتی
۳۳	۱۸	بوده اند	بوده اند که از رحلتشان خبر نداده است
۳۴	۱	هستندو پدر	پدر
۳۶	۷	مالکین نیمور	کشاورزان درسایه نفوذ مالکین نیمور
۳۷	۱۱	از بنی اعمام	مدفن بنی اعمام
«	۱۸	بقعه است که	بقعه میباشد
۳۸	۱۰	مخروطی شکل	نیم بیضی شکل
«	۱۹	نمودار است	فعلا آماده شده است
۳۹	۱۱	مخروطی	مثلث
۴۲	۲۳	جرزیا نیم طاقی	جرزی بالای نیم طاق
۴۴	۴	بیجقان	بیجگان واقع
۴۷	۱۹	متوفی	مدفونین
«	۲۰	اعم نجاری	اعم از نجاری ومنبت کاری وخانچه سازی واز حجاری
۵۱	۶	یا ازمدفن	یا اساساً درباره مدفن
۵۲	۲۲	و پس از	ولی پس از
۵۴	۲۳	بدن ومستندی	بدون مستندی
۵۶	۲	م	دوم
۵۷	۸	متفق شوند	متفق شدند
۵۹	۵	گردیده	گردیده است
۶۰	۶	بیرق بلند	پرچم بلند
۶۱	۷	مردنشلح	مردم نشلج
۶۴	۲	بروفق	کارها بروفق
۶۵	۲۲	وتابعه	تابعه و

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۶۸	۱۵	ومیم تانیث سلطان	وسکون میم تأنیث مؤنث سلطان
«	۲۳	وجبهه آن	وطاق آن
۷۹	۱۴	وقیصر	زقیصر
«	۲۱	بود	شود
«	۲۲	او گشته	اوست گشته
۶۰	۱۱	ملغی	مبلغی
۸۴	۱	۱۱۳۳	۱۱۳۳ وسنگاب دیگری درمحوطه صحن نصب شده است بشکل گلدان که بدین پایه ازنفاست نیست
«	۶	طرفین	طرفین ایوان داخلی
۸۵	۸	بداخل	روی بداخل
۸۷	۱۵	۳در	۳۰در
۹۲	۱	دو	دومتر
«	۳	میانه و	ومیانه
۱۰۳	۱۷	خلئهای درز ملاتهای عرض آجرها	خلئهای درز آجرها ازعرض
۱۰۵	۹	پیچ	پنج (کوچك)
«	۱۹	باچندراه پله	بایك راه پله
۱۰۶	۴	محمد بن محمد	محمود بن محمد
«	۱۴	بنظرمی رسد	بنظرمی رسد وممکن است سلطان محمود مدفون درصرم همین سید جلیل باشد چنانکه بیاید
۱۰۷	زیر کلیشه	صفحه	صفحه ۸۲
۱۰۸	۱۳	شهرهای نامبرده	شهرهای اطراف
۱۰۹	۸	کشوری علویه	کشور علوی حسین کوکبی
۱۱۰	۱۷	درشان ساوه	پس درشان ساوه نیز
«	۲۱	وپس برجهای مراقبت واخباری	پس برجهای مراقبتی وفرستنده وگیرنده اخبار

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۱۱۲	۳	متقاطع	متقاطع‌وعمود
«	۱۳	وقسمت	ودرقسمت
«	۲۰	برای‌صفه	برای‌احداث‌صفه
۱۱۵	۸	از کوچك	از کاشیهای‌ساده کوچك‌و
۱۱۹	۲۰	با نامهای	یا نامهای
۱۲۱	۳	روی آن	روی آن کتیبه‌شده‌است
۱۲۲	۶	زوایا	زوایای‌ایوان
۱۲۹	۱	باقیمانده	باقی بوده‌اند و
۱۳۲	۴	چهارمترو	چهارمتراست وتنها
«	۱۸	آتش بود	آتشی می‌نمود
۱۳۳	۱	کانال	کانال‌جنوبی
۱۳۷	۱	ودرهیچیك	ولی‌درهیچیك
۱۳۸	۱	بقعه‌و	بقعه‌ای‌با
۱۳۹	۵	خشتی ازهمان‌نوع	خشتی‌نابجاازهمان‌نوع کاشی
۱۴۲	۸	مستطیل	مستطیل‌است
۱۴۳	۱	کتاب ... مستوفی	کتیبه . متوفی
۱۴۴	۹	که‌مزارباقیه	که‌ازناحیه
۱۴۵	۱۶	آجری	آجری‌است
۱۴۶	۳	بقعه‌موردنظر	بقعه موردنظرمدفن علی‌الرضااست که احتمالا فرزند شاهزاده احمد مدفون در خاکفرج قم ازسادات‌افطسی‌است‌واینك
۱۴۹	۱۲	افزوده‌است	افزوده شده‌است
۱۵۵	۱۴	خورشید	خورشیدرا
۱۵۷	۱۰	سروده	سروده‌است
۱۵۹	۱۲	و به‌مسجد	وبامسجد
۱۶۱	۶	چه که	ازآنجائیکه
۱۶۲	۲	که‌یکچنین‌نام‌دهکده‌ای	که‌دهکده‌ای به‌چنین‌نام
«	۲۱	حکومت‌مکه‌داشت	درمکه حکومت داشت
۱۷۲	۷	همراهان‌اوست	همراهان اوبوده‌اند

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۱۷۲	۱۵	و بعقیده نگارنده یا	که محتمل است
«	۱۸	بارتفاع ۹متر	به‌ارتفاع ۶متر
۱۷۵	۲۱	کافی	کاشی
۱۷۸	۸	وجهات	اما درواقع متساوی الاضلاع وجهات
«	۱۵	جدار	جدای
۱۷۹	۱۲	آخری	آجری
«	۱۷	بقطر۱۱ وارتفاع۱۱	بقطر۹ وارتفاع۹
۱۸۱	۸	کهن‌چنارهای	کهنی ازچنارهای
۱۸۲	۱	جبار	نجار
۱۹۱	۱۰	بیش	بیش‌از
«	۱۳	واز برجسته	وسط برجسته
۲۰۳	۲	اما استخوان بندی	ولی‌استخوان بندی
«	۱۳	بدنه	در بدنه
۲۰۶	۱	مقصدسوم	مقصدچهارم
۲۱۲	۶	موردنظر	موردنظر برفراز تربت شاهزاده‌زکریا از احفاد امام کاظم
۲۱۵	۱۵	هرخانه‌ای	هرخانه خانه‌ای
۲۲۴	۹	ودیگری از آن مناره	ویکی‌دیگر مناره
«	۱۳	بظن‌قوی	بظن‌قوی میتوان گفت
۲۲۵	۱۴	۵۵۵	۵۵۶
۲۲۶	۲۳	امور بسیاری	بسیاری ازامور
۲۲۷	۷	مشهود	مشهور
«	۱۵	(به‌جز در همین میدان نبوده‌است	)
۲۲۸	۲۰	درسمرقند	درمرو
۲۳۱	۹	پادشاهان	پادشاهان وامراء ووزیران بواسطه عدم وجود مکان‌متناسبی برای‌سکونت‌همگی
۲۳۲	۱۷	تعلق‌خواجه	تغلق خواجه
«	۱۸	پیکی	پیشکشی

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۲۳۷	۱و۲	نبلیس	بتلیس (بدلیس)
۲۳۸	۲۳	منهدم‌و	منهدم‌گردیدچنانکه
۲۳۹	۵	منظور	منظور شده‌بود
۲۴۰	بین۱۷و۱۸	عبارات (مقصددوم در توصیف ایوان و مناره‌های زوجی) ساقط شده است	
۲۵۱	۵	خمسمائه	تسعمائه
۲۵۲	۱۴	فرورفتگی جای کتیبه کمربندی	فرورفتگی که‌جای کتیبه کمربندی است
۲۵۵	۲۰	که‌نسل‌موجودآن‌عصر شخصاً سانحه کشتن اورا دیده و	پس‌معمرین ازنسل‌حاضر که‌شخصاً سانحه قتل ویرادیده‌اند
«	۱۹	چهل‌سال	پنجاه‌سال
۲۵۸	۵	ومذهبی	وصنعتی
۲۶۰	۱۷	وهب	وهب‌لی
۲۶۴	۴	ونیم‌تنه‌استوانه‌ای	وازسطح بام استوانه‌ایست‌که
«	۵	وبه‌ارتفاع ۱۲مترداردد	وارتفاع ۱۲متراست
«	۹	وغرفه‌یادشده	وغرفه‌ای‌درجوار مأذنه‌یادشده
«	۱۲	که‌برفراز	که‌چون‌برفراز
۲۶۵	۱۷	به‌ترجمه	به‌ذکرحال
۲۶۹	۵	ازآن‌گنبد	گنبدازآن
۲۷۲	۸	میروند	میروند وفقطازخاکفرج نام‌میبرند
۲۷۶	۲۳	عباسیه‌بغداد	فاطمیه‌درمصر
۲۷۷	۱۴	درنتیجه	درنتیجه بفرمان‌المطیع‌لله عباسی‌دربغداد
۲۷۸	۲۳	گورستان‌نور	گورستان‌نو
۲۸۳	۹	که‌درون	متأسفانه‌درون
«	۱۳	شاه‌که	شاه‌است و
۲۸۴	۱۳	احمد	احمد وجداعلایش بدون وسائط
۲۸۵	۸	که‌بر	وبر
«	۱۱	وتاریخ	وتاریخ‌تعمیر

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۲۸۶	۱	هم‌دهین	هم‌رهین
«	۱۱	گردش	کردش
«		ایوان‌وصحن	ایوان شمالی وسه‌دریچه‌هم بسوی صحن
۲۸۷	۸	بتقوای	بفتوای
۲۸۸	۳	که‌حفظ	وحفظ
۲۸۹	۱۱	توصیف‌میگردد	توصیف ونسب آنان در مقصددوم ذکر می گردد
۲۹۵	۹	شده بودند	شده بودند که درفتنه ملك‌اشرف بهلاکت رسیدند
«	۱۰	اشرف‌افغانی	اشرف‌چوپانی
«	۱۲	وپناهندگی	وسرانجام اختفاء
۲۹۶	۲	کتیبه‌الحاقی	کتیبه کاشی منصوبه
«	۱۰	اماطبرسی	نقض نشودبه‌طبرسی‌چه‌که‌طبرسی
۲۹۷	۱۱	عصرمغول	عصرمغول بوده‌است
۲۹۸	۷	که‌سطح	وسطح
«	۱۵	یکی	که‌یکی
«	۲۱	ولی‌نام	هرچندنام
«	۲۳	امالوح	زیرا لوح
۳۰۰	۲	بنا براین	بنا براین‌میتوان‌گفت که
«	۳	مرقدین‌ومتصل بهم	مرقددوامامزاده
«	۱۳	هریك‌قاب‌دیگری‌است	هرقابی قابچه‌ایست‌ونیزازکاشی برجسته درآورده‌است
۳۰۲	۲۲	تجلی‌می بخشد	بطوراشتباهی‌نا بجا
۳۰۴	۲۳	نا بجا	
۳۰۵	۱	ومؤرای	ومؤدای
۳۰۷	۸	الصادق	الصادق است
«	۹	ودقیق	ودقیق‌است
«	۱۰	دقیق	رقیق
۳۰۸	۱۲	تزیین	تزیین ممتازو
۳۰۹	۷	خود	خور

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۳۰۹	۱۴	باز	یار
۳۱۱	۱۰	حنجری	حجری
۳۱۴	۹	خونین	خونین‌در دهکده سلیم‌آباد
۳۱۹	۱۴	درجانب	ومدرسه آن درجانب
«	«	قم	قم‌در دومقصد بایک مقدمه
۳۲۰	۲	وگنبدشاه‌جمال	وسه‌بقعه شاه‌جمال درسه‌مطلب
۳۲۲	۸	ولی‌دراینکه	ولی اینکه
«	۹	نسفی	منفی
۳۲۳	۲۲	بزرك‌است	بزرك‌عدل‌وثقه‌بوده‌است
۳۲۴	۶	نیاورد	نیاورده‌است
«	۱۰	منجم‌الدوله	نجم‌الدوله
۳۲۶	۱۹	وبقعه	چه‌که‌بقعه
۳۲۸	۱۱	وبابدنه	گچبری‌وبدنه
۳۳۰	۶	پرده‌گچی	که مستور درپس‌پرده‌گچی‌است
۳۳۶	۱۴	آن‌از	ازآن
۳۳۷	۱۰	برجسته	برجسته‌ایست
۳۴۱	۵	که‌نقاط	که‌حاوی نقاط
«	۲۰	که‌این‌نقطه	کدامین‌نقطه
«	۲۱	که ازنظر	که‌استاد سازنده آن‌ازنظر
۳۴۴	۵	بقعه	بقیه
«	۷	وهرنما	باطاقچه ونماسازی‌وهرنما
۳۴۵	۱	۵۰۰متر	۱۵۰متر
«	۲	۱۲۷۱	۱۲۶۹
«	۳	باابیات‌مشابه	وحتی‌ابیات یکنواخت
«	۱۶	مشهدتزیین	تزیین‌مشهد
۳۵۵	۱۶	بوده‌است	بوده‌است که‌ضمن‌توصیف‌گنبدعشقلی در این‌باره‌بحث خواهدشد
«	۱۸	شاه‌نشین	شاه‌نشینی
۳۶۵	۱۸	شاه‌اسمعیل	شاه‌اسمعیل‌است

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۳۶۸	۱۴	میان‌تهی	میان‌تهی‌است
۳۷۲	۵	ومسیر	ومسیرسابق
۳۷۳	۷	نامش	نام اوی‌وفرزندش
۳۷۵	۱	که‌معتمد	معتمد خلیفه
«	۲۲	تسعین	ثمانین
«	۲۳	انداخته	انداخته‌است که
۳۷۷	۱۵	بانقشه	قسمتی بانقشه
«	۱۶	نقشه‌بدیعی	نقشه‌گل و بوته‌های بدیعی
۳۷۹	۲	واز سلسله‌نسب‌وی	بنا براین باید گفت که‌ازسلسله‌نسب‌وی‌در کتب‌انساب
«	۳	نویسنده	نویسنده درکتیبه‌گچبری‌شده بقعه
۳۷۹	۲۳	درمحاذات	درموازات
۳۸۰	۲	مؤلفین	مؤلفین‌را
«	۳	ستمائه	ستمائه به اشتباه‌انداخته است درنتیجه
«	۴	برای‌اثبات تراش	برتراش
۳۸۱	۴	درگچبری	درگچبری‌نقوش
۳۸۲	۵	قامهت	قامت
۳۸۳	۸	دوقرن	تقریباً دوقرن
۳۸۴	۹	مقام	چه که‌مقام
«	۱۸	ازناحیه	درنتیجه ازناحیه
«	۲۱	مقام	مقام‌چندان عظمت‌یافتند که
«	۱۹	بود	وجودداشت
۳۸۶	۱	که‌در کلیه	که‌ارکان‌دولت در کلیه
«	۲۳	قادر	قدرت
۳۸۹	۴	بارگاه‌و	بارگاهی‌است که
«	۲۳	وسخن	چندانکه‌سخن
۳۹۰	۱	کشیده	کشیده‌شد
«	۲	مردم	درحالیکه‌مردم

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۳۹۰	۴	کاروان را به	کاروان‌را بر
۳۹۱	۱۴	روی	ازعبارات‌روی
۳۹۲	۳	پس باید گفت	وبالاخره چنین‌نتیجه گرفته‌است
«	۱۵	چون‌نگارنده	چون‌خودنگارنده
«	۲۳	جدا ودو	جداست‌چه که دو
۳۹۳	۳	اصیل‌تاریخی	اصیل‌باستانی
«	۴	گچبری‌آن	گچبری خود
۳۹۸	۸	سفیدکاری	قشرگچی
۳۹۹	۱۴ !	ولی‌چون‌زمین‌این‌باغچه بواسطه‌آنکه	ولی‌بواسطه‌آنکه این‌باغچه‌قرنها
۴۰۱	۱۱	سپاه‌یورش	یورش‌سپاه
«	۱۴	اورا	اورابعنوان
۴۰۲	۱	خطه	حکومت‌خطه
۴۰۵	۹	آب‌آن	آب‌آنرا
«	۱۷	یامأمن	یامأمن‌جسد
«	۲۰	دهنده	دهند
«	۲۱	بقم	به‌درب بهشت
۴۰۷	۶	تبلیسی	بتلیسی
۴۰۹	۵	نداند	نداشته‌اند
«	۶	بعمل‌آید	بعمل آورد
«	۹	نمای دوطبقه‌طرفین	نماچه دودرجه‌درطرفین‌آن
«	۱۵	به‌جزیکدرب	اینك فقط‌یکدرب آنها‌بازو
«	۱۶	یکمتر که	یکمتر بنظر می‌رسدوقدرمتیقن
«	۲۱	است که	و
۴۱۰	۱۶	زیباست	زیبائیست
۴۱۲	۱	جمله	فقط‌جمله
«	«	وتاریخ آنهم	متأسفانه تاریخ‌بنای‌گنبدهم
۴۱۳	۶	که‌همان	که‌نامبرده‌همان
«	۱۳	بسیار که	بسیاراست که
«	۲۱	باجدار آجری که	وجدارآجری می‌باشد

تصحیح

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۴۱۴	۱۰	ازجهات	درجهات
«	۱۹	وگنجینه	وازگنجینه‌های
«	۲۱	بقرینه	ولی بقرینه
۴۱۵	۳	متفاوت	ومتفاوت‌و
۴۱۷	۷	بوده باشند	یکنواخت بوده باشند
«	۱۲	میباشد	فرض گردد
«	«	و(اخاه)	وجمله‌های(اخاه)
۴۱۸	۲۲	هرزوجی‌مشابه	هردو قوسی زوجی‌ومشابه
۴۲۱	۱۷	زیاده زیباو	زیاده‌زیباست چنانکه
۴۲۲	۳	پوشش	پوشش صفه‌های‌هشتگانه
«	۱۲	اسپرهی	اسپرهر
۴۲۳	۲	ودرحاشیه	فقطدرحاشیه
۴۲۵	۳	متن برجسته‌ودوحاشیه آنها	دارای متنی برجسته بادوحاشیه
۴۲۶	۱۲	می بندند	بسته‌اند
۴۲۹	۲	به‌متساوی	متساوی
«	۴	که‌از	واز
۴۳۰	۱۹	هی‌چهار	هرچهار
۴۳۳	۶	خشت	خشت آن
۴۳۷	۱۷	اندز	اندرز
«	۲۰	خوانده و	همیخواندکه
۴۳۸	۲۱	نموداراست که‌درگودی است	کمربندی‌فرورفته نموداراست
۴۴۰	۱۰	قبل‌ازاقدام به‌مراسم	ضمن‌انجام تشریفات قبل‌ازتحلیف
۴۴۲	۲۱	به‌بیان	به‌بیان بیشتر
۴۴۳	۱۲	دوجرز طرفین	دونیم‌جرز درطرفین هرصفه
۴۴۴	۱	بانقوش	به نقوش
۴۴۷	۱۸	ازازهفت	ازنوع هفت

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۴۴۸	۲	کلوکی	دندانه‌ای
۴۵۲	۱۷	نمایاایوان	نمابندی یاایـوان
«	۲۱	چون‌بقعه‌رادرکنارخود انداخته‌استو	چون‌بقعه درکنار آن‌واقع است ولی
۴۵۵	۲۱	دارای‌ایوانچه‌مدخلی	دارای‌ایوانچه‌ای درجلو
۴۶۱	۱۶	۱۳۰۰	۱۳۰۸
۴۶۶	۵	به‌وصفی	به‌وضعی
۴۷۰	۱	اگرای	ای
«	۹	این‌خبر	صدق‌این‌خبر
۴۷۱	۳	بهیچیك	هیچیك
۴۷۵	۹	ازآجرکلوکی‌وتراش	ازآجر تراش بصورت جرز بادندانه
۴۸۰	۹	مرتبطو	مرتبط است‌که ازاین‌درگاهها
۴۸۱	۹	هرقسمت	هرسه‌قسمت روی‌هم‌رفته
۴۸۱	۸	ازآثار	ولبه گیلوئی وصفه‌های طرفین‌ولچکیهای کاشیکاری معقلی ازآثار
۴۸۵	۵	که‌مرقدوی	ومرقدوی باقعه‌وقبه زیبا
۴۸۷	۱۲	وسه‌کوچه‌قوسی	ومتشکل ازسه‌قوسی
«	۲۳	راهروی‌طرفین	راهرودرطرفین‌آن
۴۸۸	۱	زنانه	زمانه
«	۵	وتکرارآن	بتکرارآن نام پرداختند چنانکه
۴۹۰	۱۷	واسطعه.. ولی‌مؤلف	واسطه .. ومؤلف
«	۲۲	وچون	وبهرتقدیرچون
«	۲۳	متبذل‌زننده	متبذل ، زیاده‌زننده
۴۹۱	۴	که‌پس‌از	ونامبرده بعداز
۴۹۲	۱	ورکن‌الدوله	وچنین میگویند که‌رکن‌الدوله
۴۹۳	۱	زوایا	درزوایا وایجادنبشی
«	۳	وکتیبه	وکتیبه‌هائی اعم‌ازکاشی‌کاری وگچبری
«	۵	۱۳۰۰	۱۳۰۸

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۴۹۳	۱۰	در تعمیر	در تعمیر اینکه از آن بعمل آمده
«	۲۰	ودرگاه	ولی درگاه
۴۹۴	۴	باچهل	ومشتمل برچهل
«	۱۰	ازسکنه	ازسکنه گردیده
«	۱۳	میشویم	میشوند
۴۹۵	۹	که پنج مقصداست (تا) ذکر میشود که	که مشتمل بر پنج مقصداست و آخرین مقصد متضمن سه مطلب می باشد
۴۹۶	۱۵	(تعددونسب)	(یکی عدم توافق در تعداد دیگری عدم رعایت نسب)
۴۹۷	۷	نخواهیم بود	نخواهد بود
«	۱۶	ادعا	مؤلف کتاب مزبور ادعا
۳۹۸	۳	پس از	بوده است که پس از
«	۷	ومنقش	ومنقش بنقوش
«	۱۷	درمرکز	چه که درمرکز آن
۴۹۹	۲۱	مرقد	بقعه
۵۰۰	۷	زیرحجره سازی	که حجراتش زیرپوشش است
۵۰۱	۱۱	برخلق	مرخلق
۵۰۳	۱۵	عبارت آن	آن عبارت
۵۰۶	۷	درنتیجه	ناچار
۵۰۷	۱۰	وهفت زن	وپنج زن
۵۱۳	۱۹	ترکمان برای خود	ترکمان
«	۲۱	فرزندش	خلفش
۵۱۴	۶	واقع	واقع بود
«	۲۱	آینده منتشر خواهد شد	گذشته منتشر شده است
۵۱۵	۶	سطح آن	سطح صحن آن
«	۹	قدمت	ونشانه قدمت
۵۱۶	۱۲	وزیبائی	وزیبائی چیده شده است
«	۱۸	سازمان	ازناحیه سازمان

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۵۱۸	۵	وگلخانه	واستخرسالها
۵۱۹	۲	پوشش	پوشش‌وقبه
۵۲۲	۶	شیردار بر که نیست	شیر دارد و بر که نیست وابیات مربوط به بر که است
۵۲۴	زیر کلیشه‌ها	شاهزاده ابراهیم	شاهزاده ابراهیم مربوط بصفحه ۳۱۵
۵۲۵	۱۰	صرم‌دردومقصد	صرم در۳مقصد
«	۱۲	صرم	صرم‌مقصد سوم‌درتوصیف بقعه‌شاه‌سلیمان
«	۱۵	عشقعلی	عشقعلی بامقدمه‌ای درامور مربوطه
۵۲۶	۲	آثار بسیاری	آثارسنتی ومذهبی بسیاری
«	۷	هی‌منطقه	هرمنطقه
۵۲۸	۲	دراین‌مکان‌مدفون‌گردید	یعنی‌درهمین‌مکان‌مدفون‌گردیده‌است
«	۱۶	قرن‌نهم‌ودهم	قرون‌هشتم تادهم
۵۲۹	۷	وتصویرطاوسی نقاشی کرده	وتصاویری‌ازطیور آراسته‌اند
۵۳۳	۷	اهل‌ودقت	اهل‌فن بادقت
«	۲۱	بهاءالدین بن‌هتةالله	بهاءالدین بن‌هبةالله
۵۳۵	۷	سفید کرده‌اند	باگچ سفیدکاری کرده‌اند
۵۳۹	۲۱	در بین‌عرب‌است که	مشهوردربین‌عرب است که‌گفته‌اند
۵۴۲	۱۳	وبعداًهم	وبعداًدردوران‌غیبت‌صغری‌هم‌خودآنحضرت ازذکرنام خودشیعه رامنع فرموده که
«	۱۴	دستور	گفته
۵۴۳	۵	وی	مکتب‌وی
۵۴۴	۱	مفصل‌است	مفصل ودرکتب تراجم‌مسطور است که مقام‌را گنجایش نقل‌آن‌نیست
«	۱۳	ودرموردجعفر	امادرموردجعفر واکنش شیعه بدانجهت است که
۵۴۶	۸	وپس‌از	یعنی‌پس‌از
۵۴۷	۷	بوده‌است	بوده که مستند مؤلفان شده است‌زیرادر آنعصر هنوز تاریخ قم بفارسی ترجمه نشده بود

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۵۵۲	۱۶	وی که	که‌وی
۵۵۴	۲	به‌زیارت دراین بقعه	به‌زیارت مدفونان دراین بقعه
«	۴	که‌در مرئی‌ومنظرعموم واقعند	که‌در کتب حدیث درمرئی ومنظرعموم قراردارند
«	۵	بلکه‌ازاساس	بلکه‌رواق آن‌ازاساس
۵۶۱	۸	گردیده‌است	گردیده اند
۵۶۲	۱۲	بنت‌موسی‌است	بنت‌موسی‌وآنهم‌درمقبره با بلان‌مدفون‌است
۴۷۰	۵	که‌دوخشت	که‌سه‌خشت
۵۷۱		کلیشه‌وارونه چاپ‌شده‌است	
۵۸۰	۲	نورگیرند	نورگیراست
۵۹۱	۱۲	باچندنفروانتقالش	باچندفرزند و انتقال یکی از پسرانش بنام علی
«	۱۶	دوفرزنداو	دوفرزندعلی برطله ابن‌حسین
«	۶	هرگروهی	هرگرهی
۶۰۵	۴	اوزن‌حسن‌مقام	اوزن حسن‌مقام نقابت
«	۵	امام‌جمعه	امامت‌جمعه
۶۰۶	۱	درآمد	درآمد مؤیدمراتب است
«	۱۶	پوشانده‌است	فرا گرفته‌است
«	۱۹	فوقانی‌غرفه‌ای	فوقانی آنهاغرفه‌ایست
۶۰۷	۲	بدینسان	بالجمله دراین‌گنبد هشت حجره و هشت غرفه وجوددارد بدینسان
«	۳	مناسبت	مناسبت‌معتقدیم
«	۴	نمازگذار	بین‌افرادیکه‌درغرفه‌ها نمازمی‌گذارند
«	۱۱	آجرفروش	آجرفرش
«	۱۳	وبارسمی بندی	وبارسمی‌سازی‌ویزدی‌بندی
۶۰۹	۷	شیخ‌اباصلت	شاهزاده سیدعلی‌نیز
۶۱۸	۷	که‌مقر	که‌این‌غرفه‌هامقر

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۶۳۴	۶	نام‌بابا	عنوان بابا
«	۱۲	بلکه یك‌مقبره‌محض میباشد	بلکه بیك‌مقبره‌محض می‌ماند
«	۱۴	تمیه	تسمیه
۶۴۷	۱۸	هشت‌مضلع	هیئت‌مضلع
۶۵۹	۱	مطلب‌دوم	مقصددوم
۶۶۳	۵	طرح	این‌رؤیا جعل‌وطرح
۶۶۶	۷	سوارشدند	سوارشدیم
۶۶۸	۶	مبنی برپرساختن	باپرساختن
«	۷	مسموع	مسموع‌خدام مسجد بعداً
۶۷۰	۲۱	شده‌اند	شده‌است
»	۲۳	روی آن	که‌روی آن
۶۷۲	۱۶	محوطه‌محصور	محوطه‌محصور چهارجانب‌مسجد
۶۷۴	۲	ونه‌درمسیر	ونه‌این‌سرزمین درمسیر
«	۲۲	بریاست	برپاست
۶۷۶	۵	که‌درمرکز	که‌درجوار بازار ومرکز
۶۷۹	۳	اخصاد	احفاد
«	۱۶	درهای‌مزبور	جلودرهای‌مزبور
۶۸۰	۷	در بنای‌شبستان	بنای‌شبستان‌وسرداب
«	۲۳	می‌رود	واقع‌است
۶۸۱	۲	سرداب	سرداب‌امام‌و
۶۸۳	سطورذیل	کلیشه‌زایداست	
۶۸۴	۱۳	واحمد	که‌احمد
«	۸	امیراپیك	امبراپیك
۶۸۸	۳	وچهاردهم	تاچهاردهم
۶۹۲	۳	دوسال	بیست‌ودوسال
۶۹۵	۲۱	آباده	آبادو
۷۰۰	۱	بادری آهنی	بادرهای آهنی‌و
«	۶	زوایا	جرزهادرزوایا

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۷۰۳	۶	گچبری	گچی
۷۰۴	۱۲	ازفرزندش	بامساعی فرزندش
۷۰۵	۱۶	دومین	در بین
۷۰۷	۱۲	طاقبند	درگاهی درمدخل
۷۱۱	۶	۱۳۶۷	۱۳۷۴
۷۱۲	۴	مقاوم وتکیه گاه است و بنای تالار	تکیه گاه مقاوم است و بنای تالارخارجی
«	۱۲	وافی	وافی می باشد
»	۱۶	طبلیعی	فنی
۷۱۳	۹	ازمقام شامخی را	آن مقام شامخی
۷۱۴	۱۱	وسه تالار	ودو تالار وچهار تالارچه
«	۱۲	کوبنده	کوبنده باچهارصفحه ساعت نمای برفراز پایه ای مربع
«	۱۳	وغیرمرمری	ومنبرمرمری
۷۱۶	۲۰	ومحل وی قبر	ومحل قبروی
«	۲۲	تعیین نموده	درهمین راهرو تعیین فرمودو
۷۱۸	۱۰	دودرگاه	درگاهی
۷۱۹	۹	درزمینه	که زمینه آن
۷۲۰	۱۵	میتوان گفت	استچنانکه می توان گفت
۷۲۱	۵	وروی دست	و بالای دست
۷۲۲	۵	تعرق	تعریق
۷۲۴	۱۵	درب پائین	درگاه پائین
«	۲۰	نوشته	نوشته ومعرق
۷۲۵	۱۵	اضافی	اضافی است که جمعاً
۷۲۶	۵	استوانه	استوانه ای ازبتن مسلح
«	۷	کرده اندمیباشد	کرده اند
«	۱۲	که ازاره آن	وازاره مسجد
۵۲۷	۸	باپنج چشمه وشش قابچه	هرتالاری دارای پنج چشمه قاب بندی و هرچشمه ای مشتمل برشش قابچه

اغلاط

صفحه	سطر	خطاء	صواب
۵۲۸	۱۵	که‌اطراف سه‌درگاه‌زیبا	که‌اطراف‌هرسه درگاه بشکل‌زیبائی
«	۱۶	وبیش از شصت‌هزار	واین خزانه پنچاه‌هزار
«	۲۰	علاوه‌درمجاورت‌هر تالار	ودراضلاع‌شرقی‌وغربی‌صحن‌چهار تالارچه‌ودرمیانه آنهاهرطرف
«	۲۲	است‌ولی‌شرقی۸متر با	درغربی و۸متر درشرقی‌است‌دارای
۷۲۹	۲	ناگفته‌نماند که	نتیجه آنکه
«	۱۳	باضافه یك‌مخزن‌بزرك دارد و	ودری‌بقسمت بالای‌مخزن‌بزرگ دارد که
۷۳۰	۱۳	گنبدی‌شلجمی‌است که	پوششی‌عرقچینی‌است که قرساخت‌شده است و
«	۱۷	مسجدمی باشد	مسجددراین‌جلوخان گشوده‌می‌شود
۷۳۱	۳	درطرفین‌راهروئی	درطرفین‌یك‌راهرو
۷۳۲	۶	ورودی‌آن	وروی‌آن
«	۲۳	وسوره..خوانده‌می‌شود	وسور... می‌باشد
۷۳۳	۲۳	ساله‌عمر	ساله‌آخرعمر
۷۳۵	۷	تغییرسبك	سبك
۷۳۶	۷	وبرفرازاکثر..تالارها قسمتی	وبرفرازمدخل‌اکثرتالارها کتیبه‌ایست‌معرق وقسمتی‌هم‌کاشیهای‌خشتی‌وبعضی هم‌مزین
۷۳۹	۸	دوقوسی	دوقوسی‌ازسنگ‌وگچ
۷۴۰	۱۲	یابدانند	یابیابند
۷۴۱	۲	مشابه‌وبا	مشابهند ودارای
۷۴۴	۱۵	کوهی	کوهی‌قراردارد

پایان غلطنامه